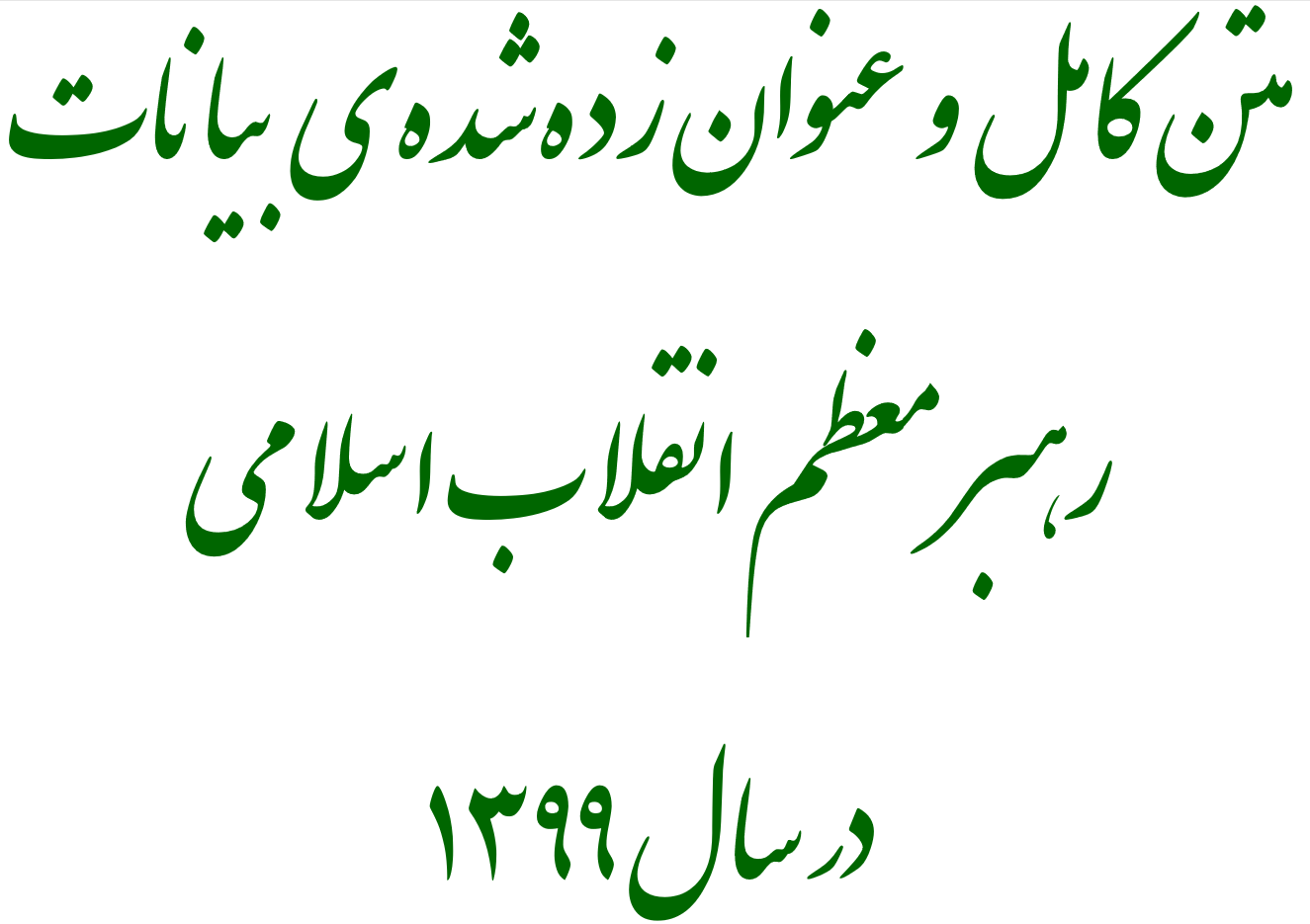
بسم الله الرحمن الرحیم





# فهرست

[\*\*\*فروردین 99 4](#_Toc67076078)

[پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ 4](#_Toc67076079)

[سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران به مناسبت آغاز سال نو و عید مبعث 3/1/1399 8](#_Toc67076080)

[پیام رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت سالروز ولادت حضرت ابالفضل ‌العباس و روز جانباز 10/1/1399 16](#_Toc67076082)

[سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج) 21/1/1399 17](#_Toc67076083)

[\*\*\*اردیبهشت 99 25](#_Toc67076084)

[پیام تسلیت درگذشت آیت‌الله امینی 6/2/1399 25](#_Toc67076085)

[سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم 6/2/1399 25](#_Toc67076086)

[ابلاغیه در موافقت با آزادسازی سهام عدالت 9/2/1399 30](#_Toc67076087)

[پیام به مناسبت روز معلم 12/2/1399 31](#_Toc67076088)

[بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی 17/2/1399 32](#_Toc67076089)

[بیانات در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا 21/2/1399 43](#_Toc67076090)

[بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در دیدار رمضانی 28/2/1399 47](#_Toc67076091)

[\*\*\*خرداد 99 59](#_Toc67076092)

[سخنان تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس 2/3/1399 59](#_Toc67076093)

[پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی 7/3/1399 64](#_Toc67076094)

[حکم انتصاب دکتر لاریجانی به مشاورت رهبری و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت 8/3/1399 66](#_Toc67076095)

[سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) 14/3/1399 66](#_Toc67076096)

[\*\*\*تیر 99 78](#_Toc67076097)

[بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه‌ی قضائیه 7/4/1399 78](#_Toc67076098)

[بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی 22/4/1399 88](#_Toc67076099)

[خبر – دیدار نخست وزیر عراق 31/4/1399 97](#_Toc67076100)

[\*\*\*مرداد 1399 99](#_Toc67076101)

[پیام به‌مناسبت ایام حج 8/5/1399 99](#_Toc67076102)

[بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان 10/5/1399 102](#_Toc67076103)

[حکم انتصاب نماینده‌ی ولی‌فقیه و امام جمعه‌ی کاشان 27/5/1399 116](#_Toc67076104)

[\*\*\*شهریور 1399 117](#_Toc67076105)

[بیانات در ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت 2/6/1399 117](#_Toc67076106)

[بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش 11/6/1399 128](#_Toc67076107)

[حکم انتصاب نماینده ولی فقیه در استان کردستان و مدیر مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور 12/6/1399 137](#_Toc67076108)

[بیانیه‌ی رهبر انقلاب در پی اهانت نشریه‌ی فرانسوی به ساحت مقدس پیامبر اعظم(ص) 18/6/1399 137](#_Toc67076109)

[پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی درپی درگذشت آیت‌الله صانعی 22/6/1399 138](#_Toc67076110)

[حکم انتصاب نماینده ولی‌فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی 24/6/1399 138](#_Toc67076111)

[بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس 31/6/1399 139](#_Toc67076112)

[\*\*\* مهر 1399 151](#_Toc67076113)

[پیام به مناسبت روز تجلیل‌ از شهیدان‌ و ایثارگران 3/7/1399 151](#_Toc67076114)

[بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح 21/7/1399 151](#_Toc67076115)

[\*\*\* آبان 1399 157](#_Toc67076116)

[خبر – جلسه‌ی ستاد ملی مقابله با کرونا در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی 3/8/1399 157](#_Toc67076117)

[بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام صادق(ع) 13/8/1399 160](#_Toc67076118)

[\*\*\* آذر 1399 170](#_Toc67076119)

[خبر - دیدار اعضای شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی 4/9/1399 170](#_Toc67076120)

[پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان 5/9/1399 172](#_Toc67076121)

[پیام رهبر انقلاب اسلامی به‌مناسبت شهادت دانشمند برجسته آقای محسن فخری‌زاده 8/9/1399 172](#_Toc67076122)

[انتصاب نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان خراسان شمالی و امام‌جمعه‌ی بجنورد 18/9/1399 173](#_Toc67076123)

[پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله یزدی 19/9/1399 173](#_Toc67076124)

[دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده‌ی‌ شهید سلیمانی 26/9/1399 174](#_Toc67076125)

[بیانات در سخنرانی تلویزیونی به‌مناسبت ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار 30/9/1399 178](#_Toc67076126)

[\*\*\* دی 1399 180](#_Toc67076127)

[پیام تسلیت درپی درگذشت عالم ربانی، فقیه وحکیم مجاهد آیةالله مصباح یزدی 13/10/1399 180](#_Toc67076128)

[بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی 19/10/1399 180](#_Toc67076129)

[\*\*\* بهمن 1399 190](#_Toc67076130)

[خبر - دیدار خانواده‌ی دانشمند شهید محسن فخری‌زاده 6/11/1399 190](#_Toc67076131)

[بیانات در ارتباط تصویری با مداحان 15/11/1399 191](#_Toc67076132)

[دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش 19/11/1399 198](#_Toc67076133)

[ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی 29/11/1399 203](#_Toc67076134)

[\*\*\* اسفند 1399 214](#_Toc67076135)

[پیام رهبر انقلاب به پنجاه‌وپنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا 2/12/1399 214](#_Toc67076136)

[دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 4/12/1399 214](#_Toc67076137)

[دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی بزرگداشت سیّدمرتضی 6/12/1399 221](#_Toc67076138)

[بیانات پس از کاشت نهال در روز درختکاری 15/12/1399 223](#_Toc67076139)

[پیام رهبر انقلاب به کنگره‌ی ملی هفده هزار زن شهید، آزاده و جانباز 19/12/1399 225](#_Toc67076140)

[بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث 21/12/1399 226](#_Toc67076141)

# \*\*\*فروردین 99

# پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹

بسم الله الرّحمن الرّحیم

یا مقلّب القلوب و الابصار، یا مدبّر اللیل و النّهار، یا محوّل الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال.

## صلوات مخصوص حضرت موسی‌بن‌جعفر

نوروز امسال ما مصادف است با روز شهادت حضرت موسی‌بن‌جعفر (سلام ‌الله ‌علیه)؛ لذا مناسب است بخشی از صلوات مخصوص آن بزرگوار را در آغاز سخن عرض کنیم: اَللهُمَّ صَلِّ عَلی مُوسَی بنِ جَعفَرٍ وَصیِّ الاَبرارِ وَ اِمامِ الاَخیارِ وَ عَیبَةِ الاَنوارِ ... حَلیفِ السَّجدَةِ الطَّویلَةِ وَ الدُّموعِ الغَزیرَةِ وَ المُناجاةِ الکَثیرَة؛[[1]](#footnote-1) اللٰهمّ صَلّ علیه و علی آبائه و ابنائه الطّیّبین الطّاهرین المعصومین و رَحمة الله و برکاته.

## تبریک به همه‌ی خدمتگزاران سخت‌کوش

تبریک عرض می‌کنم عید سعید مبعث را و عید نوروز پُرطراوت را به همه‌ی ملّت عزیز ایران؛ به‌خصوص به خانواده‌های معظّم و معزّز شهیدان و به جانبازان و خانواده‌های صبور و زحمت‌کش آن‌ها و به جهادگران عرصه‌ی سلامت که در این چند هفته خوش درخشیدند و به همه‌ی خدمتگزاران سخت‌کوشی که در شرایط دشوار، گوشه‌ای از کار را بر عهده گرفتند و با اخلاص و علاقه‌مندی و انگیزه در فضای شهر، در فضای روستا، در فضای جادّه، در فضای مرز، و در جای‌جای کشور مشغول خدمت هستند؛ به همه‌ی آن‌ها تبریک عرض می‌کنم؛ عیدتان مبارک. و به روح مطهّر امام بزرگوار و ارواح طیّبه‌ی شهیدان درود میفرستم.

## تسلیت و تبریک به خانواده‌های شهدای سال ۹۸

لازم می‌دانم تسلیت و تبریکی هم عرض بکنم به خانواده‌های شهدای سال ۹۸؛ چه شهدای دفاع از حرم، چه شهدای مرزها و در رأس آن‌ها شهید عزیز و بزرگوار ما، شهید سردار سلیمانی و همراهانش، و شهید ابومهدی مهندس و همراهانش و همچنین شهدای حادثه‌ی کرمان، و شهدای حادثه‌ی هواپیما و شهدای سلامت، [یعنی] این کسانی که در راه خدمت به بیماران به درجه‌ی رفیع مرگ در راه خدا و شهادت در راه خدا رسیده‌اند؛ به همه‌ی خانواده‌هایشان، هم تسلیت عرض می‌کنیم، هم عید را و مقامات فرزندانشان را تبریک می‌گوییم.

## تمام شدن این حوادث به نفع ملّت ایران

و معتقدیم که همه‌ی این حوادث ان‌شاء‌الله به نفع ملّت ایران تمام خواهد شد که حالا عرض می‌کنیم.

## سختی‌های سال 98

سال ۹۸ برای ملّت ایران یک سال پُرتلاطم بود؛ سالی بود که با سیل آغاز شد، با کرونا تمام شد. در طول سال هم حوادث گوناگونی برای کشور و برای برخی از مردم کشور پیش آمد؛ حوادثی از قبیل زلزله، تحریم‌ها و امثال این‌ها. اوج این حوادث عبارت بود از جنایت تروریستی آمریکا و شهادت سردار نامدار ایران و اسلام، شهید سلیمانی. در طول سال گرفتاری‌های مردم هم کم نبود؛ سال به این شکل گذشت؛ بنابراین سال سختی بود.

## سربلندی‌های سال 98

لکن نکته‌ی مهم این است که در کنار سختی‌ها، سربلندی‌هایی هم در این سال وجود داشت که بعضی از آن‌ها هم بی‌سابقه بود و ملّت ایران به معنای واقعی کلمه درخشید.

در سیل اوّل سال، سیلِ مردم مؤمن و باهمّت، به سمت استان‌های سیل‌زده و شهرها و روستاهای سیل‌زده روانه شدند برای کمک به مردم. مردم عزیز ما -از پیر و جوان- مناظر زیبایی خلق کردند و رفتند به سمت مناطق سیل‌زده، خانه‌ها را که پُر از گل‌ولای بود شستند، خالی کردند، اثاث و فرش و زندگی را برای آن مردم شستند و سختی سیل را تخفیف دادند برای مردم.

در حادثه‌ی شهادت بزرگِ شهید عزیز ما، مردم یک حرکت عظیمی را انجام دادند؛ حضور دَه‌ها میلیونی خودشان را به رخ دنیا کشیدند. آن اجتماعی که در تهران تشکیل شد و اجتماعاتی که در قم، در اهواز، در اصفهان، در مشهد، در تبریز، در کرمان تشکیل شد، اجتماعاتی بود که به طور معمول در هیچ نقطه‌ای از دنیا به این حجم و با این شدّت و با این انگیزه انسان مشاهده نمی‌کند؛ در تاریخ ما هم بی‌نظیر بود. حضور مردمی و هیجان عمومی و این‌که مردم نشان بدهند به چه چیزهایی دلبسته هستند، خیلی مهم بود برای آبروی کشور و برای عزّت ملّت ایران.

در قضیّه‌ی این بیماری اخیر، [یعنی] کرونا، فداکاری‌ها به قدری چشمگیر بود که افرادی را که در خارج از این کشور هم هستند به تحسین وادار کرد؛ در درجه‌ی اوّل مجموعه‌های درمانی؛ پزشکان، پرستاران، بهیاران، مدیران، کارکنان حول و حوش بیمارستان‌ها. در کنار این‌ها مجموعه‌های مردمی داوطلب، دانشجویان، طلّاب، بسیجی‌ها و عناصر گوناگون که رفتند در خدمت درمان و پرستاری از این بیماران قرار گرفتند، به یاری درمان‌کنندگان رفتند؛ همه‌ی این‌ها مایه‌ی عزّت و آبرو است. مجموعه‌های پشتیبانی، کسانی که کارخانه‌های خودشان را، حتّی بعضی خانه‌های خودشان را در اختیار تولید وسایل و امکانات مورد نیاز مثل دستکش یا فرض کنید که ماسک و از این قبیل برای بیماران یا برای عامّه‌ی مردم، آحاد مردم قرار دادند. مجموعه‌های خدماتی، مثل آن کسانی که رفتند درون خیابان‌ها برای ضدّعفونی کردنِ خیابان یا حتّی نقاطی که مردم به آن‌ها مراجعه می‌کنند. یا مجموعه‌هایی مثل جوان‌هایی که تصمیم گرفتند به افراد مسن کمک کنند، درِ خانه‌های آن‌ها بروند، خریدهای آن‌ها را انجام بدهند. یا آنهایی که اجناسی را تهیه کردند، مجّانی به مردم دادند؛ دستکش مجانی، ماسک مجانی. بعضی به کسبه‌ی مشکل‌دار کمک کردند؛ اجاره نگرفتند، طلبکاری‌های خودشان را به تأخیر انداختند و از این قبیل خدماتی که انجام گرفت.

### نشان دادن فضایل ملّت

این‌ها آن زیبایی‌هایی است که در خلال حوادث سخت خودش را نشان می‌دهد؛ ملّت ایران، فضایل خودش را در این مجموعه‌ها، در این کارهایی که من به اندکی از آن‌ها اشاره کردم، نشان داد. من قلباً و صمیمانه از همه‌ی آن کسانی که اشاره کردم و نام بردم تشکّر می‌کنم و مژده می‌دهم که پاداش الهی در انتظار آن‌ها است؛ چه پاداش دنیوی و چه پاداش اخروی.

## غلبه بر دشواری‌ها؛ موجب قدرتمند شدن یک ملّت

خب، این یک آزمون دشوار بود. آزمون‌های سال ۹۸، آزمون‌های دشواری بود امّا غلبه‌ی بر دشواری‌ها و عبور از دشواری‌ها با روحیه، این خود موجب قدرتمند شدن یک ملّت است. یک ملّت با راحت‌طلبی و رفاه‌جوییِ محض نخواهد [توانست] به جایی برسد؛ مواجهه‌ی با مشکلات و حفظ روحیه‌ی خود در مقابله‌ی با مشکلات و غلبه‌ی بر مشکلات -که ان‌شاء‌الله این غلبه را ملّت ایران کرده است و بعد از این هم خواهد کرد- است که به ملّت‌ها اقتدار و اعتبار می‌دهد.

## توجّه به ضعف‌های خود

یک نکته‌ی دیگر هم البتّه در این حوادث هست -چه حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و امثال اینها، چه حوادث دست‌ساز بیگانه‌ها مثل تحریم و امثال اینها- که انسان را متوجّه ضعف‌های خودش می‌کند؛ چه ضعف‌های طبیعیِ خودمان، که انسان بداند جای مغرور شدن نیست، ما همه ضعیف هستیم، آسیب‌پذیر هستیم، و چه ضعف‌هایی که در مواجهه‌ی با حوادث، انسان به طور قهری دچار آن ضعف‌ها می‌شود.

### خروج از غرور و غفلت و متوجّه خدا شدن

ضعف‌های خودمان را بشناسیم؛ انسان از غرور و از غفلت خارج بشود، متوجّه خدا بشود، از خدا کمک بخواهد. خابَ الوافِدونَ عَلیٰ غَیرِکَ وَ خَسِرَ المُتَعَرِّضونَ اِلّا لَکَ وَ ضاعَ المُلِمّونَ اِلّا بِک؛[[2]](#footnote-2) این از دعاهای ماه رجب است. فقط به درِ خانه‌ی خدا باید رفت؛ درِ خانه‌ی «دیگری» برویم، ناامید برمی‌گردیم؛ دست به طرف «دیگری» غیر از خدا دراز کنیم، دستمان تُهی برخواهد گشت.

#### نسبت استفاده از اسباب و خواستن از خدا

همه‌ی ابزارهای عالم وسایل الهی هستند، او مسبّب‌الاسباب است؛ با این اسباب باید کار کنیم، از این اسباب استفاده کنیم، امّا نتیجه و اثر را از خدای متعال بخواهیم. این هم یک نکته.

## دعا و توسّل برای کشور

و اما سال ۹۹، که در حال شروع شدن است. اوّلاً از خدای متعال می‌خواهیم که این سال را سال پیروزی‌های بزرگ قرار بدهد و به حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) که ناخدای این کشتی او است، عرض می‌کنیم که کشورِ خودش را به ساحل نجات برساند، مردم مؤمن ایران را حمایت کند، کمک کند.

## برخوردِ با روحیه و با امید با حوادث

به ملّت ایران هم عرض می‌کنم همان طور که در طول این سالهای متمادی -نه فقط سال ۹۸- با حوادث گوناگون شجاعانه برخورد کردند، با روحیه برخورد کردند، بعد از این هم با روحیه و با امید برخورد کنند با همه‌ی حوادث، و مطمئن باشند که تلخی‌ها خواهد گذشت، و «اِنَّ‌ مَعَ العُسرِ یُسرًا».[[3]](#footnote-3) قطعاً یُسر در انتظار ملّت ایران است؛ در این تردیدی نیست.

### تلاش همه‌ی تشکیلاتِ کشور

این‌که حالا بعضی تصوّر کنند که در فلان نقطه‌ی از تشکیلاتِ کشور کم‌کاری می‌شود، این را هم بنده تأیید نمی‌کنم. ما از نزدیک شاهد هستیم، می‌بینیم؛ همه مشغولند، همه مشغول کار و تلاشند، هر کس به قدر خودش؛ مجموعه‌های علمی و تحقیقی یک جور، فعّالان اجتماعی یک جور، مسئولان دولتی و قضائی یک جور، و ان‌شاء‌الله خداوند متعال به همه‌ی این تلاش‌ها هم برکت خواهد داد و ملّت را از این گذرگاه، با عافیت و با سربلندی ان‌شاء‌الله عبور خواهد داد.

## استقبال از شعار سال 98

و امّا شعار سال. سال ۹۸ را ما به عنوان سال «رونق تولید» معرّفی کردیم و من به ملّت عزیز ایران عرض می‌کنم از این شعار استقبال شد، در عمل؛ حالا در آغازِ کار، صاحب‌نظران استقبال کردند، گفتند تولید نقطه‌ی اصلی است امّا در عمل هم استقبال شد. طبق گزارش‌های موثّقی که در اختیار بنده هست، تولید کشور حرکتی پیدا کرد؛ برخی از کارخانه‌هایی که راکد شده بودند و تعطیل شده بودند، به کار برگشتند؛ بعضی که زیر ظرفیّت کار می‌کردند، ظرفیّت خوبی پیدا کردند؛ شرکت‌های دانش‌بنیان وارد میدان شدند؛ دستگاه‌های مختلف تلاش کردند و کار کردند، تولید حرکتی پیدا کرد، یک کاری انجام گرفت. مسئله‌ی پژوهش -که سرچشمه‌ی تولید، پژوهش و تحقیق است- در کشور به طور جدّی در این سال انجام گرفت که ما نمونه‌هایش را دیدیم.

### کار انجام شده؛ یک‌دهمِ آن چیزی که برای کشور احتیاج است

خب، این کارها شده است در کشور، این جور نیست که کار نشده باشد، لکن آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این کاری که تا حالا شده شاید حتّی یک‌دهمِ آن چیزی که برای کشور احتیاج است نباشد. البتّه من «یک‌دهم» را از روی آمارِ دقیق نمی‌گویم، بلکه حدس می‌زنم «یک‌دهم»؛ یعنی شاید واقعاً ده برابرِ این، کار باید انجام بگیرد؛ چه کار تحقیقی، چه کار تولیدی، چه کارهای گوناگون از همین قبیل، تا رونق تولید در زندگی مردم اثر خودش را نشان بدهد. در سال ۹۸ تولید تکان خورد، حرکت کرد و راه افتاد تا یک حدودی، لکن اثری در زندگی مردم از آن محسوس نشد. ما بایستی تولید را به جایی برسانیم که در زندگیِ مردم اثر بگذارد.

## تولید، دارای یک نقش یگانه و بی‌همتا در مسائل اقتصادی کشور

البتّه مسائل اقتصادی کشور مسائل متعدّدی است -مسئله‌ی اصلاحات بانکی، اصلاحات گمرکی، اصلاحات مالیاتی، بهبود فضای کسب و کار و از این قبیل- لکن نقش تولید یک نقش یگانه و بی‌همتایی است.

### تمام شدن مشکلات اقتصادی با حرکت دادن تولید / سودهای تحریم

اگر ما بتوانیم تولید را راه بیندازیم و با توجّه به بازارِ وسیعِ خودِ کشور در داخل -اگر چه که تولید به فروش و به بازارهای خارجی احتیاج دارد، امّا ما هم ضمن این‌که می‌توانیم با بازارهای خارجی ارتباط داشته باشیم، عمده‌ی بازار فروش ما داخل کشور است با این جمعیّت هشتاد میلیونی- اگر بشود تولید را ان‌شاء‌الله حرکت بدهیم و پیش ببریم، مشکلات اقتصادی قطعاً تمام خواهد شد و این تحریم‌هایی که کرده‌اند به نفعِ ما تمام خواهد شد؛ تا الان البتّه ضررهایی داشته لکن سودهایی هم در کنارش وجود داشته؛ یعنی ما را وادار کرده به این‌که به فکر امکانات خودمان باشیم، به فکر تهیّه‌ی لوازم زندگی و نیازهای کشور از طریق امکانات داخلی باشیم، که این برای ما خیلی مغتنم است و همین ان‌شاء‌الله ادامه پیدا خواهد کرد. پس بنابر‌این، ما باز به تولید نیاز داریم.

## سال جهش تولید برای تغییر محسوس در زندگی مردم

سال گذشته گفتیم «رونق تولید»، امسال بنده عرض می‌کنم «جهش تولید»؛ امسال سالِ جهشِ تولید است. این شد شعار امسال؛ کسانی که دست‌اندرکار هستند جوری عمل کنند که تولید ان‌شاء‌الله جهش پیدا کند و یک تغییر محسوسی در زندگی مردم ان‌شاء‌الله به وجود بیاورد.

## احتیاج به برنامه‌ریزی و مشارکت این‌ها در برنامه‌ریزی‌ها

البتّه این احتیاج به برنامه‌ریزی دارد؛ سازمان برنامه به نحوی، مجلس شورا و مرکز تحقیقاتش به نحوی، قوه‌ی قضائیّه به نحوی -قوه‌ی قضائیّه هم نقش دارد- مجموعه‌های دانش‌بنیان به نحوی. مجموعه‌های جوان و مبتکر بحمدالله در کشور زیادند و بنده در طول امسال -سال ۹۸- و سال قبل، با تعدادی از این‌ها نشست‌های بسیار خوب و مفیدی داشتم، آن‌ها را از نزدیک دیدم، حرف‌هایشان را از نزدیک شنفتم؛ جوان‌های علاقه‌مند به کار و پای کار و پُر‌امید و پُر‌نیرو و پُر‌انگیزه و پُر استعداد و ابتکار. این‌ها بحمدالله هستند؛ این‌ها باید همه در برنامه‌ریزی‌ها شرکت کنند و این کار با برنامه‌ریزی ان‌شاء‌الله پیش برود.

امیدواریم که سال بر همه‌ی شما مبارک باشد و عید سعید مبعث بر همه‌ی شما مبارک باشد و ان‌شاء‌الله مشمول توجّهات الهی قرار بگیرید و ملّت ایران به طور روز‌افزون به توجّهات و توسلات و معنویّاتِ خود بیفزاید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

# سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران به مناسبت آغاز سال نو و عید مبعث 3/1/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفیٰ محمّد (صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌) و علی اهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الارضین. اللهمّ صلّ علی علیّ بن موسی الرّضا ولیّک عدد ما فی علمک صلاة دائمة بدوام ملکک و سلطانک. اللهمّ سلّم علی ولیّک علیّ بن موسی الرّضا عدد ما فی علمک سلاماً دائماً بدوام ملکک و سلطانک و جبروتک.

## صلوات خاصّه از دور

ما هر سال مراسم اوّل سال را در زیر سایه‌ی حریم حضرت علیّ بن موسی الرّضا (سلام الله علیه) برگزار می‌کردیم در خدمت مردم عزیز مشهد و زوّار عزیزی که از سراسر کشور در مشهد حضور داشتند؛ نوروزمان با این دیدار مزیّن می‌شد، امسال محرومیم.

گر چه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

بُعد منزل نبود در سفر روحانی[[4]](#footnote-4)

به نظرم بهتر این است که هر کدام هر جا هستیم، از راه دور صلوات مخصوصه را عرض کنیم: اَللهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلیٰ‌ عَلیِّ‌ بنِ‌ موسَی‌ الرِّضَا المُرتَضَی الاِمامِ التَّقیِّ النَّقیِّ وَ حُجَّتِکَ عَلیٰ مَن فَوقَ الاَرضِ وَ مَن تَحتَ الثَّرَی الصِّدّیقِ الشَّهیدِ صَلاةً کَثیرَةً نامیَةً زاکیَةً مُتَواصِلَةً مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً کَاَفضَلِ ما صَلَّیتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِن اَولِیائِک.[[5]](#footnote-5)

## تبریک

عید سعید مبعث را تبریک عرض می‌کنم؛ امروز جزو بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی ما است. همچنین مجدّداً عید نوروز و حلول بهار را به همه‌ی ملّت عزیزمان تبریک عرض می‌کنم.

## اهمّیّت مبعث

مبعث روز بسیار باعظمتی است؛ اهمّیّت مبعث را باید بفهمیم، بدانیم. مبعث پیغمبر اسلام حادثه‌ و واقعه‌ای است که خداوند متعال از پیغمبرانِ دیگر نسبت به این واقعه میثاق گرفته است، تعهّد گرفته است. وَ اِذ اَخَذَ اللهُ‌ میثاقَ‌ النَّبِیّینَ لَما ءاتَیتُکُم مِن ‌کِتٰبٍ‌ وَ حِکمَةٍ ثُمَّ جاٰءَکُم رَسولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُم ‌لَتُؤمِنُنَّ بِه وَ لَتَنصُرُنَّه؛[[6]](#footnote-6) [طبق] این آیه‌ی شریفه، خدای متعال از پیامبرانِ بزرگِ طولِ تاریخ تعهّد گرفته است که به پیغمبر اسلام که مثل امروزی مبعوث می‌شود، هم ایمان بیاورند، هم او را یاری کنند. خب ایمان که معلوم است. یاری به معنای این است که او را به کسان خودشان، به امّت خودشان، به پیروان خودشان معرّفی کنند و از آن‌ها بخواهند که به او بگروند و ایمان بیاورند؛ حدّاقلّ نصرت پیغمبران این است؛ خداوند این را از این‌ها پیمان گرفته. لذا شما ملاحظه می‌کنید در یک آیه‌ای از قرآن [می‌فرماید]: اَلَّذی یَجِدونَه مَکتوبًا عِندَهُم فِی التَّوریٰةِ وَ الاِنجیل؛[[7]](#footnote-7) یعنی نام و نشان و خصوصیّات پیغمبر ما، در تورات و انجیلِ تحریف‌نشده وجود داشته است. یا در یک آیه‌ی دیگر، خداوند از قول حضرت عیسیٰ می‌فرماید: وَ اِذ قالَ عیسَی ابنُ مَریَمَ یٰبَنی اِسراءیلَ اِنّی رَسولُ اللهِ اِلَیکُم مُصَدِّقًا لِما بَینَ یَدَیَّ مِنَ التَّوریٰةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسولٍ یَأتی مِن بَعدِی اسمُه اَحمَد؛[[8]](#footnote-8) حضرت عیسیٰ اسم این بزرگوار را هم بیان می‌کنند.

این بنابراین یک حادثه‌ی این چنینی است که در نهج‌البلاغه هم به همین اشاره شده، که حضرت می‌فرمایند: اِلی اَن بَعَثَ اللَهُ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَهِ صلّی الله علیه و آله لِاِنجازِ عِدَتِه وَ تَمامِ نُبُوَّتِه مَأخُوذاً عَلَی النَّبیّینَ مِیثاقُه؛[[9]](#footnote-9) یعنی از پیغمبران خدای متعال میثاق گرفته است، تعهّد گرفته است که با او این گونه رفتار بکنند.

## محتوای عظیم مبعث

خب این بعثت محتوای عظیمی داشت. من راجع به این محتوای بعثت مختصری می‌گویم و این مسئله را متّصل می‌کنم، مرتبط می‌کنم با وضع خودمان و امروز خودمان که برای ما از لحاظ عملی و کاربردی هم دارای تأثیر است، صرف اعتقاد نیست.

بعثت و وحی الهی، حقایقی را برای مردم روشن کرد؛ برای بشریّت حقایقی را روشن کرد. این حقایق به نحوی است که اگر آحاد بشر و جوامع گوناگون بشری به این حقایق ایمان بیاورند و عملاً ملتزم بشوند، حیات طیّبه به این‌ها خواهد رسید.

### معنای حیات طیّبه

حیات طیّبه یعنی چه؟ یعنی زندگی شیرین و پُرفایده و مطلوب، حیات پاکیزه؛ پاکیزه بودنش به این است که مطلوب باشد، شیرین باشد، انسان را در صراط کمال کمک کند به حرکت و برخوردار از همه‌ی زیبایی‌ها و نیکویی‌ها باشد، هم در دنیا و هم در آخرت. این حیات طیّبه است.

اگر دل‌ها به این معارف، به این حقایق آشنا بشوند، به آن بگروند و بر لوازم آن پایبند باشند، حیات طیّبه قطعاً در انتظار آن‌ها است.

### منظومه‌ی معرفتیِ اسلام

خب یک بخش این حقایق عبارتند از منظومه‌ی معرفتیِ اسلام، که منظومه‌ی معرفتی اسلام یعنی نظر اسلام درباره هستی، درباره‌ی انسان، درباره‌ی نقش انسان در عالَم، درباره‌ی ذات اقدس پروردگار، درباره‌ی صفات و اسمای الهی که در دعای کمیل می‌خوانیم: مَلَأَت اَرکانَ کُلِّ شَیء، یا در دعای ماه رجب می‌خوانیم: بِهِم مَلَأتَ سَمائَکَ وَ اَرضَک، که درباره‌ی مسیر انسان در دنیا و پس از مرگ و امثال این‌ها حقایق بسیار مهمّی هست و این‌ها سلسله‌ی معرفتی اسلام، منظومه‌ی معرفتی اسلام هستند؛ این‌ها را به بشریّت تعلیم می‌دهد و انسان‌ها را هشیار می‌کند و بیدار می‌کند.

### منظومه‌ی ارزشیِ اسلام

یک بخش دیگر از این حقایق، منظومه‌ی ارزشیِ اسلام است، ارزش‌هایی که اسلام آن‌ها را تثبیت کرده است، یعنی به عنوان ارزش آن‌ها را شناخته است؛ که آحاد مردم و جوامع مردمی موظّفند خودشان را به این ارزش‌ها نزدیک کنند [و به سمت آنها] پیش ببرند؛ سعادتشان در این است. از مثل خلقیّات فردی که انسان دارای صبر باشد، دارای حلم باشد، دارای گذشت باشد و امثال این‌ها که صفات فردی انسان‌ها است، تا مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز مثل آزادی، مثل عدالت اجتماعی، مثل کرامت انسانی، مثل سبک زندگی؛ این‌ها جزو آن سلسله‌ی ارزش‌های اسلامی است که در اسلام بیان شده و تفهیم شده به ما.

#### خطای عدّه‌ای در تصوّر این‌که این مفاهیمِ اسلامی از غرب آمده‌اند

یک عدّه‌ای به‌خطا تصوّر می‌کنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند این‌ها از غرب به عالَم اسلام آمده است، یا متفکّرین اسلامی این‌ها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ با این تفاوت که غربی‌ها که این‌ها را مطرح کرده‌اند، هیچ وقت صادقانه به آن عمل نکرده‌اند -نه به آزادی عمل کردند، نه به عدالت اجتماعی عمل کردند- [آنها] گفتند و عمل نکردند؛ [این مفاهیم] در اسلام بود و در زمان پیغمبر عمل شد.

این عبارت «اُمِرتُ لِاَعدِلَ بَینَکُم»،[[10]](#footnote-10) مال قرآن است دیگر؛ دستور پیغمبر این است که اجرای عدالت بکند؛ این همان عدالت اجتماعی و عدالت همه‌جانبه است؛ یا [می‌فرماید]: اِنّا اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّنٰتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتٰبَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط؛[[11]](#footnote-11) یعنی اصل بعثت همه‌ی انبیا و ارسال رسل و کتب برای این بوده است که قسط -یعنی همین عدل اجتماعی، عدل اقتصادی- در بین مردم برقرار باشد؛ بنابراین این‌ها مفاهیم قدیمیِ اسلامی است.

یا در مورد آزادی؛ این بیان امیرالمؤمنین (علیه السّلام) در نهج‌البلاغه، هزار سال قبل از طرح مسئله‌ی آزادی در کشورهای غربی مثل فرانسه یا جاهای دیگر است که می‌فرماید: لا تَکُن‌ عَبدَ غَیرِکَ‌ وَ قَد جَعَلَکَ اللهُ حُرّا؛[[12]](#footnote-12) از این روشن‌تر دیگر چه می‌شود؟ یعنی انسان‌ها حُرّند، آزادند؛ آزادی شامل همه‌ی انواع آزادی می‌شود. یا آن جمله‌ی دیگری که معروف است: استعبدتم النّاس و قد خلقهم الله احرارا؛ این خطاب به بعضی از فرمانداران آن دوره است که «استعبدتم النّاس»؛ شماها می‌خواهید با مردم مثل برده رفتار بکنید در حالی که خداوند متعال آن‌ها را آزاد آفریده؟ این‌ها معارف اسلامی است. از این قبیل، در معارف اسلامی زیاد است؛ در نهج‌البلاغه کلمات متعدّدی در این زمینه وجود دارد و در بقیّه‌ی [منابع اسلامی].

## مجموعه‌ای که در بعثت به مردم هدیه شد

### احکام؛ همه‌ برخاسته‌ی از آن معارف و منطبق بر آن ارزش‌ها

بنابراین این سلسله‌ی ارزش‌ها و سلسله‌ی معارف و منظومه‌ی معرفتی و منظومه‌ی ارزشی به این صورت است. پشت سر این‌ها احکام است؛ یعنی «باید» و «نباید»ها، «بکن» و «نکن»ها؛ این احکام اسلامی -چه فردی و چه اجتماعی- همه‌ برخاسته‌ی از آن معارف است و منطبق بر آن ارزش‌ها است؛ یعنی همه‌ی این تکالیفی که خدای متعال برای فرد مسلِم قرار داده است، نشئت‌گرفته‌ی از همان مفاهیم اصلی و معرفتی است و منطبق با مفاهیم ارزشی است و کمک‌کننده‌ی به صعود در این راه است.

خب، این مجموعه‌ای است که در بعثت در واقع به مردم هدیه شد.

## احتیاج به قدرت سیاسی برای تحقّق مقصود نبوّت‌ها

حالا اگر چنانچه بخواهیم این‌ها تحقّق پیدا بکند، اگر بخواهیم این معارف در فضای عقیدتی جامعه به معنای واقعی کلمه تحقّق پیدا کند، بخواهیم این ارزش‌ها در عمل مردم، در رفتار مردم خودش را نشان بدهد، بخواهیم این احکام که وسیله‌ی پیشرفت و حرکت است، تحقّق پیدا کند، احتیاج به قدرت سیاسی دارد؛ اگر قدرت سیاسی نباشد، قلدرها زیر بار نمی‌روند، تنبل‌ها انجام نمی‌دهند، سیاهی‌لشکرِ قلدرها و مستکبرین و پول‌دارها به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند، یعنی آن مقصود نبوّت‌ها حاصل نمی‌شود؛ لذا در قرآن می‌فرماید که «ما اَرسَلنا مِن رَسولٍ اِلّا لِیُطاعَ بِاِذنِ الله».[[13]](#footnote-13) این مربوط به پیغمبر ما فقط نیست، مربوط به همه‌ی پیغمبران است؛ این‌ها باید بیایند در کشور مورد اطاعت قرار بگیرند، مردم از این‌ها اطاعت بکنند. لذا وقتی که از یثرب آمدند برای این‌که پیغمبر اکرم را دعوت کنند و اصرار کنند که ایشان به مدینه هجرت کنند، همان جا حضرت با این‌ها بیعت کرد.

بیعت یعنی این‌که شما تحت امر ما هستید، ما می‌آییم آن‌جا به این شرط؛ بعد هم که پیغمبر اکرم وارد شد به مدینه، اوّل‌کاری که کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ یعنی تشکیل حکومت داد؛ این بنابراین یکی از لوازم کار نبوّت است.

## دشمنان پیغمبران

### اضافه شدن دشمنان خارجی با تشکیل حکومت

البتّه پیغمبران دشمنان زیادی دارند: وَ کَذٰلِکَ جَعَلنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیٰطینَ الاِنسِ وَ الجِنّ،[[14]](#footnote-14) وقتی که حکومت تشکیل می‌دهند، دشمن خارجی هم به این‌ها اضافه می‌شود؛ با تشکیل حکومت، غیر از دشمنان داخلی، دشمن خارجی هم اضافه می‌شود؛ این معلوم است؛ برای خاطر این‌که دشمن خارجی اگر چنانچه عالَم سیاست نباشد و قدرت سیاسی وجود نداشته باشد، خیلی اهمّیّت نمی‌دهد؛ هر حرفی که کسی بزند، خیلی دنبالش نمی‌رود؛ وقتی به قدرت سیاسی رسید، آن وقت دشمن خارجی، آن کسی که مخالف با عدالت است، آن کسی که مخالف با آزادی است، آن کسی که مخالف با حقّ هر انسانی برای خوب زندگی کردن و مستقل زندگی کردن است، طبعاً مخالفت می‌کند.

## نسخه‌ی بعثت پیغمبر؛ همان نسخه‌ای که امام خمینی به آن عمل کرد

خب، حرف امروز من این است: من می‌خواهم عرض بکنم این همان نسخه‌ای است که امام خمینی (رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه) به این نسخه عمل کرد؛ عیناً نسخه‌ی بعثت پیغمبر است؛ معارف همان معارفی است که پیغمبر آن‌ها را از جانب خدای متعال به مردم ابلاغ کردند؛ ارزش‌ها همان‌ها است؛ احکام هم همان‌ها است؛

### ویژگی‌های امام

و حرکت به سمت تحقّق این احکام، احتیاج داشت به یک ایمان قوی، به یک همّت بلند، به یک دلِ «متوکّل علی الله»؛ همه‌ی این‌ها در امام جمع بود و ایشان اقدام کرد، خدای متعال هم کمک کرد و این حرکت انجام گرفت.

#### قدرت ایمانیِ خیلی زیاد مردم ایران

البتّه امام می‌دانستند که ایمان اسلامی در اعماق جان و ارتکاز[[15]](#footnote-15) ملّت ایران خیلی رسوخ دارد، مردمِ مؤمنی هستند؛ که حالا خود این، بحث جداگانه‌ای دارد و کاملاً اثبات‌شده است که مردم ایران، هم آن روز و هم امروز، علی‌رغم برخی از ظواهر، قدرت ایمانی‌شان و رسوخ ایمان در دل‌هایشان خیلی زیاد است؛ یکی از خصوصیّات ملّت ما بحمدالله این است.

#### فراهم بودن زمینه‌ی مطرح کردن نظام اسلامی در ایران

امام این را می‌دانستند و لذا مسئله‌ی اسلام را، حکومت اسلامی را، نظام اسلامی را مطرح کردند و زمینه‌اش هم فراهم بود و امام این زمینه را هم شناخت؛ زمینه‌اش عبارت بود از ظلم گسترده و فساد بی‌پایان رژیم پهلوی؛ که هم وابسته بودند، هم فاسد بودند، هم ظالم بودند، هم معرفت حقیقی انسانی در این‌ها نبود، و این سرریز می‌شد به مردم، همه می‌دیدند وضع آن رژیم فاسد و ظالم را؛ این هم زمینه‌ی خوبی بود،

#### استفاده‌ی امام از این زمینه و وقوع معجزه‌ی انقلاب اسلامی

از این زمینه امام بزرگوار استفاده کردند و معجزه‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست. حقیقتاً تحقّق انقلاب اسلامی و تحقّق جمهوری اسلامی مثل یک معجزه بود که اتّفاق افتاد؛ این به برکت همین حرکت عظیم بود.

## حرکت جامعه‌ی اسلامی و جایگاه آن در سه قرن بعد از بعثت

جامعه‌ی نخستین اسلامی -یعنی آن جامعه‌ای که پیغمبر در مدینه به وجود آورد از چند هزار نفر مردم مدینه؛ مردمی که در مدینه زندگی می‌کردند، شاید هفت، هشت، ده هزار نفر مثلاً از اوّلی که تشکیل شد بیشتر نبودند- به برکت ارشاد پیغمبر، به برکت احکام پیغمبر و معارفی که پیغمبر هدیه کرده بود، با وجود این‌که در این خلال بعد از پیغمبر یک اشکالات اساسی‌ای هم به وجود آمد امّا در عین حال آن چنان این حرکت، حرکت ریشه‌دار و مستحکمی بود که روز‌به‌روز به طرف قوّت پیش رفت، روز‌به‌روز قوی‌تر شد. به طوری که -آن طوری که این در تاریخ جزو مسلّمات است- در قرن چهارم هجری، یعنی سیصد سال بعد از بعثت پیغمبر و پس از ظهور جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی اسلامی از لحاظ سیاسی وسیع‌ترین جامعه در دنیا بود؛ از لحاظ نظامی قوی‌ترین ارتش دنیا را داشت؛ از لحاظ دانش و فرهنگ پیشرفته‌ترین سطح علمی و فرهنگی را داشت در همه‌ی دنیا؛ یعنی سه قرن بعد از بعثت، این جامعه‌ی اسلامی این جور حرکتی کرد که از لحاظ نظامی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ علمی و فرهنگی به این رتبه رسید.

این تازه مربوط به زمانی است که خلفای ناباب و فاسدی مثل بنی‌امیّه و بنی‌عبّاس سرِ کار بودند. اگر چنانچه به جای این‌ها ائمّه‌ی هدایت سرِ کار می‌بودند یا کسان منصوبِ آن‌ها سرِ کار می‌بودند، قطعاً پیشرفت‌ها ده‌ها برابرِ آن چیزی می‌شد که اتّفاق افتاد.

### پیشرفت کردن و قوی شدن؛ طبیعت حرکت اسلام

حرکت اسلام این است؛ طبیعت این حرکت، طبیعت پیشرفت کردن و قوی شدن است.

## امکان رساندن ایران به قلّه، در صورت عمل به این نسخه

نسخه‌ی امروز هم همین جور است. ما امروز اگر چنانچه صادقانه حرکت بکنیم، عمل بکنیم، تنبلی نکنیم، کوته‌بینی به خرج ندهیم، ساده‌نگری نکنیم، می‌توانیم ایران را به همان قلّه برسانیم. البتّه رساندن ایران به قلّه‌ی علمی و فرهنگی و صنعتی و نظامی و سیاسی و امثال این‌ها هدف نزدیک ما است؛ هدف دور، تمدّن اسلامی است که آن مطلب دیگری است.

## از دشمنی نباید تعجّب کرد

و نباید هم تعجّب کنیم از دشمنی‌ها؛ خب ما دشمن زیاد داریم، تعجّب نباید کرد.

### همکاری دشمنان جنّی و دشمنان انسی

عرض کردم در قرآن خدای متعال می‌فرماید که «وَ کَذٰلِکَ جَعَلنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیٰطینَ الاِنسِ وَ الجِنِّ یوحی بَعضُهُم اِلیٰ بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُرورا»؛[[16]](#footnote-16) هم دشمنان جنّی، هم دشمنان انسی وجود دارند و این‌ها به هم کمک هم می‌کنند؛ سیستم‌های اطّلاعاتیِ خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری می‌کنند؛ یوحی بَعضُهُم اِلیٰ بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُروراً. لذا بود که در اوّل اسلام در جنگ احزاب وقتی که همه‌ی نیروهای دشمنِ پیغمبر از قبایل عرب، از انواع و اقسام قبایلی که در مکّه بودند، در طائف بودند، در جاهای دیگر بودند، دُور هم جمع شدند، با همدیگر همدست شدند، یهودی‌ها را هم که در نزدیک مدینه بودند دیدند و با خودشان همراه کردند، خب این خیلی حادثه‌ی عجیبی بود برای مسلمان‌ها [امّا] مسلمان‌ها تعجّب نکردند. قرآن می‌فرماید: وَ لَمّا رَءَا المُؤمِنونَ الاَحزابَ قالوا هذا ما وَعَدَنا اللهُ وَ رَسولُه وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسولُه؛ یعنی وقتی که دیدند دشمنان را که این جور علیه آن‌ها حرکت کردند، گفتند همین وعده را خدای متعال داده بود که شما دشمنانی خواهید داشت و می‌آیند و به شما حمله می‌کنند، حالا آمده‌اند؛ پس این حرکت دشمن موجب شد که اعتقاد ما بیشتر بشود، چون «صَدَقَ اللهُ وَ رَسولُه»؛ این پیشگوییِ خدای متعال و پیغمبر خدا تحقّق پیدا کرد؛ وَ ما زادَهُم ‌اِلّاٰ ایمانًا وَ تَسلیما.[[17]](#footnote-17)

### ویژگی‌های مسئولان آمریکا، به‌عنوان خبیث‌ترین دشمن ما

امروز البتّه خبیث‌ترین دشمن ما و دشمن جمهوری اسلامی آمریکا است. البتّه ما دشمن کم نداریم امّا آن که از همه خبیث‌تر و عنودتر است، عبارت است از آمریکا. مسئولان آمریکایی، هم دورغ‌گو هستند، پشت‌هم‌انداز هستند، وقیحند، طمّاعند، شارلاتانند -حرکت‌هایشان، حرف‌هایشان را شما بشنوید، [می‌بینید] شارلاتانی حرف می‌زنند؛ یعنی انواع و اقسام خصوصیّات زشت اخلاقی- و هم البتّه در کنارش ظالمند، سنگدلند، به‌شدّت بی‌رحمند، تروریستند؛ یعنی آنچه خوبان همه دارند، این‌ها به‌تنهایی همه را دارند! یعنی این جور دشمنی در مقابل ما امروز وجود دارد.

## صبر و استقامت؛ دستورالعمل خداوند برای مقابله‌‌ی با دشمنی‌ها

خداوند برای مقابله‌‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد؛ از اوّل بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مدّثّر که جزو همان سوره‌های اوّلِ بعثت است، می‌فرماید: وَ لِرَبِّکَ فَاصبِر؛[[18]](#footnote-18) صبر کن برای خدای خودت. در سوره‌ی مزّمّل که آن هم جزو همان سوره‌های اوّل قرآن است، می‌فرماید که «وَ اصبِر عَلیٰ ما یَقولون».[[19]](#footnote-19) در جاهای دیگرِ قرآن هم مکرّراً این معنا هست. در دو جا [می‌فرماید]: وَ استَقِم کَماٰ اُمِرت؛[[20]](#footnote-20) استقامت کن؛ هم در سوره‌ی هود هست، هم در سوره‌ی شوریٰ هست. بنابر‌این، دستورالعمل وارد شده.

### معنای صبر

حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گریِ دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است.

### پیروزی قطعی، با ثبات قدم و مقاومتِ همراه با عقل و تدبیر و مشورت

اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود -همچنان که در قرآن هست «اَمرُهُم شوریٰ بَینَهُم»[[21]](#footnote-21) -قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد.

## صبور بودن ملّت ایران

بنده البتّه با قاطعیّت عرض می‌کنم که ملّت ایران ملّت صبوری است؛ نشان داده‌اند که صبر دارند.

### بی‌صبری برخی مسئولین و روشنفکرنماها

ما مسئولین البتّه گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملّت نه؛ ملّت کاملاً صبور بوده‌اند؛ این چهل سال برای ما نشانِ این معنا است به طور روشن. بعضی از روشنفکرنماهای ما هم متأسّفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آن‌ها بی‌صبری را به مرز همکاری و هم‌زبانی با دشمن هم رساندند؛ البتّه بعضی‌ها این جور بودند.

### وجود تعداد خیلی زیاد جوانان مؤمن

نقطه‌ی مقابلش هم جوان‌های مؤمنی هستند که بحمدالله عدّه‌شان خیلی زیاد است و روزبه‌روز هم ان‌شاءالله زیادتر می‌شود؛ در عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فنّاوری، در عرصه‌ی سیاست، در فهمِ بین‌المللیِ مسائل -یعنی مسائل بین‌المللی را درست درک کنند و فهم کنند- در مقابلش این جور جوان‌ها هم هستند که عرض کردم بحمدالله روزبه‌روز زیاد می‌شوند.

### زمانی که قرآن می‌فرماید ده نفرِ شما بر صد نفر از آن‌ها می‌توانید غلبه کنید

پس صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن می‌فرماید: اِن یَکُن‌ مِنکُم‌ عِشرونَ‌ صٰبِرونَ‌ یَغلِبوا مِائَتَین؛[[22]](#footnote-22) ده نفرِ شما با صد نفر و بیست نفرِ شما با دویست نفر از آن‌ها می‌توانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید؛ این در یک شرایطی است؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، می‌توانید شما با آن‌ها مواجه بشوید.

## قوی شدن کشور؛ از خطوطِ اصلیِ نسخه‌ی بعثت

من در صحبت‌های اخیر چند بار تکرار کرده‌ام که کشور بایستی قوی بشود؛[[23]](#footnote-23) قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوطِ اصلیِ نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَ اَعِدّوا لَهُم مَااستَطَعتُم مِن قُوَّة»؛[[24]](#footnote-24) هر چه می‌توانید قوّت را زیاد کنید.

### ابعاد قوّت

حالا این قوّت در وهله‌ی اوّل، در نگاه اوّل، ممکن است قوّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوّت نظامی است. ابعاد قوّت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوّت اقتصادی، قوّت علمی، قوّت فرهنگی، قوّت سیاسی -که زمینه‌سازِ قوّت سیاسی، استقلالِ سیاسی است- و قوّت تبلیغی.

### عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملّت

#### حفظ اکثریّت جوان در جامعه

با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملّت به وجود می‌آید. فرض کنید امروز حفظِ جمعیّتِ جوانِ کشور یکی از ابزارهای قوّت است؛ این‌که بنده زیاد روی موالید تکیه می‌کنم، به خاطر این است. کشور ما امروز کشور جوانی است؛ اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند -که الان به قدر کافی نیست- چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریّت جوان در جامعه است.

#### حیاتی بودنِ قوّت در فضای مجازی

یا امروز قوّت در فضای مجازی حیاتی است؛ امروز فضای مجازی حاکم بر زندگی انسان‌ها است در همه‌ی دنیا؛ و یک عدّه‌ای همه‌ی کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوّت در این [زمینه] حیاتی است.

#### بهداشت و درمان

یا مثلاً قوّت در زمینه‌ی بهداشت و درمان حیاتی است؛ که بحمدالله در این زمینه محقّقین‌مان و پزشکانمان و کسانی که در این راه خبره هستند کار زیادی انجام داده‌اند.

#### جهش تولید

و «جهش تولید» هم که بنده امسال مطرح کردم، در واقع از ابزارهای قدرت است. تولید [باید] جهش پیدا بکند؛ نه ‌فقط رونق تولید که سال گذشته گفتیم. رونق تولید یعنی در تولید یک حرکتی به وجود بیاید که این انجام گرفته است امّا این کافی نیست. ما احتیاج به خیلی بیش از این داریم؛ جهش تولید.

البتّه جهش تولید لوازمی دارد؛ فقط مسئله این نیست که صاحب سرمایه یا صاحب کارگاه همّت بکند برای تولید بیشتر؛ این احتیاج دارد به این‌که تمام دستگاه‌های ذی‌ربط کار خودشان را انجام بدهند؛ جلوی قاچاق گرفته بشود، جلوی واردات بی‌رویه گرفته بشود، به تولید‌کننده مشوّق‌هایی داده بشود، با کسانی که از کمک‌های مالی دولتی سوء استفاده می‌کنند برخورد جدّیِ قضائی بشود. امثال این‌ها کارهای زیادی است که اگر این کارها انجام بگیرد -که ان‌شاء‌الله امسال باید این کارها انجام بگیرد- جهش تولید تحقّق پیدا خواهد کرد.

## لزوم صبر در مقابل کرونا

البتّه ما این روزها مواجه هستیم با عارضه‌ی یک بیماری وسیعِ همه‌گیرِ بین‌المللی؛ این ویروس تقریباً در همه‌ی کشورهای دنیا مشغول گرفتن تلفات و [در حال] پیشرفت است. حالا بعضی‌ها می‌گویند که چه اتّفاقی در کشورشان می‌افتد، بعضی‌ها هم پنهان می‌کنند؛ انسان از بعضی اظهارات می‌فهمد که این اظهاراتی که می‌کنند خیلی مطابق با واقع نیست؛ این ویروس دارد کار می‌کند. این [بیماری] مصداق این آیه‌ی شریفه است: وَ لَنَبلُوَنَّکُم بِشَیءٍ مِنَ ‌الخَوفِ وَالجوعِ وَ نَقصٍ مِنَ الاَموالِ وَ الاَنفُسِ وَ الثَّمَرٰت؛ هم با خودش خوف می‌آورد و یک عدّه‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله‌ی مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن بعدش خداوند می‌فرماید: وَ بَشِّرِ الصٰبِرین؛[[25]](#footnote-25) این‌جا هم صبر لازم است.

### معنای صبر در این‌جا

صبر در این‌جا یعنی کار درست انجام دادن، کار عاقلانه انجام دادن؛ که البتّه افراد مسئولین محترم ذی‌ربط در این کار دستوراتی داده‌اند، و ان‌شاءالله این دستورات را بایستی عمل کرد؛ همه باید عمل کنند این دستورات را؛ این برای حفظ جان خودشان و حفظ جان [مردم] کشور و کنترل این بیماریِ خطرناک است؛ بنابراین همه باید عمل کنند.

### اعلام آمادگی آمریکا برای کمک به ایران از لحاظ دارو و درمان!

از جمله‌ی موضوعات مربوط به کرونا که بد نیست من این را این‌جا بگویم، این است که سران آمریکا چند بار تا حالا گفته‌اند که ما حاضریم از لحاظ درمان و دارو به شما کمک کنیم؛ چند بار تکرار کرده‌اند که فقط شما از ما بخواهید تا به شما از لحاظ دارو و درمان کمک کنیم. این جزو آن حرف‌های بسیار عجیب است که به ما می‌گویند که از آن‌ها درمان بخواهیم و دارو بخواهیم.

#### کمبودهای وحشت‌آور در آمریکا

اوّلاً خودتان دچار کمبودید؛ الان خبرهایی که از آمریکا می‌رسد، یعنی حرف‌هایی که خود آمریکایی‌ها می‌زنند، شهردار فلان شهر، رئیس بهداری فلان نقطه، رئیس بیمارستان فلان ایالت، خودشان دارند صریحاً می‌گویند که دچار کمبودهای وحشت‌آوری هستند؛ هم از لحاظ وسایل پیشگیری در بُروز بیماری، از ابتلای به بیماری، هم در دارو و مانند این‌ها. اگر چیزی دارید و دستتان باز است صرف خودتان بکنید.

#### عاقلانه نبودن اعتماد به متّهم تولید این ویروس

ثانیاً شما آمریکایی‌ها متّهمید به این‌که این ویروس را شما تولید کرده‌اید؛ من نمی‌دانم چقدر این اتّهام حقیقی است، امّا وقتی این اتّهام وجود دارد کدام عاقلی به شما اعتماد می‌کند که شما بیایید برای او دارو بیاورید؛ ممکن است داروی شما یک وسیله‌ای باشد برای این‌که این بیماری را بیشتر گسترش بدهد. هیچ اعتباری ندارید؛ به شما اعتمادی نیست. ممکن است یک دارویی را شماها تجویز کنید، یا وارد کشور بکنید که این ویروس را ماندگار کند و مانع تمام شدنش بشود؛ یعنی اگر چنانچه این تهمت درست باشد و شما این ویروس را به وجود آورده باشید، این کارها از شماها بر می‌آید. یا اگر کسی را به عنوان درمان‌کننده و پزشک بخواهید بفرستید، ممکن است او بخواهد بیاید اینجا، اثر عملی سمّی را که تولید کرده‌اند را از نزدیک ببیند؛ چون گفته می‌شود که با استفاده‌ی از آشنایی‌های ژنتیک ایرانی که از وسایل مختلفی به دست آورده‌اند، یک بخشی را بالخصوص برای ایران درست کرده‌اند؛ خب این ممکن است بخواهد بیاید ببیند که اثرش چگونه شد؛ اطّلاعات خودشان را تکمیل کنند و دشمنی خودشان را بیشتر کنند؛ بنابراین این حرفی نیست که کسی از ملّت ایران این را قبول کند.

## ظرفیّت کشور در مقابله‌ی با مسائل و چالش‌ها در هر سطحی

آخرین عرض من به ملّت عزیزمان این است: عزیزان من! تجربه‌ی چهل‌ساله به ما نشان می‌دهد که کشور ظرفیّت مقابله‌ی با مسائل و چالش‌ها را در هر سطحی دارا است؛ یعنی کشور ظرفیّت‌های فوق‌العاده‌ای دارد برای این‌که با همه‌ی مسائل و مشکلات و چالش‌هایی که پیش آمده است، یا ممکن است پیش بیاید مواجه بشود و بر آن‌ها غلبه بکند.

### لزوم شناسایی این ظرفیّت توسط مسئولین و به کار گرفتن جوان‌های باانگیزه و مؤمن

ظرفیّت کشور خیلی زیاد است؛ مهم این است که این ظرفیّت به وسیله‌ی مسئولین شناسایی بشود و در همه‌ی بخش‌ها افراد مؤمن، جوان‌های باانگیزه به کار گرفته بشوند؛ عناصر جوان و باانگیزه و مؤمن و متشرّع؛ چون کسی که متشرّع است، احتمال خیانت در او خیلی کمتر از کسی است که به دین باور ندارد. این آن چیزی است که ما را به هدفمان نزدیک می‌کند.

## توصیه به عمل کردن به دستورات ستاد ملّی مبارزه‌ی با کرونا

و من توصیه می‌کنم مجدّداً که این دستوراتی را که مسئولین ستاد ملّی مبارزه‌ی با کرونا پخش کرده‌اند و گفته‌اند و اعلام کرده‌اند، ان‌شاء‌الله همه عمل بکنند. حتّی اجتماعات دینی را تعطیل کرده‌اند که خب این در طول تاریخ ما به این شکل بی‌سابقه است که همه جا حتّی مثلاً حرم‌های مطهّر و نمازهای جمعه و جماعت تعطیل بشود؛ این بی‌سابقه است، ولی خب چاره‌ای نبوده‌ است؛ این جور مصلحت دانسته‌اند و این جوری عمل کرده‌اند؛ این‌ها را رعایت بکنند تا ان‌شاءالله خدای متعال هر چه زودتر این بلا را از سر ملّت ایران و همه‌ی ملّت‌های مسلمان و همه‌ی بشریّت کم و کوتاه کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# پیام رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت سالروز ولادت حضرت ابالفضل ‌العباس و روز جانباز 10/1/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

روز ولادت قمر بنی‌هاشم حضرت ابی‌الفضل‌العباس سلام‌الله‌علیه را که تا ابد مفتخر به پرچمداری کربلاست به جانبازان عزیز کشور که نامشان مفتخر به تقارن با این روز است، تبریک عرض می‌کنم. شما جانبازان، مجاهدان فداکار و شهیدان زنده‌اید. چشم و دل شما با پاداش الهی روشن خواهد شد ان‌شاءالله. از خداوند متعال برای شما و خانواده‌های صبورتان که خدماتشان در شمار برترین حسنات است، سلامت، عزت، ثبات قدم و عافیت نیکو مسألت می‌کنم.

**سیّد علی خامنه‌ای**

۹ فروردین ۱۳۹۹

# سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج) 21/1/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین

عید سعید نیمه‌ی شعبان بر همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، بر همه‌ی ملّت ایران، بر همه‌ی مسلمانان جهان و همه‌ی آزادی‌خواهانِ سطحِ دنیا مبارک باد. بنده متأسّفانه توفیق دیدار نزدیک شما را ندارم و ناچار از دور با شما حرف می‌زنم، لکن این هم تجربه‌ای است. امروز چند جمله درباره‌ی حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) عرض می‌کنیم، چند جمله هم درباره‌ی این مسئله‌ی جاری کشور با ملّت عزیزمان صحبت می‌کنیم.

## سلام خدمت حضرت بقیّةالله

اوّل سلامی عرض بکنیم خدمت حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه): اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بَقیَّةَ اللهِ فی اَرضِهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا میثاقَ اللهِ الَّذی اَخَذَهُ وَ وَکَّدَهُ السَّلامُ عَلَیکَ یا وَعدَ اللهِ الَّذی ضَمِنَهُ السَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا العَلَمُ المَنصوبُ وَ العِلمُ المَصبوبُ وَ الغَوثُ وَ الرَّحمَةُ الواسِعَةُ وَعدُ غَیرُ مَکذوب.[[26]](#footnote-26) سلام بر تو ای ذخیره‌ی الهی در زمین، بقیّةالله؛ سلام بر تو ای عهد و میثاق استوار خداوندی؛ سلام بر تو ای وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار، ای پرچم بر‌افراشته، ای دانشِ از آسمان ‌فرو باریده. دنباله‌ی این زیارت شریف آل‌یاسین، عاشقانه است: «اَلسَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَقومُ السَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَقعُدُ السَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَقرَأُ وَ تُبَیِّن»[[27]](#footnote-27) تا آخر.

## احساس نیاز بشر امروز به منجی

شاید در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتّفاق افتاده باشد که آحاد بشری، جامعه‌ی بشری در همه جای عالَم، به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند -چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس می‌کنند، چه بسیاری از مردم که احساس نیاز می‌کنند ولی در ناخودآگاهِ خودشان- احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم، احساس نیاز به عصمت، به هدایت الهی؛ در کمتر دوره‌ای از تاریخ، انسان این همه احساس نیاز به این حقیقت والا سراغ دارد.

### عدم احساس خوشبختی و آرامش بشر

امروز بعد از آن‌که بشریّت مکاتب گوناگون و نحله‌های[[28]](#footnote-28) فکریِ گوناگون و مسلک‌های گوناگون را تجربه کرده -از کمونیسم تا دموکراسی غربی تا لیبرال‌دموکراسیِ رایج در دنیا؛ با این همه ادّعایی که این‌ها دارند- احساس آسایش نمی‌کند؛ بشر با این همه پیشرفت‌های علمیِ حیرت‌آور که به‌کلّی وضع زندگی را در جهان تغییر داده، احساس خوشبختی نمی‌کند؛ بشریّت دچار فقر است، دچار بیماری است، دچار فحشا و گناه است، دچار بی‌عدالتی است، دچار نابرابری است، دچار شکاف طبقاتی بسیار وسیع است؛ بشر دچار سوءاستفاده‌ی قدرت‌ها از علم است؛ قدرت‌ها از علم سوءاستفاده می‌کنند، از کشفیّات طبیعت سوءاستفاده می‌کنند، از توانایی‌های استخراج‌شده‌ی از طبیعت سوءاستفاده می‌کنند؛ بشر با این‌ها مواجه است؛ این‌ها موجب شده است که انسان‌ها در همه جای دنیا احساس خستگی کنند؛ احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش کنند.

میلیاردها انسان در دنیا گرفتارند؛ بعضی ممکن است آسایش داشته باشند، لکن همانها هم آرامش ندارند؛ بشر دچار نگرانی است، دچار اضطراب است و این پیشرفت‌ها و این تحوّلات گوناگون نتوانسته است به بشر خوشبختی ببخشد.

## عدم امکان باز شدن برخی گره‌ها با خِرد انسانی و تجربه

البتّه خرد انسانی، نعمت بزرگی است؛ تجربه، نعمت بزرگی است؛ [اینها] نعمت‌های خدا است و می‌تواند بسیاری از مشکلات حیات را حل کند، لکن برخی از گره‌ها هست که با این‌ها باز نمی‌شود. فرض کنید همین مسئله‌ی عدالت؛ عدالت به وسیله‌ی علمِ پیشرفته‌ی امروز و فنّاوریِ پیشرفته‌ی امروز قابل حل شدن نیست؛ گره‌اش بازشدنی نیست. امروز بی‌عدالتی در دنیا از علم تغذیه می‌کند؛ یعنی علمِ پیشرفته در خدمت بی‌عدالتی است، در خدمت جنگ‌افروزی است، در خدمت تصرّف سرزمین‌های دیگران است، در خدمت سلطه‌ی بر ملّت‌ها است؛ پس علم این گره‌ها را دیگر نمی‌تواند باز بکند؛

## قسط و عدل؛ مأموریّت بزرگ حضرت بقیّة‌الله

این‌ها احتیاج دارد به یک قدرت معنوی، قدرت الهی، دست پُرقدرتِ امام معصوم که او بتواند این کارها را انجام بدهد؛ لذا مأموریّت بزرگ حضرت بقیّة‌الله (ارواحنا فداه) عبارت است از «یَملَأُ اللَهُ بِهِ الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلا»؛[[29]](#footnote-29) مأموریّت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها به این معنا اشاره شده است: ایجاد قسط و عدل؛ این، آن چیزی است که جز به دست قدرت الهی که از آستین حضرت بقیّةالله بیرون می‌آید، امکان‌پذیر نیست.

### عدل در همه‌ی شئون زندگی

این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخشِ خاص نیست، عدل در همه‌ی شئون زندگی است؛ عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی و در منزلت اجتماعی، عدالت در معنویّت و امکان رشد، [عدالت] در همه‌ی ابعاد زندگی؛ این‌ها چیزهایی است که انتظار است که به وسیله‌ی حضرت بقیّة‌الله (ارواحنا فداه) در عالَمِ وجود، در دنیا به وجود بیاید و ان‌شاءالله به لطف الهی [محقّق] خواهد شد.

## احساس نیاز آگاهانه و غیر آگاهانه به منجی

آحاد بشر -چه آن‌هایی که نخبه هستند و حوادث را می‌توانند تشخیص بدهند، چه توده‌ی مردم در سطح دنیا، در کشورهای مختلف که بعضی‌ها گرفتارِ زندگی‌اند، غافلند- همه این احساس نیاز را دارند، منتها بعضی آگاهانه، بعضی غیر آگاهانه. و البتّه در همه‌ی ادیان هم این وعده داده شده است؛ در همه‌ی ادیان وعده‌ی یک فرج و یک حرکت عظیم الهی در پایان و انتهای تاریخ -که البتّه این هم پایان تاریخ نیست؛ دنیای واقعی و زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولیّ‌عصر شروع می‌شود، لکن در انتهای این وضع زندگی‌ای که امروز ما داریم- [آمده،] همه وعده‌ی آن‌چنان عاقبتی را داده‌اند.

## معنای انتظار

پس این نیاز هست، لکن برای این‌که این نیاز جهت پیدا کند و مفید فایده‌ باشد، در اسلام از ما خواسته شده است که انتظار داشته باشیم. انتظار، فراتر از نیازمندی است، فراتر از احساس نیاز است. گفته‌اند منتظر باشید؛ انتظار یعنی امید، انتظار یعنی اعتقاد به این‌که یک آینده‌ی قطعی‌ای وجود دارد؛ صِرف نیاز نیست؛ انتظار، سازنده است، لذا در روایات ما، معارف ما، انتظار فرج جایگاه بسیار مهمّی دارد که من حالا یک توضیحی در مورد آن بعداً عرض می‌کنم.

### امید

در توقیع شریف حضرت ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) به ابن‌بابویه -علیّ‌‌بن‌بابویه- از قول پیغمبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: اَفضَلُ اَعمالِ اُمّتی انِتِظارُ الفَرَج؛[[30]](#footnote-30) یعنی برترینِ اعمال امّت من این است که منتظر فرج باشند؛ [یعنی] امید. در یک روایتی از موسی‌بن‌جعفر (علیه السّلام) [آمده]: اَفضَلُ العِبادَةِ بَعدَ المَعرِفَةِ اِنتِظارُ الفَرَج.[[31]](#footnote-31) معرفت یعنی توحید و معرفتِ حقایق الهی، [برترین اعمال] بعد از آن، انتظار فرج است. از امیرالمؤمنین (علیه السّلام) [نقل شده]: اِنتَظِرُوا الفَرَجَ وَ لا تَیأَسوا مِن رَوحِ الله؛[[32]](#footnote-32) انتظار فرج داشته باشید، از رَوح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید. پس در انتظار فرج امید هست، تحرّک هست، اقدام وجود دارد که البتّه حالا در مورد انتظار فرج گفته شده است و مسلّم است که انتظار فرج، یعنی انتظار فرج حضرت ولیّ‌عصر؛ این یک مصداق از انتظار فرج است. این‌که پیغمبر می‌فرماید: اَفضَلُ اَعمالِ اُمَّتی اِنتِظارُ الفَرَج، ناظر به همه‌ی مشکلاتی است که برای زندگی انسان پیش می‌آید؛ مشکلات گوناگونی در زندگی پیش می‌آید، انسان در مواجهه‌ی با این مشکلات نبایستی مأیوس بشود؛ باید انتظار فرج داشته باشد؛ باید بداند که فرج خواهد آمد. خود انتظار فرج، یک نوع فرج است که این روایتی است از حضرت موسی‌بن‌جعفر: لَستَ تَعلَمُ اَنَّ اِنتِظارَ الفَرَجِ مِنَ الفَرَج؛[[33]](#footnote-33) خود انتظار فرج و انتظار گشایش، یک گشایشی است برای انسان که او را از آن حالت یأس، از حال درماندگی که به کارهای عجیب و غریبی وادار می‌کند، نجات می‌دهد. خب، این‌که پیغمبر و ائمّه این جور فرمودند، معنایش این است که امّت محمّدی (صلّی الله علیه و آله و سلّم)، در هیچ حادثه‌ای از حوادث زندگی دچار یأس و نا‌امیدی نمی‌شوند و همیشه در همه حال انتظار فرج دارند.

### اقدام و آماده شدن

خب، انتظار، به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به معنای آماده شدن است، به معنای اقدام کردن است؛ به معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که می‌شود به آن دست یافت که برای رسیدن به آن عاقبت بایستی تلاش کند. ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه‌ی مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه‌ی مهدوی نزدیک کنیم که جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط است، جامعه‌ی معنویّت است، جامعه‌ی معرفت است، جامعه‌ی برادری و اخوّت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی عزّت است.

### بی‌صبری نکردن

یک نکته در باب انتظار فرج این است که انتظار فرج غیر از بی‌صبری و مدّت معیّن کردن است که انسان یک زمانی را در نظر بگیرد که در فلان تاریخ مثلاً بایستی این حادثه تمام بشود یا این شدّت به پایان برسد یا حضرت ظهور کنند که انسان بی‌صبری کند، پا به زمین بکوبد؛ انتظار فرج این نیست. انتظار فرج یعنی آماده‌سازی خود؛ بی‌صبری کردن، عجله کردن، جزو چیزهایی است که ممنوع است. در یک روایتی دارد که «اِنَّ اللهَ لایَعجَلُ لِعَجَلَةِ العِباد»؛[[34]](#footnote-34) اگر شما عجله می‌کنی، شتاب‌زدگی به خرج میدهی، معنایش این نیست که حالا خدا هم تابع عجله‌‌ی شما تصمیم بگیرد و عجله کند؛ نه، هر چیزی قراری دارد، وقت معیّنی دارد، حکمتی دارد، بر اساس آن حکمت انجام می‌گیرد.

## دو فرج

این نکته‌ی دیگر را هم عرض کردیم که مراد از انتظار فرج، هم فرج نهایی است که ظهور حضرت است، هم فرج بعدالشّدّة است؛ یعنی فرج بعد از حوادث دشوار و حوادث همه‌گیر، مثل همین حوادثی که امروز در دنیا وجود دارد که خیلی‌ها را مأیوس می‌کند، خیلی‌ها را وادار به خودکشی می‌کند، لکن وقتی که انتظار فرج وجود دارد، انسان میداند که این حادثه بلاشک تمام خواهد شد.

## افزایش این آرامش روانی و اطمینان نفس، با دعا و استغاثه

خب، یک نکته‌ی دیگر هم این‌جا وجود دارد و این‌که این آرامش روانیِ ناشی از انتظار فرج، این اطمینان نفْسی را که انسان دارد که نفْس او و دل او تلاطم ندارد، می‌شود افزایش داد؛ به وسیله‌ی دعا، به وسیله‌ی استغاثه، به وسیله‌ی مناجات با پروردگار که «اَلا بِذِکرِ اللهِ تَطمَئِنُّ القُلوب».[[35]](#footnote-35) این دعاهایی که وارد شده است -حالا ما الان در ماه شریف شعبان هستیم، بعد هم در ماه رمضان- دعاهای فراوان، مناجاتهای گوناگون و تکلّم با خدای متعال بدون واسطه خیلی مهم است؛ یا راز و نیاز کردن با ائمّه‌ی هدیٰ (علیهم السّلام) که نزدیک‌ترین آحاد عالَم وجود به پروردگار متعال هستند، به انسان امکان اطمینان و آرامش می‌دهد. یاد خدای متعال گشایش به انسان می‌دهد، بهجت به انسان می‌دهد و رحمت الهی را هم جلب می‌کند که قطعاً میلیون‌ها دستِ به‌دعابرداشته‌شده،آثار و برکاتی خواهد داشت. دیشب میلیون‌ها نفر موفّق شدند که دل‌هایشان را با خدا آشنا کنند، متّصل کنند و دست به دعا بردارند و با خدا حرف بزنند؛[[36]](#footnote-36) بلاشک این [کار] آثارِ خوبِ خودش را، هم در خود آن‌ها و هم در کلّ جامعه نشان خواهد داد و برکات زیادی خواهد داد. این چند جمله‌ای است که درباره‌ی مسئله‌ی ظهور و فرج و قیام حضرت بقیّة‌الله خواستیم عرض کنیم؛ البتّه حرف در این زمینه‌ها خیلی زیاد است و من به همین مقدار بسنده می‌کنم.

## کرونا؛ آزمونی برای دولت‌ها و ملّت‌ها

امّا در مورد این حادثه‌ی رایج کشور که حادثه‌ی کرونا است؛ خب این یک ابتلای عمومی است، یک آزمون است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملّت‌ها؛ دولت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند، ملّت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند؛ آزمون عجیبی است. البتّه در مورد آمارها و اقدام‌های بسیار خوبی که انجام گرفته است و توصیه‌هایی که مسئولین می‌کنند، حرف زیاد زده شده و به قدر کافی مطالبی را گفته‌اند؛ صدا و سیما هم انصافاً در این زمینه بسیار خوب عمل کرده و خوب کار کرده است؛ من در این زمینه‌ها عرضی ندارم، لکن چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم.

## خوش درخشیدن ملّت ایران در این آزمون

یک نکته این است که ملّت ایران در این آزمون، خوش درخشید؛ ملّت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند.

### مجموعه‌ی درمانی کشور

اوّلاً اوج این افتخار ملّی متعلّق است به مجموعه‌ی درمانی کشور که من بارها گفته‌ام، باز هم باید تکرار کنم عظمت کار این‌ها و ارزش فداکاری‌ این‌ها را؛ چه پزشکان، چه پرستاران، چه متخصّصین علوم آزمایشگاهی، چه رادیولوژی، چه بِهوَرزانِ خانه‌های بهداشت، چه بخش‌های خدمات، چه بخش‌های تحقیقات، چه مدیریّت‌هایی در خودِ وزارتخانه و حول ‌و ‌حوش وزارت بهداشت که در این زمینه فعّالند؛ اوج این افتخار، متعلّق به این‌ها است؛ این‌ها جان خودشان را و سلامت خودشان را در خدمت مردم قرار داده‌اند؛ این خیلی بااهمّیّت و باعظمت است. رنج دوری از خانواده را تحمّل کردند؛ حتّی در نوروز و تعطیلات نوروزی هم خیلی از این‌ها به خانواده‌هایشان سر نزدند؛ دچار بی‌خوابی، دچار مشکلاتِ فشارهای عصبیِ ناشی از برخورد با بیمار بدحال [شدند و] همه‌ی این‌ها را به جان خریدند و این [به عنوان] یک خاطره‌ی خوشی از دستگاه و مجموعه‌های درمانی کشور در ذهن این ملّت خواهد ماند؛ این یک خاطره‌ی خوشی است و در این دوره، جامعه‌ی پزشکی و پرستاری و جامعه‌ی درمانی کشور از خودش یادگار خوبی و خاطره‌ی خوبی را به جا گذاشت.

### بسیجیان طلّاب و دانشجویان جهادی

در کنار اینها، داوطلبان، آن کسانی که جزو مجموعه‌های درمانی هم نبودند، امّا داوطلبانه آمدند وارد این میدان شدند؛ طلّاب جهادی، دانشجویان جهادی، هزاران بسیجی پُرتلاش در بخش‌های مختلف کشور، و آحاد مردم، خدمات باارزشی را که واقعاً از توصیف بالاتر است ارائه کردند که انسان را حقیقتاً خرسند می‌کند از سویی و ممنون و متشکّر می‌کند از سوی دیگری.

### نیروهای مسلّح

در کنار این‌ها نیروهای مسلّح که انصافاً نیروهای مسلّح از همه‌ی توان سازندگی خود و ابتکار خود استفاده کردند؛ حتّی در زمینه‌ی علمی، حتّی در زمینه‌ی مسائل کشفیّات و ساخت‌ و ساز و تولید امکانات بهداشتی و درمانی - از بیمارستان‌ها تا نقاهتگاه‌ها تا بقیّه‌ی وسایلی که در اختیار نیروهای مسلّح بود - بهترین بخش‌های خود را در خدمت این کار گذاشتند؛ توان سازندگی‌شان، توان ابتکارشان را در عرصه‌ی علم و عمل [گذاشتند]. بعد ظرفیّت‌های جدیدی کشف شد، پیدا شد؛ معلوم شد ظرفیّت‌های بسیار زیادی در داخل نیروهای مسلّح و همچنین بیرون نیروهای مسلّح وجود دارد که این ظرفیّت‌ها را ما نمی‌شناختیم. این جوان‌هایی که می‌آیند در تلویزیون توضیح می‌دهند کارهایی را که کرده‌اند، چیزهایی را که ساخته‌اند، این‌ها را غالباً ما نمی‌شناختیم؛ این ظرفیّت‌های کشف‌شده‌ی جدید است.

### مشارکت‌های مردمی

و مردم؛ انصافاً مشارکت‌های مردمی هم، مشارکت‌های بسیار زیبا و صحنه‌های جالب و شگفت‌انگیزی را به وجود آورده که در همه جا هست؛ من چند مورد را به‌خصوص اسم می‌آورم. این به معنای این نیست که این چند مورد اختصاص دارند؛ نه، حالا این‌ها به بنده گزارش شده، این‌ها را من عرض می‌کنم: مثلاً در سبزوار، طرح «هر محلّه یک قربانی» شروع شده؛ اهل محل جمع می‌شوند یک گوسفند قربانی می‌کنند، به نیازمندانِ همان محل گوشت می‌دهند؛ این خیلی چیز لازم و مهم و کار جالبی است که این‌ها انجام می‌دهند برای اِطعام نیازمندان. یا در یزد، مادر شهیدی با همکاریِ جمعی از بانوان که همراه کرده با خود عدّه‌ای از بانوان را، خانه‌های خودشان را تبدیل کرده‌اند به خیّاط‌خانه که در این خیّاط‌خانه‌ها ماسک تولید می‌کنند و مجّانی در اختیار مردم می‌گذارند. یا در نهاوند، گروهی از بانوان که در زمان دفاع مقدّس نان می‌پختند و برای جبهه می‌فرستادند، فعّال شده‌اند برای مهار بیماری و کمک می‌کنند. در خوزستان، طلّاب قرارگاه تشکیل داده‌اند و حتّی داخل خانه‌های مردم را هم ضدّعفونی می‌کنند. در شیراز، معتمدین محلّی با صاحبان املاک -صاحبان خانه‌ها و مغازه‌ها- صحبت می‌کنند که اجاره نگیرند یا تخفیف بدهند یا مهلت بدهند و کمک بشود به کاسب. در تبریز، رئیس حوزه‌ی علمیّه خودش وارد شده و به شکل میدانی مشغول فعّالیّت است. در یکی از شهرها، نامزد حزب‌اللهی‌ای که در انتخابات رأی نیاورده، ستاد خودش را تعطیل نکرده و نگه داشته و فعّالان را در خدمتِ حرکتِ جهادی و مبارزه‌ی‌ با کرونا سازمان‌دهی کرده. این‌ها البتّه گزارشهای محدودی است که بنده حالا علی‌العجاله در اختیار داشتم؛ ولیکن صدها مورد شبیه این، بلکه هزارها مورد شبیه این در سرتاسر کشور به شکل‌های گوناگون وجود دارد که من به بعضی از این‌ها هم در صحبت قبلی[[37]](#footnote-37) اشاره کرده‌ام.

### نشانه‌ی رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما

این مهم است که توجّه کنیم این‌ها نشانه‌ی عمق فرهنگ اسلامی و رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما است، در دل مردم ما است. بر خلاف خواسته و ادّعای کسانی که به‌خصوص در این یکی دو دهه‌ی اخیر متأسّفانه تلاش کردند که فرهنگ ایرانی تحقیر کنند، فرهنگ اسلامی-ایرانی را تحقیر کنند، برای این‌که مردم را متوجّه فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی بکنند، خوشبختانه این احساس تفکّر اسلامی و فرهنگ اسلامی و زنجیره‌ی ارزش‌های اسلامی در مردم بسیار احساس قوی و راسخی است.

## نشان دادن محصول تربیت فرهنگ و تمدّن غربی

متقابلاً، فرهنگ و تمدّن غربی هم محصول خودش را نشان داد؛ آنچه در کشورهای غربی، در اروپا و آمریکا اتّفاق افتاد -که خب بعضی از آن‌ها را تلویزیون ما گفت، لکن بعضی از آن‌ها هم در تلویزیون گفته نمی‌شود و اطّلاعاتی است که به ما می‌رسد و ما می‌دانیم- محصول تربیت خود را نشان داد. یک دولتی ماسکِ متعلّق به یک دولت دیگر را، دستکشِ متعلّق به یک دولت دیگر را سرِ راه مصادره کند و به طرف خودش ببرد که این در مورد چند دولت در اروپا و در آمریکا اتّفاق افتاد. یا مردم هر روز در ظرف مدّت کوتاهی، در ظرف یک ساعت یا دو ساعت فروشگاه‌ها را تخلیه کنند، حرص بزنند برای خرید بیشتر که بروند یخچال‌ها و فریزرهای خانه‌ی خودشان را پُر کنند و دکّان‌ها خالی بشود که قفسه‌های خالی را در تلویزیون‌های دنیا نشان دادند، و تلویزیون ما هم از آن‌ها نقل کرد؛ یا کسانی برای چند دستمال توالت به جان هم بیفتند، یا کسانی برای خرید اسلحه صف بکشند، نشان داد که مردم صف کشیده‌اند بروند اسلحه بخرند، چون احساس خطر می‌کنند در این ایّام که باید اسلحه داشته باشند؛ یا برای بیمارها اولویّت قائل بشوند، بیمار پیر را معالجه نکنند؛ می‌گوید لزومی ندارد ما زحمت بکشیم و با این محدودیّت، بیمار پیر و از کارافتاده و دچار مشکلات اساسی را معالجه کنیم؛ این‌ها حوادثی است که در آن‌جا اتّفاق افتاده. بعضی‌ها از ترس کرونا خودکشی کرده‌اند، از ترس مرگ خودکشی کرده‌اند؛ این‌ها رفتارهایی است که برخی از ملّت‌های غربی از خودشان نشان داده‌اند. این البتّه نتیجه‌ی منطقی و طبیعی فلسفه‌ی حاکم بر تمدّن غربی است؛ [یعنی] فلسفه‌ی فردگرایی، فلسفه‌ی مادّیگری‌، فلسفه‌های غالباً بی‌خدایی که اگر اعتقادی هم به خدا هست، آن اعتقاد توحیدی صحیحِ عمیقِ معرفت‌زا نیست. این هم یک مسئله است.

### روح وحشی‌گری در غرب

من این‌جا این را هم عرض بکنم که یکی از سناتورهای غربی در همین چند روز گفته بود که غربِ وحشی زنده شده؛ این حرف آن‌ها است. وقتی که ما می‌گوییم در غرب یک روح وحشی‌گری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن‌زده و کراوات‌بسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجّب می‌کنند و انکار می‌کنند؛ این را حالا خودشان می‌گویند که این، نماد زنده شدن غربِ وحشی است.

## رفتار عمومی ملّت

یک بُعد دیگری که در مورد این حادثه وجود دارد، رفتار عمومی ملّت عزیز ما است در به کار بستن توصیه‌ها که انسان واقعاً مشاهده می‌کند مردم آنچه را ستاد ملّی مبارزه [با کرونا] به صورت قاطع بیان می‌کند عمل می‌کنند. بله، ممکن است یک وقتی یک چیزی را به صورت مردّد بیان کنند، مردم به این نتیجه نرسند که باید این کار را کرد، امّا آنجایی که به صورت قاطع مطلبی گفته می‌شود و احساس می‌کنند که این کار باید انجام بگیرد، مردم با مصوّبات مسئولین همراهی می‌کنند؛ یک نمونه‌اش روز سیزدهم فروردینِ امسال بود؛ انسان باور نمی‌کرد که مردم سیزده‌بِدر را تعطیل کنند امّا تعطیل کردند؛ مردم سیزده‌بِدر نرفتند. این نشان‌دهنده‌ی آن است که مردم به معنای واقعی کلمه یک نظم عمومی را در مواجهه‌ی با این حادثه پذیرفته‌اند که البتّه باید ادامه پیدا کند؛ این نظم عمومی بایستی وجود داشته باشد، باید تصمیم‌های ستاد ملّی [مبارزه با کرونا] -که در این زمینه، مسئول درجه‌ی اوّل است- جدّی گرفته بشود و بر طبق آن‌ها عمل بشود.

## کوچکی مشکل کرونا در مقایسه با بسیاری از مشکلات

یک بُعد دیگر در این قضیه این است که البتّه امروز کرونا برای بشریّت یک مشکل بزرگ و یک ابتلای بزرگ و خطرناکی است که به آن‌ها رو آورده، لکن این مشکل در مقایسه‌ی با بسیاری از مشکلات، مشکل کوچکی به حساب می‌آید؛ ما مشکلات فراوانی را در دنیا و در کشور خودمان مشاهده کرده‌ایم و داشته‌ایم که از این حادثه کمتر نبود، بلکه بیشتر بود؛

### حمایت غربی‌ها از حملات شیمیایی صدّام

از جمله، [اینکه] درست در ۳۲ سال قبل از این، در همین ایّامی که کرونا به منطقه‌ی ما وارد شد، هواپیماهای صدّام موادّ شیمیایی را در یک بخش‌هایی ریختند و هزاران نفر از مردمِ ما و مردمِ خودشان را با گاز خردل و مانند این‌ها کشتند؛ این اتّفاق افتاد. البتّه همه‌ی قدرت‌های دنیا هم آن روز از صدّام حمایت می‌کردند، به او کمک می‌کردند؛ بعضی از همین کشورهای متمدّن و مترقّی -[البتّه] در ادّعا- موادّ شیمیایی را به او دادند، سلاح شیمیایی را در اختیار او گذاشتند و تا امروز هم اَحدی از آن‌ها حساب پس نداده، جواب نداده که چرا این جنایت را این‌ها انجام دادند. و آن جنایت‌کار، [یعنی] صدّام، با مردمِ ما این جور عمل کرد، با مردمِ خودش در حلبچه هم همین جور عمل کرد؛ به خاطر این‌که احساس کرده بود که ممکن است مردم حلبچه با رزمندگان جمهوری اسلامی همکاری داشته باشند، آن‌جا هم [موادّ شیمیایی] ریخت و مردم را در کوچه و خیابان به کام مرگ کشاند؛ این‌ها هست.

### کشته‌های جنگ‌های بزرگ دنیا

در جنگ‌های بزرگ دنیا، در دو جنگ جهانی میلیون‌ها نفر کشته شدند؛ حالا در قضیّه‌ی کرونا گفته می‌شود که مثلاً تا حالا یک میلیون و خرده‌ای در سطح دنیا مبتلا[[38]](#footnote-38) شده‌اند. در جنگ اوّل و دوّم [جهانی] که با فاصله‌ی حدود بیست سال در اروپا اتّفاق افتاد، چندین میلیون [نفر] -حالا الان دقیق یادم نیست، امّا می‌دانم بیش از ده میلیون جمعیّت- به قتل رسیدند؛ در جنگ ویتنام که آمریکا به آن‌جا حمله کرد همین جور؛ و در جنگهای گوناگون دیگر. در همین اواخر به وسیله‌ی عوامل آمریکا، در حمله‌ی به عراق عدّه‌ی زیادی کشته شدند، به شهادت رسیدند؛ و امثال این‌ها فراوان اتّفاق افتاده.

پس ما وقتی که راجع به این قضیّه فکر می‌کنیم از بقیّه‌ی حوادث مهمّی که در دنیا همواره وجود داشته نبایستی غفلت بکنیم و بدانیم که همین حالا هم میلیون‌ها انسان زیر فشار ظلم و ستم دشمن و دشمنی‌های دشمنان و قدرتمندان رنج می‌برند؛ مردم در یمن، مردم در فلسطین و در بسیاری از نقاط دیگر جهان زیر فشار هستند.

### غافل نشدن از توطئه‌ی دشمن‌ها

پس مسئله‌ی کرونا ما را از توطئه‌ی دشمن‌ها غافل نکند، از توطئه‌ی استکبار غافل نکند؛ [چون] دشمنی استکبار هم با اصل نظام جمهوری اسلامی است. این‌که کسی خیال کند که ما دشمنی نکنیم تا با ما دشمنی نکنند، این نیست؛ اصل نظام جمهوری اسلامی، اصل مردم‌سالاری اسلامی از نظر آن‌ها قابل قبول نیست، قابل فهم نیست و قابل تحمّل نیست. این هم یک نکته.

## رزمایش گسترده برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان

ما عرض می‌کنیم که مسئولان در ستاد ملّی [مبارزه با کرونا] به طور جدّی مشغول کارند و گزارش‌هایش به ما داده می‌شود و اطّلاع پیدا می‌کنیم. و برای برخی از قشرهای ضعیف هم فکرهایی کرده‌اند که من توصیه می‌کنم، تأکید می‌کنم که این برنامه‌هایی را که مسئولین دولتی برای برخی از قشرهای ضعیف در نظر گرفته‌اند، هر چه سریع‌تر، هر چه بیشتر، هر چه بهتر ان‌شاء‌الله به اجرا در بیاورند؛ لکن در کنار این، مردم هم وظیفه دارند. عدّه‌ای هستند که در این شرایط و در این اوضاع حقیقتاً زندگی‌شان به‌سختی قابل گذران است و نمی‌توانند زندگی معمولیِ عادیِ خودشان را اداره کنند؛ مردمی که دستشان باز است و توانایی دارند بایستی در این زمینه فعّالیّت وسیعی را شروع کنند. در صلوات شریف «شَجَرَةُ النُّبُوَّة» می‌خوانیم: وَ ارزُقنی مُواساةَ مَن قَتَّرتَ‌ عَلَیهِ مِن رِزقِکَ بِمَا وَسَّعتَ عَلَیَّ مِن فَضلِکَ ... وَ اَحیَیتَنی‌ تَحتَ‌ ظِلِّک؛[[39]](#footnote-39) یعنی این یکی از کارهای لازمی است که بایستی انجام بگیرد؛ به‌خصوص که ماه رمضان در پیش است. ماه رمضان، ماه انفاق است، ماه ایثار است، ماه کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتّفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت.

### لزوم ایجاد صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی برای اثبات ارادتمان به امام زمان

ما برای این‌که ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم که عرض کردیم، جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزّت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ این‌ها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقّق ببخشیم، به قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک می‌کند.

## خشوع و خضوع در خلوت خودمان

نکته‌ی آخری که عرض می‌کنم، این است که در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان -که این جلسات عمومی، جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسّل، بسیار مغتنم بود و امسال علی‌القاعده محرومیم از این جلسات- از عبادت و تضرّع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما می‌توانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، همین معنا را، همین توجّه را، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البتّه در برنامه‌های تلویزیون مواردی هم پخش می‌شود که از آن هم می‌شود استفاده کرد و بایستی این کارها را انجام بدهیم.

## توصیه به دو مسئله‌: جهش تولید و ساخت ‌و ساز و کار آزمایشگاهی

یک توصیه هم به مسئولین عرض می‌کنیم -هم مسئولین و هم فعّالان جوان در عرصه‌ی علم و فنّاوری- که دو چیز فراموش نشود: یکی مسئله‌ی جهش تولید است که این حیاتی است برای کشور و ما بایستی به هر قیمتی که هست، مسئله‌ی تولید را دنبال کنیم و به معنای واقعی کلمه جهش برای تولید به وجود بیاوریم؛ یکی هم مسئله‌ی ساخت ‌و ساز و کار آزمایشگاهی و تولید نیازهای فراوانی است که جوان‌ها در بخش‌های آزمایشگاهی این را ان‌شاءالله دنبال می‌کنند.

از خداوند متعال سعادت ملّت ایران را مسئلت می‌کنیم؛ خداوند روح مطهّر امام بزرگوار را شاد کند، ارواح طیّبه‌ی شهیدان عزیز را با پیغمبر محشور کند و ان‌شاءالله آنچه را آرزوهای بزرگ ملّت ایران است، تحقّق ببخشد و فرج ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) را ان‌شاء‌الله نزدیک کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# \*\*\*اردیبهشت 99

# پیام تسلیت درگذشت آیت‌الله امینی 6/2/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم مجاهد و پارسا مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ ابراهیم امینی رضوان‌الله‌علیه را به حوزه‌ی مبارک قم و فضلا و علاقمندان و مستفیدان از آثار قلمی آن مرحوم و به‌ویژه خاندان مکرّم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. عمر با برکت این عالم بزرگوار یکسره در راه علم و کسب و نشر معارف اسلامی و نیز مجاهدت سیاسی و اجتماعی و حضور فعال در مناصب رسمی نظام جمهوری اسلامی همچون امامت جمعه و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت و مجامع تصمیم‌گیر حوزوی، مصروف گردیده است، همچنانکه سلوک فردی ایشان نمونه‌ی چشم‌نوازی از پارسایی و پرهیزگاری و بی‌اعتنایی به جاذبه‌های مادی را مجسّم ساخته است. رحمت خدا بر این روحانی انقلابی و صادق و مجاهد باد. از خداوند متعال مغفرت و رضوان الهی برای ایشان مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

# سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم 6/2/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[40]](#footnote-40)

والحمدلله‌ ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

## تشکر از قاریان و مجری

خیلی تشکّر می‌کنیم از برادران عزیزی که این برنامه را ترتیب دادند و تنظیم کردند و ما را امروز محظوظ کردند از تلاوت آیات کریمه‌ی قرآن؛ و صمیمانه تشکّر می‌کنم از همه‌ی قرّاء محترمی که امروز تلاوت کردند؛ حقیقتاً لذّت بردیم، استفاده کردیم، بهره‌مند شدیم از این تلاوت‌ها، و همچنین از مجری محترم که جلسه را به‌خوبی اداره کردند.

## دعا برای توفیق ادای حقّ این ماه

اوّلاً حلول ماه مبارک رمضان را تبریک عرض می‌کنیم به همه‌ی کسانی که این سخن را می‌شنوند و همه‌ی برادران مسلمان در سرتاسر جهان؛ و امیدواریم که خداوند به ما توفیق بدهد که بتوانیم حقّ این ماه را ادا کنیم.

## ماه قرآن

ماه، ماه قرآن است؛ که در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن هم وقتی که نام ماه رمضان آورده شده، ذکر می‌شود «اَلَّذیِ اُنزِلَ فیهِ القُرءان».[[41]](#footnote-41) این یک خصوصیّت بسیار مهمّ این ماه عزیز و شریف است.

بنده مطالبی را یادداشت کرده‌ام، برای این‌که درباره‌ی قرآن عرض بکنم، منتها وقت نیست، وقت خیلی کم است؛ مختصری را عرض می‌کنیم.

## قرآن؛ کتاب زندگی

ما درباره‌ی قرآن بارها گفته‌ایم، بارها شنیده‌ایم که قرآن کتاب زندگی است. واقع قضیّه هم همین است: قرآن کتاب زندگی است.

### تطبیق زندگی با قواعد قرآن؛ عامل سعادت دنیا و آخرت

اگر آحاد بشر قواعد زندگی را با قرآن تطبیق بکنند، سعادت دنیا و آخرت نصیب آن‌ها خواهد شد. مشکل ما این است که این کار را نمی‌کنیم؛ مشکل ما این است که ما زندگی را با قواعد قرآن تطبیق نمی‌کنیم؛ مثل کسی که به پزشک مراجعه می‌کند و نسخه‌ی پزشک را می‌گیرد لکن به آن نسخه عمل نمی‌کند. این مراجعه‌ی به پزشک بدون عمل کردن به نسخه اثری نخواهد داشت؛ امروز وضع ما این جوری است.

### قرآن دارای جنبه‌ی معرفتی و دستورات کاربردی برای زندگی

قرآن، هم کتاب علم و معرفت است یعنی دل را و اندیشه‌ی انسانی را سیراب می‌کند -قرآن برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند یک سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی است- لکن علاوه‌ی بر این‌ها قرآن دستور زندگی هم هست؛ قرآن علاوه‌ی بر جنبه‌ی معرفتی و معرفت‌آموزی دستورات کاربردی دارد برای زندگی؛ یعنی محیط زندگی را آباد می‌کند، زندگی را از امنیّت و سلامت و آسایش برخوردار می‌کند. یَهدی بِهِ اللهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضوانَه سُبُلَ السَّلام.[[42]](#footnote-42) راه‌های سلامت را، راه‌های امنیّت را، راه‌های آسایشِ در زندگی را به انسان‌ها نشان می‌دهد.

### عمل به قرآن؛ راه علاج و حل مشکلات

انسان‌ها در طول تاریخ دست‌‌‌به‌گریبانِ ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و لگدمال شدن ارزش‌ها بوده‌اند، امروز هم هستند؛ راه علاج این‌ها قرآن است. اگر به قرآن عمل کنیم همه‌ی این مشکلات برطرف می‌شود. یعنی جوامع بشری اگر به دستوراتِ کاربردی قرآن -که من حالا تعداد کوتاهی و مختصری [از آن‌ها را]، به قدری که وقت هست عرض خواهم کرد- عمل بکنند، بدون تردید از همه‌ی این مشکلات نجات پیدا خواهند کرد.

### هزاران دستور در ظاهر قرآن

در همین ظاهرِ قرآن هزاران دستور زندگی وجود دارد. امیرالمؤمنین فرمود: اِنَّ القُرآنَ ظاهِرُهُ اَنیقٌ وَ باطِنُهُ عَمیق؛[[43]](#footnote-43) انیق یعنی شگفت‌انگیز و زیبا. ظاهر قرآن شگفت‌انگیز و زیبا است؛ برای کسانی که اهل نگاه زیباشناسانه هستند، قرآن بی‌نظیر است در زیبایی و شگفت‌انگیزی؛ امّا باطن او عمیق است.

این چیزهایی که من عرض می‌کنم که در قرآن وجود دارد و درس زندگی است، مال همین ظاهر قرآن است؛ مال همین چیزی است که بنده و امثال بنده از قرآن می‌فهمیم؛ وَالّا آن چیزی که کُمَّلینِ[[44]](#footnote-44) توحیدی از قرآن می‌فهمند، راسخین در علم می‌فهمند، اولیای الهی می‌فهمند که بواطن قرآن و بحر عمیقِ قرآن است، قرآن از این حرف‌ها خیلی بالاتر است؛ آنچه من عرض می‌کنم -این هزاران دستور زندگی- همین چیزهایی است که از ظاهر قرآن استفاده می‌شود.

## آیاتی که قواعد زندگی را مشخص می‌کند

### قاعده‌سازی‌ای از زندگی که خدا رد می‌کند

خب حالا این چیزهایی که کاربردی است: بعضی از این‌ها مربوط به تنظیم قواعد زندگی است؛ مثلاً فرض بفرمایید «فَمِنَ النّاسِ مَن یَقولُ رَبَّنا ءاتِنا فِی الدُّنیا وَ ما لَه فِی الأخِرَةِ مِن خَلاق»؛[[45]](#footnote-45) بعضی هستند که همه‌ی قواعد زندگی انسانی را، دوستی‌ها را، دشمنی‌ها را، رابطه‌ها را، هدف‌ها را، انگیزه‌ها را در کار دنیا محصور می‌کنند؛ دنیا یعنی چه؟ یعنی پول، یعنی قدرت، یعنی شهوت؛ مراد از دنیا در این‌جا این‌ها است. دوستی‌شان به خاطر این‌ها است، دشمنی‌شان به خاطر این‌ها است، رابطه‌گیری‌شان به خاطر این‌ها است، تلاششان به خاطر این‌ها است، هدف‌هایشان به خاطر این‌ها است؛ این را خدای متعال رد می‌کند. این جور قاعده‌ی ‌زندگی‌ ساختن را خدای متعال رد می‌کند؛ وَ ما لَه فِی الأخِرَةِ مِن خَلاق. این‌ها در زندگی دنیوی به چیزهایی خواهند رسید -در این زندگی موقّت کوتاه- امّا در زندگی اصلی و واقعی و اخروی که زندگی انسان در آن‌جا است چیزی ندارند، بی‌نصیبند، بی‌بهره‌اند.

### یک قاعده‌سازی دیگر برای زندگی

امّا در مقابلش یک قاعده‌سازی دیگری برای زندگی وجود دارد: وَ مِنهُم مَن یَقولُ رَبَّنا ءاتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَ فِی الأخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّار؛[[46]](#footnote-46) این قاعده‌سازی دوّم است. یعنی کسانی که در دنیا هم دنبال حسنه هستند نه دنبال هر چیزی؛ در «ءاتِنا فِی الدُّنیا» نمی‌گوید چه به ما بده؛ معلوم است که دنیا می‌خواهد امّا این «ءاتِنا الدُّنیا حَسَنَة»؛ چیزهای نیکو را در دنیا به ما بدهد؛ چیزهایی که با فطرت انسان منطبق است، با نیازهای واقعی انسان منطبق است؛ وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَة؛ دنبال آخرت هم هستند؛ وَ قِنا عَذابَ النّار؛[[47]](#footnote-47) آن وقت کسانی هستند که خدای متعال این‌ها را به مقاصد حقیقی زندگی می‌رساند. یک دسته آیات از این قبیل است که قواعد زندگی را مشخّص می‌کند.

### قاعده‌ی زندگی‌ای که اسلام برای ما معیّن می‌کند

یا مثلاً فرض کنید در آیه‌ی مربوط به عُقلای بنی‌اسرائیل که یک عدّه‌ای از آن‌ها به قارون توصیه می‌کردند، می‌گفتند: وَ ابتَغِ فیما ءاتاکَ اللهُ الدّارَ الأخِرَةَ وَلا تَنسَ نَصیبَکَ مِنَ الدُّنیا وَ اَحسِن کَما اَحسَنَ اللهُ اِلَیک؛[[48]](#footnote-48) به قارون نمی‌گفتند که هر چه را داری یا نداری دور بریز؛ می‌گفتند آنچه را داری وسیله قرار بده. پول و ثروت دنیا وسیله است، وسیله‌ی رسیدن به مقامات عالیه‌ی بشری و انسانی است، وسیله‌ی رسیدن به مقامات معنوی است؛ می‌تواند وسیله باشد. شما می‌توانید با پول دنیا را آباد کنید، زندگی‌های انسان‌ها را نجات بدهید، تبعیض را برطرف کنید، فقرا و ضعفا را از حالت فقر و ضعف بیرون بیاورید. وَ ابتَغِ فیما ءاتاکَ اللهُ الدّارَ الأخِرَة؛ اوّلاً آنچه در اختیار تو است، ءاتاکَ الله است، خدا به تو داده؛ ثانیاً راهش این است که این را برای خدا مصرف کنی وَ لا تَنسَ نَصیبَکَ مِنَ الدُّنیا؛ امّا این جور هم نیست که خود تو هم حظّی و سهمی نداشته باشی؛ چرا، تو هم سهمی داری، سهم خودت را هم استفاده کن. وَ اَحسِن کَما اَحسَنَ اللهُ اِلَیک؛ ببینید، این قاعده‌ی زندگی‌ای است که اسلام برای ما معیّن می‌کند. بر خلاف آنچه خود آن بی‌عقل خیال می‌کرد؛ آن قارونِ خرپولِ بی‌عقل می‌گفت: اِنَّما اوتیتُه عَلی عِلمٍ؛[[49]](#footnote-49) من خودم توانستم این را به دست بیاورم، با هنر خودم به دست آوردم؛ در حالی که این‌جور نیست؛ خدای متعال وسایل را فراهم کرده بود، او توانسته بود به دست بیاورد. بنابراین بعضی از آیات در قرآن این جوری است و از این قبیل آیات زیاد داریم که قواعد زندگی را معیّن می‌کند.

## آیاتی که مربوط به تنظیم مناسبات اجتماعی است

بعضی از آیات هست که مربوطه به تنظیم مناسبات اجتماعی است؛ این دستورهای کاربردی مربوط است به مناسبات اجتماعی.

### غیبت نکردن

فرض بفرمایید: وَلایَغتَب بَعضُکُم بَعضًا؛[[50]](#footnote-50) غیبت نکنید؛ این [دستور]، مناسبات اجتماعی را تنظیم می‌کند. شما وقتی غیبت می‌کنید، دل خودتان را چرکین می‌کنید، دل مخاطبتان را چرکین می‌کنید، واقعیّت پنهان یک برادر مؤمنی، خواهر مؤمنی را هم بی‌خودی به رخ این و آن می‌کشید؛ یک کار غلط و نادرست. او هم نسبت به شما ممکن است که همین کار را بکند. این کار، زندگی را، روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج می‌کند.

### بی‌انصافی و بی‌عدالتی نکردن با کسانی که مخالف هستیم

یا فرض بفرمایید که می‌فرماید: لا یَجرِمَنَّکُم شَنَئانُ قَومٍ عَلی اَلّا تَعدِلُوا؛[[51]](#footnote-51) اگر با کسی مخالفید، با کسی دشمنید، این موجب نشود که درباره‌ی او بی‌انصافی کنید، درباره‌ی او ظلم و بی‌عدالتی به خرج بدهید. ببینید، این یک دستور کاربردی است. بله، شما ممکن است با کسی مخالف باشید امّا [این] موجب نشود که نسبت به او به خاطر مخالفتتان در آنجایی که حق با اوست، آن حق را پنهان بدارید، یا مخفی کنید، یا آن حق را ضایع کنید و بی‌عدالتی و بی‌انصافی نسبت به او به خرج بدهید. شما ملاحظه کنید در اجتماعات، [اصلاً] در اجتماع خود ما -خیلی جای دوری نرویم- اگر چنانچه ما با کسانی که مخالف هستیم، به همین آیه عمل بکنیم، یعنی درباره‌ی آن‌ها بی‌انصافی نکنیم و آن‌ها هم درباره‌ی ما بی‌انصافی نکنند، ببینید چقدر وضع جامعه، وضع روا و خوبی خواهد شد.

### راه نیفتادن دنبال چیزی که به آن یقین نداریم

یا مثلاً فرض کنید «لا تَقفُ مالَیسَ لَکَ بِه عِلم»؛[[52]](#footnote-52) عرض کردم شبیه این -این جور آیات در قرآن- هزاران دستور قرآنی هست؛ لا تَقفُ مالَیسَ لَکَ بِه عِلم؛ دنبال چیزی که به آن یقین نداری راه نیفت؛ به آن چیزی که یقین نداری اعتماد نکن. الان ژورنالیسم رایج دنیا درست عکس این عمل می‌کنند؛ یعنی آن چیزهایی را که شایعه‌پردازی می‌کنند، دروغ‌پردازی می‌کنند، چیزهایی است که از آن اطّلاعی هم ندارند، علمی هم ندارند، بی‌خودی آن‌ها را پخش می‌کنند. در داخل جامعه‌ی خود ما هم متأسّفانه از این چیزها وجود دارد. این نقطه‌ی مقابل رفتاری است که امروز در دنیا هست. اگر چنانچه ما همین یک دستور را عمل بکنیم، بخش مهمّی از مشکلات ما حل خواهد شد.

### عدم اعتماد و گرایش به ظالم

یا «لا تَرکَنوِّا اِلَی الَّذینَ ظَلَموا»؛[[53]](#footnote-53) به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید -«رکون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن- به آدم ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین می‌شود که شما می‌بینید دولت‌های مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین و ستمگرترین عناصر عالَم اعتماد می‌کنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده می‌کنند و می‌بینند.

### قسط و عدل و انصاف در همه‌ی امور زندگی

یا «اَقسِطوا اِنَّ اللهَ یُحِبُّ المُقسِطین»؛[[54]](#footnote-54) عدل به خرج بدهید؛ قسط و عدل و انصاف در همه‌ی امور زندگی را دستور داده‌اند؛

### خیانت نکردن در امانت

یا «لا تَخونُوا اللهَ وَ الرَّسولَ وَ تَخونوا اَمانتِکُم»؛[[55]](#footnote-55) در امانت خیانت نکنید. امانت فقط پولی نیست که شما دست بنده دارید؛ مقامی هم که، مسئولیّتی هم که به وسیله‌ی شما به من داده شده امانت است. اگر چنانچه این امانت را درست عمل نکنم، خیانت در امانت است. ببینید شما اگر همین یک دستور را ما عمل بکنیم، چه اتّفاقی خواهد افتاد. بنابراین آنچه قرآن برای ما دارد، عبارت است از این دستورات عملیِ کاربردی.

### نترسیدن از دشمن و ترس از خدا

یا مثلاً «فلا تَخافوهُم وَ خافونِ اِن کُنتُم مُؤمِنین»[[56]](#footnote-56) که دنباله‌ی آن آیه‌ی «اِنَّما ذلِکُمُ الشَّیطنُ یُخَوِّفُ اَولِیاءَه»[[57]](#footnote-57) است، که آمدند گفتند «علیه شما دارند توطئه می‌کنند، بترسید»، [مسلمانان را] می‌ترساندند. قرآن می‌فرماید که نخیر، از آن‌ها نترسید، از من بترسید؛ خدای متعال را عبادت بکنید، اعتماد به خدا بکنید، در مقابل دشمن محکم بِایستید و می‌توانید دشمن را به عقب برانید.

خودِ این ترساننده‌ی از افراد ظالم که به انسان می‌گوید از این و از آن بترسید، از این قدرت‌ها بترسید و ملاحظه کنید، شیطان است؛ که ما در طول تاریخ هم مشاهده می‌کنیم کسانی که از این قدرت‌ها ترسیده‌اند، دچار آزمون‌های سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امروز قدرت‌های اسلامی، دولت‌های اسلامی ملاحظه‌ی قدرت‌های ظالم دنیا را می‌کنند، از آن‌ها می‌ترسند و قدرت خودشان را ندیده می‌گیرند؛ نتیجه این می‌شود که تو سرشان می‌خورد.

امام (رضوان الله علیه) این نترسیدن از قدرت را به همه‌ی ما یاد داد که از قدرت‌های ظالم و زورگو نترسید. من فراموش نمی‌کنم در سالِ ۵۸، آن وقتی که جوان‌های ما این جاسوس‌های آمریکایی و جاسوس‌خانه‌ی آمریکایی را گرفته بودند، بعضی‌ها فشار می‌آوردند به شورای انقلاب که بگویید این‌ها را آزاد کنند. بنده و مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی و بنی‌صدر، ما سه نفر از شورای انقلاب رفتیم قم؛ آن وقت امام قم بودند؛ رفتیم خدمت امام که از امام بپرسیم که چه کار کنیم. پرسیدیم که آقا این جوری است، فشار می‌آوردند که این‌ها را هر چه زودتر آزاد کنید؛ امام رو کردند به ما و گفتند که از آمریکا می‌ترسید؟ بنده عرض کردم نخیر نمی‌ترسیم، گفتند پس نمی‌خواهد آزادشان کنید. واقعش هم همین بود؛ یعنی اگر چنانچه کسی قرار بود از آمریکا بترسد و ملاحظه بکند، نتایج بسیار تلخی را آن روز عاید کشور می‌کرد. ما دیده‌ایم مواردی را که دولت‌ها و قدرت‌های کشورِ خودمان از دشمن می‌ترسیدند و این ترس، آن‌ها را دچار مشکلات فراوانی کرد.

#### معنای خافون

قرآن می‌گوید: فَلا تَخـافوهُم وَ خافون؛[[58]](#footnote-58) «خافون» یعنی ملاحظه‌ی مقرّرات من را بکنید؛ آنجایی که خدای متعال فرموده است مجاهدت کنید، مجاهدت کنید؛ آنجایی که فرموده است دست نگه دارید، دست نگه دارید؛ معنای این «خافون» این است.

### نماز برای ذکر و یاد خدا

و همچنین «اَقِمِ الصَّلْوةَ لِذِکری»؛[[59]](#footnote-59) حالا به مناسبت ماه رمضان این را هم توجّه بکنیم به «وَ اَقِمِ الصَّلوةَ لِذِکری»؛این یکی از دستورات کاربردی است. نماز برای ذکر است، برای یاد است؛ نماز را برای ذکر خدا محفوظ بدارید. امروز ما اگر چنانچه این را در مورد خودمان عمل بکنیم که این را همه‌‌ی ما می‌توانیم عمل بکنیم؛ نماز را باتوجّه بخوانیم و در نماز دلمان را به جای دیگری نسپریم و نماز را برای ذکر خدای متعال بخوانیم، این یقیناً تأثیرات فراوانی در اعتلای روحی ما خواهد داشت؛

### توبه و استغفار

همچنین «یـاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا توبوا اِلَی اللهِ تَوبَةً نَصوحًا»[[60]](#footnote-60) که این روزها، روزهای توبه است، روزهای استغفار است، روزهای رجوع به پروردگار است.

## امید به انجام وظایف ماه رمضان

امیدواریم ان‌شاء‌الله خدای متعال به همه‌ی آحاد ملّت ما و به همه‌ی آحاد مسلمان توفیق بدهد که بتوانند وظایف ماه رمضان را، وظایف اسلامی را انجام بدهند. به قرآن عمل بکنیم؛ این دستورات قرآنی، همه‌ی این هزاران دستور کاربردی قرآنی، عملیّاتی است یعنی قابل عمل شدن است؛ البتّه دولت‌ها مسئولیّت بیشتری دارند، قدرت‌های مسلّط بر کشور و مدیران جامعه مسئولیّت بیشتری دارند.

ظاهراً دیگر وقت ما تمام شد؛ گمان می‌کنم باید حالا اذان باشد؛ لذاست که دیگر عرایض را خاتمه می‌دهیم. خیلی خوشحالم؛ امروز بسیار جلسه‌ی خوبی بود و مجدّداً از همه‌ی کسانی که دست‌اندرکار بودند تشکّر می‌کنم.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# ابلاغیه در موافقت با آزادسازی سهام عدالت[[61]](#footnote-61) 9/2/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

## انتظار انجام سریعتر این تکلیف در گذشته

درپی تصمیم واگذاری درصدی از سهام اصل ۴۴ قانون اساسی در قالب سهام عدالت با هدف گسترش عدالت اجتماعی و توانمندسازی خانوارهای کم درآمد، انتظار این بود که توسط مسئولین مربوط در دولت‌های مختلف با اجرای دقیق مواد ۸ گانه ابلاغی 12/4/1385 هرچه سریعتر مقدمات لازم برای آزادسازی سهام عدالت و واگذاری تعیین قیمت آن به بورس فراهم گردیده و آیین‌نامه‌های اجرایی تهیه و به اجرا درآید.

## شروط آزادسازی سهام عدالت

در هر صورت با توجه به شرایط فعلی اقتصادی و عزم دولت برای عمل به تکالیفی که به عهده اوست، با آزادسازی سهام عدالت با رعایت امور زیر، موافقت می‌شود:

دارندگان سهام عدالت مجازند در محدوده زمانی مشخص مالکیت مستقیم سهام شرکت‌های سرمایه‌پذیر را انتخاب نمایند و به تناسب، نقش مدیریتی خود را ایفا کنند.

مقررات مورد نیاز جهت انتقال سهام به صاحبان سهام عدالت توسط شورایعالی بورس تدوین و تصویب شود. این مصوبات برای کلیه دستگاههای اجرایی لازم‌الاجراست.

نسبت به سهام باقیمانده در شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، شورایعالی بورس موظف است ضمن تشویق ماندگاری صاحبان سهام در شرکت‌های مذکور، از طریق مبادی ذیربط هرچه زودتر زمینه‌ی ورود آن شرکت‌ها را در بورس فراهم نماید.

با توجه به تأخیری که در طول زمان نسبت به تحقق اهداف واگذاری این سهام پیش آمده است، و به دلیل ضرورت بهره‌مندی هرچه سریعتر مردم از منافع سهام خود، لازم است دولت محترم هرچه زودتر اقدامات مقتضی در جهت تحقق موارد مذکور در بندهای سه گانه فوق را به‌عمل آورد.

سیّد علی خامنه‌ای

۹ اردیبهشت ۱۳۹۹

# پیام به مناسبت روز معلم 12/2/1399

بسمه تعالی

## تبریک

روز معلم را به همه‌ی معلمان عزیز که در مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه به پرورش اندیشه و دانش کودکان و جوانان کشور می‌پردازند تبریک می‌گویم.

## سخن قرآنی امام خمینی درباره‌ی معلمی

این سخن امام خمینی که معلمی را شغل انبیا دانستند، یک شعار تبلیغاتی نبود، سخن قرآن بود که فرموده است: ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحمکة...

## پنج واژه‌ی‌کلیدی در دعوت اسلام و همه‌ی پیامبران

تزکیه و تعلیم و کتاب و حکمت الهی چهار واژه‌ی کلیدی در دعوت اسلام و همه‌ی پیامبران است. واژه کلیدی دیگر قیام به قسط است. در مدرسه نبوّت‌ها، نسل‌های بشر با کتاب و حکمت، آموزش وپرورش می‌یابند و آنگاه زندگی عدالت‌محور بنا می‌کنند و جوامع بشری بدین ترتیب به هدف‌های آفرینش انسان نزدیک می‌شوند.

### هدف نظام اسلامی

نظام اسلامی با همین هدف یعنی شکل‌گیری یک جامعه‌ی دینی عادلانه و آرمان‌خواه پدید آمد، و طبیعی است که نظام آموزشی کشور نیز نمی‌تواند هدفی جز هدف کلّی نظام داشته باشد.

## آنچه کودک و نوجوان و جوان در کشور اسلامی می‌آموزد

کودک و نوجوان و جوان در کشور اسلامی می‌آموزد که استعداد و توان بالقوه‌ی خود را برای ارزش‌های متعالی ملی یعنی ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکوفا کند و به‌کار گیرد.

### جهاد مبارک معلمان

این آموزش حیاتی و سازوکار تحقق آن، همان کار بزرگ و جهاد مبارکی است که معلمان عهده‌دار آن شده‌اند.

## اثرات علم نافع

اسلام ما را به علم نافع فرا می‌خواند، علم نافع از سویی جوان ایرانی را به ابزارهای لازم برای پیشرفت و اعتلای کشور و ملتش مجهز می‌سازد، و از سویی به او هویت می‌بخشد و او را از وزانت و اعتبار روحی و معنوی و اعتماد به نفس برخوردار می‌کند.

## ثروت بی‌همتا

نسل جوانی که در این مسیر، صیرورت و پرورش می‌یابد، ثروتی آن‌چنان انبوه و ذخیره‌ای آن‌چنان عظیم است که هیچ پدیده‌ی ارزشمند دیگری برای کشور با آن برابری نمی‌کند.

### محصول کار و انگیزه‌ی معلمان

این ثروت، محصول کار و انگیزه‌ی معلمان در مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است. رحمت و فضل خدا بر دست‌های پرکار و دل‌های پر انگیزه‌ی آنان باد.

## الگوهای درخشان و برجسته

نسل جوان ما بحمدالله الگوهای درخشان و برجسته‌ای را هم می‌شناسد که در دنیای مادی امروز نظایر آن‌ها را کمتر می‌توان یافت.

از شهید چمران و شهید آوینی تا شهدای هسته‌ای و تا شهید سلیمانی و تا شهید بزرگوار مطهری که در دهه‌ی سی از عمر خود در حوزه‌ی قم و دانشگاه تهران درخشید و در دهه‌ی پنجاه با بال شهادت به ملکوت اعلی پرکشید.

درود خدا بر شهیدان و سپاس ما به معلمان و خوشامد ما نثار نسل جوان خوش عاقبت ملت ایران باد.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

# بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی 17/2/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[62]](#footnote-62)

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة ‌الله فی‌ الارضین.

برنامه‌ای که امروز دوستان ترتیب دادند، بسیار برنامه‌ی شیرین و جذّابی بود. بنده، هم از کسانی که برنامه را تنظیم کردند و زحماتش را به عهده گرفتند و هم از مدیران محترم و دیگر عزیزانی که گزارش دادند، تشکّر می‌کنم.

## لزوم انتشار این گزارش‌ها

گزارش‌ها بسیار خوب بود و من اصرار دارم بر این‌که این گزارش‌ها منتشر بشود. من خواهش می‌کنم فقط به انتشار عرایض ما اکتفا نشود و آنچه را دوستان، مدیران محترم، کارگران محترم، مسئولان دستگاه‌های اجرایی و مجریان بیان کردند، همه پخش بشود، در اختیار مردم قرار بگیرد تا مردم استفاده کنند؛ که حتماً در نگاه عمومی مردم نسبت به آینده‌ی کار و تلاش کشور تأثیر خواهد گذاشت.

## لزوم اهتمام به رفع مشکلات قشر زحمت‌کش کارگر

اوّلاً هفته‌ی کارگر را تبریک عرض می‌کنم به همه‌ی کارگران و امیدوارم با مطالبی که گفته شد و اقدام‌هایی که در این هفته و در این روزها انجام گرفته و انجام می‌گیرد، بخشی از مشکلات قشر زحمت‌کش کارگر ان‌شاءالله برطرف بشود؛ [چون] مشکلاتی هست و یکی از مسائل مهمّ ما، رفع مشکلات جامعه‌ی کارگری است که بایستی [به آن] اهتمام کنیم. دو مطلب را من در این‌جا عرض می‌کنم: چند جمله‌ای راجع به مسائل کارگر و کارگری؛ و یک مقدار هم راجع به بحث «جهش تولید» که شعار امسال بود و هست، عرض می‌کنم.

## ****دو مفهوم «کار» در اسلام: به معنای عام، و به معنای خاصّ اقتصادی****

کار در اسلام به دو معنا، یک مفهوم شناخته شده است: هم کار به معنای عام، یعنی شامل کار معنوی، دنیایی، اخروی، اقتصادی، فکری، جسمی، بدنی و در مجموع کار، [یعنی] عمل؛ هم کار به معنای خاصّ اقتصادی که امروز، مسئله‌ی کار و کارگر به معنای ویژه‌ی خود در دنیا مطرح است؛ کار به هر دو معنا در اسلام مطرح است.

### کار و به سرانجام رساندن آن؛ شعار امیرالمؤمنین

امّا در آن معنای اوّل که معنای عمومی است که «لَیسَ لِلاِنسانِ اِلّا ما سَعیٰ»،[[63]](#footnote-63) درآیه‌ای که تلاوت کردند در اوّلِ همین محفل شریف، یا این‌که امیرالمؤمنین فرمود: العَمَلَ العَمَلَ ثُمَ‌ النِّهایَةَ النِّهایَة.[[64]](#footnote-64) کار، کار؛ این شعار است، این شعار دادن امیرالمؤمنین است: کار، کار؛ و آنگاه «اَلنِّهایَة»؛ یعنی به سرانجام رساندن کار. یکی از مشکلات ما این است که کار را گاهی شروع می‌کنیم ولی نیمه‌کاره میماند. امروز در کشور، یکی از مسائل ما، مشکلات ما، طرح‌های نیمه‌تمام ما است؛ کار را به نهایت نرساندن، یکی از عیوب کار ما است. این‌جا امیرالمؤمنین می‌فرماید کار و به سرانجام رساندن کار. بنابراین، این معنای عمومی کار است، این مخصوص کار به معنای اقتصادی آن نیست؛ کارِ عملی است، کارِ دینی است، کارِ دنیایی است، کارِ دسته‌جمعی است، کارِ سیاسی است، کارِ جهادی است؛ این عمل، همه‌ جور کاری را شامل می‌شود؛ که در قرآن هم شما ملاحظه می‌کنید «عَمِلُوا الصّالِحٰت»چقدر تکرار شده؛ الَّذینَءامَنوا وَعَمِلُوا الصّالِحٰت؛[[65]](#footnote-65) وَ عَمِلَ صلِحًا. راجع به «عمل» در قرآن تکرار شده و بحث عمل در قرآن به طور مکرّر آمده است.

### نقطه‌ی مقابل مفت‌خواری

خب، این‌جا تکیه‌ی بر روی این معنای از کار، نقطه‌ی مقابل مفت‌خواری است. یعنی توجّه بکنیم به این‌که انتظار نداشته باشیم به طور مفت چیزی گیر ما بیاید؛ چه در زمینه‌ی مسائل دینی و پاداش اخروی، چه در زمینه‌ی مسائل دنیایی، چه در مقوله‌ی مسائل مهمّ کشوری، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی، باید کار کرد، دنبال کار باید بود، نتیجه‌ی کار را باید مطالبه کرد؛ مفت‌خواری و مفت‌جویی غلط است؛ پس تکیه‌ی بر عملِ به این معنا به خاطر این خصوصیّت است.

### تکیه‌ی به کار به معنای دوّم

و امّا تکیه‌ی به کار به معنای دوّم -که معنای اقتصادی است- هم در اسلام مطرح است. این‌که پیغمبر اکرم دست کارگر را می‌گیرد و می‌بوسد، این خیلی چیز مهمّی است. یا پیغمبر اکرم می‌فرماید که «وَ لَکِنَّ اللهَ یُحِبُّ عَبداً اِذا عَمِلَ عَمَلاً اَحکَمَه»؛[[66]](#footnote-66) خدای متعال آن کسی را که عمل انجام می‌دهد، کار انجام می‌دهد و آن کار را به طور محکم و متقن انجام می‌دهد، با احساس مسئولیّت انجام می‌دهد، دوست میدارد. بنابراین در اسلام مقوله‌ی کار به هر دو معنا مطرح است، منتها من امروز راجع به این معنای دوّم چند جمله‌ای را عرض می‌کنم.

## هدف اقتصاد کشور؛ تولید ثروت و تقسیم عادلانه‌ی آن بین آحاد مردم

خب هدف اقتصاد کشور چیست؟ هدف اقتصاد عبارت است از تولید ثروت و تقسیم عادلانه‌ی آن. یک اقتصاد سالم این ‌جور اقتصادی است که بتواند ثروت را در کشور تولید کند و آن را به نحو عادلانه، به نحو صحیح بین آحاد مردم کشور تقسیم کند؛ این اقتصاد، اقتصاد سالمی است.

## کارگر؛ یک ستون اصلی برای رسیدن به این اقتصاد سالم

برای رسیدن به این اقتصاد سالم دو سه ستون اصلی وجود دارد؛ یک ستون اصلی عبارت است از ستون کارگر؛ بنابراین یکی از عاملهای درجه‌ی اوّلِ تولید ثروت در کشور عبارت است از کارگر؛ البتّه کارگر هر چه ماهر باشد، نوآور باشد، خلّاق باشد -همچنان که امروز در این گزارش دیده شد که کارگرها از خودشان خلّاقیّت و نوآوری و مهارت نشان می‌دهند- طبعاً نتیجه‌ی کار برتر و بالاتر است. لذاست که یکی از وظایف ما در زمینه‌ی مسائل کارگری این است که بتوانیم دانش و مهارت نیروی انسانی‌مان را ارتقا بدهیم ؛ این یکی از وظایف است که حالا دیدم بعضی از بنگاه‌های اقتصادی به این نکته توجّه دارند و در گزارششان بود. یکی از وظایف بنگاه‌های اقتصادی این است که بتوانند دانش و مهارت نیروی کار را، نیروی انسانی موجود را افزایش بدهند و ارتقا بدهند؛ این می‌تواند نتیجه‌ی مطلوبی ببخشد.

در نقطه‌ی مقابل هم کارگر است که طبعاً با مهارت بیشتر، با احساس مسئولیّت بیشتر -که آن احساس مسئولیّت، همان «فَاَحکَمَه» یا «فَاَتقَنَه» در روایت است- کار را محکم‌کاری کند، متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد، سهل‌انگاری نکند؛ این وظیفه‌ی مشترکی است بین کارگر و کارفرما.

## افزایش تولید، منوط به همکاری دوجانبه‌ی واقعی میان نیروی کار و سرمایه‌گذار

یک همکاری دوجانبه‌ی واقعی میان نیروی کار، و سرمایه‌گذار که اصطلاحاً به او کارفرما گفته می‌شود می‌تواند تولید و ارزش افزوده را افزایش بدهد؛ یک همکاری مشترک از سوی کارگر و از سوی کارفرما یا سرمایه‌گذار. نیروی کار و کارگر مهارتش را، احساس مسئولیّتش را افزایش بدهد، دقّتش را افزایش بدهد و با مسئولیّت بیشتر کار بکند، کارفرما [هم] سهم نیروی کار را از عواید بنگاه اقتصادی افزایش بدهد؛ این یکی از چیزهایی است که لازم است.

دیدم دوستانی شکایت می‌کنند از بعضی از مصوّباتی که نظرات کارگر در آن‌ها ملاحظه نشده. خیلی خب، این مقرّرات بایستی حتماً با نگاه عادلانه تنظیم بشود و مسئولین بنگاه‌ها هم به این نکته توجّه بکنند. بنابراین ما در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین را گفتیم، یعنی همکاریِ این دو را؛ که آن وقت در این صورت این دو، یعنی هم کارگر و هم کارفرما مشترکاً ستون اصلیِ ایجاد رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

### رعایت حقّ نیروی کار

یکی از نکاتی که در باب کارگران و به مناسبت هفته‌ی کارگر خوب است روی آن تکیه بشود، مسئله‌ی رعایت حقّ نیروی کار است. حقوق طبیعی نیروی کار باید رعایت بشود؛ یعنی دستمزد عادلانه، پرداخت منظّم و بدون تأخیر، ثبات اشتغال یعنی امنیّت شغلی که بنده روی این امنیّت شغلی هم سال‌های قبل تأکید کرده‌ام که این یکی از مسائل بسیار مهم است. بعضی از آقایانی که صحبت کردند، اشاره کردند که هیچ نیروی کاری را در این مدّت از کار منفک نکردند؛ این بسیار کار خوبی است، بسیار روش خوبی است؛ امنیّت شغلی. مسئله‌ی بیمه، مسئله‌ی آموزش، مسئله‌ی خدمات رفاهی، مسئله‌ی بهداشت و درمان، این‌ها چیزهایی است که جزو حقوق کارگران است و این وظایف طبیعی کارفرما است. البتّه اگر اهتمام بیشتری نسبت به کارگر انجام بگیرد مثل این‌که نیازهای خانواده مورد مراعات قرار بگیرد یا آموزش فرزندان یا ازدواج و امثال اینها، طبعاً تأثیر بیشتری در ارتباط و التیام بین کارگر و کارفرما خواهد داشت که امر مبارک و خوبی است.

## یادگیری مداوم؛ یکی از ضرورت‌های بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی

به همین مناسبت این تذکّر را من عرض بکنم که در دنیای کنونی تحوّلات فنّاوری لحظه‌ای است -حالا اگر تعبیر مبالغه‌آمیز نباشد- یعنی به‌سرعت این تحوّلات دارد انجام می‌گیرد؛ بنابراین چون این تحوّلات پی‌درپی فنّاوری هست، یکی از ضرورت‌ها برای بنگاه‌های صنعتی و کشاورزی و بنگاه‌های اقتصادی یادگیری مداوم است؛ حالا این یادگیری هم به معنای یادگیری آموزشی، و هم به معنای یادگیری تجربه است. گاهی هست که کسانی که تجربه‌ی کار دارند، فواید این‌ها برای نسل بعدِ خودشان از آموزش‌های جدید هم بیشتر است. فرض بفرمایید حالا همین خانواده‌ی کشاورزی که این‌جا گزارش دادند از خراسان، یقیناً سودی که آن نسل سوّم از دانش جدید و معلومات جدید برده، بیشتر نیست از سودی که از تجربه‌ی پدران خودش و تجربه‌ی دو نسل قبل از خود برده. بنابر‌این، هم از دانش استفاده بشود، هم از تجربه‌ی نیروهای مجرّب استفاده بشود.

## ارتقای کیفیّت کار و رونق اقتصادی با ارتقای بهره‌وریِ نیروی کار

یک نکته‌ی دیگر هم این است که اگر بهره‌وریِ نیروی کار ارتقا پیدا کند، کیفیّت کار ارتقا پیدا خواهد کرد. همین مسئله‌ی آموزشی که عرض کردیم، اگر چنانچه تحقّق پیدا کند -که قهراً نیروی کار بهره‌وریِ بیشتری خواهد داشت- قیمت تمام‌شده یا هزینه‌ی کار کمتر خواهد شد، این طبعاً کیفیّت را ارتقا می‌دهد؛ کیفیّت وقتی ارتقا پیدا بکند، قدرت رقابت بیشتر می‌شود و رواج و رونق اقتصادی به وجود می‌آید، به‌خصوص در زمینه‌ی صادرات.

## پیوند دائمی میان نظام جمهوری اسلامی و کارگران

یک نکته‌ی دیگر در مورد کارگران این است که در دو قرنِ گذشته کارگران در عرصه‌ی سیاسی تأثیرگذار بودند. در همه‌ جای دنیا؛ هم در اروپا، هم در کشورهای دیگر، در عرصه‌ی سیاسی کارگران تأثیرگذار بودند. در کشور ما هم کارگران تأثیرگذار بودند به معنای واقعی کلمه. در پیروزی انقلاب -همان طور که اشاره کردند در اوّل این جلسه- کارگرها، کارگرهای شرکت نفت و بعضی مناطق دیگر، حقیقتاً تأثیر گذاشتند در وضع پیشرفت انقلاب.

بعد هم در دوران جمهوری اسلامی یکی از برترین قشرها در همراهی با اهداف جمهوری اسلامی کارگرها بودند؛ چه در دوران دفاع مقدّس، چه در دوران‌های بعد و در حوادث گوناگون همواره کارگرها جلو بودند، تلاش کردند، کار کردند به نفع نظام، و در خدمت نظام قرار داشتند. بنابراین پیوند میان نظام جمهوری اسلامی و کارگران یک پیوند دائمی است و امیدواریم ان‌شاءالله این پیوند ادامه پیدا کند؛ و این البتّه وظایف مسئولان نظام را نسبت به کارگران افزایش می‌دهد؛ و وظایف فراوانی همه نسبت به جامعه‌ی کارگری دارند؛ از مسئولین گوناگون در سه قوّه و آحاد مردم تا کارفرمایان و صاحبان صنایع و مناطق کشاورزی.

## داشتن فرصت و امکان برای عمل به شعار «جهش تولید»

راجع به جهش تولید؛ خب ما امسال را اعلام کردیم به عنوان سال «جهش تولید»؛ الان هم در اردیبهشت ماه هستیم، هنوز اوّل سال هستیم، یعنی فرصت و امکان برای این‌که به معنای واقعی کلمه در امسال جهش تولید انجام بگیرد هست؛ یعنی ما در ضیق وقت قرار نداریم. الان فرصت خیلی خوبی هست -ده یازده ماه مجال هست- دستگاه‌های مختلف می‌توانند به وظایفی که به جهش تولید منتهی می‌شود، ان‌شاءالله عمل بکنند. لذا من چند نکته را در باب جهش تولید عرض می‌کنم:

## تشبیه تولید به سیستم ایمنی و دفاعی بدن

اوّلاً درباره‌ی تولید خیلی صحبت کردیم؛ بنده هم زیاد صحبت کرده‌ام، مسئولینی هم که دلسوز بودند، علاقه‌مند بودند گفته‌اند. من می‌خواهم این را بگویم که تولید را می‌توان به سیستم ایمنی و دفاعی بدن تشبیه کرد؛ این روزها که مسئله‌ی کرونا هم مطرح است، نقش سیستم دفاعی بدن در مواجهه‌ی با ویروس‌ها، با میکروب‌ها و مهاجم‌های ضدّسلامت نقش خیلی مهمّی است. همین ویروس کرونا بلاشک وارد خیلی از بدن‌ها شد، لکن آن‌ها مریض نشدند؛ چرا؟ به خاطر این‌که یک سیستم دفاعی سالمِ خوبی داشتند که توانست دفاع کند و امنیّت بدن را تأمین بکند. اگر ما در اقتصاد کشور، اقتصاد را به یک بدن انسان تشبیه بکنیم، سیستم دفاعی و امنیّت‌بخشِ اقتصاد عبارت از تولید است؛ یعنی آن چیزی که می‌تواند ویروس‌های مهاجم و میکروب‌های مهاجم به اقتصاد را خنثیٰ بکند و آن را سالم نگه دارد تولید در کشور است. اگر ما همواره تولید خوب و مناسب و شایسته و رو به ‌رشد در کشور داشته باشیم، در مقابل این ویروس‌هایی که طبیعتاً وجود دارند -که البتّه اقتصاد ما متأسّفانه دچار میکروب‌ها و ویروس‌های طبیعیِ متعدّدی است؛ ویروس‌های دست‌ساز هم هستند، مثل تحریم، مثل همین مسئله‌ی قیمت نفت؛ این‌ها حوادثی هستند که به اقتصاد ضربه می‌زنند- می‌توانیم مقاومت بکنیم.

مسئله‌ی تولید یک نقش تأثیرگذار عجیبی به این شکل دارد، که طبعاً بایستی آن را مهم شمرد و به آن توجّه کرد. اگر ما بتوانیم این سیستم دفاعی و ایمنیِ پیکره‌ی اقتصاد کشور را تأمین کنیم و از همه جهت، آن را آماده نگه بداریم، بلاشک این مشکلات، این تکانه‌های گوناگون بین‌المللی و تکانه‌های مختلف اقتصادی نخواهد توانست به کشور صدمه‌ی اساسی و مهمّی وارد کند.

## نقش حیاتی تولید در ساخت یک اقتصاد قوی و اعتماد به نفْس عمومی

خب، تولید می‌تواند یک اقتصاد ملّی قوی را در کشور تشکیل بدهد؛ یعنی در ساخت یک اقتصاد قوی، تولید نقش اوّل را دارد؛ یک تأثیر حیاتیِ غیر قابل انکاری را در اداره‌ی کشور دارد. آن [طور] که من تصوّر می‌کنم، به اعتقاد بنده مسئله‌ی تولید فقط مسئله‌ی اقتصاد هم نیست؛ البتّه تولید برای اقتصاد، حیاتی است؛ تولید داخلی برای اقتصاد کشور و اقتصاد سالم، حیاتی است، لکن فقط این نیست. تولید از لحاظ سیاسی، یک کشور را دارای اعتماد به نفْس می‌کند، ملّت را دارای احساس عزّت می‌کند. این‌که ملّت احساس کنند که نیازهایشان در داخل کشورِ خودشان به وسیله‌ی خودشان تأمین می‌شود، برای یک ملّت خیلی مایه‌ی عزّت و افتخار است؛ تا این‌که ببینند هر چه لازم دارند، بایستی از دیگران بگیرند؛ بایستی از دیگران آن را التماس بکنند؛ [دیگران هم] گاهی بدهند، گاهی هم ندهند؛ و انواع و اقسامش را بدهند؛ یعنی گاهی خوبش را بدهند، گاهی بدش را بدهند؛ این‌که خود یک ملّت بتواند تولیدکننده و تأمین‌کننده‌ی نیازهای خودش باشد، به او اعتماد به ‌نفْس می‌دهد، به او احساس عزّت می‌دهد؛ پس می‌بینید مسئله‌ی تولید، ابعادی فراتر از ابعاد اقتصادی محض دارد. علاوه بر این‌که تولید می‌تواند بر روی کلّیّه‌ی شاخص‌های اقتصادی کشور اثر بگذارد؛ یعنی تولید می‌تواند در شاخص‌های گوناگون مثل تولید ناخالص داخلی، مسئله‌ی اشتغال -که بسیار مسئله‌ی مهمّی است- مسئله‌ی عرضه‌ی کالا و خدمات، مسئله‌ی رفاه عمومی جامعه، مسئله‌ی صادرات و تأثیرگذاری فکری و فرهنگی‌ای که صادرات می‌تواند بکند، اثر بگذارد. بعلاوه همان طور که عرض کردیم، تولید داخلی مایه‌ی افتخار ملّی است، به افراد جامعه اعتماد به نفْس می‌دهد و مانند این‌ها. بنابراین بیش از این، انسان در باب اهمّیّت تولید چه بگوید؟ تولید داخلی واقعاً حیاتی است برای کشور.

## چرا می‌گوییم جهش تولید؟

خب حالا ما گفتیم جهش تولید؛ چرا می‌گوییم جهش تولید؟ به خاطر این‌که ما از لحاظ تولید عقبیم. این کارهایی که دوستان اشاره کردند که انجام گرفته، کارهای بسیار برجسته و خوبی است، منتها این‌ها کافی نیست و ما نیاز به توسعه‌ی بیشتر تولید و تقویت بیشتر تولید و پیشرفت بیشتر تولید داریم که حالا من نکاتی را در این زمینه عرض می‌کنم.

## حرکت موتور اقتصاد کشور، در گرو مشارکت مردم

نکته‌ی اوّل این است که این را بدانیم که قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها -البتّه نه همه‌ی انواع سوسیالیسم- این فکرها را کردند که بتوانند دولت‌ها را متصّدی کار اقتصاد کنند [امّا] شکست خوردند. امکان ندارد، و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهمّ ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیّت‌های گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم.

## وظایف دولت در جهش تولید

خب، در عین حال که این کار، کار مردم است، دولت هم وظایف مهمّی دارد. دولت که میگوییم، منظور سه قوّه است، نه فقط قوّه‌ی مجریّه؛ یعنی هم قوّه‌ی مجریّه، هم قوّه‌ی مقنّنه، و هم قوّه‌ی قضائیّه، به عنوان دولت جمهوری اسلامی، این‌ها وظایفی دارند که وظایف مهمّی است؛

### حمایت؛ باز کردن میدان و برداشتن موانع

از جمله‌ی این وظایف -که اگر این وظایف را دولت عمل نکند و مسئولین کشور عمل نکنند، جهش تولید صورت نخواهد گرفت- این است که دولت بایستی از تولید و تولیدکننده حمایت بکند.

در یک جمله می‌توان این طور خلاصه کرد: حمایت دولت. خب این حمایت به چه معنا است؟ بعضی تا می‌گوییم «حمایت»، خیال می‌کنند باید تزریق نقدینگی کرد. خب بله، یک جاهایی ممکن است تزریق منابع مالی هم لازم باشد [امّا] یک جاهایی هم مضر است. منظور از حمایت، تزریق منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است. اگر نیروی کار مردمی را، سرمایه‌گذار را، مهندس را، صاحب‌فکر را، کارگر را به عنوان یک دونده‌ی پُرشتابی فرض کنیم، شما لازم نیست به او یاد بدهید چه کار کند، او خودش شوق و میل حرکت دارد. شما میدان را باز کنید، موانع را بردارید، زمین را صاف کنید، اجازه بدهید او حرکت خودش را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد -که بسیار کار مهمّی است و حالا من به بعضی از نمونه‌هایش هم اشاره خواهم کرد- آن وقت این حرکت به صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع. برداشتن موانع مثل چه؟ مثل برداشتن مقرّرات دست‌وپاگیر. بعضی از مقرّرات هست که هیچ فایده‌ای ندارد و ضرر هم دارد؛ وجود این مقرّرات مانع از این است که دستگاه تولیدکننده و دستگاه اقتصادیِ فعّال و مفید بتواند کار خودش را انجام بدهد.

### مبارزه با قاچاق

یکی از حمایت‌ها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است؛ یعنی واقعاً قاچاق یک آفتی است برای کشور که باید به معنای حقیقی کلمه با این آفت مبارزه کرد.

### منع جدّی واردات بی‌رویه

یکی از کارهای لازم،منع جدّی واردات بی‌رویه است. این همه بنده تأکید کردم بر روی مسئله‌ی واردات؛ باز هم انسان می‌بیند به بهانه‌های مختلف یک جاهایی واردات [صورت می‌گیرد]. به ما نامه می‌نویسند و شکایت می‌کنند؛ یک دستگاهی می‌گوید که ما مثلاً این وسیله را با زحمت زیادی درست کردیم به نصف قیمت، به یک سوّم قیمت، [امّا] فلان دستگاه دولتی که به این وسیله احتیاج دارد، می‌رود با تولیدکننده‌ی خارجی قرارداد می‌بندد، وارد می‌کند؛ خب این کار نباید بشود. اگر چنانچه این کار در یک موارد مهمّی انجام بگیرد، باید اسمش را گذاشت جنایت، خیانت. البتّه همیشه این جور نیست، و از روی غفلت گاهی انجام می‌گیرد، امّا گاهی هم واقعاً جنایت و خیانت است.

### مبارزه‌ی جدّی با فساد اداری و مالی

یکی از حمایت‌ها مبارزه‌ی جدّی با فساد مالی است. ببینید این دستگاه‌هایی که امروز گزارش دادند -و صدها دستگاه از قبیل اینها- در کشور دارند با سلامت، کار اقتصادی انجام می‌دهند. اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش می‌برد، مبارزه‌ی جدّی بکنید. با فساد باید مبارزه کرد؛ هم فساد اداری، یعنی فساد کسی که در دستگاه دولتی و مرتبط با مسائل اقتصادی است و هم فساد آن کسی که در کار تولید و در کار فعّالیّت اقتصادی است.

#### مقابله‌ی جدّی با کارشکنی‌های اداری

یکی از مسائل، مقابله‌ی جدّی با کارشکنی‌های اداری است. بنده سراغ دارم؛ در طول این سال‌های متمادی، مکرّر این را مشاهده کرده‌ایم که مسئول دستگاه، مدیر عالی دستگاه، با کمال علاقه و اخلاص دنبال یک چیزی است، یک کاری را می‌خواهد انجام بدهد امّا آن کار انجام نمی‌گیرد؛ دستور هم داده می‌شود، جلسه هم برگزار می‌کنند، اقدام هم می‌کنند امّا خروجی صفر است؛ علّت این است که آن وسط کارشکنی صورت می‌گیرد. همین که امیرالمؤمنین فرمود «ثُمَّ النِّهایَةَ النِّهایة»، معنایش این است؛ یعنی صرف این‌که شما مدیر دستگاه هستید و علاقه‌مندید کافی نیست؛ باید کار را دنبال کنید تا از این کارشکنی‌های میانه‌ی راه حتماً جلوگیری بشود.

### رعایت حقوق مالکیّت

یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیّت است که این از وظایف قوّه‌ی قضائیّه است.

### پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش

یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بایستی در قوانینی که وضع می‌کنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیّت‌های صحیح کمک بشود.

#### وضع مالیات لازم و ایجاد معافیت‌های مالیاتی

در یک مواردی معافیت‌های مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروت‌های بادآورده. حالا من البتّه نمی‌خواهم این‌جا بشمرم؛ موارد زیادی وجود دارد و مشاغلی وجود دارد که این‌ها ثروت‌های بادآورده‌ای را به دست می‌آورند، مالیات هم نمی‌دهند؛ باید بر این‌ها مالیات معیّن کرد. متقابلاً در مواردی باید مالیات را حذف کرد یا کم کرد. در خیلی از مواردِ تولیدی باید از این قبیل به این‌ها کمک کرد. بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتیم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال این‌ها است.

#### تولید ماسک؛ نمونه‌ای موفّق از باز کردن میدان برای مردم

و خب مشاهده کردید در همین قضیّه‌ی کرونا خوشبختانه دولت حمایت کرد از مردم، یعنی میدان را باز کردند. اگر دولت می‌گفت که «هر کس می‌خواهد مثلاً از این ماسک تولید کند، باید بیاید از ما اجازه بگیرد»، همین یک کار کوچک را اگر انجام می‌دادند، کافی بود برای این‌که ماسک در کشور تولید نشود؛ [امّا] میدان را باز کردند، گفتند هر کس می‌تواند ماسک تولید کند، تولید کند. [لذا] دستگاه‌ها تولید کردند، کارخانه‌ها تولید کردند، ستاد اجرایی تولید کرد، بنیاد مستضعفان تولید کرد، در خانه‌ها مردم تولید کردند، در مساجد تولید کردند؛ جوری شده که ما الان ماسک زیادتر از اندازه‌ی نیاز در کشور داریم و می‌توانیم به دیگران بدهیم؛ این به خاطر آن بود که دولت مانع را برطرف کرد. اگر از این قبیل کارها در بخش‌های مختلف انجام بگیرد، بلاشک کمک خواهد کرد.

### بهبود فضای کسب و کار

نکته‌ی سوّم، مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار است؛ که بنده‌ روی این مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار بارها تأکید کرده‌ام[[67]](#footnote-67) و همین چیزهایی هم که الان در این بخش دوّم عرض کردم [راجع به] حمایت، کم کردن قوانین و مانند این‌ها، این‌ها در واقع مصداق‌های بهبود فضای کسب و کار است. من دیدم بررسی‌های کارشناسی‌ای را که برای من نقل کردند که از وزارت اقتصاد برای دفتر ما فرستادند؛ با بررسی‌های کارشناسی که کردند، آن‌ها می‌گویند که اگر دو اقدام در زمینه‌ی مسائل اقتصادی انجام بگیرد، جایگاه کشور از لحاظ شاخص کسب و کار چهل رتبه تا پنجاه رتبه ارتقا پیدا خواهد کرد؛ این را کارشناسان وزارت اقتصاد می‌گویند.

#### ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوّز

یکی از این دو کار عبارت است از «ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوّز»؛ یک وقت‌هایی بنده در جلسه‌ی با دوستان در همین دولت، دو سه سال پیش گفتم -الان درست یادم نیست- که کسی که می‌خواهد مجوّز برای یک کار اقتصادی به دست بیاورد، به نظرم حدود سی چهل جا بایستی مراجعه بکند تا بتواند یک مجوّز بگیرد؛ آن وقت کاری که باید در ظرف یک روز انجام بگیرد، شش ماه طول می‌کشد یا گاهی هم تا آخر اصلاً انجام نمی‌گیرد. یکی از دو کار این است: ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوّزها؛ یعنی همه‌ی دستگاه‌ها بیایند در یک نقطه تجمّع داشته باشند و کسی که [مجوز] می‌خواهد، در ظرف نصف روز بتواند مجوّز خودش را تحصیل کند و زمان را کوتاه بکند و برود دنبال کارش.

#### تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی

دوّم، «تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی» که این هم باز مربوط به قوّه‌ی قضائیّه است؛ گفته‌اند اگر همین دو کار انجام بگیرد، رتبه‌ی کشور از لحاظ فضای کسب و کار، چهل رتبه یا پنجاه رتبه به بالا ارتقا پیدا خواهد کرد؛ خب این‌ها مهم است.

### ممنوعیّت واردات بی‌رویّه

نکته‌ی چهارم مسئله‌ی ممنوعیّت واردات است، که قبلاً اشاره کردم. [البتّه] ما با واردات مخالف نیستیم، این را خب همه میدانند، می‌فهمند؛ مراد [مخالفت با ] آن وارداتی است که [مشابهش] یا در کشور تولید می‌شود یا در کشور امکان تولیدش هست؛ من این را می‌خواهم بگویم؛ نه فقط آن‌هایی که تولید می‌شود [بلکه] آن‌هایی [هم] که امکان تولیدش هست. یعنی می‌توانیم با جلوگیری از واردات، به نیروی فعّال و مبتکرِ داخل کشور کمک کنیم که او شروع کند این کار را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار انجام بگیرد، به نظر من این کمک بسیار زیادی خواهد کرد به این‌ها.

#### بهانه‌هایی برای واردات، مانند رقابت

گاهی دستگاه‌های اجرایی به بهانه‌هایی راهِ واردات را بی‌مورد باز می‌کنند؛ فرض بفرمایید مسئله‌ی رقابت. مثلاً فرض کنید که وقتی گفته می‌شود چرا اجازه دادید خودروهای خارجی به این شکل بیایند، می‌گویند آقا رقابت. من می‌گویم خب شما که می‌خواهید به وسیله‌ی رقابت، کیفیّت را بالا ببرید، تلاش را بگذارید روی بالا بردن کیفیّت از یک راه دیگر؛ وَالّا شما بیایید تولید داخلی را مشمول زیان مضاعف بکنید به خاطر این‌که می‌خواهید مثلاً کیفیّت را بالا ببرید، این به هیچ وجه درست نیست. جهش تولید، به معنای جهش کمّیّت هم هست، [و البتّه] به معنای جهش کیفیّت هم هست، هر کدام هم راه‌هایی دارد؛ این را از طریق واردات نخواهید تأمین بکنید. بعضی هم البتّه مقاصد دیگری دارند، که واقعاً گاهی اوقات می‌شود که تولید به خاک سیاه می‌نشیند به خاطر واردات بی‌رویّه‌ای که نمونه‌های فراوانش را ما داریم؛ کسانی هستند که به ما مراجعه می‌کنند، البتّه ما به دستگاه‌های مختلف این‌ها را ارجاع می‌دهیم و دنبال می‌کنیم که ان‌شاءالله تحقّق پیدا کند. پس بنابراین نکته‌ی بعدی هم مسئله‌ی ممنوعیّت واردات بود در کالاهایی که در کشور تولید می‌شود، یا امکان تولید دارد.

## جهش کیفیّتی

مسئله‌ی بعدی مسئله‌ی جهش کیفیّتی است که اشاره کردیم؛ این هم یک اصل مهم است. اگر ما جهش کمّی داشته باشیم، [امّا] جهش کیفی نداشته باشیم، پیش نخواهیم رفت؛ یعنی اگر جهش کیفی وجود نداشته باشد، در بحث مصرف داخلی هم درمی‌مانیم؛ یعنی مصرف‌کننده‌ی داخلی وقتی دید که محصول داخلی کیفیّت ندارد، به ‌طور طبیعی کشانده می‌شود به سمت محصول خارجی؛ وقتی مصرف‌کننده وجود داشت، واردکننده هم لامحاله و بدون تردید وجود خواهد داشت و دولت هم معلوم نیست بتواند جلوگیری کند. باید کاری کنیم که مصرف‌کننده‌ی داخلی قانع بشود به این‌که این کیفیّت، کیفیّت مطلوبی است. خوشبختانه بسیاری از محصولات ما امروز همین ‌جور است؛ یعنی کیفیّت تولید داخلی محصولات صنعتی ما در بخش‌های مختلف -که من نمی‌خواهم حالا اسم بخش‌ها را بیاورم، امّا می‌دانیم و می‌شناسیم بخش‌های مختلف را- از خارجی بهتر است و در عین حال یک مواردی در این [کالاها]، واردات هست. خب پس بنابراین مسئله‌ی جهش در کیفیّت هم خیلی مهم است؛ این در مصرف داخلی تأثیر دارد، در مصرف صادراتی هم تأثیر مضاعف دارد؛ یعنی اگر بخواهیم جنس ما در خارج از کشور رقابت‌پذیر باشد، بایستی کیفیّت را بالا ببریم و این خیلی موضوع مهمّی است. این هم یک نکته.

## لزوم افزایشِ امید به کار و تلاش

نکته‌ی بعدی این‌که ما باید امید به کار و تلاش را در کشور روزبه‌روز افزایش بدهیم. این‌که من عرض می‌کنم این برنامه پخش بشود تا مردم ببینند، به خاطر این است که یک عدّه‌ای دائم دارند مثل زمزمه‌های خطرناک و مضر به گوش مردم می‌خوانند که فایده‌ای ندارد، نمی‌توانیم، امکان ندارد؛ در حالی که امکان دارد، ما خیلی کارهای بزرگ را می‌توانیم انجام بدهیم.

### پرتاب ماهواره؛ نشانه‌ای از این‌که خیلی کارها می‌توانیم انجام دهیم

ببینید، من این را می‌خواهم عرض بکنم که ما وقتی می‌توانیم یک ماهواره‌بر با این کیفیّت درست کنیم که بتواند با این سرعت، یعنی ۷۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت بکند -یعنی در یک ثانیه هفت‌ونیم کیلومتر- وقتی می‌توانیم ماهواره‌ی خودمان را در مدار مورد نظرمان قرار بدهیم، پس باید بتوانیم خیلی از کارهای دیگر را هم انجام بدهیم. آن کسی که امروز این ماهواره‌بر را تولید می‌کند و این ماهواره را به فضا می‌رساند، همین آدم، همین نیّت، همین دست خواهد توانست چند صباح دیگر همین ماهواره را به مدار ۳۶ هزار کیلومتری برساند که مورد نظر ما است؛ ما می‌خواهیم ماهواره به مدار ۳۶ هزار کیلومتری [برسد]؛ این قطعاً خواهد شد، این امکان قطعاً وجود دارد.

یعنی همین نیّتی، همّتی، دستی که امروز [ماهواره را] به فاصله‌ی مثلاً فرض کنید ۴۰۰ کیلومتری یا ۴۵۰ کیلومتری می‌رساند، همین همّت خواهد توانست فردا [آن را] به ۳۶ هزار کیلومتر هم برساند. یعنی وقتی امید بود، وقتی احساس پیشرفت بود، وقتی احساس توانایی بود، این پیش می‌آید؛ عرض من این است. حالا بعضی‌ها می‌گویند که مثلاً فرض کنید «آقا! این‌که شما اظهار خوشوقتی می‌کنید که ماهواره پرتاب کردید یا فلان، موجب این نیست که [کشور امنیّت پیدا کند.] ماهواره و سلاح و مانند این‌ها نمی‌تواند کشور را امنیّت بدهد و عمده مسائل اقتصادی است.». خب این کارها را، این حرف‌ها را ما می‌دانیم، این‌ها را بلدیم، نه این‌که این را ندانیم. حرف من این است: من می‌گویم وقتی که می‌توانیم در بخش نظامی یا فرض کنید در بخش پرتاب ماهواره‌ی فضائی یک چنین حرکت بزرگی را انجام بدهیم، چرا نتوانیم اتومبیلی، خودرویی تولید کنیم که در صد کیلومتر مثلاً پنج لیتر بنزین لازم داشته باشد؟ دائم متوقّف بشویم در اتومبیلی یا خودرویی که مثلاً فرض کنید دوازده لیتر یا ده لیتر یا هشت لیتر مصرف می‌کند. یعنی این توانایی وقتی در ما وجود دارد، این روحیه‌ی ابتکار وقتی در ما وجود دارد، در همه‌ی بخش‌های کشور وجود خواهد داشت؛ هم در بخش صنعتی، هم در بخش‌های گوناگون دیگر [نظیر] کشاورزی و خدماتی. حرف ما این است.

## اولویّت دادن به این بخش‌های پیشرو

نکته‌ی دیگر این است که در این جهش تولید، برخی از بخش‌ها، بخش‌های پیشرو هستند، به این‌ها باید اولویّت داده بشود. من چند بخش را این‌جا ذکر کرده‌ام:

### در بخش نفت

مثلاً در بخش نفت، توسعه‌ی ظرفیّت پالایشگاهی؛ از قبیل همین پالایشگاه میعاناتی که در بندرعبّاس افتتاح شد و مراحل بعدی هم دارد که این مراحل بعدی طبعاً ثروت بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد. یا مجتمع پالایشگاهی سیراف که ذکر کردند که این مجتمع مهمّی است، تأثیرات زیادی خواهد داشت. یا اجرای طرح‌های پتروشیمی که گفتند اگر این طرح‌ها انجام بگیرد -آن ‌طور که به من گزارش دادند- محصول ۵۰ میلیون تُن، اوّل به ۱۰۰ میلیون تُن، بعد به ۱۳۰ میلیون تُن ارتقا پیدا خواهد کرد و از لحاظ ارزش به سه برابر افزایش پیدا خواهد کرد؛ که این مسئله‌ی مهمی است. به‌خصوص در شرایط کنونی کشور و نیازی که به ارز وجود دارد، این طبعاً چیز بسیار با ارزشی خواهد بود.

### لزوم خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی

یا در مورد طرح‌های کشاورزی برای افزایش خودکفایی در محصولات اساسی؛ یکی از کارهایی که در بخش کشاورزی حتماً بایستی انجام بگیرد، دنبال خودکفایی بودن در محصولات اساسی است؛ بله، گاهی اوقات ممکن است که قیمت خرید گندم [ارزان‌تر باشد]؛ البتّه امروز این جور نیست، امّا یک وقتی بود که قیمت خرید گندم از بیرون ارزان‌تر تمام میشد برای کشور تا تولید؛ امّا در همان شرایط هم تولید اولویّت دارد، کمااینکه در دنیا همین کار را می‌کنند؛ یعنی نمی‌گذارند که کشورشان از لحاظ گندم محتاج بیرون از کشور باشد. مثلاً فرض بفرمایید مثلِ امروزِ این عناصر خبیث آمریکا که یک چیزهایی را ممنوع کرده‌اند، آمدیم و طرف مقابل ممنوع کرد؛ خب می‌کنند دیگر؛ شما باید بتوانید کشور را اداره کنید. پس محصولات اساسی باید در داخل کشور حتماً تولید و خودکفایی بشود. البتّه امروز مشکل آب را نداریم بحمدالله. یک وقتی مدام می‌گفتند آب نیست و مشکل آب داریم و کم‌آبی داریم؛ خوشبختانه امروز مشکل کم‌آبی را نداریم، هم نسبت به دِیم، هم نسبت به کشت آبی. بنابر‌این، باید دنبال محصولات اساسی باشیم، مثل گندم، مثل دانه‌های روغنی، مثل گیاهان دارویی، مثل علوفه، مثل آبزیان؛ این‌ها چیزهایی است که بایستی حتماً دنبالشان باشیم؛ همچنین در کشاورزی، آبیاری مدرن، آبخیزداری، آبخوان‌داری و امثال این‌ها این هم یکی از بخش‌های قابل توجّه و جزو بخش‌های پیشرو است.

### مسئله‌ی زیرساخت‌ها

یکی دیگر از بخش‌های پیشرو که توجّه ویژه به آن‌ها لازم است، مسئله‌ی زیرساخت‌ها است. خب بحمدالله کشور امروز از لحاظ زیرساخت‌ها خیلی پیشرفته است بلاشک؛ یعنی امروز از لحاظ زیرساخت‌های کشور، مثل بندر، مثل جادّه، بزرگراه، سد، و امثال اینها، وضع ما اصلاً قابل مقایسه‌ی با قبل از انقلاب نیست و پیشرفتش فوق‌العاده است؛ لکن در عین حال هنوز احتیاج داریم، هنوز نیاز به زیرساخت‌ها هست؛ مثل بندر، مثل برق، مثل حمل و نقل، و مخصوصاً حمل و نقل ریلی که بسیار بسیار مهم است.

### مسئله‌ی قطعه‌سازی

یک بخش دیگر پیشرو، مسئله‌ی قطعه‌سازی است که خوشبختانه در گزارش‌های امروز هم بخش‌های قطعه‌سازی وجود داشت. گاهی اوقات می‌شود یک ماشین بزرگ به خاطر یک قطعه‌ی کوچک معطّل می‌شود که ما آن قطعه را باید از خارج مثلاً فرض کنید که وارد کنیم. ما روی مسئله‌ی قطعه‌سازی در بخش‌های مختلف قطعه [باید کار کنیم]. حالا این گزارشی که داده می‌شد، به نظرم عمده [مربوط به] قطعات خودرو بود، امّا در همه‌ی قطعاتِ همه‌ی ماشین‌آلات و دستگاه‌های بزرگ، قطعه‌سازی یک مسئله‌ی بسیار مهمّی است.

### مسئله‌ی بخش معدن

یا مسئله‌ی بخش معدن، که ما در بخش معدن خیلی عقبیم و یکی از بخش‌هایی که حتماً نیاز است که به آن توجّه بشود، بخش معدن است؛

### بخش دارو و واکسن

یا بخش دارو و واکسن، که شنیدم خوشبختانه کارهای خوبی هم در زمینه‌ی تولید دارو برای این ویروس جدید انجام گرفته یا تحقیقاتی برای واکسن دارد انجام می‌گیرد. حالا در دنیا تبلیغ می‌کنند که واکسن تا فلان مدّت -تا یک سال، تا شش ماه، بعضی می‌گویند تا فلان مدّت- امکان ندارد؛ هیچ معلوم نیست؛ دانشمندان خوب ما، دانشمندان جوان ما، محقّقین کارآمد ما بنشینند، روی مسئله‌ی واکسنِ همین ویروس کرونا و تولید واکسن‌های مختلف کار کنند؛ ای بسا که خیلی زودتر از آن‌ها به واکسن دست پیدا کنند و بتوانند از آن استفاده کنند. یکی از بخش‌های مهم، این مسئله‌ است.

### زنجیره‌ی پوشاک و کفش و لوازم خانگی

یا زنجیره‌ی پوشاک و کفش و لوازم خانگی که این هم جزو مسائل پیشرو هست، و کشور در این زمینه البتّه خوشبختانه توانایی‌های زیادی دارد امّا در عین حال با وجود این‌که ما در زمینه‌ی پوشاک از خیلی قدیم، جزو کشورهای پیشرو بودیم و توانایی‌های خیلی خوب و زیادی داشتیم، در زمینه‌ی کفش همین جور، در زمینه‌ی لوازم خانگی در طول این سال‌ها پیشرفت‌های خیلی زیادی داشتیم، متأسّفانه باز بحث واردات در این‌جا چیز مضرّی است؛ به نظر من در این بخش‌ها، جلوی واردات جدّاً باید گرفته بشود و به این بخش هم به عنوان یک بخش پیشرو و مهم توجّه بشود. و خوشبختانه می‌بینیم ما که در همین [یکی دو] سال گذشته، یعنی سال ۹۸ و همچنین سال ۹۷، که احتیاج پیدا کردیم به یک تعدادی کاپشن پسرانه، دخترانه، بچه‌گانه؛ من گفتم اصلاً از بازار نخرید، بدهید درست کنند، تولید کنند، بدوزند. رفتند جنس را تهیه کردند، خیّاط را تهیه کردند، مبالغی تولید کردند؛ قطعاً از انواع خارجی‌اش بهتر بود؛ یعنی زیباتر، محکم‌تر و بهتر. خب در داخل این دارد تولید می‌شود، وقتی که می‌توانیم ما در داخل تولید کنیم چرا از خارج وارد کنیم؟ خود من دو تا کاپشن داشتم که گاهی کوه که میرفتیم استفاده می‌کردم، این‌ها خارجی بود و سوغاتی برای من آورده بودند؛ این‌ها را دادم رد شد و گفتم از این داخلی‌ها تهیّه بشود.

حالا این را هم من این‌جا بگویم، متأسّفانه تولید پوشاک داخلیِ ما که یک تولید سابقه‌دار و قدیمی و ریشه‌داری است در کشور و الحمدلله خیلی خوب است، این عیب بزرگ را دارد که رویش به‌دروغ مارک‌های خارجی را می‌زنند؛ این کار غلط است. همین کاپشنی که گفتم برای من خریده بودند، من دیدم که روی آن یک چیزی زده‌اند که این تولید خارجی است که دروغ بود؛ خیّاطش را می‌شناختیم، می‌دانستیم چه کسی درست کرده و کِی درست کرده، و گفتیم کندند آن را. بنابراین، یکی از بخش‌های پیشرو هم همین بخش تولید پوشاک است.

## لزوم جهش و حرکت مضاعف برای تولید

بنابراین حرکت تولید در کشور بحمدالله آغاز شده؛ ولیکن می‌خواهم این را عرض بکنم: ما با حرکت معمولی به جایی نمی‌رسیم، جهش لازم است، حرکت مضاعف لازم است؛ و زمینه‌ی این حرکت مضاعف خوشبختانه در کشور وجود دارد.

### استفاده از جوانان مبتکر و آماده‌به‌کار

عناصر بسیار خوبِ مبتکر، جوان‌های آماده‌ی به کار، جوان‌ها‌ی تشنه‌ی کار در کشور وجود دارند، می‌توانیم از وجود این‌ها استفاده کنیم و تولید را به معنای واقعی کلمه جهش بدهیم، و جهش تولید خواهد توانست اقتصاد کشور را احیا کند.

## تشکر و دعا

من مجدّداً از دوستانی که امروز زحمت کشیدند و این برنامه را تنظیم کردند و کسانی که صحبت کردند و گزارش دادند، و همچنین از همه‌ی کسانی که در بخش مسائل اقتصادی مشغول فعّالیّت هستند تشکّر می‌کنم. امیدوارم که ان‌شاء‌الله به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی مردم عزیزمان در ماه مبارک رمضان، تحوّلات اساسی و مهمّی در بخش‌های مورد نیاز کشور از جمله بخش اقتصادی انجام بگیرد. و با این وضعی که در قضیّه‌ی این ویروس کرونا پیش آمد و مردم یک تکانی خوردند، یک وضع جدید و فوق‌العاده‌ای به وجود آمد -این تعطیلی‌ها، این نیازها، این تأمین نیازها، این همکاری‌ها که به معنای واقعی کلمه این همکاری‌ها خیلی با ارزش بود- امیدواریم ان‌شاء‌الله این خودش یک مقدّمه‌ای و سرآغازی باشد برای کارهای نو و جدید و تحوّلاتی در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه‌ی اقتصادی؛ و خداوند کمک کند، برکت بدهد، دعاها را مستجاب کند. ما هم دعاگوی همه‌ی مسئولین و متصدّیان و فعّالان بخش‌های مختلف کشور، چه بخش‌های اقتصادی، چه بخش‌های فرهنگی و بخش‌های گوناگون دیگر هستیم. امیدواریم ان‌شاء‌الله خداوند به همه‌‌ی آن‌ها توفیق بدهد و همه‌ی آن‌ها را مشمول لطف و رحمت و برکات خودش قرار بدهد. من مجدّداً از همه‌ی شماها تشکّر می‌کنم و سلام و درود خودم را به روح مطهّر امام بزرگوار و شهدای عزیز اهدا و تقدیم می‌کنم.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# بیانات در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا 21/2/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[68]](#footnote-68)

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

## تشکر

سلام عرض می‌کنم به همه‌ی حضّار محترم، آقای رئیس‌جمهور محترم و آقایانی که در این جلسه حضور دارند و کسانی که می‌شنوند این صحبت را. گزارش‌هایی که داده شد، به‌خصوص گزارش جامع جناب آقای رئیس‌جمهور لازم بود، خوب بود، روشنگر بود و ما همه احتیاج داریم به دانستن و شنیدن این گزارش‌ها و این خصوصیّات. غرض بنده از این جلسه و تشکیل این برنامه در درجه‌ی اوّل عبارت بود از خداقوّتی به دست‌اندرکاران محترم، به شما برادران عزیز و همین‌ طور که اشاره کردید، مدّت‌ها است تقریباً شبانه‌روزی برادران مشغول زحمت و کار هستند، و هم ابراز شکرگزاری نزد خداوند متعال به خاطر توفیق بزرگی که به ملّت ایران و مسئولین کشور عنایت کرد.

## تسلیت و دعا

قبل از این‌که عرایضم را عرض بکنم، لازم می‌دانم تسلیت عرض بکنم به همه‌ی مصیبت‌دیدگان در این حادثه، کسانی که عزیزانشان را از دست دادند، و برای مبتلایان به این بیماری و بیماری‌های دیگر دعا کنیم و از خدای متعال شفای آن‌ها را مطالبه کنیم، و برای درگذشتگان، رحمت الهی را و به‌خصوص برای کسانی که در حرکت جهادی در این راه به شهادت رسیده‌اند، درجات عالی را از خداوند متعال مسئلت کنیم.

## حرکت جهادی در این عرصه‌های مختلف

چیزی که حقیقتاً باید برای آن شکرگزاری کنیم، توفیقی است که خدای متعال به ملّت ایران و به مسئولین در این حادثه داد؛ کار بزرگی انجام گرفت، جهاد عظیمی در کشور به وجود آمد و به معنای واقعی کلمه یک تلاش جهادی بود، یک حرکت جهادی بود. و این باید در تاریخ ثبت بشود؛ بایستی بازخوانی بشود که حالا من بعداً اشاره‌ای هم به این خواهم کرد. این جهاد عظیم در یک عرصه‌ی متنوّع و وسیعی اتّفاق افتاد؛ هم در زمینه‌ی درمان و انواع خدمات پزشکی و پرستاری و سایر خدمات درمانی که واقعاً کار خیلی بزرگی در این زمینه انجام گرفت و مجاهدت‌هایی اتّفاق افتاد، هم در زمینه‌ی مسئله‌ی پیشگیری و غربالگری و بهداشت محیط و بهداشت عمومی و ضدّعفونی کردن مسیرها و خیابان‌ها و مراکز اجتماع مردم و مانند این‌ها که من در این مورد، یک جمله‌ای را در آخر عرایضم عرض خواهم کرد.

هم در زمینه‌ی تولید لوازم و تجهیزات به وسیله‌ی شرکت‌های مختلف، که هم به وسیله‌ی شرکت‌های به‌خصوص دانش‌بنیان، هم دستگاه‌های گوناگون و مختلف، هم به وسیله‌ی آحاد مردم، در سطح کشور کاری که انجام گرفت -با این سرعت، تجهیزات مورد نیاز، لوازم مورد نیاز مردم تهیّه شد، در اختیار گذاشته شد که در موارد بسیاری به صورت مجّانی این کار انجام گرفت- این هم یک عرصه‌ی دیگر است که حقیقتاً افتخارآمیز است. و هم در زمینه‌ی خدمات رفاهی و نیکوکاری، که از لحاظ گستردگی و تنوّع این حرکتِ مؤمنانه، این کاری که در کشور شروع شد، به معنای واقعی کلمه حیرت‌انگیز است. از شرق تا غرب کشور، از شمال تا جنوب، در اغلب شهرها، شاید در همه‌ی استان‌ها، آحاد مردم، این حرکت عظیم کمک را شروع کردند؛ [همچنین] مسئولین، نیروهای مسلّح، بسیج، همه‌ی دستگاه‌های گوناگون ذی‌ربط.

### کار بزرگی که جز به اراده‌ی الهی امکان نداشت

و [در مورد] آحاد مردم، ملاحظه می‌کنید و نشان می‌دهند این خدمت عظیمی را که مردم در این مساجد دارند می‌کنند؛ این هم واقعاً یک کار بزرگی بود که جز به اراده‌ی الهی، جز به دست قدرت الهی این کار امکان نداشت و نمی‌شد این جور مردم را وارد صحنه کرد.

هم در زمینه‌ی حضور نیروهای داوطلب در کارهای سخت و همراه با خطر؛ خب ما از پرستارها و پزشکان عزیزمان مکرّر تشکّر کردیم، جای تشکّر هم دارد لکن در کنار این‌ها نیروهای داوطلبی وارد شدند؛ فلان جوان، فلان بسیجی، فلان طلبه وارد بیمارستان بشود و همکاری داوطلبانه در این کار سخت و خطرناک را به عهده بگیرد؛ یا همین‌ طور که بعضی از دوستان در گزارششان گفتند، در زمینه‌ی کفن و دفن که کار بسیار سختی بود؛ آن وقتی که حالا بعضی‌ها پیشنهاد می‌کردند که اموات و جان‌باختگان این حادثه را بدون کفن و غسل دفن بکنیم، کسانی وارد شدند و این کار بزرگ را و کار سخت را و خطرناک را به عهده گرفتند. هم در زمینه‌ی علمی و تحقیقاتی در مراکز دانشگاهی و در برخی از شرکت‌های دانش‌بنیان برای این‌که ویروس را بشناسند، این ویروس متقلّب را که آن طور که متخصّصین می‌گویند شناختش خیلی دشوار است، راه‌های مبارزه‌ی با آن را پیدا کنند؛ و من امیدوارم ان‌شاءالله در این زمینه ما مثل بسیاری از زمینه‌های دیگر بتوانیم هنر استعداد ایرانی را به دنیا نشان بدهیم و جوان‌های ما بتوانند واقعاً این ویروس را هر چه زودتر بشناسند و واکسن مقابله‌ی با آن را فراهم کنند، داروی درمان‌کننده‌ی بیماری را به دست بیاورند.

## لزوم ثبت این افتخارات ملّی، به عنوان جلوه‌هایی از فرهنگ اسلامی و انقلابی

خب، این کارها در زمینه‌های متعدّدی بود امّا در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریّت هم حقیقتاً خیلی خوب عمل شد، یعنی همین ستاد شما، وزارت بهداشت و درمان، حقیقتاً در مورد برنامه‌ریزی و اداره‌ی امور بسیار خوب عمل کردند. این‌ها افتخارات ملّی است، به معنای واقعی کلمه این‌ها افتخارات است، و جلوه‌هایی از فرهنگ اسلامی و انقلابی را هم نشان داد؛ این رزمایش عمومی‌ای که در بخش‌های مختلف انجام گرفت، [این کارها] در بسیاری از موارد به معنای واقعی کلمه یک کار اسلامی و خدایی بود، این افتخارات باید ثبت بشود، باید بماند. حسّ بسیاری از فعّالان این جبهه‌ی وسیع، همان حسّ دوران دفاع مقدّس بود؛ یعنی کسانی که این‌ها را از نزدیک دیده‌اند، می‌گویند که رایحه‌ی خوش خدمات و پشتیبانی‌ها در دوران دفاع مقدّس را در این‌جا هم حس کردند.

### آرزوی ثبت این جهاد عظیم و عمومی، همچون کار شهید آوینی

من حالا این را می‌خواهم عرض بکنم -که این هم یک مطالبه‌ی جدّی و یک آرزو است، ان‌شاءالله این آرزو برآورده بشود- کاش کسانی بتوانند مثل شهید آوینی این جهاد عظیم و عمومی را روایت کنند؛ همچنان ‌که شهید آوینی با آن بیان شیرین و زیبا و اثرگذارِ خودش توانست جزئیّات جبهه را برای ما روایت بکند و آن را ماندگار بکند. کاش کسانی بتوانند این کار را بکنند؛ هم در گفتار و هم در نوشتار و هم در کارهای هنری و نمایش‌ها و پدیده‌های هنری.

## متانت و سراسیمه نشدن ملّت ایران

خب، ملّت ایران البتّه در یک بخش دیگری هم درخشید. یعنی این‌ها که عرض کردیم، میدان‌های حضور ملّت ایران و مسئولین بود لکن در یک جنبه‌ی دیگری هم ملّت ایران انصافاً خودش را به‌خوبی نشان داد و آن متانت و سراسیمه نشدن بود. وقتی که یک چنین حادثه‌ای پیش می‌آید، طبیعی است که نگرانی‌هایی برای مصارف زندگی و مسائل عمومی پیش می‌آید که نمونه‌هایش را شما در تلویزیون مشاهده کردید و در کشورهای دیگر حمله‌ی به فروشگاه‌ها و خالی کردن فروشگاه‌ها و پُر کردن انبار منازل دیده شد [امّا] در کشور ما مطلقاً این معنا دیده نشد و مردم متانت به خرج دادند و صبر و حوصله به خرج دادند، سراسیمه نشدند؛ این خیلی با ارزش است.

## مشخص شدن نقش خانواده در این دوران خانه‌نشینی

ضمناً نقش خانواده هم مشخّص شد در این دوران خانه‌نشینی -تقریباً می‌شود گفت خانه‌نشینی عمومی- این‌جا نقش خانواده و حضور خانواده اثر خودش را نشان داد. در آن کشورهایی که خانواده پایه‌ی درستی ندارد، معنای درستی ندارد، این خانه‌نشینی‌ها به این شکل اتّفاق نمی‌افتد یا لااقل به این شکلِ قابل تحمّل و قابل فهم و قابل قبول نیست. این‌جا خانواده دُور هم جمع شدند؛ به‌خصوص باید به نقش زن خانواده تکیه کرد و تأثیر بسیار زیادی را که صبر و حوصله و زحمت‌کشی و حلم زنِ خانواده ایفا می‌کند در اداره‌ی خوب خانواده، حتماً بایستی از نظر دور نداشت.

## شکست غربی‌ها در این امتحان بزرگ در چند عرصه

غربی‌ها در این آزمون بین‌المللی انصافاً شکست خوردند! این هم یک نکته‌ی مهمّی است که بنده اصرار دارم این نکته مورد غفلت قرار نگیرد و ناگفته نماند. غربی‌ها در این امتحان بزرگی که در همه‌ی دنیا -از شرق و غرب دنیا- پیش آمد، در چند عرصه شکست خوردند:

### در توانایی‌های مدیریّتی‌

اوّلاً در توانایی‌های مدیریّتی‌شان شکست خوردند. با این‌که کشورهای غربی یعنی کشورهای اروپا و آمریکا دیرتر -بعضی از کشورها یک ماه یا مثلاً بیش از یک ماه دیرتر- از کشور ما و بعضی از کشورهای دیگر ابتلا پیدا کردند و فرصت داشتند برای این‌که آماده‌سازی کنند و خودشان را مهیّا کنند برای مواجهه، در عین حال نتوانستند مواجهه را آن‌چنانی که باید و شاید ترتیب بدهند. می‌بینید آمار جان‌باختگان در آمریکا چقدر بالا است، در بعضی از کشورهای اروپایی چقدر بالا است؛ آمار مبتلایان چقدر بالا است؛ مشکلات گوناگون زندگی در این کشورهایی که از لحاظ ثروت و توانایی‌های گوناگون خیلی در سطح بالایی هم هستند امّا این‌ها در زمینه‌ی گرفتاری‌های زندگی برای مردم -چه بیکاری‌ها، چه ابتلای به بیماری، چه جا پیدا نکردن در بیمارستان‌ها و پشت در بیمارستان خوابیدن- مشکلات فراوانی پیدا کردند؛ یعنی بنابراین دولت‌های غربی در توانایی‌های مدیریّتی شکست خوردند.

### در فلسفه‌ی اجتماعی حاکم بر این کشورهای غربی

در فلسفه‌ی اجتماعی هم شکست خوردند؛ فلسفه‌ی اجتماعی غرب -یعنی در واقع و در روح و محتوا، فلسفه‌ی مادّی که همه چیز را با پول محاسبه می‌کند- با نوع نگاهشان به سالمندان، به پیران، با نوع نگاهشان به کسانی که فایده‌ی مالی‌ای برای کشورشان و برای جامعه ندارند، افراد مریض، افراد معلول، افراد عقب‌مانده، این‌ها را در دنیا انگشت‌نما کرد. در بعضی از کشورها خانه‌های سالمندان مغفولٌ‌عنه ماندند که عدّه‌ای از آن‌ها به خاطر بی‌اعتنائی جان باختند یا افرادی از پیرمردها و سالمندان و عقب‌مانده‌ی جسمیِ اجتماعی را راه ندادند؛ این نشان‌دهنده‌ی شکست آن فلسفه‌ی اجتماعی حاکم بر این کشورهای غربی است که ادّعایشان هم خیلی زیاد است. در این کشورها پول معیار است، همه چیز با پول محاسبه می‌شود؛ خب وقتی این جور شد، طبعاً به پیرمردی که برای جامعه پول تولید نمی‌کند نباید اعتنا کرد، به آن پیرزن فرسوده‌ی کهن‌سال نباید اعتنا کرد، و اعتنا نمی‌کنند؛ این شکست آن فلسفه‌ی اجتماعی است.

### در نمایش اخلاق عمومی

در نمایش اخلاق عمومی هم شکست خوردند؛ یعنی با همه‌ی ادّعاهایی که می‌شود و بعضی از غرب‌زدگان در غیر کشورهای غربی -از جمله متأسّفانه در کشورِ خودمان- نسبت به مسائل اخلاقی غربی، مبالغات و مانند این‌ها می‌کنند، در این هم این‌ها شکست خوردند؛ که خب ملاحظه کردید نمونه‌اش همین خالی کردنِ فروشگاه‌ها است. ‌آقای رئیس‌جمهور برای من نقل کردند که در یکی از کشورهای اروپایی -که ایشان اسم بردند؛ من حالا اسم نمی‌آورم- ساعت اوّل صبح کامیون می‌آید دم فروشگاه جنس را آن‌جا خالی می‌کند، یک ساعت بعد فروشگاه خالی است. مردم می‌ریزند جنس را می‌برند، کجا می‌برند؟ داخل انبارهای خانه؛ از دسترس عموم در واقع دور می‌کنند؛ این یک شکست اخلاقی است، این یک نمایش منفی اخلاق عمومی است در این کشورها. البتّه عرض کردیم خود غربی‌ها و جریان‌های غرب‌زده نمی‌خواهند این‌ها دیده بشود، ولی لازم است که دیده بشود، لازم است که ببینیم، بدانیم؛ برای ملّت‌ها انتخاب سرنوشت‌های مهمّ‌شان به این دانستن‌ها بستگی دارد.

## لزوم اهمّیّت دادن به شبکه‌ی بهداشتی - درمانی

خب من عرایضم را تمام می‌کنم. فقط دو نکته را می‌خواهم در پایان عرایضم عرض بکنم: یک نکته این است که می‌خواهم بگویم به شبکه‌ی بهداشتی - درمانی اهمّیّت بدهید؛ این نکته‌ای است که آقای وزیر محترم -آقای دکتر نمکی- به این مقوله خوب آشنا هستند، چون خود ایشان سال‌هایی مسئول این شبکه‌ی بهداشتی - درمانی وزارت بهداشت و درمان بودند. این شبکه خیلی مهم است. اگر چنانچه آن طوری که حدس زده می‌شود و مکرّر گفته شده، یک باز‌تولید این ویروس را در یک برهه‌ی دیگری از زمان داشته باشیم، حتماً این شبکه‌ی بهداشتی - درمانی خواهد توانست بار کشور را سبک کند و در همین قضیّه‌ هم خیلی کمک کردند، البتّه از اواسط وارد شدند، بسیج هم کمک کرد، دستگاه‌های مختلف هم کمک کردند؛ این شبکه شبکه‌ی مهمی است، به آن اهمّیّت داده بشود؛ این یک نکته است.

## بررسی بازگشایی مساجد و مراکز دعا با توجّه به نیاز بالای مردم

نکته‌ی دوّم هم یک سؤال بی‌پاسخی وجود دارد در مورد مراسم دعا و نماز و عبادت؛ من البتّه هیچ پیشنهادی را در مورد مساجد و مراکز دعا و مانند این‌ها به ستاد ملّی ارائه نمی‌کنم؛ یعنی من تابع نظر کارشناسی و تشخیص کارشناسی ستاد ملّی هستم لکن می‌خواهم این را بگوییم که مسئله‌ی دعا و عبادت به‌خصوص در ماه رمضان، به‌خصوص در شب‌های قدر که در پیش است، یکی از نیازهای حتمی و اساسی مردم است؛ این با نیازهای مادّی از یک نظر تفاوتی ندارد، از یک نظر بالاتر از نیازهای مادّی مردم است. مردم احتیاج دارند به این‌که به‌خصوص در مسائل مهم، در قضایا یا حوادث مهم بتوانند این توسّل و این توجّه و این ارتباط با خدا و خواستن از خدا را داشته باشند؛ یک فکری برای این بشود. من حتّی معتقدم که اگر قواعد سخت‌گیرانه‌ای هم در این زمینه گذاشته بشود، وضع بشود، مردم مؤمن و مسجدی ما بیشتر از دیگران به قواعد عمل می‌کنند؛ یعنی به مردم مؤمن واقعاً اگر گفته بشود مثلاً فرض کنید که در صحن‌ها یا در مراکز یا در مساجد یا در حسینیّه‌ها به این شکل می‌توانند حضور پیدا کنند، عقیده‌ی من این است که این‌هایی که اهل مسجدند، به‌دقّت مراقبت می‌کنند. من همان‌ طور که گفتم، پیشنهادی ندارم، نظر کارشناسی و بررسی‌شده‌ی ستاد را معتبر می‌دانم منتها توصیه‌ام این است که بررسی این مورد را به کسانی بدهید که اهمّیّت حضور دعا و توسّل و مسائل معنوی را به معنای واقعی کلمه درک کرده باشند، این‌ها بررسی کنند مسئله را و تصمیم‌گیری کنند؛ هر چه تصمیم‌گیری کردند، بر عهده‌ی من و همه‌ی مردم است که بر طبق آن تصمیم‌گیری‌ها ان‌شاءالله عمل بشود.

## دعا و خدا قوّت

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به شما کمک کند. من به آقای رئیس‌جمهور محترم خسته نباشید می‌گویم، به همه‌ی شما دوستان خداقوّتی عرض می‌کنم، ان‌شاءالله که خداوند به شما کمک کند بتوانید این کاری را که شروع کرده‌اید، به بهترین وجهی به پایان برسانید و همین طور که عرض کردیم، یک نقطه‌ی ماندگار تاریخی در افتخارات ملّت ایران ان‌شاءالله ثبت کنید و مشکلات گوناگونی را هم که در حواشی این قضیّه پیش می‌آید -مثل مشکلات مالی و امثال اینها- با تدبیر لازم ان‌شاءالله برطرف کنید. از همه‌ی شما متشکّرم، از حضور در این جلسه هم متشکّرم، از گزارش‌هایی هم که دوستان دادید متشکّرم و استفاده کردیم.

والسّلام علیکم و‌ رحمةالله و برکاته

# بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در دیدار رمضانی 28/2/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

خدا را شکر می‌کنم و خرسندم از این‌که در شرایط کنونی هم که شرایط نامساعدی است، این جلسه بحمدالله تشکیل شد، ولو به این نحو. البتّه دیدار حضوری شما جوان‌ها برای بنده شوق‌آفرین‌تر بود، لکن این شکل هم یک شکلی است و امیدواریم که این جلسه هم جلسه‌ی مفیدی باشد برای جامعه‌ی جوان، برای کشور، و برای خود این حقیر.

## طرح بحث‌های سنجیده و فکرشده از سوی دانشجویان در این جلسه

بحث‌هایی که دوستان انجام دادند، چند خصوصیّت داشت که من فی‌الجمله اشاره کنم: اوّلاً بحث‌ها پخته و سنجیده و خوب بود. انصافاً سطح بحث‌های امسال از آنچه قبلاً در این جلسات مطرح می‌شد، به نظر من بالاتر بود؛ فکر شده بود، کار شده بود و این خیلی باارزش است؛ از این جهت من متشکّرم.

### متعهّد شدن دوستان ما برای پاسخ به این سؤالات

سؤال‌هایی که شد، خب سؤال‌های فراوانی است؛ اگر بخواهیم حتّی بعضی از این سؤال‌ها را جواب بدهیم، وقت زیادی را از ما خواهد گرفت. شاید این توقّع من به‌جا باشد که دوستان ما -نمایندگی در دانشگاه‌ها و بعضی از بخش‌های مرتبط با دانشجویان و دانشگاه‌ها در دفتر- متعهّد بشوند این سؤال‌ها را پاسخ بدهند. این سؤال‌ها جواب‌های روشنی دارد، کما این‌که بعضی از ابهام‌ها و شبهه‌هایی که مطرح می‌شود، توضیح‌های قابل قبولی دارد و می‌توان این‌ها را مطرح کرد و می‌توان [درباره‌ی آنها] گفتگو کرد.

### پیشنهادهایی ناشی از عدم احاطه‌ی به شرایط موضوع بحث

درباره‌ی پیشنهادهایی که شد، این پیشنهادها، خب پیشنهاد است؛ این جور نیست که هر پیشنهادی حتماً بتواند عملیّاتی بشود. بعضی از این پیشنهادها ناشی از عدم احاطه‌ی به شرایط موضوع بحث است؛ این را من دارم مشاهده می‌کنم و می‌بینم و اگر بخواهیم درباره‌ی این پیشنهادها تصمیم‌گیری بکنیم -یا بنده تصمیم‌گیری کنم، یا دستگاه‌ها تصمیم‌گیری کنند- احتیاج به کار بیشتری دارد و امیدواریم که این توفیق را خدای متعال به ما بدهد.

البتّه الان سفارش من به دفتر این است که این پیشنهادها را بگیرند، بررسی کنند، روی جزء جزء این پیشنهادها کار کنند.

### اشکالات وارد و غیر وارد به دستگاه‌ها

و این را هم عرض بکنم که برخی از اشکالاتی که به دستگاه‌ها در بیانات شما عزیزان وجود داشت، اشکالات واردی نیست؛ بعضی وارد است لکن بعضی هم وارد نیست. وارد نبودن اشکال هم به خاطر این است که از شرایط موجود آن موضوع اطّلاع زیادی ندارید؛ از این جهت است که این اشکال طبعاً به ذهن می‌آید؛ و هر کسی در این وضع باشد، این اشکال را دارد. به هر حال می‌تواند این سؤال‌ها، این ابهام‌ها، این اشکال‌ها در گفتگوهای رو در رو برطرف بشود. در عین حال خیلی از مطالبی که گفته شد مطالب درستی بود و گفتن این‌ها در این عرصه و در این برنامه طبعاً به ایجاد یک گفتمان در این زمینه‌ها کمک خواهد کرد و من استقبال می‌کنم از این‌که در برخی از این زمینه‌ها گفتارهای عمومی به وجود بیاید و ذهن‌های عامّه‌ی مردم در جامعه و در کشورمان به این سَمت شکل بگیرد.

### در مورد عدالت‌خواهی

سؤال شد که نظر این بنده‌ی حقیر درباره‌ی جزء جزء حرف‌هایی که زده می‌شود یا پیشنهادهایی که داده می‌شود چیست. خب، برخی از این‌ها البتّه در اظهارات عمومی بنده قابل فهمیدن است؛ فرض بفرمایید که حالا در زمینه‌ی مسائل عدالت‌خواهی گله می‌کنید که چرا یک گروهی به تندروی‌های برخی از کسانی که در زمینه‌ی عدالت‌خواهی بحث می‌کنند، اعتراض دارند؛ خب خود شما هم اعتراض داشتید به بعضی از تندروی‌هایی که در این زمینه انجام می‌گیرد. نظر من در مورد مسائل مربوط به عدالت‌خواهی نظر روشنی است و مفصّل در این زمینه‌ها صحبت کرده‌ام، بحث کرده‌ام. در برخی از مسائل دیگر هم می‌توان اظهار نظرهایی را کرد که باز آن هم به نظر من به عهده‌ی همین دوستانی است که در دفتر ما یا در نمایندگی دانشگاه‌ها مرتبط با بخش‌های دانشگاهی و دانشجویی هستند. من البتّه دیگر وارد بحث نمی‌شوم؛ چون اگر بخواهیم در زمینه‌ی این مسائلی که گفته شد صحبت کنیم، بحث‌های طولانی‌ای را در پیش خواهیم داشت.

## بیشتر جوانان؛ مخاطب این موضوعات

یک مسائلی را من یادداشت کرده‌ام که آن‌ها را عرض می‌کنم که به نظرم قابل توجّه است. جلسه البتّه دانشجویی است لکن مخاطب این جلسه صرفاً دانشجویان نیستند؛ ما البتّه چهار میلیون دانشجو داریم که عدد بالایی است لکن تعداد کسانی که مخاطب این موضوعاتی که عرض می‌کنیم خواهند بود، بیشترِ جوانان هستند؛ جوان دانشجو، جوان طلبه، جوان فارغ‌التّحصیل، جوان شاغل؛ مجموعه‌ی جوانان مخاطب این بحثها هستند.

### علّت اصرار بر مخاطب قرار دادن جوانان

#### ۱) آینده، متعلق به جوانان

این‌که ما اصرار داریم که با جوان‌ها حرف بزنیم و بحث کنیم و از آن‌ها بشنویم و چیزی به آن‌ها عرض بکنیم، متأثّر از یک پیش‌فرض قطعی است و آن پیش‌فرض این است که آینده در اختیار جوان‌ها و متعلّق به این جوان‌ها است. شکّی نیست که در آینده‌ی میان‌مدّت، بعضاً در آینده‌ی کوتاه‌مدّت، مسئولیّت بسیاری از همین موضوعاتی را که امروز شما دارید مطرح می‌کنید، متوجّه به شما جوان‌ها و مجموعه‌ی جوان‌هایی که امروز مخاطب این حرف‌ها هستند خواهد شد و مدیریّت‌ها در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت و اداره‌ی کشور به دست آن‌ها خواهد افتاد؛ در این تردیدی نیست. لذاست که بحث با جوان‌ها و صحبت با جوان‌ها و شنیدن از آن‌ها و گفتن با آن‌ها برای ما مهم است. هر کسی به آینده‌ی کشور علاقه‌مند است، ناگزیر بایستی به جوان‌ها کمک کند برای این‌که بتوانند این آینده را به بهترین وجهی ان‌شاءالله بسازند.

#### ۲( وجود این عناصر ذی‌قیمت در طبیعت جوانی

بخش دیگر از منطق گفتگو با جوان‌ها هم عبارت است از نگاه به طبیعت جوانی. خب همان طور که امروز هم در بیانات شما عزیزان مشاهده شد و همیشه در مورد جوان‌ها این قضاوت را بنده دارم طبیعت جوان، با امید، با ابتکار، با صراحت، با خطرپذیری، با خستگی‌ناپذیری همراه است و این‌ها برای اداره‌ی جامعه عناصر ذی‌قیمتی هستند؛ بخشی از مشکلات ما ناشی از خطرپذیر نبودن یا خسته شدن، یا عدم وجود ابتکار، یا عدم صراحت، یا ناامید بودن است؛ این‌ها در جوان‌ها نیست، لذاست که ما مایلیم با این مجموعه‌ی جوان که طبعاً دارای این طبیعت هستند، بیشتر گفتگو بشود و بحث بشود.

## توجّه به موقعیّت بسیار مهم و حسّاس کنونی کشور از سه نگاه کلّی

البتّه مسئله در شرایط کنونی کشور ما اهمّیّت بیشتری دارد و این ناشی است از موقعیّت کنونی کشور که به نظر من برای هر گونه تصمیم‌گیری و هر گونه اقدام بایستی به موقعیّت کنونی کشور توجّه کرد که موقعیّت بسیار مهم و حسّاسی است. من حالا یک مختصری در زمینه‌ی این موضوع، یعنی مسئله‌ی موقعیّت کنونی کشور عرض می‌کنم. از سه زاویه و نگاه کلّی به موقعیّت کشور می‌شود نگاه کرد:

### 1) جمهوری اسلامی، یک طرفِ مبارزه‌ی وسیع و عظیم در سطح جهانی

یک زاویه عبارت است از این‌که یک حقیقت روشنی وجود دارد و آن این‌که جمهوری اسلامی امروز طرف یک مبارزه‌ی وسیع و عظیمی در سطح جهانی است؛ یک مبارزه‌ی جدّی که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی است، یک طرف جبهه‌ی کفر و ظلم و استکبار است؛ جمهوری اسلامی امروز درگیر یک چنین مبارزه‌ی عظیم و وسیعی است؛ در این هیچ تردیدی نباید داشت. جبهه‌ی مقابل سعی دارد که جمهوری اسلامی را از میدان خارج کند با انواع شیوه‌ها و ترفندهایی که در اختیار دارد و امکاناتی که در اختیار دارد؛ که اگر چنانچه موفّق بشود -که قطعاً هم ان‌شاءالله موفّق نخواهد شد- برای آینده‌ی کشور بسیار گران تمام خواهد شد که جمهوری اسلامی در مواجهه‌ی با این جبهه‌ی ظلم و کفر و استکبار عقب‌نشینی کند و تسلیم بشود و از میدان خارج بشود.

#### مبارزه‌ی جبهه‌ی کفر و استکبار با جمهوری اسلامی برای این‌که یک الگو به وجود نیاید

از طرف دیگر، مبارزه‌ی جبهه‌ی کفر و استکبار با جمهوری اسلامی برای این است که یک الگو به وجود نیاید. ما بسیاری از مشکلاتی هم که تا امروز داریم، به خاطر همین است؛ [یعنی] کارشکنی‌هایی شده برای این‌که آن الگوی جذّاب برای ملّت‌ها به وجود نیاید. ما از این کارشکنی‌ها نمی‌توانیم صرف نظر کنیم، یا این‌ها را ندیده بگیریم؛ این‌ها وجود داشته، الان هم وجود دارد. بنابراین یکی از زاویه‌های دید ما نسبت به موقعیّت کشور، به این قضیّه بر می‌گردد که بدانیم جمهوری اسلامی درگیر یک چنین نبرد سیاسی، نبرد فکری، نبرد نرم و جنگ نرم و احیاناً برخوردهای سخت با جبهه‌ی وسیع ظلم و کفر و استکبار است.

### ۲( ظرفیّت بالای کشور برای مقابله با این جبهه‌ی وسیع

زاویه‌ی دید دیگر به موقعیّت کشور این است که ما توجّه کنیم، ظرفیّت کشور برای مقابله بالا است؛ ما برای مقابله‌ی با همین جبهه‌ی وسیعی که قدرتمند هم هست، و از قدرت‌های ظاهری برخوردار است، از ظرفیّت‌های بسیار بالایی برخورداریم؛ این را تجربه‌ها به ما نشان می‌دهد؛ ما تجربه‌ی زیادی در این زمینه، در این سال‌ها داریم که این تجربه‌ها به ما ثابت می‌کند که ما ظرفیّت برخورد و مواجهه و مقابله‌ی با این جبهه‌ی عظیم را داریم؛ هم تجربه‌ی مجاهدت نظامی داریم، سال‌های دفاع ‌مقدّس و قضایای گوناگونی که بعد از آن وجود داشته است و مسائل منطقه‌ای که بعضی از شماها در قالب اظهار ارادت به شهید عزیزمان، شهید سلیمانی به آن‌ها اشاره کردید؛ هم جهاد علمی که در دنیا اعتراف شد که سرعت حرکت جمهوری اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت مسائل علمی چندین برابر سرعت متوسّط دنیا است که این خیلی موضوع مهمّی بود و خوشبختانه هنوز هم ادامه دارد؛ و هم جهاد فرهنگی.

#### یک مجموعه‌ی عظیم جوانِ پایبند به مبانی جمهوری اسلامی، در مقابل هجوم فرهنگی دشمن

ببینید، علی‌رغم همه‌ی این ظواهری که [شما] دوستان اشاره کردید، بنده هم به آن‌ها توجّه دارم و اذعان دارم، یک واقعیّتی وجود دارد؛ علیه کشور ما در زمینه‌ی هجوم فرهنگی خیلی کار دارد می‌شود؛ مال امروز هم نیست، حالا امروز هم که فضای مجازی آمده است و حجمْ چند برابر شده، لکن از سابق هم به وسیله‌ی رادیوها، به وسیله‌ی تلویزیون‌ها، با وسایل گوناگون علیه مسائل فرهنگی در جمهوری اسلامی تلاش می‌شده و کار می‌شده. علی‌رغم همه‌ی این‌ها یک مجموعه‌ی عظیم جوان -نه یک مجموعه‌ی کوچک، نه یک اقلّیّت- پایبند به مبانی دینی، به مبانی اعتقادی و مبانی فرهنگی جمهوری اسلامی‌اند؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که ما در جهاد فرهنگی هم از دشمن قوی‌تر هستیم. مسائل گوناگونی [هست] که بعضی از آن‌ها را شماها اشاره کردید، بعضی را هم اشاره نکردید. تظاهرات دینی‌ای که این سال‌ها دارد انجام می‌گیرد -مسئله‌ی راه‌پیمایی اربعین، مسئله‌ی اعتکاف، مسئله‌ی عزاداری‌های حسینی، بعد در این اواخر مسئله‌ی تشییع عظیمِ بی‌نظیر شهید عزیزمان، شهید سلیمانی، و از این قبیل چیزها- همه نشان‌دهنده‌ی این است که جمهوری اسلامی در نبرد و مبارزه‌ی فرهنگی هم با جبهه‌ی استکبار با همه‌ی تلاشی که او دارد می‌کند، عقب‌مانده نیست و کارهای بزرگی انجام شده و پیشرفت‌های بزرگی صورت گرفته؛ بنابراین در مجاهدت فرهنگی هم همین‌ جور است.

#### ظرفیّت بسیار بالای کشور در جهاد اجتماعی

در جهاد اجتماعی هم همین‌جور است؛ [مثل] همین حجم خدماتی که در این قضایای اخیر یا در سیل سال گذشته، یا در زلزله‌ها یا در حضور همین گروه‌های جهادی در روستاها مشاهده شد و حرکت عظیمی که در این زمینه به راه افتاد؛ که این‌ها همه نشان‌دهنده‌ی این است که در جهاد اجتماعی هم کارکرد ما، کارکرد کشور و ظرفیّت کشور بسیار بالا بوده و حتماً از این بیشتر هم هست در مناطق محروم و مانند این‌ها.

#### فعالیّت‌هایی که دستگاه‌های خدماتی مرتبط با رهبری دارند

خب حالا همین جا [به یک مطلب] اشاره کنم؛ اشاره کردند به فعالیّت‌هایی که دستگاه‌های خدماتی مرتبط با رهبری دارند کار می‌کنند؛ من به شما عرض بکنم: اعتقاد دارم که از اکثر این فعالیّت‌ها شما خبر ندارید؛ یعنی این هم یک مقداری به همین شفاف نبودن که جزو اعتراض‌های شما است، برمی‌گردد؛ یعنی از خیلی از کارهای عظیمی که این‌ها دارند انجام می‌دهند، اغلب خبر ندارند. کارهای خوبی در زمینه‌ی خدمات اجتماعی دارد انجام می‌گیرد، در زمینه‌ی جهاد فکری هم همین ‌جور؛ در باب جهاد فکری هم کارهای فکری، زیاد شده؛ پایبندی به شعارهای انقلاب، خوب شده؛ همین بحث‌هایی که شما می‌کنید نشان‌دهنده‌ی عمق و پیشرفت کار فکری است.

البتّه ممکن است کسانی بگویند «آقا ۴۰ سال یا به قول یکی از آقایان ۴۲ سال از پیروزی انقلاب گذشته»؛ بله ۴۲ سال برای این‌گونه مسائل عمومی و کلان، زمان زیادی نیست، زمان کوتاهی است. خیلی از این کارها در طول زمان به‌تدریج انجام می‌گیرد، به‌خصوص با مشکلاتی که در کشور ما وجود داشته.

بنابراین ما به موقعیّت کشور اگر بخواهیم از این زاویه‌ی دید نگاه کنیم، باید اعتراف کنیم و قبول بکنیم که ظرفیّت کشور برای مواجهه‌ی با دشمن -چه در زمینه‌ی مسائل نظامی، چه در زمینه‌ی مسائل علمی، چه در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، چه در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و غیره- ظرفیّت بسیار بالایی است و ما راحت می‌توانیم با این جبهه مواجهه و مقابله کنیم و بر او پیروز بشویم؛ یعنی این امید به پیروزی یک امید موهومی نیست، یک امید متّکی به این واقعیّت روشن است.

### ۳) نهادینه شدنِ احساس قدرت و عزّت در کشور

یک زاویه‌ی دید دیگر هم وجود دارد و آن احساس قدرت و عزّتی است که در کشور نهادینه شده، که این خیلی چیز مهمّی است؛ یعنی در کشور یک احساس نهادینه‌شده‌ای در عموم تقریباً وجود دارد. حالا بعضی‌ها منفی‌بافی می‌کنند و ضعف‌هایی را که در وجود خودشان هست، به کشور، به جامعه، به نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند لکن واقعیّت قضیّه این است که خوشبختانه در کشور یک احساس عمومی عمیقی وجود دارد و آن، احساس عزّت و قدرت است.

#### ایجاد احساس حقارت در ملّت‌ها، زمینه‌ای برای تسلّط استبداد و استعمار

ببینید، من یک توضیحی این‌جا عرض بکنم: یکی از چیزهایی که در برخورد استبدادی و استعماری با ملّت‌ها خیلی اهمّیّت دارد این است که قدرت‌های استعمارگر و سلطه‌گر سعی‌شان در ایجاد حسّ حقارت در آن ملّت‌هایی است که می‌خواهند بر آن‌ها تسلّط پیدا کنند؛ یعنی یک مقدّمه‌ی لازم برای آن‌ها این است که آن ملّت را تحقیر کنند، در او احساس حقارت به وجود بیاورند، احساس ناتوانی را به او تزریق کنند، به او تفهیم کنند که او چیزی نیست، هویّتی ندارد، کسی نیست و اهمّیّتی ندارد؛ این یکی از کارهای اساسی است. و این کار متأسّفانه در ایران انجام گرفت؛ یعنی از اواخر دوره‌ی قاجار شروع شد؛ هم استبداد داخلی سلاطین آخری قاجار، هم سیاست‌های مداخله‌گر بسیار خطرناک و متنفّذی که در کشور بودند -عمدتاً سیاست انگلیس- به این معنا دامن زدند. البتّه آن وقت روس و انگلیس هر دو تسلّط داشتند، منتها روس‌ها به دلایل گوناگونی که حالا جای بحثش نیست، یک مقداری عقب نشستند؛ عمده انگلیس‌ها مسلّط بر مسائل کشور بودند که یک نمونه‌اش آن قرارداد ۱۹۱۹ وثوق‌الدّوله‌ی معروف است[[69]](#footnote-69) -قرارداد استعماری معروف- یعنی این حالت تحقیر را و حقارت عمومی را و بیکاره‌ بودن و هیچ‌کاره بودن ملّت را تحقّق بخشیدند در کشور، و همین زمینه شد برای روی کار آمدن کسی مثل رضای پهلوی و ادامه‌ی حکومت او و بعد روی کار آمدن محمّدرضا پسر او، که این یک حادثه‌ی فاجعه‌باری در کشور ما بود که دشمنان انجام دادند و ملّت تماشاچی بود؛ در زمینه‌ی روی کار آمدن رضاخان پهلوی ملّت یک تماشاچی‌ای بود و اصلاً تأثیری نداشت، حضوری نداشت، «لا» و «نَعم»ی نداشت؛ [همین جور] نگاه کردند، یک اتّفاقی افتاد، یک کودتایی شد؛ نه دنبالش گشتند که ببینند که بود، چه بود، نه اظهار نظری کردند، نه ایستادگی کردند، و دچار عواقب سختش هم شدند؛ یعنی آن به‌اصطلاح استبداد و دیکتاتوری پنجاه‌ساله را ملّت ایران تحمّل کردند به خاطر همان احساس حقارت و تحقیری که اوّل شده بودند.

#### انقلاب اسلامی و ریشه‌کنی حکومت پهلوی، یک زلزله در دنیا

درست نقطه‌ی مقابل این در انقلاب اسلامی اتّفاق افتاد. در انقلاب اسلامی جوان‌های کشور احساس کردند که قادرند یک کار نشدنی را که همه در قضاوت‌هایشان می‌گفتند این کار نشدنی است -و آن، تکان دادن حکومت پهلوی بود- به بهترین وجهی انجام بدهند؛ و نه این‌که حکومت را تکان بدهند بلکه ریشه‌کن کنند. حکومتی که خارجی‌ها به‌جدّ در پشتیبانی او تلاش می‌کردند و کار می‌کردند. آمریکایی‌ها همان ‌طور که امروز می‌بینید از بعضی از دولت‌ها دفاع می‌کنند، به ‌طور قاطع از حکومت پهلوی دفاع می‌کردند، سینه سپر می‌کردند، ایستاده بودند، منتها دفاع آن‌ها از حکومت پهلوی بیشتر بود از آنچه امروز از بعضی از حکومت‌های وابسته‌ی به خودشان حمایت می‌کنند و دفاع می‌کنند.

و سخت‌گیری‌های داخلی هم که خب فوق‌العاده بود؛ یعنی آن کاری که در آن زمان با مردم، با مبارزین، با مخالفین، با معترضین صورت میگرفت، برای جوان امروز قابل حدس نیست؛ یعنی آن کاری که آن روز انجام می‌گرفت، اصلاً از ذهن شما بسیار دور است؛ فرض بفرمایید که داشتن یک کتاب، یا یک نیم‌سطر نوشته در یک دفتر، موجب می‌شد که طرف، مدّت‌ها متحمّل زندان بشود، علاوه بر شکنجه‌هایی که قبل از محکومیّت متحمّل می‌شد؛ یعنی چیز فوق‌العاده‌ای است دیگر و اصلاً حالا قابل بحث نیست در این زمینه. جوان ایرانی و ملّت ایران مجموعاً توانستند با اراده‌ی خود، با قدرت خود، این حکومتِ این چنین را ریشه‌کن کنند، یک کار نشدنی را انجام بدهند و دنیا را متحیّر کنند؛ یعنی وقتی که نظام جمهوری اسلامی بر روی کار آمد و حکومت وابسته‌ی پادشاهی در کشور از بین رفت، دنیا متحیّر شد؛ یعنی مدّتی در بهت فرو رفتند که این چه اتّفاقی است که دارد می‌افتد؛ به معنای واقعی کلمه یک زلزله در دنیا به وجود آمد.

بعد از آن هم تا امروز عوامل احساس عزّت و احساس قدرت پی‌درپی در کشور به وجود آمده و سطح اقتدار ملّی را خوشبختانه به این‌جا رسانده؛ یعنی کشوری هستیم که در مقابل زورگویی، با قدرت با صراحت می‌ایستیم، نه این‌که فقط یک نفر یا دو نفر در دستگاه حکومت چنین حالتی را داشته باشند؛ نه، ملّت به طور عموم این احساس را دارند، این احساس قدرت را دارند، این احساس عزّت را دارند. حالا البتّه کسانی هم هستند که منفی‌بافی می‌کنند و بسیار اندک و در اقلّیّت و منزوی هستند، [امّا] عموم ملّت این احساس قدرت و عزّت را دارند.

#### تلاش دشمن برای مخدوش کردن این احساس عزّت و قدرت

البتّه دشمن سیاست تلاش برای تحقیر ملّت را ادامه می‌دهد؛ یعنی امروز هم همان سیاست‌ها را دارند؛ یعنی دشمن مأیوس نشده است از این‌که بتواند در روحیات مردم تأثیر بگذارد. این نکته را بایستی همه‌ی ما در تحلیل‌هایمان، در اظهارنظرهایمان، در اعتراض‌هایمان در نظر بگیریم که دشمن امروز در صدد این است که این احساس عزّت را، احساس قدرت را، اطمینان به نفس ملّی را مخدوش کند و از بین ببرد. البتّه دشمن تلاش می‌کند، خدای متعال هم عکس این را تقدیر کرده. همین حادثه‌ی کرونا موجب شد که مردم احساس عزّت بیشتری پیدا کنند؛ خب شما ملاحظه کنید، در غرب، در کشورهای غربی، در آمریکا چه خبر است. همین حادثه‌ که این‌جا هم آمد، آن‌جا هم رفت؛ آن‌جا ببینید وضع چه‌ جوری است، این‌جا وضع چه‌ جوری بود: مدیریّتی که شد، حضوری که مردم پیدا کردند، کارهای بزرگی که در این زمینه انجام گرفت. یا [مثلاً] پرتاب ماهواره، یا کارهای علمی‌ای که الان دارد انجام می‌گیرد برای شناخت همین ویروس. این‌ها همه حوادثی است که خدای متعال [مقدّر کرده]؛ یا این نهضت عظیم کمک مؤمنانه و خدمتی که انجام گرفت. پس شرایط کشور، این‌ها است. آن جبهه‌بندی هست، آن دشمنی هست، آن ظرفیّت‌ها هست و این احساس عزّت و قدرت هم در کشور وجود دارد.

## توجّه به حضور جوانان در بخش‌های مختلف و مدیریّت‌های میانی

خب حالا با توجّه به این، [در مورد] مسائل مربوط به جوان‌ها و آنچه من به نظرم می‌رسد که به جوان‌ها عرض بکنم، چیزهایی یادداشت کرده‌ام که عرض می‌کنم. البتّه خوشبختانه بر اثر تأکیدهایی که شده و تکراری که شده است، توجّه به مسئله‌ی جوان پیدا شده؛ حالا در بیانات دوستان، شاید اظهارات مأیوسانه وجود داشت لکن به نظر من این‌ جور نیست، توجّه به حضور جوان‌ها در بخش‌های مختلف پیدا شده و در این زمینه دارد کار می‌شود. حالا این هم که مقصود ما از «جوان‌گرایی» چیست، از همان جمله‌ی سؤال‌هایی است که پاسخ آن را بایستی دوستان در بخش‌های دانشگاهی و مانند این‌ها بدهند. توجّه پیدا شده است به حضور جوان‌ها و اهمّیّت داده می‌شود به حضور جوان‌ها، به ورود آن‌ها در مدیریّت‌های میانی، به اظهار نظرهای آن‌ها و مانند این‌ها.

## کارهای خوب انجام شده در یک سال گذشته در محیط‌های دانشجویی و حوزوی

بیشتر و عمدتاً خود محیط‌های دانشجویی هم خوشبختانه کارهای خوبی را انجام داده‌اند. در همین یک سال گذشته، یعنی از سال گذشته [هنگام] تشکیل این جلسه تا امروز کارهای خوبی انجام گرفته. یکی از این کارهای بسیار خوبی که در محیط دانشجویی و همچنین در حوزه‌ی علمیّه صورت گرفته، موضوع «مسئله‌محوری» در بحث‌ها و در کارها است که این جزو توصیه‌های ما بود، خوشبختانه دنبال شده و مسائل خاصّی، مسائل مهمّی به طور مسئله‌محور مطرح شده و روی آن کار شده، به نظرات خوبی رسیده‌اند. یا پرداختن به مسائل بین‌المللی که این هم جزو توصیه‌های ما بود. خوشبختانه من در طول این یک سال مشاهده می‌کنم که به مسائل متعدّدی در زمینه‌ی موضوعات بین‌المللی توجّه شده، که من البتّه نمی‌خواهم اسم بیاورم. حالا اعتراض شد به این‌که «چرا فلان موضوع را دنبال نکردند»؛ خب اطّلاع ندارید، دنبال کردند. یک موضوع به‌خصوصی را یکی از برادرها اسم آوردند که چرا این قضیّه دنبال نشد؛ دنبال شد، جدّی هم دنبال شد؛ منتها خب آن نتایج مطلوب به دست نیامد، ولیکن کار به‌جدّ دنبال شد؛ یک سرِ کار دست ما بود، یک سرِ کار دست دیگران بود و طبعاً نمی‌توانست به نتیجه برسد. به ‌هر حال در مسائل بین‌الملل جوان‌ها کار کردند، یعنی فکر کردند؛ بحث فعالیّت‌های جهادیِ واقعاً شگفت‌انگیز که حقیقتاً بنده با این‌که بارها تشکّر عرض کرده‌ام، باز هم لازم می‌دانم تشکّر کنم و خدا را شکر کنم که الحمدلله جوان‌های ما را این ‌جور آماده کرد. این گله‌ای هم که دوستان جهادی دارند، گله‌ی به‌جایی است که چرا در مجامع تصمیم‌گیری برای مسائل، از این‌ها دعوت نمی‌شود یا چرا برای تدوین خدماتی که صورت می‌گیرد از این‌ها نظرخواهی نمی‌شود و صرفاً به عنوان نیروی کار و به‌اصطلاح خدمتگر از این‌ها استفاده می‌شود؛ این‌ها خب اشکالات واردی است که درست است.

پرداختن مسائل مربوط به واگذاری‌ها که یکی از کارهایی بود که امسال در مجموعه‌ی جوانی انجام گرفت؛ البتّه در این زمینه‌ها ممکن است بعضی از تندروی‌ها بوده، لکن نفْس دنبال کردن این موضوعات به نظر ما خوب بود، مسئولین را متوجّه مسئولیّت‌هایشان کرد. حالا آن اشکالی که یکی از دوستان کردند که دانشجوها کار میدانی در این زمینه انجام دادند و موافق نیستند، آن قابل بحث است لکن به‌ هر حال نفْس دنبال کردن این موضوعات به نظر ما خوب بود؛ که یک تشکّل‌های خودجوشی هم به وجود آمد. پیگیری مسائل خانواده و مسائل زن که خوشبختانه این‌جا هم حالا اشاره شد که به نظر این حقیر جزو مسائل مهم است و باید دنبال بشود و یقیناً در این زمینه کم‌کاری صورت گرفته؛ و هر چه در این زمینه گفته بشود و اعتراض بشود، من قبول دارم و معتقدم کم‌کاری جدّی‌ای در این زمینه انجام گرفته. [این] خوشبختانه یکی از مباحثی بود که دیدم در بحث‌های دانشجویی وجود دارد.

## چند توصیه به جوانان

خب حالا توصیه‌هایی که بنده عرض می‌کنم با توجّه به همه‌ی آنچه گفته شد؛ چند مطلب را من یادداشت کرده‌ام.

### خودسازی فردی و اجتماعی

توصیه‌ی اوّل من به شما جوان‌های عزیز، چه دانشجو و چه بقیّه‌ی جوان‌هایی که از آن‌ها اسم آوردم، مسئله‌ی خودسازی است؛ خودسازی خیلی مهم است؛ هم در ابعاد فردی، هم در ابعاد جمعی. هم شخص خود شما باید خودسازی کنید، هم جمعتان باید به عنوان یک جمع خودسازی کند؛ خودسازی خیلی مهم است. فرصت ماه رمضان فرصت خوبی است؛ اگرچه به اواخر ماه رسیدیم لکن همین چند روزی که باقی مانده، فرصت خوبی است [برای] دعا، مناجات، اُنس با قرآن؛ و رها نکردن کار ارتباط معنوی با تمام شدن ماه رمضان؛ یعنی این جور نباشد که ماه رمضان حالا چون روزه هستید و مثلاً شرایط دعا و مناجات و حال و حضور آماده است، کارهایی انجام بگیرد، ماه رمضان که تمام شد به‌کلّی رها بشود؛ نه، اُنس با قرآن، ارتباط با قرآن، نماز با حضور، نماز در اوّل وقت، توجّه به ادعیه -که حالا من به بعضی از ادعیه هم اشاره کردم، به بعضی هم اشاره می‌کنم- مواردی است که به نظر من برای خودسازی لازم است. این کمک می‌کند به شما که از لغزشگاه‌ها راحت عبور کنید، به سلامت عبور کنید.

لغزشگاه‌هایی وجود دارد؛ ترس، یک لغزشگاه است، تردید، یک لغزشگاه است، احساس ضعف، یک لغزشگاه است، انگیزه‌های ناسالم، یک لغزشگاه است؛ لغزشگاه‌های زیادی سر راه ما وجود دارد، به‌خصوص برای فعّالان مسائل اجتماعی؛ لذا این‌ها بیشتر به خودسازی احتیاج دارند و نیاز دارند که بُنیه‌ی روحی و معنوی خودشان را قوی کنند. به نظر من وقتی بُنیه‌ی روحی‌ و معنوی‌ شما قوی شد، هم در زمینه‌ی فکر، هم در زمینه‌ی تصمیم‌گیری، هم در زمینه‌ی عمل، توانایی‌های بیشتری پیدا خواهید کرد و ما در نسل جوان به این‌ها نیاز داریم؛ این توصیه‌ی اوّل ما و عرض اوّل ما به شما جوانان عزیز است؛ و شما به معنای واقعی کلمه مثل فرزندان من هستید و همان چیزی را برای شماها دوست دارم که برای فرزندان نسلی خودم دوست دارم و آنچه را عرض می‌کنم، به معنای واقعی کلمه برای شما مفید می‌دانم که عرض می‌کنم؛ این توصیه‌ی اوّل.

### تقویت مبانی معرفتی و پرهیز از دو آسیب انفعال و انحراف

توصیه‌ی دوّم تقویت مبانی معرفتی است؛ این خیلی مهم است. الحمدلله در شماها خوش‌فکر خیلی زیاد است و در زمینه‌های مختلف فکر می‌کنید، کار می‌کنید، منتها محیط‌های جوان از جمله دانشگاه از قدیم آماج آسیب‌هایی بوده، از جمله دو آسیب بزرگ متوجّه محیط‌های جوان بوده که این دو آسیب یکی انفعال است، یکی انحراف است. انفعال یعنی احساس دست‌بسته بودن، بی‌فایده بودن، ناامیدی در مقابل حوادث سخت، که این با آن توصیه‌ی قبلی برطرف می‌شود؛ یعنی معنویّت که تقویت شد، انفعال مطلقاً به وجود نخواهد آمد. انحراف -انحراف فکری، انحراف در مبانی معرفتی- با این توصیه برطرف می‌شود.

#### چند واقعه‌ی تاریخی

ببینید ما در اوایل انقلاب جوان‌هایی را داشتیم که این‌ها مردمان مسلمانی بودند و برای اسلام وارد میدان شده بودند امّا چون مبانی معرفتی‌شان ضعیف بود، پایه‌های معرفتی‌شان محکم نبود -حالا به هر دلیلی محکم نبود- این‌ها جذب گروه‌های التقاطی شدند و از یک جوان مؤمن سالمِ اسلام‌طلب و مؤمن تبدیل شدند به کسانی که بر روی هم‌میهن خودشان اسلحه کشیدند، جوان را، پیر را، کاسب بازاری را هدف قرار دادند و آماج حمله‌ی خودشان قرار دادند و آن فجایع را، آن جنایات را به وجود آوردند؛ به خاطر ضعف مبانی معرفتی جذب آن گروه‌های ناسالم شدند و به این راه‌ها کشانده شدند؛ آخر هم سر از زیر پرچم صدّام درآوردند؛ یعنی آخرش هم کارشان به این‌جا رسید؛ منشأ همه‌ی این‌ها همان عدم استقرار فکری بود. کسان دیگری در همان زمان بودند -ما می‌شناختیم افراد را، بنده قبل از انقلاب با خیلی از این افراد آشنا بودم در همین مجموعه‌های گروهی و مانند این‌ها- که قرص و محکم ایستادند؛ چون مبانی فکری‌شان درست بود، با کتاب‌های شهید مطهّری مرتبط بودند، با تفکّرات علّامه طباطبائی آشنا بودند، با حرف‌های مرحوم شهید صدر آشنا بودند، مبانی فکری و معرفتی‌شان محکم بود، [لذا] قرص و محکم ایستادند؛ بعضی هم مبانی معرفتی‌شان ضعیف بود و متأسّفانه رفتند. یا بعدها در اوایل انقلاب کسانی کارهای انقلابی کردند و بعد از مدّت‌ها جزو پشیمان‌ها شدند -جمع پشیمان‌ها- که یکی از مسائل انقلاب ما عبارت از همین مسائل حضرات پشیمان است که یک روز انقلابی بودند و بعد، از انقلابی‌ بودن پشیمان شدند. این به خاطر این است که مبانیِ معرفتی ضعیف است دیگر؛ یعنی وقتی مبانیِ معرفتی ضعیف بود، طبعاً نمی‌تواند آن‌ها را در مقابل حوادث، در مقابل سؤال‌ها، در مقابل ابهام‌ها حفظ کند و در صراط مستقیم نگه دارد. لذاست که به نظر من به مسائل ایمانی و مسائل اعتقادی و معرفتی بپردازید.

#### استفاده از دعاهای فوق‌العاده‌ی صحیفه‌ی سجّادیّه

ببینید، این دعا که عرض کردم -دعای بیستم صحیفه‌ی سجّادیّه، دعای معروف مکارم‌الاخلاق- این جوری است: اَللهُمَّ بَلِّغ بِایمانی اَکمَلَ‌ الایمانِ وَ اجعَل یَقینی اَفضَلَ الیَقین؛ می‌گوید یقین را دارم امّا بهترین یقین قرار بده یقین من را. وَ انتَهِ بِنیَّتی اِلی اَحسَنِ النِّیّات وَ بِعَمَلی اِلی اَحسَنِ الاَعمال‌، تا آخر این دعا. دعا البتّه دعای عجیبی است. من توصیه می‌کنم که عزیزان، جوان‌ها با این دعای بیستم صحیفه‌ی سجّادیّه آشنا بشوند. البتّه دعاهای صحیفه فوق‌العاده است؛ یعنی صحیفه‌ی سجّادیّه بحث یک دعا و دو دعا نیست. حالا دعای بیستم را من عرض کردم، دعای بیست‌ویکم هم به یک نحو دیگر دعای عجیبی است و دعاهای گوناگون دیگری که در این کتاب فوق‌العاده باارزش وجود دارد. حالا این دعای بیستم را که دعای مکارم‌الاخلاق است بخوانید، به آن توجّه کنید. خوشبختانه ترجمه‌های خوبی از صحیفه‌ی سجّادیّه انجام گرفته که من سه چهار مورد از این ترجمه‌ها را دیده‌ام، انصافاً ترجمه‌های بسیار خوبی است و مورد اعتماد است؛ به این‌ها مراجعه کنید، از آن‌ها استفاده کنید. این هم توصیه‌ی دوّم ما است به شما عزیزان.

### زمین نگذاشتن پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری

توصیه‌ی سوّم این است که این پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید؛ همه‌ی این بحث‌ها و صحبتی که در این مدّت یک ساعت و نیم شما دوستان در این‌جا [بیان] کردید، مطالبه‌گری بود دیگر؛ مخاطب مطالبه‌گری هم گاهی خود این حقیر بودم، گاهی دستگاه دفتر ما بود، گاهی مجموعه‌های دیگر بودند؛ این بسیار چیز باارزشی است؛ این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید]. این‌ها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه می‌کنید عملی نباشد که واقع قضیّه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شد مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار می‌شود، معلوم می‌شود که همه‌ی آن چیزهایی که می‌خواستیم، یا نمی‌توانسته عملی بشود یا نمی‌توانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خودِ این آرمان‌خواهی باارزش است؛ برای این‌که اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم؛ این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم.

#### آرمان‌ها

این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدّن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدّن اسلامی است؛ این‌ها را از دست ندهید و این‌ها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید؛

#### ضرورت مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی

البتّه مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی باشد که حالا در این زمینه هم ممکن است مطالبی عرض کنم. دو نکته را در زمینه‌ی مطالبه‌گری من یادداشت کرده بودم که بگویم که به نظرم خوب است که توجّه بشود. نکته‌ی اوّل این است که مطالبه طبعاً با نوعی اعتراض همراه است. خب، بله مطالبه به معنای این است که یک نقصی وجود دارد و ما می‌خواهیم رفع آن نقص را مطالبه کنیم -طبعاً مطالبه این است- بنابراین با اعتراض همراه است؛ نگذارید این مطالبه‌ی شما و اعتراض شما اعتراض به نظام اسلامی تلقّی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است. گاهی اوقات ممکن است شما فرض کنید به مسئله‌ی بورس -مِن ‌باب مثال- اعتراض دارید یا مثلاً به مسئله‌ی پراید اعتراض دارید، اعتراض را ذکر می‌کنید؛ [امّا] دشمن از نحوه‌ی اعتراض شما اعتراض به نظام را تلقّی می‌کند یا القا می‌کند که این اعتراض به نظام بود؛ این را نگذارید؛ این را جدّاً مانع بشوید و نگذارید که دشمن چنین فرصتی پیدا کند که از مطالبه‌ی شما، از اعتراض شما یک چنین تلقّی‌ای به دست بیاورد یا چنین تلقّی‌ای را بتواند به مخاطب القا کند.

نکته‌ی دوّم این‌که پرچم مطالبه‌گری را اگر شما در دست داشته باشید، خوب است؛ [امّا] اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید، کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست؛ [بلکه] هدفشان معارضه و مبارزه‌ی با اسلام و با جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی است؛ این را نگذارید؛ یعنی این باید اتّفاق نیفتد. البتّه جریان چپ مارکسیستی که همیشه دنبال این مسائل بوده امروز در دنیا آبرویی ندارد؛ این جریان چپ مارکسیستی دچار فقر شدیدند؛ هم از لحاظ اندیشه‌ورزی -به قول خودشان، از لحاظ تئوری- واقعاً ضعیفند و حرف گفتنی‌ای ندارند، هم از لحاظ سیاسی؛ تمامیِ رؤسا و بزرگانشان رفتند تسلیم آمریکا شدند، تسلیم رژیم صهیونیستی شدند، تسلیم گروه‌های سلطنت‌طلب شدند؛ بنابراین، هم فقر معرفتی دارند، هم فقر سیاسی دارند، هم فقر میدانی دارند؛ یعنی آدم فعّالِ کارآمدِ از‌خود‌گذشته‌ای که در این زمینه‌ها وارد میدان بشود، ندارند؛ بنابراین این‌ها کاره‌ای نیستند، لکن به ‌هر حال همیشه کسانی هستند که از شعارهای خوب و شعارهای درست بخواهند سوء استفاده کنند؛ شما اگر چنانچه این شعارها را رها کنید ممکن است آن‌ها بگیرند؛ این هم یک نکته.

### انتقاد در کنار پیشنهاد و پرهیز از پرخاش و بدگویی

نکته‌ی چهارم، [اینکه] مطالبه‌گری فقط انتقاد نیست، مطالبه‌گری فقط اعتراض نیست، اگر چه در آن، اعتراض هم وجود دارد. انتقاد در کنار پیشنهاد؛ امروز البتّه پیشنهادهایی شد، خوب هم هست، بعضی از این پیشنهادها، پیشنهادهای قابل قبولی است، بعضی هم قابل بررسی است، لکن مجموعه‌ی جوانی که این سخن را می‌شنوند و در این عرصه‌ها فعّال هستند توجّه کنند این‌که ما صرفاً انتقاد کنیم، صرفاً اعتراض کنیم، این کار را پیش نمی‌برد، این مطلقاً فایده‌ی جدّی و ماندگاری ندارد؛ حالا ممکن است یک فواید کوچکی اوّل کار داشته باشد؛ آنچه فایده دارد عبارت است از پیشنهاد. ببینید در اسلام هم نهی از منکر با امر به معروف همراه است، نهی از منکر همان اعتراض است، امر به معروف یعنی پیشنهاد، ارائه‌ی راه حل، ارائه‌ی کاری که باید انجام بگیرد و می‌تواند انجام بگیرد؛ این‌ها با هم هستند؛ بنابراین مطالبه‌گری را حتماً با ارائه‌ی راه حل و دادن راه حل‌های خوب و قابل قبول همراه کنید. و ضمناً مطالبه‌گری را با پرخاش و بدگویی هم همراه نکنید؛ خواهش من این است. البتّه شما امروز خیلی خوب، محترمانه با بنده صحبت کردید، خیلی متشکّرم. من البتّه سابق‌ها، چه در دوران ریاست جمهوری چه حتّی قبل از ریاست جمهوری که دانشگاه می‌رفتم، گاهی اوقات با برخوردهای پرخاشگر هم مواجه می‌شدم و اهمّیّتی برایم نداشت، یعنی من با آن برخوردها هم می‌توانستم کنار بیایم و بالاخره در مصاف بین این حقیر که آن‌جا روی سکو نشسته‌ بودم و آن جمعی که انتقاد می‌کردند، آن که مغلوب می‌شد بنده نبودم.

#### مسدود نکردن فضای گفتگو

امروز هم که خب الحمدلله همه‌ی شما خیلی خوب صحبت کردید؛ لکن گاهی اوقات مسئولین می‌آیند در دانشگاه‌ها یا در مجامع دانشجویی و مجامع جوانی شرکت می‌کنند برای گفت ‌و شنود لکن تخریب می‌شوند. این‌که شما حالا اعتراض کردید که فلانی و فلانی و فلانی نیامدند در محیط دانشگاهی با این‌که دعوت شدند، بله، بنده هم مکرّر به مسئولین توصیه کرده‌ام که بروند با [دانشجویان در] دانشگاه‌ها صحبت کنند، توجیه کنند، حرف بزنند؛ عقیده‌ی من هم همین است منتها آن‌ها در جواب می‌گویند که وقتی ما می‌رویم، هدف این جوان‌هایی که آن‌جا جمع می‌شوند، فهمیدن مسائل و روشن شدن مسائل نیست، هدفشان تخریب کردن است؛ به خاطر همین نمی‌آیند. من خواهش می‌کنم که فضای گفتگو را مسدود نکنید؛ یعنی وقتی که بحث تخریب و اهانت و بدگویی و مانند این‌ها پیش آمد، طبعاً فضای گفتگو مسدود می‌شود؛ نگذارید که این جوری بشود. مستدل و با منطق صحبت بکنید. البتّه ممکن است بعضی از حرف‌ها تند باشد؛ اشکالی هم ندارد؛ حرف تند زدن منافات ندارد با این‌که در آن، پرخاش و اهانت و مانند این چیزها وجود نداشته باشد.

### اهمّیّت دادن به گفتمان‌سازی

نکته‌ی پنجم گفتمان‌سازی است که من در اوّل صحبت اشاره کردم؛ یکی از برکات این جلسه‌ای که امروز ما با شما داریم و جلساتی که با جوان‌ها داریم و داشتیم - لااقل سالی یک بار در این اواخر و قبل‌ها بیشتر -گفتمان‌سازی بود؛ یعنی همین که شما یک مطلبی را می‌گویید، پخش می‌شود، مجموعه‌ی جوانی و غیر جوانی آن را می‌شنوند، به‌تدریج ذهنیّت درست می‌کند. این ذهنیّت‌ها همان گفتمان است؛ یعنی یک به اصطلاح جهت‌گیریِ فکری مشخّصی در جامعه به وجود می‌آورد که این چیز باارزشی است. خواهش من این است که جریان‌های دانشجویی به گفتمان‌سازی اهمّیّت بدهند. مسائل نظام را استخراج کنید، فکر کنید، راه‌حل‌های سنجیده و قوی پیش‌بینی کنید، این‌ها را مطرح کنید.

#### لزوم کمکِ رسانه‌ی ملّی

البتّه رسانه‌ی ملّی باید کمک کند، بدون تردید رسانه‌ی ملّی باید کمک کند. حالا امروز یعنی در این دوره‌ی اخیر، رسانه‌ی ملّی بخش‌های جوان و شاداب و انقلابی هم دارد که خب دوستان آن‌ها را مورد توجّه قرار ندادند. بالاخره بایستی به این نظرات جوان‌ها و مطالبی که جوان‌ها فراهم می‌کنند، توجّه بشود و گفتمان‌سازی بشود در جامعه. وقتی گفتمان‌سازی شد، جلب اقبال عمومی به مجموعه‌های جوان و پیشرو حاصل خواهد شد؛ یعنی اقبال عمومی به وجود می‌آید، آن وقت اثر خودش را در انتخاب مدیریّت‌ها و امثال این‌ها به جا می‌گذارد.

### منظور از دولت جوان

من البتّه -همچنان که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرّر هم گفته‌ام- به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البتّه دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سرِ پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید -شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم- شصت و چند سال سنّش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر دَه سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخّص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه‌ی خوبی را می‌توانند انجام بدهند.

#### دولت جوان حزب‌اللهی؛ علاج مشکلات کشور

به ‌هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد.

### گسترش جبهه‌ی انقلاب و پرهیز از طرد افراد معتقد

نکته‌ی بعدی، توصیه‌ی بعدی که این‌جا یادداشت کرده‌ام و به نظرم [توصیه‌ی] ششم می‌شود، [اینکه] جبهه‌ی انقلاب را گسترش بدهید، یارگیری کنید؛ حذف نکنید؛ صِرف اختلاف سلیقه و اختلاف نظر درباره‌ی فلان مسئله موجب طرد نشود. بعضی هستند که به اسلام و انقلاب و نظام اسلامی و به خیلی از خصوصیّاتی که شما به آن اهمّیّت می‌دهید معتقدند، در فلان مسئله‌ی خاص با شما موافق نیستند؛ این نباید موجب بشود که شما او را طرد کنید، از دایره‌ی انقلابی‌گری خارج بدانید. هر چه می‌توانید جبهه‌ی انقلاب را گسترش بدهید، جذب کنید؛ البتّه منظورم جذب منافق نیست، جذب آدم بی‌اعتقاد نیست؛ جذب آدم معتقدی است که با شما اختلاف سلیقه دارد.

### صراحت و عدم مماشات در مقابل این افراد

نکته‌ی بعدی -که نکته‌ی هفتم است- این است که در نقطه‌ی مقابل این حالت طرد و رد، یک حالت دیگری هست که آن هم غلط است: بعضی‌ها هستند همه‌ی سعی‌شان این است که در مبانی انقلاب ایجاد تردید کنند و نشانه‌های پیشرفت کشور را انکار کنند؛ با این‌ها با قوّت و با صراحت حرف بزنید، یعنی مرزتان را با این‌ها مشخّص کنید. من هیچ توصیه نمی‌کنم با کسی که مبانی انقلاب را قبول ندارد و ایجاد تردید در این مبانی می‌کند و دشمن را تزئین می‌کند و راه غلط را در مقابل پای ما می‌گذارد، با مماشات رفتار کنیم؛ نخیر، آن‌جا با صراحت رفتار کنید، با قوّت رفتار کنید. و این [هم] که تردید ایجاد کنند، این ستون فقرات کار فرهنگی دشمن است؛ این، آن لُبّ جنگ نرم دشمن است که ایجاد تردید کنند. اگر کسی هم در مجموعه‌ی کشور، داخل کشور همین کار دشمن را انجام می‌دهد، طبعاً باید در مقابل او ایستاد. بالاخره کسانی به دشمن کمک می‌کنند؛ یعنی تزئین می‌کنند دشمن را.

#### نفرت ملّت‌ها و حتّی دولت‌ها از آمریکا

من می‌خواهم این را عرض بکنم که آمریکا علی‌رغم هزینه‌ی سنگینی که در طول سال‌های متمادی انجام داده برای این‌که از کشور آمریکا یک موجود جذّاب برای همه‌ی دنیا به وجود بیاورد، امروز جامعه‌ی آمریکایی نه فقط جذّابیّت ندارد، بلکه کشور آمریکا، جامعه‌ی آمریکایی و نظام آمریکایی به یک معنا یک موجود منفور در بخش مهمّی از دنیا شده؛ این واقعیّتی است. این‌که پرچم آمریکا را در خیلی از کشورها آتش می‌زنند حتّی در خود آمریکا -چندی پیش گزارش روشنی وجود داشت که پرچم آمریکا را یک عدّه‌ای در خود آمریکا آتش زدند- [نشان می‌دهد که] ملّت‌ها متنفّرند؛ حتّی رؤسای همین دولت‌هایی که با آمریکا همراهی می‌کنند در بسیاری از مسائل، آن وقتی که به حرف می‌آیند و حرف دل خودشان را بیان می‌کنند، آدم می‌بیند که نسبت به مجموعه‌ی دولتمردان آمریکا و حکومت آمریکا حالت نفرت و حالت بی‌اعتمادی و بی‌اعتنائی دارند.

##### علّت این منفور بودن

البتّه این منفور بودن و مطرود بودن در این سال‌های اخیر، یک مقدارش به برکت وجود این آقایانی است که آن‌جا سرِ کار هستند، یک مقدار مربوط به این‌ها است، [یعنی] این آقایان محترمی که در رأس کشورند؛ آن از رئیس جمهورشان که [درباره‌اش] گفتند: «دکتر ترامپ»! یک برنامه‌ای جوان‌های طنّاز ما اجرا می‌کردند [به نام] «دکتر سلام»؛ آدم به یاد آن می‌افتد. آن از وزیر خارجه‌ی بسیار کم‌مایه و مهمل‌گو و پُر حرف که دائماً همین‌ طور این‌جا و آن‌جا حرف‌های بی‌حساب و بی‌کتاب و بی‌ربط و و حرف‌های بی‌منطق و مهمل [می‌زند]؛ این‌ها البتّه تأثیر دارد؛ وجود این حضرات در نفرت ملّت‌ها و حتّی مسئولان کشورها از آمریکا تأثیر دارد، لکن فقط این نیست؛ عملکرد بلندمدّت آمریکا، جنگ‌افروزی آمریکا، عملکرد آمریکا در بسیاری از کشورها، در افغانستان، در عراق، در سوریه، [هم تأثیر دارد.] صریحاً اعلام می‌کنند که ما در سوریه در فلان جا نیرو پیاده می‌کنیم برای این‌که نفت در آن‌جا وجود دارد؛ یعنی با صراحت این را اعلام می‌کنند؛ وقاحت تا این حد. البتّه آمریکایی‌ها نه در سوریه و نه در عراق ماندنی نیستند و باید خارج بشوند و قطعاً خارج خواهند شد، در این تردیدی نیست، یعنی اخراج خواهند شد لکن خب رفتارشان این [طور] است؛ برادرکشی، جنگ‌افروزی، کمک به دولت‌های مستبد و بدنام، دولت‌هایی که به معنای واقعی کلمه در دنیا بدنامند، جنایت‌هایی که کردند، جنگ‌افروزی‌هایی که کردند، تروریسم‌پروری‌هایی که کردند، حمایت بی‌دریغی که از ظلم روزافزون رژیم صهیونیستی انجام دادند و بی‌عدالتی‌ها و اخیراً هم مدیریّت افتضاحشان در قضیّه‌ی کرونا، چیزهایی است که موجب نفرت از آمریکا است؛ حالا همین آمریکا را بعضی‌ها سعی می‌کنند که در نظرها جلوه‌ بدهند.

### مسئله‌ی علم و علّت تأکید روی آن

نکته‌ی بعدی که نکته‌ی هشتم است، مسئله‌ی پیشرفت علمی است. مسئله‌ی پیشرفت علمی را که بنده سال‌ها است روی آن تکیه می‌کنم، همچنان مورد تکیه است. باز هم عرض می‌کنم: العِلمُ سُلطان،[[70]](#footnote-70) علم اقتدار است، علم قدرت است و باید دنبال علم بود. محیط‌های دانشگاهی، محیط‌های تحقیقاتی و پژوهشی حتماً بایستی به مسئله‌ی علم توجّه کنند. ضمناً توجّه بکنید، این‌که من تأکید می‌کنم روی مسئله‌ی علم، [برای این است که] علم برای پیشرفت کشور است، علم برای گشایش افق آینده است، علم برای همان چیزی است که من سال‌ها پیش گفتم که پنجاه سال بعد باید ما به جایی برسیم که هر کسی خواست از تازه‌های علمی دنیا بهره ببرد، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ علم با این نیّت، با این هدف. آن کسانی هم که در دنیا علم را پیش بردند، کسانی هستند که با این‌ جور هدف‌ها وارد شدند، وَالّا [اینکه] دنبال کار علمی باشیم برای سود شخصیِ نقد کوتاه‌مدّت خودمان، نه، این ارزش زیادی ندارد؛ عمده نگاه کردن به علم با آن نگاه افق‌گشای این ‌جوری است.

### اهمّیّت دادن به مسئله‌ی حجاب و حیای اسلامی در دانشگاه‌ها

توصیه‌ی نهم، مسئله‌ی حجاب و حیای اسلامی است در دانشگاه‌ها که من نسبت به این مسئله دغدغه دارم و من خواهش می‌کنم که هم مسئولان دانشگاه‌ها و رؤسای دانشگاه‌ها، هم مدیران وزارت‌های مربوط به دانشگاه‌ها، هم خود دانشجوها -به‌خصوص دخترخانم‌ها- به مسئله‌ی حجاب، به مسئله‌ی فاصله‌گذاری بین زن و مرد که در اسلام وجود دارد توجّه کنند، به آن اهمّیّت بدهند، موازین شرعی را در دانشگاه رعایت کنند.

### عدم کمک به سربازگیری دشمن از جامعه‌ی جوان کشور

آخرین نکته این است که هم خود جوانان و هم کسانی که با مسائل جوانان و سازمان‌های مرتبط با آن‌ها سر و کار دارند باید بدانند همچنان که ما به مسئله‌ی جوان اهمّیّت می‌دهیم برای آینده‌ی کشور و پیشرفت کشور، دشمن ما هم برای تخریب کشور و برای به زانو در آوردن انقلاب، به مسئله‌ی جوان اهمّیّت می‌دهد، او هم نقش جوان را می‌داند. همه به این توجّه داشته باشند که آن‌ها هم روی جوان ما کار می‌کنند، آن‌ها هم سعی می‌کنند که از جوان ما سوء استفاده کنند، آن‌ها هم همه این را دنبال می‌کنند و برای این برنامه‌ریزی می‌کنند؛ یک جاهایی به عواملی در داخل کشور احتیاج دارند، روی جوان داخل کشور کار می‌کنند؛ یک جاهایی به عنصر تبلیغاتی و تحلیل‌گر و عنصر سیاسی و مانند این‌ها احتیاج دارند، روی او کار می‌کنند؛ یک جاهایی هم به این احتیاج دارند که یک جوانی را وادار کنند که مثلاً پشت به کشور بکند و برود که دیده‌ایم اتّفاق می‌افتد؛ هنرپیشه، ورزشکار، طلبه‌ی نیمه‌سواد، دانشجو را به یک نحوی با سر و صدا وادار می‌کنند که از کشور خارج بشوند؛ از این قبیل کارها از طرف دشمن روی جوان‌ها دارد انجام می‌گیرد. همه به این توجّه داشته باشند و مراقب باشند که به سربازگیری دشمن از جامعه‌ی جوان کشور کمک نشود.

## دعا

امیدوارم که خدای متعال به همه‌ی شماها لطف و تفضّل کند. بنده برای جوان‌ها به طور مرتّب، بدون تعطیل، یعنی هر شبانه‌روزی لااقل، یک مرتبه دعا می‌کنم؛ برای شما جوان‌ها و برای همه‌ی جوان‌های کشور دعا می‌کنم که خداوند کمکشان کند، خدا هدایتشان کند، خدا سعادتمند‌شان کند، خدا مشکلاتشان را برطرف کند؛ مشکلات شغل، مشکلات ازدواج، مشکلات گوناگونی که دارند برطرف کند. باز هم دعا خواهم کرد ان‌شاءالله؛ و امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند این دعاها را مستجاب کند و مستجاب هم می‌کند. مطمئنّاً وضع جامعه‌ی جوان ما فردا از امروز بهتر خواهد بود به توفیق الهی و به‌ برکت تفضّلات حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه). توسّل به این بزرگوار را هم همیشه در یاد داشته باشید و از این بزرگوار هم کمک و شفاعت و دعا بخواهید، و ان‌شاءالله خدای متعال دل آن بزرگوار را به شما، به ما، به همه‌ی ملّت‌های مسلمان و ملّت عزیز ما مهربان کند و مهربان نگاه بدارد و ما را لایق این مهربانی قرار بدهد و به روح مطهّر امام بزرگوارمان و به روح شهدای عزیزمان درود می‌فرستیم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن‌ها مسئلت می‌کنیم. (انگشترهایی هم که آقایان فرمودند و آن خانم اشاره کردند، همچنین چفیه و قرآن و مانند این‌ها را که گفتند، ان‌شاءالله همه را تقدیم خواهم کرد.)

والسّلام علیکم و‌ رحمةالله و برکاته

# \*\*\*خرداد 99

# سخنان تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس 2/3/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و صلّی الله علی محمّد و آله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

## دعا و تبریک

به همه‌ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان درود می‌فرستم و قبولی طاعات آنان در ماه مبارک رمضان را از خداوند مسئلت می‌کنم و پیشاپیش فرا رسیدن عید سعید فطر را به آنان تبریک می‌گویم و پروردگار کریم را بر نعمت حضور در این ماه ضیافت الهی، سپاس می‌گویم.‍‍

## اهمّیّت روز قدس در جلوگیری از فراموشی مسئله‌ی فلسطین

امروز روز قدس است؛ روزی که با ابتکار هوشمندانه‌ی امام خمینی (رضوان الله علیه) همچون حلقه‌ی وصلی برای هم‌صداییِ مسلمانان درباره‌ی قدس شریف و فلسطین مظلوم تعیین شد؛ و در این چند دهه، در این ‌باره نقش‌آفرینی کرد و از این پس نیز خواهد کرد؛ ان‌شاءالله. ملّت‌ها از روز قدس استقبال کردند و آن را همچون نخستین کار واجب، یعنی برافراشته نگهداشتن پرچم آزادی فلسطین گرامی داشتند. سیاست عمده‌ی استکبار و صهیونیسم، کمرنگ کردن مسئله‌ی فلسطین در ذهنیّت جوامع مسلمان و به سَمت فراموشی راندن آن است. و فوری‌ترین وظیفه، مبارزه با این خیانتی است که به دست مزدوران سیاسی و فرهنگی دشمن در خودِ کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد. و حقیقت آن است که مسئله‌ای به عظمت مسئله‌ی فلسطین چیزی نیست که غیرت و اعتماد به نفْس و هوشمندی روزافزون ملّت‌های مسلمان، اجازه‌ی فراموش شدن آن را بدهد؛ هر چند آمریکا و دیگر سلطه‌گران و پادوهای منطقه‌ای آنان همه‌ی پول و توان خود را برای آن به کار گیرند.

## یادآوری بزرگیِ فاجعه‌ی غصب کشور فلسطین و تشکیل غدّه‌ی سرطانی صهیونیستی

اوّلین سخن، یادآوری بزرگیِ فاجعه‌ی غصب کشور فلسطین و تشکیل غدّه‌ی سرطانی صهیونیستی در آن است. در میان جنایات بشری دوران‌های نزدیک به زمان حاضر، هیچ جنایتی در این حجم و با این شدّت وجود ندارد. غصب یک کشور و بیرون کردن مردم برای همیشه از خانه و کاشانه و سرزمین اجدادی خود، آن هم با فجیع‌ترین انواع قتل و جنایت و هلاکِ حَرث و نسل و ده‌ها سال تداوم این ستم تاریخی، حقیقتاً یک رکورد جدید از سَبُعیّت و شیطان‌صفتی بشر است.

### عامل و مجرم اصلی این فاجعه و علّت آن

عامل و مجرم اصلی این فاجعه، دولت‌های غربی و سیاست‌های شیطانی آن‌ها بود. آن روزی که دولت‌های فاتح جنگ اوّل جهانی، منطقه‌ی غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیایی حکومت عثمانی را به عنوان مهم‌ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم می‌کردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطه‌ی دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سال‌ها پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیّای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم می‌شد. از همان سال‌ها مقدّمات را به‌تدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری‌ دولت‌های منطقه، ضربه‌ی خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّتِ صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجه‌ی اوّل ملّت فلسطین و در درجه‌ی بعد همه‌ی ملّت‌های این منطقه بودند.

نگاه به حوادث بعدی منطقه‌ نشان می‌دهد که هدف اصلی و نزدیک غربی‌ها و کمپانی‌داران یهودی از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه حضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا و امکان دسترسی نزدیک برای دخالت و تحمیل و تسلّط بر کشورها و دولت‌های این منطقه بود. از این رو رژیم جعلی و غاصب را به انواع امکانات قدرت‌آفرین -چه نظامی و چه غیر نظامی- حتّی تسلیحات اتمی مجهّز کردند و رشد این غدّه‌ی سرطانی را در پهنه‌ی نیل تا فرات در برنامه‌های خود گنجاندند.

## برخورد دولت‌های عرب و گروه‌های مبارز

متأسّفانه اغلب دولت‌های عرب پس از مقاومت‌های نخستین که برخی از آن‌ها تحسین‌برانگیز بود، به‌تدریج تسلیم شدند و به‌خصوص پس از ورود ایالات متحدّه‌ی آمریکا به عنوان متولّی مسئله، هم وظیفه‌ی انسانی و اسلامی و سیاسی، و هم غیرت و نخوت عربی خود را به فراموشی سپرده و با امیدهای واهی به هدف‌های دشمن کمک کردند. «کمپ دیوید» مثال روشنی از این حقیقت تلخ است.

گروه‌های مبارز نیز پس از برخی مجاهدت‌های فداکارانه در سال‌های نخست، به‌تدریج به راه بی‌فرجام مذاکره با اشغالگر و حامیانش کشانده شدند و خطّ سیری را که می‌توانست به تحقّق آرمان فلسطین منتهی شود، رها کردند. مذاکره با آمریکا و دیگر دولت‌های غربی و نیز با مجامع بی‌خاصیّت بین‌المللی، تجربه‌ی تلخ و ناموفّق فلسطین است. نشان دادن شاخه‌ی زیتون در مجمع عمومی سازمان ملل، نتیجه‌ای جز قرارداد خسارت‌بار «اُسلو» نداشت و سرانجام هم به سرنوشت عبرت‌انگیز یاسر عرفات منتهی شد.

## طلوع انقلاب اسلامی در ایران

طلوع انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی در مبارزه‌ی برای فلسطین گشود. از اوّلین قدم‌ها یعنی بیرون راندن عناصر صهیونیست که ایرانِ دورانِ طاغوت را یکی از پایگاه‌های امن خود میشمردند و سپردن محلّ سفارت غیر رسمی رژیم صهیونیست به نمایندگی فلسطین و قطع جریان نفت، تا کارهای بزرگ و فعالیّت‌های گسترده‌ی سیاسی، همه موجب پدید آمدن «جبهه‌ی مقاومت» در کلّ منطقه شد و امید به حلّ مسئله در دل‌ها شکفت.

## ظهور جبهه‌ی مقاومت

با ظهور جبهه‌ی مقاومت، کار بر رژیم صهیونیستی سخت و سخت‌تر شد -و البتّه در آینده بسی سخت‌تر هم خواهد شد ان‌شاءالله- ولی تلاش حامیان آن رژیم و در رأس آنان آمریکا در دفاع از آن هم به‌شدّت افزایش یافت. پیدایش نیروی مؤمن و جوان و فداکار حزب‌الله در لبنان و تشکیل گروه‌های پُرانگیزه‌ی حماس و جهاد اسلامی در درون مرزهای فلسطین نه تنها سردمداران صهیونیست بلکه آمریکا و دیگر ستیزه‌گران غربی را هم مضطرب و سراسیمه کرد و یارگیری از درون منطقه و از درون جامعه‌ی عربی را در صدر برنامه‌های آنان پس از پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از رژیم غاصب قرار داد. نتیجه‌ی کار پُرحجم آنان، امروز در رفتار و گفتار بعضی سردمداران دولت‌های عربی و برخی فعّالان خائن سیاسی و فرهنگی عرب، آشکار و جلویِ چشم همه است.

## وضعیت دو جبهه

امروز از هر دو سو، فعالیّت‌های متنوّعی در صحنه‌ی مبارزه ظهور می‌کند، با این تفاوت که جبهه‌ی مقاومت رو به اقتدار و امیدِ فزاینده و جذب روزافزون عناصر قدرت پیش می‌رود و به‌عکس، جبهه‌ی ظلم و کفر و استکبار روز به روز تهی‌تر و مأیوس‌تر و کم‌توان‌تر می‌شود. نشانه‌ی روشن این مدّعا آن است که ارتش صهیونیست که یک روز ارتشی شکست‌ناپذیر و برق‌آسا شمرده می‌شد و ارتش‌های بزرگ دو کشور مهاجم را در ظرف چند روز متوقّف می‌کرد، امروز در برابر نیروهای مبارز مردمی در لبنان و غزّه مجبور به عقب‌نشینی و اعتراف به شکست می‌شود.

## عرصه‌ی مبارزه، نیازمند مراقبت دائمی

با این حال عرصه‌ی مبارزه به‌شدّت خطیر و تغییرپذیر و نیازمند مراقبت دائمی است و موضوع این مبارزه، بسی مهم و سرنوشت‌ساز و حیاتی است. هر گونه غفلت و سهل‌اندیشی و خطا در محاسبات اساسی، زیان‌هایی سنگین وارد خواهد کرد.

## چند توصیه

بر این اساس به همه‌ی کسانی که دل در گرو مسئله‌ی فلسطین دارند چند توصیه می‌کنم:

### جهاد فی سبیل الله و فریضه‌ای که پیروزی آن تضمین شده

1) مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی سبیل الله و فریضه و مطلوب اسلامی است. پیروزی در چنین مبارزه‌ای تضمین شده است، زیرا فرد مبارز حتّی در صورت کشته شدن هم به اِحدی الحُسنیین دست یافته است. به‌جز این، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی است، بیرون کردن میلیون‌ها انسان از خانه و مزرعه و محلّ زندگی و کسب خود، آن هم با قتل و جنایت، هر وجدان انسانی را آزرده و متأثّر می‌کند و در صورت داشتن همّت و شجاعت به مقابله وادار می‌سازد. پس محدود کردن آن به یک مسئله‌ی صرفاً فلسطینی و حدّاکثر عربی، خطایی فاحش است. آن‌ها که سازش چند عنصر فلسطینی یا حکّام چند کشور عربی را مجوّز عبور از این مسئله‌ی اسلامی و انسانی می‌شمرند، به‌شدّت دچار خطا در فهم مسئله و احیاناً دچار خیانت در تحریف آنند.

### آزادی همه‌ی سرزمین فلسطین؛ هدف این مبارزه

2) هدف این مبارزه، آزادی همه‌ی سرزمین فلسطین -از بحر تا نهر- و بازگشت همه‌ی فلسطینیان به کشور خویش است. فروکاستن آن به تشکیل دولتی در گوشه‌ای از این سرزمین، آن هم به شیوه‌ی تحقیرآمیزی که در ادبیّات صهیونیست‌های بی‌ادب از آن یاد می‌شود، نه نشانه‌ی حق‌جویی است و نه نشانه‌ی واقع‌بینی است. واقع آن است که امروز میلیون‌ها فلسطینی به مرتبه‌ای از اندیشه و تجربه و اعتماد به نفْس رسیده‌اند که بتوانند این جهاد بزرگ را وجهه‌ی همّت سازند و البتّه به نصرت الهی و پیروزی نهایی مطمئن باشند، که فرمود: وَ لَیَنصُرَنَّ‌ اللهُ مَن یَنصُرُه، اِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزیزٌ؛[[71]](#footnote-71) بی‌شک بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان آن‌ها را یاری و با آنان همدردی خواهند کرد ان‌شاءالله.

### پرهیز از اعتماد به دولت‌های غربی و مجامع جهانیِ وابسته‌ی به آن‌ها

۳) هر چند بهره‌ گرفتن از هر امکان حلال و مشروع در این مبارزه مُجاز است و از جمله حمایت‌های جهانی، ولی مؤکّداً باید از اعتماد به دولت‌های غربی و نیز مجامع جهانیِ ظاهراً یا باطناً وابسته‌ی به آن‌ها پرهیز کرد. آن‌ها با هر موجودیّت اثرگذار اسلامی دشمنند؛ آن‌ها به حقوق انسان‌ها و ملّت‌ها بی‌اعتنایند؛ آن‌ها خود عاملِ بیشترین خسارت‌ها و جنایت‌ها به امّت اسلامی‌اند؛ هم اکنون کدام نهاد جهانی یا کدام قدرت جنایت‌کار پاسخگوی ترورها، قتل‌عام‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، بمباران‌ها، و قحطی‌های مصنوعی در چندین کشور اسلامی و عربی است؟

#### مسئول این همه خون کیست؟

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، امّا هیچ کس نپرسیده و نمی‌پرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهایی که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده‌اند کیست؟ مسئول این همه خون به‌ناحق ریخته در افغانستان، یمن، لیبی، عراق، سوریه و دیگر کشورها کیست؟ مسئول این همه جنایت و غصب و تخریب و ظلم در فلسطین کیست؟ چرا هیچ کس این میلیون‌ها کودک و زن و مردِ مظلوم در جهان اسلام را شمارش نکرد؟ چرا کسی قتل‌عام شدن مسلمانان را تسلیت نمی‌گوید؟ چرا میلیون‌ها فلسطینی باید هفتاد سال از خانه و کاشانه‌ی خود دور بوده و در تبعید به سر برند؟ و چرا قدس شریف -قبله‌ی اوّل مسلمانان- باید مورد اهانت قرار گیرد؟ سازمان به اصطلاح ملل به وظیفه‌ی خود عمل نمی‌کند و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری مُرده‌اند. شعار «دفاع از حقوق کودک و زن» شامل کودکان و زنان مظلوم یمن و فلسطین نمی‌شود. این ‌چنین است وضع قدرت‌های ظالم غربی و مجامع وابسته‌ی جهانی؛ وضع برخی دولت‌های دنباله‌رو آنان در منطقه هم در بی‌آبرویی و رسوایی بدتر از آن است که به بیان آید. پس جامعه‌ی مُسلمِ غیور و دیندار باید به خود و نیروی درونی‌اش تکیه کند؛ دست قدرتمند خود را از آستین بیرون آوَرَد و با توکّل و اعتماد به خداوند از موانع عبور کند.

### توجه به سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت

۴) نکته‌ی مهمّی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت است. راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در سوریه، و محاصره‌ی نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تخریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه، همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه‌ی مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند.

راه جلوگیری از اجرای این سیاست خباثت‌آمیز، عمدتاً خواست و مطالبه‌ی جدّی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است. جوانان در همه‌ی کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای عربی، نباید توصیه‌ی امام خمینی عظیم را از نظر دور بدارند که فرمود: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا -و نیز البتّه دشمنِ صهیونیست- بکشید.

### عقیم بودن سیاست عادّی‌سازی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه

۵) سیاست عادّی‌سازی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه یکی از عمده‌ترین سیاست‌های ایالات متّحده‌ی آمریکا است. برخی دولت‌های عربی منطقه که نقش پادوی آمریکا را ایفا می‌کنند، در این ‌باره به تهیّه‌ی مقدّمات لازم آن، از قبیل ارتباطات اقتصادی و امثال آن پرداخته‌اند؛ این تلاش‌ها یکسره عقیم و بی‌نتیجه است. رژیم صهیونیستی زائده‌ای مهلک و زیان‌بخش برای این منطقه است و به‌یقین ریشه‌کن و ازاله خواهد شد، و بی‌آبرویی و سیه‌رویی برای کسانی خواهد ماند که امکانات خود را در خدمت این سیاست استکباری نهاده‌اند. برخی برای توجیه این رفتار زشت، استدلال می‌کنند که رژیم صهیونیستی واقعیّتی در منطقه است، بی‌آنکه به یاد آورند که با واقعیّت‌های مهلک و زیان‌بخش باید مبارزه کرد و آن را ازاله کرد. امروز کرونا یک واقعیّت است و همه‌ی انسان‌های باشعور، مبارزه با آن را واجب می‌دانند. ویروس دیرپای صهیونیسم، بی‌گمان از این پس دیری نمی‌پاید و به همّت و ایمان و غیرت جوانان از این منطقه ریشه‌کن خواهد شد.

### تداوم مبارزه و سامان بخشیدن به سازمان‌های جهادی و همکاری آنان با یکدیگر

۶) اصلی‌ترین توصیه‌ی اینجانب، توصیه به تداوم مبارزه و سامان بخشیدن به سازمان‌های جهادی و همکاری آنان با یکدیگر و گسترش عرصه‌ی جهاد در همه‌ی سرزمین‌های فلسطینی است. همه باید ملّت فلسطین را در این جهاد مقدّس یاری کنند. همه باید دست مبارز فلسطینی را پُر، و پشت او را محکم کنند. ما با افتخار، هر چه در توان داشته باشیم در این راه انجام خواهیم داد. یک روز تشخیص ما این شد که مبارز فلسطینی، دین و غیرت و شجاعت دارد و تنها مشکل او دستِ تهی از سلاح او است. به هدایت و مدد الهی برنامه‌ریزی کردیم و نتیجه این است که موازنه‌ی قدرت در فلسطین دگرگون شد و امروز غزّه می‌تواند در برابر تهاجم نظامی دشمن صهیونیست بایستد و بر آن پیروز شود. این تغییر معادله در بخش موسوم به سرزمین‌های اشغالی خواهد توانست قضیّه‌ی فلسطین را به گام‌های نهایی نزدیک کند. تشکیلات خودگردان در این امر، تکلیفی بزرگ برعهده دارد. با دشمن وحشی جز با اقتدار و از موضع قدرت نمی‌توان سخن گفت، و زمینه‌ی این اقتدار بحمدالله در ملّت شجاع و مقاوم فلسطین آماده است. جوانان فلسطینی امروز تشنه‌ی دفاع از کرامت خویشند. حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب‌الله در لبنان، حجّت را بر همه تمام کرده‌اند. دنیا فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که ارتش صهیونیست، مرزهای لبنان را شکست و تا بیروت پیش آمد و آن روزی را که قاتل جنایت‌کاری به نام آریل شارون در صبرا و شتیلا حمّام خون به راه انداخت، و نیز فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که همین ارتش در زیر ضربات کوبنده‌ی حزب‌الله چاره‌ای جز این نیافت که با دادن تلفات فراوان و با اعتراف به شکست، از مرزهای لبنان عقب‌نشینی کند و برای آتش‌بس به التماس بیفتد؛ دست پُر و موضع قدرت یعنی این. حال بگذار فلان دولت اروپایی که باید به خاطر فروش موادّ شیمیایی به رژیم صدّام تا ابد شرمسار باشد، حزب‌اللهِ مجاهدِ سرافراز را غیر قانونی بداند. غیر قانونی، رژیمی مثل آمریکا است که داعش را تولید می‌کند و رژیمی مثل آن دولتِ اروپایی است که هزاران نفر در بانه‌ی ایران و حلبچه‌ی عراق بر اثر موادّ شیمیایی‌اش به کام مرگ می‌روند.

### طرح همه‌پرسی از همه‌ی ادیان و اقوام فلسطینی

۷) سخن آخر آن است که فلسطین متعلّق به فلسطینیان است، و باید با اراده‌ی آنان اداره شود. طرح همه‌پرسی از همه‌ی ادیان و اقوام فلسطینی -که از نزدیک به دو دهه‌ی پیش از این ارائه کرده‌ایم- تنها نتیجه‌ای است که باید بر چالش‌های امروز و فردای فلسطین مترتّب شود. این طرح نشان می‌دهد که ادّعای یهودی‌ستیزی که غربیان با بوق‌های خود آن را تکرار می‌کنند، به‌کلّی بی‌اساس است. در این طرح، فلسطینیانِ یهودی و مسیحی و مسلمان، در کنار هم در یک همه‌پرسی شرکت و نظام سیاسی کشور فلسطین را تعیین می‌کنند؛ آنچه قطعاً باید برود نظام صهیونیستی است و صهیونیسم، خود بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است.

## یاد شهدا

در پایان، یاد شهیدان قدس، از شیخ احمد یاسین و فتحی شقاقی و سیّد عبّاس موسوی، تا سردار بزرگ اسلام و چهره‌ی فراموش نشدنی مقاومت، شهید قاسم سلیمانی و مجاهد بزرگ عراقی، شهید ابومهدی المهندس و دیگر شهدای قدس را گرامی میدارم و به روح امام خمینی عظیم‌الشّأن که راه عزّت و جهاد را به روی ما گشود، درود می‌فرستم، و نیز برای برادر مجاهد، مرحوم حسین شیخ‌الاسلام که سالیانی در این راه تلاش کرد، رحمت الهی را مسئلت می‌کنم.

### حمد و قل‌هوالله برای شادی روح قاسم سلیمانی عزیز

در پایان به همه‌ی بینندگان عزیز و شنوندگان عزیز عرض می‌کنم، روز قدس امسال اوّلین [روز] قدسی است که در آن قاسم سلیمانی عزیز ما حضور ندارد؛ برای شادی روح او، همه یک حمد و یک قل‌هوالله بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحمانِ الرَّحِیمِ ﴿۱﴾ اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِینَ ﴿۲﴾ الرَّحمانِ الرَّحِیمِ ﴿۳﴾ مَالِکِ یَومِ الدِّینِ ﴿۴﴾ إِیَّاکَ نَعبُدُ وَ إِیَّاکَ نَستَعِینُ ﴿۵﴾ اِهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ ﴿۶﴾ صِرَاطَ الَّذِینَ أَنعَمتَ عَلَیهِمْ غَیرِ الْمَغضُوبِ عَلَیهِمْ وَلَا الضَّالِّینَ ﴿۷﴾ بِسْمِ اللّهِ الرَّحمانِ الرَّحِیمِ قُل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ ﴿۳﴾ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

**پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی 7/3/1399**

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم  
والحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین

امروز به هدایت و توفیق الهی یازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی آغاز می‌شود و پیشانیِ باشکوه و درخشان مردم‌سالاری اسلامی بار دیگر در برابر چشم جهانیان رخ می‌نماید.

خداوند حکیم و قدیر را بر کمک به ملّت ایران در حرکت بی‌وقفه‌ی تشکیل مجلس قانونگذاری سپاس می‌گویم و از همّت و انگیزه‌ی ملّت عزیز تشکّر می‌کنم و به منتخبان ملّت که توانسته‌اند امید و اعتماد رأی‌دهندگان را جلب کنند تبریک می‌گویم.

## شأن و تکلیف حیاتی مجلس

امام راحل عظیم‌الشّأن، مجلس را در رأس امور دانستند؛ این را می‌توان جامع‌ترین تعبیری دانست که شأن مجلس و نیز وظیفه‌ی آن را در یک جمله‌ی کوتاه اعلام می‌کند. اگر قانون را راه و مسیر کشور به سمت قلّه‌ها و مقصدهایی بدانیم که در قانون اساسی معیّن شده است، مجلس، متعهّد این ریل‌گذاری و رهگشاییِ حیاتی است. همه‌ی دستگاه‌های حکومتی و مردمی و همه‌ی آحاد، وظیفه دارند از این مسیر حرکت کنند.

ضمانت اجرای این وظیفه نیز -علاوه بر قوه‌ی قضائیه که مسئولیتش تضمین اجرای قانون است- در خود مجلس پیش‌بینی شده است که حقّ تحقیق و تفحّص، حقّ ردّ و قبول مدیران ارشد قوّه‌ی مجریّه، حقّ تذکّر و سؤال و استیضاح، از آن جمله است. پس اگر قانون، درست و بسنده و قابل اجرا باشد و از ضمانت‌های اجرای آن به‌درستی استفاده شود، کشور به هدف‌های والای خود دست می‌یابد. این است شأن والای مجلس و این است تکلیف حیاتی و مهمّ آن.

## وقتی که مجلس به معنی حقیقی در رأس امور کشور خواهد بود

آن که می‌تواند مجلس را در این جایگاه شایسته بنشاند، شما نمایندگان محترمید. آنگاه که نمایندگان مجلس با شناخت درست از شرایط و اولویّت‌های کشور، و با کارشناسی، و با حضور فعّال و منظّم، و با پاک‌دستی و امانت‌داری، وظیفه‌ی قانونگذاری و دیگر وظایف خود را انجام دهند، مجلس، نقطه‌ی امید مردم و نقطه‌ی اتّکاء مجریان، و به معنی حقیقی، در رأس امور کشور خواهد بود و چنین مجلسی در رساندن کشور به هدف‌های والا، سهم بسزا خواهد داشت.

### آفت عمده

آفت عمده، سرگرم شدن نماینده به حواشی زیان‌بار، یا وارد کردن انگیزه‌های ناسالم شخصی و جناحی، یا سهل‌انگاری در کار، یا دسته‌بندی‌های احیاناً ناسالم قومی و منطقه‌ای و قبیله‌ای و امثال آن است.

## به‌دست نیاوردن نمره‌ی مطلوب در باب عدالت

در حال حاضر، اقتصاد و فرهنگ در صدر فهرست اولویّت‌های کشور است. در باب اقتصاد، علاوه بر مشکلات عمده‌ی مشهود، باید اذعان کنیم که در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، نمره‌ی مطلوبی درباب عدالت به ‌دست نیاورده‌ایم. این واقعیّتِ ناخواسته باید همه را به تلاش فکری و عملی در باب معیشت طبقات ضعیف، به مثابه‌ی اولویت، وادار سازد.

## لزوم اصلاح خطوط اصلی اقتصاد ملّی

توصیه‌ی صاحب‌نظران به ما می‌گوید که راه درست برای این مقصود اصلاح خطوط اصلی اقتصاد ملّی یعنی: اشتغال، تولید، ارزش پول ملی، تورم، اسراف و امثال آن است.

سیاست‌های کلّی اقتصاد مقاومتی در این زمینه، راهنمای معتبری است. توجّه به تنظیم برنامه‌ی هفتم که در شمار وظایف نزدیک مجلس یازدهم است و نیز توجّه به کاهش نقش تعیین‌کننده‌ی نفت خام در منابع مالی دولت که خود فرصت مغتنمی برای ترسیم خطّ اقتصادی کشور است، توصیه‌ی دیگر اینجانب به شما عزیزان است.

## نکاتی در مورد وظیفه‌ی نظارتی

در اقدام به وظیفه‌ی نظارتی، تأکید اینجانب بر رعایت تقوا و انصاف و اجتناب از حبّ و بغض‌های شخصی و جناحی است. نه حقّی از مدیر و مجری خدوم و زحمت‌کش ضایع شود و نه اغماض و اهمالِ بی‌مورد صورت گیرد.

## چند توصیه

همکاری نمایندگان با یکدیگر، درهم‌تنیدگی تجربه‌ی مجرّبان با شور و حرارت جوانان و تازه‌واردان، مسابقه در عمل پاکیزه و نیکو و عدم مسابقه در احراز این یا آن جایگاه، موضع‌گیری‌های انقلابی در حوادث مهمّ جهانی و داخلی، اهتمام به مرکز پژوهش‌ها و دیوان محاسبات، صدور آرامش و اطمینان به افکار عمومی کشور در نطق‌ها، تعامل برادرانه با قوای مجریّه و قضائیّه، نسخ قوانین زائد و مزاحم، و اجتناب از تکثّر و تراکم قوانین، توصیه‌های دیگر اینجانب به شما نمایندگان ملّت است.

مطمئنّم که رعایت این سرفصل‌ها به ملّت ایران ثابت خواهد کرد که انتخاب آنان درست بوده است، و میل به حضور در انتخابات را در آنان افزایش خواهد داد. تقوا و توکّل و اعتماد به خدا را سرمایه‌ی بی‌پایان خود بدانید و با قدرت و جدّیّت حرکت کنید. خدا یارتان باد.

## قدردانی

لازم می‌دانم از نمایندگان محترم دوره‌ی پیش به‌ویژه از رئیس پُرانگیزه و پُرتلاش آن جناب آقای دکتر لاریجانی قدردانی کنم و اجر و ثواب الهی را برای هر عمل صالح آنان مسألت نمایم. سلام و صلوات خدا بر حضرت بقیّة‌اللّه اعظم (روحی فداه) و رحمت و مغفرت الهی نثار ارواح طیّبه‌ی شهیدان و امام و پیشوای آنان حضرت امام خمینی.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه

سیّدعلی خامنه‌ای

۷ خرداد ۱۳۹۹

# حکم انتصاب دکتر لاریجانی به مشاورت رهبری و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت 8/3/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر علی لاریجانی دامت توفیقاته

نظر به تجارب مفیدی که جنابعالی در دوران مدیریت در بخش‌های گوناگون به‌ویژه در سه دوره ریاست مجلس شورای اسلامی از آن برخوردار گشته‌اید، جنابعالی را به مشاورت رهبری و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب می‌کنم.

امید است این مسئولیت در خدمت هدف‌های والای نظام قرار گیرد.

والسلام علیکم

سیّدعلی خامنه‌ای

۸ خرداد ۱۳۹۹

# سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) 14/3/1399

بسم‌ الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابیالقاسم المصطفی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## احتیاج امروز و فردای کشورمان به گفتگو از امام بزرگوار

امروز مراسم بزرگداشت امام بزرگوارمان به شکلی متفاوت از شکل معمول این مراسم اجرا می‌شود. چگونگی برگزاری مراسم مهم نیست؛ اصل قضیّه و مهم، گفتگو از امام بزرگوار است که ما امروز کشورمان و فردای کشورمان به این احتیاج داریم. امام بزرگوار سال‌ها پس از درگذشت ظاهری و و فقدان ظاهری او در بین ما زنده است و باید زنده بماند و ما از حضور او و معنویّت او و فکر او و انگشت اشاره‌ی او بهره‌مند بشویم و استفاده کنیم.

## روحیه‌ی تحوّل‌خواهی و تحوّل‌انگیزی، از برجسته‌ترین خصوصیّات حضرت امام

امروز بنده می‌خواهم درباره‌ی یک خصوصیّت مهمّی از خصوصیّات امام بزرگوار بحث کنم؛ البتّه ایشان یک انسان ذوابعاد و دارای خصوصیّات برجسته‌ی متعدّدی بودند؛ این خصوصیّتی که امروز بحث می‌کنیم، جزو مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیّات امام بزرگوار است و آن عبارت است از روحیه‌ی تحوّل‌خواهی و تحوّل‌انگیزی امام بزرگوار.

### امام؛ یک فرمانده داخل در عملیّات و یک رهبر به معنای واقعی

امام، روحاً، هم یک انسان تحوّل‌خواه بود، هم تحوّل‌آفرین. در مورد ایجاد تحوّل، نقش او صرفاً نقش یک معلّم و استاد و مدرّس نبود؛ نقش یک فرمانده داخل در عملیّات و نقش یک رهبر به معنای واقعی بود. ایشان بزرگ‌ترین تحوّلات را در دوران خودشان، در زمان خودشان در حوزه‌های متعدّدی و در عرصه‌های متنوّع زیادی ایجاد کردند که من به مقداری [از آنها] امروز اشاره می‌کنم.

### نشانه‌ای از روحیه‌ی تحوّل‌خواهی امام در جوانی

اوّلاً روحیه‌ی تحوّل‌خواهی از دیرزمان در این بزرگوار وجود داشته است؛ این چیزی نبود که در آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ در ایشان به وجود بیاید؛ نه، ایشان از دوران جوانی یک انسان تحوّل‌خواه بودند که نشانه‌ی آن عبارت است از همان یادداشتی و نوشته‌ای که ایشان در دوران جوانی -‌ تقریباً در دهه‌ی۳۰ از عمرشان - در دفتر مرحوم وزیری‌یزدی نوشته‌اند که مرحوم وزیری عین آن نوشته را، دست‌خط ایشان را به من نشان دادند؛ دیده‌ام که بعد هم چاپ شده و در اختیار خیلی‌ها قرار گرفته. در آن نوشته، ایشان آیه‌ی شریفه‌ی «قُل إِنَّما أَعِظُکُم بِواحِدَةٍ أَن تَقوموا لِلَّهِ مَثنیٰ وَفُرادیٰ»[[72]](#footnote-72) [را ذکر می‌کنند] که دعوت می‌کند عموم را به قیامِ لله؛ یک چنین روحیه‌ای در ایشان وجود داشت.

## اِعمال این روحیه و تحوّل‌آفرینی توسّط امام

این روحیه را ایشان اِعمال کردند و همین طور که اشاره کردم تحوّل‌آفرینی کردند. مِیدانی وارد مسئله‌ی تحوّل شدند، نه فقط گفتاری و دستوری؛ از تحوّل‌آفرینی روحی در یک مجموعه‌ای از طلّاب جوان در قم - که من حالا عرض خواهم کرد شرحش را - تا تحوّل‌آفرینی وسیع در عموم ملّت ایران.

### ایجاد تحوّل و انقلاب روحی و معنوی در ملّت ایران

آن مسئله‌ی قم عبارت است از درس اخلاق ایشان. ایشان ده‌ها سال پیش از شروع نهضت، غیر از درس فقه و اصول و معقول، سال‌ها در قم درس اخلاق داشتند، جلسه‌ی اخلاق داشتند. البتّه آن‌ وقتی که ما رفتیم قم، سال‌ها بود که این درس تعطیل شده بود، و وجود نداشت. کسانی که دیده بودند آن درس اخلاق را، نقل می‌کردند ایشان -هفته‌ای یک بار جلسه‌ای داشتند در مدرسه‌ی فیضیّه‌ و طلّاب جوان جمع می‌شدند در آن‌جا- وقتی که صحبت می‌کردند، جلسه را منقلب می‌کردند، دل‌ها را منقلب می‌کردند. این را البتّه ما هم، در درس فقه و اصول دیده بودیم. یعنی ایشان حتّی در همین درس‌های فقه و اصول‌شان به مناسبت‌هایی صحبت اخلاقی می‌کردند، طلبه‌ها زار زار گریه می‌کردند؛ وقتی ایشان صحبت اخلاقی می‌کرد، اشک می‌ریختند؛ بیان ایشان این ‌جور مؤثّر بود و انقلاب روحی ایجاد می‌کرد. این همان روش پیغمبران است؛ پیغمبران هم آغاز همه‌ی حرکت‌های خودشان را از انقلاب روحی افراد شروع کردند. این‌که امیرالمؤمنین می‌فرماید: لِیَستَأدوهُم میثاقَ فِطرَتِه وَ یُذَکِّروهُم مَنسیَّ نِعمَتِه ... وَ یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول،[[73]](#footnote-73) همین است. «یَستَأدوهُم میثاقَ فِطرَتِه» یعنی آن سرشت نهفته‌ی انسانی را در این‌ها بیدار می‌کردند و آن را وادار می‌کردند به تحرّک و هدایتگری عملیّات و اقدامات انسان‌ها؛ امام این جوری از این‌جا شروع کردند. من البتّه نمی‌توانم قاطعاً ادّعا کنم که آن جلسات را ایشان تشکیل می‌دادند برای این‌که بعدها به نهضت عظیم سیاسی منتهی بشود؛ این را من نمی‌دانم. لکن آنچه مسلّم است این‌که این حرکت‌آفرینی، این تحریک غریزه‌های معنوی و فطرت و سرشت انسانی از راه درس اخلاق و تذکّر و آماده کردن دل‌ها، شیوه‌ی امام بزرگوار بود؛ از این‌جا ایشان شروع کردند تا ایجاد تحوّل در سطح وسیع یک ملّت؛ چه در دوران مبارزات -که حالا من مقداری از نمونه‌های این تحوّل را عرض می‌کنم- و چه بعد از پیروزی انقلاب، ایشان به معنای واقعی کلمه در ملّت ایران تحوّل ایجاد کردند.

توجّه کنید که مخاطب ایشان در این تحوّل، عبارت بود از ملّت ایران. قبل از شروع نهضت امام مبارزاتی وجود داشت، مبارزات سیاسی در ایران وجود داشت، ده‌ها سال بود که گروه‌های مختلف [مبارزه می‌کردند]، منتها حوزه‌ی کار آن‌ها حدّاکثر محدود می‌شد مثلاً به یک تعدادی دانشجو؛ این‌ها می‌توانستند فرض کنید ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر دانشجو را تحت تأثیر قرار بدهند، در یک مراسمی آن‌ها را وارد کنند. بحث امام، بحث یک گروه محدود یا یک جمع محدود یا یک حرفه‌ی معیّن نبود؛ بحث ملّت ایران بود. ملّت مثل یک اقیانوس است؛ به طوفان درآوردن یک اقیانوس کار هر کسی نیست. یک استخر را می‌شود موّاج کرد امّا موّاج کردن یک اقیانوس، کار عظیمی است. ملّت یک اقیانوس است و امام این کار را انجام داد؛ تحوّلاتی را به وجود آوردند.

#### تحوّل در خمودگی و تسلیم بودن ملّت و تبدیل آن به یک ملّتِ مطالبه‌گر

یک تحوّل، تحوّل در روحیه‌ی خمودگی و تسلیم ملّت بود. در دوران جوانی ما، در دورانی که ما یادمان هست که این نهضت شروع شد، ملّت ایران یک ملّتی بود که با مسائل اساسیِ سرنوشت خودش هیچ سر و کاری نداشت، مردم تسلیم بودند، خمود بودند، نسبت به زندگی شخصیِ خودشان [بی اراده] بودند. این حالت تحرّک میدان‌داری، وارد میدان شدن، مطالبه کردن، آن هم مطالبه‌ی چیزهای بزرگ و مهم، در رفتار ملّت و در خُلق و خوی ملّت ما مطلقاً وجود نداشت؛ این را امام ایجاد کردند؛ همین ملّتِ خمود و تسلیم را تبدیل کردند به یک ملّتِ مطالبه‌گر؛ آن سخنرانی‌های پُرشور و توفنده‌ی امام، آن بیان‌های خروشنده‌ی امام، آن چنان تکان داد این ملّت را که این ملّت تبدیل شدند به یک ملّت مطالبه‌گر؛ نمونه‌اش قضایای سال ۴۱ است -که شروع نهضت، سال ۴۱ بود- نمونه‌اش اجتماعات عظیم مردم در شهرهای مختلف است که بعد هم منتهی شد به پانزدهم خرداد، و در پانزدهم خرداد [رژیم] با آن کشتار عظیم نتوانست این حرکت را متوقّف کند. باز هم اجتماعات مردم در طول زمان بود تا پایان دوران مبارزات؛ این یک تحوّل عجیبی بود که ایشان ایجاد کردند.

#### تحوّل در نگاه مردم و ایجاد عزّت و اعتماد به نفْس ملّی

تحوّل دیگر، تحوّل در نگاه مردم به خودشان و به جامعه‌شان بود؛ ملّت ایران نسبت به خود یک نگاه حقارت‌پندارانه داشت؛ یعنی این‌که این ملّت بتواند بر اراده‌ی قدرت‌ها، بر اراده‌ی ابرقدرت‌ها فائق بیاید، مطلقاً به ذهن احدی خطور نمی‌کرد. نه فقط حالا قدرت‌های جهانی، حتّی اراده‌ی قدرت‌های داخلی، حتّی اراده‌ی فلان مسئول -فرض کنید که- یک اداره‌ی امنیّتی یا انتظامی، اصلاً به ذهن مردم خطور نمی‌کرد که بتوانند غلبه کنند بر اراده‌ی صاحبان اراده‌های تلخ و خطرناک. احساس حقارت می‌کردند، احساس توانایی نمی‌کردند؛ امام این را تبدیل کرد به احساس عزّت، احساس اعتماد به نفْس، و مردم را از این حالت که حکومت استبدادی را یک امر طبیعی بدانند -که این‌ جور بود؛ آن زمان تصور ماها کأنّه این بود که خب بالاخره یک شخصی در رأس مملکت هست و اراده‌ی او حاکم است؛ خب طبیعت مسئله همین است و اصلاً این را یک امر طبیعی و عادّی می‌دانستیم- تبدیل کردند به انسان‌هایی که خودشان نوع حکومت را تعیین می‌کنند. از شعارهای مردم در انقلاب، اوّل، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، بعد هم جمهوری اسلامی بوده؛ مردم خودشان تعیین‌کننده بودند، مطالبه‌کننده بودند؛ بعد هم در انتخابات‌های گوناگون شخص حاکم را، اشخاص مورد مسئولیّت در بخش‌های مختلف حکومت را مردم معیّن کرده‌اند؛ یعنی حالت خودحقیرپنداری که در مردم بود، به‌کلّی تبدیل شد به حالت عزّت و اعتماد به نفْس ملّی.

#### تحوّل در نوع مطالبات مردم

یک تحوّل دیگر، تحوّل در مطالبات مردم بود؛ یعنی اگر چنانچه فرض کنید آن وقت یک گروهی از مردم یک مطالبه‌ای هم از دستگاه داشتند یا از قدرتمندان آن زمان داشتند این بود که مثلاً این کوچه آسفالت بشود یا این خیابان این جوری کشیده شود؛ مطالبات در این حد [بود]؛ این را تبدیل کردند به مطالبه‌ی استقلال، آزادی؛ یعنی [آرمان‌های] عظیم. یا شعار «نه شرقی، نه غربی»؛ در خواسته‌های مردم آن چنان تحوّلی به وجود آمد که از این چیزهای حقیر، کوچک، محلّی و محدود تبدیل شد به یک امور اساسی، بزرگ، انسانی، و جهانی.

#### تحوّل در نگاه مردم به دین

یک تحوّل دیگری که امام به وجود آورد، تحوّل در نگاه به دین بود؛ مردم، دین را فقط وسیله‌ای برای مسائل شخصی، مسائل عبادی، حدّاکثر احوال شخصی می‌دانستند، فقط برای همین مسئله‌ی نماز و روزه و فرض کنید که وظایف مالی و ازدواج و طلاق؛ در همین حدود؛ دین را، وظیفه‌ی دین و مسئولیّت دین و رسالت دین را محدود به این چیزها می‌دانستند. امام برای دین، رسالت نظام‌سازی و تمدّن‌سازی و جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند این‌ها تعریف کرد؛ مردم نگاهشان به دین به‌کلّی متحوّل شد.

#### تحوّل در نگاه به آینده: ایجاد تمدّن نوین اسلامی

یک تحوّل دیگر، تحوّل در نگاه به آینده بود. در آن دورانی که نهضت شروع شد و امام وارد میدان شدند، با همه‌ی شعارهایی که حالا بعضی از احزاب و بعضی و از گروه‌ها و گروهک‌ها می‌دادند -که خیلی محدود و کوچک هم بودند- در نگاه مردم آینده‌ای دیده نمی‌شد. یعنی مردم یک افق و آینده‌ای در مقابل چشم نداشتند؛ این تبدیل شد به ایجاد تمدّن نوین اسلامی. یعنی شما امروز به ملّت ایران نگاه کنید، این دست مبارک امام است که این حالت را به وجود آورده، مردم دنبال این هستند که تمدّن نوین اسلامی را تشکیل بدهند و به وجود بیاورند؛ اتّحاد عظیم اسلامی را به وجود بیاورند، امّت اسلامی را تشکیل بدهند. نگاه عامّه‌ی مردم، توده‌ی مردم این است.

#### تحوّل در مبانی معرفتیِ کاربردی و وارد کردن فقه به عرصه‌ی نظام‌سازی

در یک حوزه‌ی تخصّصی‌تر، تحوّل در مبانی معرفتیِ کاربردی است؛ امام این را به وجود آوردند؛ که این تخصّصی است، جزو مسائل حوزوی و کسانی است که دستی در کار فقه و در کارِ علم اصول و مانند این‌ها دارند. امام فقه را وارد عرصه‌ی نظام‌سازی کردند؛ فقه از این مسائل دور بود. البتّه مسئله‌ی ولایت فقیه، هزار سال [بود که] در بین فقها وجود داشت و مطرح می‌شد، امّا چون این امید وجود نداشت که این ولایت فقیه تحقّق پیدا بکند، هرگز به جزئیّات آن، به مسائلِ آن پرداخته نمی‌شد. امام این را وارد مسائل اصلی و فقهی کردند. در حوزه‌ی علمیّه‌ی نجف، این را مطرح کردند و درباره‌ی آن بحث کردند؛ بحث‌های علمیِ متقنِ محکمِ کاملاً قابل توجّه برای افرادی که صاحب نظر در این زمینه‌ها هستند؛ یا مسئله‌ی مصلحتِ نظام را - که مصلحتِ نظام همان منافع عمومی است، منافع ملّی است، چیزی غیر از آن نیست - امام در فقه مطرح کردند. مسئله‌ی معروف اصولی و فقهیِ «تزاحم» و «اهمّ و مهم» را که در مسائل شخصی و مسائل کوچک به کار می‌رفت، وارد عرصه‌ی میدان عمومی کردند که در عرصه‌ی اداره‌ی کشور، مسئله‌ی مصلحت نظام و مسئله‌ی «اهمّ و مهم» مطرح می‌شود. یعنی در فقه، ایشان این چیزها را وارد کردند که این، فرصت خیلی بزرگی برای فقه به وجود می‌آورد؛ دست فقه را باز می‌کند در گستره‌ی تصرّفاتی که می‌تواند در مسائل گوناگون بکند. به نظر من حوزه‌ها باید از این خیلی قدردانی کنند و استفاده کنند، استقبال کنند. البتّه این کاری که امام در این زمینه‌ی فقهی انجام داده‌اند، کاملاً روشمند و قانونمند است؛ یعنی طبق همان - به تعبیر امام - فقه جواهری است؛ یعنی بدعتی در فقه نیست؛ یک استفاده‌ی صحیح از موازین متعارف فقهی است که در اختیار فقها است.

##### پافشاری بر تعبّد، در عین نگاه نوگرایانه به فقه

یک نمونه‌ی دیگر از این تحوّل در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبّد بود در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه می‌کرد؛ در عین حال به‌شدّت پابند به تعبّد. در آن روز و آن دوران‌ها خب روحانیّونی بودند که در زمینه‌های مسائل روشنفکری وارد بودند و بحث می‌کردند و حرف می‌زدند؛ این‌ها روحانی و عالم و دین‌شناس هم بودند [امّا] یک مقداری تحت تأثیر برخی از شرایط، نسبت به مسائل تعبّدی آن تقیّد لازم را [نداشتند] - در عمل شخصی چرا، مقیّد بودند - ولی در تبلیغاتشان خیلی روی مسئله‌ی تعبّد تکیه نمی‌کردند. امام آمدند در عین آن نگاه نویی که نسبت به مسائل فقهی و مسائل اسلامی و مسائل دینی و مانند این‌ها داشتند، روی مسئله‌ی تعبّد محکم ایستادند؛ هم تعبّد در احکام، هم تعبّد در مراسم دینی؛ [مثلاً] این مسئله‌ی تکیه‌ی عجیبی که ایشان بر روی مجالس عزاداری و مراسم عزاداری و مانند این‌ها کردند، همه‌‌ی این‌ها نشان‌دهنده‌ی آن پایبندی و تعبّد بزرگ ایشان بود.

#### تحوّل در نگاه به نسل جوان و اعتماد به آن‌ها

یک حوزه‌ی دیگر از تحوّلی که ایشان به وجود آوردند، تحوّل در نگاه به نسل جوان بود؛ نگاه به جوانان. ایشان به فکر و عملِ جوانان اعتماد کردند؛ این به معنای واقعی کلمه یک تحوّل بود. یعنی مثلاً فرض کنید سپاه پاسداران که تشکیل شد، ایشان جوانهای بیست و چند ساله را در رأس سپاه پاسداران پذیرفتند که این‌ها جوان‌هایی [بودند] که حدّاکثر مثلاً سی سال سنّشان بود؛ این‌ها در رأس سپاه پاسداران، فرماندهان لشکرها و فرماندهان کل [بودند]؛ این‌ها همه جوان‌هایی بودند که کارهای بزرگ به این‌ها سپرده شده بود.

در زمینه‌های دیگر هم همین‌جور؛ در بحث‌های قضائی، در جاهای دیگر هم ایشان اعتماد عجیبی به جوان‌هایی که مورد قبولشان بودند [می‌کردند]؛ ایشان [کارها را] محوّل می‌کردند و به فکر جوان و به عمل جوان اعتماد می‌کردند.

##### معنای اعتماد به جوانان

البتّه در عین این‌که ایشان ظرفیّت‌های غیر جوان را نفی نمی‌کردند. اینکه حالا ما امروز بحث جوان‌گرایی را زیاد مطرح می‌کنیم، بعضی‌ها تصوّر می‌کنند که جوان‌گرایی یعنی انسان پیران را به‌کلّی از حوزه خارج کند؛ نه، نظر امام مطلقاً این نبود؛ ایشان به جوان‌ها اعتماد می‌کردند به عنوان یک ذخیره برای نظام، به عنوان یک ثروت برای نظام، به نیروهای غیر جوان هم به همان اندازه اعتماد می‌کردند. مثلاً فرض کنید ایشان همان وقتی که این حقیر را -که نسبتاً آن وقت خیلی پیر نبودم- به امامت جمعه‌ی تهران منصوب کردند، همان وقت مرحوم آقای شهید اشرفی، مرد هشتادساله را به امامت جمعه‌ی کرمانشاه یا مرحوم دستغیب یا [دیگر] شهدای محراب را منصوب کردند؛ این‌ها همه مردانی بودند در حدود سنین شصت و هفتاد و مانند اینها. یا در نیروهای مسلّح؛ در سپاه مثلاً جوان‌ها را گذاشتند؛ در ارتش شهید فلّاحی[[74]](#footnote-74) یا فرض بفرمایید که مرحوم ظهیرنژاد،[[75]](#footnote-75) که این‌ها افرادی بودند در سنین شصت و بالاتر از شصت؛ امام از این‌ها استفاده کردند، این جور نبود که وقتی می‌گوییم به جوان‌ها تکیه کنند، یعنی نیروهای غیر جوان را به‌کلّی از حوزه خارج کنند. یا ایشان آن ‌وقت در کمیته‌ی امداد مرحوم عسگراولادی را که خیلی جوان نبود گذاشتند.

پس این‌که می‌گوییم ایشان به جوان‌ها اعتماد می‌کردند - و امروز هم ما همین عقیده را داریم که باید به جوان‌ها اعتماد کرد، باید از نیروی جوان در پیشبرد کشور استفاده کرد که من بعد هم به این می‌پردازم - به معنای این است که این یک ذخیره‌‌ای است، یک ثروتی است برای کشور که از این ثروت باید استفاده کنیم؛ معنایش این نیست که اگر تجربه‌دارها و غیر جوان‌ها که آن‌ها هم یک ثروتی هستند حضور دارند، از این‌ها استفاده نشود.

#### تحوّل در نگاه به قدرت‌های جهانی و ابرقدرت‌ها و ایجاد باور به شکست‌پذیری آن‌ها

خب پس بنابراین این تحولّات [را به وجود آوردند] لکن تحوّل مهم دیگری که به وجود آوردند که شاید از بعضی از این تحوّلات مهم‌تر بود، عبارت است از تحوّل در نگاه به قدرت‌های جهانی و ابرقدرت‌ها. آن وقت هیچ‌ کس تصوّر نمی‌کرد که بشود روی حرف آمریکا حرفی زد، بر خلاف اراده‌ی آمریکا بشود حرکتی انجام داد؛ امام کاری کردند که خود رؤسای جمهور آمریکا گفتند که خمینی ما را تحقیر کرد؛ واقعاً هم همین بود؛ امام و کارگزاران امام و جوان‌هایی که با اشاره‌ی دست امام حرکت می‌کردند، به معنای واقعی کلمه تحقیر کردند ابرقدرت‌ها را؛ اراده‌ی این‌ها را شکستند و این‌ها را از میدان خارج کردند. امام نشان داد که ابرقدرت‌ها ضربه‌پذیرند، شکست‌پذیرند که آینده هم همان را نشان داد؛ دیدید سرنوشت شوروی سابق که آن جور شد، این هم که آمریکای امروز است و این قضایای آمریکا را که ملاحظه می‌کنید! هیچ وقت تصوّر چنین چیزی نمی‌شد؛ امام این را از آن روز در دل مردم قرار داد که بدانند این‌ها شکست‌پذیرند و ضربه‌پذیرند.

### از خدا دانستن همه‌ی این تحوّلات

خب، نکته‌ی مهم این است امام بزرگوار که این همه تحوّلات را به وجود آورد و به معنای واقعی کلمه امامِ تحوّل بود، امّا این‌ها را از خدا می‌دانست؛ امام این‌ها را به خودش نسبت نمی‌داد، این‌ها را از خدا می‌دانست. همین تحوّل روحی‌ را که در جوان‌ها به وجود آمده بود -‌که در همین صحیفه‌ی امام منتشر شده- ملاحظه کنید، [ایشان] مکرّر در بیاناتشان به آن توجّه می‌کنند و اظهار تعجّب می‌کنند، برای ایشان اعجاب‌آور است؛ خود امام این کار را کرده بود، دست خود او در این کار بود امّا آن را از خدا می‌دانست؛ واقعش هم همین است که از خدا است؛ لا حول و لا قوّة الّا باللّه العلیّ العظیم، همه چیز و هر حول و قوّه‌ای از خدا است. و امام واقعاً این [آیه‌ی] «ما رَمَیتَ اِذ رَمَیت»[[76]](#footnote-76) را به معنای واقعی کلمه معتقد بود. ایشان به این حرکت جوان‌ها و تحوّل جوان‌ها خیلی اهتمام می‌ورزید، خیلی مُعجب[[77]](#footnote-77) به این حادثه بود. یک جا ایشان می‌گویند که تحوّلی که در روحیه‌ی جوان‌ها وارد شده و واقع شده است، از غلبه‌ی بر رژیم طاغوت بالاتر است؛ چون غلبه‌ی بر رژیم طاغوت، غلبه‌ی بر طاغوت بود، این تحوّلی که در جوان‌ها به وجود آمده غلبه‌ی بر شیطان است و شیطان از طاغوت بالاتر است؛ یعنی ایشان این جوری به این قضیّه نگاه می‌کردند و مُعجب به این معنا بودند. این راجع به این مسئله‌ای که عرض کردیم.

## نیاز هر جامعه‌ی زنده‌ای به تحوّل و پویایی

خب، پس بنابراین امام، امامِ تحوّل بود. این بحثی که ما می‌کنیم، صرفاً نظر بر این نیست که حالا مثلاً فرض کنید یک اطّلاع بیشتری از شخصیّت امام داشته باشیم - که این هم البتّه در جای خود مهم است - این برای درس گرفتن است؛ باید از امام درس بگیریم. هر جامعه‌ی زنده و پویایی به تحوّل احتیاج دارد؛ ما امروز به تحوّل احتیاج داریم، در بخش‌های مختلف.

## تحوّل‌هایی که پیدا کردیم

البتّه این را عرض بکنم که بعد از رحلت امام، انقلاب و کشور از رویکرد تحوّلی فاصله نگرفته؛ یعنی ملّت ایران بحمدالله توانسته رویکرد تحوّلی امام را دنبال بکند و پیش برود. ما در زمینه‌های گوناگونی به معنای واقعی کلمه، تحوّل پیدا کرده‌ایم و قدرتمندتر از گذشته شده‌ایم و در مواردی سرزنده‌تر از گذشته شده‌ایم؛ این‌ها هست.

همین تحوّل علمی‌ای که به وجود آمده چیز کوچکی نیست، چیز خیلی مهمّی است. ما آن روز از لحاظ علمی در یک وضعی بودیم که اصلاً قابل اعتنا و قابل ذکر نبود؛ امروز در دنیا مطرحیم به عنوان [پیشتاز در] حرکت علمی و تلاش علمی.

یا در توانایی‌های دفاعی؛ که امروز توانایی‌های دفاعی ‌ما در حقیقت و در واقع نزدیکِ به حدّ بازدارندگی است؛ این چیز خیلی مهمّی است که کشور توانسته [به آن برسد].

یا در عرصه‌ی سیاست؛ که چهره‌ی باابّهتِ کشور است در دنیا. جمهوری اسلامی، امروز چهره‌ی باابّهت و قدرتمند را در دنیا از خودش نشان می‌دهد، همه‌ی این‌ها تحوّلاتی است که اتّفاق افتاده‌ است و قابل توجّه است.

### در موارد مهمّی تحوّل نداشتیم و در مواردی عقب‌گرد داشتیم

در این سی سال، حرکت کشور، حرکت تحوّلی‌ای که امام به وجود آورده‌اند، متوقّف نشده است و پیش رفته؛ در بعضی از موارد هم زیرساخت‌های تحوّلی‌ای به وجود آمده است لکن هنوز به فعلیّت و به تحقّق نرسیده است؛ این‌ها هست لکن کافی نیست. آنچه من عرض می‌کنم این است که ما در یک مواردی تحوّل نداشتیم -در موارد مهمّی تحوّل نداشتیم- و در مواردی عقب‌گرد داشتیم، که این خیلی موضوع تأسّف‌بار و ناپسند و غیر قابل قبولی است، و برخلاف طبیعت انقلاب است. زنده ماندن انقلاب به این است که پی‌درپی نوآوری داشته باشد، تحوّل داشته باشد، پیشرفت داشته باشد؛ تحوّل یعنی به حال برتری با شکل واضحی دست یافتن؛ یعنی یک جهش، یک حرکت بزرگ؛ در زمینه‌های مختلف، ما به این احتیاج داشتیم؛ در بعضی از زمینه‌ها مطلقاً توانایی این را نداشتیم.

## ارتجاع؛ نقطه‌ی مقابل انقلاب

نقطه‌ی مقابل انقلاب، ارتجاع است. خیلی از انقلابهای دنیا مبتلا به ارتجاع شدند؛ یعنی بعد از آن‌که پنج سال، ده سال، پانزده سال از شروع انقلاب گذشت، به خاطر بی‌اهتمامی‌هایشان مبتلا شدند به ارتجاع، به عقب‌گرد؛ این ارتجاع، نقطه‌ی مقابل انقلاب، است.

### پیشرفت و پسرفت، وابسته به اراده‌ی انسان‌ها

و هر دو -یعنی هم پیشرفت انقلابی، هم پسرفت به معنای ارتجاع- بستگی دارد به اراده‌ی انسان‌ها؛ انسان‌ها اگر چنانچه درست حرکت بکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت بکنند، پسرفت خواهند داشت، که در قرآن هم به هر دوی این‌ها اشاره شده. در سوره‌ی مبارکه رعد [می‌فرماید]: إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّیٰ یُغَیِّروا ما بِأَنفُسِهِم؛[[78]](#footnote-78) که سیاق آیات نشان می‌دهد که این آیه،آن جنبه‌ی مثبت را بیان می‌کند، یعنی وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیّت‌های مثبت را به وجود می‌آورد. دوّمی در سوره‌ی انفال است: ذٰلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَم یَکُ مُغَیِّرًا نِعمَةً أَنعَمَها عَلیٰ قَومٍ حَتّیٰ یُغَیِّروا ما بِأَنفُسِهِم؛[[79]](#footnote-79) این جنبه‌ی منفی است، جنبه‌ی عقبگرد است، که اگر چنانچه خدا نعمتی به ملّتی داد و این ملّت درست حرکت نکردند، درست عمل نکردند، خداوند این نعمت را از این‌ها می‌گیرد. شما در دعای کمیل هم می‌خوانید: اللَّهُمَّ اغفِر لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَم‌؛[[80]](#footnote-80) این تغییر نعمت، یعنی سلب نعمت، چیزی است که ناشی از اراده است. ما بایستی به‌شدّت مراقبت می‌کردیم و مراقبت بکنیم که به این حالت دچار نشویم.

## انتظار ایجاد تحوّل در بخش‌های مختلفی که نیاز هست

پس بنابراین در نظام، این معنا وجود داشته است، بعد از رحلت امام این حرکت تحوّلی وجود داشته است، منتها آن مقداری که وجود داشته، به نظر ما کافی نیست. ما به دلایل گوناگون قادریم که در بخش‌های مختلفِ تمدّنی کشور و تمدّنی نظام، تحوّل ایجاد بکنیم. ولیکن خب نکاتی وجود دارد؛ یعنی انتظار من از خودم و از جوان‌هایمان و از ملّتمان و از نخبگانمان این است که در فکر ایجاد تحوّل در بخش‌های مختلفی که نیاز هست باشیم.

## نکاتی برای توجّه در تحوّل‌خواهی

حالا این بخش‌هایی که باید [در آنها] تحوّل ایجاد بشود چیست، این یک بحث جداگانه‌ای لازم دارد، من بعداً یک اشاره‌ای خواهم کرد، لکن در تحوّل نکاتی هست؛ اگر بخواهیم تحوّل به معنای واقعی کلمه و به معنای صحیح کلمه اتّفاق بیفتد، به این نکات بایستی توجّه کنیم؛

### معنا و منشأ تحوّل‌خواهی

یک نکته این است که تحوّل‌خواهی لزوماً به معنای اعتراض نیست بلکه به معنای این است: گرایش مستمر به بهتر شدن؛ تحوّل‌خواهی این است؛ یعنی اکتفا نکردن به داشته‌های موجود؛ منشأ تحوّل می‌تواند این باشد. البتّه ممکن است منشأ مواردی، اعتراض به وضع موجود باشد امّا همیشه این‌جور نیست. در موارد زیادی تحوّل به معنای این است که ما آنچه را داریم، به داشته‌هایمان اکتفا نمی‌کنیم، یک قدمی بالاتر، یک مرحله‌ای جلوتر را دنبال می‌کنیم. لازم نیست حتماً یک جا احساس شکست کرده باشیم تا بخواهیم تحوّل ایجاد کنیم؛ نه، یک جاهایی احساس شکست هم نمی‌کنیم. من از این‌جا چه نتیجه‌ای می‌خواهم بگیرم؟ می‌خواهم عرض بکنم در آنجاهایی هم که ما تحوّل مثبت ایجاد کرده‌ایم - مثلاً فرض کنید در مقوله‌ی علم - دیگر کسی نگوید که خب ما دیگر تحوّل کرده‌ایم و احتیاجی نیست؛ نه، ما به آنچه داریم نباید قانع باشیم، به داشته‌های خودمان نباید قانع باشیم بلکه بایستی باز هم تحوّل را بخواهیم و لازم بشمریم و دنبال کنیم؛ حتّی در همین زمینه‌ای که در آن‌جا تحوّل هم مثلاً داشته‌ایم یا در زمینه‌های گوناگون دیگری که تحوّلی انجام گرفته. پس بنابراین تحوّل یعنی میل به شتاب گرفتن و سرعت داشتن در حرکت و جهش در حرکت و اجتناب از تحجّر، اجتناب از پافشاری بر مشهورات غلط؛ معنای تحوّل این‌ها است و در آنجاهایی که حتّی اعتراضی هم وجود ندارد، این معنا کاملاً وجود دارد. بنابراین این یک نکته است.

### احتیاج تحوّل صحیح به پشتوانه‌ی فکری

نکته‌ی دوّم این است که تحوّل صحیح احتیاج دارد به پشتوانه‌ی فکری؛ یعنی هر حرکت بی‌پشتوانه‌ی فکری را نمی‌شود تحوّل دانست. بعضی از حرکت‌های سبُک و سطحی را نمی‌شود به حساب تحوّل گذاشت؛ تحوّل پشتوانه‌ی فکری [می‌خواهد]. فرض کنید یکی از مسائلی که امروز باید حتماً تحوّل در آن به وجود بیاید، مسئله‌ی عدالت است. در زمینه‌ی عدالت باید تحوّل ایجاد کنیم و این باید متّکی باشد به یک مبنای فکری که اندیشه‌ی متقن و شکل‌یافته‌ی ما در زمینه‌ی عدالت چیست؛ آن وقت بر اساس آن برویم سراغ تحوّل؛ یعنی این پشتوانه‌ی فکری یکی از چیزهای لازم است که از دارایی‌های معنوی ما است؛ یعنی ما بایستی از دارایی‌های معنوی‌مان در این زمینه استفاده کنیم که عبارت است از احکام اسلام و مقرّرات اسلامی و آیات کریمه‌ی قرآن و کلمات اهل‌بیت (علیهم السّلام)؛ از این‌ها باید استفاده کنیم و بر اساس این‌ها باید تحوّل ایجاد بکنیم. امام هم هر کاری که در زمینه‌ی تحوّلات انجام دادند، متّکی به همین حرکت اسلامی و مبانی معرفتی اسلام بود؛ امام در چهارچوب آن عبور کردند.

#### نتیجه‌ی نداشتن پشتوانه‌ی فکری

اگر چنانچه یک چنین پشتوانه‌ی فکری وجود نداشته باشد، این تحوّل انسان، غلط خواهد بود و احتمالاً انسان قدم را نابجا برمی‌دارد، بعد هم درست پافشاری نمی‌کند؛ یعنی ثبات قدم در این حالتِ تحوّلی، نخواهد داشت.

انسان به یاد بعضی‌ها می‌افتد، در انقلاب خودمان داشتیم ما کسانی را که این‌ها افراد انقلابی و علاقه‌مند بودند، منتها چون پایه‌های فکری‌شان پایه‌های محکمی نبود، پایه‌های ایمانی‌شان، پایه‌های متین و مستحکم و دارای پشتوانه‌های عقلانی محکم و استدلالی محکمی نبود، بعد از این‌که مدّتی گذشت و از سنین جوانی مثلاً یک مقداری عبور کردند، تبدیل شدند به همان فسیل‌هایی که اصلاً انقلاب علیه آن فسیل‌ها بود؛ یعنی انقلاب اسلامی در واقع یک عدّه فسیل‌های کج‌رو را کنار زد. بعضی جوان‌های انقلابی دیروز هم بعد از آن‌که وارد مرحله‌های گوناگون زندگی و عبور از سال‌های جوانی شدند، در واقع نزدیک شدند -حالا یا بعضی‌ها نزدیک شدند، یا بعضی‌ها تبدیل شدند- به چیزی شبیه آن فسیل‌ها؛ به قول مرحوم امیری‌فیروزکوهی که ایشان در یک شعری می‌گوید:

شباب عمر به دانش گذشت و شیب به جهل

کتاب عمر مرا فصل و باب، پیش و پس است[[81]](#footnote-81)

واقعاً بعضی این جور هستند.

### تفاوت تحول با استحاله

یک نکته‌ی دیگری که خیلی مهم است، این است که تحوّل را نبایستی با استحاله‌ی فکری اشتباه گرفت. اندکی قبل از حکومت پهلوی و بعد، شدّتش در دوران حکومت پهلوی، چیزی به نام تجدّد وارد کشور شد، که این را به عنوان یک تحوّلی در زندگی ملّت ایران به حساب می‌آوردند؛ این تحوّل نبود، این استحاله‌ی ملّت ایران بود، هویّت ملّت ایران را از او سلب کردن بود. یعنی در واقع ملّت ایران، هویّت دینی خود، هویّت ملّی خود، هویّت تاریخیِ عمیق خود را در این تجدّد از دست داد. تجدّدی که [طیّ آن،] در دوران پهلوی، هم یک مقداری به وسیله‌ی رضاخان، هم [به وسیله‌ی] پشتوانه‌ها و به‌اصطلاح روشنفکرهای غرب‌زده و طلسم‌شده‌ی زمان رضاخان -که او را وادار می‌کردند، هدایت می‌کردند، کمک می‌کردند و توجیه می‌کردند کارهای او را- در واقع هویّت ملّت ایران سلب شد، یعنی [ملّت ایران] از آن هویّت واقعی خارج شد؛ این استحاله است، این تحوّل نیست. تحوّل باید رو به جلو باشد، این رو به عقب رفتن بود. ملّت‌ها اگر چنانچه هویّتِ خودشان را از دست بدهند، داشته‌های معنوی خودشان را از دست بدهند، در واقع یک مرگ تمدّنی برای آن‌ها به حساب می‌آید؛ این یک مرگ تمدّنی است، کما این‌که برای کشور ما هم متأسّفانه همین جور هم بود؛ یعنی در بحث‌های علمی، بحث‌های اجتماعی، بحث‌های دانشگاهی، کار را به جایی رساندند که مثلاً حرف یک دانشمند غربی به عنوان قول فصل[[82]](#footnote-82) شمرده می‌شود؛ بحث که می‌کنند، [می‌گویند] فلان دانشمند غربی این جوری گفته؛ وقتی او این جوری گفته، پس دیگر بحث تمام است. معنای این، آن است که ما راه فکر را ببندیم. وقتی تقلید پیش آمد، مسئله‌ی تقلید از دیگران پیش آمد و این‌که انسان جرئت نداشته باشد در فلان مسئله‌ی علوم انسانی یا امثال آن، روی حرف دانشمند غربی حرف بزند، معنایش این است که باید فکر را گذاشت کنار، اجتهاد را باید گذاشت کنار، باید تقلید کرد؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن تعلیم انبیا است که «یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول‌»؛[[83]](#footnote-83) آن دفینه‌های عقل را، دفینه‌های اندیشه را در انسان‌ها زنده کردن، شوراندن و به ظهور رساندن؛ این نقطه، درست نقطه‌ی مقابل آن‌ها است؛ این هم یک نکته.

### بی‌صبری نکردن در تحوّل و نیاز به دست هدایت‌گرِ مورد اطمینان

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل لزوماً یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ گاهی تحوّل تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنانچه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتّفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدفِ تحوّل هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم، و بی‌صبری نباید کرد؛ این‌که تصوّر کنیم که بایستی حتماً دفعتاً یک کاری انجام بگیرد، نه، این‌جوری نیست.

و اشکال این تجدّدی که حکومت‌های دست‌نشانده به ما دادند این بود که یک دست هدایت‌گری نداشت؛ یکی از اشکالاتش این بود. بایستی در این تحوّلی که تدریجاً بنا است انجام بگیرد، یک دست هدایت‌گرِ مورد اطمینانی بالاسر این تحوّل وجود داشته باشد و بایستی دست‌های مطمئن و قابل اعتماد هدایت کنند این حرکت‌های تحوّلی را؛ وَالّا اگر هدایت نکردند، مثل آن وضعی می‌شود که آن روزها وجود داشت. این هم یک نکته.

### اجتناب از کارهای سطحی و عجولانه

یک نکته‌‌ی دیگر این است که تحوّل را نباید با یک سلسله کارهای سطحی و دم‌دستی اشتباه گرفت. بعضی از کارهای سطحی، که متهوّرانه، عجولانه یک کاری انجام می‌گیرد؛ این‌ها تحوّل نیست؛ گاهی اوقات برای فرونشاندن هوسِ یک کار، این کارها انجام می‌گیرد که این‌ها خیلی ارزشی ندارد. تحوّل،کار عمقی است، کار اساسی است که بایستی اتّفاق بیفتد. سرعت البتّه مهم است لکن سرعت با شتابزدگی فرق دارد. خب حالا این‌ها یک نکاتی بود در مورد تحوّلی که باید ما دنبالش باشیم، ملّت ایران، به‌خصوص جوان‌های ما باید دنبالش باشند؛ این نکات را بایستی توجّه کرد.

## نمونه‌هایی از زمینه‌هایی که باید تحوّل در آن‌ها انجام شود

خب حالا تحوّل در چه زمینه‌هایی باید انجام بگیرد؟ عرض کردم این موضوع یک بحث طولانی دیگری است که بایستی مشخّص بکنیم در چه زمینه‌هایی ما کمبود داریم و بایستی در این‌ها تحوّل به معنای واقعی کلمه انجام بدهیم؛ لکن به صورت یک فهرست مثالی، چند نمونه و چند مثال می‌شود گفت:

### در زمینه‌ی اقتصاد

مثلاً در زمینه‌ی اقتصاد تحوّل به این است که ما بتوانیم بند ناف اقتصاد کشور را از نفت قطع کنیم؛ یعنی بتوانیم اقتصادِ بدون نفت را به وجود بیاوریم؛ این یک تحوّل به معنای واقعی کلمه است.

### در زمینه‌ی بودجه‌بندی‌های دولتی

یا فرض بفرمایید در زمینه‌ی بودجه‌بندی‌های دولتی، دولت و مجلس بودجه را جوری ببندند که به معنای واقعی کلمه ناظر به موضوع، ناظر به مسئله، ناظر به عملکرد باشد؛ به تعبیری «بودجه‌‌ی عملیّاتی»؛ البتّه ادّعا می‌شود، دولت‌ها غالباً ادّعا می‌کنند که بودجه عملیّاتی است ولی نیست. بودجه‌ی کشور به معنای واقعی کلمه اگر چنانچه درست بودجه‌بندی بشود، یک تحوّل در امر اقتصاد [می‌تواند] به وجود بیاورد.

### در زمینه‌ی مسائل آموزشی

یا در زمینه‌ی مسائل فرض کنید که آموزش؛ در زمینه‌ی مسائل آموزشی ما واقعاً احتیاج داریم به تحوّل. تحوّل در زمینه‌ی مسائل آموزش این است که ما آموزش‌های دانشگاهی و دبیرستانی را، حتّی دبستانی را، آموزش‌های عمقی قرار بدهیم؛ عمقی، کاربردی، نه صرفاً حفظی؛ درس‌ها و بحث‌های فایده‌محور را مطرح بکنید. بعضی از درس‌ها در مدارس ما یا در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود که برای آن کسی که دارد این را می‌خواند، هیچ فایده‌ای تا آخر عمرش نخواهد داشت! چون در این زمینه تخصّص هم پیدا نمی‌کند، اطّلاعش هم در این زمینه اطّلاع آن‌چنان کارآمدی نیست؛ مثل اطّلاعات عمومی یک چیزی یاد می‌گیرد که هیچ فایده‌ای ندارد، وقت او را هم می‌گیرد. یعنی در زمینه‌ی آموزش اگر بخواهیم به معنای واقعی کلمه تحوّل ایجاد کنیم، تحوّل به این است که درس، فایده‌محور باشد، عمقی باشد، کاربردی باشد؛ که حالا همین برنامه‌ی تحوّلی که برای آموزش و پرورش تهیّه شده،[[84]](#footnote-84) اگر اجرا بشود و عمل بشود، بخشی از این را به عهده خواهد داشت.

### در زمینه‌ی مسائل اجتماعی

یا در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، مثلاً مسئله‌ی تأمین عدالت، یا حلّ قطعی مشکلاتی مثل اعتیاد؛ این‌ها خب واقعاً یک مشکلات اجتماعی است؛ این‌ها را باید ما حل کنیم؛ یا در زمینه‌ی مسائل خانواده به معنای واقعی کلمه باید تحوّل ایجاد کنیم. امروز خبرها و گزارشهای متقن به ما می‌گوید که کشور ما به‌سرعت به سمت پیری دارد پیش می‌رود؛ این خیلی خبر دهشتناکی است، خبر بدی است؛ از جمله‌ی چیزهایی است که آثار آن در وقتی ظاهر خواهد شد که هیچ گونه علاجی برایش متصوّر نیست؛ خب این‌ها را با تحوّل بایست انجام داد؛ در این زمینه‌ها باید تحوّل انجام بگیرد.

## نترسیدن از دشمنی‌ها و مخالفت‌ها؛ شرط ایجاد تحوّل

خب، یک شرط مهم برای ایجاد تحوّل، نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید که «وَ تَخشَی النّاسَ وَاللهُ أَحَقُّ أَن تَخشاهُ»؛[[85]](#footnote-85) از مردم نباید بترسی؛ از حرف این و آن نباید بترسی. بالاخره هر اقدام مثبتی، هر کار مهمّی ممکن است یک عدّه‌ای مخالف داشته باشد؛ مخالف، مخالفت می‌کند. امروز با حضور فضای مجازی نوع مخالفت‌ها هم غالباً نوع برخوردکننده و تیز و آزاردهنده است؛ اگر چنانچه یک حرکت مهمّ صحیحِ متقنِ محاسبه‌شده‌ای انجام می‌گیرد، باید ملاحظه‌ی این‌ها را نکنند. ملاحظه‌ی دشمن خارجی را هم نباید بکنند؛ هر گونه حرکتی را که در کشور به سمت صلاح انجام بگیرد، یک جبهه‌ی وسیعی از دشمن وجود دارد که این‌ها نشسته‌اند دارند دائم فکر می‌کنند که ضربه‌ها بزنند، هم در زمینه‌های سخت‌افزاری، هم در زمینه‌ها نرم‌افزاری؛ نرم‌افزاری‌شان همین است که این‌ها تصمیم‌های مهم و درست و منطقی را که در کشور گرفته می‌شود، با تبلیغات وسیعی که دارند، زیر سؤال ببرند و با این امپراتوری تبلیغاتی‌ای که دست صهیونیست‌ها هست، این را بکوبند و نابود کنند و از بین [ببرند]. باید از این‌ها نترسید، باید حرکت کرد؛ و به نظر من راهش هم این است که نیروهای جوان حضور داشته باشند؛ آن که ملاحظه نمی‌کند و نمی‌ترسد و بدون ملاحظه حرکت می‌کند نیروی جوان است. [البتّه] حضور نیروهای جوان با همان شکلی که قبلاً عرض کردیم، به معنای استفاده‌ی از فکر جوان و از روحیه‌ی جوان و از حالت اقدام و جسارت و حرکتی که جوان می‌کند؛ نه به معنای نفی حضور ذخیره‌های غیر جوان؛ شرطش این است که این کار انجام نگیرد.

## اضمحلال و افول دشمن؛ نتیجه‌ی اعتماد کشور به خدا

خوشبختانه وقتی که کشور به خدا اعتماد می‌کند، نتیجه همین می‌شود که ملاحظه می‌کنید. یکی از بخش‌های جبهه‌ی دشمن، شوروی بود که آن شکل را پیدا کرد؛ یکی از بخش‌ها این بخش آمریکا است که شما امروز، وضع آشفته‌ی آمریکا را دارید مشاهده می‌کنید.

### بُروز واقعیّاتی در آمریکا که همیشه پنهان نگه داشته می‌شد

آنچه امروز در شهرهای آمریکا و ایالت‌های آمریکا مشاهده می‌شود، بُروز یک واقعیّاتی است که همیشه پنهان نگه داشته می‌شد. این‌ها چیزهای جدیدی نیست، این‌ها بُروز واقعیّت‌ها است؛ که آن لجنِ ته حوض می‌آید بالا خودش را نشان می‌دهد؛ این حالت این جوری است. این‌که مثلاً فرض بفرمایید یک پلیسی با خونسردی تمام، زانویش را بگذارد روی گردنِ یک سیاه‌پوستی و همین طور نگه دارد و فشار بدهد تا او جان بدهد -او التماس کند، استغاثه کند، این هم خونسرد بنشیند روی او و فشار بدهد- چند پلیس دیگر هم بِایستند تماشا کنند و هیچ اقدامی نکنند، یک چیزی نیست که جدیداً به وجود آمده باشد؛ طبیعتِ آمریکایی این است؛ این کاری است که آمریکایی‌ها با همه‌ی دنیا تا حالا می‌کردند. با افغانستان همین کار را کرده‌اند، با عراق همین کار را کرده‌اند، با سوریه همین کار را کرده‌اند؛ با خیلی از کشورهای دنیا [از جمله] قبل‌ها با ویتنام همین کارها را کرده‌اند؛ این اخلاق آمریکا است، این طبیعتِ حکومت آمریکا است؛ امروز این جوری خودش را نشان می‌دهد. این‌که حالا مردم شعار می‌دهند که «بگذارید ما نَفَس بکشیم» یا «نمی‌توانیم نَفَس بکشیم»، که در ایالت‌ها و تظاهرات‌های وسیع شهرهای مختلف، امروز شعار مردم آمریکا شده است، این در واقع حرف دل همه‌ی ملّت‌هایی است که آمریکا در آن‌جا ظالمانه وارد شده است و اقدام کرده؛ این جوری است.

### رسوایی آمریکایی‌ها

و به هر حال به توفیق الهی، به لطف الهی، آمریکایی‌ها با رفتارهای خودشان رسوا شدند؛ آن، مدیریّتشان در قضیّه‌ی کرونا، که آن‌ها را در دنیا رسوا کرده و الان هم این رسوایی ادامه دارد؛ با این‌که دیرتر از خیلی از کشورها این‌ها ابتلا پیدا کردند و می‌توانستند از تجربه‌های دیگران استفاده کنند و می‌توانستند آمادگی‌های لازم را به وجود بیاورند، ضعف مدیریّت در آن کشور موجب شده که امروز تلفاتشان چندین برابر تلفات کشورهای دیگر است و ابتلائاتشان هم همین جور. نتوانستند مدیریّت کنند و نمی‌توانند مدیریّت کنند؛ به خاطر همین خصوصیّات فسادی که در دستگاه حاکمه‌ی آمریکا وجود دارد. این هم وضع اداره‌ی مردم، این هم برخورد با مردم؛ زبانشان هم دراز است؛ مردم را می‌کشند و با جنایت واضح و آشکار، خودشان را نشان می‌دهند و عذرخواهی هم نمی‌کنند؛ در عین حال زبانشان هم دراز است، می‌گویند حقوق بشر! آن مرد سیاهی که آن‌جا کشته شد، ظاهراً بشر نبود و حقوقی نداشت؛ این جوری است.

### احساس سرافکندگی ملّت آمریکا از حکومت‌های خودش

به هر حال به نظر من ملّت آمریکا - من قبلاً هم یک وقت گفتم، الان هم می‌گویم - احساس خجلت و سرافکندگی می‌کند از حکومت‌های خودش؛ و واقعاً جا دارد که ملّت آمریکا از این حکومتی که امروز در آمریکا هست احساس سرافکندگی کند.

### کسانی که آمریکا را بزک می‌کردند، دیگر سرشان را نمی‌توانند بلند بکنند

آن کسانی هم که - چه در کشور ما، [یعنی] ایرانی‌هایی که داخل کشورمان هستند، چه بعضی ایرانی‌هایی که خارج از کشور هستند - شغلشان حمایت از آمریکا و دفاع از آمریکا و بزک کردن آمریکا بود، آن‌ها هم به نظر من دیگر سرشان را نمی‌توانند بلند بکنند با این وضعی که الان پیش آمده.

## دعا

امیدواریم ان‌شاء‌اللّه خداوند متعال حوادث عالم را به نفع ملّت ایران پیش ببرد و اقتدار جمهوری اسلامی را روز‌به‌روز بیشتر کند و روح مطهّر امام بزرگوار را و شهدای عزیز را و شهید عزیز اخیر ما، شهید سلیمانی را با اولیائش ان‌شاء‌اللّه محشور کند.

والسّلام علیکم و ‌رحمة‌الله‌

# \*\*\*تیر 99

# بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه‌ی قضائیه 7/4/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[86]](#footnote-86)

والحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## تبریک و تشکر

پیشاپیش تبریک عرض می‌کنم ولادت حضرت ابی‌الحسن الرّضا (سلام‌ الله علیه و صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه المعصومین المطهّرین) را و همچنین به مجموعه‌ی کارکنان و زحمت‌کشان قوّه‌ی قضائیّه هم، هفته‌ی قوّه‌ی قضائیّه را تبریک عرض می‌کنم. و تشکّر می‌کنم از بیانات جامع و مفید جناب آقای رئیسی -ریاست محترم قوّه‌ی قضائیّه- که بسیاری از مطالب لازم را که بایستی ما بشنویم و مردم بشنوند و آحاد قوّه‌ی قضائیّه بشنوند، در بیانات امروزشان گنجاندند و بیان کردند؛ من هم به بعضی از آن‌ها اشاره خواهم کرد.

درود و رحمت پروردگار را درخواست می‌کنیم برای شهدای هفتم تیر -که حادثه‌ی مهمّی در تاریخ کشور و تاریخ انقلاب بود- و شهدای قوّه‌ی قضائیّه، به‌خصوص شهید مظلوم مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی و شهید قدّوسی و شهید لاجوردی و شهدای متعدّد و بزرگواری که قوّه‌ی قضائیّه در دوران انقلاب و در طول خدمت چهل‌‌‌‌‌ساله‌ی خود تقدیم کرده.

## محتوای سخن امروز

ما درباره‌ی اهمّیّت و شأن قوّه‌ی قضائیّه خیلی حرف زده‌ایم و تکالیف و وظایف را در طول سال‌های متمادی، گفته‌ایم، دوستان گفته‌اند، مسئولان قوّه گفته‌اند و آن مطالب را نمی‌خواهیم تکرار بکنیم. من امروز چند جمله، چند نکته در باب تحوّل قضائی، و تحوّل در دستگاه قضا عرض می‌کنم که خب صحبت جناب آقای رئیسی هم عمدتاً در مورد تحوّل بود، که مسئله‌ی بسیار مهم و اساسی‌ای است. چند نکته هم در باب مبارزه‌ی با فساد، که امروز در قوّه‌ی قضائیّه به صورت نمایانی خودش را دارد نشان می‌دهد، عرض خواهم کرد.

## چند نکته در باب تحوّل قضائی

### ارتقای سند تحوّل قضائی با این سبک درست

در مورد تحوّل، اوّلاً من شنیدم -ظاهراً در گزارش قوّه‌ی قضائیّه هم بود- که سند تحوّلی که در سال قبل، رئیس محترم قوّه تهیّه کرده بودند و ارائه و ابلاغ کردند، ویرایشِ ارتقا‌یافته‌ای داده شده و آنچه امروز در دسترس قوّه‌ی قضائیّه و مورد اهتمام قوّه‌ی قضائیّه است، سندی است که از لحاظ سطح کار، از سند اوّلی بالاتر و پیشرفته‌تر است؛ این خبر بسیار خوبی است برای ما. آن طور که به من گزارش شد این سند را قوّه‌ی محترم قضائیّه با همکاری نخبگان متعدّدی از حوزه و دانشگاه تهیّه کرده، فراهم کرده که این سبْکِ کار هم، سبْک کاملاً درست و متین و منطقی‌ای است؛ و همچنین با استفاده‌ی از تجربیّات برگزیدگانِ درون قوّه و مجرّبین قوّه، ارتقای این سند فراهم شده.

### لزوم انتشار کارنامه‌ی اجرای برنامه‌های مترتّب بر سند تحوّلِ ارتقا داده شده

اگر این [سند] ابلاغ نشده، ابلاغ کنید، دنبال کنید و کارنامه‌ی اجرای برنامه‌های مترتّب بر این سند را هم در وقت خود و در زمان خود منتشر کنید که مردم بدانند که این سند و این برنامه‌ها تا چقدر پیش رفته؛ همین طور که امروز بیان کردید که مثلاً حدود هشتاد درصد در مجموع به طور متوسّط پیشرفت کرده، اگر این را با تفاصیل مردم بدانند، قطعاً در امیدواری به قوّه‌ی قضائیّه تأثیر دارد، که این خیلی مهم است.

### لزوم انجام تحوّل بر مبنای اصول و مبانی فکری اسلامی و دینی

البتّه تحوّل یک چیزی نیست که متوقّف بشود؛ تحوّل طبعاً در هر برهه‌ای از زمان با افکار جدید، با دریافت‌های جدید و ابتکارات تازه مطرح می‌شود و ان‌شاءالله حرکت تحوّلی همین طور ادامه پیدا خواهد کرد. البتّه قبلاً هم ما این را عرض کرده‌ایم، حالا هم تأکید می‌کنیم که تحوّل باید بر مبنای اصول و مبانی فکری اسلامی و دینی باشد؛ وَالّا اگر چنانچه تحوّل مبتنی بر یک مبنایی نباشد، تحوّل نیست، تذبذب[[87]](#footnote-87) و هرج و مرج است. تحوّل، در چهارچوب و قالب یک مبانی متقن و محکمی که از اسلام و از قرآن و مبانی دینی گرفته شده به وجود خواهد آمد.

### لزوم مدیریّت در تحوّل

مدیریّت هم در تحوّل لازم است، که مدیریّتش با رئیس محترم قوّه‌ی قضائیّه است.

### وجود مقاومت در مقابل تحوّل

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل کار بسیار دشواری است. گفتنِ به زبان آسان است که تحوّل ایجاد کنید؛ لکن تحوّل در عمل خیلی کار مشکلی است؛ علّت هم این است که مقاومت‌هایی در مقابل تحوّل هست. بعضی مقاومت‌ها از روی سوء نیّت نیست؛ بعضی‌ها حال و حوصله‌ی تغییرات بنیانی را ندارند، بعضی‌ها توانش را ندارند، بعضی‌ هم ممکن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند این وضع، تغییر پیدا بکند؛ البتّه در بیرون دستگاه قضائی هم شبکه‌ی در‌هم‌تنیده‌ی مجرم و مفسد و مانند این‌ها هم هست که این‌ها هم قهراً مخالفند؛ پشت سر همه‌ی این‌ها هم نگاه دستگاه‌های دشمن و معاند با نظام جمهوری اسلامی است که اصلاً‌ هر حرکت اصلاحی در هر جای جامعه‌ی اسلامی اتّفاق بیفتد، این‌ها ناراحت می‌شوند، مقابله می‌کنند، جوسازی می‌کنند. این‌ها مخالفینند؛ مخالفین هم آرام نمی‌نشینند. شما با قوّت، با روحیه، با شجاعت وارد میدان تحوّل می‌شوید، آن‌ها هم آرام نمی‌نشینند، آن‌ها هم شروع می‌کنند به مقابله کردن. جوسازی می‌کنند؛ گاهی اوقات جوسازی‌های رسانه‌ای است، جوسازی‌های پیگیر است، در افکار عمومی مردم وسوسه ایجاد می‌کنند که واقعاً یکی از مواردِ «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاس»[[88]](#footnote-88) این‌جا است. یکی از کارهایی که می‌توانند بکنند این است که عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل کنند؛ دائماً مشاورت‌های گوناگون که «این کار مصلحت نیست»، نگذارند این کار انجام [بشود]. بنابر‌این، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] این جناح‌های مختلفی که اشاره کردیم فراوان خواهد بود.

### توکّل به خدا، عدم انفعال و ادامه‌ی راه و استقامت؛ راه مقابله‌ی با این‌ها

راه [مقابله‌ی با اینها] توکّل به خدا است؛ توکّل کنید به خدا. وَ مَن یَتَوَکَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُه؛[[89]](#footnote-89) خدای متعال خودش کفایت خواهد کرد، خودش کمک خواهد کرد. راه را درست انتخاب کنید، هدف را درست انتخاب کنید و بعد «فَلِذٰلِکَ فَادعُ وَ استَقِم کَما اُمِرت»؛[[90]](#footnote-90) با استقامت جلو بروید؛ راهش این است. در مقابل کارشکنی،‌ در مقابل وسوسه، در مقابل اذیّت کردن و جوسازی کردن و مانند اینها، تنها راه مهم و مؤثّری که وجود دارد عدم انفعال و ادامه‌ی راه و استقامت است؛ این توصیه‌ی بنده است. این هم یک نکته.

## لزوم پیگیری متوازن همه‌ی وظایف و توجّهِ به همه‌ی آن‌ها در تحوّل

یکی از موضوعات مهم در زمینه‌ی تحوّل این است که شما همه‌ی وظایف قوّه‌ی قضائیّه را -که خب وظایف زیادی است؛ در قانون اساسی ذیل پنج شماره وظایف قوّه‌ی قضائیّه بیان شده که البتّه بیش از پنج اصل است، چون در بعضی از این بندها چند موضوع کنار هم قرار گرفته- باید به صورت متوازن مورد توجّه قرار بدهید و پیش بروید که خوشبختانه می‌بینم در گزارش جناب آقای رئیسی بود؛ [مثلاً] مسئله‌ی احیای حقوق عامّه که جزو این وظایف است، یا پیشگیری از وقوع جرم که جزو این وظایف مهم است، ایشان به این‌ها توجّه کردند و این‌ها وجود دارد. من می‌خواهم بگویم پیگیری متوازن همه‌ی وظایف، یکی از مسائلی است که باید مورد توجّه باشد؛ یعنی ما وقتی که به یکی از این وظایف سرگرم شدیم، مشغول شدیم، از بقیّه‌ی وظایف غافل نمانیم و آن‌ها روی زمین نماند.

### ورود دادستانی‌ها در احیای حقوق عامّه

حالا مثلاً فرض کنید که احیای حقوق عامّه از جمله‌ی این وظایف است که خیلی هم مهم است. احیای حقوق عامّه بسیار چیز مهمّی است؛ یا نظارت بر حُسن اجرای قوانین که این در قانون اساسی، جزو وظایف قوّه‌ی قضائیّه است؛ یا پیشگیری از وقوع جرم یا اصلاح مجرمین؛ این‌ها همه جزو وظایفی است که در قانون اساسی ذکر شده و هر کدام یک فصل مُشبع[[91]](#footnote-91) و مهمّی دارد.

احیای حقوق عامّه عمدتاً کار دادستانی‌ها است که البتّه در این برهه‌ی اخیر خوشبختانه مشاهده شد. حالا هم که جناب آقای رئیسی گفتند که ما منتظر دادخواست نمی‌شویم، وارد می‌شویم؛ بله، همین‌ جور است، یعنی خود دادستانی‌ها در مواقع متعدّدی، وقتی که احساس می‌کنند در یک موردی حقوق عامّه دارد تضییع می‌شود این‌جا بایستی وارد میدان بشوند و وارد کار بشوند که [مواردی] دیده شد. در همین قضایای سیل اوایل سال ۹۸، یک مواردی را دادستان‌ها وارد شدند؛ در جاهای دیگر هم وارد شدند؛ در این اواخر هم مواردی مشاهده شد؛ این بسیار درست است.

### پیشگیری

یا مثلاً پیشگیری بسیار مهم است. در مورد پیشگیری آنچه حائز اهمّیّت است این است که ما بسترهای وقوع جرم و تولید جرم را درست بشناسیم. اگر این بسترها شناخته شدند، دانسته شدند -که من حالا بعد یک نکته‌ای را هم در این زمینه عرض خواهم کرد- آن وقت شما راحت با آشنایی، با بصیرت می‌توانید با وقوع جرم مقابله کنید که اصلاً جرم واقع نشود. ما اگر توانستیم پیشگیری را به معنای واقعی کلمه راه بیندازیم هزینه‌ی مقابله‌ی با جرم به‌شدّت کاهش خواهد یافت. وقتی که بتوانیم پیشگیری را راه بیندازیم اصلاً از لحاظ مواجهه‌ی با جرم و مجرم هزینه‌ی کشور و هزینه‌ی قوّه‌ی قضائیّه بشدّت کاهش پیدا می‌کند؛ البتّه این محتاج همراهی همه‌ی قوا است، به‌خصوص قوّه‌ی مجریّه باید در این زمینه با قوّه‌ی قضائیّه همراهی کند.

پس بنابراین این هم یک نکته که به همه‌ی این موارد و این وظایف به صورت متوازن توجّه بشود و همه‌ی این‌ها ان‌شاءالله مورد توجّهِ تحوّلی قرار بگیرند.

## نیاز به بهره‌گیری از دانش‌ها و دانشمندهایی که کارشان فقط دانش قضائی نیست

آن نکته‌ای که عرض کردم که مرتبط با این قضیّه است -که این هم یک نکته‌ی مهمی است- [این است که] قوّه‌ی قضائیّه نیاز دارد به بهره‌گیری از دانش‌ها و دانشمندهایی که کارشان فقط دانش قضائی نیست. حالا مثلاً در همین زمینه‌ی پیشگیری از جرم؛ خب زمینه‌های جرم بعضاً روانشناختی است، بعضاً اقتصادی است، این را کسی که صرفاً دانش قضائی دارد مشکل بتواند بشناسد تا بتواند حل کند؛ در این [مورد] شما طبعاً احتیاج دارید به افرادی که در زمینه‌ی روانشناسی جمعی، روانشناسی فردی دارای دانش باشند، [دارای] آگاهی باشند یا در زمینه‌ی مسائل اقتصادی درست بدانند که چه چیزی بستر وقوع چه حادثه‌ای و چه مشکلی یا چه راه‌حلّی است؛ اگر چنانچه از نخبگان حوزه و دانشگاه در دانش‌های دیگر استفاده نشود، طبعاً قوّه‌ی قضائیّه نخواهد توانست کار را آن‌چنان ‌که باید و شاید دنبال کند. یا همین احیای حقوق عامّه که گفته شد؛ خب تعریف حقوق عامّه چیز آسانی نیست، خود این محلّ اختلاف است که حقوق عامّه چیست؛ این را طبعاً کسانی که تخصّص در این بخش از حقوق دارند، می‌توانند برای شما تبیین کنند و روشن کنند.

### مصادیقی از حقوق عامّه

البتّه من شنیدم که در جهت ابهام‌زدایی از مفهوم حقوق عامّه، دادستان محترم کل[[92]](#footnote-92) کارهایی کرده‌اند و مصادیق روشنی را از حقوق عامّه مدوّن کرده‌اند و مشخّص کرده‌اند که این‌ها به عنوان حقوق عامّه است؛ از جمله مثلاً مسئله‌ی محیط زیست را یا واگذاری بدون دقّت واحدهای تولیدی را، همین کاری که حالا رئیس محترم قوّه دنبال می‌کنند و بسیار هم کار درست و به‌جایی است که گاهی اوقات می‌شود که این کار، به‌ظاهر کار فردی است امّا در واقع یک کار جمعی و مربوط به حقوق عامّه است؛ مثلاً واگذاری بنگاه‌های تولیدی با عدم دقّت به آدم‌هایی که یا ناصالحند، ناشایستند یا این‌که ناتوانند؛ خب این منجر خواهد شد به این‌که ناگهان یک ضربه‌ی اساسی به کلّ تولید در کشور بخورد، این دیگر مربوط به یک نفر و دو نفر نیست، این حقوق عامّه است.

بنابراین رسیدگی به این قضیّه یک امر مهم و لازمی است و به نظر من قوّه‌ی قضائیّه از دانش‌ها و دانشمندهای بخش‌های مختلف هم در باب تحوّل باید استفاده کند.

## حرکت تحوّلی نمی‌تواند صرفاً متکّی باشد به یک مجموعه‌ی در رأس قوّه

یک نکته‌ی دیگری که این را هم خوب است عرض بکنم، این است که حرکت تحوّلی در قوّه‌ی قضائیّه نمی‌تواند صرفاً متکّی باشد به یک مجموعه‌ی در رأس قوّه -حالا ریاست محترم قوّه خب معلوم است که به معنای واقعی کلمه دنبال تحوّل است- یا عناصر برجسته و صاحبان مناصب بالا؛ [بلکه] باید در کلّ بدنه‌ی قوّه‌ی قضائیّه اعتقاد به تحوّل وجود داشته باشد. خب حالا خوشبختانه ایشان در این گزارشی که اکنون دادند، اشاره می‌کنند به این‌که این معنا در قوّه‌ی قضائیّه وجود دارد، مایه‌ی خرسندی است، من روی این تأکید می‌کنم؛ یعنی کاری بشود که مجموعه‌ی قوّه و عناصر گوناگون در قوّه، و بدنه‌ی قوّه معتقد بشوند به این‌که باید به معنای [واقعی] کلمه تحوّل پیشرفت‌گونه به سمت تحقّق اهداف عالی قوّه‌ی قضائیّه انجام بگیرد.

## لزوم مردمی بودن و مصادیقی از آن

یک نکته هم مسئله‌ی مردمی بودن است که بنده قبلاً هم این را مکرّر گفته‌ام، حالا هم در گزارش جناب آقای رئیسی مسئله‌ی مردمی بودن بود؛ خب، مردمی بودن شقوقی دارد، مصادیقی دارد؛ یک جنبه‌ی مردمی بودن این است که قوّه‌ی قضائیّه خودش را دارای شأن و روحیه‌ی خدمتگزاری به مردم بداند؛ نگاه، از بالا نباشد؛ گاهی نگاه‌های ما به مردم ممکن است [جوری باشد] کأنّه از بالا نگاه می‌کنیم به مردم؛ نخیر، ما جزو مردمیم، بین مردمیم، خیلی از این مردم از ما بالاتر هم هستند و بنابراین این‌که کسی از موضع بالا به آحاد مردم نگاه کند غلط است؛ بنابراین روحیه‌ی خدمتگزاری [مهم است]. ما باید خودمان را خدمتگزار مردم بدانیم؛ هر کدام ما در هر جایی که هستیم. این یکی از جنبه‌های مردمی بودن است.

یک جنبه‌ی دیگر این است که ما کاری کنیم که دسترسی مردم به قوّه‌ی قضائیّه آسان بشود. یکی از کارهای مهم این است که مردم به‌راحتی بتوانند به مراکز مورد نیازشان در قوّه‌ی قضائیّه دسترسی داشته باشند.

یکی دیگر از مسائل مهم این است که مردم، اطّلاعات قضائی پیدا کنند؛ گاهی اوقات کسانی، یک گرفتاری‌ای دارند که اگر چنانچه مثلاً به فلان نقطه‌ی قوّه‌ی قضائیّه مراجعه کنند، این حل خواهد شد؛ [امّا] نمی‌دانند، مطّلع نیستند و این گرفتاری روی آن‌ها فشار می‌آورد، زندگی‌شان را زیر فشار قرار می‌دهد و گاهی مشکلات فراوانی درست می‌کند. بنابراین [باید] اطّلاعات قضائی، آگاهی‌های قضائی مردم هم بالا برود.

یکی هم به معنای حضور در بین مردم است که خب الحمدلله من می‌بینم مسئولین قوّه‌ی قضائیّه -خود جناب آقای رئیسی و بعضی دیگر- راحت بین مردم حضور پیدا می‌کنند؛ این خیلی خوب است؛ یعنی با مردم مواجه بشوید، در بین مردم حضور پیدا کنید؛ این هم یک نقطه است. بنابراین این‌ها جهات مختلف و مصادیق مختلف مردمی بودن است.

یک مصداق دیگری که این را من یک نکته‌ی جداگانه‌ای قرار داده‌ام و این هم خوشبختانه امروز در بیانات آقای رئیسی بود، این است که مردم به قوّه‌ی قضائیّه کمک کنند. حالا شما دارید با فساد مبارزه می‌کند، خیلی خب، یکی از عواملی که می‌تواند شما را در این راه کمک کند گزارش‌های مردمی است؛ وقتی مردم به شما گزارش دادند در زمینه‌ی مسائل مربوط به فساد، شما می‌توانید از آن استفاده کنید و بهره ببرید که البتّه بعد راجع به این توضیح خواهم داد؛ این نکته‌ای است که مربوط به آن بخش بعدی ما است که مربوط به مسائل فساد است.

## لزوم فعّالیّت رسانه‌ای و هنری در باب کار قضائی و تحرّکات قضائی

یک نکته‌ی دیگری هم در مورد تحوّل عرض کنیم که این نکته‌ی آخر است و آن، فعّالیّت رسانه‌ای و هنری در باب کار قضائی و تحرّکات قضائی است. ببینید، دشمنانِ حرکت عمومی نظام جمهوری اسلامی از همه‌ی راه‌های ممکن برای دشمنی استفاده می‌کنند و به هر نقطه‌ای از نقاط نظام جمهوری اسلامی که بتوانند، از همین طرق مختلف ضربه می‌زنند که از جمله‌ی [آنها] مسائل قضائی است. حالا خارجی‌ها را کار ندارم، [امّا] متأسّفانه در داخل هم حتّی با غفلت بعضی از مسئولینِ مربوط به این مسائل کارهایی می‌کنند، فیلم‌هایی می‌سازند که اساس و مبانی قضائی جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برد و متأسّفانه این فیلم‌ها در بازبینی‌های این نشست‌های عمومی هنری و مانند این‌ها مورد توجّه قرار نمی‌گیرد و این‌ها اکران هم می‌شود، روی پرده هم می‌آید و پخش هم می‌شود؛ این خیلی چیز بدی است. قوّه‌ی قضائیّه باید به این مسئله توجّه کند، صرفاً کار تبلیغاتی و رسانه‌ای این نیست که شما بیایید آمار بدهید؛ خب بله، سخنگوی محترم قوّه‌ی قضائیّه می‌آید توضیحاتی می‌دهد، آماری می‌دهد، خیلی هم خوب است، این‌ها لازم هم هست، امّا کافی نیست. این کافی نیست که ما بگوییم آقا ما این کارها را کرده‌ایم؛ نه، برای این‌که ذهن مردم به معنای واقعی کلمه متوجّه به این قضایا بشود، کار هنری لازم است، کار رسانه‌ای به معنای هنری لازم است؛ این را جزو کارهای اساسی باید به حساب آورد.

### کار غربی‌ها در این زمینه

شما ببینید غربی‌ها در این زمینه چه می‌کنند؛ خب دادگاه‌های غرب در سینما و فیلم‌هایشان -حالا آن مقداری که بنده دیدم، در فیلم‌هایی که یا آمریکایی‌ها درست می‌کنند، فیلم‌های هالیوودی، یا اروپایی‌ها درست می‌کنند- یک نقطه‌ی عدالت خشکِ محضِ این جوری است. اصلاً هیچ تعرّضی، تجاوزی به متّهم ندارند و تا یقین نکنند، حکم صادر [نمی‌کنند]؛ دادگاه در فیلم‌ها این جوری است، [امّا] بیرون را شما نگاه کنید، الان وضع آمریکا را مشاهده کنید، ببینید چه کار می‌کنند. هزاران نفر را به صِرف حضور در خیابان می‌برند زندان. این آقای رئیس‌جمهور محترم آمریکا[[93]](#footnote-93) هزاران کودک را از پدر مادرهایشان جدا کرد، در قفس انداخت؛ یعنی روال کارشان این جوری است. می‌گوید که اگر چنانچه فلان کار را بکنید، دَه سال باید بروید زندان؛ خب این قانون نمی‌خواهد؟ لازم نیست که مثلاً کسی [طبق قانون عمل کند]؟ می‌گوید: «من می‌گویم باید این قدر حکم داده بشود»؛ یعنی قضاوت‌هایشان این جوری است، دادگاه‌هایشان این جوری است امّا در مقام تبلیغات که شما نگاه می‌کنید، یک چیز شسته و رُفته و زینت‌کرده‌ و آرایش‌کرده‌ای است که نشان می‌دهند.

خب من البتّه طرف‌دار این نیستم که ما بر خلاف واقع، چیزی را آرایش بدهیم؛ نخیر، امّا همان واقع قضیّه را، آن کاری را که شما دارید انجام می‌دهید، مشخّص کنید، بیان کنید که متأسّفانه عکسش وجود دارد؛ یعنی گاهی اوقات در کشور ما فیلم‌هایی در مورد مسائل قضائی و آنچه مربوط به مسائل قضائی است ساخته می‌شود که درست عکس واقعیّت است، یعنی ضدّ واقعیّت است که من دیگر حالا اسم نمی‌آورم. این‌ها راجع‌ به مسائل تحوّل.

## اوج گرفتن مبارزه با فساد در این دوره

در مورد مسئله‌ی فساد هم چند نکته را عرض می‌کنیم؛ خب الحمدلله توجّه به قضیّه‌ی فساد در قوّه‌ی قضائیّه اوج گرفته. البتّه قبل از این دوره شروع شده بود ولیکن حالا بحمدالله در اوج است و مورد توجّه است؛ و مردم هم که نگاه می‌کنند می‌بینند شما برخورد با مفسد می‌کنید، ملاحظه نمی‌کنید و قاطع وارد میدان می‌شوید، واقعاً خوشحال می‌شوند، امیدوار می‌شوند؛ چون فساد و مفسد یک ضربه‌ی بزرگی به زندگی مردم و به روحیه‌ی مردم و به ایمان و اعتقاد مردم است.

### ویروس خطرناک و واگیردار فساد

حقیقتاً و انصافاً فساد مالی -به همراه فسادهای دیگر که حالا آنچه فعلاً در دستور کار قوّه‌ی قضائیّه است، فسادهای مالی و اقتصادی است- گرفتاری بزرگی است، یک ویروس خطرناکی است مثل همین ویروس کرونا؛ و مثل ویروس کرونا واگیردار هم هست؛ به‌شدّت واگیردار و مسری است؛ یعنی فساد در یک جا، سریع و شدید به جاهای مختلف سرایت می‌کند. یک مفسد فقط خودش مفسد باقی نمی‌ماند، دیگران را هم به دلایل مختلفی به فساد سوق می‌دهد؛ و اتّفاقاً در ویروس کرونا که دست آلوده و ناپاک مایه‌ی انتقال ویروس است، در فساد هم دستهای آلوده و ناپاک موجب می‌شوند که فساد منتقل بشود و دست‌‌به‌دست بشود؛ منتها خب در ویروس کرونا این دست را اگر صابون زدیم و شستیم، مسئله تمام می‌شود [امّا] آن‌جا دیگر آن دست با صابون زدن و شستن تمام نمی‌شود، جز قطع شدن چاره‌ای ندارد. بنابراین مسئله،‌ مسئله‌ی بسیار مهمّی است.

## مبارزه‌ی با فساد در داخل خود قوّه؛ در درجه‌ی اوّل

مأموریّت قوّه‌ی قضائیّه مبارزه‌ی با فساد در کلّ جامعه است که این معلوم است؛ یعنی مسلّماً در کلّ جامعه شما می‌خواهید با فساد مبارزه کنید، لکن در درجه‌ی اوّل، مبارزه‌ی با فساد در داخل خود قوّه است که من این را بارها مکرّر در دیدارهای تقریباً همه‌ساله‌ی با عزیزان قوّه‌ی قضائیّه تأکید کرده‌ام و اصرار بر این ورزیده‌ام. اگر چنانچه فسادی در داخل قوّه‌ی قضائیّه به وجود بیاید، ضررش بسیار بیشتر از فساد بیرون قوّه‌ی قضائیّه است؛ مثل همان «وای به روزی که بگندد نمک»[[94]](#footnote-94) است؛ یعنی این‌ جوری نیست که بتوانیم مثل بقیّه‌ی فسادها با آن برخورد کنیم؛ نه، ضربه و سنگینیِ این خیلی زیاد است و حقیقتاً برخورد جدّی و کارشناسی لازم دارد. بنابراین در درجه‌ی اوّل، نگاه باید به فساد درون قوّه‌ باشد. البتّه این‌که میگوییم درجه‌ی اوّل، معنایش این نیست که این را تمام کنیم، بعد بپردازیم به بقیّه‌ی بخش‌ها؛ نه، به صورت متوازن همان ‌طور که قبلاً گفته شد، همه‌ی این‌ها بایستی پیش برود.

## شناسایی زمینه‌ی بُروز فساد و جنگ با آن با نگاه کارشناسی

نکته‌ی بعد این است که در زمینه‌ی فساد هم، به بسترهای فسادخیز توجّه بشود؛ و این احتیاج دارد به نگاه کارشناسی؛ همان ‌طور که قبلاً اشاره کردند. یعنی بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه‌ی بُروز فساد را و تولید فساد را شناسایی کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه‌کنی فساد تلاش کرد و کار کرد.

## حق و عدل و قانون؛ ملاک قوّه‌ی قضائیّه در مبارزه‌ی با فساد

و ملاک قوّه‌ی قضائیّه هم در مبارزه‌ی با فساد، حق و عدل و قانون است. یعنی هیچ ملاحظه‌ی دیگری را نبایست کرد؛ ملاحظه‌ی حق را باید کرد، ملاحظه‌ی عدالت را باید کرد. و اگر چنانچه در یک موردی مبارزه‌ی با فساد، منطبق با حق و عدل و قانون است بی‌ملاحظه بایستی حرکت کرد.

### عدم اغماض و عدم تعدّی

البتّه من که اصرارم بر عدم اغماض است، از آن طرف هم اصرارم بر عدم تعدّی است؛ یعنی فقط بر عدم اغماض تکیه نمی‌کنیم، بر عدم تعدّی هم تکیه می‌کنیم. خدای نکرده اگر چنانچه کسی که مجرم نیست و مفسد نیست و فاسد نیست، به عنوان مفسد و فاسد شناخته بشود و معرّفی بشود و با او رفتار بشود، این ظلم بسیار بزرگی است؛ یا اگر چنانچه بیش از آن مقداری که مستحقّ مجازات و مستحقّ ملامت است، مجازات و ملامت بشود این هم کاملاً درست نیست؛ یعنی وجود فساد و مفسد، خیلی خطرناک است امّا تعدّی به بی‌گناه به معنای واقعی کلمه از این خطرناک‌تر است؛ این را من تأ‌کید می‌کنم.

عزیزان و مسئولان قوّه‌ی قضائیّه مراقب باشند -چه آنهایی که در دادسراها مشغول کار هستند، چه آنهایی که در دادگاه‌ها مشغول کار هستند- که بر طبق حق و عدل رفتار کنند. یعنی اگر یک جایی حق و عدل اقتضا می‌کند شدّت عمل را، بدون ملاحظه اقدام کنند. آنجایی هم که حق و عدل عدم شدّت عمل را اقتضا می‌کند، جَو‌گیر نشوند که حالا چون جَو این را می‌گوید، ما مثلاً چنین بکنیم؛ این، هم به عزیزان قوّه‌ی قضائیّه [برمی‌گردد]، هم به کسانی که بیرونند. تماشاچیان دادگاه‌های شما هم در این زمینه اظهار نظر [می‌کنند]؛ به‌خصوص حالا که فضای مجازی یک چیز خیلی رایجی است و خیلی‌ها[[95]](#footnote-95) اظهار نظر می‌کنند، قضاوت می‌کنند در فضای مجازی؛ و با بیانهای خودشان، با نوشته‌های خودشان، در واقع در موضع یک قاضی قرار می‌گیرند و رأی می‌دهند و بر اساس این رأی عمل می‌کنند؛ گاهی دشنام می‌دهند، گاهی تهمت می‌زنند و کارهایی مانند این‌ها می‌کنند؛ همه مراقب باشند، یعنی آنهایی هم که در بیرون قوّه‌ی قضائیّه هستند مراقب باشند که مبارزه‌ی با فساد منتهی نشود به تعدّیِ به کسانی.

### لزوم مراقبت مؤمنین از تعدّی به بزرگانِ پاک‌دستِ قبلی قوّه‌ی قضائیّه

من البتّه این‌جا این را هم عرض بکنم که در این برهه‌‌ی اخیر، در همین دادگاه اخیری که در قوّه‌ی قضائیّه مطرح است، به بعضی از بزرگانِ پاک‌دستِ قبلی قوّه‌ی قضائیّه اهانت شد و به آن‌ها ظلم شد؛ یعنی واقعاً جفا شد به آن‌ها که نبایستی این کار می‌شد و نباید بشود. البتّه خطاب من به افراد مؤمن، جوان‌های مؤمن است، وَالّا آن کسی که معاند است با او نمی‌شود کاری‌ کرد. بعضی‌ها هستند که فرض کنید انتقام مواضع محکم انقلابی فلان شخصیّت را وقتی که در آن مقام نیست می‌خواهند از او بگیرند؛ با آن‌ها من کاری ندارم، خطاب من به مردم مؤمن و مردم متدیّن و جوان‌های خوبی است که می‌خواهند بر طبق حق رفتار بکنند؛ مراقب باشند تعدّی نکنند، جفا نکنند، ظلم نکنند. همین حرکت مبارزه‌ی با فساد که الان بحمدالله به این خوبی در قوّه‌ی قضائیّه خودش را دارد نشان می‌دهد خب در زمان جناب آقای آملی[[96]](#footnote-96) شروع شد؛ یعنی ایشان شروع‌کننده‌ی این حرکت بودند؛ هم در داخل قوّه‌ی قضائیّه و هم در بیرون قوّه‌ی قضائیّه؛ این‌ها نبایستی از نظر دور باشد.

## حمایت از تولید و جلوگیری از تعطیلی این واحدها

یک نکته‌ی دیگر در مورد این مسئله‌ی قوّه‌ی قضائیّه و این مبارزه‌ی با فساد [این است که] یکی از کارهای خوب قوّه‌ی قضائیّه حمایت از تولید و جلوگیری از تعطیلی این واحدها است. این‌که حالا جناب آقای رئیسی در گزارششان گفتند «هزار واحد تولیدی»، این خیلی مسئله‌ی مهمّی است، این خیلی کار مهمّی است. واقعاً هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی که می‌تواند کمکی به حرکت اقتصادی جامعه بکند، وظیفه‌اش را انجام بدهد. مردم از لحاظ معیشت دچار سختی‌اند، یعنی معیشت مردم سخت است؛ هر کسی می‌تواند به مسئله‌ی اقتصاد کمک کند، بایستی کمک کند و یکی از کمک‌های قوّه‌ی قضائیّه هم همین است که جلوگیری کند از تعطیلی واحدهای تولیدی. اخیراً جناب آقای رئیسی ابلاغ کردند که بانک‌هایی که حالا مثلاً بعضی از بنگاه‌های تولیدی را مصادره کرده‌اند یا به عنوان گرو نگه داشته‌اند، حق ندارند این‌ها را تعطیل کنند؛ بسیار درست است این حرف؛ این کار کاملاً درست است؛ و این قابل تعمیم است؛ یعنی می‌توانید به موارد دیگر هم این را تعمیم بدهید. مثلاً فرض کنید که بخش خصوصی از دولت کارخانه‌ای را می‌خرد، بعد آن کارخانه را معطّل می‌کند، معوّق می‌کند، کارگرش را بیرون می‌کند، ماشین‌آلاتش را حراج می‌کند، زمینش را هم مثلاً یک ساختمان ۲۰ طبقه یا ۲۵ طبقه می‌سازد! خب این‌ها ضربه‌ی به اقتصاد کشور است؛ این‌ها را می‌توانید به معنای واقعی دنبال کنید که ارتباط با معیشت مردم دارد.

## تشکیل دادگاه‌های تجاری

یک نکته‌ی دیگر تشکیل دادگاه‌های تجاری است که من قبلاً هم این را برای رفع اختلافات اقتصادی گفته‌ام.[[97]](#footnote-97)

## ایجاد زیرساخت حقوقی برای حفظ امنیّت گزارشگران مردمی و بررسی صحّت و سقم گزارش‌ها

یکی از کارهای لازم در مبارزه‌ی با فساد که قبلاً اشاره کردم و گفتم برمی‌گردم به این، همین نظارت‌های مردمی است. خب برای نظارت‌های مردمی و گزارش‌های مردمی زیرساخت حقوقی در داخل قوّه لازم است؛ یعنی شما باید جایگاه این را در داخل قوّه مشخّص کنید که این گزارش‌ها کجا برود، چه جوری بررسی بشود و صحّت و سُقم این گزارش‌ها شناخته بشود، چگونه دنبال بشود، امنیّت آن گزارشگر هم چگونه محفوظ بماند؛ یکی از مسائل مهم این است. آمر به معروف و ناهی از منکر که از جمله‌ی آن‌ها، همین گزارشگری است که می‌آید راجع به وجود فساد در فلان نقطه، در فلان معامله، در فلان اداره به شما گزارش می‌دهد، بایستی امنیّتش -هم امنیّت مادّی‌اش، هم امنیّت معنوی‌اش- حفظ بشود و مورد تعرّض قرار نگیرد. گاهی اوقات می‌شود مثلاً یک جوان مؤمن حزب‌اللهی متدیّنی از روی احساس وظیفه می‌آید یک گزارشی به شما می‌دهد، منتها چون قانون‌دان نیست، یک اشتباهی این‌جا می‌کند؛ مثلاً یک اسمی را که نبایستی تصریح می‌کرد در فلان‌ جا، این را تصریح می‌کند، یک اشتباهی می‌کند در این زمینه؛ آن کسی که قانون‌دانِ قانون‌شکن است از همین اشتباهِ کوچکِ این [جوان] استفاده می‌کند و آن مَفسده‌ی بزرگ را پشت این پنهان می‌کند، این جوان محکوم می‌شود، او سالم درمی‌رود! این چیزها بایستی ملاحظه بشود. این احتیاج دارد به این‌که در داخل قوّه‌ی قضائیّه یک زیرساخت و زیربنای حقوقی‌ای به وجود بیاید که هم امنیّت گزارشگران مردمی را تأمین بکند، هم صحّت و سقم آن‌ها را. ضمناً راه هم برای تهمت‌زنی باز نشود که حالا تا دیدند که یک دستگاهی هست که گزارش‌های مردمی را گوش می‌کند و قبول می‌کند، هر کس با هر کسی مثلاً یک مختصر خرده‌حسابی دارد، فوراً او را متّهم بکند؛ نه، بایستی پیش‌بینی بشود و ملاحظه بشود که این [طور] هم نباشد. بالاخره آن کسی که آمر به معروف و ناهی از منکر است باید به قوّه‌ی قضائیّه دلگرم باشد، بداند که قوّه‌ی قضائیّه پشتیبان او است. این هم راجع به این [نکته].

## تشکر

من لازم می‌دانم از همه‌ی قضات و مدیران شریفی که در سراسر قوّه به کارهای دشوار مشغول هستند و وظایفشان را انجام می‌دهند -در زمینه‌ی تحوّل و وظایف گوناگون دیگر قوّه‌ی قضائیّه- تشکّر کنم. حالا جناب آقای رئیسی اشاره کردند که در دوره‌ی کرونا و مشکلات کم‌ارتباطی و مانند این‌ها، کار قوّه‌ی قضائیّه همچنان ادامه پیدا کرد و کارها پیشرفت کرد، و بعضی هم در زمینه‌ی مسائل تحوّلی واقعاً کار می‌کنند؛ من از همه‌ی این‌ها تشکّر می‌کنم، از خانواده‌هایشان هم تشکّر می‌کنم؛ یعنی نیمی از زحمات آن کسانی که در یک دستگاهی دارند تلاش می‌کنند و کار می‌کنند و خدمت شبانه‌روزی می‌کنند، در واقع مربوط به همسرانشان و خانواده‌هایشان است و اجر الهی هم متوجّه آن‌ها است، از همه‌ی آن‌ها هم تشکّر می‌کنم.

## ادامه دار بودن مسئله‌ی کرونا

من در آخر صحبتم یک اشاره‌ای هم بکنم به این مسئله‌ی کرونا. بعضی‌ها خیال می‌کنند قضیّه‌ی کرونا تمام شد، حل شد؛ نه، مسئله‌ی کرونا ادامه دارد.

### موفّقیّت اوّلیّه‌ی ما در برخورد با کرونا

خوشبختانه، هم در درجه‌ی اوّل، دستگاه‌های درمانی و بهداشتی و بیمارستانی و مانند این‌ها که واقعاً در صف مقدّم، فداکاری کردند -که دیگر حالا این را عرض کرده‌ایم، باز هم اگر ده بار دیگر بگوییم، زیاد نیست، چون کارشان، کار واقعاً برجسته‌ای بود، هنوز هم مشغولند- بعد هم مجاهدین فی‌سبیل‌الله که به صورت داوطلبانه در میدان وارد شدند، از داخل بیمارستان و از داخل شهرها و تا قبرستان و همه جا افرادی وارد شدند و کار کردند و کمک کردند؛ مردم هم انصافاً خوب برخورد کردند، خوب پاسخ دادند که من در اوایل سال به مناسبت تعطیلی سیزده‌به‌در از طرف مردم، واقعاً تشکّر عمیق و صمیمانه از مردم کردم[[98]](#footnote-98) که تا این حد وارد شدند. خب نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که ما در دنیا به صورت یک کشور موفّق در برخورد با کرونا معرّفی شدیم. بعضی از رؤسای کشورها که با آقای رئیس‌جمهور[[99]](#footnote-99) -ایشان به من گفتند- صحبت می‌کردند، از ایشان سؤال کرده‌اند که شما چه کار کردید؟ یعنی این نشان‌دهنده‌ی این است که کار ما، توفیقات کشور ما در مسئله‌ی مبارزه‌ی با کرونا در دنیا منعکس شده که مسئولان کشورها از رئیس‌جمهور ما می‌پرسند شما چه کار کردید؛ این اوّل کار بود؛ حالا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که کأنّه آن حرکت اوّلی، آن مجاهدت اوّلی سست شده از سوی بعضی از مردم و بعضی از مسئولین.

### لزوم ماسک زدن و نتیجه‌ی عدم مراعات آن

من می‌بینم که مسئولین محترم در تلویزیون حضور پیدا می‌کنند، در حالی‌ که دُوروبَرشان هم آدم هست، ماسک هم نزده‌اند؛ خب حالا من هم الان ماسک ندارم امّا دُوروبَر من کسی نیست؛ اگر چنانچه دو نفر، سه نفر بیایند دُور و بَر من، بنده هم حتماً ماسک می‌زنم، کما این‌که می‌زنم در یک مواردی هم، و آدم می‌بیند این ماسک [زده نمی‌شود]؛ خب وقتی که شما که مسئول دولتی هستید، در یک اجتماع مردمی ماسک نمی‌زنید، این جوانی هم که در خیابان دارد راه می‌رود و حوصله‌ی ماسک ندارد، تشویق می‌شود که نزند؛ نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه همین می‌شود که بعد از آن‌که تلفات ما دورقمی شده بود و به حدود سی و چند نفر رسیده بود، حالا رسیده به صد و سی و چند نفر؛ این انسان را غصّه‌دار می‌کند. حدود یک ماه، یک ماه و نیم قبل، در آمارهایی که به ما دادند، از بعضی از استان‌ها نام آوردند که در آن‌ها هیچ تلفاتی نبوده، بنده واقعاً از ته دل خوشحال شدم، خدا را شکر کردم که الحمدلله این تعداد استان‌هایی هستند که در آن‌ها هیچ تلفاتی وجود نداشته؛ حالا همین اخیراً، [یعنی] چند روز قبل از این گزارشی به من دادند، دیدم بعضی از همان استان‌هایی که آن روز در گزارش بود که هیچ تلفات نداشتند، تلفات متعدّدی در آن‌ها گزارش کرده‌اند؛ انسان غصّه‌اش می‌شود، خب نباید این کار را بکنیم، باید ملاحظه کنیم، باید مراقبت بکنیم؛ هم مردم مراقبت کنند، هم مسئولین مراقبت کنند. خوشبختانه مجموعه‌های درمانی همچنان پای کار ایستاده‌اند، نگرانی‌ من از این است که این‌ها خسته بشوند؛ مجموعه‌های درمانی [تحمّل کرده‌اند]؛ خب تا کِی، چه قدر؟ بایستی ما کاری کنیم که بارِ روی دوش این‌ها، این قدر سنگین نباشد. خدای نکرده اگر چنانچه پرستار ما، پزشک ما و بقیّه‌ی عناصر مربوط به درمان و بیمارستان و مانند این‌ها از کار خسته بشوند، خُب واقعاً کارها لنگ خواهد ماند و وضع بدتر خواهد شد.

## لزوم مراقبت از همه‌ی جهات

گفته می‌شود که مشکلات اقتصادی [ایجاد می‌شود]؛ بله، همین ‌جور است؛ بایستی وضعی را پیش‌بینی کرد که مشکلات اقتصادی از ناحیه‌ی کرونا، یا پیش نیاید، یا کمتر بشود و سبک بشود، لکن این را هم باید توجّه داشت که اگر خدای نکرده ما بی‌توجّهی کردیم و مجدّداً کرونا شیوع فراوانی پیدا کرد، خُب کار اقتصاد مشکل‌تر خواهد شد، بدتر خواهد شد، مشکلات بیشتر خواهد شد؛ و ما امروز احتیاج داریم به مراقبت از همه‌ی جهات.

می‌بینید دشمنی‌ها را، می‌بینید آمریکای خبیث را، انگلیس خبیث را، دولت‌های اروپایی را، می‌بینید کارهایی که این‌ها هر چه از دستشان بر بیاید علیه جمهوری اسلامی کوتاهی نمی‌کنند، و خدا را شکر که سرشان به سنگ می‌خورد و نمی‌توانند مقاصد خودشان را عملی کنند و هر کار هم که می‌کنند که با این به قول خودشان «فشار حدّاکثری» ملّت ایران را به زانو در بیاورند، بحمدالله بازخوردش مشت ملّت ایران به سینه‌ی این‌ها و عقب زدن این‌ها است و موفّق نیستند؛ این در صورتی است که ما همه به وظایفمان ان‌شاءالله بتوانیم عمل بکنیم.

## تشکر و دعا

خیلی متشکّرم از جناب آقای رئیسی، رئیس محترم قوّه‌ی قضائیّه و همکارانشان در هیئت رئیسه، در مجموعه‌ها، معاونین، رؤسای دادگستری‌ها و بقیّه‌ی عناصر مسئول و محترم و آحاد قضّات شریف قوّه‌ی قضائیّه و کارکنان محترمشان؛ از همه‌‌ی آن‌ها متشکّر هستم. ان‌شاءالله که خداوند همه‌ی شما را توفیق بدهد، همه‌ی شما را کمک کند و خداوند روح مطهّر امام بزرگوار را شاد کند از این تلاش‌هایی که شما می‌کنید و همچنین ارواح مطهّر شهدای عزیز را ان‌شاءالله با پیغمبر محشور کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی 22/4/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[100]](#footnote-100)

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## شکر، تشکر و دعا

خدا را شاکر هستیم که این توفیق را به ملّت ایران داد که در موعد مقرّر و معیّن بتوانند مجلس شورای اسلامی را تشکیل بدهند و نمایندگان منتخب خودشان را به این مجمع مهم و تأثیرگذار ملّی بفرستند، و خدا را شاکر هستیم از این‌که امروز به بنده توفیق داد که بتوانیم با توجّه به شرایط جاری کشور، شرایط بیماری و محدودیّت‌های موجود، این دیدار را با شما داشته باشیم و عرایضی را عرض بکنیم. از جناب آقای دکتر قالیباف، رئیس محترم مجلس هم تشکّر می‌کنیم؛ مطالب بسیار خوب و البتّه مهمّی بیان کردند. از خدا می‌خواهیم که به شما همه -به رئیس و هیئت‌رئیسه و آحاد نمایندگان محترم- این توفیق را بدهد که بتوانید این مطالب مهم و اساسی را ان‌شاءالله از مجاریِ درستِ قانونیِ خودش دنبال کنید و به نتیجه برسانید.

## مطالب این سخنرانی

بنده اوّلاً یک جمله‌ای راجع به خود این مجلس شما عرض می‌کنم، بعد یک چند کلمه‌ای درباره‌ی شرایطِ کلّیِ کشور عرایضی را به شما تقدیم می‌کنم، بعد از آن هم توصیه‌هایی دارم، عرایضی دارم به شما نمایندگان، آن‌ها را خواهم شمرد و عرض می‌کنم، در آخر هم اگر وقتی باقی بود، راجع به این مسئله‌ی بیماری جاری کشور -این کرونا- چند جمله‌ای مجدّداً عرض خواهم کرد.

## مجلس یازدهم؛ مجلس امید و انتظار مردم

امّا در مورد اوّل که مربوط به مجلس شما است، یک نکته‌ی مهم این است که این مجلس -مجلس یازدهم- مجلس امید و انتظار مردم است، نقطه‌ی امید مردم و مظهر امید مردم است؛ چرا؟ چون مردم در شرایط سخت اقتصادی پای صندوق‌ها آمدند و به شما نمایندگان محترم رأی دادند؛ در شرایط سخت اقتصادی. علاوه‌ی بر این، امواج تبلیغات گوناگون از اطراف از سوی دشمنان خارجی، بعضاً هم عدّه‌ی قلیلی در داخل [بود]، حرف‌هایی زده می‌شد، تبلیغاتی می‌شد که مأیوس‌کننده بود، ناامیدکننده بود و به طور طبیعی بایستی مردم را از آمدن به عرصه‌ی انتخابات مانع می‌شد. با همه‌ی این شرایط، مردم با یک درصد قابل قبولی -که باز در دنیا جزو درصدهای خوب است- پای صندوق‌ها آمدند و نمایندگان خودشان را انتخاب کردند و به شماها رأی دادند؛ چرا؟ چون امیدوار بودند. علی‌رغم همه‌ی این عواملی که دست ‌به دست هم داده بود تا مردم را از صندوق و از مجلس و از انتخابات مأیوس کند و ناامید کند، مردم آمدند و امیدوارانه به تشکیل مجلس شورای اسلامی رأی دادند و شماها را انتخاب کردند. پس این مجلس مظهر امید مردم است، مظهر انتظار مردم است؛ این بسیار نکته‌ی مهمّی است.

## یکی از قوی‌ترین و انقلابی‌ترین مجالس دوران انقلاب

خوشبختانه مجلسِ تشکیل‌شده یکی از قوی‌ترین و انقلابی‌ترین مجالس دوران انقلاب هم هست. بحمدالله سرشار است از نیروهای پُر‌انگیزه و پُر‌ایمان،‌ نیروهای پُر‌توان، نیروهای جوان. هم جوانان تحصیل‌کرده و انقلابی در بین شماها زیاد هستند -جوانان کاربلد، نه دور از مسائل اجرایی؛ در بین مجموعه‌ی شما جوانانی هستند که هم پُر‌انگیزه هستند، پُر‌توانند، هم کاربلدند- هم مدیران انقلابی دوره‌های گذشته؛ تعدادی از مدیرانی که کار اجرایی کرده‌اند، اجرا را می‌شناسند، عرصه‌ی عمل را کاملاً می‌شناسند، در بین شماها جمعی از این‌ها هستند که وجودشان مغتنم است؛ و هم بالاخره سابقه‌داران در قوّه‌ی مقنّنه؛ [یعنی] عدّه‌ای که قبلاً در مجلس بودند و شیوه‌های کار مجلس را می‌شناسند. مجموعه‌ی این سه گروه -آن جوانان، و آن مدیران، و این پیشکسوتان و سابقه‌داران- مجموعه‌ی بسیار خوب و کارآمد و به‌دردبخوری را بحمدالله در این مجلس به وجود آورده. بنابر‌این، مجلس، مجلس بسیار خوبی است. خوشبختانه به مسائل انقلاب هم این مجلس حسّاس است. در همین یک ماه و اندی که گذشته، انسان احساس می‌کند به مسائل انقلاب حسّاسند. سرعت عمل هم به خرج دادید؛ هم در تشکیل هیئت‌رئیسه، هم در تشکیل کمیسیون‌های تخصّصی و تعیین رؤسای این کمیسیون‌ها، و بحمدالله کار را زود پیش بردید و این‌ها همه‌ در خور تحسین است.

## چهار سال فرصت

خب! چهار سال شما در پیشِ رو دارید؛ چهار سال زمان کمی نیست، زمان زیادی است. بله؛ شما مجری نیستید، امّا ریل‌گذار اجرا هستید، می‌توانید تأثیرات بسیار زیادی در مسائل کشور و پیشرفت کشور و آینده‌ی کشور بگذارید، آن‌ هم در چهار سال؛ چهار سال زمان کمی نیست. وظایف سنگینی بر دوش شما عزیزانی است که امروز مخاطب این حقیر هستید که بعد در بخش بعدی، آن چیزهایی که به ذهنم می‌رسد به عنوان توصیه، عرض خواهم کرد. این، آن مطلبی که مربوط به این مجلس بود.

## قوی بودن بنیه‌ی کشور، با وجود مشکلات فراوان اقتصادی

امّا در مورد وضعیّت عمومی کشور، خب در کشور مشکلاتی هست که از دید شماها پنهان نیست؛ مشکلات اقتصادی. حالا بحث فرهنگ بحث جداگانه‌ای است که به یک باب واسع دیگری احتیاج دارد؛ من امروز بیشتر روی مسائل اقتصادی تکیه می‌کنم. مشکلات فراوانی در کشور از لحاظ اقتصادی هست، ولی بنیه‌ی کشور قوی است؛ این خیلی مهم است. بله؛ بیماری هست، امّا بنیه‌ی بیمار قوی است و قدرت دفاعی او زیاد است و توان غلبه‌ی بر بیماری در او وجود دارد. اگر شما کشور را به جسم یک انسان تشبیه بکنید، این مشکلات، همان ‌طور که عرض کردم، به منزله‌ی بیماری است، منتها خطر بیماری نسبت به همه یکسان نیست. خب حالا کرونا در کشور هست، امّا خطر کرونا نسبت به همه یک جور نیست. کسی پیر باشد،‌ ناتوان باشد، توانایی تقویت جسمانی نداشته باشد، دارای بیماری‌های زمینه‌ای باشد، بیماری برای او خطرناک است، خطرآفرین است، پزشک هم وقتی با یک چنین بیماری مواجه می‌شود خیلی امیدوار نیست؛ لکن اگر چنانچه این بیمار جوان باشد، توانایی جسمی داشته باشد و بیماری‌های زمینه‌ای نداشته باشد، فرضاً ورزشکار و از لحاظ جسمی قدرتمند باشد، این بیماری در او هست، لکن خطر در مورد او زیاد نیست و وقتی طبیب هم با یک چنین بیماری مواجه می‌شود، با امید بیشتری به سراغ این بیمار می‌رود. بله؛ کشور بیماری‌هایی دارد، لکن این بیماری‌ها مواجه است با یک توانایی‌هایی که حالا اشاره خواهم کرد.

## عمده‌ترین مشکلات اقتصادی

مشکلات اقتصادی که از آن تعبیر کردیم به بیماری، خب عمده‌ترینش تورّم است، کاهش ارزش پول ملّی است، گرانی‌های بی‌منطق است، مشکلات بنگاه‌های تولیدی است، وجود تحریم‌های خارجی است -که نقش این تحریم‌ها را نباید نادیده گرفت- و نتیجه‌ی این‌ها هم سختیِ معیشتِ طبقاتِ پایین و متوسّط است.

## ظرفیّت‌های گسترده‌ای که باعث قوی بودن بنیه‌ی کشور شده‌اند

این بیماری‌ها هست، لکن بنیه‌ی کشور قوی است. چرا می‌گوییم بنیه‌ی کشور قوی است؟ به خاطر ظرفیّت‌های گسترده‌ای که در کشور وجود دارد، که آقای قالیباف به بعضی از این ظرفیّت‌ها اشاره کردند. بعضی از این ظرفیّت‌ها طبیعی است، بعضی انسانی است.

### نشانه‌های قوی بودن بنیه‌ی کشور

لذا می‌بینید به خاطر همین ظرفیّت‌ها است که در دوران سخت‌ترین تحریم‌ها و فشارهای همه‌جانبه‌ای که علیه کشور در زمینه‌ی اقتصاد به وجود می‌آید، کشور توانسته چند هزار شرکت دانش‌بنیان به وجود بیاورد، صدها طرح زیربنایی ایجاد کند، در همین دوران تحریم و با وجودِ کاهشِ درآمدِ نفت، کار بزرگی مثل ایجادِ پالایشگاهِ ستاره‌ی خلیج فارس را انجام بدهد؛ یک حرکت به این بزرگی، و کارهای فراوان که در زمینه‌ی مسائل نیرو، آب و برق انجام گرفته؛ افتتاح‌های فراوانی دارد انجام می‌گیرد که شما می‌بینید این‌ها را؛ این‌ها واقعی است، این‌ها وجود دارد، دارد کار انجام می‌گیرد. در زمینه‌ی صنایع نظامی، کارهای حیرت‌انگیز انجام می‌گیرد، در زمینه‌ی مسائل فضائی [هم] همین ‌جور. دشمنان ما، مخالفین ما، همان کسانی که این تحریم‌ها را تحمیل کرده‌اند و امیدوار بودند که ایران را به خاطر این تحریم‌ها به زانو دربیاورند، همان‌ها دارند اقرار می‌کنند، اعتراف می‌کنند که نتوانسته‌اند و کشور سر پای خودش ایستاده؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که بنیه‌ی‌ کشور خیلی قوی است.

این چیزهایی که ما عرض کردیم، بخشی از ظرفیّت‌های کشور است. حالا فرض بفرمایید ظرفیّت‌های مادّی مثل معادن، جنگل‌ها، موقعیّت جغرافیایی، تنوّع اقلیمی، تا برسیم به مسئله‌ی تاریخ و هویّت ملّی و امثال این‌ها. این‌ها همه ظرفیّت‌های بسیار مهم و اساسی است که در کشور ما بعضی از این ظرفیّت‌ها اختصاصی است؛ یعنی هیچ کشور دیگری از آن‌ها برخوردار نیست، ما برخورداریم بحمدالله.

### ظرفیّت‌های معنوی

این‌ها ظرفیّت‌های مادّی است، لکن در کنار این‌ها ظرفیّت‌های معنوی [هم] هست. من اصرار دارم که به این ظرفیّت‌های معنوی توجّه کنیم، از این‌ها استمداد کنیم، این ظرفیّت‌ها را -آن‌هایی که نیاز به فعلیّت دارد- به فعلیّت برسانیم. این ظرفیّت‌های معنویِ کشورِ ما، غالباً یا تقریباً همه، ریشه در ایمان مذهبی و ایمان انقلابی دارد؛ یعنی ایمان مذهبی و انقلابی مردم زیاد است، ظرفیّتی به وجود می‌آورد، توانایی‌هایی را در کشور به وجود می‌آورد که از این توانایی‌ها می‌شود استفاده کرد. در طول انقلاب -از اوّل انقلاب تا دوران جنگ تحمیلی تا امروز- نمونه‌هایش را دیده‌ایم.

#### حضور به‌هنگام و فداکارانه‌ی ملّت در موج اوّل بیماری کرونا

تازه‌ترین نمونه‌ی این ظرفیّت‌های مهمّ ملّی و مبتنی بر ایمان انقلابی و مذهبی، همین حضور به‌هنگام و فداکارانه‌ی ملّت در موج اوّل بیماری کرونا است. این شوخی بود؟ مجموعه‌های درمانی، مبارزان صف مقدّم بودند؛ پشت سر این‌ها آحاد عظیمی از مردم، جوانها، در جاهای مختلف و به شکلهای گوناگون وارد میدان شدند و خدمت کردند و کار کردند و کار این‌ها آن روز مؤثّر بود در کاهش آلام ملّت ایران در مقابل این بیماری خطرناک. یا در نهضت کمک مؤمنانه؛ از مردم خواسته شد که وارد عرصه‌ی کمک به آحاد ضعیف جامعه بشوند. البتّه اگر ما هم نمی‌گفتیم، خود مردم وارد شده بودند؛ قبل از گفتن ما هم وارد شده بودند، بعد هم به شکل فراگیر در همه‌ی کشور، شما دیدید چه کارهای بزرگی انجام گرفت، چه خدمات باارزشی به خانواده‌های ضعیف شد که در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، این حرکت عمومی مردم انجام گرفت. این‌ها ظرفیّت‌های معنوی کشور است، این‌ها چیزهای مهمّی است.

#### حرکت خیره‌کننده‌ی مردم در بدرقه‌ی شهید سلیمانی

نمونه‌ی دیگر این ظرفیّت معنوی، اندکی قبل از همین حوادث، مربوط به حرکت خیره‌کننده‌ی مردم در بدرقه‌ی شهید سلیمانی است. شما دیدید ملّت ایران چه کردند؛ چه کردند در تهران، چه کردند در شهرستان‌های مختلف، مردم چگونه با این قضیّه‌ی مهم -شهادت یک سردار برجسته- مواجه شدند. خطا است اگر ما خیال کنیم این فقط یک حرکت عاطفی محض بود؛ بله؛ عواطف هم تأثیر داشت، لکن این حرکت خیلی فراتر از یک حرکت عاطفی محض بود؛ این، ایمان به جهاد مردم را نشان می‌داد. مردم نشان دادند که به جهاد در میدان مقاومت معتقدند، به مبارزه معتقدند، به مقاومت در مقابل استکبار معتقدند. مردم نشان دادند که به کسی که مظهر اقتدار ملّی و اقتدار جهادی ایران است احترام می‌گذارند. شهید سلیمانی مظهر این اقتدار بود، در کلّ منطقه اقتدار ملّی ایران را به رخ دشمنان کشور و دشمنان انقلاب می‌کشید، مظهر این روحیه‌ی اقتدار ملّی بود، مردم به این احترام گذاشتند. این مسئله، مسئله‌ی خیلی مهمّی است؛ یک چنین ظرفیّتی خیلی باارزش است؛ نشان داد که مردم برای قهرمان ملّی خودشان چه اهمّیّتی قائلند؛ مُشتی بود به دهان آن کسانی که درباره‌ی این چهره‌ی درخشان یاوه‌گویی می‌کنند، حرف‌های متناسب خودشان را می‌زنند، مثل مسئولین آمریکا و امثال این‌ها در سطح دنیا.

#### ورود مردم به میدان، در جاهایی که نظام مشکل پیدا کرد

نمونه‌های فراوان دیگری هم از این ظرفیّت معنوی و حضور معنوی و آمادگی ملّت ایران وجود دارد که همه‌ی این‌ها ریشه در ایمان اسلامی و ایمان انقلابی دارد؛ این‌ها را نمی‌شود منکر شد؛ اگر کسی منکر بشود، مثل این است که منکر آفتاب در وسط روز شده باشد. شما ببینید در طول این سال‌ها هر جایی که نظام مشکل پیدا کرد، مردم وارد میدان شدند؛ آنجایی که کسانی با تحریک دشمنان -چه در سال ۷۸، چه در سال ۸۸ چه در سال‌های بعد- یک حرکتی انجام دادند که برای نظام مضر بود، آن که توانست بیاید وسط میدان و دشمن را مأیوس کند مردم بودند. ظرفیّت از این بالاتر؟ بنیه‌ی قوی از این بهتر؟ این بنیه‌ی قویِ ملّت ایران است. پس بنابر‌این، این واقعیّت‌ها را که انسان می‌بیند، می‌فهمد که بنیه‌ی کشور در مقابل این حوادث گوناگون قوی است.

## مشکلات ما، ناشی از کم‌توجّهی خودمان

مشکلات ما هم حقیقتاً ناشی از این است که خودمان کم‌توجّهی کردیم: ظَهَرَ الفَسادُ فِی البَرِّ وَ البَحرِ بِما کَسَبَت اَیدِی النّاس؛[[101]](#footnote-101) خود ما یک جاهایی بی‌توجّهی کردیم، کم‌توجّهی کردیم. مثلاً فرض کنید به تولید اهمّیّت ندادیم، به سرمایه‌گذاری اهمّیّت ندادیم، ناگهان مواجه شدیم با شکست کارخانه‌جات مِن باب مثال، یا فرض کنید که مشکلات تولید در کشور. خب وقتی انسان کار نکند، نتیجه‌ی کار نکردن مشهود است. آنجاهایی که خود ما مسئولین بی‌توجّهی کردیم، کم‌توجّهی کردیم -در طول سال‌های مختلف البتّه- نتایجش این خواهد بود.

## شروط رفع مشکلات اقتصادی

اگر چنانچه این تفکّر و روحیه‌ی خوداتّکایی و اعتمادبه‌نفْس ملّی -که امروز خوشبختانه عمومیّت پیدا کرده و به‌خصوص در بین قشر جوان تحصیل‌کرده‌ی با عزم و اراده رشد پیدا کرده- و این اعتماد به نیروی داخلی در اقتصاد به همین شکل پیش برود و امیدهای واهی‌ای که گاهی انسان مشاهده می‌کند به بیرون از مرزها وجود دارد و اقتصاد کشور را شرطی می‌کند نسبت به تصمیم‌گیری بیگانگان، اگر چنانچه وجود نداشته باشد یا ضعیف بشود و اعتماد ملّی افزایش پیدا کند، به نظر بنده همه‌ی این مشکلاتی که امروز در اقتصاد وجود دارد قابل رفع و برطرف کردن است. بایستی از این بنیه‌ی قوی کشور استفاده کرد. و حالا [اگر] همین مطالبی را که در بیانات آقای دکتر قالیباف بود و امثال این‌ها را ان‌شاء‌الله با شدّت و جدّیّت و در حدّ امکانات و مسئولیّتهای مجلس و مجاری قانونی مجلس دنبال کنید، ان‌شاء‌الله مشکلات برطرف خواهد شد؛ خاطر بنده جمع است که همه‌ی این مشکلات قابل برطرف شدن است.

## مسئولیّت‌های نمایندگان

و امّا مسئله‌ی مسئولیّت‌های شما نمایندگان عزیز، که بحث اصلی در واقع این است و من این‌جا هم البتّه نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم، چند مطلب را به عنوان توصیه عرض می‌کنم.

### خالص کردن نیّت و کار کردن برای مردم

اوّلین مطلب این است که برادران عزیز، خواهران عزیز! نیّتتان را خالص کنید و برای مردم کار کنید. در پارلمان‌های دنیا به نام مردم خیلی حرف زده می‌شود، امّا برای مردم کار نمی‌شود. یک پارلمان منحط آن پارلمانی است که در آن، مسائل شخصی و مسائل جناحی بیشتر از مسائل ملّی و مسائل مردمی تأثیرگذار باشد. اوّلین مسئله این است، اوّلین توصیه این است. برای خدا، یعنی حقیقتاً با نیّت خالص، تصمیم بگیرید برای مردم کار کنید. اسیر جَو و مانند این چیزها هم نشوید. گاهی اوقات می‌شود جوّی به وجود می‌آید که انسان را می‌کشاند به یک طرفی؛ نه، نگاه کنید ببینید تکلیف چیست، چه چیزی برای مردم مفید است؛ ولو بر خلاف جوّ حاکم هم باشد، اشکالی ندارد، آن را دنبال بکنید. اسیر جَو نشوید و به تعبیر معروف، جَوزده نشوید.

#### سوگند شرعی است نه تشریفات ظاهری

یک مطلب، مسئله‌ی سوگند شما است. این سوگندی که در آغاز مجلس دسته‌جمعی اداء می‌شود، یک سوگند شرعی است و به هیچ وجه تشریفات ظاهری نیست؛ این قسم خوردن است، یعنی تعهّد ایجاد می‌کند.

##### تعهّدات این سوگند

شما در این سوگند تعهّد کردید که پاسدار حریم اسلام باشید، نگاهبان دستاوردهای انقلاب باشید؛ این‌ها در متن سوگند شما آمده. بایستی به‌جِد پایبند این معنا باشید؛ یعنی نگاهبان دستاوردهای انقلاب و پایبند جدّی به این تعهّد و پاسدار حریم اسلام. تخلّف از این سوگند، بازخواست شرعی دارد،‌ بازخواست الهی دارد؛ یعنی روز قیامت خدای متعال از انسان سؤال می‌کند. این مثل یک قسم معمولی عادّی هم نیست؛ آن هم البتّه تخلّف کردنش کفّاره دارد،‌ آن هم سؤال دارد از طرف خدای متعال، امّا این خیلی فرق می‌کند با این‌که مثلاً ما یک قسمی بخوریم برای یک کار شخصی؛ این یک مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی مردمی است، باید جواب داد و این سوگند، سوگند مهمّی است.

### اولویّت دادن به مسائل کلیدی

توصیه‌ی بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجّه کنید، اولویّت را به مسائل کلیدی بدهید. به مسائل فرعی و درجه‌ی دو گاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه‌ی دو که مانع از حرکت جدّی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود.

#### مسائل کلیدی در مقوله‌ی اقتصاد

مثلاً حالا در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسائل کلیدی را مطرح کنیم، مسئله‌ی تولید یک مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که ما امسال را گفتیم [سال] «جهش تولید»؛ الان ماه چهارم سال هستیم، بایستی نشان داده بشود در سال که این جهش انجام گرفته.

مسئله‌ی اشتغال جزو مسائل کلیدی است که البتّه با تولید ارتباط پیدا می‌کند.

مسئله‌ی مهار تورّم مسئله‌ی جدّاً کلیدی است که علل زنجیره‌ی تورّم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل.

مدیریّت نظام پولی و مالی جزو مسائل کلیدی است.

عدم وابستگی اقتصاد کشور به نفت جزو مسائل کلیدی است؛ این‌ها مسائلِ مهم است. این‌ها در زمینه‌های اقتصادی.

#### مسائل کلیدی در مقوله‌ی اجتماعی

در مقوله‌ی مسائل اجتماعی و غیره هم مسئله‌ی مسکن یک مسئله‌ی جدّاً مهم و کلیدی است؛ در سبد هزینه‌های خانوار، مسکن سهم بسیار عمده‌ای دارد و مسئله‌ی مسکن خیلی مهم است.

مسئله‌ی ازدواج جوانان خیلی مهم است؛ جزو مسائلی است که اصلاً نباید از آن غفلت کرد و راه‌هایی برای تسهیل ازدواج، و امکان ازدواج برای جوان‌ها، باید پیش‌بینی بشود. بعضی از این راه‌ها هزینه‌ی مادّی هم ندارد؛ فقط تصمیم‌گیری لازم دارد، توجّه لازم دارد.

مسئله‌ی فرزندآوری و مسئله‌ی نسل بسیار مهم است؛ این موضوعی است که بنده بارها[[102]](#footnote-102) در این چند سال اخیر تکیه کرده‌ام و تأکید کرده‌ام، [ولی] متأسّفانه حالا که انسان نتایج را نگاه می‌کند، معلوم می‌شود که خیلی این تأکیدها تأثیر زیادی نداشته. این‌ها احتیاج دارد به قانون، احتیاج دارد به دنبال‌گیری جدّی دستگاه‌های اجرایی و بایستی به‌جِدْ مسئله‌ی فرزندآوری را مهم دانست و از پیری جمعیّت ترسید. حالا خارجی‌ها را کار نداریم؛ دشمن، دشمن است؛ امّا بعضی کج‌سلیقگی‌ها را متأسّفانه آدم در داخل مشاهده می‌کند -یک جایی خواندم- که می‌گویند «آقا! پیری جمعیّت اشکالی ندارد»! چه‌طور اشکالی ندارد؟ یکی از پُرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیّت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند.

مسئله‌ی مدیریّت فضای مجازی جزو مسائل مهمّ ما است که این مسئله، مسئله‌ی بلندمدّت هم نیست؛ مسئله‌ی کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت و جزو مسائل نزدیک ما است که باید [به آن توجّه بشود] و امثال این‌ها مسائل کلیدی‌ای وجود دارد. توجّه کنید دچار حاشیه‌ها نشوید، دچار مسائل فرعی و بی‌اولویّت نشوید.

### تعامل و هم‌افزایی با بقیّه‌ی قوا و نقشه‌ی کلّی آن

یک توصیه‌ی دیگر مسئله‌ی تعامل و هم‌افزایی با بقیّه‌ی قوا است.

نقشه‌ی کلّی تعامل به نظر حقیر این است: از طرف دو قوّه‌ی مجریه و قضائیّه تعاملشان به این است که بایستی موبه‌مو مصوّبات شما را عمل کنند؛ یعنی تعلّل در اجرای مصوّبات مجلس جایز نیست و تعطیل مصوّبات مجلس، و بی‌اعتنایی به آنها، جایز نیست؛ آن دو قوّه موظّفند که مصوّبات شما را عمل کنند. از طرف شما هم تعامل به این است که مصوّبه را با توجّه به ظرفیّت‌های کشور تصویب کنید، ایجاد کنید. خیلی چیزها هست که انسان دلش می‌خواهد تصویب کند، این چیز خیلی خوبی است، امّا ظرفیّت کشور، توانایی کشور، واقعیّت‌های کشور پاسخگو نیست. توجّه بشود به ظرفیّت‌های قوّه‌ی مجریه و قوّه‌ی قضائیّه و ظرفیّت‌های کشور و واقعیّت‌های موجود، با توجّه به این‌ها مصوّبه تولید کنید و این به نظر من می‌تواند یک تعامل خوبی از دو طرف به وجود بیاورد.

#### روابط با دولتمردان منطبق با قانون و شرع

روابط خودتان با دولتمردان را هم [مواظبت کنید]؛ چون شما سر و کار دارید با دولتمردان. یکی از کارهای خوب همین بوده که وزرای محترم آمده‌اند در مجلس و اوضاع بخش مربوط به خودشان را برای شما توضیح داده‌اند؛ یکی‌ از کارهای خوبی که در این یک ماه و اندی انجام گرفته این است. لکن این روابط با دولتمردان بایستی هم با قانون منطبق باشد، هم با شرع؛ هم قانونی باید باشد، هم شرعی. یعنی سؤال، تفحّص و امثال این‌ها که در قانون آمده، این‌ها حقّ شما است، بایستی انجام بدهید، امّا توهین نه، دشنام نه، نسبتِ بدون علم نه؛ این‌ها حقّ شما نیست و بعضی‌اش حرام شرعی هم هست و جایز نیست؛ انسان به وزیر مثلاً توهین کند یا دشنام بدهد یا تهمتی بزند، این مطلقاً جایز نیست. بنابر‌این، تفکیک کنید بین آنچه وظیفه‌ی شما است و آنچه ممنوع است برای شما. شرع و قانون یک چیزهایی را به عنوان کارهای بایدِ شما معیّن کرده، یک چیزهایی را به عنوان نبایدِ شما معیّن کرده؛ هم به بایدها، هم به نبایدها، بایست توجّه بکنید. برخورد احساسی نباید کرد، برخورد غیر منطقی نباید کرد؛ برخورد متین، خردمندانه، قابل توجیه، ولو قوی. گاهی هست که شما حرف طرف مقابل را صددرصد قبول ندارید؛ یعنی صددرصد رد می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد، لکن باید جوری نظر و همین رأی مخالف ادا بشود که کسی که از بیرونِ مجلس دارد نگاه می‌کند، ببیند حق با شما است؛ یعنی با متانت و با خردمندی.

#### زیان‌بخش بودنِ درگیری‌ها در صدر، برای افکار عمومی

در زمینه‌ی همکاری‌های با قوا و با دولتمردان، دو نکته‌ی دیگر هم هست که آن را هم عرض می‌کنم. یک نکته این‌که به تجربه در طول این سال‌های متمادی ثابت شده که درگیری‌ها و منازعات و مجادلات در صدر، برای افکار عمومی مردم زیان‌بخش است، مردم را ناراحت می‌کند. بله؛ مردم از شما و از دولت یا قوّه‌ی قضائیّه توقّع دارند که حق را بیان کنید و حق را دنبال بکنید، امّا توقّع ندارند که با هم مجادله کنید و گریبان یکدیگر را بگیرید؛ این را مردم هیچ دوست نمی‌دارند و تشنّج در رئوس دستگاه‌ها به‌خصوص، مردم را اذیّت می‌کند، ناراحت می‌کند، روی افکار عمومی تأثیر منفی می‌گذارد.

#### دشمنیِ با همه‌ی توان دشمن؛ نشانه‌ی اقتدار

دوّم این‌که امروز شما ملاحظه می‌کنید می‌بینید دشمن غدّار،[[103]](#footnote-103) این جبهه‌ی دشمن -فقط آمریکا نیست؛ آمریکا خبیث‌ترین و قبیح‌ترین‌شان است، وَالّا فقط آمریکا نیست؛ دشمن یک جبهه است- همه‌ی نیرویش را متمرکز کرده برای این‌که جمهوری اسلامی را بلکه به عقب‌نشینی وادار کند. البتّه این هم جزو افتخارات ما است؛ این‌که جبهه‌های قدرتمند سیاسی و اقتصادی در دنیا همه‌ی توانشان را روی هم بگذارند بیایند مقابل انسان، نشان‌دهنده‌ی اقتداری است که در شما وجود دارد. اگر شما قوی نبودید، اگر شما مقتدر نبودید، آن‌ها لازم نبود این ‌قدر خِیل و رَجِل[[104]](#footnote-104) جمع کنند، این ‌همه نیرو و سیاهی لشکر دنبال خودشان راه بیندازند بیایند مقابل شما؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که شما قوی هستید.

#### اتّحاد و انسجام داخلی؛ تکلیف ما در مقابل این دشمنی

امّا بالاخره واقعیّت این است که دشمن همه‌ی نیرویش را به میدان آورده؛ نیروی اقتصادی را، نیروی سیاسی را، نیروی تبلیغاتی را. می‌بینید؛ شاید بشود گفت هر روز یا لااقل هر دو سه روز یک ‌بار این یاوه‌گوهای آمریکایی، آن وزیر خارجه و آن یکی دیگر و آن رئیسشان، حتماً یک چیزی راجع به ایران می‌گویند؛ یا در یک مصاحبه یا در یک مجمع مثلاً بین‌المللی یا [اگر] هیچ جا نباشد، لااقل در لابی صهیونیستی، یک چیزی، یک غُری، یک نِقی، یک حرف چرندی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌زنند. خب این نشان‌دهنده‌ی این است که این‌ها بِه‌جِد تصمیم گرفته‌اند که همه‌ی امکان تبلیغاتی خودشان را هم وارد میدان کنند؛ علاوه بر امکانات اقتصادی، امکانات این ‌جوری را هم وارد میدان کنند. خب در این شرایط، تکلیف ما چیست؟ تکلیف ما اتّحاد داخلی و انسجام داخلی است که نشان‌دهنده‌ی وحدت در مقابل دشمن است. بله؛ اختلاف سلیقه داریم، اختلاف نظر داریم، بعضی افرادمان ممکن است همدیگر را قبول هم نداشته باشیم، امّا در مقابل دشمن، همه با هم دست به دستِ هم می‌دهیم، یک حرف می‌زنیم، یک فریاد می‌کشیم، یک اقدام می‌کنیم، یک حرکت انجام می‌دهیم.

#### ایفای نقش نظارتی مجلس با متانت و خردمندانه و بدون حاشیه

من البتّه نقش نظارتی مجلس را خیلی مهم میدانم؛ یعنی واقعاً نقش نظارتی مجلس یک نقش اساسی و حیاتی است و هیچ نبایستی به این نقش نظارتی بی‌توجّهی بشود، لکن معتقدم که این نقش را با متانت ایفا بکنید؛ خردمندانه و با متانت و بدون حاشیه ایفا بشود.

### سال حسّاس آخر دولت‌ها

و یک نکته‌ای هم، هم خطاب به شما عرض می‌کنم، هم به دولتی‌ها؛ مجموعاً توجّه کنید. سال آخر دولت‌ها معمولاً سال حسّاسی است. خب تجربه‌ی بنده دیگر زیاد است در این زمینه. سال چهارم دولت‌ها، به‌خصوص اگر [سالِ] چهارمِ دوّم باشد، سال بسیار حسّاسی است و معمولاً در این سال اگر چنانچه مراقبت نشود، کارها سست خواهد شد. اوّلاً همه‌ی دولت‌ها موظّفند تا روز آخر تلاش کنند و کار کنند؛ تا لحظه‌ی آخر. بنده اعتقاد راسخ دارم که دولت‌ها بایستی تا آخرین روز مسئولیّتشان تلاش کنند و کار کنند و وظایف خودشان را انجام بدهند، بعد امانت را به دولت بعدی تسلیم کنند، البتّه عقیده‌ام این است که با صورت‌وضعیّت؛ مثل مهندسی که وسط کار، بنا را به یک مهندس دیگری تحویل می‌دهد و صورت‌وضعیّت می‌دهد؛ این کاری است که انجام گرفته، این وضعی است که الان موجود است. بایست تا روز آخر مشغول کار باشند. در این شرایطِ حسّاسِ سالِ آخریِ دولت که سال اوّل شروع کار شما و فعالیّت شما است، بایستی هر دو -هم دولت، هم مجلس- سعی کنند فضا را به نحوی مدیریّت کنند که به کار لطمه نخورد. مراقبت بشود؛ جوری مدیریّت کنید فضا را که به کار مهمّ کشور هیچ ‌گونه لطمه‌ای وارد نشود.

### دو مرکز بسیار مهم مجلس

آخرین بحث من در مورد مجلس این است که شما دو مرکز بسیار مهم دارید که هر کدام به نوبه‌ی خود اهمّیّت ویژه‌ی خودش را دارد. یکی مرکز پژوهش‌ها است که مرکز کارشناسی است و بسیار مرکز مهمّی است؛ از این مرکز به بهترین وجه استفاده کنید. در گذشته هم خوشبختانه در موارد زیادی از مرکز پژوهش‌ها خیلی خوب استفاده شده؛ این مرکز گاهی کمک کارشناسی حیاتی به نمایندگان کرده. این مرکز، مرکز بسیار مهمّی است.

مرکز دوّم مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان است که چند سالی است راه افتاده؛ این هم خیلی مهم است.

#### لزوم مراقبت از خود و دیگران

شماها البتّه همه خیلی خوبید، خدا ان‌شاءالله که همه‌ی شما را اجر بدهد؛ امّا خوب بودن یک مسئله است، خوب ماندن یک مسئله‌ی دیگر است؛ باید سعی کنیم خوب بمانیم. همه‌ی ما در معرض اشکال هستیم، ممکن است خدای‌ نکرده لغزشی برایمان پیش بیاید. همه‌ی ما -بنده هم همین جور هستم، شما هم همین جور هستید- در معرضیم، بایستی مراقبت کنیم؛ هم خودمان از خودمان مراقبت کنیم، هم «وَ تَواصَوا بِالحَقِّ ‌وَ تَواصَوا بِالصَّبر».[[105]](#footnote-105) این مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان همان «تَواصَوا بِالحَقِّ ‌وَتَواصَوابِالصَّبر» است، همان امر به معروف و نهی از منکر است، همان مراقبت و تکافل[[106]](#footnote-106) اجتماعی است که در اسلام وجود دارد.

## درباره‌ی کرونا

### لزوم مراقبت

خب؛ صحبت آخر هم مربوط به کرونا است. اوّلاً این گسترش مجدّد کرونا یک غم عمیقی را در انسان به وجود می‌آورد. این‌که انسان تلویزیون را باز کند ببیند می‌گوید امروز ۱۸۰ نفر، چند روز پیش ۲۲۰ نفر [جان باختند]، انسان خیلی دل‌شکسته می‌شود، خیلی غصّه‌دار می‌شود؛ در یک شبانه‌روز این تعداد! ۳۰ نفر هم زیاد بود. آن وقتی که کم شده بود حدود ۳۰ نفر [بود، که] آن هم زیاد بود. این ۳۰ نفر هر کدامشان به‌تنهایی عزیزانی دارند، عزیز کسانی هستند؛ پدر دارند، مادر دارند، همسر دارند، فرزند دارند، برادر دارند، دوستانی دارند، این‌ها عزادار می‌شوند. حالا اگر این رقم مثلاً برسد به ۲۰۰ و ۱۸۰ و ۱۵۰ و مانند اینها، خب واقعاً خیلی غم‌انگیز است، حقیقتاً غم‌انگیز است. من خواهش می‌کنم همه‌ی کسانی که می‌توانند نقشی در این زمینه ایفا کنند، به بهترین وجهی نقش خودشان را ایفا کنند.

خب خوشبختانه مجموعه‌های درمانی فداکاری کرده‌اند. دیگر زبان انسان قاصر است از این‌که بخواهد مبلغ فداکاری این‌ها را بیان کند؛ چه تعدادی از این‌ها که خودشان مبتلا شدند و تعدادی جان باختند در راه خدمت به مردم! این‌ها خیلی باارزش است، خیلی مهم است. لکن فقط مجموعه‌ی درمانی نیستند؛ مجموعه‌های گوناگونی که در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند و آنهایی که اجرا می‌کنند، آنهایی که از این‌ها پشتیبانی می‌کنند [هم هستند]. عدّه‌ی زیادی از جوان‌های ما در آن ماه‌های اوّل وارد میدان شدند، خدمت کردند، پشتیبانی کردند، به این‌ها کمک کردند، بعد هم آحاد مردم. من وقتی می‌بینم در تلویزیون نشان می‌دهد که بعضی‌ها عبور می‌کنند و همین چیز ساده، همین ماسک را نمی‌زنند، من از آن پرستار واقعاً خجالت می‌کشم که آن‌ها آن جور دارند فداکاری می‌کنند -آن پزشک، آن پرستار- آن وقت این آدم، جوان یا غیر جوان، حاضر نیست یک ماسک بزند این‌ها باید انجام بگیرد. این عرضِ اوّلِ ما است. من خواهش می‌کنم همه‌ی کسانی که در این زمینه مؤثّرند، چه مسئولین اجرایی کشور، چه آحادی که می‌توانند خدمتگزاری کنند، چه آحاد مردم، همه در این زمینه فعّالیّت کنند تا بتوانیم در ظرف مدّت کوتاهی این زنجیره‌ی سرایت را قطع کنیم و کشور را به ساحل نجات برسانیم. ما اوّلِ کار جزو بهترین کشورها و موفّق‌ترین کشورها بودیم؛ امروز آن جور نیست. حالا امروز هم باز از خیلی از کشورها جلوتریم، بهتریم، لکن آن مقداری که اوّل بود امروز نیست و انسان غصّه‌دار می‌شود. این یک نکته.

### نهضت تعاون و احسان

نکته‌ی دوّم این است که در این قضایای کرونا خب به طبقات ضعیف، بلکه طبقات متوسّط واقعاً ضربه خورد از لحاظ زندگی و معیشت و مانند اینها. آن کاری که در آستانه‌ی ماه رمضان شروع شد، آن خدمت مؤمنانه‌ای که همه در آن شرکت کردند، خیلی کار باارزشی بود، توانست غم‌های خانواده‌هایی را کم کند. من امروز هم معتقدم که این نهضت تعاون و احسان را مجدّداً مردم عزیز ما شروع کنند. البتّه قطع نشده، لکن لازم است یک مقداری رشد پیدا کند، یک مقداری توسعه پیدا کند و بار دیگر فضای کشور را طراوت بدهید، کودکانی را شاد کنید، خانواده‌هایی را برخوردار کنید، پدرمادرهایی را از دغدغه‌ی معاش فرزندانشان نجات بدهید؛ این کاری است که مردم می‌توانند بکنند. حالا کیفیّتش چگونه باشد، چه جوری مدیریّت بشود، این‌ها قابل مدیریّت متمرکز نیست؛ این‌ها کارهایی است که در سطح عامّه‌ی مردم، در سطح کشور [انجام می‌گیرد]؛ خب بحمدالله کشور بزرگ است، مردم هم زیادند، در این سطح گسترده است؛ هر کسی هر مقداری که می‌تواند، هر جوری که می‌تواند، به این کار کمک کند. این را هم نگویند که حالا مثلاً به فلان خانواده از دو طریق یا سه طریق فرض کنید که یک چیزی رسید؛ خب برسد؛ بهتر. اگر چنانچه بتوانند با نظم و ترتیبی انجام بدهند که منظّم و مرتّب باشد، البتّه بهتر است، اگر هم نشد، اشکالی ندارد؛ بفرض حالا به یک خانواده از دو جا یا از سه جا [کمک بشود]. ایراد نگیرند که با این وضعی که هست، ممکن است به بعضی‌ها مثلاً دو برابر برسد؛ خب برسد. فقط سعی بشود کسی از قلم نیفتد؛ فقط همین. مراقبت بشود که کسی از قلم نیفتد و مردم بتوانند ان‌شاءالله برخوردار بشوند. این، کشور را طراوت می‌دهد، به کارها برکت می‌دهد، لطف و فضل الهی را متوجّه شما می‌کند.

### توسّل و دعا

یکی از چیزهایی هم که من مایلم تأکید کنم -این آخرین عرض بنده است- مسئله‌ی توسّل و دعا است. ما از اوّل هم عرض کردیم که در این قضیّه، توسّل عمومی خیلی چیز مهمّی است. و مخصوص این دعای هفتم صحیفه‌ی سجّادیّه که خب عدّه‌ی زیادی خواندند و عمل کردند نیست؛ دعاهای مختلف. دعا کنید، از خدا بخواهید، تضرّع کنید و طلب کنید از خدای متعال. به‌خصوص جوان‌ها، به‌خصوص دل‌های پاک و صاف که مثل آب زلال، بعضی از دل‌ها روشنند؛ دعای این‌ها می‌تواند کاملاً مستجاب بکند؛ «دعای نیم‌شبی رفع صد بلا بکند» ان‌شاءالله. امیدواریم خداوند همه‌ی شما را موفّق بدارد و خداوند روح مطهّر امام و ارواح طیّبه‌ی شهدا را از ما راضی کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# خبر – دیدار نخست وزیر عراق 31/4/1399

## آنچه در روابط دو جانبه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار آقای مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق، روابط ایران و عراق را به پشتوانه اشتراکات فراوان تاریخی، مذهبی، فرهنگی و عادات و سنن به معنی واقعی کلمه برادرانه خواندند و تأکید کردند: آنچه در روابط دو جانبه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است منافع، مصالح، امنیت، عزت، اقتدار منطقه‌ای و بهبود شرایط در عراق است.

## ایران، خواهان عراقِ عزتمند، مستقل و با حفظ تمامیت ارضی و وحدت و انسجام داخلی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این‌که ایران هیچگاه بنای دخالت در امور عراق را نداشته و نخواهد داشت، گفتند: ایران، خواهان عراقِ عزتمند، مستقل و با حفظ تمامیت ارضی و وحدت و انسجام داخلی است.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: ایران قطعاً با هر آنچه موجب تضعیف دولت عراق شود، مخالف است.

## دیدگاه آمریکایی‌ها درباره‌ی عراق، درست در نقطه‌ی مقابل ما

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته دیدگاه آمریکایی‌ها درباره‌ی عراق درست در نقطه‌ی مقابل ما است زیرا آمریکا به معنی واقعی کلمه دشمن است و موافق عراق مستقل، قوی و دارای حکومتی با رأی اکثریت نیست.

ایشان تأکید کردند: برای آمریکایی‌ها این‌که چه فردی نخست وزیر عراق باشد مهم نیست آن‌ها به‌دنبال حکومتی همچون حکومت «پل برمر» حاکم آمریکایی عراق در اوایل سقوط صدام هستند.

## انتظار این‌که دوستان عراقی، آمریکا را بشناسند

رهبر انقلاب اسلامی گفتند: ایران در خصوص روابط عراق با آمریکا دخالتی نمی‌کند اما انتظار دارد که دوستان عراقی، آمریکا را بشناسند و بدانند که حضور آمریکا در هر کشوری منشأ فساد، خرابی و ویرانی است.

## انتظار پیگیریِ تصمیمِ دولت، ملت و مجلس عراق برای اخراج آمریکایی‌ها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد تصمیمِ دولت، ملت و مجلس عراق برای اخراج آمریکایی‌ها پیگیری شود زیرا وجود آن‌ها موجب ناامنی است.

### کشتن میهمان شما در خانه و اعتراف صریح به این جنایت

ایشان جنایت آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس را یک نمونه از نتیجه حضور آمریکایی‌ها برشمردند و خطاب به نخست وزیر عراق افزودند: آن‌ها میهمان شما را در خانه شما کشتند و صریحاً به این جنایت اعتراف کردند که این موضوع کوچکی نیست.

### عدم فراموشی این موضوع و ضربه‌ی قطعی متقابل

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: جمهوری اسلامی ایران هرگز این موضوع را فراموش نخواهد کرد و قطعاً ضربه‌ی متقابل را به آمریکایی‌ها خواهد زد.

## ایجاد هرج و مرج و دخالت؛ هدف آمریکایی‌ها از دنبال کردن خلأ قدرت در کشورهای منطقه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اجماع گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراق برای انتخاب دولت آقای کاظمی را اقدامی پسندیده خواندند و گفتند: آمریکایی‌ها و عوامل آن‌ها همواره به‌دنبال خلأ قدرت در کشورهای منطقه هستند تا از آن طریق هرج و مرج ایجاد و زمینه را برای دخالت خود فراهم کنند، همان کاری که در یمن انجام دادند و اکنون اوضاع تأسف‌بار یمن را همه شاهد هستند.

## اقتضای عقل، دین و تجربه برای ارتقای روابط ایران و عراق

ایشان با تأکید بر حمایت ایران از دولت آقای کاظمی خاطرنشان کردند: عقل، دین و تجربه اقتضاء می‌کند که روابط ایران و عراق در همه زمینه‌ها بیش از پیش ارتقاء یابد.

### آمریکا؛ از جمله مخالفین گسترش روابط ایران و عراق

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته گسترش روابط ایران و عراق مخالفینی دارد که در رأس آن‌ها آمریکا است ولی به هیچ وجه نباید از آمریکا ترسید زیرا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: آمریکایی‌ها زحمت و اذیت ایجاد می‌کنند اما دولت عراق باید بدون اعتنا به این مزاحمت‌ها به مسیر خود با قدرت ادامه دهد و مردم را به‌عنوان پشتوانه خود حفظ کند.

## مرجعیت و حشدالشعبی؛ نعمت‌های بزرگ در عراق

ایشان مرجعیت و شخص آیت‌الله سیستانی را یک نعمت بزرگ برای عراق خواندند و خاطرنشان کردند: حشدالشعبی یک نعمت بزرگ دیگر در عراق است که باید آن را حفظ کرد.

## سخنان نخست وزیر عراق

در این دیدار که آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور نیز حضور داشت، آقای مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق، دیدار با رهبر انقلاب اسلامی را سعادتی بزرگ دانست و با قدردانی از مواضع و حمایت‌های ایران در مقاطع مختلف به‌ویژه در دوران جنگ با داعش و تکفیری‌ها گفت: مردم عراق هیچگاه حمایت‌های ایران را فراموش نخواهند کرد و واقعیت این است که خون عراقی‌ها و ایرانی‌ها در جنگ با تکفیری‌ها در هم آمیخته است.

نخست وزیر عراق تأکید کرد: روابط ایران و عراق یک رابطه‌ی عمیق و طولانی تاریخی و فرهنگی و مذهبی با پشتوانه‌ی عشق و ارادت به اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

آقای کاظمی همچنین خطاب به رهبر انقلاب اسلامی گفت: ارشادات و نصایح جنابعالی همچون کلید حل مشکلات است و من بابت این راهنمایی‌ها تشکر و قدردانی می‌کنم.

# \*\*\*مرداد 1399

# پیام به‌مناسبت ایام حج 8/5/1399

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم  
والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و صحبه المنتجبین و من تَبِعَهُم باِحسانٍ الی یوم الدّین

## موسم احساس عزت و عظمت و شکفتگی جهان اسلام

موسم حج که همواره موسم احساس عزت و عظمت و شکفتگی جهان اسلام بود، امسال دستخوش اندوه و حسرت مؤمنان و مبتلا به احساس فراق و ناکامی مشتاقان است. دل‌ها از غربت کعبه احساس غربت می‌کند و لبّیکِ جداماندگان با اشک و آه درهم می‌آمیزد.

### لزوم اندیشه‌ی بیشتر در رمز عظمت و قدرت امت اسلام در جمع فراگیر و متنوع مؤمنان

این محرومیت، کوته‌مدت است و بحول و قوه الهی دیر نخواهد پایید، لکن درس آن که قدردانستن نعمت بزرگ حج است باید ماندگار شود و ما را از غفلت برهاند. رمز عظمت و قدرت امت اسلام در جمع فراگیر و متنوع مؤمنان در حریم کعبه و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی بقیع علیهم‌السلام را امسال باید بیش از همیشه حس کنیم و در آن بیندیشیم.

## فریضه‌ای بی‌مانند

حج، فریضه‌ای بی‌مانند است؛ گل صد برگ در میان فرائض اسلامی است؛ گویی همه‌ی جوانب مهمّ فردی و اجتماعی، و زمینی و آسمانی، و تاریخی و جهانی دین، قرار است در آن مرور شود.

### معنویت و اجتماع

معنویت در آن هست، ولی بدون انزوا و گوشه‌نشینی و خلوت‌گزینی. اجتماع در آن هست، ولی به دور از درگیری و بدگویی و بدخواهی. از سویی حظ روحی از مناجات و ابتهال و ذکر الهی، و از سویِ دیگر پیوند اُنس و ارتباط مردمی.

حاجی با یک چشم پیوند دیرین خود با تاریخ، با ابراهیم و اسماعیل و هاجر، با رسول خدا در هنگام ورود پیروزمندانه به مسجدالحرام، و با خیل مؤمنان صدر اول را می‌نگرد، و با چشمی دیگر انبوه مؤمنان هم‌روزگار خود را که هر کدام می‌توانند دستی برای همیاری و اعتصام جمعی به حبل‌الله باشند.

## لزوم هم‌افزایی و همدلی و همکاری مجموعه‌ی دین‌داران

تدبر و اندیشیدن در پدیده‌ی حج، حج‌گزار را به این باور قطعی می‌رساند که بسیاری از آرمان‌ها و آرزوهای دین برای بشریت، بدون هم‌افزایی و همدلی و همکاری مجموعه‌ی دین‌داران، به بار نمی‌نشیند، و با پیدایش این همدلی و همکاری، کید معاندان و دشمنان، مشکل مهمی بر سر این راه پدید نمی‌آورد.

## رزمایش قدرت در برابر مستکبران

حج، رزمایش قدرت در برابر مستکبرانی است که کانون فساد و ظلم و ضعیف‌کُشی و غارتگری‌اند و امروز جسم و جان امت اسلامی از ستمگری و خباثت آنان آزرده و خون‌آلود است.

حج، نمایش توانایی‌های سخت و نرم امت است.

## طبیعت حج، روح حج و بخشی از مهمترین هدف‌های حج

این، طبیعت حج و روح حج و بخشی از مهمترین هدف‌های حج است، این همان است که امام راحل خمینی کبیر، آن را حج ابراهیمی نامید، و این همان است که اگر متولیان امر حج که خود را خادم حرمین می‌نامند، صادقانه به آن گردن نهند و به‌جای خشنودی دولت آمریکا، رضای الهی را برگزینند، می‌تواند مشکلات بزرگی از جهان اسلام را حل کند.

## وحدت؛ مصلحتِ الزامی امت اسلامی

امروز مانند همیشه -و بیش از همیشه- مصلحتِ الزامی امت اسلامی، در وحدت است؛ وحدتی که ید واحده در برابر تهدیدها و دشمنی‌ها پدید ‌آورد و بر سر شیطان مجسّم، آمریکای متجاوز و غدّار و سگ زنجیریش رژیم صهیونیستی، رعدآسا فریاد کشد و در برابر زورگویی‌ها شجاعانه سینه سپر کند. این معنی فرمان الهی است که فرمود: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...

## معرفی امت اسلامی در چهارچوب أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ

قرآن حکیم، امت اسلامی را در چهارچوب أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ معرفی می‌کند، و از او وظیفه‌ی: وَلَا تَرْکَنُوا إِلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا، وَلَن یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا، فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْکُفْرِ و لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاءَ را می‌طلبد، و برای این‌که دشمن را مشخص کند، حکم: لا یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَلَمْ یُخْرِجُوکُم مِّن دِیَارِکُمْ.. صادر می‌فرماید.

این فرمان‌های مهم و سرنوشت‌ساز هرگز نباید از منظومه‌ی فکری و ارزشی ما مسلمانان جدامانده و به‌دست فراموشی سپرده شود.  
امروز بیش از همیشه زمینه‌ی این تحول اساسی در دسترس امّت و نخبگان دلسوز و صلاح‌اندیش آن است. امروز بیداری اسلامی به معنی توجه نخبگان و جوانان مسلمان به دارایی‌های معرفتی و معنوی خود یک حقیقت انکار نشدنی است.

## پیش‌بینی فروپاشی نظام‌های مبتنی بر لیبرالیسم

امروز لیبرالیسم و کمونیسم که در صد سال پیش و پنجاه سال پیش برجسته‌ترین ارمغان‌های تمدن غرب شمرده می‌شد، به‌کلّی از جلوه افتاده و عیوب درمان‌ناپذیر آن‌ها اشکار شده است. نظام مبتنی بر آن یک فروپاشید و نظام مبتنی بر این دیگری هم درگیر بحران‌های عمیق و در شُرُف فروپاشی است.

امروز نه فقط الگوی فرهنگی غرب -که از آغاز هم با وقاحت و رسوایی پا به میدان گذاشت- بلکه حتی الگوی سیاسی و اقتصادی آن یعنی دموکراسی پولْ‌محور و سرمایه‌داری طبقاتی و تبعیض‌آمیز، هم ناکارآمدی و فسادانگیزی خود را نشان داده است.

امروز کم نیستند نخبگانی در جهان اسلام که با گردن برافراشته و باافتخار و سربلندی، همه‌ی ادعاهای معرفتی و تمدنی غرب را به چالش می‌کشند و جایگزین‌های اسلامی را با صراحت نشان می‌دهند. امروز حتی برخی متفکران غربی که پیش از این، لیبرالیسم را مغرورانه، پایان تاریخ معرفی می‌کردند، به ناچار آن ادعا را پس گرفته و به سرگردانی نظری و عملی خود اعتراف می‌کنند.

نگاهی به خیابان‌های آمریکا، به رفتار دولتمردان آمریکا با مردم خود، به دره‌ی عمیق فاصله‌ی طبقاتی در آن کشور، به حقارت و بلاهتِ کسانی که برای مدیریت آن کشور انتخاب شده‌اند، به تبعیض‌نژادی هولناک در آن، به قساوت مأمور موظف آن که یک غیرمجرم را در خیابان با خونسردی و در برابر چشم رهگذران با شکنجه به قتل میرساند، عمق بحران اخلاقی و اجتماعی تمدن غربی و اعوجاج و بطلان فلسفه‌ی سیاسی و اقتصادی آن را آشکار می‌کند.

### رفتار آمریکا و دولت‌های دیگر غربی با ملّت‌های ضعیف

رفتار آمریکا با ملّت‌های ضعیف، نسخه‌ی بزرگ‌شده‌ی رفتار آن پلیس است که زانوی خود را بر گردن یک سیاه‌پوست بی‌دفاع گذاشت و آن قدر فشرد تا جان داد.

دولت‌های دیگر غربی هم هر یک به اندازه‌ی وُسع و امکان خود نمونه‌های دیگر از این وضعیت فاجعه‌بارند.

### پدیده‌ی شکوهمند اسلام در برابر این جاهلیت مدرن

حج ابراهیمی پدیده‌ی شکوهمند اسلام در برابر این جاهلیت مدرن است؛ دعوت به اسلام و نمایش نمادین زیست جامعه‌ی اسلامی است.

#### تصویر اجمالی از جامعه‌ی اسلامی

جامعه‌ای که در آن همزیستی مؤمنان، در حرکتی پیوسته، بر گرد محور توحید، برترین نشانه است؛ دوری از تنازع و تعارض، دوری از تبعیض و امتیازات اشرافی، دوری از فساد و آلودگی، شرط لازم است؛ رمی شیطان و برائت از مشرکان و آمیختگی با فرودستان و کمک به مستمندان و برافراشتن شعائر اهل ایمان، در شمار وظایف اصلی است؛ و دست یافتن به منافع و مصالح عمومی همراه با یاد خدا و شکر او و بندگی او هدف‌های میانی و نهایی است.

این تصویر اجمالی از جامعه‌ی اسلامی در آئینه‌ی حج ابراهیمی است، و مقایسه‌ی آن با واقعیّت جوامع غربی پر ادّعا، دل هر مسلمان با همّت را لبریز از شوق به تلاش و مبارزه برای رسیدن به چنین جامعه‌ای می‌سازد.

#### پیش رفتن مردم ایران در این راه

ما مردم ایران به هدایت و رهبری امام خمینی کبیر، با چنین شوقی قدم در راه گذاشتیم و موفق شدیم. ادعا نمی‌کنیم که توانسته‌ایم آنچه را که می‌شناسیم و دوست میداریم یکسره تحقق بخشیم، ولی ادعا می‌کنیم که در این راه بسی پیش رفته و موانع بسیاری را از سر راه برداشته‌ایم. به برکت اعتماد به وعده‌های قرآنی، گام ما استوار مانده است.

بزرگترین شیطان راهزن و غدار این زمان یعنی رژیم آمریکا نتوانسته است ما را بترساند یا مغلوب مکر و فریب خود کند، یا جلو پیشرفت مادی و معنوی ما را بگیرد.

### رفتار ما با سایرین

ما همه‌ی ملّت‌های مسلمان را برادران خود می‌دانیم، و با غیر مسلمانانی که در جبهه‌ی معارض وارد نشده‌اند با نیکی و عدالت رفتار می‌کنیم. غم و گرفتاری جوامع مسلمان را گرفتاری خود به شمار می‌آوریم و برای علاج آن تلاش می‌کنیم. کمک به فلسطین مظلوم، دلسوزی برای پیکر مجروح یمن و دغدغه‌ی مسلمانان زیر ستم در هر نقطه‌ی جهان را اهتمام همیشگی خود قرار می‌دهیم.

## نصیحت به سران برخی کشورهای مسلمان

نصیحت به سران برخی کشورهای مسلمان را وظیفه می‌دانیم؛ دولتمردانی که به جای تکیه به برادر مسلمان خود، به آغوش دشمن پناه می‌برند و برای سود شخصی چند روزه، تحقیر و زورگویی دشمن را تحمل می‌کنند و چوب حراج به عزت و استقلال ملت خود می‌زنند. آنان که بقاء رژیم غاصب و ظالم صهیونیست را می‌پذیرند و پنهان و آشکار دست دوستی به آنان می‌دهند. اینان را نصیحت می‌کنیم و از پیامدهای تلخ این رفتار بر حذر می‌داریم.

## نگاه ما به حضور آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا

حضور آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را به زیان ملّت‌های این منطقه و موجب ناامنی و ویرانی و عقب‌ماندگی کشورها می‌دانیم.

## موضع قاطع ما در قضایای کنونی آمریکا

در قضایای کنونی آمریکا و حرکت ضد تبعیض نژادی در آن هم، موضع قاطع ما جانبداری از مردم و محکوم کردن رفتار قساوت‌آمیز دولت نژادپرست آن کشور است.

## درود و دعا

در پایان با سلام و صلوات به حضرت بقیةاللّه ارواحنا فداه، یاد امام راحل را گرامی میدارم و به ارواح طیبه‌ی شهیدان درود می‌فرستم و حجّ ایمن و مقبول و مبارک را در آینده‌ی نزدیک برای امت اسلامی از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

والسلام علی عباداللّه الصّالحین

سید علی خامنه‌ای

۷ مرداد ۱۳۹۹

# بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان 10/5/1399

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفیٰ محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة اللّه فی الارضین.

## تبریک

عید سعید قربان را -که یکی از خاطره‌های بزرگ تاریخی همه‌ی متدیّنین جهان است- تبریک عرض می‌کنم به ملّت عزیز ایران و به همه‌ی مسلمانان و به پیروان ادیان ابراهیمی.

## دهه‌ی اوّل ذی‌حجّه، دهه‌ی خاطره‌های آموزنده و دهه‌ی تضرّع و انابه‌ی الی‌اللّه

خاطره‌ی روز عید قربان، خاطره‌ی بزرگی است؛ اساساً دهه‌ی اوّل ذی‌حجّه، دهه‌ی خاطره‌ها است. در ماه ذی‌حجّه، هر دهه‌ای یک خصوصیّتی دارد؛ دهه‌ی اوّل، هم دهه‌ی خاطره‌های پُرشکوه و مهم و آموزنده است و هم دهه‌ی تضرّع و توجّه و انابه‌ی الی‌اللّه است. خاطره‌ها از خاطرات مربوط به حضرت موسیٰ علیه‌السلام شروع می‌شود که مسئله‌ی «وَ واعَدْنا مُوسی‌ ثَلاثینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعینَ لَیْلَة»[[107]](#footnote-107) [است که] چهل شب میعاد حضرت موسیٰ با پروردگار عالم در کوه طور یا همان میقاتی که بود طول کشیده؛ که در تفسیر هست که این چهل شب از اوّلِ شبِ اوّل ذی‌قعده است تا شب عید قربان. و اوّل، قرار سی شب است، بعد ده شب اضافه می‌شود که همین ده شب ذی‌حجّه است؛ که این [موضوع]، اهمّیّت این شب‌ها را نشان می‌دهد.

### رنج‌های حضرت موسیٰ

رنج‌های حضرت موسیٰ در این خاطرات مشخّص است. خب زحمات فراوان حضرت موسیٰ علیه‌السّلام در مصر، درگیری با فرعون و مشکلات عجیب و غریبی که بعد از برگشتن از مدیَن تا بیرون آمدن از مصر برای این بزرگوار پیش آمد -در رابطه‌ی با فرعون، در رابطه‌ی با بنی‌اسرائیل، در رابطه‌ی با سَحَره و دیگران- و بعد از آن معجزه‌ی عظیمی که اتّفاق افتاد، که دریا شکافته شد و دشمنِ بنی‌اسرائیل با همه‌ی نیروهایش جلوی چشم آن‌ها غرق شد، خب این دیگر باید یک ایمان ثابت مستقرّی را در بنی‌اسرائیل به وجود می‌آورد؛ [ولی] این جوری نشد. اوّل که گفتند «اِجْعَلْ لَنا إِلهاً کَما لَهُمْ آلِهَة»،[[108]](#footnote-108) که دنبال شرک و بت‌پرستی و مانند این‌ها [بودند و] دلشان پَر زد برای بت‌پرستی -این اوّل کار بود- بعد هم که قضیّه‌ی گوساله [بود] که این ظاهراً مربوط به همین چهل روز است؛ که این بزرگوار وقتی که از میعاد برگشت، دید که اوضاع دگرگون شده و ملّت برگشتند.

چه رنج بزرگی است برای یک پیغمبر، یک داعیِ الی‌اللّه، با این همه زحمت عدّه‌ای را در راه خدا به راه بیندازد و ایمان به این‌ها تلقین بکند، بعد به یک چیز جزئی این‌ها از این ایمان برگردند! که در قرآن دارد «وَاَلقَی الاَلواحَ وَاَخَذَ بِرَأسِ اَخیهِ یَجُرُّهُ اِلَیه»،[[109]](#footnote-109) حضرت این وضع را که دیدند، به‌شدّت خشمگین، ناراحت، متأسّف شدند، که در قرآن حدّاقل دو جا به این [موضوع] اشاره شده است، که «لا تَکونوا کَالَّذینَ آذَوا موسیٰ»؛[[110]](#footnote-110) آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسیٰ در این‌جا ذکر شده؛ یک جا هم در سوره‌ی صف است که «قالَ موسیٰ لِقَومِهِ یا قَومِ لِمَ تُؤذونَنی وَقَد تَعلَمونَ أَنّی رَسولُ اللَّهِ إِلَیکُم»؛[[111]](#footnote-111) این نشان‌دهنده‌ی آن است که اذیّت و آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسیٰ خیلی بزرگ بوده؛ این دَه شب خاطره‌ی این واقعات[[112]](#footnote-112) مهمّ تاریخی است و به ما نشان می‌دهد که حرکت در راه حق با وجود معجزاتی مثل معجزات موسیٰ چقدر مشکلات دارد و چه‌طور باید با این مشکلات مواجه شد و صبر کرد، که این یک خاطره است.

### مسئله‌ی روز عرفه

بعد مسئله‌ی روز عرفه است که روز دعا و توسّل و توجّه و اوج توجّه به خدا است که در روایت از امام صادق علیه‌السّلام نقل شده که ایشان فرمودند پدرم، یعنی حضرت باقر، در روز عرفه در عرفات در هوای داغِ آن‌جا روزه می‌گرفتند -که لابد روزه‌ی نذری بوده است- و دعا می‌خواندند و تضرّع می‌کردند و گریه می‌کردند در آن هوای داغ کذایی. دعای امام حسین علیه‌السّلام هم که خب روشن است و دعای صحیفه‌ی سجّادیّه هم که دعای فوق‌العاده‌ای است. این‌ها مربوط به روز عرفه است. امیدواریم ملّت عزیز ما دیروز را که عرفه بود، حظّ وافر برده باشند و ان‌شاءاللّه همه‌ی دعاهایتان مستجاب باشد.

### قربانی شگفت‌انگیز و شگفتی‌ساز در تاریخ

بعد نوبت می‌رسد به روز عید قربان، این قربانی شگفت‌انگیز و شگفتی‌ساز در تاریخ که بی‌نظیر است. حضرت ابراهیم مأمور می‌شود که نوجوان خودش را به دست خودش به قتل برساند -امر الهی است، آزمایش الهی است- آن هم فرزندی که سال‌های متمادی از وجود او محروم بوده و در پیری اَلحَمدُ لِلَّهِ الَّذی وَهَبَ لی عَلَی الکِبَرِ إِسماعیلَ وَإِسحاق؛[[113]](#footnote-113) خدای متعال این بچّه را به حضرت ابراهیم داده بود و خب پیدا است چقدر انسان به فرزندِ اواخر عمر و دوران پیری دلبسته است. به این فرزند که حالا «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْیَ»[[114]](#footnote-114) -یک جوانی و یا نوجوانی شده- گفت می‌خواهم تو را به قتل برسانم، این دستور خدا است. آن جوان هم گفت: یا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی‌ إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرین.[[115]](#footnote-115)

#### این‌ها حوادث عجیب تاریخ دین و دین‌داری

ببینید این‌ها حوادث عجیب تاریخ دین، تاریخ دین‌داری، تاریخ ایمان، تاریخ اسلام است. ما در گذشته‌ی خودمان، در سابقه‌ی دین‌داری خودمان این‌ها را داریم، که پدرِ پیر حاضر است جوان خودش را به دست خودش به خاطر دستور خداوند قربانی کند و جوان هم با کمال میل و طوع و رغبت می‌گوید: اِفْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی‌ إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرین؛‌ خواهی دید که من تحمّل می‌کنم. این هم خاطره‌ی عید قربان است که خب این دهه‌ی اوّل، دهه‌ی این‌ جور خاطره‌های شکوهمند و پُرمعنا و راهنمایی‌کننده است.

## جایگاه برتر ولایت، از همه‌ی احکام الهی

دهه‌ی دوّم ذی‌حجّه، دهه‌ی ولایت است و مسئله‌ی غدیر که در روایت هست که «ما نودیَ اَحَدٌ بِشَیءٍ مِثلُ ما نودیَ بِوِلایه»؛ از همه‌ی احکام الهی، این ولایت جایگاه برتری دارد، چون تأمین‌کننده و تضمین‌کننده‌ی همه‌ی احکام الهی است که خب ماجرای غدیر و آن داستان بسیار مهم [بیانگر آن است].

## داستان مباهله

دهه‌ی سوّم هم باز دهه‌ای است که در آن هم حوادث مهمّی وجود دارد؛ از جمله و شاید مهم‌ترینش داستان مباهله است که آن‌جا هم مسئله، مسئله‌ی توحید است؛ یعنی بحث پیغمبر با مسیحیان آن روز، نصارای نجران که به مباهله منتهی شد، بحث درباره‌ی حضرت عیسیٰ بود که حضرت می‌فرمودند حضرت عیسیٰ بنده‌ی خدا و پیغمبر خدا است، آن‌ها چیزهای دیگری می‌گفتند؛ قرار شد مباهله کنند که بعد در قضایای مباهله که معروف است و شنیده‌اید آن‌ها مجبور شدند عقب‌نشینی کنند.

خب امیدواریم ان‌شاءاللّه که این روز بر شما مبارک باشد؛ این دهه را با مبارکی گذرانده باشید و دو دهه‌‌ی بعد ذی‌حجّه را هم ان‌شاءاللّه آن چنان که رضای الهی است و آن چنان که خوشبختی ملّت عزیز ما است بگذرانیم.

## محرومیّت از دیدارهای مردمی

خب یکی از دل‌خوشی‌های بنده، همیشه در طول این سال‌های متمادی، دیدارهای با مردم بوده؛ یکی از دلبستگی‌های اینجانب و حوادث پُرجاذبه برای من، دیدار با مردم بوده که یک چیزی بشنوم، یک چیزی بگویم و با طبقات مختلف مردم دیدار کنیم؛ این دشمن حقیر و خطیر یعنی ویروس کرونا -که هم خیلی حقیر و صغیر است، هم خیلی خطرناک و خطیر است- مانع شده است؛ و این را هم مثل خیلی از دلبستگی‌های دیگر، از ما گرفته. قرار بود ما به خاطر محرومیّت از دیدار مردم، [به جای] این برنامه‌ای که الان داریم، با خدمتگزاران وادی سلامت و کمک مؤمنانه و مانند این‌ها دیدار تصویری داشته باشیم؛ که تعدادی از آن‌ها طبعاً در یک‌ جایی باید جمع می‌شدند. بعد گفتند که مصوّبه‌ی ستاد ملّی کرونا این است که بیش از ده نفر جمع نشوند؛ آن را هم ما تعطیل کردیم به خاطر این [مصوّبه]، و تبدیل شد به این دیدار امروز که به شکل دورادور با شما مردم عزیز صحبت می‌کنیم.

## ایثارگری خاص ملّت ایران در بلایای طبیعی و غیر طبیعی

چند موضوع را من مطرح می‌کنم. موضوع اوّل، همین مسئله‌ی خدمت و کارهای بزرگی است که در واقع، مجاهدان سلامت و خدمت امروز دارند انجام می‌دهند و باید ان‌شاءاللّه ادامه پیدا کند. خب امروز همه‌ی دنیا با یک ابتلاء همگانی مواجهند؛ یعنی مخصوص جای خاصّی نیست؛ امروز همه‌ی دنیا، همه‌ی کره‌ی زمین تقریباً مبتلا به این حادثه‌اند؛ بعضی کمتر، بعضی شدیدتر؛ و شاید در بسیاری از جاها هم افرادی از آحاد مردم هستند که به گرفتارها و مبتلایان و مانند این‌ها کمک‌هایی می‌کنند، کم و بیش یک جاهایی کمک‌هایی هست لکن هیچ جا گمان نمی‌کنم مثل کشور ما، مثل ایران عزیز ما باشد که تعداد کسانی که داوطلبانه به یک چنین کمک‌هایی اقبال می‌کنند، این همه زیاد باشد؛ بنده سراغ ندارم و نشنیده‌ام و گزارشی ندارم از این‌که در جایی از کشوری از کشورهای دنیا این همه تحرّک مردمی و پشتیبانی‌های مردمی وجود داشته باشد؛ که این از خصوصیّات ملّت ما در ایثارگری است؛ هم در بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و امثال اینها، هم در بلایای غیر طبیعی مثل تحمیل جنگ. در هشت سال دفاع مقدّس همین حرکت عظیم ایثارگرانه‌ی مردمی بود که این حماسه‌ی بزرگ را به وجود آورد و جبهه‌ها را به آن شکل آراست که تا آخر در تاریخ ما یک دوران برجسته‌ای است. امروز هم همین جور است؛ در همین قضیّه مشاهده شد. خب مجموعه‌های درمانی صفوف مقدّم بودند؛ پزشکان و پرستاران و بقیّه‌ی عوامل درمانی واقعاً فداکاری کردند که دیگر زبان قاصر است از این‌که بخواهد اهمّیّت فداکاری این‌ها را بیان کند. پشت سر این‌ها هم داوطلبانی بودند که وارد شدند، در زمینه‌ی مسائل سلامت کمک کردند و کارهایی را که غیر متخصّصین می‌توانستند انجام بدهند، بعضی‌ از این‌ها فرا گرفتند و انجام دادند و کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفت، که باید الان با توجّه به اوج دوباره‌ی این بیماری، همین خدمات و این پشتیبانی‌ها باز هم انجام بگیرد.

## مسابقه در کمک‌های مؤمنانه

یک مسئله هم مسئله‌ی کمک مؤمنانه است. عدّه‌ای از مردم در این حوادث به‌جِد آسیب دیدند؛ البتّه برای اغلب مردم از لحاظ کسب و کار و درآمد و زندگی و مانند این‌ها مشکلاتی پیدا شد لکن همه دچار آسیب‌های جدّی نشدند؛ امّا یک عدّه‌ای واقعاً دچار آسیب‌های جدّی شدند و مشکلات فراوانی برایشان پیش آمد. این را باید جبران کرد؛ چه کسی جبران کند؟ مردم. نمی‌شود همه‌ی بار را بر دوش دولت گذاشت؛ البتّه مسئولین دولتی و شبه‌دولتی وظایفی دارند که باید انجام بدهند و انجام هم می‌دهند. ما مطّلعیم که دارند کار می‌کنند لکن این‌ها کافی نیست و بایستی عموم مردم همچنان که در آن جریان اوّلِ کمک مؤمنانه در آستانه‌ی ماه رمضان وارد شدند و به معنای واقعی کلمه کمک کردند، باز هم همین [کار] انجام بگیرد. این «تسابق الی ‌الخیرات»[[116]](#footnote-116) است. ما در قرآن چند جا داریم که «یُسارِعُونَ فِی الْخَیْرات»؛[[117]](#footnote-117) یا «یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ أُولئِکَ مِنَ الصَّالِحینَ».[[118]](#footnote-118) یک جا [دارد] «أُولئِکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ»؛[[119]](#footnote-119) چند جا [دارد] «فَاستَبِقُوا الخَیرات»،[[120]](#footnote-120) یعنی مسابقه گذاشتن که قرآن به معنای واقعی کلمه به ما می‌گوید در کار خیر و کمک‌های مؤمنانه مسابقه بگذارید؛ یعنی سعی کنید شما جلوتر از دیگران حرکت کنید و [پیش] بروید. و این کار به نظر من مهم است؛ حتّی این اطعام‌های محرّم را هم که در آن ایّام بعضی از هیئات، بعضی از مردم که توانایی‌هایی دارند و نذری و اطعام و مانند این‌ها درست می‌کنند، می‌شود به این شکل کمک مؤمنانه به خانواده‌ها و به شکل کاملاً پاکیزه و دور از مشکل سرایت [بیماری] و مانند این حرف‌ها انجام داد.

### انقلابیگری با عمل

انقلابیگریِ به معنای واقعی کلمه این‌ها است؛ یعنی این‌ها جزو مسائل قطعی انقلابیگری است. انقلابیگری با زبان نیست، با عمل است؛ عمل جلوتر از زبان بایستی انسان را راه ببرد؛ و واقعاً کسانی که در این زمینه‌ها فعّالیّت می‌کنند، کار انقلابی انجام می‌دهند و این [کارها] انقلابیگری است. البتّه بعضی هم ممکن است که آمادگی نداشته باشند؛ یعنی این جور نیست که همه بتوانند کارهای برجسته‌ای در این زمینه انجام بدهند، لکن وقتی که می‌بینند یک کسانی در آن صفوف مقدّم با پیشتازی و علاقه و شوق حرکت می‌کنند، این‌ها هم به شوق می‌آیند و بالاخره در بین صفوف یک جایی برای خودشان پیدا می‌کنند و آن‌ها هم وارد این میدان می‌شوند.

### حضور شهیدان سلیمانی و مهندس در سیل خوزستان

پارسال -در اوّل سال ۹۸- در سیل خوزستان، شهید سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس، هر دو در کف میدان حضور داشتند و دو طرف مرز را به هم وصل کردند. یعنی شهید ابومهدی موجب شد امکانات و وسایلی را که در خوزستان لازم بود، از آن طرف مرز، از داخل عراق، از بصره و بقیّه‌ی جاها بیاورند داخل کشور؛ که کمک بسیار بزرگی بود. خود این حضور این دو عزیز، دو ستاره‌ی برجسته‌ی میدان مجاهدت، موجب شد که کسان زیادی، هم در این طرف، هم در آن طرف به این‌ها نگاه کنند و وارد بشوند. البتّه در آن قضایا مردمِ ما امتحان خوبی دادند؛ هم در خوزستان، هم در بقیّه‌ی جاها از همه جا واقعاً شتافتند و کار کردند.

## لزوم همکاری، تلاش، و تمرکز نیروها در برابر اذیّت دشمن‌ها

دشمنی، امروز با ملّت ایران زیاد است. وقتی دشمنی زیاد شد، از این طرف همکاری باید زیاد بشود، تلاش باید زیاد بشود. وقتی دشمنی حمله می‌کند، انسان بایستی نیروهای خودش را متمرکز کند و مجتمع کند و کار کند؛ امروز این جوری است -حالا بعد شرح خواهم داد- دشمن‌ها در صددند ملّت ایران را اذیّت کنند. همچنان که بنی‌اسرائیل حضرت موسیٰ را اذیّت می‌کردند، این دشمنانِ ما هم که بعضی‌شان جزو بنی‌اسرائیلند، می‌خواهند ملّت ما را که تابع پیغمبر و حضرت موسیٰ و حضرت عیسیٰ و بقیّه‌‌ی پیغمبران است اذیّت کنند. وقتی‌ می‌خواهند اذیّت کنند، ما باید همه‌ی نیروهایمان را جمع کنیم، متمرکز کنیم، تلاش کنیم و کار کنیم؛ مثل دوران دفاع مقدّس.

## کار علمی درمورد این ویروس

البتّه یکی از کارهای مهمّی که در این دوران می‌شود انجام داد کار علمی است؛ که من اطّلاع دارم در بخش‌های مختلفی با جدّیّت مشغولند برای شناسایی این ویروس، برای پیدا کردن وسیله‌ی پیشگیری از فعّالیّت این ویروس، برای پیدا کردن درمان بیماری این ویروس.

### برکت این کارها

کارهای زیاد علمی دارند انجام می‌دهند و خود این کارهای علمی‌ای که انجام می‌گیرد، دارای برکت است؛ یعنی کارهای مهمّی را به طور طبیعی برای ما پیش می‌‌آورد؛ همچنان که در دوران دفاع مقدّس هم همین جور بود؛ مثلاً فرض کنید شهید باقری را که یک جوانی بود در مثلاً یک روزنامه‌ای، در یک مجموعه‌ای مشغول کار و تلاش معمولی بود؛ وقتی که پای او به جنگ، به دفاع مقدّس باز شد، تبدیل شد به یک فرمانده و طرّاح برجسته‌ی نظامی؛ یعنی آن استعداد در او بُروز کرد؛ این‌جا هم همین جور است؛ ممکن است کسانی که در کارهای تحقیقاتی هستند، وقتی وارد این میدان می‌شوند، تبدیل بشوند به یک برجستگان و محقّقین بزرگی که کارهای بزرگی را ان‌شاءاللّه انجام بدهند. خب این راجع به مسئله‌ی خدمت.

## جنایت بودن تحریم‌های آمریکا

مسئله‌ی بعدی که من مطرح می‌کنم، مسئله‌ی تحریم‌ها است. خب، تحریمی که آمریکایی‌ها علیه ملّت ایران به کار گرفته‌اند، قطعاً یک جنایت است؛ یعنی در این تردیدی نیست، یک جنایت بزرگی است که این‌ها علیه یک ملّت به کار می‌گیرند؛ حالا ظاهرش این است که علیه نظام جمهوری اسلامی است امّا در واقع علیه همه‌ی ملّت ایران این جنایت را دارند این‌ها انجام می‌دهند.

## اهداف آمریکا در مسئله‌ی تحریم‌ها

در این باره من چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم؛ یک نکته این است که هدف این‌ها از این کار چیست؛ یک هدف کوتاه‌مدّت دارند، یک هدف میان‌مدّت دارند، یک هدف بلندمدّت دارند، و یک هدف جانبی.

### هدف کوتاه‌مدّت: به ستوه آمدن ملّت ایران و ایستادن مقابل حکومت

هدف کوتاه‌مدّت آن‌ها این است که مردم را به ستوه بیاورند؛ ملّت ایران به ستوه بیایند، خسته بشوند، آشفته بشوند و در مقابل دستگاه حکومت بِایستند؛ این هدف اوّل آن‌ها است. می‌خواهند این قدر فشار بیاورند که مردم را به ستوه بیاورند تا موجب بشود مردم در مقابل نظام، در مقابل حکومت و دولت بِایستند. این هدف کوتاه‌مدّت این‌ها است؛ لذا می‌بینید که هم پارسال گفتند، هم پیرارسال گفتند، هم امسال گفتند: «تابستان داغ»؛ داغ یعنی مردم بیایند در مقابل نظام ایستادگی کنند. حالا خودشان مبتلا به تابستان داغ شده‌اند.

### هدف میان‌مدّت: ایجاد مانع در برابر پیشرفت کشور

هدف میان‌مدّت آن‌ها این است که با این تحریم از پیشرفت کشور مانع بشوند؛ عمدتاً پیشرفت علمی. این‌ها را گفته‌اند، این‌ها حدسیّات من و تحلیل من نیست، این‌ها حرف‌هایی است که لابه‌لای اظهارات خودشان -چه سیاستمدارانشان، چه آنهایی که در اندیشکده‌ها دارند کار می‌کنند، اندیشکده‌های سیاسی و امثال این‌ها- به زبان آورده‌اند، این‌ها را گفته‌اند. هدف این است که با این تحریم، محدودیّت‌هایی ایجاد کنند که کشور پیشرفت نکند و به‌خصوص در زمینه‌های علمی پیشرفت انجام نگیرد. حتّی گفته‌اند و تصریح کرده‌اند که این شهادت‌هایی هم که انجام گرفت -شهدای هسته‌ای و مانند این‌ها- برای این بود که پیشرفت علمی کشور ایران عقب بیفتد. این هم هدف میان‌‌مدّت این‌ها است.

### هدف بلند‌مدّت: ورشکستگی دولت و فروپاشی اقتصاد کشور

هدف بلند‌مدّت‌شان هم به ورشکستگی کشاندن کشور است، به ورشکستگی کشاندن دولت است؛ یعنی متلاشی کردن اقتصاد کشور و فروپاشی اقتصاد کشور، که طبعاً اگر اقتصاد یک کشوری به‌کلّی از هم فرو پاشید و متلاشی شد، ادامه‌ی حیات برای او ممکن نیست، هدف نهایی‌شان این است و می‌خواهند این کارها را هم بکنند.

### هدف جنبی: قطع رابطه‌ی جمهوری اسلامی با نیروهای مقاومت

هدف جنبی‌ای هم دارند که می‌خواهند به این وسیله رابطه‌ی جمهوری اسلامی را با دستگاه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه قطع کنند؛ چون می‌دانند جمهوری اسلامی هر چه بتواند به این‌ها کمک می‌کند، حمایت می‌کند؛ این‌ها می‌خواهند این رابطه را قطع کنند.

## ناکامی دشمن در اهداف تحریم

این‌ها هدف‌های دشمن است که اصلاً وارد شده برای این‌که این کارها را انجام بدهد؛ البتّه باید گفت «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه»؛ دنبال این است که این سه هدف را -کوتاه‌مدّت، میان‌مدّت، بلند‌مدّت- در کنار هم انجام بدهد که الحمدللّه ناکام شده.

البتّه تحریم مشکلاتی ایجاد کرده؛ در این شکّی نیست. همه‌ی مشکلات هم مربوط به تحریم نیست؛ مقداری مربوط به ضعف‌های ما در مدیریّت کشور است، مقداری هم در این اواخر مربوط به کرونا است، مقداری هم مربوط به تحریم است؛ مشکلات هست؛ [مثل] وضع معیشت مردم که حالا من بعد برمی‌گردم به این قضیّه. مشکلاتی وجود دارد امّا آنچه آن‌ها می‌خواستند نشده و نخواهد شد؛ آن چیزی که آن‌ها در ذهنشان بوده نشده، این خواب آشفته‌ی این دشمن خبیث تعبیر نشده.

اتّفاقاً همین تعبیر نشدن این خواب و تحقّق نیافتن مقاصد این‌ها را هم خودشان اعتراف می‌کنند؛ الان در خبرهای فراوانی که از جاهای متعدّدی -از غرب، از آمریکا، از اروپا- می‌رسد، و افرادی که در همین اندیشکده‌ها مشغول کارند، دارند اعتراف می‌کنند و می‌گویند فشار شدید تحریم و شدّت عملی که آمریکا به خرج داد، به مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد ایران می‌خواستند انجام بدهند انجام بدهند. این نکته‌ی اوّل؛ بنابراین تحریم یک جنایتی بود با این هدفها و دشمن به این هدفها بحمدالله نرسیده و نخواهد رسید.

## وجود جریان تحریف حقایق به موازات تحریم

نکته‌ی دوّم: به موازات تحریم -این را درست توجّه کنید- یک جریان تحریف هم هست؛ در کنارش یک جریان تحریف هست؛ تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیّات؛ چه واقعیّات کشور ما، چه واقعیّات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آن‌ها انجام می‌دهند.

### هدف از این تحریف

هدف از این تحریف دو چیز است، دو کار را می‌خواهند انجام بدهند: یکی، ضربه به روحیه‌ی مردم است که حالا من عرض می‌کنم که چه‌جوری می‌خواهند به روحیه‌ی مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است. این تحریف در این زمینه‌ها است و با این دو هدف دارد انجام می‌گیرد. پول زیادی هم دارند خرج می‌کنند برای این‌که این حقایق را تحریف کنند. الان هم ملاحظه می‌کنید که همین رؤسایشان، وزیرشان، رئیسشان، دیگران، خودشان را دارند خفه می‌کنند از بس به این‌جا و آن‌جا سفر کنند، علیه ایران حرف بزنند، مصاحبه کنند، در هر قضیّه‌ای اسم ایران را یک جوری بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه می‌کنند، و این جریان تحریف است که وجود دارد.

### تضعیف روحیه و نشاط و تحرّک و امید مردم توسّط دشمن، از اوّل انقلاب

امّا آن مسئله‌ی اوّل که تضعیف روحیه‌ی مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است، از اوّل انقلاب بوده. از اوّل انقلاب، خطّ ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیله‌ی تلویزیون‌ها، رادیوها -البتّه آن وقت محدودتر بود، حالا که دیگر وسیع هم شده و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد- به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده‌ی کسی برای شما برنمی‌آید، اوضاعتان خراب است و غیره؛ از اوّل انقلاب -یعنی از اوایل انقلاب، که حالا یک مقداری اوّل انقلاب گیج بودند، [بعد] به خود آمدند و جریان تبلیغی را علیه کشور پیش گرفتند- یکی از هدف‌ها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایرانِ استعماریِ دوران پهلوی با آمریکا بود، پدر ملّت ایران درآمده. این را از اوّل [دنبال می‌کردند]؛ الان هم همین است؛ الان هم دارند همین را دنبال می‌کنند، اوضاع را بد جلوه می‌دهند، با صدها زبان، با صدها وسیله. اگر نقطه‌ی قوّتی در کشور باشد که مطلقاً انکار می‌کنند؛ یا به سکوت برگزار می‌کنند یا انکار می‌کنند. خب، کارهای خوبی در کشور دارد انجام می‌گیرد؛ مطلقاً [حتّی] یکی از این‌ها در تبلیغات خارجی دشمنان ما منعکس نیست. نقطه‌ی ضعفی اگر وجود داشته باشد، آن را ده‌برابر می‌کنند، گاهی صدبرابر می‌کنند که این نقطه‌ی ضعف را بزرگ کنند؛ برای چیست؟ برای این است که روحیه‌ی مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، به‌خصوص امید جوان‌ها؛ چون وقتی امیدوار باشند، تحرّک جوان‌ها، تحرّک فوق‌العاده است، جوان‌ها پیشتازند، پیش‌رانند؛ اگر چنانچه امید از آن‌ها گرفته شد، متوقّف می‌شوند، مثل ماشینی که بنزینش تمام می‌شود، این جور [متوقّف] می‌شوند.

این‌ها هست، هدفشان این است، می‌خواهند جوان‌های ما را ناامید کنند، نشاط را از آن‌ها بگیرند، تحرّک را از آن‌ها بگیرند و جوری بشود که جوان‌ها تحرّک و پیشتازی و پیشگامی خودشان را نداشته باشند. این هدف این‌ها است و البتّه در بعضی‌ها اثر هم می‌کند. در داخل هم کسانی همین حرف‌های آن‌ها را تکرار می‌کنند؛ یک خبری را فرض بفرمایید در نوشته یا اظهارات فلان کسی که جزو مجموعه‌های سیاسی است انسان می‌شنود، دو روز بعد می‌بیند که یا در فضای مجازی، یا در فلان روزنامه در کشور ما همان منعکس می‌شود. از این کارها متأسّفانه هست در داخل.

### آدرس غلط رفع تحریم

در آن بخش دوّم، [یعنی] آدرس غلط دادن، آدرس دادن‌شان این جوری است که می‌گویند «اگر می‌خواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید»؛ خلاصه‌ی حرف این است که باید کوتاه بیایید در مقابل آمریکا، باید ایستادگی نکنید، که حالا من بعداً درباره‌ی این، با تفصیل بیشتری صحبت خواهم کرد. این هم جریان تحریف.

### شکست قطعی جریان تحریم، با شکست جریان تحریف

البتّه من به شما عرض بکنم که بله، بعضی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند، و همان مطلبی را که آن‌ها می‌گویند تکرار می‌کنند؛ چه در مورد ضعف‌های کشور که ده‌برابر می‌شود، چه در مورد کم نشان دادن و کوچک نشان دادن نقطه‌قوّت‌ها و پیشرفت‌های کشور، چه در مورد آدرس غلط دادن. خب این در بعضی‌ها اثر می‌کند امّا در اکثر مردم، در غالب ملّت ایران اثر نمی‌کند. [غالب مردم] شناخته‌اند آمریکا را، شناخته‌اند دشمن را، می‌دانند که این‌ها دروغ می‌گویند، می‌دانند که این‌ها مغرضانه حرف می‌زنند؛ پس جریان تحریف هم به نتایج مورد نظر آن‌ها نرسیده. و من به شما بگویم که اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه‌ی جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریف شکست خورد و اراده‌ی ملّت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده‌ی دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد. این هم نکته‌ی دوّم.

## مزایای تحریم

### تحریم، وسیله‌ای برای افزایش اتّکاء به نفْس ملّی و شکوفایی علمی کشور

نکته‌ی سوّم؛ خب گفتیم شکّی نیست که تحریم یک جنایتی است از طرف آمریکا، ضربه‌ای است که آمریکا حواله کرده به ملّت ایران؛ لکن ایرانی زیرک از این حمله، از این دشمنی حُسن استفاده را کرده و سود برده؛ یعنی کارهایی کرده که به کوری چشم دشمن و بر خلاف نظر دشمن تحقّق پیدا کرده. مردم ما، جوان‌های ما، مسئولین ما، دانشمندان ما، فعّالان سیاسی و اجتماعی ما این تحریم را وسیله‌ای قرار دادند برای این‌که اتّکاء به نفْس ملّی را افزایش دهند.

### نمونه‌ها

می‌دانید دیگر که تحریم‌های ثانویه یعنی آمریکا به همه‌ی شرکت‌ها، به همه‌ی کشورها، به همه‌ی افراد می‌گوید که شما حق ندارید مثلاً فلان جنسی را که ایران لازم دارد به او بدهید؛ خب طبعاً آن چیزی که ما لازم داریم از خارج بیاوریم، به دست ما نمی‌رسد؛ این موجب شد که کسانی در داخل، در موارد متعدّد -یک مورد و دو مورد نیست، صدها مورد است- وقتی که دیدند دستشان به خارج نمی‌رسد، به فکر بیفتند که در داخل تولید کنند.

فرض کنید ما در نیروهای مسلّح احتیاج داشتیم به هواپیمای جت آموزشی، خب به ما نمی‌فروختند؛ ما چه کار کردیم؟ آمدیم هواپیمای جت پیشرفته‌ی آموزشی کوثر را در داخل درست کردیم. اگر به ما هواپیمای جت آموزشی می‌فروختند، ما امروز تولید جت آموزشی کوثر را در داخل نداشتیم؛ یا بسیاری از ماشین‌های ما، کارخانه‌های ما به قطعات گوناگون احتیاج داشتند؛ این قطعات را دشمن تحریم کرده بود، نمی‌گذاشت قطعات را وارد کنیم. اوّل گفتند قطعاتی که دوگانه است، یعنی در دو جور کار نظامی و غیر نظامی از آن استفاده می‌شود [تحریم است]؛ بعد تعمیم دادند، نگذاشتند. این موجب شد که در داخل، نهضت قطعه‌سازی به راه بیفتد. الان در کشور خوشبختانه نهضت قطعه‌سازی به راه افتاده و قطعه‌های گوناگون، قطعات بسیار حسّاس و ظریف برای دستگاه‌های مختلف را در کشور راه می‌اندازند. این [قطعات] را اگر چنانچه به ما می‌دادند، در داخل کسی به فکر نمی‌افتاد. خب [اگر] کارخانه‌دار احتیاج داشت، می‌رفت از خارج وارد می‌کرد و می‌آورد؛ وقتی که نمی‌شود از خارج وارد کند، می‌آید سراغ دانشگاه، می‌آید سراغ پژوهشکده، پژوهشگاه، از آن‌ها می‌خواهد، آن‌ها هم تلاش می‌کنند و برایش درست می‌کنند. بنابراین ما از همین تحریم هم توانستیم به توفیق الهی و به مدد الهی استفاده کنیم در خدمت شکوفایی علمی کشور؛ این هم نکته‌ی سوّم.

## این کارهای مهمّ اقتصادی و نظامی و علمی در کشور، دلیل ناکامیِ دشمن در تحریم

نکته‌ی چهارم؛ خب، گفتیم که تحریم اثر نکرد؛ یعنی به اهداف مورد نظر دشمن نرسید؛ دلیلش چیست؟ دلیلش کارهای مهمّی است که در دوران تحریم در کشور انجام گرفت؛ فرض بفرمایید، چند هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور درست شد؛ این کار مهمّی است؛ پیدا است که حرکت علمی کشور و حرکت اقتصادی کشور با قدرت بیشتری در جریان است. ما قبل از این تحریم‌های شدید، این چند هزار شرکت دانش‌بنیان را نداشتیم؛ یا فرض بفرمایید پالایشگاه ستاره‌ی خلیج فارس که به وسیله‌ی سپاه درست شد؛ کار بسیار عظیمی است، کار بزرگی است؛ این در دوران تحریم انجام گرفت، و با وجود تحریم انجام گرفت، که مردم دنیا تعجّب می‌کنند؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در بخش‌های نظامی شده؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در پارس جنوبی شده -در پارس جنوبی که منطقه‌ی مهمّ گازی ما است، کارهایی انجام گرفته در حال تحریم- یا طرح‌های عظیم اِحیای اراضی خوزستان و ایلام که یکی از کارهای مهم است؛ من نمی‌دانم این‌ها چقدر تبلیغ شده، چقدر به مردم گفته شده؛ کارهای بزرگی انجام گرفت در اِحیای زمین‌های نیازمند زه‌کشی در ایلام و در خوزستان، عمدتاً در خوزستان و مقداری در ایلام؛ زمین‌های زیادی اِحیا شد و مورد استفاده قرار گرفت. این کارها همه در دوران تحریم انجام گرفت.

یا طرح‌های وزارت نیرو که قبلاً هم من اشاره کردم که طرح‌های مهمّی است -هم در زمینه‌ی آب، هم در زمینه‌ی برق- و همچنین طرح‌های وزارت راه و بعضی طرح‌های دیگر و بالاخره تولیدات شگفت‌آور دفاعی ما که این‌ها واقعاً عجیب است، این‌ها را خودشان هم اعتراف کردند که ایران در دوره‌ی تحریم توانست یک چنین مصنوعات دفاعی را به وجود بیاورد.

### تمرین جداسازی اقتصاد کشور از نفت

و به نظر من یکی از چیزایی که در این زمینه‌ی در این فهرست می‌گنجد و قرار می‌گیرد، عبارت از تمرین جداسازی اقتصاد کشور از نفت است. این خیلی کار سختی است، بنده هم سال‌ها بود این را مدام در دولت‌های مختلف تذکّر می‌دادم، خیلی پیش نمی‌رفت [امّا] الان به طور طبیعی این جور شده است. نفت ما را خب کمتر می‌خرند یا خیلی کم می‌خرند؛ یعنی همه‌ی مشتری‌های قبلی ما ‌به مقدار کافی نفت نمی‌برند. این موجب شده که ارتباط اقتصاد کشور با نفت که بسیار ارتباط مضر و زیان‌باری بود، کم بشود و ان‌شاء‌اللّه این یک تمرینی است که ما بتوانیم این [کار] را بعداً ادامه بدهیم. البتّه منظورم از نفت، نفت خام است وَالّا با نفتی که ارزش افزوده در داخل پیدا کند و محصولاتش صادر بشود، بنده هیچ مخالفتی ندارم. آنچه بنده روی آن تکیه می‌کنم، صادرات نفت خام است. ان‌شاء‌اللّه حالا امیدواریم با پیگیری بیشتر دولت و مجلس این [کار] انجام بگیرد و ظرفیّت‌های فراوانی در کشور هست که می‌تواند جایگزین نفت بشود و مشکل بودجه‌ی ما را ان‌شاءاللّه حل کند.

## عقب‌نشینی مقابل آمریکا، باعث طرح خواسته‌های جدید از طرف او

نکته‌ی پنجم این سؤال است که آیا این تحریم قابل علاج است یا نه؟ جواب [اوّل] این است که قطعاً قابل علاج است؛ جواب دوّم این [است] که قطعاً این علاج، این نیست که ما در مقابل آمریکا عقب‌نشینی کنیم. بعضی‌ها این ‌جوری بحث می‌کنند و این را ترویج می‌کنند که اگر می‌خواهید جلوی زیاده‌خواهی و زورگویی آمریکا گرفته بشود، عقب‌نشینی کنید؛ نه آقا، به طور طبیعی وقتی شما در مقابل آن کسی که اهل تجاوز و زیاده‌خواهی است عقب نشستید، او جلو می‌آید؛ این [یک] چیز روشن و قهری است. [اگر] شما عقب‌نشینی کنید، خواسته‌های آمریکا را قبول کنید، او خواسته‌های جدیدی مطرح خواهد کرد. امروز حرف آمریکا با ما این است که شما صنعت هسته‌ای را به‌کلّی کنار بگذارید؛ امکانات دفاعی‌تان را به یک‌دهم تقلیل بدهید، یعنی همین موشک‌ها و امکانات دفاعی‌ای را که ما داریم و خود این بازدارنده‌ی دشمن است کنار بگذارید و خودتان را بی‌دفاع کنید؛ اقتدار منطقه‌ای خودتان را رها بکنید؛ ما یک عمق راهبردی در منطقه داریم که خیلی از ملّت‌ها و دولت‌ها‌ی منطقه طرف‌دار ما هستند، علاقه‌مند به ما هستند و حاضرند در خدمت هدف‌های ما تلاش کنند، این را می‌گوید کنار بگذارید؛ آمریکا این‌ها را از ما می‌خواهد. از این‌ها صرف‌نظر کردن موجب نمی‌شود که او عقب‌نشینی کند. وقتی که شما حاضر شدید امکان دفاعی‌تان را کم کنید، حاضر شدید که اقتدار منطقه‌ای‌تان را نابود کنید، حاضر شدید صنعت هسته‌ای را که حیاتی است برای کشور ما، به‌کلّی کنار بگذارید، او که قانع نمی‌شود، او یک چیز جدیدی مطالبه خواهد کرد، یک درخواست جدید را مطالبه می‌کند. و هیچ عقلی حکم نمی‌کند که ما برای این‌که متجاوز را وادار کنیم به توقّف، خواسته‌ی او را برآورده کنیم.

### انرژی هسته‌ای؛ نیاز قطعی فردای کشور

ببینید، یک عدّه‌ای متأسّفانه تحت تأثیر همین حرف‌های دشمن می‌گویند «آقا [انرژی] هسته‌ای به چه درد ما می‌خورد؟» همین‌هایی که در روزنامه‌ها و مانند این‌ها گاهی یک چیزی می‌نویسند. من [قبلاً] گفتم که [انرژی] هسته‌ای نیاز قطعی فردای کشور ما است.[[121]](#footnote-121) ما تا چند سال دیگر حدّاقل به بیست هزار یا سی هزار مگاوات برقِ ناشی از انرژی هسته‌ای نیاز داریم؛ که این را از راه دیگر نمی‌توانیم به دست بیاوریم یا مقرون‌به‌صرفه نیست. خب آن روزی که ما احتیاج پیدا کردیم، چه کار کنیم؟ برویم درِ خانه‌ی چه کسی؟ از آمریکا، از اروپا درخواست کنیم، گدایی کنیم که آقا بیایید به ما برق هسته‌ای بدهید یا بیایید برای ما غنی‌سازی راه بیندازید؟ می‌کنند؟ ما امروز بایستی فکر فردا را بکنیم. این نیازها، نیازهایی نیست که در ظرف شش ماه و یک سال و دو سال تأمین بشود، این‌ها را باید از قبل آماده کرد؛ ما این را آماده کرده‌ایم، زمینه‌اش را فراهم کرده‌ایم. خب با این‌که حالا در برجام خسارت فراوانی در این زمینه به ما وارد شد، امّا خوشبختانه اصل این کار محفوظ است و کارهای بزرگ و خوبی هم در این زمینه دارد انجام می‌گیرد؛ دشمن این را نمی‌خواهد؛ در زمینه‌ی مسائل دفاعی و موشکی هم همین جور است.

### علّت مخالفت با مذاکره با آمریکا

این‌که آمریکایی‌ها می‌گویند بیایید مذاکره کنیم، مذاکر‌ه‌شان سر این چیزها است. خواهش می‌کنم همه این را توجّه کنند! البتّه من این را بارها گفته‌ام، باز هم ناچارم بگویم، چون بعضی‌ها یا متوجّه نمی‌شوند یا وانمود می‌کنند متوجّه نشده‌اند؛ این‌که دشمن می‌گوید بیایید مذاکره کنیم، یعنی این‌که شما بیایید پشت میز مذاکره بنشینید و ما به شما بگوییم باید شما موشک نسازید، شما هم باید قبول کنید؛ اگر قبول کردید که خب پدرتان درآمده؛ یعنی خودتان را بی‌دفاع کرده‌اید؛ اگر قبول نکردید، همین آش است و همین کاسه؛ باز هم دعوا، باز هم تحریم، باز هم تهدید؛ مذاکره یعنی این؛ دلیل این‌که بنده می‌گویم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، این است که این مذاکره [نتیجه ندارد]؛ البتّه او سود می‌برد از مذاکره؛ این بنده‌خدا، پیرمردی که الان سرِ کار است در آمریکا، مثل این‌که از مذاکره‌ی با کره‌ی شمالی یک مقدار استفاده‌ی تبلیغاتی کرد؛ این می‌خواهد استفاده کند، حالا برای انتخابات، برای غیر انتخابات، دنبال استفاده‌ی شخصی خودش است امّا فراتر از این‌ها، نظام سیاسی آمریکا ادّعای مسائل حیاتی را در مورد جمهوری اسلامی ایران دارد؛ یعنی می‌گوید شما امکانات دفاعی‌تان را کنار بگذارید، شما اقتدار منطقه‌ای‌تان را کنار بگذارید، شما قدرت ملّی‌تان را کنار بگذارید. خب این‌ها که نمی‌شود؛ انسانی که باشَرف است و علاقه‌مند به حفظ مصالح کشور است که زیر بار این حرف‌ها نمی‌رود؛ مذاکره یعنی این؛ این‌که بنده مخالفت می‌کنم با مذاکره، معنایش این است؛ وَالّا ما با همه ‌جای دنیا غیر از آمریکا و غیر از رژیم جعلی صهیونیست مذاکره می‌کنیم؛ با همه ارتباط داریم، مذاکره می‌کنیم، می‌نشینیم، پا می‌شویم، مشکلی نداریم؛ مسئله‌ی آمریکا این است.

## تکیه بر توانایی‌های ملّی؛ تنها علاج تحریم

این هم یک مسئله که پس بنابراین تحریم قطعاً قابل علاج است امّا علاجش عقب‌نشینی نیست. علاجش چیست؟ علاج تحریم فقط و فقط تکیه بر توانایی‌های ملّی است. باید این توانایی‌ها را هر چه داریم نگه داریم، دنبال کشف توانایی‌های جدید باشیم -که قطعاً هم توانایی‌های ما زیاد است- و به آن‌ها تکیه کنیم و آن‌ها را اِحیا کنیم، جوان‌های خودمان را وارد میدان بکنیم و ارکان اقتصاد مقاومتی را -یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی- [دنبال کنیم.] ما، هم امکاناتی در درون داریم، هم امکانات بین‌الملل داریم. ما، هم می‌توانیم در داخل تولید کنیم و امکانات فراوان گوناگونِ علمی، اقتصادی و غیره بجوشد از داخل، هم می‌توانیم در عرصه‌ی جهان، عرصه‌ی بین‌الملل [فعّالیّت کنیم.] ما دوستان خوبی داریم، با این دوستان می‌توانیم کار کنیم. تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. در اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی هم هست، برون‌گرایی هم هست و ما در هر دو مورد امکانات فراوانی داریم که می‌توانیم آن‌ها را انجام بدهیم. ظرفیّت‌هایمان واقعاً بی‌پایان است و هر چه پیش برویم ظرفیّت‌های جدیدی پیش می‌آید که البتّه باید با مدیریّت جهادی این‌ها به دست بیاید؛ با تدبیر واقعی و با مدیریّت جهادی این‌ها به دست می‌آید.

### استفاده از دوستانمان در دنیا؛ با وجود تکیه‌ی به خدا

ما دوستان مؤثّری در دنیا داریم. البتّه این جور نیست که ما به دولت‌های دوست خودمان تکیه بکنیم؛ نه، تکیه‌ی ما به خدای متعال و به خودمان است. ما اگر چنانچه دوستان قدرتمندی هم در دنیا نداشته باشیم، کار خودمان را می‌کنیم و پیش می‌رویم.

در دوره‌ی دفاع مقدّس، هم جبهه‌ی شرق با ما مخالف بود، هم جبهه‌ی غرب با ما مخالف بود؛ هم شورویِ آن روز ضدّ ما و دشمن ما بود، هم آمریکا و اروپای آن روز ضدّ ما بودند؛ ما بدون این‌ها توانستیم هشت سال مقاومت کنیم و دشمن را شکست بدهیم؛ توانستیم صدّام را به زانو دربیاوریم و به خاک سیاه بنشانیم؛ این کار را توانستیم بکنیم؛ یعنی تکیه‌ی ‌ما به خدا است، تکیه‌مان به خودمان است ولی خب از امکانات دوستانمان حدّاکثر استفاده را ان‌شاء‌اللّه می‌کنیم.

## دشمن‌های تکیه‌ی به امکانات داخلی

و این را هم بدانید که تکیه‌ی به امکانات داخلی، دشمن دارد؛ یک عدّه دشمن‌های خارجی‌اند، یک عدّه هم بدخواه‌های داخلی‌اند؛ آن [کسی] که فرض بفرمایید برای منافع خودش -چون از واردات یک منفعتی، یک سود حقیری می‌برد- حاضر است جنسی را که در داخل تولید می‌شود، برود از خارج بیاورد و رقابت درست کند و کارخانه‌[ی داخلی] را به خاک سیاه بنشاند، دارد خیانت می‌کند؛ این را به شما عرض بکنم. متأسّفانه با این‌که بنده تأکید کردم و سفارش کردم، باز مشاهده می‌شود که در مواردی یک جنسی را که در داخل دارد تولید می‌شود، نوع خوبش هم تولید می‌شود، در عین حال می‌روند از خارج آن را وارد می‌کنند، آن کارخانه‌دار بیچاره‌ای که سرمایه گذاشته و زحمت کشیده و تولید کرده، جنسش روی دستش می‌ماند؛ ما باید حواسمان باشد که این مخالفت‌ها و این دشمنی‌ها در داخل هست.

از قدیم هم دشمنی با استقلال داخلی بوده؛ ببینید در [بیش از] ۱۵۰ یا ۱۶۰ سال پیش از این، امیرکبیر بود که می‌خواست اقتصاد کشور و توانایی‌های حیاتی کشور را مستقل کند؛ سفارت انگلیس با خباثتش، با رذالتش، با وسوسه‌هایی که درست کردند، ناصرالدّین‌شاه را وادار کردند تا او را از صدراعظمی عزل کرد، بعد هم [او را] به قتل رساندند؛ کار انگلیس‌ها بود. همین جور در قضایای ملّی شدن صنعت نفت، که تا ملّت ایران آمد روی پای خودش بِایستد، آن حوادث بیست‌وهشتم مرداد و آن قضایای آمریکا و انگلیس را به وجود آوردند. بعد از انقلاب هم که به طور واضح دارند با همه‌ی مسائل مخالفت می‌کنند؛ باید توجّه داشت که این هم دشمن جدّی و اساسی دارد.

## تکیه نکردن به وعده‌های این و آن

### شرطی کردن اقتصاد کشور توسط اروپایی‌ها

به وعده‌های این و آن هم نباید تکیه کرد؛ من این را عرض کرده‌ام، این‌جا هم باز هم عرض بکنم: ببینید، اوایل سال ۹۷ -دو سال قبل از این- که آمریکا از برجام خارج شده بود، مرتّب ما گفتیم باید اروپایی‌ها چنین کنند، چنان کنند؛ آن‌ها گفتند باشد، مثلاً تا سه ماه دیگر صبر کنید، تا چهار ماه دیگر صبر کنید؛ بعد که چهار ماه شد گفتند تا پنج ماه دیگر، شش ماه دیگر؛ همین‌ طور ما را عقب انداختند، یعنی اقتصاد کشور را شرطی کردند، اقتصاد کشور را وابسته کردند؛ سرمایه‌گذار ما، تاجر ما، صادرات‌چیِ ما و عناصر فعّال اقتصادیِ ما در داخل معطّل ماندند ببینند بالاخره اروپا یک کاری می‌کند یا نمی‌کند؛ این خیلی برای اقتصاد کشور مضر است. به وعده‌های این‌ها نبایستی اعتماد کرد، این‌ها تخلّف می‌کنند. کشور را چشم‌انتظار اقدام این و آن نباید قرار داد؛ باید ما خودمان کار خودمان را بکنیم.

### بازیچه‌ی چرندی به نام اینستکس

اروپایی‌ها هم هیچ کار نکردند؛ آخرین ابتکار آن‌ها یک بازیچه‌ی چرندی به نام اینستکس[[122]](#footnote-122) بود که البتّه آن هم تحقّق پیدا نکرده، آن هم تا الان نشده؛ خلاصه‌ی اینستکس این است که ایران پول‌هایی را که از جاهای دیگر طلب دارد، بدهد به حضرات اروپایی‌ها -مثلاً فرانسه، انگلیس- که آن‌ها هر جنسی که مصلحت می‌دانند، بخرند برای ایران بفرستند؛ این معنای اینستکس است؛ که خود این یک چیز مضرّ غلطی است و البتّه همین را هم انجام نداده‌اند و نکرده‌اند.

### علاج تحریم: فعّال کردن ظرفیّت‌های داخلی

علاج تحریم، فعّال کردن ظرفیّت‌های داخلی است؛ البتّه این جِد و جهد می‌خواهد، مجاهدت می‌خواهد و بایستی تلاش کرد؛ این هم یک نکته.

## در باب مسئله‌ی اقتصادی

### مشکل جدّی معیشت خانوارها

یک جمله در باب مسئله‌ی اقتصادی کشور عرض می‌کنم. خب، کشور از لحاظ معیشت عمومی دچار مشکل است؛ یعنی واقعاً معیشت خانوارها دچار مشکل جدّی است و مردم مشکل دارند؛ گرانی‌ها و مانند این‌ها هست، این‌ها بایست علاج بشود. البتّه کارهایی که باید انجام بگیرد، ما در جلسات خصوصی به مسئولین گفته‌ایم یا پیغام داده‌ایم؛ بنده با آقای رئیس‌جمهور هم صحبت کرده‌ام و با بعضی از مسئولین دیگر هم دورادور صحبت کرده‌ایم و پیغام داده‌ایم که کارهایی را انجام بدهند؛ حالا این را باز هم می‌گویم، تأکید می‌کنم بر این‌که دستگاه‌های مسئول به آن توجّه کنند که در همین زمینه‌ی مربوط به مشکل اقتصادی، یک بخش مسائل فوری ما است، یک بخش هم مسائل بلندمدّت ما یا میان‌مدّت ما است.

### مسائل فوری

#### مهار قیمت‌ها

مسائل فوری عمدتاً مسئله‌ی مهار قیمت‌ها است؛ یعنی تلاش‌هایی [برای آن] باید کرد. متخصّصین مسائل اقتصادی معتقدند که این کار ممکن است؛ یعنی کسانی که اهل مدیریّت‌های اجرایی در زمینه‌ی اقتصادی هستند معتقدند که می‌شود قیمت‌ها را مهار کرد. البتّه گاهی اوقات که قیمت‌ها بالا می‌رود به خاطر کمبود کالا است؛ لکن در مواردی هیچ کمبودی وجود ندارد، جنس وجود دارد، زیاد هم هست [امّا] در انبار آن را نگه میدارند، عرضه نمی‌کنند، که خب با این‌ها بایستی برخورد کرد؛ یعنی واقعاً این‌ها را حتماً بایستی دستگاه‌های ذی‌ربط که عمدتاً دستگاه‌های دولتی هستند -قوّه‌ی مجریه، و قوّه‌ی قضائیّه هم اگر کمکی از او لازم است- وارد بشوند. این یک مسئله است که بازار یک ثباتی پیدا بکند. این حالت که هر روز اجناس یک قیمتی پیدا کند، برای کشور مضر است.

#### حفظ ارزش پول ملّی

بعد هم مسئله‌ی حفظ ارزش پول ملّی است؛ این‌که این ارز همین طور افسار پاره کند و قیمتش روزبه‌روز بالا برود، چیز بسیار بدی است، این جزو کارهای کوتاه‌مدّت است که بایستی [مسئولین] انجام بدهند. البتّه من اطّلاع دارم بانک مرکزی تلاش‌های زیادی دارد می‌کند و ان‌شاء‌اللّه موفّق هم خواهد شد و این هم به بنده گزارش شده از جاهای مطمئن که این [موضوع] بیش از آنچه دلایل اقتصادی داشته باشد، دلایل امنیّتی-سیاسی دارد -نه این‌که دلایل اقتصادی نداشته باشد امّا [عمده] دلایل امنیّتی و سیاسی است- که خب اگر این [طور] باشد باید جدّاً مقابله بشود؛ کسانی هستند که به این آتش‌افروزی دامن می‌زنند.

#### ضرورت هدایت نقدینگی به‌سمت تولید

یک مسئله‌ی دیگر هم که جزو مسائل لازم است و آن را هم باز اهل فن و کارشناس‌های ذی‌ربط می‌گویند که ممکن است، مسئله‌ی هدایت نقدینگی به تولید است. من البتّه دو سال قبل از این در نماز عید فطر این را گفتم که نقدینگی برای اقتصاد کشور یک خطر بزرگی است،[[123]](#footnote-123) امّا همین خطر را می‌شود تبدیل کرد به سود؛ اگر بتوانیم با تدبیرِ درست این نقدینگی را به‌سمت تولید هدایت بکنیم، نه فقط دیگر ضرر ندارد، بلکه سودمند هم خواهد بود. کارشناس‌ها به ما می‌گویند که این کار ممکن است، میتوان این کار را کرد؛ برنامه‌ریزی لازم دارد، دنبال‌گیری لازم دارد که ان‌شاءاللّه بایستی انجام بگیرد.

#### شناسایی و رفع موانعِ جهش تولید

یک موضوع دیگر هم موانع جهش تولید است؛ ما امسال را سال جهش تولید معیّن کردیم و موانعی در این‌جا و در سر راه وجود دارد. به من این جور پیشنهاد شده که من حالا مطرح می‌کنم و آقایان رؤسای محترم سه قوّه این را دنبال کنند، بررسی کنند. پیشنهاد شده که یک کارگروه ویژه‌ای از طرف سران سه قوّه تعیین شود و این کارگروه که نماینده‌ی جلسه‌ی اقتصادی سران سه قوّه است، بروند این موانع را شناسایی کنند و رفع کنند. این را حضرات در جلسه‌شان مطرح کنند و به یک نتیجه‌ای برسند و جدّاً این را دنبال کنند که موانع جهش تولید چیست که شاید یکی از موانع، همین مسئله‌ی واردات بی‌رویّه باشد که بسیار مهم است.

### اصلاحات اساسی و کارهای بلندمدّت

اینها کارهایی است که در کوتاه‌مدّت بایست به طور فوری و با اولویّت انجام بگیرد؛ و همه‌ی دستگاه‌ها هم -دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های خصوصی و شبه‌خصوصی- بایستی همه با هم همکاری کنند که این کار انجام بگیرد؛ لکن اصلاحات اساسی، همان چیزی است که ما دو سال قبل از این به همین جلسه‌ی شورای اقتصادی سران سه قوّه ابلاغ کردیم؛ که یکی عبارت است از مسئله‌ی اصلاح ساختار بودجه که خیلی مهم است، یکی مسئله‌ی اصلاح نظام بانکی است، یکی ارتقای سرمایه‌گذاری و اشتغال است. البتّه از سال‌ها پیش متأسّفانه مسئله‌ی سرمایه‌گذاری در کشور تضعیف شده و کار لازم در این زمینه انجام نگرفته؛ از ده دوازده سال پیش، این مشکل وجود داشته در کشور که بایستی جبران بشود؛ این کار جزو کارهای بلندمدّت است. یکی هم بهبود فضای کسب و کار است، که البتّه این‌ها را ما درخواست کرده‌ایم، آقایان هم تلاش می‌کنند؛ پیشرفت قابل توجّهی نداشته ولی خب می‌دانیم چه می‌خواهیم؛ مهم این است؛ می‌دانیم دنبال چه هستیم و برنامه این‌ها است، باید این کارها تحقّق پیدا کند؛ این هم یک چند جمله راجع به بحث اقتصاد.

## احتیاج به صبر و ثبات قدم برای تأمین آینده

من راجع به آینده هم یک جمله‌ای عرض بکنم. به نظر من برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم؛ رَبَّنَا اغفِر لَنا ذُنوبَنا وَ إِسرافَنا فی أَمرِنا وَ ثَبِّت أَقدامَنا؛[[124]](#footnote-124) یکی از چیزهایی که در دعا خواسته شده، همین است که قدم‌هایمان ثابت باشد؛ صبر و ثبات قدم لازم است؛ که البتّه مردم هم خوشبختانه مردم صبوری هستند؛ ما این را تجربه کرده‌ایم، می‌دانیم که به خاطر ایمان مذهبی‌ای که دارند، به خاطر اعتمادی که به نظام و کشور و جمهوری اسلامی دارند، ثبات مردم انصافاً ثبات خوبی است؛ مسئولین هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند؛ یعنی کار جهادی به نظر من بسیار لازم است؛ تردید، نگرانی، آیا می‌شود، آیا نمی‌شود، بکنیم، نکنیم، این‌ها خیلی مضر است؛ مسئولین به این‌ها باید توجّه کنند.

## مشکلات بزرگ و عجیب جامعه‌ی آمریکا

### مشکلات آمریکا؛ ده‌ها برابر بزرگ‌تر از مشکلات ما

توجّه داشته باشیم مشکلات بزرگی که امروز حول و حوش دشمن اصلی ما را گرفته -که دشمن اصلی ما نظام آمریکا و رژیم آمریکا است- قابل مقایسه با مشکلات ما نیست، ده‌ها برابر بزرگ‌تر از مشکلات ما است؛ یعنی آمریکایی‌ها الان محصور به مشکلات گوناگون [هستند]: از طرفی افزایش فاصله‌ی طبقاتی به شکل عجیب، از طرفی مشکل تبعیض نژادی که خب بُروز کرده و دارد خودش را نشان می‌دهد و همه را در مقابل این نظام آمریکا به صف کرده؛ از طرفی مشکلات لاینحلّ اقتصادی. این‌که حالا گفته شد ۴۵ میلیون بیکار [دارند]، چیز خیلی مهمّی است، چیز خیلی عجیبی است در کشور. و مشکلات مدیریّتی که در باب کرونا خودش را نشان داد.

این‌ها مشکلات آمریکا است؛ و رفتار پلیس سنگدل هم نشان‌دهنده‌ی مشکل مدیریّتی است. یعنی مدیریّت‌های اجتماعیِ آن کشور جوری است که نمی‌توانند مانع بشوند از این‌که یک پلیسی این جور وحشیانه جلوی چشم مردم، داخل خیابان یک نفر را با شکنجه به قتل برساند؛ نمی‌توانند مانع این کار بشوند. این نشان‌دهنده‌ی مشکلات سخت مدیریّتی است و همین‌ها موجب شده آمریکا امروز در سطح دنیا منفور است، در سطح دنیا منزوی است، و آتش زیر خاکستر هم شعله کشیده.

### شعله کشیدن این آتش زیر خاکستر

ممکن است این حرکاتی را که امروز در کف خیابان‌ها در آمریکا در ایالتهای مختلف هست سرکوب کنند، موقّتاً آن را خاموش کنند لکن آتش زیر خاکستر باقی است، از بین نمی‌رود و شعله می‌کشد. این‌ها نظام کنونی آمریکا را از بین خواهد برد. و علّتش هم این است که نظام، نظام غلطی است؛ فلسفه‌ی اقتصادی و سیاسیِ نظام آمریکا فلسفه‌ی غلطی است منتها فلسفه‌های غلط، ظرف ده سال و بیست سال خودش را نشان نمی‌دهد، در طول مدّت نشان می‌دهد و دارد الان نشان می‌دهد؛ و مدیریّت آمریکا خلاصه الان دچار سرگیجه است. البتّه گفتم علیه ما مرتّباً این‌جا و آن‌جا حرف می‌زنند لکن این ظاهر قضیّه است، این برای آن است که خودشان را از تک و تا نیندازند؛ وَالّا همه‌‌ی آن‌ها گرفتار مشکلات داخلی‌اند، همه‌ی آن‌ها نگران مسائل آینده‌ی خودشان [هستند].

### ملّت آمریکا؛ بزرگ‌ترین دشمن رژیم آمریکا

به نظر من آمریکایی‌ها دنبال پیدا کردن دشمنند؛ گاهی اسم ایران را می‌آورند،گاهی اسم چین را می‌آورند، گاهی اسم روسیه را می‌آورند؛ می‌خواهند دشمن درست کنند. به نظر من آمریکا، دشمنی بزرگ‌تر از ملّت خودش ندارد؛ الان بزرگ‌ترین دشمن رژیم آمریکا، ملّت آمریکا هستند؛ دنبالِ دشمنِ دیگر نگردد؛ همین دشمن هم هست که این رژیم را به زانو درخواهد آورد.

## مشکل آمریکا با ما

و مشکل آمریکا با ما هم این است که نه می‌تواند ما را حذف کند، نه می‌تواند ما را تسلیم کند؛ او دنبال این است که یا ما را تسلیم خواسته‌های خودش بکند، یا ما را حذف کند و از بین ببرد، و هیچ کدام را نمی‌تواند، لذاست که ناراحت است؛ بنابراین به نظر ما صبر و ثبات و ایستادگی و ان‌شاء‌اللّه کار جهادی وظیفه‌ی ما است.

## خوب کار کردن بعضی از بخش‌های دولت

خب این دولت [کنونی ما] هم در اواخر دوران مسئولیّت خودش است؛ در این هفت سال کارهایی انجام داده‌اند و هر چه توانستند تلاش کرده‌اند؛ بعد هم ان‌شا‌ءاللّه دولت تازه‌نفَس دیگری می‌آید و امیدواریم که ان‌شاء‌اللّه کارها را با یک جدّیّت بیشتری دنبال بکنند. بعضی از بخش‌های دولت در این مدّت هم واقعاً خوب کار کردند؛ حالا نسبت به همه‌‌ی این بخش‌ها نمی‌شود این را گفت امّا در بعضی از بخش‌ها واقعاً کارهای خوبی انجام گرفته. بنابراین بحول‌اللّه و قوّته، ان‌شا‌ءاللّه ما کارها را ادامه می‌دهیم، راه را پیش می‌بریم و ملّت ایران پیروز خواهد شد.

## لزوم رعایت معیارهای ستاد ملّی کرونا در مجالس عزاداری محرّم

یک جمله من راجع به محرّم بگویم؛ بحث [در مورد] محرّم زیاد است و همین طور الان مدّت‌ها است که هر کسی یک چیزی راجع به محرّم می‌گوید. خب عزاداری را بالاخره به یک شکلی [بر پا] می‌کنند؛ آنچه بنده می‌خواهم تأکید کنم این است که در عزاداری‌ها معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت به ما می‌گویند؛ [یعنی] ستاد ملّی کرونا. خود بنده شخصاً هر چه آن‌ها لازم بدانند مراعات خواهم کرد. توصیه‌ی من و تأکید من به همه‌ی کسانی که می‌خواهند عزاداری کنند -هیئات، آقایان حضرات منبری‌ها، صاحبان مجالس، مدّاح‌ها، نوحه‌خوان‌ها و دیگران- این است: هر کاری می‌کنید، [اوّل] ببینید آن‌ها چه می‌گویند. یعنی ستاد ملّی کرونا اگر چنانچه یک ضابطه‌ای را معیّن کرد برای عزاداری، همه‌ی ما موظّفیم آن را عمل کنیم. مسئله، مسئله‌ی کوچکی نیست، مسئله‌ی بسیار مهمّی است. الان یک مقداری مراقبت هست و کنترل هست؛ خدای نکرده اگر چنانچه همین مقدار هم شل گرفته بشود و از بین برود، آن وقت فاجعه‌ای به وجود خواهد آمد که دیگر آن سرش ناپیدا است.

امیدواریم خدای متعال کمک کند، حضرت بقیّة‌اللّه (ارواحنا فداه) دست ما را بگیرد، به کمک ما بیاید -همچنان که همیشه [چنین] بوده- و ان‌شاء‌اللّه ارواح طیّبه‌ی شهدا و روح مطهّر امام راحل (رضوان‌ اللّه علیه) ما را دعا کنند و موفّقیّت ملّت ایران را از خدا بخواهند.

والسّلام علیکم و رحمة‌اللّه و برکاته

# حکم انتصاب نماینده‌ی ولی‌فقیه و امام جمعه‌ی کاشان 27/5/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عباسعلی سلیمانی دامت افاضاته

اکنون با پایان یافتن مسئولیت عالم مجاهد جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای نمازی دامت توفیقاته و با تشکر از فعالیّت‌های علمی و اجتماعی ایشان در دوران اشتغال در کاشان، جنابعالی را به امامت جمعه‌ی کاشان و نمایندگی خود در آن منطقه منصوب می‌کنم.

## افتخارات کاشان

کاشان علاوه بر افتخارات تاریخی و پرورش برجستگان علمی و چهره‌های کم‌نظیر در فقه و حدیث و علوم عقلی و ادبیات و اخلاق که حقّاً مایه‌ی مباهات است، در دوران کنونی و در حوادث مهم انقلاب و نظام اسلامی نیز مجاهدت مردمی و وفاداری به آرمان‌ها را به حدّ نصاب کامل رسانیده است. مردم عزیز و با ایمان و انقلابی کاشان در همه‌ی صحنه‌های خدمت و تلاش حضور داشته و به وظایف دینی و انقلابی خود جامه‌ی عمل پوشانده‌اند.

## انتظارات

انتظار می‌رود جناب‌عالی با همه‌ی توان در خدمات دینی و اجتماعی حضور یافته و سلوک مردمی با همه‌ی قشرها به‌ویژه جوانان و تکریم خانواده‌های معظم شهیدان و ایثارگران را ممشای همیشگی خود قرار دهید. غنی ساختن محتوای خطبه‌های نماز جمعه با معارف دینی و هدایت‌های سیاسی توصیه‌ی دیگر اینجانب است.

امید است با برطرف شدن بلای همه‌گیر بیماری، اجتماع نماز جمعه و محافل پر رونق دینی و معروف کاشان بار دیگر دل‌ها و جان‌های مردم عزیز را صفا و نورانیت بخشد.

توفیقات جنابعالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۵ مرداد ۱۳۹۹

# \*\*\*شهریور 1399

# بیانات در ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت 2/6/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[125]](#footnote-125)

و الحمدلله ربّ العالمین و صلّی الله علی محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

السّلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح الّتی حلّت بفنائک علیکم منّی جمیعاً سلام الله ابداً ما بقیت و بقی اللیل و النّهار و لا جعله الله آخر العهد منّی لزیارتکم السّلام علی الحسین و علی علیّ بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

## حادثه‌ی عاشورا نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی جهاد و فداکاری و شهادت در راه خدا

خیلی متشکّریم از بیانات جناب آقای رئیس‌جمهور و آقایان وزرای محترم. این ایّام هفته‌ی دولت، امسال مصادف شده است با ایّام محرّم و دهه‌ی عاشورا که قلّه‌ی جهاد و شهادت را نشان می‌دهد؛ حقیقتاً حادثه‌ی عاشورا نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی جهاد و فداکاری و شهادت در راه خدا است.

### ویژگی‌های شهید باهنر و شهید رجائی

اتّفاقاً مناسبت خود این هفته -هفته‌ی دولت- هم، مناسبت جهاد و شهادت است؛ یعنی دو شهید بزرگوار ما، شهید باهنر و شهید رجائی، کسانی بودند که جهاد کردند و بر اثر این جهاد، خدای متعال شهادت را به آن‌ها پاداش داد. این دو نفر، آن طور که ما از نزدیک شاهد بودیم -هم قبل از انقلاب، هم بعد از انقلاب- کارشان برای خدا بود، سخت کار می‌کردند، برای خدا کار می‌کردند، در محاصره‌ی مشکلات کار می‌کردند، به منافع شخصی خودشان اصلاً فکر نمی‌کردند، در پی چهره‌سازی برای خودشان و جذب مخاطب اصلاً نبودند؛ این‌ها خصوصیّات برجسته و مهمّی است و بنابر‌این، این جور کار کردن، این جور مجاهدت‌ کردن، پیش خدای متعال قطعاً مورد قبول است و شهادت حقّ آن‌ها بود، پاداش آن‌ها بود و ان‌شاءالله امروز مقامشان پیش خدا، متعالی است.

## هفته‌ی دولت فرصتی برای جمع‌بندی عملکردها، نقد نقاط ضعف و قوّت، تبیین و خبررسانی

خب، هفته‌ی دولت هفته‌ی قابل توجّهی است، هفته‌ی مهمّی است. این هفته مناسبتی است برای یادآوری و مرور خدمات یک‌ساله‌ی اعضای دولت؛ جمع‌بندی عملکردها و نقد نقاط ضعف و نقاط قوّت -که هر دولتی نقاط قوّتی دارد، نقاط ضعفی دارد- نقد درونی، بیش از و پیش از نقد دیگران، و فرصت تبیین و خبررسانی؛ این هم بسیار مهم است. خب امروز خبرهای بزرگ و مهمّی به وسیله‌ی رئیس‌جمهور محترم و آقایان وزرا داده شد که خیلی‌ از آن‌ها برای ما تازه بود.

### لزوم گفتگوی رودررو با مردم و بیان گزارش‌های صادقانه

انتشار این خبرها و نقد این خبرها مهم است؛ هم دستاوردها را بگویید، هم تنگناها را بگویید، هم آنچه را توانستید انجام بدهید بگویید، هم آنچه را باید انجام می‌دادید و انجام نشده بگویید؛ مردم خوششان می‌آید. این جور انسان بتواند همه‌ی ابعاد قضیّه را بیان کند، این برای مردم شیرین و دلپذیر است، به‌خصوص در تماسّ مستقیم با مردم؛ تا آنجایی که ممکن است، با مردم مستقیم حرف بزنید. البتّه این روزها محدودیّت هست، لکن از طریق تلویزیون و با تماس‌های رودررو با مردم برای آن‌ها توضیح بدهید. و البتّه این [کار] همیشه باید انجام بگیرد؛ این توضیح و تبیین مخصوص هفته‌ی دولت نیست، همیشه بایستی انجام بگیرد. مردم از گزارش‌های صادقانه خرسند می‌شوند، امیدوار می‌شوند و خوشحال می‌شوند.

## اهمّیّت سال آخر دولت

نکته‌ی بعدی که قابل توجّه و مهم است، این است که از امروز در واقع سال آخر دولت شروع می‌شود. سال آخر خیلی مهم است؛ از جهات مختلفی مهم است.

### آخرین فرصت برای خدمت

اوّلین جهتش این است که شما آقایانی که امروز توفیق دارید برای ملّتتان، برای کشورتان، برای خدا، برای اسلام کار کنید، بدانید این آخرین فرصت است؛ این یک سال آخرین فرصتی است که شما دارید. البتّه ممکن است در آینده آقایان مسئولیّت‌هایی داشته باشند، امّا در این مسئولیّتِ خاص که خیلی هم مهم است -مدیریّت کلان در کشور، آن هم در بخش‌های گوناگون- این آخرین فرصت شما است؛ از این آخرین فرصت هر چه می‌توانید باید استفاده کنید.

#### بیش از سه تا فرصتِ 100 روز

و یک سال هم زمان کمی نیست؛ یعنی این جور نباید تصوّر کرد که یک سال چیزی نیست؛ نه، یک سال خیلی زمان است. خب ملاحظه کرده‌اید، در بعضی از کشورهای دنیا معمول است، در کشور ما هم اخیراً معمول شده که در اوّل مسئولیّت، رؤسای محترم یک فرصت صدروزه را معیّن می‌کنند می‌گویند در این ۱۰۰ روز مثلاً این کارها را یا یک کارهایی را انجام می‌دهیم، مردم هم در فرصت صدروزه قضاوت می‌کنند، مطبوعات و دیگران می‌گویند در این ۱۰۰ روز این جور کار شد؛ خب معلوم می‌شود که در ۱۰۰ روز می‌شود کارهای مهمّی کرد. یک سال سه ‌تا ۱۰۰ روز به اضافه‌ی یک ۶۵ روز است؛ بنابر‌این، زمان کمی برای کار نیست.

### انجام بعضی کارهای اساسی؛ یادگار برای دولت بعد

علاوه‌ی بر این، بعضی کارهای اساسی را که در دولت شما ممکن است جواب ندهد، برای دولت بعد به یادگار بگذارید؛ بگذارید با نام نیک و با تشکّر از شما یاد بشود در دولت‌های بعدی. مثلاً فرض کنید اصلاح ساختار بودجه؛ این کار بلندمدّتی است، کار مهمّی است؛ یا اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی یا اصلاح قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛ این‌ها کارهای ماندگار است، کارهای اساسی‌ای است که برای بعد باقی میماند.

## جدّیّت در انجام و تمام کردن این کارها

یکی از چیزهایی که در مورد سال آخر قابل توجّه است، این است که کارهایی که شروع شده یا قول آن داده شده سعی بشود تمام بشود. خب وزیر محترم مسکن[[126]](#footnote-126) قول چهارصد هزار -که البتّه حالا آقای رئیس‌جمهور گفتند ششصد هزار؛ چه ‌بهتر- واحد مسکونی را تا آخر دوره داده‌اند؛ این چیز بسیار خوبی است، کم نیست؛ مجموع این‌ها یک تحوّلی در امر مسکن به وجود می‌آورد. الان می‌بینید مسئله‌ی مسکن یکی از مسائل کاملاً مشکل کشور است؛ خب با این کار یک گرهی باز می‌شود، یک کار بزرگی انجام می‌گیرد.

یا طرح‌های در دست افتتاح وزارت نیرو که خب خوشبختانه هفته‌به‌هفته این طرح‌ها دارد اجرا می‌شود. همه‌ی این طرح‌ها را تا آخر سال، همان ‌طور که برنامه‌ریزی کرده‌اید، با دقّت دنبال کنید، با جدّیّت انجام بدهید تا این کارها انجام بگیرد؛ این‌ها کارهای زیربنایی است.

یا سیاست پالایشگاه‌سازی که شنیدم یک سیاستی است که الان اجرا می‌شود. البتّه این سیاست خیلی زودتر از این باید [اجرا] می‌شد؛ از سال‌ها پیش، از دوره‌های قبل، بنده مکرّر در مورد پالایشگاه‌سازی سفارش می‌کردم، که خب یک‌ خرده تأخیر شده. حالا این سیاست وجود دارد؛ بسیار خوب! دنبال کنید، این کار بسیار مهم است و شاید بتوانیم ان‌شاءالله عمده‌ی بهره‌مندیِ خودمان از نفتِ باارزش را عبارت قرار بدهیم از صادرات نفتی که ارزش افزوده‌اش مال خود ما است؛ یعنی خود ما این را پالایش کرده‌ایم، گازوئیل یا مثلاً بنزین تولید کرده‌ایم، آن را صادر می‌کنیم؛ هم صادراتش آسان‌تر است، هم قیمتش بالاتر است، هم عاید‌ی‌اش برای کشور به‌مراتب بیشتر است.

یا اقداماتی که در مورد شرکت‌های دانش‌بنیان شروع شده که این‌ها تا آخر دوره باید با جدّیّت دنبال بشود؛ یک حرکت بابرکتی است این شرکت‌های دانش‌بنیان برای کشور.

یا اقدامات مربوط به نظام سلامت، مخصوصاً در مواجهه‌ی با کرونا که کارهای بسیار مهمّی با مدیریّت‌های خوب بحمدالله انجام گرفته. این‌ها را ادامه بدهید و با جدّیّت دنبال کنید. بعضی از این کارها -همین طور که اشاره شد- جزو کارهای ماندگار است، مثل مسئله‌ی کشف دارو یا مثلاً فرض کنید کارهایی مانند آن؛ این چیزها مسائل مهمّی است.

مسئله‌ی افزایش تولیدات کشاورزی هم که قول داده شده، گفته شده، مسئله‌ی بسیار مهمّی است. کارهایی که تا الان در این زمینه شده جزو موفّقیّت‌های دولت است؛ این‌ها را در این سال آخر، هر چه می‌توانید با جدّیّت دنبال کنید. و به‌خصوص این کارهای علمی فشرده‌ای که درباب کرونا دارد انجام می‌گیرد، باید به‌جِد در سال آخر دنبال بشود. بنابر‌این، سال آخر سال مهمّی است و به‌ هیچ‌ وجه نباید به صورت وقت اضافی به آن نگاه کرد.

## چند جمله در باب مسائل اقتصادی کشور

چند جمله در باب مسائل اقتصادی کشور: خب گزارش‌هایی که آقای رئیس‌جمهور و آقایان دادید، عمده متوجّه مسائل اقتصادی بود، من هم یک چند جمله‌ای را در این زمینه تذکّر می‌دهم که مورد توجّه باشد.

## 1) تولید؛ کلید اصلی اشتغال، کاهش توّرم و ایجاد ارزش پول ملّی

اوّلاً مسئله‌ی تولید. خب تولید، همان طور که ما هم اشاره کردیم، دوستان هم اشاره کردید، کلید اصلی است برای اشتغال، برای معیشت، برای کاهش تورّم، برای ایجاد ارزش پول ملّی؛ تولید واقعاً مادر همه‌ی این‌ها است؛ هر چه می‌توانیم در مورد تولید بایستی کار کنیم. ما در این چند سال مکرّر اشاره کرده‌ایم و شعار سال هم که امسال «جهش تولید» است.

### لزوم برطرف کردن موانع تولید

آنچه من می‌خواهم روی آن تکیه کنم، این است که تولید یک موانعی دارد؛ این‌ جور نیست که انسان بتواند راحت به سمت افزایش تولید یا جهش تولید که ما گفتیم برود؛ موانعی هست؛ بروید سراغ این موانع، این موانع را برطرف کنید. ممکن است آقایان به ذهنشان بگذرد که خب موانع در اختیار ما نیست، مثلاً تحریم خارجی است؛ بله، بعضی از موانع این جوری است و تحت اختیار ما نیست؛ بحث حبس پول‌های نفت ما، حبس امکانات ما، جلوگیری از فروش نفت ما در بخش مهمّی و مانع شدن از این‌که چیزهایی را وارد کنیم -ماشین لازم داریم، قطعات لازم داریم- در اختیار ما نیست، لکن بسیاری از موانع هم موانعی است که در درون کشور است و این‌ها به‌جِد موجب مانع شدن از تولید و موجب جلوگیری از جهش تولید است؛ این‌ها را می‌شود برطرف کرد. من چند مورد از این‌ها را ذکر می‌کنم.

## موانع جهش تولید

### واردات بی‌رویّه

یکی مسئله‌ی واردات بی‌رویّه است که ما مکرّر روی این تکیه کرده‌ایم. تولیدکنندگان مکرّر نامه می‌نویسند، شکایت می‌کنند، مراجعه می‌کنند، با بعضی از این‌ها در تلویزیون مصاحبه می‌شود و ذکر می‌کنند؛ [مثلاً] کارخانه‌ای است، یک کالایی را که مورد نیاز کشور هم هست دارد تولید می‌کند،‌ چشمش به دست مشتری داخلی است -خیلی از مواقع هم این مشتری خود دولت است- در این هنگام می‌بینند که همین کالا از یک طریقی از خارج وارد می‌شود! حالا ممکن است با امکانات بهتری، مثلاً با قیمت ارزان‌تری، امّا موجب ورشکستگی این تولید می‌شود. این واردات بی‌رویّه چیز خیلی خطرناک و مهمّی است. گاهی اوقات این واردات، واردات لوکس است؛ یعنی هیچ نیازی به آن نیست.

شنیدم که برای واردات یک نوع گوشی لوکس آمریکایی در سال ۹۸ حدود نیم میلیارد دلار -این جور گزارش شد به ما- مصرف شده! البتّه بخش خصوصی این کار را می‌کند، منتها بایستی دولت جلوی این را بگیرد. این یکی از مانع‌ها.

### مسئله‌ی قاچاق

یکی از موانع مسئله‌ی قاچاق است. جلوگیری از قاچاق به عهده‌ی خود ما است؛ این را دیگر نمی‌شود انسان از دیگری توقّع داشته باشد. بایستی همه‌ی دستگاه‌های کشور -دستگاه‌های مربوط به قوّه‌ی مجریه عمدتاً و دستگاه‌های مربوط به قوّه‌ی قضائیّه و دستگاه‌های نیروهای مسلّح- با همکاریِ هم، به طور جد جلوی قاچاق را بگیرند، که واقعاً یک رقم تکان‌دهنده‌ای است. این گزارش تحقیق و تفحّصی که در اردیبهشت در صحن علنی مجلس خوانده شد، می‌گوید که حجم قاچاق ۲۵/۵ میلیارد دلار است! این خیلی رقم بالایی است؛ این مربوط به گزارش تحقیق و تفحّص مجلس است.

### مشکلات قطعه‌سازی

یکی از موانع، همین مشکلات قطعات است که مکرّر به ما گفته می‌شود که مثلاً فرض کنید فلان ماشین فلان قطعه را ندارد، نمی‌دهند. خب ما در کشور نهضت قطعه‌سازی داریم که خوشبختانه راه افتاده؛ الان چند سال است که نهضت قطعه‌سازی راه افتاده از طرف بخش‌های نیروهای مسلّح، وزارت دفاع و بعضی از بخش‌های دیگر. خیلی خب؛ شما قطعات مورد نیاز را به مراکزی که قطعه‌سازی می‌کنند، به مراکزی که تحقیق و پژوهش در این زمینه می‌کنند، ارجاع کنید تا آن‌ها برایتان قطعه را بسازند؛ و می‌توانند. من عرض بکنم ما قطعات بسیار ظریف و پیچیده را خوشبختانه توانسته‌ایم بسازیم؛ در نیروهای مسلّح، بعضی از قطعاتی که تصوّر نمی‌شد که قابل ساخت باشد، خوشبختانه ساخته شد. از این نهضت قطعه‌سازی استفاده بشود.

### ناهماهنگی‌ در بخش‌های پایین‌دستی

یکی از موانع هم در یک جاهایی بعضی از ناهماهنگی‌ها در بخش‌های پایین‌دستی است. حالا آقایان وزرا در صدر، هماهنگی‌هایی دارند و کارهایی را با هم به‌اتّفاق انجام می‌دهند که گزارش بعضی‌اش امروز داده شد؛ لکن در بخش‌های پایین‌دستی گاهی ناهماهنگی‌های عجیب و غریبی هست. فرض بفرمایید که حالا مثلاً در این گزارش تلویزیونی، یک مصرف‌کننده‌ی فولاد شکایت می‌کند که ورق فولاد را به من نمی‌دهند؛ مورد نیازش است، ورق فولاد هم در داخل تولید می‌شود، خوبش هم تولید می‌شود. این تولیدکننده‌ی بخشِ پایین‌دستیِ فولاد است، مثلاً لوازم خانگی تولید می‌کند، احتیاج به فولاد دارد. یا مصرف‌کننده‌ی موادّ پتروشیمی؛ کارخانه‌جاتِ پایین‌دستیِ بسیار زیادی هستند که به موادّ پتروشیمی احتیاج دارند، این‌ها مراجعه می‌کنند که به این‌جا به دلایل مختلف فروخته نمی‌شود یا مثلاً به قیمت‌های گران یا با مشکلاتی [فروخته می‌شود]. حالا مثلاً فرض کنید شب که در خبرها تلویزیون این را پخش می‌کند -ما می‌شنویم دیگر؛ بخش‌های خبر را معمولاً همه می‌شنویم- به نظر من آن وزیری که می‌شنود این خبر را، همان شبانه با آن بخشی که از این قضیّه شکایت دارد تماس بگیرد، تلفن بزند، برای فردا قرار بگذارند، فردا بروند تا عصری مشکل را برطرف کنند؛ یعنی واقعاً این جور می‌شود موانع تولید را برطرف کرد. البتّه بعضی از مشکلات پیچیده‌تر است، بحث صبح تا عصری نیست -بنده یک مقداری مطّلعم از مشکلات اجرا- لکن بسیاری‌ از آن‌ها واقعاً همین جور است که با یک نشست یک ساعته، دو ساعته و مانند این‌ها مشکل برطرف می‌شود. بنابر‌این، موانع تولید را بایستی برطرف کرد. این هم یک مطلب.

### پیچ‌وخم‌های اداری در اعطای مجوّزها

یک مطلب دیگر که جزو موانع تولید است و خوشبختانه حالا در گزارش‌هایی که آقایان دادید اشاره‌ی به این هم شده، مسئله‌ی مجوّزها است که حالا می‌گویند زمانش کم شده؛ [این] خیلی مهم است. مجوّزها واقعاً پیچ‌وخم‌های اداریِ عجیب و غریبی دارد؛ حالا گفتند ۷۲ روز، [امّا در] مواردی خیلی بیش از ۷۲ روز مجوّزها مشکل پیدا می‌کرده. خب بایستی روی این زمینه کار کرد؛ مسئله‌ی تسهیلات بانکی و از این قبیل که به نظر من بایستی به این توجّه کرد؛ برداشتِ موانع.

### صادرات موادّ خام یا صادرات فلّه‌ای

در حاشیه‌ی مسئله‌ی تولید، من یک نکته‌ی دیگری را عرض بکنم که آن هم بی‌ارتباط به مسئله‌ی تولید نیست و آن مسئله‌ی صادرات موادّ خام یا صادرات فلّه‌ای است که یک نمونه‌اش را قبلاً در مورد نفت گفتیم. یکی از مشکلات ما همین است که ما موادّ خام را بدون فراوری و بدون این‌که ارزش افزوده‌اش را برای کشور خودمان، برای سرمایه‌دار خودمان، برای کارگر خودمان فراهم بکنیم، می‌فرستیم خارج. سنگ معدنی قیمتی ما می‌رود خارج، آن‌جا فراوری می‌شود و فروخته می‌شود؛ گاهی هم همان سنگی که ما خامش را دادیم رفته، دوباره با چند برابر قیمت به داخل آورده می‌شود! من مکرّر راجع به مسئله‌ی معدن، راجع به همین سنگ‌های ذی‌قیمتی که در کشور ما هست و گاهی آن طوری که شنفتم بعضی از این‌ها در دنیا بی‌نظیر یا کم‌نظیر است، [تأکید کرده‌ام]. یا فرض بفرمایید خاک جزیره‌ی هرمز -این خاک باارزشی که جزیره‌ی هرمز دارد- زعفران جنوب خراسان، خرمای مناطق گرمسیری. خب خرمای ایران [واقعاً بی‌نظیر است]. یک وقتی چند سال قبل از این، یکی از کشورهای عربی یک بسته‌ی خرما هدیه فرستاده بود برای ما، به عنوان هدیه‌هایی که می‌فرستند؛ بنده آوردم و در هیئتِ دولتِ آن وقت نشان دادم، گفتم این به‌‌اصطلاح مصداق کامل «زیره به کرمان بردن» است! مرکز خرمای دنیا و بهترین خرمای دنیا این‌جا است، آن وقت او برای ما فرض کنید که خرما را [هدیه می‌فرستد]؛ منتها او در بسته‌بندی بسیار زیبا و شکیل، ما گاهی اوقات داخل حصیر و در بسته‌های [دیگر]. حالا اخیراً یک مقداری بسته‌بندی‌ها بهتر شده، امّا بایستی این دنبال بشود؛ این هم مهم است. چند شب پیش تلویزیون راجع‌ به گشنیز می‌گفت که گشنیز را به صورت فلّه‌ای می‌برند خارج و با قیمت‌های بسیار زیادی بعد از فراوری در دنیا فروش می‌رود. پس یک نکته‌ای که ما در باب مسائل تولید خواستیم عرض بکنیم، مسئله‌ی برداشتن موانع تولید است که این‌ها است.

## لزوم تشکیل کارگروه شناسایی و رفع موانع تولید از طرف رؤسای سه قوه

من البته قبلاً پیشنهاد کردم که برای شناسایی موانع تولید و برطرف کردن موانع تولید، یک کارگروهی تشکیل بشود از طرف رؤسای سه قوّه -چون مربوط به سه قوّه است- و رؤسای محترم هم اعلام پذیرش کردند و گفتند که «بله، این کار خوبی است». من نمی‌دانم تا حالا تشکیل شده یا تشکیل نشده؛ اگر نشده، خیلی خوب است که این کارگروه تشکیل بشود و به صورت شبانه‌روزی کار بکنند و ان‌شاءالله بتوانند موانع تولید را برطرف کنند، چون تولید در بخش اقتصاد از همه چیز مهم‌تر است.

## ۲) اهتمام به سرمایه‌گذاری

موضوع دوّمی که در زمینه‌ی مسائل اقتصاد می‌خواهم عرض کنم -که این هم باز به نحوی به تولید برمی‌گردد- مسئله‌ی سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری یک موضوع خیلی مهمّی است برای ایجاد رونق اقتصادی، برای افزایش تولید، برای جهش تولید. اساس کار، سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری در کشور ما سال‌ها است که اختلال پیدا کرده؛ یعنی واقعاً‌ سرمایه‌گذاریِ لازم انجام نمی‌گیرد. آنچه در این زمینه باید انجام بگیرد اهتمام به سرمایه‌گذاری است. حالا آن طور که در ذهن من هست -در گزارش‌ها هست، به ما هم گزارش کرده‌اند- شاید به نظرم حدود ده سالی است که ما از لحاظ سرمایه‌گذاری عقبیم و ضعیفیم. چند کار لازم باید انجام بگیرد:

### تکمیل سرمایه‌گذاری‌های نیمه‌کاره

اوّلاً یک کار اوّلی و ابتدائی که خیلی مهم است، این است که ما در یک بخش‌هایی سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌ایم که تمام نشده، یا نیمه‌کاره رها شده، یا با کُندی پیش می‌رود؛ اوّلین کار این است که ما این سرمایه‌ها را زنده کنیم، احیا کنیم، یعنی این سرمایه‌گذاری را به کمال برسانیم؛ چون سرمایه‌گذاری وقتی نصفه‌کاره می‌ماند، معنایش این است که از کیسه‌ی کشور و ملّت و دولت یک پولی، یک جایی صرف شده و لکن بازده ندارد؛ باید این را به بازده برسانیم که مردم از این سرمایه‌گذاری استفاده کنند. و باید هیچ طرح بزرگ سرمایه‌گذاری در کشور بلاتکلیف نماند که این در درجه‌ی اوّل از وظایف [سازمان] برنامه و بودجه است و [بعد] دستگاه‌های مختلف.

### تشویق سرمایه‌گذاری‌

مطلب دوّم این است که سرمایه‌گذاری را تشویق کنید؛ چون سرمایه‌گذاری عمدتاً باید به وسیله‌ی بخش خصوصی انجام بگیرد. دولت صرفاً در آن‌جاهایی که بخش خصوصی یا نمی‌تواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد می‌تواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبان‌ها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوّزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ این‌ها کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید، ان‌شاءالله این تشویق‌ها انجام بگیرد. این هم یک مسئله است.

### لزوم هدایت نقدینگی به سمت تولید

این مسئله‌ی هدایت نقدینگی را من یک بار دیگر هم در مرکز عمومی گفتم،[[127]](#footnote-127) خصوصی هم به مسئولین مکرّر گفته شده که ما این نقدینگی موجود را به سمت تولید هدایت کنیم. البتّه من در سال ۹۷ در همین جلسه‌ی هیئت دولت و هفته‌ی دولت گفتم که یک هیئت شبانه‌روزی متخصّص معیّن بکنید که بنشینند روش‌های مدیریّت نقدینگی را جستجو [کنند]؛[[128]](#footnote-128) این نقدینگی موجود باید مدیریّت بشود و هدایت بشود به سمت تولید که این کار آسانی نیست، کار مشکلی است، روش‌های ویژه‌ای لازم دارد؛ من گفتم یک هیئتی بنشینند و این کار را انجام بدهند. من نمی‌دانم این هیئت تشکیل شده یا نشده؛ به‌ هر حال اگر نشده، باز هم زمان باقی است و ان‌شاءالله این‌ کار انجام بگیرد تا این‌که نقدینگی موجود سرازیر بشود به سمت قسمت واقعی اقتصاد و به تولید برسد. این هم یک موضوع.

## 3) لزوم تقویت ارزش پول ملّی

موضوع سوّمی که در بخش مربوط به اقتصاد می‌خواهم عرض بکنم، مسئله‌ی ارزش پول ملّی است که خب این هم بی‌ارتباط به آن بحث‌های قبلی نیست. البتّه ارزش پول ملّی علی‌الاصول یک چیزی است که به رشد تولید کشور و رشد توسعه‌ی کشور و رشد اقتصادی و تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور ارتباط دارد؛ عمدتاً این است لکن یک چیزهایی هم در حاشیه‌ی این وجود دارد. البتّه اگر ما بتوانیم تولید را تقویت کنیم، پول ملّی به طور طبیعی تقویت خواهد شد؛ اگر بتوانیم بنیه‌ی اقتصاد را قوی کنیم، پول ملّی طبعاً تقویت خواهد شد و تقویت پول ملّی در امر معیشت مردم یک تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد دیگر؛ تأثیر مستقیم در امر معیشت مردم دارد، لکن در کنار آن کارهای بلندمدّت -که تقویت بنیه‌ی اقتصادی کار کوتاه‌مدّتی نیست- بعضی از کارهای کوتاه‌مدّت هم وجود دارد.

یکی این‌که مشخّص شده است که دخالت‌های بدخواهانه‌ای در کار ارز می‌شود که این‌ها در کاهش قیمت پول ملّی و ارزش پول ملّی تأثیر می‌گذارد. بعضی از دخالت‌ها، دخالت‌های بدخواهانه است؛ بعضی بدخواهانه نیست، [بلکه] سودجویانه است. اعلام شد که ۲۷ میلیارد دلار پول صادراتی است که برنگشته؛ خب این مسئله‌ی مهمّی است. البتّه گاهی اوقات این برنگشتن به خاطر یک عوامل منطقی است که برنمی‌گردد، امّا گاهی هم به خاطر این است که مثلاً فرض کنید این پول را، این ارز را این جناب، برده در فلان کشور زمین خریده، ملک خریده، آن‌جا رفته کارهایی مانند این‌ها کرده؛ این قابل قبول نیست. حالا گزارش‌هایی در این زمینه هست که در یکی از کشورهای همسایه‌ی ما، بیشترین تعداد ملکی که خریداری شده، مربوط به ایرانی‌هایی است که آن‌جا ملک خریده‌اند؛ خب این اصلاً قابل قبول نیست. یا اگر بخواهند این را صرف کنند برای واردات کالاهای غیر لازم، یا کالاهای لوکس و به‌کلّی غیر مورد انتفاع که نمونه‌اش را عرض کردم: یک گوشی تلفن لوکسی را از آمریکا آورده‌اند و نیم میلیارد، پانصد میلیون یورو صرف این کار بشود؛ حالا تعجّب هم می‌کنم که چه‌طور آن‌ها که این همه تحریم می‌کنند ما را، این یکی را و امثال این‌ها را ما در تحریم نداریم؛ این‌ها واقعاً کارهایی است که قابل قبول نیست.

یکی این است، یکی هم برخی از تصمیم‌های نسنجیده‌ی بعضی از دستگاه‌ها است. البتّه خوشبختانه بانک مرکزی فعالیّت‌های خوبی را در این زمینه انجام داده و شروع کرده و دنبال می‌کنند که همه هم باید به آن کمک کنند؛ به نظر ما همه‌ی دستگاه‌های دولتی باید به بانک مرکزی کمک کنند؛ چون مباشرتاً مسئله‌ی پول و ارز، کاهش ارزش پول یا افزایش ارزش پول به سیاست‌های آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ لذا همه باید کمک کنند تا بانک مرکزی بتواند کارش را انجام بدهد. خوشبختانه کارهای خوبی هم دارد انجام می‌شود.

## ضرورت راه‌اندازی سامانه‌های اطّلاعاتی و متّصل‌کردن آن‌ها به یکدیگر

یکی از مسائلی که این‌جا به ما گفته شده و بنده هم چندبار به بعضی از مسئولین ذی‌ربط همین را تذکّر داده‌ام، راه‌اندازی سامانه‌های اطّلاعاتی است که در این زمینه وجود دارد که اجرای این سامانه‌ها مدّت‌ها و چند سال است تصویب شده؛ بعضی‌هایش هم راه‌اندازی شده، لکن بعضی هم راه‌اندازی نشده. راه‌اندازی سامانه‌های اطّلاعاتی و متّصل‌کردن آن‌ها به یکدیگر، به دولت کمک می‌کند برای این‌که بتواند اطّلاعات لازم را در این زمینه به دست بیاورد. این هم مثل سامانه‌ی صدور مجوّزهای سرمایه‌گذاری، سامانه‌ی مالیات، سامانه‌ی مبارزه‌ی با قاچاق کالا و ارز، سامانه‌ی مربوط به پولشویی خیلی مهم است و برای هر ساختاری که شما بخواهید اصلاح بکنید، این سامانه‌ها ضروری است؛ علاوه بر این‌که به طور جاری هم به شما کمک می‌کند.

## 4) منوط نکردن مسائل اقتصادی به تحوّلات خارجی

یک موضوع دیگر در زمینه‌ی مسائل اقتصاد که به نظر من موضوع مهمّی است و در [این] زمینه‌، آخرین موضوعی است که عرض می‌کنم، این است که در مسائل اقتصادی کشور، اقتصاد کشور را مطلقاً به تحوّلات خارجی نباید پیوند زد؛ یعنی شما برنامه‌ریزی اقتصادی را مطلقاً موکول و منوط نکنید به این‌که تحریم‌ها برطرف بشود، یا کاهش پیدا کند؛ نه، فرض را بر این بگذارید که تحریم‌ها بنا است دَه سال بماند. برنامه‌ریزی اقتصادی بایستی بر اساس امکانات درونی و -همان ‌طور که بارها گفتیم- درون‌زایی و به ظرفیّت‌های داخلی تکیه ‌کردن، انجام بگیرد. این درست نیست که مثلاً فرض کنید ما بگوییم اگر چنانچه انتخابات فلان کشور، فلان جور شد، مثلاً این ‌جور می‌شود؛ نه نخیر، انتخابات آن‌جا هر جور می‌خواهد بشود. ما بایستی برنامه‌ی اقتصادی کشور را با توجّه به مسائل درونی کشور، با توجّه به امکاناتِ خودمان برنامه‌ریزی کنیم؛ واقعاً یک خطای راهبردی است که ما مسائل اقتصادی را منوط کنیم به تحوّلات خارجی. و نباید تکیه کرد به مسائل خارجی؛ [که] آن‌ها هر جور بخواهند، تصمیم بگیرند. ممکن است یک روز تصمیم خوبی بگیرند، ممکن [هم] هست تصمیم بدی بگیرند؛ اگر تصمیم خوبی بود از آن استفاده خواهیم کرد، لکن این‌ جور نیست که برنامه‌ی اقتصادی‌مان را موکول کنیم به این‌که آن‌ها چه ‌جوری تصمیم بگیرند. این هم مسئله‌ی مهمّ دیگر.

## اهمّیّت فضای مجازی و لزوم راه‌اندازی شبکه‌ی ملّی اطّلاعات

مسائل دیگری هم البتّه در کشور وجود دارد. یک مسئله که من اصرار دارم روی آن تکیه بکنم، مسئله‌ی فضای مجازی است؛ خب فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز می‌کنند و گاهی می‌گویند که این جزو زندگی اصلی مردم است -که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ حالا دولت الکترونیک و از این قبیل که به جای خود محفوظ است- شکّی نیست [امّا] آنچه عرضِ من است و من روی آن تکیه می‌کنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیارِ ما دارد مدیریّت می‌شود؛ بحث این است.

### تحقق پیدا نکردن برخی سیاست‌ها و اصول در این زمینه

فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که می‌خواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان می‌خواهند هدایت می‌کنند؛ آن‌ها دارند مدیریّت می‌کنند این فضا را. خب وقتی که ما می‌دانیم کسانی از بیرون دارند فضای مجازی را -که ما هم دست‌اندرکارش هستیم و مبتلابهِ ما است- هدایت می‌کنند و مدیریّت می‌کنند، ما نمی‌توانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمی‌توانیم مردممان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم در اختیار آن مدیری که دارد پشت پرده، فضای مجازی را اداره می‌کند. عوامل مسلّط بین‌المللی در این زمینه‌ها به‌شدّت فعّالند: از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و امثال گوناگون؛ هزاران کار دارد انجام می‌گیرد روی فضای مجازی. برای خاطر این است که بنده روی مسئله‌ی شبکه‌ی ملّی اطّلاعات این‌ همه تأکید می‌کنم. این شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملّی فضای مجازی که تشکیل داده‌ایم و بنده اصرار داشتم و دارم که این [شورا] تشکیل بشود و رؤسای محترم در آن شرکت کنند و تصمیم‌گیری کنند و اجرا کنند، به خاطر اهمّیّت این مسئله است؛ نمی‌شود این مسئله را رها کرد. و من می‌بینم که آن اهتمام لازم به خرج داده نمی‌شود. خب الان شبکه‌ی ملّی اطّلاعات اجزائی دارد، این اجزا باید در زمان‌بندی‌های مشخّص تحقّق پیدا کند؛ آدم می‌بیند که تحقّق پیدا نمی‌کند، از زمان‌بندی‌ها عقبند؛ یا سیاست‌های اصولی‌ای در زمینه‌ی پهنای باند وجود دارد که مکرّر ابلاغ شده، خب این سیاست‌ها باید رعایت بشود و این‌ها مورد درخواست و تأکید مؤکّد اینجانب است.

## قدر دانستن خدمت در نظام جمهوری اسلامی

یک نکته‌ای هم که ربطی به مسائل اقتصادی و این قبیل مسائل ندارد لکن به نظر من خیلی مهم است، این نکته‌ی آخری است که به حضّار محترم می‌خواهم عرض بکنم. خطاب هم فقط به قوّه‌ی مجریّه نیست، به همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان کشور است؛ چه در قوّه‌ی مجریّه، چه در قوّه‌ی قضائیّه، چه در قوّه‌ی مقنّنه، چه بخش‌های گوناگونی که در حاشیه‌ی این‌ها حضور دارند؛ و آن، این است که دوستان! قدر خدمت در این نظام را بدانید، خدمت در این نظام خیلی باارزش است.

### کمک به رونمایی از الگویی که اسلام برای جامعه‌سازی و مدیریّت جامعه نشان می‌دهد

البتّه خدمت در همه ‌جا باارزش است؛ هر مسلمانی، در هر نقطه‌ای از عالم، در هر سطحی یک خدمتی به افراد، به انسان‌ها، به بشریّت بکند، این یقیناً ثواب دارد، ارزش دارد و ان‌شاءالله خدای متعال اجر می‌دهد، لکن در جمهوری اسلامی فقط این نیست؛ خدمت کردن در جمهوری اسلامی علاوه‌ی بر این، یک نکته‌ی بسیار مهمّ دیگری دارد و آن، این است که خدمت شما، حرکت شما و کار شما کمک می‌کند به رونمایی از الگویی که اسلام برای جامعه‌سازی و برای مدیریّت جامعه دارد نشان می‌دهد؛ این خیلی مهم است.

## الگوی غربی سرمایه‌داری؛ یک الگوی شکست‌خورده

خب تمدّن غربی الگوهای مدیریّت و جامعه‌سازی و نظام‌سازی و حکومت را به میدان آورد و نشان داد؛ هم کمونیسم یک جور -سوسیالیسم و کمونیسم وانواع و اقسام سوسیالیسم‌هایی که دولت‌های مختلف به شکل آن‌ها به وجود آمدند- و سرمایه‌داری و به‌اصطلاح لیبرالیسم و مانند این‌ها هم یک جور دیگر؛ این‌ها فراورده‌های غرب است و این فراورده‌ها شکست خورده؛ امروز این محصولات تمدّن غربی در مدیریّت جامعه و مدیریّت بشر شکست‌خورده است. آن یکی که جمع شد، این یکی هم خیمه و خرگاهش[[129]](#footnote-129) در حال اغتشاش و نابسامانی است که دارید مشاهده می‌کنید. قلّه‌ی باشکوه این الگوی غربیِ سرمایه‌داری، آمریکا است که وضعیّت آن را مشاهده می‌کنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست‌خورده است. بیشتر از همه‌ جا در آمریکا ارزش‌های بشری دارد لگدمال می‌شود. با این نظام‌های حکومتی، بایستی ارزش‌ها را زنده کنند؛ حالا ارزش‌های دینی به کنار، ارزش‌های معنوی که آن‌ها به آن توجّه هم ندارند، احساس هم نمی‌کنند آن‌ها را، به کنار؛ ارزش‌های بشری، ارزش‌هایی که عقل‌های بشر آن‌ها را می‌فهمد، [یعنی] مسئله‌ی امنیّت، مسئله‌ی سلامت، مسئله‌ی عدالت، این‌ها دارد به‌کلّی در این الگوی مسلّط غربی بیش از همه‌ جا لگدمال می‌شود. در آمریکا جرم و جنایت از همه ‌جای دنیا بیشتر است؛ این حرفی است که خودشان دارند می‌گویند، آمارهایی است که خودشان دارند می‌دهند. در آمریکا فاصله‌ی طبقاتی وحشتناک است؛ آمریکا کشور ثروتمندی است امّا بیشترین بخش این ثروت در اختیار یک عدّه‌ی انگشت‌شمار است؛ انگشت‌شمار به معنای واقعی کلمه؛ بیشترین بخش این ثروت در اختیار آن‌ها است. تعداد گرسنه‌ها، درمانده‌ها، بی‌خانمان‌ها در آمریکا به نسبت، از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است. البتّه برخی از کشورهای بسیار فقیری که مثلاً در آفریقا هستند را مورد نظر ندارم، کشورهای متعارف دنیا، چه آنهایی که به عنوان کشورهای پیشرفته محسوب می‌شوند، چه آنهایی که در حال پیشرفت محسوب می‌شوند، از همه ‌جا تعداد و نسبت درماندگان و بی‌خانمان‌ها و فقرا و مانند این‌ها در آمریکا بیشتر است. طبق اعلام صریح رقبا در کارزارهای انتخاباتی آمریکا -که هم اخیراً گفتند، هم قبل‌ها گفته بودند- از هر پنج کودک آمریکایی، یکی گرسنه است که این‌ها واقعاً در دنیا کم‌نظیر است.

ناامنی درونی شهرهای [آمریکا] در دنیا کم‌نظیر است؛ یعنی واقعاً در خیابان جوانی که بیرون می‌رود، خاطرجمع نیست که یک نفری، یک دیوانه‌ای، یک مستی، یک عقده‌ای‌ای همین طور اسلحه را به طرف او نگیرد، او را به‌تنهایی یا در بین جمعی به قتل نرساند. می‌بینید دیگر که این آمار جنایت‌های آمریکا عجیب و غریب است؛ اصلاً انسان گیج می‌شود از شدّت و افزایش این‌ها.

### کارهایی که آمریکا در دنیا انجام می‌دهد

حالا این‌ها مربوط به داخل آمریکا است که خب مسائل آمریکا و مشکلات درونی آمریکا و مشکلات مدیریّتیِ نظام سرمایه‌داری در آمریکا بیش از این‌ها است و تفصیلات زیادی دارد؛ لکن علاوه‌ی بر این‌ها آن کاری است که در دنیا آمریکا دارد انجام می‌دهد؛ قتل، غارت، جنگ‌افروزی، ایجاد ناامنی جزو کارهای رایج آمریکا است. امروز شما ملاحظه کنید در سوریه، در فلسطین، در یمن جای پای آمریکا به‌وضوح مشاهده می‌شود. امروز در این‌ها است، دیروز در عراق و افغانستان که هنوز هم ادامه دارد در بعضی از اینها، قبل‌تر از آن در ویتنام، قبل‌تر در هیروشیما؛ همه جا در سراسر دنیا انسان آثار جنایتکاری آمریکا و غرب را -عمدتاً آمریکا را- مشاهده می‌کند.

### درجه‌ی بالای انحطاط فکری در آرمان‌شهر غرب‌زده‌ها

درجه‌ی بالای انحطاط فکری آن‌ها را هم از انتخاب‌هایشان می‌شود فهمید. ببینید چه افرادی، چه شخصیّت‌هایی را به عنوان شخص اوّل در آمریکا بر سرِ کار آورده‌اند و دارند به دنیا نشان می‌دهند که دنیا آن‌ها را رد می‌کند و تحقیر می‌کند! آرمان‌شهرِ غرب‌زده‌ها این‌جا است، این همان آرمان‌شهری است که غرب‌زده‌ها -حالا بعضی در کشور خود ما و بعضی در کشورهای دیگر- به عنوان یک نقطه‌ی برجسته و آرمان‌شهر به آن نگاه می‌کردند؛ این خصوصیّات آمریکا است؛ یعنی الگوهای بشری به این شکل است.

## ایمان، علم و عدل؛ سه عنصر اصلی الگوی اسلامی برای نظام‌سازی

اسلام الگوی مستقلّ خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکّب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدیِ خالص که این ایمان توحیدیِ خالص، هم در ساخت شخصیّت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قواره‌ی عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای [آن] -هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلّط بر طبیعت و مانند اینها- جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج می‌کند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویّت انسان، علم به عالَم ملکوت و علوم الهیِ برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.

### وضعیت ما در این الگو

ما البتّه در هر سه بخش عقبیم. تحرّک ما تحرّک مناسب و شایسته‌ای نبوده امّا الگو این است که انسان این را در شعارها، در اظهارها، در جهت‌گیری‌ها، در حرکت‌هایی که در این ۴۱ سال در جمهوری اسلامی صورت گرفته، در شخصیّت‌سازی‌هایی که صورت گرفته، می‌تواند مشاهده بکند؛ نمونه‌هایش شهدای بزرگ ما هستند، نمونه‌اش شهید بهشتی است، نمونه‌اش شهید رجائی است، نمونه‌اش شهید باهنر است، نمونه‌اش شهید مطهّری و تا این آخر شهید قاسم سلیمانی است؛ الگوی اسلامی این است.

### تأثیر عملکرد مسئولین

شما با عملکرد خودتان می‌توانید این الگو را در چشم مردم جهان شیرین کنید و تبلیغ کنید آن را، برجسته کنید یا خدای نکرده به‌عکس، آن را از چشم‌ها بیندازید. بنابر‌این، خدمت در جمهوری اسلامی این [طور] است؛ فقط صرف این نیست که ما با خدمت خودمان یک کمکی به آحاد بشر یا به جمع معیّنی یا به کشور می‌کنیم؛ مهم این است که ما با این کار خودمان، با این عملکرد خودمان، با این خدمت خودمان، داریم در واقع چهره‌ی اسلام را و الگوی اسلامی را نشان می‌دهیم.

### علّت دشمنی‌ها

و این الگو وجود دارد؛ چه مستکبرها بخواهند، چه نخواهند، این الگوی تازه سر برآورده در دنیا، و آن‌ها هم از همین می‌ترسند؛ دشمنی‌شان به خاطر این است که این الگو، الگویی است که اصول مسلّمِ آن‌ها را قبول ندارد؛ مدیران و جهت‌دهان آن‌ها مبتلا به کج‌رفتاری و کج‌اندیشی در عمده‌ی مسائل زندگی هستند و الگوی جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی، این را قبول ندارد و خطّ مستقیم را، خطّ حق را در مقابل باطل دنبال می‌کند؛ دشمنی‌های این‌ها به خاطر این است. کینه‌توزی‌ای که شما می‌بینید آمریکا و بعضی‌های دیگر با جمهوری اسلامی دارند، فقط به خاطر بودن زید و نبودن عمرو و فلان کار خاص و مانند این‌ها نیست؛ با اساس مخالفند. البتّه از لحاظ تاکتیکی کارهایی را دارند. این عمل کارگزار نظام بایستی این الگو را نشان بدهد.

## توصیه‌ی مولای متّقیان علیه‌السّلام

### لزوم دفاع و پشتیبانی مؤمنین از یکدیگر

یک توصیه هم از مولای متّقیان سلام‌الله‌علیه‌ عرض بکنم که برای امروز ما مهم است. حضرت در خطبه‌ی سی‌وچهارم می‌فرمایند: غُلِبَ وَ اللهِ المُتَخاذِلون؛ حضرت سوگند یاد می‌کند که اگر مؤمنان دست از یاریِ هم بردارند، شکست می‌خورند. «تخاذل» یعنی این به او کمک نکند، او به این کمک نکند؛ این معنای «تخاذل» است. حضرت قسم می‌خورد، می‌گوید: غُلِبَ وَ اللهِ المُتَخاذِلون. خطاب به مردم آن زمان است، امّا در واقع خطاب به کلّ بشریّت است؛ مؤمنین باید به هم کمک کنند، مؤمنین بایستی پشتیبان هم باشند، مؤمنین بایستی از یکدیگر دفاع کنند، یاری کنند همدیگر را.

### طرّاحی و نقشه‌ریزی علیه دشمن

شما می‌بینید دشمن در حال طرّاحی بر ضدّ شما است؛ به طور دائم، دشمنان دارند علیه شما طرّاحی می‌کنند؛ واقعاً به طور دائم؛ انسان می‌بیند طرّاحی‌های این‌ها را. حالا بعضی اوقات آن‌ها خیال می‌کنند طرّاحی‌شان نامشهود است، امّا واقعاً مشهود است، انسان می‌فهمد که چه کار دارند می‌کنند. خب در مقابل طرّاحی آنها، شما هم باید طرّاحی کنید؛ نه باید بی‌عمل بمانید و ساکت بمانید، نه باید تسلیم بشوید؛ چون او مرتّب دارد طرّاحی می‌کند، ما نباید تسلیم طرّاحی او بشویم. آن وقت در همین خطبه حضرت خطاب به مردم خودشان می‌فرماید که «تُکادونَ وَ لا تَکیدون‌»؛ آن‌ها علیه شما دارند طرّاحی می‌کنند، شما علیه آن‌ها طرّاحی نمی‌کنید. این نبایستی در جامعه‌ی اسلامی وجود داشته باشد؛ اگر چنانچه آن‌ها کید می‌کنند با شما، یعنی دارند طرّاحی و نقشه‌ریزی می‌کنند علیه شما، شما هم باید علیه آن‌ها نقشه بریزید و طرّاحی کنید و کید کنید. خب، ان‌شاءالله که دوستان موفّق باشند.

تشکّر از مراعات برگزار‌کنندگان مجالس عزاداری

من یک تشکّر هم بکنم از برگزار‌کنندگان مجالس عزاداری که تا امروز بحمدالله اکثر [آنها] مراعات کردند؛ حالا شاید بعضی‌ها گوشه‌کنار باشند که مراعات نکرده باشند که به آن‌ها هم توصیه می‌کنیم مراعات کنند؛ امّا هم برگزار‌کنندگان، هم منبری‌های محترم و مدّاحان محترم مراعات کردند این جهات سلامت را و توصیه‌های ستاد ملّی را که من باز هم [آن را] تأکید می‌کنم. و امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به همه اجر بدهد، مورد توجّه حضرت سیّدالشّهداء سلام‌الله‌علیه‌ قرار بگیرند و این عزاداری‌ها و شوق و شوری که مردم نشان می‌دهند، ان‌شاءالله مقبول درگاه پروردگار و ائمّه‌ی هدیٰ علیهم‌السّلام باشد. و مجدّداً از عوامل کمک‌کننده‌ی به مردم در مقابله‌ی با این ویروس خطرناک و خبیث و ده شکل و شمایل تشکّر می‌کنیم، ان‌شاءالله که خداوند به همه‌ی آن‌ها توفیق بدهد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش 11/6/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[130]](#footnote-130)

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

السّلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح الَّتی‌ حلَّت بفنائک علیک منّی‌ سلام الله ابداً ما بقیت و بقی اللَیل و النّهار و لا جعله الله آخر العهد منّی‌ لزیارتک السّلام علی الحسین و علی‌ علیّ بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

## حرکت عظیم زینب کبریٰ و امام سجّاد، یک قیام به معنای حقیقی کلمه

امروز روز دوازدهم محرّم است، روز شهادت امام سجّاد (سلام الله علیه) بنا به قولی و به طور واضح و آشکار، در واقع روز شروع قیام زینبی و سجّادی؛ یعنی عاشورا قیام حسینی بود، حوادث گوناگون بعد از عاشورا در واقع قیام زینبی است. حرکت عظیم زینب کبریٰ در درجه‌ی اوّل، و امام سجّاد (علیه السّلام) و بقیّه‌ی زنان باعظمت آل‌الله در این دورانِ یکی دو ماهه‌ی بعد از آن، یک قیام به معنای حقیقی کلمه است. کارهای بزرگی را انجام دادند، کربلا را و این شهادت بزرگ را ماندگار کردند، تثبیت کردند. امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند متعال برکات قیام سیّدالشّهداء را برای بشریّت، تا ابد روزبه‌روز افزایش بدهد.

## تشکّر از ملّت ایران به خاطر حُسن رفتار در دهه‌ی عاشورا

من همین جا از فرصت استفاده می‌کنم و از ملّت عزیز ایران تشکّر می‌کنم به خاطر حُسن رفتارشان در دهه‌ی عاشورا. این اتّفاقی که افتاد، واقعاً امسال را -همان‌ طور که بعضی از آقایان دیگر هم در بیاناتشان فرمودند- به عنوان یک پدیده در تاریخ کشور ماندگار کرد؛ وجود محدودیّت‌های شدید ناشی از بیماری و انتشار بیماری و مراقبت از این‌که این انتشار انجام نگیرد، در‌ عین حال حفظ شور حسینی و حفظ مجالس -این مجالس عظیمی که تشکیل شد- و حرکت عظیم معنوی‌ای که مردم از خودشان نشان دادند. و همچنین گویندگان محترم، مدّاحان و مرثیه‌خوانان محترم و عزیز؛ من از همه‌ی آن‌ها واقعاً صمیمانه تشکّر می‌کنم. بنده کسی نیستم که من تشکّر کنم؛ [بلکه] به عنوان یک فرد مرید اهل‌بیت (علیهم السّلام) و مرید عاشورا، بنده هم حقیقتاً متشکّرم.

## خداقوّت به مجموعه‌ی بزرگ آموزش و پرورش

همچنین لازم میدانم در اوّل صحبت، خداقوّتی بدهم به شما دوستان عزیز و حضّار محترم و مجموعه‌ی بزرگ آموزش و پرورش به خاطر برنامه‌های چندماهه‌ای که اجرا کردید؛ شماها هم خیلی تلاش کردید، خیلی کار کردید. نباید زحمات آموزش و پرورش در این چند ماه دشواری که گذشت، نادیده بماند؛ اداره‌ی مدارس، [مشارکت در] اداره‌ی انتخابات، اداره‌ی امتحانات، اداره‌ی کلاسهای درس، فضای مجازی و بقیّه‌ی برنامه‌هایی که انجام گرفت، بعد هم برنامه‌ریزی برای سال بعد که از نیمه‌ی شهریور شروع خواهد شد. کارهای بزرگی انجام گرفت که کارهای بی‌سابقه‌ای در آموزش و پرورش بود، تجربه‌ای وجود نداشت در این زمینه‌ها، و کار کردید؛ خداوند ان‌شاءالله شماها را موفّق بدارد.

## تشکر از گزارش وزیر و متن پخته و شیوای آن

از بیانات آقای وزیر محترم هم تشکّر می‌کنم؛ گزارش خوبی دادند و مطالبی که ذکر کردند، کارهایی که انجام گرفته، خرسندکننده است و امیدواریم ان‌شاءالله این کارها ادامه پیدا کند، که حالا تذکّراتی هم من عرض خواهم کرد. این کارهایی که گفتید و بیان کردید، کارهای قابل توجّه و مهمّی است و هر چه کار بکنید برای آموزش و پرورش، جا دارد؛ کارهای پخته و سنجیده و با مشاوره‌ی لازم، با ملاحظه‌ی جوانب گوناگون؛ هر چه کار بکنید برای این نیاز عظیم کشور جا دارد. من همین جا این را هم در تشکّرم اضافه کنم؛ کاری که معهود نیست و بنده معمولاً این را متذکّر نمیشدم، امّا لازم میدانم متذکّر بشوم: متنی که ایشان گفتند و خواندند متن فصیح و خوبی بود؛ این خیلی مهم است که ما وقتی بیاناتی را می‌خواهیم بخوانیم و بنویسیم و بگوییم، رعایت کنیم، هم فارسی بودن را، هم درست بودن را و هم استفاده از تعبیرات شیوا و کلمات زیبا را. متنی که ایشان خواندند، این خصوصیّات را داشت؛ از این جهت هم تشکّر می‌کنم.

برادران عزیز، خواهران عزیز! درباره‌ی آموزش و پرورش خیلی حرف زده‌ایم، بنده هم تا حالا زیاد صحبت کرده‌ام، دیگران هم زیاد گفته‌اند، شماها هم زیاد گفته‌اید. و خیلی از حرف‌هایی که قبلاً زده‌ایم، توصیه‌هایی که کرده‌ایم، امروز هم می‌شود همان توصیه‌ها را کرد؛ یعنی کار به سرانجام و پایان در بسیاری از مواردی که باید برسد نرسیده؛ تلاش شده الحمدلله، لکن کار بایستی ادامه پیدا کند تا به آن مقاصدی که مورد نظرمان است برسد. امروز هم من چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم.

## انسان‌سازی؛ منطقِ ایجادِ دستگاه عظیم آموزش و پرورش

یک نکته‌ که نکته‌ی اصلی است، طرح این سؤال و پاسخ به این سؤال است که چه منطقی پشت سر آموزش و پرورش، این دستگاه عظیم، قرار دارد؟ نه ‌فقط در کشور ما؛ در همه‌ی کشورهای دنیا. این‌که یک تشکیلات به این عظمت درست می‌کنند، یک لشکر فرهنگی در واقع به وجود می‌آید از دانش‌آموز و معلّم و کارمندان گوناگون و مدیران مختلف، منطق این کار چیست؟ میدانیم پاسخ مجملش را. منطق، انسان‌سازی است؛ یعنی مادّه‌ی خامی که کودکِ مثلاً شش‌ساله و هفت‌ساله است، وارد این کارخانه می‌شود و دوازده سال در این کارخانه زیر و رو می‌شود و یک محصولی، یک برون‌دادی باید از این کارخانه خارج بشود؛ آن برون‌داد چیست؟ انسان شایسته؛ منتها تعریف «انسان شایسته» در مکاتب مختلف، تفکّرات مختلف، کشورهای مختلف، جوامع مختلف، مختلف است؛ همه «انسان شایسته» را یک جور نمیدانند؛ برای همین هم هست که نوع آموزشها و پرورشها در جوامع گوناگون، یکسان نیست. ما در جمهوری اسلامی همین هدف را دنبال می‌کنیم؛ ما می‌خواهیم در این مجموعه‌ی دوازده‌ساله انسان تربیت بشود. خصوصیّت این دوازده سال هم این است که بهترین زمانهای فراگیری است؛ یعنی در این سنین، یادگیری آسان‌تر، ماندگارتر، و بهتر و شایسته‌تر است؛ از این جهت مهم است.

## خصوصیّات انسانِ منطبق بر تفکّر اسلامی

ما می‌خواهیم خروجی این دستگاه عظیم، این ماشین بزرگ، یک خروجی‌ای باشد منطبق بر تفکّر اسلامی.خب حالا آن انسان مطلوب جامعه‌ی اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی چه خصوصیّاتی دارد؟ در این مورد هم البتّه خیلی صحبت شده -همه صحبت کرده‌اند، بنده هم مطالبی همیشه عرض کرده‌ام، دیگران هم گفته‌اند- امّا حالا اگر بخواهیم به طور خلاصه در چند جمله که متناسب با آموزش و پرورش هم هست، آن انسان طراز اسلامی‌ای را که توقّع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند معرّفی کنیم، این جور تعریف می‌کنیم که انسانی باشد با این خصوصیّات: اوّلاً مؤمن باشد؛ ایمان اوّلین شرط است. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّکُم تَعقِلون»[[131]](#footnote-131) در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردنِ راه‌های عملیِ زندگی نیست؛ عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است، که این از دانشمند شدن مهم‌تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیّت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرّافی کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد که حالا در این زمینه هم بحثهای زیادی وجود دارد. عمل هم عمل مجاهدانه و پیگیر [است]؛ همان [عملی] که در عرف شرع مقدّس اسلام «جهاد» گفته می‌شود که آن وقت این جهاد در این‌جا جهاد فی‌سبیل‌الله است، جهادِ موردِ ترغیبِ شرع است. انسانِ باانصافی دربیاید، [انسانِ] بانظمی دربیاید، متخلّق به اخلاق اسلامی دربیاید؛ این‌ها خصوصیّات انسانی است که ما توقّع داریم در آموزشی که شما می‌دهید و پرورشی که شما می‌کنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید.

## محتوایِ سیاست‌های اجرایی آموزش و پرورش

خب؛ اگر چنانچه توقّع ما این است -که البتّه حالا این‌ها مراتب دارند، شدید و ضعیف دارند؛ نمی‌خواهیم بگوییم که آن مرتبه‌ی اعلیٰ در همه جا مورد نظر است؛ بالاخره انسان‌ها مراتبی [دارند]، استعدادهای مختلف و شرایط مختلف دارند- اگر بخواهیم چنین انسانی از این کارخانه دربیاید، چه خصوصیّاتی باید در این کارخانه وجود داشته باشد؟ چه دانشهایی را تعلیم بدهیم؟ فکر کردن را چگونه به آن‌ها تعلیم بدهیم؟ چگونه تخلّق به اخلاق اسلامی را به آن‌ها تعلیم بدهیم؟ یعنی چگونگیِ کار؛ این مهم است. با چه شیوه‌ای، چه معارفی لازم است داده بشود؟ چون تعلیم و تربیت است، در تعلیم چه دانش‌هایی لازم است؟ در تربیت چه نوع عملی و شیوه‌ی کاری مورد نیاز است؟ هر کدام به چه اندازه؟ در چه سطحی؟ به وسیله‌ی چه جور معلّمینی؟ همه‌ی این‌ها لازم است که برنامه‌ریزی بشود؛ این‌ها باید مشخّص بشود در آموزش و پرورش. بنابر‌این، این‌ها سیاست‌های اجرایی آموزش و پرورش است.

## نیاز به تحوّل بنیادی و زیربنای مستحکم فکری در آموزش و پرورش

البتّه در گذشته‌ی دور، از روزی که آموزش و پرورشِ جدیدِ سبکِ اروپایی وارد کشور شد، مطلقاً این فکرها نشد. یک رونویسی‌ای از آموزش و پرورش کشورهای اروپایی بود که آوردند این‌جا و کسی به فکرش نرسید که حالا ما این‌جا چه جور انسانی لازم داریم و شرایط کشور، فضای کشور، با تعبیر رایج این روزها زیست‌بوم کشور، چه جور انسانی را اقتضا می‌کند؛ این‌ها مورد نظر نبود. همان [چیزی] را که آن‌ها عمل می‌کردند آوردند و این‌جا مشغول اجرا شدند. البتّه در طول زمان -چه قبل از انقلاب، چه بعد از انقلاب- تغییرات سطحی‌ای انجام گرفته. بعد از انقلاب هم تا مدّت‌ها تغییر بنیانی و تحوّل بنیانی‌ای انجام نگرفته بود؛ یک تغییراتی بود البتّه در مسائل [جزئی]. این‌که ما چند سال قبل از این مسئله‌ی تحوّلِ بنیادیِ آموزش و پرورش را مطرح کردیم،[[132]](#footnote-132) ناظر به این قضیّه است. ما این را خواستیم مطرح کنیم که آموزش و پرورش ما نیاز دارد به یک زیربنای مستحکم فکری؛ احتیاج دارد به این‌که این خصوصیّاتی را که اشاره شد، تبیین کند، درست کند. حالا من عرض می‌کنم که بنای تحوّل و شکل تحوّل، با چه خصوصیّاتی و با چه مراتبی تحقّق پیدا می‌کند، که خب کارهای زیادی هم در این زمینه در این چند سال صورت گرفته.

## مشخّص کردن اهداف کلان، راهبردهای کلّی، سیاست‌های عملی، و برنامه‌های اجرایی

پس بنابر‌این، بحث درباره‌ی تحوّل و شناختن زیربنای تحوّل، برای ما روشن خواهد کرد که این شبکه‌ی عظیم فرهنگی، این لشکر عظیم فرهنگی، یعنی آموزش و پرورش که تقریباً حدود چهارده میلیون دانش‌آموز دارد، حدود یک میلیون معلّم و کارمند و مدیر و مانند این‌ها دارد، چه برون‌دادی باید داشته باشد و چگونه [به دست می‌آید]. این مسئله‌ی تحوّل که ما داریم بحث می‌کنیم، باید این را برای ما روشن کند که برون‌داد چه باشد و چگونه این برون‌داد به دست بیاید؛ چه آگاهی‌هایی، چه مهارتهایی، چه خصوصیّات اخلاقی‌ای، چه خصوصیّات رفتاری‌ای باید در محصول و متخرّج[[133]](#footnote-133) این دوازده سال وجود داشته باشد.

پس در طرح تحوّل، طبعاً هدفها در درجه‌ی اوّل است؛ هدفها باید مشخّص بشود -هدفهای کلان- که البتّه همه‌ی‌ این هدفها باید متّکی باشد به اسلام و وحی و مبادی محکم عقیدتی و قرآنی و نیازهای حقیقی جامعه‌ی ایرانی با خصوصیّاتی که دارد؛ باید متّکی به این چیزها باشد. هدفها که مشخّص شد، بر اساس این هدفها، دستورالعمل‌ها و راهبردهای کلّی مشخّص می‌شود. این‌ها کارهایی است که در طرحِ تحوّلِ شما صورت گرفته؛ یعنی این کارها را انجام داده‌اند. البتّه بایستی این راهبردها و دستورالعمل‌ها که معیّن می‌شود، روشن باشد، با تبیینِ صحیحِ مفهومِ موردِ نظر همراه باشد؛ لفّاظی و مانند این‌ها در آن به درد نمی‌خورد، فایده‌ای ندارد؛ باید مشخّص باشد که چه کار می‌خواهیم بکنیم، آن دستورالعمل کلّی و راهبرد کلّی چیست. بر اساس این راهبردها، آن وقت هدفهای عملیّاتیِ جزءبه‌جزء مشخّص بشود که در هر بخشی چگونه عمل کنیم و این هدفها چیست. بعد از آن‌که این هدفهای عملیّاتی و در واقع سیاست‌های عملی مشخّص شد، آن وقت نوبتِ برنامه‌ی اجرایی مشخّص است برای رسیدن به این [هدفها]. خب این برنامه به صورت کامل هنوز ارائه نشده؛ در همه‌ی این دولت‌هایی که بودند و دوره‌های مختلف در آموزش پرورش، کارهایی شده، برنامه‌هایی ارائه کرده‌اند به عنوان برنامه‌ی عملیّاتی، منتها [فقط] بخشی از این سند تحوّل مورد توجّه قرار گرفته، مجموع سند تحوّل مورد توجّه قرار نگرفته. انسان وقتی سند تحوّل را نگاه می‌کند، مجموعه‌ی سند تحوّل بایستی به طور کامل برنامه‌ریزی شده باشد؛ یعنی با خطوطِ مشخّص، مثل این شعبه‌های آب و شبکه‌های آبیاری‌ای که آب سد را میرساند به مزرعه و میرساند به زمین. این برنامه‌ی عملیّاتی شما این [طور] است؛ باید بتواند آن کلّیّات را، آن مفاهیم کلّی را، آن خواسته‌ها را به صورت عملیّاتی، مشخّص، در بخش‌های مختلف -چه بخش‌های علمی، چه بخش‌های پرورشی و تربیتی- به آنجاها برساند و عملیّاتی کند. آنچه مهم است این است که این برنامه‌ریزی باید صورت بگیرد و مدیریّتهای کلان آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش، در این زمینه مسئولیّت دارند که این برنامه‌ریزی را بکنند.

## لزوم ترمیم و به‌روزرسانیِ سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش

البتّه کار سند انجام گرفته و الان حدود نُه سال است که این سند ابلاغ هم شده و در جلسات متعدّدی در شورای عالی انقلاب فرهنگی -به نظرم حدود چهارده پانزده جلسه- این سند مطرح شده و درباره‌ی آن بحث شده؛ منتها در خود این سند، این ذکر شده است که هر پنج سال این سند ترمیم بشود. به نظر من [هم] باید ترمیم بشود؛ یعنی یک مقداری یک نگاه تکمیلی [داشته باشیم]. البتّه این موجب نشود که برنامه‌ریزی را ما بگذاریم [کنار] برای این‌که حالا ترمیم بکنیم که آن هم مدّتها در شورای عالی انقلاب فرهنگی طول بکشد؛ این جور نشود. آن برنامه‌ریزی باید انجام بگیرد و این ترمیم هم باید انجام بگیرد؛ یعنی به‌روزرسانی و ملاحظه کردن. بعضی از تعبیرات نسبتاً دور از ذهن هم در این اهداف و راهبردها هست که عرض کردم این‌ها بایستی ساده، روشن و مبیّن [باشد]، معلوم باشد که چه می‌خواهیم. این کارها باید انجام بگیرد.

پس بنابر‌این، دو کارِ مهم هست: یکی ترمیم اصل سند که این [کار] به وسیله‌ی خود شورای عالی انقلاب فرهنگی باید انجام بگیرد، این ترمیم را آن‌ها باید بکنند، یعنی آن‌جا بایستی انجام بگیرد و شما باید پیگیری کنید؛ و دوّم هم برنامه‌ی جامع اجرایی که تشکیلات آموزش و پرورش این برنامه را باید تنظیم بکند، این هم کار شما است؛ برنامه‌ی جامعی تنظیم بشود. البتّه بخشی از این برنامه را شما تنظیم کرده‌اید، بسیاری‌اش را عملیّاتی کرده‌اید آن طور که حالا در گزارشتان بود و من هم البتّه شنیده‌ام کارهایی را که انجام گرفته، بعضی از کارها را اطّلاع داشتم، لکن برنامه‌ی جامعی باید در دستتان باشد که معلوم باشد چه‌ کار می‌خواهید بکنید.

## ضرورت زمان‌بندی و وجود شاخص پیشرفت در برنامه‌ی جامع اجرایی

پس بنابر‌این، این برنامه‌ی جامع بایستی همه‌ی هدفهای عملیّاتی را شامل بشود، متقن باشد، دارای زمان‌بندی باشد؛ یعنی دو چیز مهم در این برنامه‌ی جامع، لازم است: یکی زمان‌بندی، یکی شاخص پیشرفت. هم زمان‌بندی کنید، هم شاخصهایی وجود داشته باشد که بتوان معلوم کرد که چقدر این برنامه پیش رفته و بالاتر از این، بتوان معلوم کرد که این سند چقدر درست است؛ چون در میدان عمل، وقتی که شما نتیجه را نگاه کردید، فهمیدید پیشرفت داریم، می‌فهمیم که سند، سند متقنی است؛ اگر دیدیم هر چه تلاش می‌کنیم به نتیجه نمی‌رسیم، می‌فهمیم یک عیبی در اصل کار وجود دارد، برمیگردیم آن عیب را اصلاح می‌کنیم. بنابر‌این، در این برنامه‌ریزی، هم زمان‌بندی لازم است، هم تعیین شاخصها لازم است. این دو کاری [است] که عرض کردیم، که البتّه باید پیگیری بشود؛ پیگیری‌اش را شما باید بکنید، شورای عالی آموزش و پرورش باید پیگیری کند، خود وزیر محترم و دستگاه اداری آموزش و پرورش باید این را پیگیری کنند که به نتیجه برسد.

## لزوم تبیین سند تحوّل برای مدیران، کارکنان و معلّمین

یک نکته‌ی دیگر در باب سند هست و آن تبیین سند است. حالا امروز در گزارش آقای وزیر بود که این تبیین انجام می‌گیرد، لکن آن طور که حالا به من گزارش شده -من خودم در بدنه‌ی آموزش و پرورش حضور ندارم، لکن گزارش‌هایی به ما می‌رسد- در بسیاری از جاها اصلاً خبر ندارند از این سند تحوّل. ما می‌گوییم سند تحوّل، بنده سال‌های متعدّد بارها روی سند تحوّل تکیه کرده‌ام، آن مدیر فلان بخش می‌شنود سند تحوّل را، نمی‌داند سند تحول چیست! خب این‌که نمی‌شود. وقتی که ندانست، دل او آشنا نشد، انگیزه پیدا نمی‌کند. بایستی این تبیین بشود؛ نه فقط برای مدیران، [بلکه] برای کارکنان عمده، حتّی برای معلّمین؛ معلّمین بفهمند این سند چیست. و سند را جوری باید تنظیم بکنید که جذّاب باشد برای همه‌ی این‌ها که نگاه کنند، یاد بگیرند، بفهمند. حرف اصلی بنده در واقع درباره‌ی همین مسئله‌ی سند تحوّل و این خصوصیّاتی بود که عرض شد.

## معلّمین؛ افسران سپاه پیشرفت کشور

چند نکته‌ی دیگر هم می‌خواهم عرض بکنم. نکته‌ی اوّل در باب معلّم است. در نظام آموزش و پرورش، هیچ عنصری به قدر معلّم تأثیر ندارد؛ معلّم تعیین‌کننده است. در واقع در این لشکر عظیم فرهنگی که شما هستید، مجموعه‌ی آموزش و پرورش، این چندین میلیون، افسرانی که عدّه‌ها را و مجموعه‌ها را اداره می‌کنند همین معلّمینند که هر معلّمی یک کار خاصّی بر عهده‌اش است و کاری را دارد انجام می‌دهد و در واقع یک جمعی را دارد پیش می‌برد. در حقیقت معلّمین، افسران سپاه پیشرفت کشورند؛ چون آموزش و پرورش وسیله‌ی پیشرفت کشور است. معلّمین عزیز ما در حقیقت -به معنای واقعی کلمه، نه به عنوان تعارف- افسران سپاه پیشرفت این کشور هستند.

## سه عامل مهم در صیانت از شأن و نقش معلّم

### خود معلّم

خب ما باید از شأن معلّم و نقش معلّم صیانت کنیم. چه کسی صیانت بکند؟ در درجه‌ی اوّل خود معلّمین؛ یعنی معلّم توجّه کند و بداند که آینده‌ی کشور متأثّر از همّت او و حکمت او است؛ بداند که کاری که او دارد الان سر کلاس انجام می‌دهد -مخاطبش هر که می‌خواهد باشد؛ از کودک خردسال تا یک جوان هفده هجده ساله- در واقع دارد آینده‌ی کشور را می‌سازد؛ هر معلّمی بایست این را احساس بکند. این به او اعتماد به نفْس می‌دهد، به او امید می‌دهد و به او انگیزه می‌دهد که بتواند کار خودش را خوب انجام بدهد، شأن خودش را والا بداند. وقتی که خود شما شأن خودت را والا دانستی، مردم هرچه فکر می‌کنند، بکنند. انسان وقتی خودش فهمید، به معنای واقعی کلمه فهمید که چه شأن والایی دارد -که واقعاً هم شأن معلّمی والا است- آن وقت این موجب می‌شود که از این شأن صیانت بشود و حفاظت بشود.

### حمایت آموزش و پرورش

دوّمین عامل، آموزش و پرورش است که باید در عمل، معلّمین را مورد حمایت قرار بدهد. من خوشحال شدم از این گزارشی که راجع به مسکن و مانند این‌ها آقای وزیر درباره‌ی معلّمین گفتند -البتّه نشنیده بودم- این کارها باید انجام بگیرد. البتّه مجلس و دستگاه‌های گوناگون و مرتبط -[یعنی سازمان] برنامه و بودجه و دیگران- هم باید کمک کنند. نگاه به آموزش و پرورش، نگاه به یک دستگاه مصرفی نباید باشد؛ نگاه به یک دستگاه زیربنائی باید باشد. شما اگر چنانچه مبالغ میلیاردها خرج کنید برای این‌که مثلاً یک سد بسازید یا مثلاً یک بزرگراه بسازید، هرگز فکر نمی‌کنید که پولتان را مصرف کردید و مثلاً هدر دادید. آموزش و ‌پرورش بمراتب، بمراتب، مهم‌تر از دستگاه‌های سازندگی دیگری است که در کشور وجود دارد. این‌جا جای سرمایه‌گذاری است؛ شما در واقع هرچه این‌جا پول خرج می‌کنید، دارید سرمایه‌گذاری می‌کنید، دارید زیربنا می‌سازید؛ این را بایستی همه [توجّه کنند]؛ هم مجلس توجّه کند، هم دولت توجّه کند، هم سازمان برنامه توجّه کند و هم خود آموزش و پرورش هم که توجّه به این معنا دارد. این هم عامل دوّم برای صیانت از شأن و نقش معلّم.

### فرهنگ‌سازی توسّط دستگاه‌های تبلیغی

عامل سوّم، دستگاه‌های تبلیغاتی‌اند که باید فرهنگ‌سازی کنند؛ یعنی معلّمی باید [یک] شأ‌ن باید باشد که عمده‌ی این به عهده‌ی صدا‌ و‌ سیما است. مثلاً فرض کنید که شما می‌توانید یک فیلمی بسازید که در آن فیلم معلّم وجود داشته باشد و نقشی داشته باشد که وقتی انسان آن فیلم را نگاه می‌کند، وقتی انسان این فیلم را می‌بیند، آرزو کند «کاشکی من معلّم بودم»! این کار، کار لازمی است؛ این کار، کار واجبی است. حالا من گفتم فیلم، نه این‌که یک فیلم درست کنیم و خیال کنیم که کار تمام شد؛ نه، اصلاً این یک جریانی باشد که مرتّباً به شکلهای مختلف، به شکلهای هنری، معلّم ترویج بشود، معلّمی ترویج بشود، احترام و اکرام معلّم به صورت یک فرهنگ عمومی دربیاید و در افکار عمومی اثر بگذارد. این هم این [عامل]. اگر چنانچه این [موضوع، عملی] شد، آن وقت جایگاه معلّم اعتلا پیدا می‌کند. و این یک مسئله‌ که مسئله‌ی حفظ جایگاه معلّمی است.

## دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی، تنها مسیر ورود معلّم به آموزش پرورش

مسئله‌ی دوّم، مسئله‌ی جذب معلّم است؛ از کجا معلّم پیدا کنیم؟ چه جوری معلّم تربیت کنیم؟ به نظر من این دو دانشگاهی که شما دارید، بسیار چیزهای خوبی است. من سال ۹۷ در دانشگاه فرهنگیان همینها را گفتم.[[134]](#footnote-134) دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی یکی از آن بهترین مراکزی است که در کشور برای مسائل فرهنگ و مانند این‌ها به وجود آمده. باید این جور باشد که حتّی یک معلّم از غیر این مسیر وارد آموزش پرورش نشود. ما دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی را جوری ظرفیّت‌سازی کنیم و جوری سازماندهی کنیم که همه‌ی معلّمین به قدر کفایت بیایند از این‌جا عبور کنند و وارد آموزش و پرورش [بشوند]. حتّی دوره‌های کوتاه‌مدّتی که حالا برنامه‌ریزی شده و دوره‌هایی که وجود دارد، مثلاً یک‌ساله و مانند این‌ها هم در سایه و در ضمن و با مسئولیّت این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی باشد؛ این کار بسیار لازمی است. خب، پس یک نکته این شد که مسیر عبور معلّم و ورودش به آموزش پرورش صرفاً از این‌جا باشد. حالا من این‌جا به عزیزان مجلس هم سفارش کنم این طور نباشد که یک جوری تصویب کنند که مثلاً یک جمعی، یک وقت بی‌حساب به شکل برف‌انباری، همین جوری وارد آموزش پرورش بشوند؛ این جوری مصلحت نیست. هر کاری انجام می‌گیرد، ورودی معلّمین [باید] از طریق این دو دانشگاه باشد.

## لزوم رعایت این صلاحیّت‌ها در جذب و گزینش معلّم

کار دوّم این‌که خود این دو دانشگاه در جذب، صلاحیّت‌ها را رعایت کنند؛ صلاحیّت دینی را، صلاحیّت اخلاقی را، صلاحیّت سیاسی را تا آنجایی که ممکن است، توجّه کنند. جذب کنند و به معنای صحیح کلمه گزینش کنند افراد را و وارد کنند.

### گزینش درست و حسابیِ کاملاً خردمندانه و صحیح

البتّه ما یک سابقه‌ی نامطلوبی در امر گزینش از سال‌های قبل در جاهای مختلف داشته‌ایم که معیارهای گزینش، معیارهای درستی نبوده؛ فرض کنید مثلاً راجع به فلان مسئله‌ی فقهیِ خیلی کمیاب که از یک فقیه هم آدم بپرسد، معلوم نیست حاضر باشد بتواند جواب بدهد، از یک جوانی بپرسند که اگر جواب نداد، رد بشود؛ این کارها را نکنید. یک گزینش درست و حسابیِ کاملاً خردمندانه و صحیح انجام بگیرد تا با گزینش وارد بشوند. نیروهای بی‌کیفیّت وارد آموزش پرورش نشوند؛ چون موجب ضرر خواهد بود. معلّمی که این ‌همه اهمّیّت دارد و این ‌همه ارزش دارد و ما درباره‌اش این ‌همه تعریف می‌کنیم، اگر عنصر بی‌کیفیّت بی‌فایده یا خدای‌ نکرده مضرّی باشد، طبعاً نتیجه‌ی عکس خواهد داد.

## اهمّیّت رعایت عدالت آموزشی

### اصلِ عدم تفاوت نصیبِ آموزشیِ دانش آموزان در کل کشور

نکته‌ی بعدی مسئله‌ی عدالت آموزشی است. بنده البتّه مکرّر در مورد عدالت آموزشی صحبت کرده‌ام. این‌که باید دانش‌آموز ما در فلان نقطه‌ی دوردست با دانش‌آموز ما در فلان محلّه‌ی تهران از لحاظ نصیب آموزشی تفاوتی نداشته باشد، یک اصل است؛ حالا یک وقت، یک کسی استعداد بیشتری دارد -که اتّفاقاً در این مراکز دوردست استعدادهای برجسته، استعدادهای درخشان گاهی مشاهده می‌شود- [این اشکال ندارد]. بایستی ما کاری کنیم که همه بتوانند از سهم مناسب خودشان در آموزش پرورش کشور استفاده کنند. پس عدالت آموزشی به این معنا وجود دارد. البتّه حالا که مسئله‌ی آموزش مجازی و مانند این حرف‌ها پیش آمده، یک مقداری مسئله‌ی عدالت حسّاس‌تر است، برای خاطر این‌که ممکن است همه امکان استفاده‌ی از فضای مجازی را نداشته باشند، تمکّن مالی نداشته باشند؛ باید برای این فکری کرد. حالا [اینکه] شما چه ‌کار می‌توانید بکنید، [باید فکر کنید]؛ البتّه شنیدم کارهایی را شروع کرده‌اید؛ باید ادامه بدهید و دنبال کنید. و صدا و سیما به‌خصوص بایستی کمک کند و آموزش از طریق صدا و سیما می‌تواند بخش مهمّی از این را جبران کند. بالاخره عدالت آموزشی بسیار مهم است.

### رسیدگی به مدارس دولتی

یک نکته در باب عدالت آموزشی بحث مدارس دولتی است که مراقب باشیم مدارس دولتی جوری نباشد که دانش‌آموزی که در مدارس دولتی تحصیل می‌کند، احساس کند که مثلاً فرض کنید امکان قبولی‌اش در کنکور کمتر است؛ این [طور] نباید باشد. یعنی بایستی ما سطح مدارس دولتی را، هم از لحاظ آموزش و هم از لحاظ پرورش، جوری بالا بیاوریم که خود آن دانش‌آموز احساس اعتماد کند، خانواده‌ی او هم که می‌خواهند این فرزند را بفرستند به مدرسه‌ی دولتی، احساس نکنند که دارند او را به یک جایی بی‌پناه می‌فرستند و رها می‌کنند؛ این جوری نباید باشد. باید به مدارس دولتی به معنای واقعی کلمه رسیدگی بشود.

## آفات و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی

در باب آموزش مجازی، یک نکته‌ی دیگر هم وجود دارد و آن، زیانهایی است که احتمالاً در آموزش مجازی وجود دارد. حالا این شبکه‌ی شاد که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است منتها بایست مراقبت کنید تا این موجب این نشود که جوان‌ها وارد فضای بی ‌بند و بار و رهای اینترنت بشوند و سرشان گرم بشود به یک چیزهای دیگری که هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ اعتقادی خطرهای بزرگی برای این‌ها دارد؛ این را باید کاملاً مراقبت بکنید، یعنی پیش‌بینی کنید. البتّه دیروز پریروز در زمینه‌ی فکری که آموزش و پرورش در این زمینه کرده، به من یک گزارشی دادند، منتها باید کار کنید در این زمینه؛ یعنی کاری است که نمی‌شود رها کرد این را؛ چون بحث به‌اصطلاح اُنس بچّه‌ها با فضای مجازی، محسّناتی دارد، عیوبی هم دارد. یکی از عیوبش این است که گفتم؛ یکی از عیوبش منزوی شدن بچّه‌ها در خانه است؛ وقتی که با این تبلت و مانند این‌ها آشنا شدند، می‌روند سرگرم آن کار می‌شوند و از محیط خانه و خانواده در واقع به‌تدریج دور می‌شوند. باید به این‌ها توجّه کنید و مراقبت کنید. این هم از این [نکته].

## ضرورت اهتمام به فعالیّت‌های پرورشی

نکته‌ی بعدی که روی آن تکیه می‌خواهم بکنم، مسئله‌ی فعالیّت‌های پرورشی است. الان هم در آموزش و پرورش، «پرورش» عقب است؛ یعنی این را بدون هیچ ملاحظه‌ای آدم قاطعاً می‌تواند بگوید. متأسّفانه مدّتها است که با همه‌ی تأکیدی که در این زمینه شده، بحث پرورش، بحث عقب‌مانده است؛ یعنی واقعاً به مسئله‌ی پرورش، به بخش پرورش توجّه لازم و اهتمام لازم نشده، که باید بشود. حالا در قضیّه‌ی فضای مجازی و ارتباط دور و مانند اینها، این معنا یک مقداری بیشتر مهم خواهد بود؛ باید روشها و قالبهای جدیدی را پیدا کنید برای این‌که بتوانید ان‌شاءالله آن جنبه‌ی پرورش را در آموزش و پرورش، در بین این میلیون‌ها نوجوانی که در اختیار شما هست، تأمین کنید.

## اهمّیّت شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان

نکته‌ی دیگر در باب مدارس سمپاد[[135]](#footnote-135) است که آقای وزیر اشاره کردید، بنده هم تأکید می‌کنم -خب بالاخره این مصوّبه ابلاغ شد؛ البتّه حالا با تأخیر ابلاغ شد- و خیلی خوب است؛ به سمپاد باید برسید. این پرورش استعدادهای درخشان و برجسته، یکی از مسائل بسیار اساسی و مهم است. ما بایستی این استعدادها را به معنای واقعی کلمه شناسایی کنیم و پرورش بدهیم؛

بسا باشد که مردی آسمانی

به جانی سر فرازد لشکری را[[136]](#footnote-136)

چون گاهی اوقات می‌بینید که یک استعداد برجسته و برتر یک کشور را از یک گذرگاه مهم و خطرناکی عبور می‌دهد و کارهای بزرگ انجام می‌گیرد؛ ما هم انصافاً احتیاج داریم، استعداد برجسته هم کم نداریم؛ اوّلاً متوسّط استعدادهای کشور ما از متوسّط جهانی بالاتر است، وانگهی در بین همین مجموعه‌ی جوان و نوجوان ما استعدادهای برجسته و درخشان کم نیست؛ این‌ها را بایستی ان‌شاءاﷲ دنبال بکنید که این هم خوب است. جایگاه کشور در المپیادها هم بایستی پیش برود که حالا ایشان گفتند که مثل گذشته است؛ مثل کدام گذشته؟ چون در این سالهای اخیر خیلی برجسته نبوده؛ اگر چنانچه مثل این سال‌ها باشد، این تعریف نیست؛ اگر مثل سالهای قبل باشد که آن وقت خب هم تعداد مدال‌ها، هم رنگ مدال‌ها خیلی برجسته‌تر بود، آن البتّه خوب است.

## لزوم اداره‌ی مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها توسّط آموزش و پرورش

یک مسئله،‌ مسئله‌ی مهد‌کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها است. مهد‌کودک‌ها متأسّفانه رها است؛ مهد‌کودک‌ها هم ذیل آموزش و پرورش است. اوّلاً دستگاه‌های مختلف دولتی با هم در این زمینه بگومگو دارند که این بگومگوها باید برطرف بشود؛ وانگهی وقتی که دستگاه را شما رها بگذارید، دیگران می‌آیند بچّه‌های مردم را می‌گیرند، می‌برند آن‌جا و تربیتهای غلط داده می‌شود. گزارشهای بسیار بدی بنده دریافت کردم از بعضی از مهد‌کودک‌ها که واقعاً‌ نگران‌کننده است. اداره کنید مهد‌کودک‌ها را. مهد‌کودک هم فقط یک مرکز خدماتی نیست که بچّه را حفظ کنند و خدمت بدهند، [بلکه] به یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است، منتها خب با زبان خاصّ خود، با شیوه‌ی خاصّ خود. وقتی که ما میگوییم برای مهد‌کودک‌ها برنامه داشته باشید، به‌ طریق‌ اولیٰ پیش‌دبستانی‌ها [اهمّیّت پیدا می‌کنند]. پیش‌دبستانی هم جای بسیار مهمّی است، آن‌جا هم فکر لازم دارد، باید فکر کنید، برای آن برنامه فراهم بکنید و [برای] بچّه‌ها که حالا به طور طبیعی همه از پیش‌دبستانی عبور می‌کنند -که سابق [این جور] نبود- این را جوری [اداره] بکنید که ان‌شاءالله این‌جا بتوانند از این فرصت استفاده کنند.

## علّت اصرار نفوذ طواغیتِ عالَم در آموزش و پرورش کشورها

نکته‌ی پایانی‌ای که من بخواهم عرض بکنم این است که فکر کنیم چرا این ‌قدر طواغیت عالَم و فراعنه‌ی عالَم به فکرند و اصرار دارند که در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؛ روی این یک قدری باید تأمّل کرد. [این نفوذ] گاهی اوقات با سر و صدا مثل سند ۲۰۳۰ است که سر و صدایش دنیا را گرفت که برای همه هم هست. این به معنای نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در همه‌ی کشورهای دنیا است. چرا؟ به چه دلیل؟ چرا باید یک کشوری مثل کشور ما با این فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ برجسته‌ی درخشان ایرانی تحت تأثیر تعلیمات کسانی که تمدّنشان و فرهنگشان یک چیز جدید و مادّی و غلط و شکست‌خورده است [قرار بگیرد؟] امروز فلسفه‌ی اجتماعی غرب در خود غرب شکست‌خورده است؛ خب ببینید چه خبر است! آن روزمن راجع به آمریکا گفتم.[[137]](#footnote-137) در آمریکا از هالیوود تا پنتاگون -یعنی فاصله‌ی هالیوود و پنتاگون را در نظر بگیرید- همه جا فساد هست؛ هم آنجا، هم آنجا، هم بین اینها. چرا بایستی فرهنگ یک کشوری مثل کشور اسلامی ایران و یا کشورهای اسلامی و شاید بعضی کشورهای دیگر در دنیا تحت تأثیر یک سندی قرار بگیرد که آدم‌های این تمدّنها، این کشورها، جوامع فاسد و غلط آن را تنظیم کرده‌اند؟ بنابراین به این توجّه داشته باشید که نفوذ آن‌ها و اصرارشان بر نفوذ به خاطر تأثیر آموزش و پرورش است؛ به خاطر این است که این‌ها کارهایی را که به وسیله‌ی نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله می‌توانند انجام بدهند؛ یک جایی و در یک مواردی با یک وسیله‌ی عمومی مثل همین سند ۲۰۳۰؛ که متأسّفانه در کشور ما هم به آن توجّه شد، الان هم شنیده‌ام گوشه‌کنار بعضی از اجزای این سند همین‌ طور به وسیله‌ی بعضی آدم‌های ناباب یا غافل دارد اجرا می‌شود و دنبال می‌شود -و این را خواهش می‌کنم آقای وزیر به طور جد دنبال کنند- چه مثل نفوذ در آموزش و پرورشِ بعضی از کشورهای منطقه که ما خبر داریم بی‌ سر و صدا و بدون هیاهو دارند کتابهای درسی را، وضع معلّمین را، آموزشها را [تغییر می‌دهند،] افرادی را جدا می‌کنند از بین مجموعه و می‌برند در کشورهای خودشان یک چند صباح تربیت می‌کنند برمیگردانند. در آموزش و پرورش می‌خواهند نفوذ پیدا کنند. این به نظر من خیلی مهم است. لازم است که یک حسّاسیّتی در زمینه‌ی نفوذ دشمن همه پیدا کنند، همه [حسّاسیّت] داشته باشند و مراقب باشند. او اصرار دارد به نفوذ؛ شما باید بدانید او چرا اصرار دارد. او با این نفوذ می‌خواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیّاتی کند و آدم‌هایی درست کند که مثل او فکر کنند؛ بنابراین فرض کنید او که می‌خواهد یک کشوری را غارت کند، وقتی در داخل کشور کسانی بودند که با این غارت موافق بودند، با او هم‌فکر بودند، این غارت براحتی و آسانی انجام می‌گیرد. و به ‌هرحال بایستی به این معنا توجّه کرد.

## لکّه‌ی ننگ خیانت دولت امارات متّحده‌ی عربی

یک نکته هم در پایان عرض بکنم راجع به این خیانتی که متأسّفانه دولت امارات متّحده‌ی عربی کرد؛[[138]](#footnote-138) هم به دنیای اسلام خیانت کرد، هم به دنیای عرب خیانت کرد، هم به کشورهای منطقه خیانت کرد، هم به مسئله‌ی مهمّ فلسطین خیانت کرد. این کاری که اماراتی‌ها کردند، یک لکّه‌ی ننگی است؛ البتّه این از بین خواهد رفت، یعنی این حالت دیری نخواهد پایید ان‌شاءالله، لکن این لکّه‌ی ننگ بر پیشانی کسانی که این اقدام را امروز انجام دادند خواهد ماند. این‌ها خیانت کردند، کار بسیار بدی کردند، پای صهیونیست‌ها را در منطقه باز کردند. مسئله‌ی فلسطین با این اهمّیّت، [یعنی] غصب یک کشور، آواره کردن یک ملّت، چیز کوچکی است؟ [اینها] به بوته‌ی فراموشی سپردند و عادی‌سازی کردند.

ملّت فلسطین، چه در غزّه، چه در بخش اراضی به ‌اصطلاح اشغالی -البتّه همه‌ی فلسطین اراضی اشغالی است، امّا آن قسمتی که حالا در عُرف سیاسی به آن می‌گویند اراضی اشغالی- از همه جهت زیر فشارهای شدید قرار دارند: این شهرک‌سازی‌ها، این کارهایی که انجام می‌گیرد؛ این‌ها این‌ جوری [هستند]، آن وقت آن‌ها بیایند با اسرائیلی‌ها و با عناصر صهیونیستِ خبیثِ آمریکایی که با اسرائیلی‌ها همراهند -مثل همان یهودی‌ای که در خانواده‌ی ترامپ هم حضور دارد- [توافق کنند]. و این‌ها دارند متأسّفانه علیه مصالح دنیای اسلام و مصالح منطقه کار می‌کنند و با قساوتِ تمام دارند با مسائل این منطقه برخورد می‌کنند؛ ما نبایستی به آن‌ها کمک بکنیم؛ و اماراتی‌ها به این مسئله کمک کردند. امیدواریم زودتر بیدار بشوند و کاری را که کردند جبران کنند.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفّق بدارد، مؤیّد بدارد تا بتوانید این وظیفه‌ی سنگینی را که بر عهده دارید ان‌شاءالله انجام بدهید و ان‌شاءالله روزبه‌روز آموزش و پرورش اعتلای بیشتری پیدا کند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# حکم انتصاب نماینده ولی فقیه در استان کردستان و مدیر مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور 12/6/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالرضا پورذهبی دامت افاضاته

با عنایت به پایان یافتن مسئولیت جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمحمد حسینی شاهرودی دام بقائه در استان کردستان و با تشکر فراوان از خدمات ایشان در دوران ده‌ساله جنابعالی را به نمایندگی خود در آن استان و مدیریت مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور منصوب می‌کنم.

حق بزرگ مردم شریف منطقه‌ی کُردی در پشتیبانی از نیروهای مجاهد و همکاری با آنان چه در جنگ تحمیلی و چه در مقابله با ضدانقلاب، فراموش نشدنی است و ایمان راسخ آنان به اسلام و ارادت آنان به اهل‌بیت پیامبر اعظم علیه و علیهم‌السلام و وفاداری آنان به نظام جمهوری اسلامی ویژگی‌های شناخته‌شده‌ی آن مردم عزیز است.

انتظار می‌رود جنابعالی به کمک آشنایی با این خصوصیات برجسته به خدمات خویش در آن استان اشتغال یابید. تکریم علمای دینی که حقاً آزمون بزرگوارانه و نجیبانه‌ای را در میدان‌های گوناگون گذرانیده‌اند و آغوش باز با همه طبقات مردم از سنّی و شیعه و به‌ویژه همفکری با زبدگان و نخبگان و همدلی با جوانان، توصیه‌ی مؤکد اینجانب است. توفیقات جنابعالی را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای  
۱۲ شهریور ۱۳۹۹

# بیانیه‌ی رهبر انقلاب در پی اهانت نشریه‌ی فرانسوی به ساحت مقدس پیامبر اعظم (ص) 18/6/1399

بسمه‌تعالی

## نشانه‌ی عناد و کینه

گناه بزرگ و نابخشودنی یک نشریّه‌ی فرانسوی در اهانت به چهر‌ه‌ی نورانی و قدسی حضرت رسول اعظم (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) بار دیگر عناد و کینه‌ی شرارت‌بار دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی دنیای غرب با اسلام و جامعه‌ی مسلمانان را آشکار ساخت.

بهانه‌ی آزادی بیان برای محکوم نکردن این جرم بزرگ که از سوی برخی سیاستمداران فرانسوی گفته شده کاملاً مردود و غلط و عوام‌فریبانه است.

## عامل این‌گونه حرکت‌های دشمنانه

سیاست‌های عمیقاً ضدّ اسلامیِ صهیونیست‌ها و دولت‌های استکباری عامل این‌گونه حرکت‌های دشمنانه است که هر چند یکبار بُروز می‌یابد.

## هدف این حرکت

این حرکت در این برهه‌ی زمانی می‌تواند، نیز به انگیزه‌ی منصرف کردن ذهن ملّت‌ها و دولت‌های غرب آسیا از نقشه‌های شومی باشد که آمریکا و رژیم صهیونیستی برای این منطقه در سر دارند. ملّت‌های مسلمان به‌ویژه کشورهای غرب آسیا، ضمن حفظ هوشیاری در مسائل این منطقه‌ی حسّاس، باید هرگز دشمنی‌های سیاستمداران و سردمداران غربی نسبت به اسلام و مسلمین را فراموش نکنند.

والله غالب علی امره

سیّدعلی خامنه‌ای

18/6/1399

# پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی درپی درگذشت آیت‌الله صانعی 22/6/1399

بسم‌الله الرحمن الرحیم

درگذشت مرحوم مغفور آیت‌الله آقای حاج شیخ یوسف صانعی رضوان‌الله‌علیه را به فرزندان و خاندان مکرّم و به برادر معززّ و محترم ایشان و نیز به شاگردان و علاقمندان و دوستان آن عالم بزرگوار تسلیت عرض می‌کنم. آن مرحوم از شاگردان پر تلاش درس‌های فقه و اصول و از نزدیکان حضرت امام خمینی اعلی‌الله‌مقامه بودند و پس‌از پیروزی انقلاب در مسئولیت‌های مهمّ قضائی و غیره به خدمت اشتغال داشتند و امید است این همه مقبول درگاه احدیّت و موجب اعتلای مقامات اخروی ایشان باشد. رحمت و مغفرت حضرت حق را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۲ شهریور ۱۳۹۹

# حکم انتصاب نماینده ولی‌فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی 24/6/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجةالاسلام آقای حاج حسین روحانی‌نژاد دام توفیقه

در پی درگذشت جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای رسولی محلاتی رحمةالله‌علیه و به شیوه‌ی حکم امام راحل رضوان‌الله‌علیه جنابعالی را که سال‌ها در بنیاد مسکن به خدمت اشتغال داشته‌اید، به نمایندگی خود در آن نهاد انقلابی منصوب می‌کنم. هدف از تشکیل این نهاد کمک به امر مسکن قشرهای محروم و آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی است. امید است حضور شما به مدیران بنیاد مسکن در این مقصود کمک کند. توفیقات همگان را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۴ شهریور ۱۳۹۹

# بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس 31/6/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

السّلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح الّتی حلّت بفنائک علیک منّی سلام الله ابداً ما بقیت و بقی اللیل و النّهار و لا جعله الله آخر العهد منّی لزیارتک السّلام علی الحسین و علی علیّ بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

## بزرگداشت رزمندگان و پیش‌کسوتان دفاع مقدس، جزو وظایف ملّی و توصیه‌ی مؤکّد اسلام

امروز را به مناسبت چهلمین سال از آغاز دفاع مقدّس، روز «تکریم و بزرگداشت رزمندگان و پیش‌کسوتان و جلوداران عرصه‌ی دفاع مقدّس» قرار داده‌اند؛ بسیار کار به‌جا و درستی انجام گرفته. این تکریم، این بزرگداشت و نکوداشت جزو وظایف حتمی ملّی ما است، علاوه بر اینکه توصیه‌ی مؤکّد اسلام هم هست.

### پیش‌کسوتان و رزمندگان چه کسانی هستند؟

پیش‌کسوتان و رزمندگان که امروز روز تکریم آنها است، چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که از جان گذشتند، جان را کف دست گرفتند، از آسایش، زندگی خانوادگی، پدر و مادر، همسر، فرزندان، در مواردی، از آینده چشم پوشیدند، صرف نظر کردند و همه‌ی داشته‌های خودشان را به مصاف دشمنی بردند که تشخیص داده بودند بایستی در مقابل او از اسلام و از کشور دفاع کنند. از اسلام دفاع کردند، از انقلاب دفاع کردند، از عزّت ملّی دفاع کردند، از ناموس دفاع کردند؛ برخی از اینها عروج کردند و بعضی هم ماندند و کار را به پایان رساندند؛ فَمِنهُم مَن قَضیٰ نَحبَه وَ مِنهُم مَن یَنتَظِر؛[[139]](#footnote-139) که این جماعتی که امروز به عنوان رزمندگان، به عنوان پیش‌کسوتان در این جلسه‌ی سراسری کشوری حضور دارند، جزو این کسانی هستند که این افتخار را داشتند که رفتند و این توفیق را داشتند که کار را به پایان رساندند.

## لزوم تعریف عظمت دفاع مقدس

ما چه زمانی می‌توانیم اهمّیّت و عظمت رزمندگان را درست تشخیص بدهیم؟ آن وقتی که عظمت کار معلوم بشود، عظمت عرصه و میدان را بتوانیم تشخیص بدهیم، آن وقت معلوم می‌شود اینهایی که رفتند در این میدان و کار کردند چه ارزشی دارند. عظمت میدان یعنی تعریف دفاع مقدّس.

## شرح مختصر چرایی و چگونگی دفاع مقدّس

من در چند جمله‌ی کوتاه، چرایی و چگونگی دفاع مقدّس را امروز شرح می‌دهم. البتّه اینها مطالبی است که بارها گفته‌ایم، بارها گفته‌اند، لکن باید تکرار کنیم؛ باید آنچه را حقیقت است، بارها و بارها و هزاران بار بگوییم؛ تحریف، امر جدّی و خطر بزرگی است و دست تحریف وجود دارد.

### در هم کوبیدن نظام اسلامی؛ هدف جنگ‌افروزان

اوّلاً هدف جنگ‌افروزان، آن کسانی که جنگ تحمیلی را بر ملّت ایران تحمیل کردند، در هم کوبیدن نظام اسلامی بود، در هم کوبیدن انقلاب بود؛ هدف اصلی و نهایی‌شان این بود.

### قدرت‌های پشت صدّام و مقابل ما

ثانیاً طرف اصلی، صدّام و حزب بعث نبودند؛ اینها وسیله‌ای بودند که پیش‌کرده‌ی آن عناصر اصلی بودند. صدّام را با استفاده از روحیّات او و جاه‌طلبی‌های او پیش انداخته بودند. او هم آمده بود وارد میدان [شده بود] امّا پشت سر و طرف اصلی، دیگران بودند؛ قدرتهایی بودند که بعضی از آن قدرتها مثل آمریکا، از انقلاب ضربه‌ی جدّی خورده بودند. بعضی از طرفها هم کسانی بودند که ولو مثل آمریکا از ایران طرد نشده بودند و نمی‌شد گفت که آن چنان منفعت کلانی به این صورت از دست داده‌اند، منتها از اینکه یک عنصر جدیدی، یک هویّت جدیدی در این منطقه‌ی حسّاس به وجود بیاید، بر اساس دین، بر اساس اسلام، با خصوصیّاتی که می‌دانستند و می‌شناختند، نگران بودند و مایل نبودند؛ لذا مقابل جمهوری اسلامی ایستادند. فقط آمریکا نبود، شورویِ آن روز هم بود، ناتو و کشورهای اروپای غربی [هم] بودند؛ حتّی کشورهای اروپای شرقی هم در این عرصه در مقابل ما قرار داشتند. لذا اسنادی که بعداً رو شد و نشان داده شد، ثابت کرد که آمریکا پیش از آغاز جنگ با صدّام توافقهایی داشته؛ همچنان که کمکهای تسلیحاتی و اطّلاعاتی بسیار ذی‌قیمت به طور مرتّب در اثنای جنگ -که حالا من بعداً یک اشاره‌ای به اینها خواهم کرد- به سمت نیروها و قوای صدّام و حزب بعث سرازیر بود؛ کاروان نظامی به صورت پیوسته که این جلوی چشم ما و در دید ما بود. کشتی‌ها در بنادر امارات پهلو می‌گرفتند و از امارات به صورت متّصل، هرروزه، بدون وقفه می‌رفتند سعودی، می‌رفتند کویت، می‌رفتند عراق و [امکانات را] تحویل نیروهای صدّام‌حسین می‌دادند. اینکه حالا وضع دشمن و جبهه [بود].

### وضعیت نیروهای مسلّح و تجهیزات نظامی در داخل

در داخل هم، شرایط کشور جوری بود که دشمن را تشجیع می‌کرد به اینکه این حمله‌ی نظامی را آغاز کند؛ وضع داخلی کشور، وضع نیروهای مسلّح -که در درجه‌ی اوّل، چشم امید در جنگها به نیروهای مسلّح است- وضع خوبی نبود؛ ارتش تازه از زیر یوغ فرماندهان طاغوتی خارج شده بود و داشت خودآرایی می‌کرد و حضور انقلابیِ خودش را نشان می‌داد. البتّه فرماندهان ارتش، بسیاری فرماندهان خوبی بودند امّا امثال شهید فلّاحی[[140]](#footnote-140) یا مرحوم ظهیرنژاد[[141]](#footnote-141) که در ارتش شخصیّتی بودند و جایگاه مهمّی داشتند، برای اداره‌ی سازمان عظیمی مثل ارتش آماده نبودند؛ در این کار در واقع تازه‌کار بودند. سپاه هم که اندکی بیش از یک سال بود که تشکیل شده بود. در پایان شهریور ۵۹، سپاه یک نهاد یک سال و چند ماهه بود؛ تازه تشکیل شده بود. این وضع نیروهای مسلّح ما بود.

از لحاظ ابزارهای نظامی هم -این را واقعاً همه باید در یاد داشته باشند- در نهایت شدّت و تنگ‌دستی بودیم؛ اوّلاً ابزارهای نظامی‌مان کم بود، ناقص بود، بسیاری از آنها برای کسانی که مسئولیّت پیدا کرده بودند، شناخته‌شده نبود، و در همان آغاز حمله‌ی دشمن، بعضی‌از آنها از دست ما رفته بود؛ نتیجه این بود که امکانات ما بسیار کم بود. من چند ماه بعد از شروع جنگ که در این یگانها گردش می‌کردم، می‌دیدم تیپّ زرهی ارتش که بایستی مثلاً حدود ۱۵۰ فروند تانک داشته باشد، حدود چهل فروند تانک دارد؛ یعنی امکانات ما در این حد بود؛ بقیّه‌ی امکانات هم همین جور بود. سپاه هم که به‌کلّی فاقد امکانات بود؛ امکاناتش تفنگ و خمپاره‌های سبک و مانند اینها بود؛ ما اصلاً امکانات نظامی‌ای نداشتیم؛ اینها دشمن را تشویق می‌کرد. اینها را دشمن تا حدود زیادی می‌فهمید، می‌دانست و تشویق به حمله می‌شد.

### نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهی امام

خب جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس ما آغاز شد؛ اینجا است که انسان نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهیِ امام بزرگوار را تشخیص می‌دهد. امام در یک چنین شرایطی توانست آغاز جنگ را و بعد تداوم این حرکت را در زیر چشم خود و اراده‌ی خود به پیش ببرد و اداره کند. بعضی‌ها انکار می‌کنند، اظهار تعجّب می‌کنند که چطور ممکن است یک روحانی مسنّ پیرمردی در سنین هشتادوچند ساله مثلاً بتواند نیروهای مسلّح را در جنگ اداره کند؛ خیال می‌کنند که مدیریّت جنگی و فرماندهی جنگیِ امام به این بود که برود مثلاً در قرارگاه‌های تاکتیکی مقدّم بنشیند عدّه‌ها را جابه‌جا کند، یگانها را این ور و آن ور بفرستد.

#### شناخت حجم واقعی این کارزار

مسئله این نبود، مسئله‌ی امام چند چیز دیگر بود: اوّلاً مهم این بود و کار بزرگ امام این بود که از اوّل حجم واقعی این کارزار را شناخت، از اوّل فهمید که معنای این جنگ چیست؛ خیلی از ماها نمی‌دانستیم، نمی‌فهمیدیم. خب دو کشور همسایه خیلی اوقات می‌شود درگیری با هم پیدا می‌کنند؛ خیلی اهمّیّتی ندارد. امام نه، امام از اوّل فهمید که این یک درگیریِ عادّی بین دو همسایه نیست، دشمن را شناخت و فهمید که دشمن اصلی در این جنگ کیست و تشخیص داد که صدّام یک ابزار است. و امام درباره‌ی جنگ، درباره‌ی دفاع مقدّس متعدّد سخنرانی می‌کرد؛ در سخنرانی‌ای که مربوط به جنگ بود امام مثلاً می‌فرمود که آمریکا از شوروی بدتر، شوروی از آمریکا بدتر، انگلیس از هر دو بدتر؛ یعنی تعرّض و خطابش به آن کسانی بود که شناخته بود که اینها عاملان اصلی هستند و پشت صحنه‌ی جنگ در واقع اینها هستند.

#### تشخیص اینکه این مسئله‌ی مهم را فقط ملّت ایران می‌تواند حل کند

ثانیاً یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله‌ی مهم را فقط ملّت ایران می‌تواند حل کند. این مسئله، صرفاً مسئله‌ی نیروهای مسلّح نیست. ولو نیروهای مسلّح بعد خب وضع بهتری پیدا کردند لکن این کار، کار ملّت ایران است، ملّت باید وسط بیاید؛ همچنان که ملّت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملّت ایران باید به پیروزی برساند. امام این را تشخیص داد و بر اساس آن عمل کرد و این حرکت عظیم مردمی را که حالا بعد یک اشاره‌ای خواهم کرد، به وجود آورد. [بعد] شخصیّت امام، نفوذ معنوی امام، صداقت و معصومیّت بیان امام که وقتی حرف می‌زد آثار معصومیّت و صداقت در بیان او برای همه آشکار بود، می‌فهمیدند که حقیقت را دارد بیان می‌کند؛ بعد نگاه تیزبین او که یک اعماقی را مشاهده می‌کرد که به معنای واقعی کلمه [مصداق] «آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام آن بیند»[بود]. گاهی ماها با مسئولین نظامی در بعضی از مسائل نظامی مراجعه می‌کردیم به ایشان و امام گاهی یک نکاتی را بیان می‌کردند که برای انسان واقعاً [مایه‌ی] تعجّب بود که ایشان چطور به این نکات توجّه می‌کند.

#### قاطعیّت بی‌نظیر و فوق‌العاده

و بعد هم قاطعیّت بی‌نظیر، آن قاطعیّت فوق‌العاده؛ کارهای نشدنی را که به معنای واقعی کلمه نشدنی به نظر می‌رسید، امام به طور قاطع [مثلاً می‌فرمود] «حصر آبادان باید برداشته شود». خب آن وقتی که آبادان در حصر افتاد، بنده اتّفاقاً در اهواز بودم، اصلاً قابل تصوّر نبود چطور ممکن است حصر آبادان برداشته بشود [امّا] امام قاطع فرمودند. [یا می‌فرمود] «خرّمشهر باید آزاد بشود»، در قضیّه‌ی قبل «سوسنگرد باید آزاد شود»؛ یعنی چیزهای نشدنی را که به نظر افراد حاضر در آنجا می‌آمد، این را امام به صورت قاطع بیان کردند. رهبری امام و هدایت امام و فرماندهی امام، اینها بود؛ و متأسّفانه نقش امام در نوشته‌های مربوطه به جنگ، در بحثهای مربوط به جنگ، مورد غفلت واقع شده!

#### موضع‌گیری در حالات مختلف جنگ به اقتضای آن حالت

یک نکته‌ی دیگر درباره‌ی نوع مواجهه‌ی امام با این قضیّه عرض بکنم. امام در حالات مختلف جنگ، به اقتضای آن حالت، موضع‌گیری می‌کرد و آن نکته‌ی اصلی را بیان می‌کرد. یک وقت مثلاً فرض کنید، یک قضیّه‌ای پیش آمده بود در صحنه، در میدان که مردم روحیه‌شان را از دست داده بودند و بایستی روحیه پیدا می‌کردند؛ امام سعی می‌کرد به مردم روحیه بدهد و دشمن را تحقیر کند. معنای اینکه [فرمودند] «یک دزدی آمده، یک سنگی انداخته و فرار کرده»،[[142]](#footnote-142) این است که رزمندگان ما که به جبهه رفتند، دارند دشمن فراری را تعقیب می‌کنند. روحیه دادن به ملّت. یک وقت لازم بود که از غرور رزمندگان جلوگیری بشود؛ فرض بفرمایید رزمندگان با حدود یک ماه تلاش کُشنده و فوق‌العاده توانسته بودند خرّمشهر را فتح کنند -خب این خیلی دستاورد عجیب و بزرگی بود که خرّمشهر را رزمندگان ما، ارتش و سپاه و بسیج، توانستند از دشمن باز پس بگیرند- خب این ممکن بود غرور ایجاد کند؛ اینجا برای اینکه این غرور به وجود نیاید که ضربه‌اش بر همه‌ی افرادی که دست‌اندرکار در هر نقطه‌ای هستند بسیار زیاد است، امام فرمود «خرّمشهر را خدا آزاد کرد»؛ [یعنی] ما وسیله هستیم؛ مطلب را مستند به اراده‌ی الهی و قدرت الهی می‌کند؛ این اینجا لازم است. فرض بفرمایید یک وقت رزمندگان دچار یک مشکلی شدند، احتیاج به تفقّد داشتند، احتیاج به دلگرمی داشتند، امام تفقّد می‌کرد از آنها که «بازوی رزمندگان را می‌بوسم».[[143]](#footnote-143) یعنی مراقب [بود]؛ مثل یک پدر مهربان و مثل یک مدیر قوی و آگاه، مسلّط بر عرصه، هر وقتی هر چه لازم بود، از این بزرگوار صادر می‌شد. و باید در تحقیقات ما، در کارهایی که انجام می‌گیرد، حتماً نقش امام روشن بشود.

## چند نکته در مورد دفاع مقدّس

خب، بنابراین چیستی و چراییِ جنگ تحمیلی، در این چند جمله‌ی کوتاه به نحو اجمال روشن می‌شود، لکن چند نکته را من در مورد دفاع مقدّس عرض می‌کنم. البتّه خیلی از اینها بارها گفته شده، تکرار شده، لکن بایست تکرار بشود؛ همین طور که عرض کردم، دست تحریف با انگیزه به دنبال شبهه‌افکنی است.

### پیروزی نظام جمهوری اسلامی و شکست دشمن

نکته‌ی اوّل این است که همین ‌طوری که گفتیم، دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته‌ی ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه‌ی خودش را بر کشور ایجاد کند؛ و دشمن شکست خورد. یعنی این نکته‌ی بسیار اساسی و مهم که بعضاً شبهه‌افکنی می‌کنند که آیا ایران در این جنگ پیروز شد یا نشد، [جوابش این است که] اصلاً پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی مثل خورشید روشن است! [اینکه] همه‌ی دنیای قدرتمند آن روز، بریزند سر یک کشور، برای اینکه نظام او را ساقط کنند، برای اینکه بتوانند بر او مسلّط بشوند، برای اینکه بتوانند سرزمین او را تجزیه کنند -یک قسمتهایی از غرب و از جنوب غربی کشور را اینها می‌خواستند تجزیه کنند- و هشت سال همه‌ی توان خودشان را به کار ببرند، آخرش هم هیچ غلطی نتوانند بکنند، پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی نیست؟ ملّت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد.

اوّلاً یک وجب از خاک کشور را نتوانستند جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ اینها پیروزی‌های بزرگی است که اتّفاق افتاد. در جنگهایی که در دوره‌ی پادشاهان، در دوره‌ی طواغیت در این یکی دو قرن اخیر اتّفاق افتاد، ایران همیشه شکست خورده؛ چه در دوره‌ی قاجار، چه در دوره‌ی پهلوی، حتّی در جنگی که ایران اعلام بی‌طرفی کرد. ایران، هم در جنگ بین‌الملل اوّل، هم در جنگ بین‌الملل دوّم اعلام بی‌طرفی کرد و کشور در هر دو جنگ اشغال شد که اوّلی در دوره‌ی قاجار بود، دوّمی در دوره‌ی پهلوی بود. در جنگ دوّم، در همین شهر تهران، نیروهای آمریکایی و نیروهای شوروی در خیابانها رژه می‌رفتند، راه می‌رفتند و جلوی چشم مردم فساد ایجاد می‌کردند؛ بخشهایی از شمال کشور، بخشهایی از جنوب کشور تحت سلطه‌ی اینها قرار گرفت و حضور مستقیم داشتند. سران سه کشور، بدون اجازه، بدون ویزا، بدون اطّلاع سران کشور ایران -[یعنی] پادشاهان بی‌عرضه و اطرافیان نادان و ناتوان [آنها]- آمدند در ایران جلسه [برگزار] کردند،[[144]](#footnote-144) محمّدرضا شاه ایران، رفت وارد جلسه‌ی اینها شد، تحقیرش کردند؛ یعنی در جلسه‌ای که سه‌نفری نشسته بودند و شاه وارد شد، این دو نفر، یعنی چرچیل[[145]](#footnote-145) و روزولت[[146]](#footnote-146) برایش از صندلی بلند نشدند؛ یک صندلی گذاشتند آنجا نشست، فقط استالین[[147]](#footnote-147) بلند شد؛ بعد هم کمونیست‌ها در خاطرات بعدی نوشتند که استالین گفت دید که اینها بی‌اعتنایی می‌کنند، برای اینکه او را به طرف خودش جذب کند [از جا] بلند شد؛ وضع کشور این بود، یعنی دشمن به‌راحتی می‌آمد. در جنگهای با روسیه، قفقاز از دست رفت؛[[148]](#footnote-148) در شرارتهای انگلیس در بوشهر و جنوب و خلیج فارس، ضربات زیادی بر ما وارد شد؛ همه‌ی [این] جنگها این جوری بود، یعنی پیروزی در آنها وجود نداشت. در جمهوری اسلامی، کشور سربلند ایران توانست در مقابل دنیای قدرتمند مقابل خودش، یعنی شرق و غرب و اروپا و آمریکا و شوروی و مرتجعین و همه‌ بِایستد و بر اینها پیروز بشود؛ این نکته‌ی اوّل که یک نکته‌ی بسیار مهمّی است و بخشی از هویّت ملّی ما است. اینکه گاهی گفته می‌شود و درست هم هست که «دفاع مقدّس بخشی از هویّت ملّی است»، به خاطر این است که دفاع مقدّس، مظهر بُروز هویّت والا و برجسته‌ی ملّت ایران بود که توانستند جنگ را به پیروزی برسانند.

### مدبّرانه و عُقلایی بودن دفاع مقدّس، از اوّل تا آخر

نکته‌ی دوّم؛ دفاع مقدّس یکی از عقلانی‌ترین حوادث ملّت ایران بود. بعضی‌ها با استناد به یک خطایی که در یک بخشی انجام گرفته یا یک جمعی انجام داده‌اند، مجموعه‌ی دفاع مقدّس را به بی‌تدبیری متّهم می‌کنند؛ ابداً این جور نیست؛ دفاع مقدّس از اوّل تا آخر مدبّرانه و عُقلایی بود. شروع کار که از سخنرانی‌هایی که اوّل کار انجام گرفت -چه آنچه امام فرمودند، چه آنچه دیگران گفتند- نشان‌دهنده‌ی عقلانیّت ورود در این عرصه بود. بعد فعّالیّتها و همکاری سپاه و ارتش؛ ببینید، این خیلی مسئله‌ی مهمّی است. آن روز ارتش یک سازمان سنّتی جاافتاده‌ی موجود در کشور، و سپاه یک عنصر جوانِ تازه ‌به ‌میدان ‌آمده‌ی انقلابی، اینها باید با هم کار کنند؛ این آسان نیست، امّا این اتّفاق افتاد. البتّه بعد از آنکه بنی‌صدر فرار کرد این اتّفاق خیلی بهتر و کامل‌تر افتاد، امّا قبل از آن هم بود. بنده خودم در پادگان ابوذر دیدم که مرحوم شهید پیچک جانشینِ فرمانده ارتشیِ آن پادگان بود -که اسم آن فرمانده یادم نیست- آنجا فرمانده پادگان ارتشی بود، جانشینش یک سپاهی بود، با همدیگر کار می‌کردند، زندگی می‌کردند؛ در منطقه‌ی غرب، پادگان ابوذر جای حسّاسی بود و یک عرصه‌ی عظیمی از جنگ را اینها اداره می‌کردند. بعد هم که اوضاع جدید پیشامد کرد و بنی‌صدر فرار کرد و فرماندهی جنگ را خود امام بزرگوار به عهده گرفتند که دیگر همکاری ارتش و سپاه همکاری واضحی بود؛ در عملیّات امام رضا، شکستن حصر آبادان، در فتح‌المبین، در بیت‌المقدّس، بعد عملیّات خیبر و بدر و جاهای دیگر؛ این خیلی کار بزرگی بود. از این عاقلانه‌تر و مدبّرانه‌تر چه کاری را می‌شود پیدا کرد؟ بعد، انتخاب تاکتیک‌های ابتکاری و شجاعانه که این تاکتیک‌ها واقعاً فوق العاده بود. فرض بفرمایید تاکتیک‌هایی که در فتح‌المبین به کار برده شد؛ یعنی نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی بتوانند به نحو شجاعانه‌ای سر از پشت جبهه‌ی دشمن دربیاورند و از پشت، دشمن را مغلوب و منکوب کنند. اصلاً این تاکتیک‌ها، تاکتیک‌های ابتکاری بود. در بیت‌المقدّس انواع و اقسام کارهای بزرگ و تاکتیک‌های نو انجام گرفت؛ در پدافند هوایی در والفجر هشت، در ظرف چند روز شهید ستّاری آنجا ابتکار فوق‌العاده‌ای انجام داد؛ در عبور از اروند در همان عملیّات کار بزرگی انجام گرفت. اینها همه کارهای مدبّرانه و بزرگی بود، کارهای عاقلانه بود؛ کمتر نیروی مسلّحی با این توانایی فکری و با این اقتدار معنوی و تدبیر می‌تواند کار را پیش ببرد. حتّی قبول قطعنامه هم در پایان کار، در آن شرایط که امام از آن تعبیر کردند به «نوشیدن جام زهر»، این هم مدبّرانه بود. در آن مقطع، این کار، کار مدبّرانه‌ای بود، باید انجام می‌گرفت. اگر مدبّرانه نبود، اگر عاقلانه نبود، امام انجام نمی‌داد. ما از نزدیک شاهد بودیم و می‌دیدیم که چه دارد می‌گذرد؛ کار، بسیار عاقلانه بود. بنابر‌این، از اوّل تا آخر، مسئله‌ی‌ دفاع مقدّس یک پدیده‌ی عُقلایی و یکی از عقلانی‌ترین حرکات ملّت ایران بود و تحریف‌ها را در این مورد بایستی مراقب بود.

### مدلسازی جدید در دفاع مقدّس برای حضور مردم و بُروز استعدادها

نکته‌ی سوّم؛ در دفاع مقدّس برای حضور مردمی یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه‌ی حضور مردمی یک نحوه‌ی شگفت‌آوری است و بر اساس این حضور، بُروز استعدادها [است] که حالا من مختصری درباره‌ی هر کدام از اینها عرض می‌کنم.

اوّلاً همه‌ی آحاد ملّت ایران، آنهایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هر که بود، هر چه بود، توانست در یک شبکه‌ی زنده، کارآمد، داوطلبانه و پُرشور جای خودش را پیدا کند. فرض بفرمایید یک رزمنده‌ی سیزده چهارده ساله که حالا مثلاً با دست‌کاری در شناسنامه موفّق شده بود خودش را به جبهه برساند، جایش مشخّص بود؛ یعنی می‌توانست جای خود را پیدا کند، بیکار نمانَد؛ فرض بفرمایید که آب بیاورد، خبر ببرد، پیام‌رسان باشد و از این قبیل کارها. یک پیرمرد هفتادساله هم که می‌رفت جبهه، او هم همین جور؛ او هم می‌توانست کار خودش را پیدا کند. توقّعی که از یک پیرمرد در جبهه وجود داشت، کاملاً مشخّص بود، معلوم بود؛ هیچ کس بیکار نمی‌مانْد؛ نه آن بچّه‌ی سیزده‌ساله بیکار می‌ماند، نه آن پیرمرد هفتادساله بیکار می‌ماند. یا فرض بفرمایید یک دختر دانش‌آموز هشت نُه ‌ساله، ده ساله -دبستانی- که می‌خواست در این کار، او هم شرکت کند، جای خودش را پیدا می‌کرد؛ برمی‌داشت نامه می‌نوشت به برادر رزمنده‌ی ناشناس و این نامه را در بسته‌های غذایی و هدایای مردمی‌ای که می‌فرستادند می‌گذاشت و می‌فرستاد. مکرّر اتّفاق افتاده بود که رزمنده در میدان جنگ فرض کنید که این بسته‌ی غذایی را باز می‌کرد می‌دید یک نامه در آن هست، می‌خواند می‌دید بله، یک بچّه‌ای، یک دختر هفت هشت‌ ساله‌ای، ده‌‌ساله‌ای نوشته «برادر رزمنده! خسته نباشید، من دعایتان می‌کنم و مانند اینها»؛ یعنی یک دختربچّه هم می‌توانست در اینجا حضور داشته باشد؛ یک بانوی محترم هم می‌توانست با چرخ خیّاطیِ خودش، با وسایل طبخ خودش، با مربّاسازی خودش، با ترشی انداختن خودش، با نان پختن خودش، با لباس شستنِ خودش به پشت جبهه کمک کند. بنده در اهواز رفتم یک نقطه‌ای را دیدم که جمعیّتی از بانوان و زنهای محترم آنجا جمع شده بودند و لباسهای چرک رزمندگان را می‌شستند؛ یعنی همه می‌توانستند جای خودشان را پیدا کنند و مشغول بودند. پزشک جرّاح مشخّصاً می‌توانست آنجا حضور داشته باشد و حضور داشت و ما دیدیم. کاسب جزء، روحانی مسجد، کارگر کارخانه، شاعر و سرودخوان، راننده و صاحب‌کار و ریخته‌گر، کشاورز روستایی، کارمند اداری و انواع و اقسام گروه‌های مردمی می‌توانستند در این شبکه‌ی عظیم مردمی حضور پیدا کنند؛ این یک مدل جدید بود. این در دنیا هیچ سابقه‌‌ای ندارد؛ هیچ جا ما [نمونه‌اش را] نخوانده‌ایم و نشنیده‌ایم. [درباره‌ی] جنگهای فراوان، کتابهایشان، فیلم‌هایشان درآمده، ما هم خیلی از این قبیل چیزها را خوانده‌ایم، مطالعه کرده‌ایم [امّا] نمونه‌ی چنین بسیج مردمی عظیمی اصلاً وجود ندارد. این مدل جدید بود؛ مدل‌‌‌‌سازی جدید که همه می‌توانستند همکاری کنند، همه می‌توانستند هم‌افزایی کنند همه [کمک]می‌دادند.

بعد، در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه‌ی کشور -مثلاً روستایی در کرمان- بیاید داخل شهر و بپیوندد به اینها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]. فلان جوان دانشجو بدون اینکه حتّی یک بار تفنگ به دست گرفته باشد، داوطلبانه برود جبهه، در کوران حوادث جبهه، مثلاً در طول یک سال و نیم، بشود عضو برجسته و مؤثّر یک قرارگاه نظامی سطح بالا. فرض بفرمایید که جوانی از مجموعه‌ی یک روزنامه، که مشغول فعّالیّت مطبوعاتی است، برود جبهه و بعد از مدّت کوتاهی بشود مثلاً شهید حسن باقری، نابغه‌ی اطّلاعات جنگ؛ و از این قبیل موارد عجیبی و بروز [چنین] استعدادهایی مشاهده شد و چهره‌های ماندگار جنگ و شهدای بزرگی از جنگ از این قبیلند. بعضی از افسران جوان را ما دیدیم، مثلاً فرض کنید شهید صیّاد که من از اوایل انقلاب ایشان را می‌شناختم و می‌دیدم، به نظرم آن وقت یک افسر جوانی بود یا ستوان‌یک بود یا سروان بود -که می‌آمد پیش ما و می‌رفت؛ رفت و آمد داشت- این تبدیل بشود به یک فرمانده‌ مجرّب توانایی که مدّتها توانست نیروی زمینی ارتش را آن جور هدایت کند و آن جور پیش ببرد و در بزرگ‌ترین کارها شرکت کند. شهید بابایی [هم] از این قبیل است، و دیگرانی که بودند. این مدل ابتکاری از حضور مردم همیشه می‌تواند مطرح باشد. امروز هم ما می‌توانیم. اگر همّت بکنیم و با نگاه درست به مردم و مسائل نگاه کنیم، می‌توانیم از این مدل استفاده کنیم. البتّه وضع جنگ یک وضع دیگری است، وضع اقتصاد یک وضع دیگری است. صاحبان فکر، صاحبان اندیشه می‌توانند به این [مدل] به صورت یک ابزار اقتدار ملّی نگاه کنند و آن را دنبال بکنند. آن وقت نقش پشت جبهه در این مدل به قدر جبهه اهمّیّت پیدا می‌کرد؛ چون همه که نمی‌توانند تفنگ دست بگیرند؛ رغبتها و تمایلات و توانایی‌ها مختلف است؛ بعضی‌ها پشت جبهه می‌توانند نقش بیافرینند و نقش آفریدند. اوّلاً کمکهای مالی، آذوقه‌رسانی‌ها که مهم بود و بسیار تأثیر داشت، تا رسیدگی به مجروحان، تا بدرقه‌ی باشکوه شهیدان. بنده بارها گفته‌ام اگر از شهدا یک چنین تکریمی و احترامی نمی‌شد، شوق شهادت این‌ جور در دلها مشتعل نمی‌شد، آن ‌طوری که شد. وقتی جنازه‌ی شهید -یا یک نفر یا بیشتر- وارد یک شهر می‌شد آن حضور مردمی و استقبال مردمی و بدرقه‌ی او تا آرامگاه، خود یکی از حوادث بسیار مهم و مراسم تأثیرگذار بود. حمایتهای فرهنگی و تبلیغاتی، از شعر و شعار تا خنثی‌سازی عملیّات روانی دشمن -که دشمن دائم مشغول عملیّات روانی بود، در شهرهای کشور و روستاهای کشور هم کسانی دائم مشغول خنثی‌سازیِ اینها بودند- تا پذیرایی و اسکان جنگ‌زده‌ها، تا ماندن مردم برخی از شهرهای زیر موشک‌باران دشمن مثل دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت جبهه، همین ماندن مردم اهالی بعضی از شهرها است؛ چه در کردستان، چه در خوزستان و در سایر استانها؛ در بعضی از شهرها مردم در شهر ماندند با اینکه شهر محل تهاجم شدید پیوسته‌ی دشمن بود.

### بُروز عالی‌ترین فضایل اخلاقی و عروج معنوی

نکته‌ی چهارم؛ در دفاع مقدّس، عالی‌ترین فضایل اخلاقی بُروز کرد؛ هم فضایل اخلاقی، هم معنویّات و عروج معنوی و تعالی روحی. شبیه این را واقعاً نمی‌شود سراغ گرفت؛ حالا تک و توک چرا، همه جا هستند امّا با این کثرت جمعیّت و کثرت عدد هیچ جا غیر از جبهه‌ی دفاع مقدّس را بنده سراغ ندارم که این ‌جور فضایل اخلاقی بُروز کرده باشد؛ هم فضایل اخلاقی، هم جنبه‌های تعالی معنوی و روحیّات دینی و مانند اینها. شرحِ‌حال‌هایی که نوشته شده نشان‌دهنده‌ی این خصوصیّات است، وصیّت‌نامه‌هایی که باقی مانده همین جور، حالاتی که نقل می‌شود از بعضی از رزمندگان [همین جور.] فضایل اخلاقی مثل صداقت، صدق و صفا. خب اصلاً منطقه‌ی جبهه، منطقه‌ی صدق و صفا بود، همه با هم باصفا [بودند]. اخلاص، برای خدا کار کردن؛ آنجا کسانی، هم تمرین اخلاص می‌کردند، هم اخلاص خودشان برای خدا را آنجا در عمل نشان می‌دادند. تواضع، خدمت به دیگران. انسان مکرّر در این شرحِ‌حال‌ها می‌خواند که مثلاً فرض کنید می‌گویند فلان دسته شب در خیمه خوابیده بودند، صبح که بیدار می‌شوند، می‌بینند همه‌ی پوتین‌هایشان واکس‌زده است؛ چه کسی واکس زده؟ معلوم نیست. بعد از تحقیق معلوم می‌شود که مثلاً فرمانده گروهان یا فرمانده‌ دسته، شب آمده و همه‌ی پوتین‌های اینها را واکس‌ زده یا لباسهایشان را که گذاشته بودند بشورند، شسته، یا دست‌شویی‌ها را تمیز کرده؛ اینها چیزهای عجیبی است؛ این تواضع، این خدمت، روحیه‌ی خدمتگزاری، ایثار، ازخودگذشتگی و فداکاری؛ بعد هم که آن حالات معنوی، آن گریه‌های نیمه‌شب، آن سحرخیزی‌ها، آن شور و عشق توحیدی، آن بی‌اعتنایی به زیورهای دنیوی، و در مواردی هم اتّصال به غیب. بعضی از این عزیزان، این جوانهای عارف -عارف به معنای واقعی کلمه؛ عارف واصل- در جبهه کارشان به جایی رسیده بود که آینده را می‌دیدند، از آینده خبر می‌دادند، از شهادت خودشان، از شهادت دوستانشان، از حوادثی که ممکن است پیش بیاید؛ اینها در شرح حال رزمندگان هست، و اینها خیلی [مهم است].

#### برکت اسلام

البتّه مشخّص است که این نکته بیش از بقیّه‌ی نکاتی که عرض شد، به برکت اسلام است. البتّه اعتلا و درخشندگی نقاط دیگر هم به برکت ایمان دینی بود، امّا این نکته‌ی بالخصوص، مربوط به دل‌ سپردن به خدا و مسئله‌ی اسلام و مسئله‌ی ایمان دینی است که انسان واقعاً متحیّر می‌مانَد از تأثیر این ایمان عمیق. یا [روحیه‌های] مادرهای شهدا. خب، من و شما حسّ مادری را اصلاً نمی‌فهمیم، واقعاً هیچ ‌کس نمی‌تواند حسّ مادری را درک کند غیر از خود مادر؛ آن وقت این مادر، جوانش را بفرستد جبهه، جوان که می‌آید درخواست می‌کند، می‌گوید چون برای اسلام می‌خواهی بروی برو؛ برای اسلام برو. بعد که پیکر همین جوان را می‌آورند، خوشحال است که او را در راه خدا داده؛ می‌گوید این [جوانم] را در راه خدا دادم. الحمدلله بنده توفیق داشته‌ام با خانواده‌های شهدا‌، با مادران و پدران شهدا نشست و برخاست زیادی داشته‌ام -مکرّر-انسان می‌بیند که مادرهای شهدا در موارد زیاد که واقعاً «لا تعدّ و لا تحصی»،[[149]](#footnote-149) چه روحیه‌هایی، چه حالاتی، چه گذشتی [دارند]؛ این جز به برکت اسلام و جز برای فداکاری عظیم که یک فصل درخشان از کتاب قطور دفاع مقدّس است نبود. این هم این نکته.

### سرمایه‌سازیِ دفاع مقدّس برای کشور

نکته‌ی پنجم؛ دفاع مقدّس برای کشور سرمایه‌سازی کرد و سرمایه‌های ارزشمندی را برای کشور به وجود آورد. آورده‌های دفاع مقدّس خیلی زیاد است.

#### امنیّت کشور

اوّلاً امنیّت کشور به برکت دفاع مقدّس است؛ یعنی دفاع مقدّس نشان داد که هزینه‌ی تعرّض و تجاوز به این کشور خیلی زیاد است. این به برکت دفاع مقدّس ثابت شد؛ این، امنیّت می‌دهد به یک کشور. وقتی یک ملّت نشان داد که همّت و قدرت دفاع از خودش را دارد و پاسخ کوبنده به متجاوز می‌دهد، موجب می‌شود که متجاوز در تجاوز خودش به این کشور و این ملّت تأمّل کند و اگر بخواهد عاقلانه عمل کند، بفهمد که به‌صرفه‌اش نیست، برایش خیلی هزینه دارد؛ این امنیّت مربوط به آن است.

#### روحیه‌ی خودباوری ملّت

ثانیاً به ملّت ما روحیه‌ی خودباوری داد. این خودباوری در بین جمع کثیری از مردم که خوشبختانه امروز شما در میدان علم و در میدانهای گوناگون -[یعنی] ساخت‌وساز و دیگر چیزها- گاهی مشاهده می‌کنید، عمدتاً به خاطر دفاع مقدّس است؛ یعنی فرض کنید که یک جوان بیست‌وچندساله با اقتدار تمام، با اطمینان به نفْس تمام، یک جمعیّتی را ، یک لشکر را دنبال خودش راه می‌انداخت می‌رفت و به دشمن ضربه‌ی قاطع می‌زد؛ این به مردم احساس خودباوری می‌دهد، احساس اطمینان به نفْس می‌دهد. و دفاع مقدّس توانست ثابت کند که ملّت ایران از ورطه‌هایی مثل ورطه‌ی جنگ تحمیلی می‌تواند با سربلندی، سر بلند کند.

بعد، این حرکت به سمت نوآوری فنّی و علمی را هم ما در دفاع مقدّس به دست آوردیم؛ چون در دفاع مقدّس نیاز داشتیم به خیلی چیزها و در اختیارمان نبود، امکاناتش را نداشتیم و نیروهای مؤمن، فداکار رفتند به فکر اینکه درست کنند. مثلاً فرض کنید مرحوم شهید حسن [تهرانی]مقدّم در همان اوقات، در یک بخشی این ماجرای موشک‌سازی را به یک شکلی راه انداخته بود که ایشان و دیگران به ما گفتند بیایید بازدید کنید؛ رفتیم آنجا دیدیم که بله اینها شروع کرده‌اند. خب ما احتیاج به موشک داشتیم، موشک هم به ما داده نمی‌شد، دشمن هم موشک داشت، با موشک می‌زد، این ما را -یعنی نیروهای مستعدّ ما را- به فکر انداخت که یک کاری بکنند؛ و [این کار را] کردند و خوبش را هم کردند و به بهترین وجهی هم از عهده برآمدند تا امروز که خب مشخّص است. بنابراین، این هم حرکت به سمت نوآوری.

اقدام به کارهای به‌ظاهر نشدنی؛ این هم از چیزهایی بود که دفاع مقدّس به ما یاد داد. دفاع مقدّس این سرمایه را برای ما به وجود آورد که بدانیم بعضی کارها هست که به‌ظاهر نشدنی است امّا در واقع اگر همّت کنیم، شدنی است؛ این را ما در دفاع مقدّس یاد گرفتیم، این هم یکی از سرمایه‌های ما است.

#### ارتقای سرمایه‌های انسانیِ ما

و از این گذشته سرمایه‌های انسانیِ ما را ارتقا داد؛ خوشبختانه از عناصر حاضر در هشت سال دفاع مقدّس، بعدها -[یعنی] امروز و دیروز و ان‌شاءالله در آینده- افراد بی‌شماری در بخشهای مختلف و گوناگون کشور مشغول خدمتگزاری بوده‌اند و هستند که یک نمونه‌اش شهید سلیمانی عزیز ما بود که خب در عرصه‌ی دیپلماسی و بین‌المللی و مانند اینها، در منطقه یک فعّالیّت شگفت‌آوری داشت؛ یعنی واقعاً حالا هنوز دوستان و برادران مؤمن و ملّت عزیز ایران از سعه و گستره‌ی کار شهید سلیمانی مطّلع نیستند؛ از یک چیزهایی [مثل این]که در مثلاً فلان جبهه بوده و حضور داشته آگاهند؛ ریزه‌کاری‌های کار او خیلی بیش از این حرفها است که حالا شاید ان‌شاءالله در آینده این ریزه‌کاری‌ها به‌تدریج آشکار بشود. این یک سرمایه‌ی انسانی بود که در جنگ درست شد؛ یعنی پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها، در جنگ، در دوران دفاع مقدّس گذاشته شد. این هم یک نکته.

### برملا شدن ذات و واقعیّت بزک‌شده‌ی تمدّن غرب

یک نکته‌ی‌ دیگر در باب دفاع مقدّس این است که ما را با ذات و واقعیّت بزک‌شده‌ی تمدّن غرب آشنا کرد؛ البتّه چون ملّت ایران قبلاً لطمه خورده بود از غربی‌ها -از انگلیس‌ها یک جور، از آمریکایی‌ها یک جور- آشنا بودند تا حدودی امّا نه به قدری که در دفاع مقدّس دیده شد.

البتّه در گذشته صحنه‌های زیادی بوده که ملّت ایران عناد و خیانت دولتهای غربی را از نزدیک دیده بودند؛ مثل همین اشغال بخشهایی از کشور بعد از جنگ جهانی اوّل، اشغال بخشهایی بعد از جنگ جهانی دوّم، شیطنت‌ها و شرارتهای انگلیس‌ها در جنوب، در بوشهر و در خلیج فارس، در قضیّه‌ی جنگ ایران و بعضی از قدرتهای دیگر و همین طور در قضیّه‌ی افغانستان؛ دیده بودند خیانتهای دولتهای غربی را، امّا نه به قدری که در دفاع مقدّس دیده شد. آنچه در دوران دفاع مقدّس دیده شد، اگر نگوییم بیشتر از آن چیزی بود که در گذشته در طول سالیان دراز از غربی‌ها دیده بودیم، کمتر [هم] نبود؛ برابری می‌کرد یا بیشتر بود. غرب با هر دو وجهش [علیه ما بود]؛ یعنی نه فقط غرب کاپیتالیست، غرب سرمایه‌داری، [بلکه] غرب کمونیست؛ چون کمونیسم هم از فراورده‌های غرب است. در هر دو وجه! یعنی انگلیس علیه ما در دوره‌ی جنگ فعّالیّت کرد، فرانسه علیه ما جدّاً فعّالیّت کرد، آلمان علیه ما جدّاً فعّالیّت کرد، یوگسلاوی هم که مال بلوک شرق بود علیه ما فعّالیّت کرد، شوروی هم که خب معلوم بود؛ یعنی همه‌ی غربی‌ها ماها را از کمترین امکانات محروم می‌کردند -واقعاً از کمترین امکانات محروم می‌کردند- هیچ چیز در اختیار نداشتیم از خارج؛ حتّی سلاح سبک، حتّی مهمّاتِ خیلی آسان در اختیار ما قرار نمی‌گرفت، [امّا] به طرف مقابل همه چیز می‌دادند؛ از میراژ برای بمباران تا سوپر‌اِتاندارد برای زدن کشتی‌ها تا اطّلاعات ماهواره‌ای برای آگاهی از مراکز تجّمع نیروها و حرکت نیروهای ما، تا پول، تا تانک و انواع و اقسام، همه چیز در اختیار دشمن قرار دادند، تا سلاح شیمیایی؛ یعنی حتّی سلاح شیمیایی هم دادند و صدّام سلاح شیمیایی را، هم علیه ما به کار برد، هم علیه ملّت خودش به کار برد؛ یعنی در حلبچه، صدّام سلاح شیمیایی به کار برد و در کشور ما هم که فراوان؛ یعنی غرب، اروپا، روی همه‌ی ادّعاهای انسان‌دوستانه و حقوق‌بشریِ خودش پا گذاشت، [آنها را] لگد کرد در قضیّه‌ی تعامل با اینها؛ در دفاع از حکومت فاسد و دیکتاتوری ضدّبشری صدّام، همه‌ی ادّعاهای خودش را تکذیب کرد. و این شناخت عمیق برای ما خیلی مغتنم است؛ یعنی واقعاً باید بدانیم و بفهمیم که غربی‌ها این هستند و با توجّه به این آشنایی تصمیم بگیریم و فکر کنیم و کار کنیم.

### آشکار شدن توانایی‌ها و ظرفیّت‌های ملّت ایران برای دنیا

آخرین نکته‌ای که می‌خواهم عرض بکنم این است که یک اتّفاق بزرگی در دفاع مقدّس پیش آمد و آن اینکه توانایی‌ها و ظرفیّت‌های ملّت ایران را برای دنیا آشکار کرد؛ یعنی رسانه شد. رسانه‌های دنیا همه علیه ما بودند، رسانه‌های دنیا علیه انقلاب بودند؛ البتّه امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. اوایل انقلاب، رسانه‌های رسمی دنیا یا دروغ می‌گفتند یا نقاط مثبت را کتمان می‌کردند یا تهمت می‌زدند [به همه] از شخص امام گرفته تا دولت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و آحاد مردم و قوّه‌ی قضائیّه و همه و همه، تا نیروهای مسلّح، تا دیگران؛ دائم علیه اینها کار می‌کردند و می‌خواستند ملّت ایران را در چشم مردم دنیا یک ملّت ناپسندی معرّفی کنند. دفاع مقدّس، رسانه‌ی کاملاً رسایی شد، صدای بلندی شد برای اینکه حقایقی را از ملّت ایران نشان بدهد؛ وجهه درست کرد برای ملّت ایران و شجاعت ملّت را، مقاومت ملّت را نشان داد به همه‌ی دنیا؛ این واقعاً اتّفاق عجیب و مهمّی بود؛ همبستگی ملّی ما را نشان داد، پشتیبانی‌های پشت جبهه‌ی ما را به دنیا نشان داد و اینها را همه فهمیدند، و دروغ‌پردازی‌های دشمن را روشن کرد. این چند نکته در باب دفاع مقدّس.

### بشارت، پیشرفت و طراوت؛ آورده‌های ما از جنگ

خب آنچه عرض کردیم نسبت به واقعیّات دفاع مقدّس خیلی کوچک و اندک است؛ بخش‌های کوچکی را ما توانستیم تصویر کنیم.[[150]](#footnote-150) دفاع مقدّس یک تابلوی عظیمی است، یک بخش‌های کوچکی از این طرف و آن طرف را بنده حالا گفتم و دیگران هم تصویر کرده‌اند؛ ما خیلی بدهکاری داریم [نسبت] به دفاع مقدّس. جنگ به طور طبیعی یک پدیده‌ی سهمگین و خشن است امّا برای ما از این پدیده‌ی سهمگین و خشنِ هشت‌ساله، این برکاتی که من حالا چند موردش را شمردم حاصل شد؛ و [برکات] بیش از این‌ها است. یعنی ما از جنگ، بشارت به دست آوردیم، پیشرفت به دست آوردیم، طراوت به دست آوردیم؛ این جنگ با همه‌ی سختی‌هایش، با همه‌ی مشکلاتش، با همه‌ی ضایعاتی که در گوشه و کنار برای ما داشت، برای ما آورده داشت؛ حقیقتاً این جور است.

#### از بین رفتن خوف و حزن در اثر مقاومت و استقامت

و ادبیّات جنگ، به طور کلّی ادبیّات بشارتی است؛ ببینید قرآن هم درباره‌ی شهدا می‌فرماید که «وَیَستَبشِرونَ بِالَّذینَ لَم یَلحَقوا بِهِم مِن خَلفِهِم اَلّا خَوفٌ عَلَیهِم وَ لا‌ هُم یَحزَنون».[[151]](#footnote-151) بشارت می‌دهند؛ بشارت می‌دهند به چه؟ که دو آفت مهم را نبایستی داشته باشند و ندارند؛ یعنی نفی این دو آفت را بشارت می‌دهند: یکی ترس، یکی اندوه؛ هم ترس را، هم اندوه را نفی می‌کنند. به نظر من اگر ما نشاط اجتماعی می‌خواهیم، اگر امید و شادابی و سرزندگی می‌خواهیم، اگر طراوت در نسل‌های جوانمان می‌خواهیم، باید به این گزاره‌ی ملکوتی و قرآنی ایمان بیاوریم؛ این «یَستَبشِرونَ» خیلی مهم است. خوف و حزن دو آفت بزرگ است برای یک ملّت، برای یک جماعت، برای یک انسان. ترس و اندوه دو آفت بزرگ است؛ این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته می‌شود؛ همچنان که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته می‌شود. آن هم [بیان] آیه‌ی قرآن است: اِنَّ الَّذینَ قالوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ استَقاموا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ المَلائِکَةُ اَلّا تَخافوا وَلا تَحزَنوا؛[[152]](#footnote-152) مقاومت هم همین جور است. اگر می‌خواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت؛ این‌ها گزاره‌های قرآنی است.

## تقویت ادبیّات دفاع مقدّس، برای مقابله با دست‌های تحریف‌گر

البتّه باید بگویم ما در باب دفاع مقدّس کوتاهی کرده‌ایم؛ البتّه این کارهایی که آقای سردار عزیزمان، رئیس ستاد بیان کردند کارهای بسیار خوب و کارهای بسیار باارزشی است که انجام گرفته امّا در عین حال کم است؛ ما به کارهای زیادی احتیاج داریم. ببینید، ما هر چه از لحاظ زمان از دفاع مقدّس دور می‌شویم، از لحاظ معرفت باید به دفاع مقدّس نزدیک‌تر بشویم؛ چرا؟ چون تحریف در کمین است، دستهای تحریف‌گر در کمینند. خب شماها که مردان جنگید الان حضور دارید، بالاخره شماها یک چیزی می‌گویید، یک دفاعی می‌کنید، امّا بیست سال دیگر خیلی‌ از این جمعیّتی که امروز حضور دارند نیستند، سی سال دیگر عدّه‌ی بیشتری نیستند. دست تحریف، این بخش پُردرخشش تاریخ ما را ممکن است مخدوش کند؛ لذا بایستی کار کنیم، معرفت ما بایستی زیاد بشود، ادبیّات دفاع مقدّس باید تقویت بشود.

### سرچشمه بودن ادبیّات دفاع مقدّس

ادبیّات دفاع مقدّس هم یک گونه‌ی ادبی در قبال سایر ادبیّات نیست؛ یعنی این جور نیست که ما ادبیّات حماسی داریم، عشقی داریم، اجتماعی داریم، پلیسی داریم، یکی هم حالا مثلاً دفاع مقدّس؛ نه، دفاع مقدّس یک سرچشمه است، انواع و اقسام ادبیّات را می‌شود از آن انتزاع کرد و استفاده کرد و از آن می‌جوشد؛ مثل یک چشمه‌ی جوشنده است که انواع و اقسام ادبیّات را می‌شود خلق کرد در آن؛ می‌شود متنهای عالی تاریخی، اجتماعی، سیاسی، عشقی، خانوادگی را از روی ادبیّات دفاع مقدّس و آنچه برای دفاع مقدّس تولید می‌شود ایجاد کرد. امّا نکته‌ی مهم تولید متن است، ما احتیاج داریم به تولید متن. اگر متن خوب و فاخر تهیّه شد، آن وقت نمایشنامه از روی آن درست می‌شود، فیلم سینمایی درست می‌شود، شعر درست می‌شود. مثلاً فرض کنید که شنیدم از همین کتاب شهید خوش‌لفظ،[[153]](#footnote-153) یکی از شعرای متعهّد کشور ما ده غزل درست کرده؛ خیلی خب اگر شعرای متعهّد وارد بشوند، ده‌ها دیوان از این کتابهای دفاع مقدّس ممکن است شعر درست کنند؛ شعر هنر بزرگی است، همین طور فیلم، همین طور سینما، آثار سینمایی و مانند اینها. در دنیا هم همین جور است. در دنیا شاید بخشی از بهترین آثار سینمایی دنیا اقتباس از نوشته‌ها و متنهای فاخر است؛ از رمان‌های فاخر و نوشته‌های فاخری که قبل از آنها نوشته شده. از روی آنها می‌سازند. ما هم باید همین کار را بکنیم، باید این متنهای فاخر را تهیّه کنیم، بر اساس این متنها فیلم به وجود بیاید، تئاتر روی صحنه برود و از این قبیل. بنابراین کار مهمّی است. حالا در داخل کشور من شنیدم که مثلاً فرض کنید آثار نویسنده‌های خارجی مثل ویکتور هوگو یا چارلز دیکنز را روی صحنه می‌برند، تئاتر اجرا می‌کنند. خیلی خب، کاری بکنیم که نوشته‌های ما هم در جاهای دیگر دنیا -اوّل در خود اینجا، بعد در جاهای دیگر دنیا- به صورت تئاتر روی صحنه برود و از آنها فیلم ساخته بشود؛ یعنی همّت را باید این جوری بگذاریم روی تولید متنهای فاخر.

### اهمّیّت برگزاری یادواره‌ها

یک بحث هم بحث یادواره‌ها است؛ یادواره بحث مهمّی است، کار بزرگی است و این یادواره‌ها موجب می‌شود که فاصله‌ی نسلی به وجود نیاید و نسلهای جوان [با دفاع مقدّس] آشنا بشوند که خود این تأثیر می‌گذارد در ساختن افرادی امثال شهید حججی مثلاً یا شهدای عزیز دفاع از حرم که این هم البتّه از برکات و دنباله‌های دفاع مقدّس است.

### بزرگداشت و شخصیّت‌پردازی شخصیّت‌ها

باز یکی از کارهای بسیار لازم، بزرگداشت و شخصیّت‌پردازی شخصیّت‌ها است. بعضی‌ شخصیّت‌ها البتّه مشاهیرند -مشاهیر ارتشی، مشاهیر سپاهی، مشاهیر نیروی انتظامی و بعضی‌هایشان مشاهیر مبارز که جزو اینها نبودند، بسیجی بودند- امّا بسیاری‌ها از غیر مشاهیرند. خیلی‌ از این شرحِ‌حال‌هایی که نوشته می‌شود، از افرادی است که هیچ شهرتی ندارند و از این قبیل زیادند امّا کارهای بزرگ انجام دادند، مسائل مهمّی به اینها منسوب است. برای یک شخص، یک بزرگداشت به وجود بیاید و درباره‌ی او بحث بشود، درباره‌ی او تحقیق بشود، مطالعه بشود، سخنرانی بشود و جزئیّات زندگی او [به بحث] گذاشته بشود.

### بحث مدافعان حرم، جزو بحث‌های حیرت‌انگیز زمان ما

البتّه بحث مدافعان حرم که من یک اشاره‌ای کردم، جزو بحث‌های حیرت‌انگیز زمان ما است که حادثه‌ی بسیار مهمّی است. رزمنده‌ی سوری و لبنانی و عراقی و ایرانی و افغانی، همه در کنار هم در یک صف واحد و برای یک هدف حرکت می‌کنند؛ این چیز عجیبی است؛ این جزو پدیده‌های بزرگ زمان ما است و البتّه از همان برکات دفاع مقدّس است.

## لزوم عمل به وظایفمان در مسئله‌ی کرونا

خب عرایض من تمام شد؛ یک کلمه راجع به مسئله‌ی کرونا بگویم. کرونا را دست کم نگیرید؛ [اینکه] روزی ۱۵۰ هموطن از دست بروند مسئله‌ی کوچکی است؟ بعضی‌ها تقویم[[154]](#footnote-154) مناسبی، ارزیابی مناسبی از این قضیّه ندارند. فرض کنید هر دو روز یک بار یک هواپیمای سیصدنفره سقوط کند و همه‌ی آنها بمیرند؛ این چیز کمی است؟ ما هر روز ۱۴۰ نفر، ۱۵۰ نفر، ۱۷۰ نفر متوفّیٰ داشته باشیم، این چیز کمی است؟ علاج هم دست خودمان است. خب می‌بینید که مسئولین دارند خودشان را واقعاً فدا می‌کنند؛ از پزشک و از پرستار و از مدیر و [دیگران] دائم دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند. ما مردم بایستی به وظایفمان عمل کنیم؛ این فاصله‌ی اجتماعی، این ماسک [زدن]، این دستوراتی که داده می‌شود، این شست‌وشوی دست، کارهای لازمی است که باید انجام بگیرد.

### بحث اربعین

حالا بحث اربعین پیش آمده، بعضی‌ها خب عاشق امام حسین هستند، عاشق اربعینند؛ [خب]، معلوم است، همه‌ی ما [هستیم]؛ حالا خیلی از شماها که خودتان رفته‌اید، بنده که محروم بودم و مشتاق هم بودم -گر چه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم[[155]](#footnote-155)- امّا خب رفتن برای راه‌پیمایی اربعین، فقط متوقّف به صلاحدید مسئولان ستاد ملّی مربوط به کرونا است. اگر گفتند نه -که تا الان گفتند نه- باید همه تابع باشند، همه باید تسلیم باشند. اینکه مثلاً فرض کنید ما بلند شویم برویم لب مرز اظهار ارادت به حضرت بکنیم، نه [نمی‌شود]؛ از داخل خانه اظهار ارادت کنیم. دو سه زیارت مهم روز اربعین وارد است؛ روز اربعین، همه‌ی مردم بنشینند زیارت اربعین را با حال، با توجّه بخوانند و شِکوه کنند پیش امام حسین (علیه السّلام) و بگویند یا سیّدالشّهداء، ما دلمان می‌خواست بیاییم، نشد، وضع این جوری است تا یک نظری بکنند، یک کمکی بکنند.

## دعا

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال برای ملّت ایران از همه جهت خیر و صلاح مقدّر بکند و رزمندگان عزیز ما را که زحمت کشیدند، تلاش کردند مأجور قرار بدهد؛ درجات شهدای عزیز را عالی کند. خداوند ان‌شا‌ءالله امام بزرگوار ما را که سرحلقه‌ی این حرکت عظیم ملّت ایران بود و هنوز هم هست -هنوز هم امام دارد ما را راه می‌برد- با احبّائش و با اولیائش محشور کند و به او اجر بدهد؛ ثواب مناسب این ارزشمندی دوران حیات را به او عنایت کند و شما برادران عزیز را، مسئولان نیروهای مسلّح را، مسئولان دولتی را و مسئولان بخشهای مختلف را ان‌شاءالله در انجام وظایفتان یاری کند و همه‌ی ما را هدایت کند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# \*\*\* مهر 1399

# پیام به مناسبت روز تجلیل‌ از شهیدان‌ و ایثارگران 3/7/1399

بسم الله الرحمن الرحیم[[156]](#footnote-156)

گذشت زمان نتوانسته و هرگز نخواهد توانست یاد ارجمند شهیدان عزیز را از خاطر ملّت ایران بزداید. این لوح درخشان همواره مزیّن به عنوان شهادت و یاد شهیدان خواهد ماند. این ذخیره‌ی تاریخی همواره به نسل‌های ما امید و همّت و جرأت خواهد بخشید تا گام‌ها به سمت هدف‌های والا را محکم و استوار بردارند و از دشمنی شیاطین و خناسان عالم نهراسند. جبهه‌ی عدل و حق با این توان و آرایش الهی به پیروزی‌های بزرگ دست خواهد یافت ان‌شاءالله.

سید علی خامنه‌ای

۳ مهر ۱۳۹۹

# بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح 21/7/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[157]](#footnote-157)

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین. السّلام علی الحسین و علی علیّ بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

## اهمَیَت استفاده‌ی از تجارب یکدیگر و هم‌افزایی دانشگاه‌های نیروهای مسلّح

اوّلاً تبریک عرض می‌کنم دانش‌آموختگی جوانان رشید عزیز کار‌آزموده‌ی خودمان در دانشگاه‌های نیروهای مسلّح را و همچنین ورود جوانان سردوشی‌بگیر در عرصه‌ی دانشگاه و آماده‌سازی خود برای طیّ این مراحل پُرافتخار. همچنین تشکّر می‌کنم از بیانات کوتاه و مفید و گزارش‌های خوب سردار رئیس محترم ستاد کل و فرماندهان دانشگاه‌های سازمان‌های نیروهای مسلّح، و نثر شیوا و فصیح مجری محترم مراسم. اجرای این مراسم که همه‌ی دانشگاه‌های نیروهای مسلّح در زمان واحد و در مکان واحد جمع می‌شوند، یک مژده‌ی بزرگی همراه خود دارد و آن ایجاد فرصتی است برای نزدیکی دانشگاه‌های نیروهای مسلّح به یکدیگر و استفاده‌ی از تجارب یکدیگر و هم‌افزایی آن‌ها با یکدیگر و کمک آن‌ها به یکدیگر؛ ارتباط آن‌ها یقیناً به سود این دانشگاه‌ها است.

محلّ این اجتماع هم دانشگاه خوش‌سابقه‌ی امام علی است که من فراموش نمی‌کنم در سال ۵۹ در اوایل جنگ تحمیلی، دانشجویانی از این دانشگاه آمدند اهواز، رفتند سوسنگرد و مشغول مبارزه شدند؛ دانشجو بودند، امّا مجاهدت خودشان را از همان دوران دانشجویی آغاز کردند.

## امنیّت؛ یک ارزش بسیار والا و اساسی و عنصر حیاتی برای کشور

عزیزان من! یکی از چیزهایی که به یک کاری ارزش می‌بخشد، هدف آن کار است. اگر بخواهیم ارزش کارها را بدانیم، باید هدف آن کارها را بشناسیم. اگر این محاسبه درست باشد -که درست است- تحصیل در دانشگاه‌های نظامی و دانشگاه‌های سازمان‌های نیروهای مسلّحِ ما یکی از باشرف‌ترین و باارزش‌ترین کارها است؛ چرا؟ چون با تحصیل در این دانشگاه‌ها جوانان ما وارد نیروهای مسلّحی می‌شوند که امنیّت کشور را تأمین می‌کند و امنیّت برای کشور یک ارزش بسیار والا و اساسی واست، یک عنصر حیاتی است؛ چون بدون امنیّت، همه‌ی ارزش‌های مهمّ کشور دچار اختلال خواهند شد؛ هم رفاه، هم عدالت، هم دانش‌ورزی و دیگرِ ارزش‌های مهم. بنابر‌این، حضور در این دانشگاه‌ها یک فرصت بسیار مهمّی است، یک کار بسیار باارزشی است. در این دانشگاه‌ها درس خواندن و فارغ‌التّحصیل شدن، شما را آماده می‌کند برای این‌که بتوانید ان‌شاءالله به یکی از ارزشمندترین کارها مشغول بشوید، که آن حفظ امنیّت کشور و ملّتتان است.

## خدمات نیروهای مسلّح به ملّت در عرصه‌های مختلف

البتّه نیروهای مسلّح به جز تأمین امنیّت، کارهای مهمّ دیگری هم دارند که یکی از بزرگ‌ترین کارهای نیروهای مسلّحِ ما ارائه‌ی خدمات به ملّت است؛ هم ارتش، هم سپاه، هم نیروی انتظامی و هم بسیج، انواع خدمات را در سال‌های گذشته و به‌خصوص در این برهه‌ی اخیر به ملّت ایران هدیه کرده‌اند: هم خدمات زیربنایی، مثل سد و راه و پالایشگاه و امثال اینها؛ هم در عرصه‌ی بهداشت و درمان، هم در بخش واکسن فلج اطفال، کار بسیار بزرگی را نیروهای مسلّح کرده‌اند؛ امروز هم در زمینه‌ی مسائل کرونا حقیقتاً نیروهای مسلّح در مِیدانند و انواع کارهای لازم را و خدمات لازم را ارائه می‌دهند؛ در حوزه‌ی کمک‌های معیشتی هم کارهای بسیار خوبی به وسیله‌ی نیروهای مسلّح انجام می‌گیرد. البتّه این‌ها را اعلام نمی‌کنند، تبلیغاتی نمی‌کنند، ولی کارهای خوبی را دارند انجام می‌دهند که ما از آن‌ها مطّلعیم. و همچنین در رزمایش همدلی و کمک مؤمنانه، نیروهای مسلّح در این ماه‌های گذشته نقش ایفا کردند. در حوادث سیل و زلزله و امثال این‌ها هم نقش نیروهای مسلّح نقش واضحی است؛ در سیل اوایل سال ۹۸ و پیش از آن در زلزله‌ی استان کرمانشاه، حقّاً و انصافاً نقش‌آفرینیِ بزرگی را انجام دادند. بنابر‌این، نیروهای مسلّحِ ما بحمدالله آبرومندند، شرافتمندند و ارزشمندند؛ این را همه می‌توانند حس کنند.

## سه رکن اقتدار ملّی

عزیزان من! قدرت دفاعی یکی از ارکان اقتدار ملّی است. اگر برای اقتدار ملّی ما لااقل سه رکن اصلی را در نظر بگیریم، یکی از این سه رکن استحکام و ثبات اقتصادی است که خیلی مهم است، یکی توانایی و قوام‌یافتگی فرهنگی است که بسیار اساسی است، یکی هم قدرت دفاعی است.

### اهمَیَت حیاتی قدرت دفاعی

قدرت دفاعی برای یک کشور حیاتی است، برای اقتدار یک ملّت حیاتی است. اگر این قدرت دفاعی را ملّت‌ها نداشته باشند، آن کسانی که اهل تجاوز و تعرّض و سوء استفاده و دخالت‌ کردن و دست‌اندازی به دیگر کشورها و ملّت‌ها هستند -که امروز نمونه‌هایش را دارید در دنیا می‌بینید: آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر- آن‌ها را راحت نمی‌گذارند؛ اگر قدرت دفاعی در یک کشوری وجود نداشته باشد، دیگران آن‌ها را راحت نمی‌گذارند و به همه چیزِ آن‌ها تعرّض می‌کنند که امروز می‌بینید به بعضی از کشورها چه تعرّض‌هایی می‌شود.

## مبانی عقلانی و منطقیِ دنبال کردن اقتدار در جمهوری اسلامی

مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی هم یک مبنای «عقلانیّتی» است؛ یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهّمات و مانند این‌ها دنبال نمی‌کنیم. محاسبه‌ی اقتدار ملّی یک محاسبه‌ی عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه‌ی درست و منطقی. حد و اندازه‌ی قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلّح، چگونگی تقسیم مسئولیّت‌ها میان نیروهای مسلّح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است؛ یعنی بر اساس عقلانیّت است. ما اگر بخواهیم عقلانیّت را به کار بگیریم برای مشخّص‌ کردن حد و حدود قدرت دفاعی‌مان، بایستی تهدید را به شکل واقعی خودش ببینیم. دشمنان گاهی تهدید را مخفی می‌کنند، و پنهان می‌کنند برای غافلگیری، گاهی تهدید را ده برابر بزرگ‌تر نشان می‌دهند برای ایجاد ترس و رعب در ملّت‌های عالم که این کار دوّم را بیشتر ابرقدرت‌ها می‌کنند؛ تهدید خودشان را، قدرت خودشان را، خیلی‌خیلی بیشتر از آنچه هست نشان می‌دهند برای این‌که دیگران را وادار به تسلیم بکنند. اگر چنانچه انسان بتواند تهدید را در اندازه‌ی واقعی خودش ببیند، [اگر] یک ملّتی، یک کشوری و نیروهای مسلّح او و سردمداران و مدیران نیروهای مسلّح تهدید را در اندازه‌ی واقعی خودش ببینند، از طرفی ظرفیّت‌های خودشان و توان و استعداد خودشان را هم به صورت واقعی ببینند و آن را اِعداد[[158]](#footnote-158) کنند، آن را بسیج کنند، آماده کنند -وَ اَعِدّوا لَهُم مَااستَطَعتُم؛[[159]](#footnote-159) هر چه می‌توانید اِعداد کنید- امکانات خود را اِعداد بکنند و توان تهدید دشمن را هم ببینند، این قطعاً منافع ملّی را تأمین خواهد کرد و موجودیّت ملّی را حفظ خواهد کرد، هویّت ملّی را محفوظ خواهد داشت. اگر ملّت قدرت دفاعی پدیدآمده‌ی از یک چنین محاسبه‌ای را داشته باشد، آن وقت مسئولان طمأنینه پیدا می‌کنند، مردم آرامش پیدا می‌کنند و با آرامش خیال مشغول کارهای اساسی‌ای که در یک کشور لازم است می‌شوند. بنابر‌این، قدرت دفاعی این جوری است.

## تفاوت عقلانیّت و محاسبه‌ی صحیح، با ترسیدن و میدان را خالی کردن

ما عرض کردیم که عقلانیّت به معنای محاسبه‌ی درست است؛ محاسبه‌ی صحیح و درست و دستگاه محاسباتی سالم؛ عقلانیّت به این معنا است. بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیّت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیّت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید! نه، [این درست نیست] ترسوها حق ندارند اسم عقلانیّت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیّت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند این‌ها است؛ عقلانیّت یعنی محاسبه‌ی درست. البتّه دشمن سعی می‌کند عقلانیّت به آن معنای غلط را تلقین کند، بعضی هم نادانسته گاهی حرف‌های دشمن را تکرار می‌کنند.

### جلوگیری از اختلال دستگاه محاسباتی

این‌که شما می‌بینید علیه امکانات موشکی ما، علیه تشکیلات نظامی ما کارهایی می‌شود، تبلیغاتی می‌شود و علیه توانایی‌های منطقه‌ای ما که بسیار مهم است و برای قدرت دفاعی ما حائز اهمّیّت است، تبلیغات می‌شود و علیه این‌ها حرف می‌زنند -این یاوه‌گوهای آمریکایی که ملاحظه می‌کنید دیگر؛ واقعاً اراذلِ یاوه‌گو که هر حرفی به دهنشان می‌آید، بی‌محابا و بی‌محاسبه می‌زنند، هر جا می‌روند می‌نشینند علیه جمهوری اسلامی حرف می‌زنند- این‌ها به خاطر همین است که این امکانات اساسی ما با محاسبه‌ی دقیق به وجود آمده و ان‌شاءالله پیش خواهد رفت و اینها [تبلیغات دشمنان] ناشی از عقب‌ماندگی آن‌ها در این میدان و ناشی از ترس آن‌ها است. بنابر‌این، مهم این است که دستگاه محاسباتی را حفظ کنیم، سالم نگه داریم، نگذاریم دچار اختلال بشود. اگر دستگاه محاسباتی ما اختلال پیدا کند، بسیاری از امکانات ما هم از دست ما خواهد رفت، شرایط خوب ما تبدیل به شرایط بد خواهد شد.

## لزوم عمل بر مبنای عقلانیّت در همه‌ی مسائل مهم

فقط هم مسئله‌ی نیروهای مسلّح و دستگاه دفاعی و قدرت دفاعی نیست که باید ناشی از عقلانیّت باشد؛ نه، در همه‌ی مسائل مهم برای اداره‌ی یک کشور و به‌خصوص در جمهوری اسلامی که این همه اسلام بر روی عقل و تعقّل و تفکّر تکیه کرده، اگر بخواهیم کارها درست پیش برود، بایستی بر مبنای عقلانیّت عمل کنیم. ما ظلم‌ستیزی را هم بر اساس عقلانیّت می‌گوییم، عدالت‌خواهی هم باید بر اساس عقلانیّت باشد، مبارزات اجتماعی ما هم باید بر اساس عقلانیّت و محاسبه‌ی درست باشد؛ گرفتار حاشیه نشویم، اصل و فرع را هم اشتباه نگیریم.

## قابل حل بودن مشکلات معیشتی و اقتصادی با مدیریّت‌های قوی، فعّال و خسته‌نشو

البتّه ما عرض کردیم که یک رکن از ارکان اقتدار ملّی عبارت است از قدرت دفاعی، یک رکن هم عبارت است از مسائل اقتصادی و ثبات و استحکام اقتصادی، یک رکن هم مسائل فرهنگی. در زمینه‌ی مسائل فرهنگی وقتی که مثلاً‌ فرض کنید بحث تهاجم فرهنگی پیش آمد، دیدیم که دشمن دستپاچه شد و با تبلیغات خودش علیه شعار «مبارزه‌ی با تهاجم فرهنگی» وارد شد؛ یعنی دشمن از این‌که شما بیدار باشید و بفهمید که تهاجم فرهنگی است و باید مقابله کرد، ترسید. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم همین‌جور است. البتّه مسائل اقتصادی زیر فشار است؛ الان ما مشکلاتی در زمینه‌های اقتصادی داریم، معیشت مردم دچار مشکلاتی است که همه‌ی این‌ها [هم] قابل حل است. من عقیده ندارم که مسئولین ذی‌ربط در مسائل اقتصادی تلاش نمی‌کنند؛ نه، تلاش‌های زیادی دارد انجام می‌گیرد، به‌خصوص در بعضی از بخش‌ها تلاش‌های خوبی هست. البتّه در توان مدیریّتی در بعضی از بخش‌ها اشکال هست؛ این را قبول می‌کنیم که در برخی از بخش‌های اقتصادی ما توان مدیریّتی ضعیف است. مصوّبات خوبی هم داریم، که این مصوّبات پیگیری باید بشود. این را من این‌جا گفتم برای این‌که در کنار مسئله‌ی قدرت دفاعی که یکی از مهم‌ترین مسائل ما است، مسائل اقتصادی مورد غفلت و فراموشی قرار نگیرد و نگاه جامعی به همه‌ی این‌ها باشد. مدیریّت‌ها بایستی قوی باشند، فعّال باشند، خسته‌نشو باشند. هر جا ما با مدیریّت‌هایی با این خصوصیّات -یعنی خستگی‌ناپذیری و فعّالیّت و نشاط- مواجه بودیم، دیدیم که کار پیشرفت کرده و هر جا که این جور حضورِ لازم و دائم وجود نداشته باشد، البتّه مشکلات پیش می‌آید.

### علاج در زمینه‌ی مسائل اقتصاد

علاج در زمینه‌ی مسائل اقتصاد را ما در این دو سه ساله مرتّباً‌ تکرار کرده‌ایم؛ علاج این است که تکیه کنیم و متمرکز بشویم بر مسئله‌ی تولید و جلوگیری از سقوط پی‌درپی ارزش پول ملّی، و بستن رخنه‌ها. رخنه‌هایی وجود دارد که گاهی کارهای خوبی هم که در کشور انجام می‌گیرد، این رخنه‌ها مانع می‌شود؛ مثل قاچاق، مثل واردات بی‌رویّه و بعضی از فسادهای مالی؛ این‌ها رخنه است. این رخنه‌ها مانع می‌شود از این‌که این کارهایی که انجام می‌گیرد به نتایج خودش برسد. باید تلاش بکنند و شبانه‌روز خستگی نشناسند و کار را پیوسته دنبال بکنند، ان‌شاءالله تغییراتی ایجاد خواهد شد.

### نقش خباثت آمریکا

البتّه نقش خباثت آمریکا را نباید نادیده گرفت. این تحریم‌های خباثت‌‌آمیزآمریکا، جنایت است به معنای واقعی کلمه. حالا ما مقاومت می‌کنیم، ما می‌ایستیم و ان‌شاءالله این فشار حدّاکثری او به روسیاهی حدّاکثری آمریکا منتهی خواهد شد؛ این کار را ما خواهیم کرد به توفیق الهی و او را پشیمان می‌کنیم از این کار، امّا این‌ها جنایت خودشان را دارند می‌کنند؛ یعنی کاری که آن‌ها می‌کنند جنایت است.

#### افتخار به جنایت؛ کار آدم‌های رذل

رئیس‌جمهور آمریکا اظهار خوشحالی می‌کند که بله، ما فشار حدّاکثری اقتصادی و تحریم‌های حدّاکثری را اِعمال کردیم و اقتصاد ایران را دچار اختلال کردیم. اوّلاً این کار جنایت است و فقط آدم‌های رذلی مثل شماها هستند که به جنایت افتخار می‌کنند؛ این افتخار ندارد؛ علیه یک ملّت دارید جنایت می‌کنید، افتخار هم می‌کنید! این اوّلاً.

#### وضع خیلی بد آمریکا

ثانیاً وضع خود شما خیلی بد است؛ آمریکا امروز با هزاران میلیارد دلار کسر بودجه‌ای که دارد،‌ با ده‌ها میلیون بی‌خانمان و آواره و گرسنه و زیر‌خطّ فقری که در آمریکا وجود دارد -که آمارهای خودشان می‌گوید- وضع اقتصادی خوبی ندارد، روزبه‌روز هم وضع اقتصادی‌شان بدتر شده، بدهکاری‌هایشان بیشتر شده؛ این هم ثانیاً.

#### به کوری چشم شما بر مشکلات فائق خواهیم آمد

و ثالثاً ان‌شاءالله ما به کوری چشم شما مسئولین یاوه‌گو و رذل و خائن و جنایت‌کار آمریکا، با قدرت ایمان و عزم ملّی بر مشکلات فائق خواهیم آمد و اوضاع را ان‌شاءالله سر و صورت خواهیم داد.

#### استفاده از تحریم در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد کشور

از همین تحریم هم ما برای مقاوم‌سازی اقتصادمان استفاده خواهیم کرد؛ یعنی همین تحریم ان‌شاءالله موجب خواهد شد که اقتصاد ما مقاوم‌سازی بشود و بتوانیم یک اقتصاد مقاومتی به معنای واقعی کلمه را در کشور انجام بدهیم.

#### علاج همه‌ی مشکلات در داخل کشور است

من این را گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم، تا فعّالان بخش‌های گوناگونی که در زمینه‌ی اقتصاد و غیر اقتصاد مسئول هستند همه بدانند که علاج همه‌ی مشکلات در داخل کشور است. بسیاری از مشکلات ما مربوط به خارج از کشور است، امّا علاجش در داخل است. هیچ‌ کس علاج مشکلات را در خارج از کشور جستجو نکند؛ ما از خارج از کشور هیچ‌ گونه خیر و بهره‌ای نخواهیم دید؛ علاج در داخل است، علاج در تدبیر داخلی است، علاج در تلاش داخلی است، علاج در نگاه صحیح و محاسبه‌ی درست داخلی به مسائل کشور و مسائل منطقه است و با به‌کار‌گیری نیروی خرد؛ با عزم و اراده‌ی راسخ باید و میتوان ان‌شاءالله بر از مشکلات فائق فارغ شد و این هارت و هورتی هم که این اراذل مسلّط بر ملّت آمریکا می‌کنند نبایستی ذهن کسی را مشغول کند.

## چند توصیه به نیروهای مسلّح

### پیش‌بینی تهدیدهای جدید توسط دانشگاه‌ها

خب؛ برگردیم به نیروهای مسلّح. من چند توصیه می‌خواهم عرض بکنم. یک توصیه‌ی مهم مربوط به دانشگاه‌ها است. یک کار مهم این است که بدانیم تهدیدهای متوجّه به کشورها -کشور ما و دیگر کشورها- دائم در حال تحوّل است. آن چیزی که امروز یک تهدید نظامی شمرده می‌شود، لزوماً همان چیزی نیست که بیست سال پیش تهدید نظامی شمرده می‌شد؛ تهدیدهای جدیدی به صورت تهدید نظامی وجود دارد. چون تهدیدها در حال تحوّل است، دانشگاه‌های نظامیِ ما هم باید برای مقابله‌ی با تهدیدهای نوبه‌نو و جدید، برنامه داشته باشند؛ این باید در پژوهش‌های دانشگاه‌ها مورد توجّه قرار بگیرد: برای مقابله برنامه داشته باشند. علاوه‌ی بر این، اصلاً تهدیدهای جدید را پیش‌بینی کنند؛ یعنی شما مثلاً فرض کنید امروز تهدیدهای فضای مجازی وجود دارد که ده سال پیش به این صورت وجود نداشت و ممکن است چند سال بعد از این [هم] تهدیدهای دیگری از همین قبیل به وجود بیاید؛ افرادِ بافکرِ ما بنشینند و با استفاده‌ی از خرد جمعی و پژوهش‌های دانشگاه‌های ما این‌ها را پیش‌بینی کنند. این بایستی بخش مهمّی از فعّالیّت دانشگاه‌های ما باشد و دانشگاه‌ها حرف جدّی باید در این زمینه برای گفتن داشته باشند.

### تبدیل تجربیّات دفاع مقدّس به نظریّات

نکته‌ی بعدی این است که نیروهای مسلّح ما در دوران دفاع مقدّس و حتّی بعد از دفاع مقدّس، تجربیّات ارزشمندی را به دست آوردند؛ یعنی واقعاً بعضی از تاکتیک‌های نظامی و کارهایی که در میدان جنگ در دوره‌ی هشت‌ساله‌ی دفاع مقدّس انجام گرفت، در دنیا بی‌سابقه بود و خیلی از عملیّات‌های ما متضمّن تجربیّات فوق‌العاده است؛ حالا از عملیّات ثامن‌الائمّه علیه‌السّلام بگیریم تا مثلاً فرض بفرمایید که فتح‌المبین، بیت‌المقدّس، خیبر، والفجر هشت، کربلای پنج و امثال اینها، [می‌بینیم] کارهای فوق‌العاده‌ای در این عملیّات‌های پیروز انجام گرفته؛ در عملیّات‌هایی هم که به پیروزی نرسیده است و موفّق نبوده، مثل کربلای چهار، مثل رمضان و امثال این‌ها، تجربیّات ارزشمندی وجود دارد؛ از این تجربیّات بایستی استفاده کنیم. امروز البتّه روایت این تجربیّات در دانشگاه‌ها معمول است و این روایت انجام می‌گیرد و بسیار هم خوب است، لکن کافی نیست؛ بایستی این تجربیّات تبدیل بشود به نظریّات؛ تجربه تبدیل بشود به نظریّه‌ی دفاعی و تدریس بشود و تحقیق بشود و اطراف آن‌ها پژوهش انجام بگیرد و این تجربیّات به‌روز بشود و منطبق با نیازهای روز بشود و ان‌شاءالله از آن‌ها [استفاده بشود]؛ این‌ها سرمایه‌های بسیار باارزشی است که باید از این سرمایه‌ها استفاده کرد و بسط و تکمیل پیدا کند.

### لزوم اهتمام به مسئله‌ی تربیت اخلاقی و آرایش معنوی

مطلب دیگر هم مسئله‌ی تربیت اخلاقی است. البتّه طبق گزارش‌هایی که این‌جا دادید و گزارش‌هایی هم که من قبلاً‌ داشتم از جاهای مختلف، کارهای خوبی در دانشگاه‌های ما از لحاظ گرایش‌های دینی و ایمانی و اعتقادی و اخلاقی انجام می‌گیرد؛ لکن من روی مسئله‌ی تربیت اخلاقی بیش از این‌ها اهتمام دارم؛ دانشگاه‌های ما بایستی [بیشتر] اهمّیّت بدهند. ما باید نفوس جوان‌های عزیزمان را صیقل بدهیم. این جوان‌هایی که این‌جا هستند فرزندان عزیز ما هستند؛ این‌ها ارواح طیّبه و نفوسِ سالمِ اجتماعِ ما هستند؛ این جوان‌ها از جمله‌ی بهترین‌های مردم ما و جامعه‌ی ما محسوب می‌شوند؛ ما بایست تا آن‌جایی که می‌توانیم وسیله‌ی صیقل دادن نفوس این‌ها را فراهم کنیم. آرایش معنوی آن‌ها به تقوا است، به اخلاص است، به شجاعت است، به تواضع است، به پایبندی به عهد است، به وفاداری نسبت به قولی است که به نظام و به اسلام و انقلاب داده‌اند؛ این‌ها آرایش‌های معنوی است و جزو واجب‌ترین آن‌ها است.

#### دویدن دنبال موفّقیّت‌های دنیایی کار را لنگ می‌کند

البتّه این چیزها مخصوص جوان‌های نیروهای مسلّح نیست؛ همه‌ی نیروهای جوان کشور و بیش از همه نیروهای انقلابی -نیروهایی که خودشان را در خطّ انقلاب، در خطّ تدیّن و تقوا می‌دانند و قرار می‌دهند و همین ‌جور هم هست- بایستی به این تقیّدات توجّه بکنند. این جور نباشد که جوان ما اگر وارد یک مسئولیّتی شد، چشم به یک مقام بالایی بدوزد یا چشم به اندوختن مال دنیا داشته باشد. جوان، با اخلاص [کار کند]، مثل همان دوران دفاع مقدّس که واقعاً‌ این جوری بود؛ کسانی که آمدند و خودشان را در این راه در معرض فداکاری قرار دادند، با اخلاص و با فداکاری بود که توانستند کار را پیش ببرند، بعد از آن هم در عرصه‌های مختلف همین‌ جور بوده. این دویدن دنبال موفّقیّت‌های دنیایی کار را لنگ می‌کند. اگر کسانی باشند که کار را انجام بدهند لکن هدفشان اهداف دنیایی و رسیدن به مال و مقام و موقعیّت دنیایی و مانند این‌ها باشد، این جوری کار پیش نمی‌رود؛ کار با مجاهدت و اخلاص پیش خواهد رفت.

## ضرورت ضابطه‌گذاری‌های الزامی در مبارزه با بیماری کرونا

آخرین مطلبی که می‌خواهم عرض بکنم باز راجع به کرونا است که ما در همه‌ی صحبت‌هایمان مقیّد هستیم این قضیّه را مطرح کنیم. اوّلاً‌ مجدّداً و برای چندمین بار از مسئولین ذی‌ربط بهداشت و درمان، از پرستاران عزیز، از پزشکان عزیز، از کسانی که دست‌اندر‌کار این مسائل هستند، صمیمانه تشکّر می‌کنیم. در این موج سوّم که واقعاً خطرناک هم هست، ابتلاء و تلفات برای انسانی که نگاه می‌کند، خیلی دردآور است. بایستی از این‌ها تشکّر کرد، [چرا] که این‌ها واقعاً دارند فداکاری می‌کنند و کار می‌کنند. آنچه امروز می‌خواهم عرض بکنم این است که ضابطه‌گذاری‌ها بایستی حاکمیّتی و الزامی باشد. البتّه این را من از مدّت‌ها پیش البته به مسئولین محترم، به رئیس‌جمهور محترم و به دیگران هم گفته‌ام؛که بایستی الزام بشود. یک مواردی هست که بعضی از فعالیّت‌ها بایستی تعطیل بشود، بعضی از سفرها بایستی ممنوع بشود. همچنان که ملاحظه کردید، [منع] سفر اربعین را مردم متدیّن و مؤمن ما پذیرفتند که گفتیم نروید به طرف مرز، نرفتند؛ این خیلی مهم است. در قضیّه‌ی عزاداری‌ها که ستاد ملّی مبارزه‌ی با این بیماری ضابطه معیّن کرد، مردمِ مؤمن و متدیّن که پایبندند، ضابطه را دقیق رعایت کردند. این باید در زمینه‌های گوناگون تسرّی پیدا کند و بایستی اجباری و الزامی بشود. جلوی بعضی از سفرها واقعاً باید گرفته بشود؛ گاهی بعضی از سفرها موجب می‌شود که شیوع، بی‌محابا و بدونِ قابلیّتِ کنترل انجام بگیرد که واقعاً مایه‌ی تأسّف است. بنابر‌این، هم در زبان، هم در عمل، بایستی همه مراقبت بکنند تا ان‌شاءالله بتوانیم از این بیماری خلاص بشویم و ملّت بتواند ان‌شاءالله خودش را آسوده کند از این ابتلاء عظیمی که وجود دارد.

همه‌ی شما را به خدا می‌سپارم، همه‌ی شما را دعا می‌کنم؛ امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند متعال [نسبت] به همه‌ی شما، به مسئولین، به جوان‌های عزیز، به دانشجویان و به فارغ‌التّحصیلان، توفیقات خودش را روزبه‌روز افزایش بدهد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# \*\*\* آبان 1399

# خبر – جلسه‌ی ستاد ملی مقابله با کرونا در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی 3/8/1399

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار حضوری با رئیس جمهور و اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا، ضمن قدردانی از عملکرد این ستاد، توصیه‌های مهمی را بیان و بر لزوم اتخاذ تصمیم‌های قاطع و حاکمیتی، اقناع افکار عمومی و همکاری همه دستگاهها و آحاد مردم برای مقابله با وضعیت تأسف‌بار ویروس عالم‌گیر کرونا تأکید کردند.

## وضعیت تأسف بار بیماری کرونا در کشور

رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنانشان، هدف از تشکیل این جلسه را که به دعوت ایشان تشکیل شد، وضعیت تأسف بار بیماری کرونا در کشور و لزوم تلاش مضاعف و بکارگیری ابتکارات جدید برای مواجهه با این ویروس، بیان کردند و افزودند: البته اصل این موضوع و همچنین اوج پاییزی آن در همه دنیا فراگیر است و فقط مخصوص ایران نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نحوه مدیریت مقابله با این ویروس در کشورهای مختلف، خاطرنشان کردند: در برخی کشورها همانند امریکا بدترین مدیریت اعمال شده است ولی ما باید تلاش کنیم از این حادثه که با جان و سلامت مردم و امنیت و اقتصاد آن‌ها در ارتباط است، با بهترین مدیریت عبور کنیم.

## لازمه‌ی اِعمال مدیریت صحیح و مناسب

ایشان لازمه‌ی اِعمال مدیریت صحیح و مناسب را «اتخاذ تصمیم‌های قاطع حاکمیتی»، «اقناع افکار عمومی» و «همکاری همه‌ی دستگاهها و همچنین همکاری مردم» دانستند و افزودند: البته این همکاری فقط مختص مقابله با کرونا نیست بلکه باید در همه مسائل به‌خصوص مسائل سیاسی وجود داشته باشد زیرا کشور که دارای ملتی قدرتمند، نظام نوپدید و سخن جدید است، به‌طور طبیعی با مسائل مهمی در عرصه جهانی و داخلی مواجه است.

## انتقاد از هتک حرمت رئیس جمهور

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم اتحاد و انسجام درونی در کشور، به اقدام اخیر برخی‌ها در مواجهه با دولت و شخص رئیس جمهور اشاره کردند و گفتند: اگرچه در میان این برادران، افراد خوبی هم هستند، اما این کار غلط بود و این موضوع را به‌طور صریح اعلام می‌کنم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انتقاد را غیر از هتک حرمت دانستند و افزودند: هتک حرمت در میان مردم حرام است و نسبت به مسئولان بیشتر، به‌خصوص در میان مسئولان بالای کشور.

ایشان خاطرنشان کردند: ممکن است انتقاد درستی داشته باشید، انتقاد کنید اشکالی ندارد اما انتقاد با اهانت و هتک حرمت متفاوت است این‌گونه رفتارها و هتک حرمت، روش امریکایی‌ها است که در مناظره‌ها و کارهای مطبوعاتی، خود را در دنیا رسوا کرده‌اند تا جایی که یک شخصیت برجسته سیاسی آن‌ها می‌گوید، دنیا با هراس و تحقیر به ما نگاه می‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: روش ما اسلامی و قرآنی است، یعنی انتقاد بیان می‌شود اما هتک حرمت انجام نمی‌گیرد.  
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع بندی این موضوع گفتند: باید حرمت رؤسای سه قوه و مسئولان کشور که در عرصه‌ی خدمت رسانی به مردم هستند، حفظ شود.

## سلامت مردم؛ اصل و اولویت در تصمیم‌گیری‌ها

ایشان بعد از بیان این نکته‌ی مهم، به بحث کرونا بازگشتند و با اشاره به جنبه‌های سلامت‌محور، امنیتی و اقتصادی تصمیم‌گیری‌ها درباره این بیماری، و احتمال تعارض این جنبه‌ها با یکدیگر، تأکید کردند: از آن‌جا که جنبه‌های امنیتی و اقتصادی نیز نشأت گرفته از همین بیماری است، بنابراین اصل و اولویت در تصمیم‌گیری‌ها، سلامت مردم است.

## مصداق جهاد فی سبیل الله

رهبر انقلاب اسلامی با قدردانی از اقدامات ستاد ملی مقابله با کرونا و کمیته‌های وابسته به آن، عملکرد کادر درمان و سلامت را بسیار درخشان و جهاد فی سبیل الله خواندند و در ادامه توصیه‌های مهمی را بیان کردند.

## توصیه‌هایی در مورد کرونا

«لزوم راه اندازی فوری یک عقبه‌ی قرارگاهی و عملیاتی برای اجرای تصمیمات ستاد ملی مقابله با کرونا و نظارت بر اجرا» اولین توصیه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود.

توصیه‌ی بعدی ایشان درباره «محوریت وزارت بهداشت برای تعیین مصادیق محدودیّت‌ها» بود.

رهبر انقلاب اسلامی گفتند: هنگامی که وزارت بهداشت، مصادیق محدودیت را تعیین کرد، بقیه‌ی دستگاهها باید بدون در نظر گرفتن ملاحظات دیگر، آن‌ها را رعایت و اجرا کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: کنترل دقیق مبادی ورودی کشور، محدودیت ترددهای غیرضرور بین شهری به همراه اقناع مردم و اِعمال سخت‌گیرانه ضوابط در ناوگان حمل و نقل شهری و محیطهای عمومی، از جمله مصادیق محدودیّت‌ها است که مسئولیت اصلی اجرا و نظارت، با شورای امنیت کشور و نیروی انتظامی است.

«آموزش همگانی درباره راههای شیوع و شیوه‌های پیشگیری به صورت محله‌محور و با استفاده از ظرفیت مساجد و بسیج و البته با محوریت وزارت بهداشت و همکاری وزارت ارشاد و صداوسیما» و «لزوم تصویب جرائم سخت‌گیرانه برای افرادی که مرتکب تخلفات بزرگ از ضوابط بهداشتی می‌شوند» توصیه‌های دیگر رهبر انقلاب اسلامی به مسئولان برای مقابله با کرونا بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سخت‌تر شدن شرایط زندگی برخی افراد و مشاغل با اجرای جرائم سخت‌گیرانه، خاطرنشان کردند: در این زمینه دولت باید بسته‌های حمایتی را در نظر بگیرد، ضمن آن‌که خیّرین و مردم نیز باید وارد میدان شوند و به کمک این افراد بیایند چرا که این کار جزو بهترین کارها و برترین وسایل نزدیک شدن به خدا است.

ایشان همچنین با اشاره به اهمیت مقابله با بیماری در روزهای اول آن، گفتند: بر اساس گفته متخصصان اگر در یکی دو روز اول، مبتلایان شناسایی و برای معالجه آن‌ها اقدام شود، تلفات کاهش جدی خواهد یافت که این کار بسیار لازم است.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر «به حداقل رساندن مراجعات به دستگاههای اجرایی با افزایش خدمات الکترونیک»، مسئولان را به رعایت حداکثری ضوابط بهداشتی توصیه کردند و افزودند: متأسفانه گاهی برخی از مسئولان در رعایت مواردی مثل ماسک زدن به شیوه صحیح یا رعایت فاصله، کوتاهی می‌کنند که این بی‌اعتنایی‌ها بر رعایتهای عمومی مردم هم اثر منفی می‌گذارد.  
ایشان همچنین با تأکید بر لزوم استخدام نیروی انسانی مورد نیاز وزارت بهداشت، از تحقیقات پژوهشگران برای دستیابی به دارو و واکسنِ مقابله با کرونا صمیمانه و عمیقاً تقدیر کردند.

«شنیده شدن یک حرف واحد از جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا» توصیه بعدی و مؤکد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با اشاره به حضور پر شمار نیروهای داوطلب در ماههای اول شیوع بیماری و خدمات مؤثر آنان همانند کمک به پرستاران، ضدعفونی کردن دستگاهها و معابر، راهنمایی خانواده‌ها و کمک به افراد سالمند، استمرار این فعالیّت‌ها را مورد تأکید قرار دادند و از نیروهای داوطلبِ مخلص و جوانان مؤمن و صالح خواستند بار دیگر وارد میدان شوند.  
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این‌که برخی افراد بیکار شده در اثر کرونا، بیمه بیکاری ندارند، گفتند: تأمین اجتماعی موظف است برای حل این مشکل اقدام کند که البته در این قضیه نیز ورود خیّرین از برترین انفاق‌ها است.

### اهمیت معجزه‌وار دعا، توسل و استغفار

رهبر انقلاب اسلامی در پایان سخنانشان، اهمیت معجزه‌وار دعا، توسل و استغفار را برای دفع بلا مورد تأکید قرار دادند و افزودند: همه آنچه گفته شد در حکم ابزار است و آنچه به این ابزارها، جان و روح می‌بخشد پروردگار متعال است که باید با دعا و تضرع، نظر لطف الهی را که همواره شامل حال ملت ایران بوده است، برای عبور از این گردنه نیز جلب کرد.

ایشان خاطرنشان کردند: کارهای بزرگی در کشور در جریان است و به توفیق الهی هیچ حادثه‌ای نتوانسته جمهوری اسلامی را متوقف کند اما باید این موانع را که موجب کُند شدن حرکت می‌شود، هر چه زودتر برطرف کرد.

## سخنان رئیس جمهور

پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، آقای روحانی رئیس‌جمهور با بیان گزارشی از فعالیّت‌های مقابله با کرونا در هشت ماه گذشته، گفت: برای مقابله با این ویروس فعلاً راهی جز رعایت ضوابط بهداشتی و پیشگیری وجود ندارد.

رئیس‌جمهور افزود: همانند دوران جنگ که اجازه خرید تجهیزات جنگی به ما نمی‌دادند، در ابتدای شیوع کرونا نیز تقریباً هیچ‌کس تجهیزات مورد نیاز مثل کیت تشخیص، دستگاه تنفس، امکانات و تجهیزات آی‌سی‌یو و حتی ماسک را به ما نداد ولی با اتکاء به شرکت‌های دانش بنیان، این تجهیزات را به سرعت تولید کردیم و اکنون هیچ مشکلی نداریم.

آقای روحانی ادامه داد: در ماجرای کرونا برای ما روشن شد که تکیه بر توان و امکانات داخلی و نگاه نکردن به دست دیگران تا چه حد برای ما مهم است و ما فهمیدیم که در روزهای مبادا باید روی پای خودمان بایستیم چرا که دیگران ما را حتی در مسائل مربوط به حقوق بشر، بهداشت و درمان و نجات جان انسان‌ها یاری نمی‌کنند، اگرچه شعارش را می‌دهند.

آقای روحانی با اشاره به تفاوت ماهیت ویروس کرونای فعلی با ویرس زمان اسفند ماه که کشور را درگیر کرد، افزود: هم وزارت بهداشت و هم متخصصان می‌گویند ویروس ماههای اخیر ویروس جهش‌یافته اروپایی است که سرعت و قدرت انتقال آن، ۹ برابر شده است.

رئیس جمهور با گلایه از جدی نگرفتن توصیه‌های قانونی از طرف برخی از مردم، گفت: محدودیّت‌های شدید در مناطق پر خطر، مراقبت‌های لازم برای جلوگیری از نقض قرنطینه مبتلایان و جریمه‌های قانونی برای متخلفان در نظر گرفته شده است.

آقای روحانی گفت: برای کمک به تهیه و توزیع مایحتاج افراد در قرنطینه به کمک مساجد و بسیج مردمی نیازمند هستیم.

رئیس جمهور همچنین در خصوص تأمین مالی تحقیقات دارو و واکسن، کمک‌های دولت به خانواده‌های نیازمند در دوران کرونا و پرداخت بخش‌هایی از کارانه کادر درمان گزارش داد.

# بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام صادق(ع) 13/8/1399

در سالروز ملّی مبارزه با استکبار جهانی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌‌‌القاسم المصطفیٰ محمّد و علی آله الطیّبین الطّاهرین المنتجبین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## بعثت نبوی؛ بزرگ‌ترین حادثه‌ی تاریخی برای بشر

تبریک عرض می‌کنم به همه‌ی بینندگان عزیز و همه‌ی آحاد ملّت ایران و به همه‌ی امّت بزرگ اسلامی، میلاد باسعادت حضرت نبیّ مکرّم و رسول اعظم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و ولادت حضرت امام جعفر صادق (علیه الصّلاة و السّلام) را که عید بزرگی است. این میلاد شریف، زمینه‌ی بعثت نبوی را فراهم آورد که بعثت نبوی بزرگ‌ترین حادثه‌ی تاریخی برای بشر از اوّل تا آخر است. امیدواریم که ان‌شاءالله این عید بر مردم عزیزمان، بر ملّت عزیز ایران، بر همه‌ی ملّت‌های مسلمان و امّت بزرگ اسلامی مبارک باشد؛ برای جامعه‌ی بشری هم ان‌شاءالله مایه‌ی برکات زیادی باشد.

## سه مناسبت در کنار هم

امروز سه مناسبت در کنار هم قرار دارد: یکی همین مناسبت میلاد مبارک و معظّم است -میلاد پیامبر گرامی و فرزند گرامی‌اش حضرت صادق (علیه الصّلاة و السّلام)- یک مناسبت، مناسبت هفته‌ی وحدت است که مناسبت بسیار مهمّی است، و یک مناسبت هم سیزدهم آبان است که روز مبارزه‌ی با استکبار است؛ در مورد هر کدام از این‌ها چند جمله‌ای را برای ملّت عزیز ایران عرض می‌کنیم.

## تناسب روشن برخی آیات قرآن کریم با وضع کنونی بشر

در مورد پیامبر اعظم (صلّی‌ الله علیه و آله و سلّم) در قرآن آیات متعدّدی وجود دارد؛ بعضی از این آیات خیلی تناسب روشنی با وضع کنونی بشر پیدا می‌کند که وقتی انسان آیه را می‌خواند، می‌بیند کأنّه همین امروز و برای بشرِ امروز نازل شده. یک آیه، این آیه‌ی شریفه است که در سوره‌ی برائت است: لَقَد جاءَکُم رَسولٌ مِن اَنفُسِکُم عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم حَریصٌ عَلَیکُم بِالمُؤمِنینَ رَءوفٌ رَحیم؛[[160]](#footnote-160) که این دو جمله‌ی اوّل آیه مربوط به همه‌ی آحاد بشر است؛ کما این‌که در آیه‌ی دیگر هم می‌گوید: یااَیـُّهَا النّاسُ اِنّی رَسولُ اللهِ اِلَیکُم [جَمیعًا]؛[[161]](#footnote-161) همه‌ی بشر مخاطب پیامبر اکرمند. این دو جمله، دو جمله‌ی خیلی مهمّی است: عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم؛ رنج شما آحاد بشر بر پیامبر اعظم گران می‌آید و او از رنج شما رنج می‌برد؛ بعدی «حَریصٌ عَلَیکُم»؛ دلسوز شما است، مشتاق شما است، علاقه‌مند به سرنوشت شما است؛ این خطاب به همه‌ی آحاد بشر است.

امروز جامعه‌ی بشری مصداق این خطاب است، یعنی تناسب این خطاب با وضع امروز جامعه‌ی بشری تناسب زیادی است؛ واقعاً میتوان گفت که امروز بشر، بیش از همیشه‌ی تاریخ دچار رنج است.

## رنج‌های امروز بشر

خب نابرابری هست، جنگ هست، جنگ‌افروزی هست، مادّی‌گرایی افراطی هست که کمتر در دوره‌های تاریخ، این چنین گرایش مادّی‌ای در بین آحاد بشر به این شدّت وجود داشته باشد؛ استفاده از علم و فنّاوری هست برای سرکوب ملّت‌ها؛ طغیانگری هست، شرارت هست، طواغیت هستند.

### استفاده‌ی استکبار از ابزار علم و فنّاوری برای اعمال قدرت طاغوتی

خب بعضی از این‌ها [از جمله] نابرابری، تبعیض، عدم عدالت، وجود طواغیت همیشه در طول تاریخ بوده است، مال امروز نیست منتها امروز برای اِعمال این قدرت طاغوتی از ابزار علم دارد استفاده می‌شود، از فنّاوری دارد استفاده می‌شود ؛ یعنی مثلاً فرض کنید که فرعون می‌گفت «اَلَیسَ لی مُلکُ مِصر»؛[[162]](#footnote-162) خیلی خب، در محدوده‌ی مصر هر غلطی می‌خواست می‌کرد. امروز آمریکا که همان فرعونِ آن روزِ مصر است، به کشور آمریکا اکتفا نمی‌کند و نمی‌گوید «الیس لی ملک آمریکا»! [بلکه] بلند می‌شود می‌آید وارد کشورهای دیگر می‌شود، جنگ درست می‌کند، تسلّط پیدا می‌کند، پایگاه می‌سازد؛ یعنی وضع این جوری است و کاری که امروز طواغیت با استفاده‌ی از دانش بشری و پیشرفت دانش می‌کنند، تبعیضی که هست، نابرابری‌ای که هست، جنگ افروزی‌ای که هست، از همیشه بیشتر است. واقعاً «عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم»؛[[163]](#footnote-163) روح مطهّر نبیّ‌ مکرّم امروز از این رنج بشری آزرده است؛ و مشتاق سعادت بشر است و مشتاق هدایت بشر است و به معنای واقعی کلمه مثل یک پدر مهربان به دنبال این است که بشر خوشبخت بشود، به صراط مستقیم هدایت بشود و به سرانجامی که به نفع او است برسد.

## خطاب متفاوت قرآن کریم به سران کفّار و آحاد مردم کافر

یک نکته‌ای که در این آیه‌ی شریفه هست، این است که این آیه در آخر سوره‌ی برائت است. سوره‌ی برائت، سوره‌ی جنگ است، سوره‌ی برائت از کفّار است، سوره‌ی امر به مبارزه و مانند این‌ها است؛ در آخر این سوره این جور می‌فرماید: عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم،[[164]](#footnote-164) خطاب هم که گفتیم به همه‌ی آحاد مردم است. از این یک نکته‌ای می‌شود استفاده کرد و آن، این است که آن خطاب‌هایی که وجود دارد، مربوط به آحاد بی‌خبر و غافل غیرمسلمان نیست، مربوط به سران کفر است، مربوط به سران استکبار است. خطاب به آن تشکیلاتی که است مسلّط بر سرنوشت جوامع بشری‌اند که قرآن در یک جا از آن‌ها تعبیر کرده است به «ائمّه‌ی کفر»: فَقاتِلوا اَئِمَّةَ الکُفرِ اِنَّهُم لا اَیمٰنَ لَهُم؛[[165]](#footnote-165) یک جا هم در سوره‌ی قصص به ائمّه‌ی یدعون الی النّار [تعبیر کرده]: «وَ جَعَلنٰهُم اَئِمَّةً یَدعونَ اِلَی النّار»[[166]](#footnote-166) که مردم را به جهنّم می‌کشانند و دعوت به جهنّم می‌کنند. در واقع آن حدّت و شدّتی که قرآن در قبال دشمنان اسلام و کفّار ابراز می‌کند، در مقابل آن جریان‌ها است. آحاد مردم کفّار، [یعنی] آنهایی هم که دنبال حقّند، مایل به حقّند، عنادی ندارند، غرضی ندارند، همان کسانی هستند که مخاطب آن جمله‌ی زیبا و شریف هستند: عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم.[[167]](#footnote-167)

امروز دشمن اسلام و آن دشمن اصلی، آن «اَئِمَّةً یَدعونَ اِلَی النّار»، همین استکبار و صهیونیسم است؛ این‌ها هستند که در واقع دارند با اسلام با همه‌ی وجود خودشان مقابله می‌کنند و معارضه می‌کنند. آخرین نمایش این معارضه هم همین نمایشی است که متأسّفانه هفته‌ی قبل در پاریس اتّفاق افتاد.[[168]](#footnote-168) این نمایش زشتی که در پاریس نشان داده شد،خیلی قابل توجّه و قابل دقّت است.

## وجود تشکیلاتی پشت سر قضیّه‌ی کاریکاتور دشنام به پیامبر

یک نفر کاریکاتوریست، یک غلطی کرده، یک دشنامی به پیامبر به زبان کاریکاتور داده؛ این صرفاً این نیست که حالا یک هنرمندی دچار انحراف و فساد شده و یک غلطی انجام داده؛ فقط این نیست؛ پشت سر این حادثه دستهایی وجود دارد. دلیلش چیست؟ دلیلش همین است که ناگهان می‌بینیم در دفاع از این کارِ معمولیِ هنری، یک رئیس‌جمهور یا مثلاً فرض کنید یک دولت می‌ایستد، بعضی دولت‌های دیگر هم از او حمایت می‌کنند؛ پیدا است که تشکیلاتی پشت سر این قضیّه است؛ صرف این نیست که هنر فرانسه سقوط کرده، کارش به این‌جا رسیده؛ مسئله‌ سیاست دولتی است که از این کارِ غلط دارد حمایت می‌کند و یک مقام سیاسی می‌آید صریحاً پشتیبانی خودش را ذکر می‌کند. خب شما می‌گویی که این طرف [آن] آدم را کشته؛ خیلی خب! شما برای آن کسی که کشته شده ابراز محبّت بکن، ابراز تأسّف بکن؛ دیگر چرا این کاریکاتورها را می‌آورید این جور نصب می‌کنید در یک جای نمایانی و صریحاً از آن‌ها حمایت می‌کنید؟ این خیلی حادثه‌ی تلخ و زشتی است که در ابعاد یک دولت دارد اتّفاق می‌افتد؛ صرف این نیست که یک هنرمند، یک کاریکاتوریست، این کار را انجام می‌دهد. آن برهه‌ی قبل هم که این قضیّه پیش آمد همین اتّفاق افتاد؛ آن‌جا هم دیدیم که عناصر دولتی و شخصیّت‌های سیاسی پشت قضیّه درآمدند و دفاع کردند و حمایت کردند.

## خشم و اعتراض امّت اسلامی، نشان‌دهنده‌ی زنده بودن جوامع اسلامی

البتّه امّت اسلامی امروز سرشار از خشم و اعتراض است؛ این نشان‌دهنده‌ی زنده بودن جوامع اسلامی است؛ این جای خرسندی است. در شرق و غربِ دنیای اسلام، مردم و مسئولین و بسیاری از سیاستمداران اسلامی -البتّه بعضی در این‌جا هم حقارت خودشان را نشان دادند،- امّا اغلب در این‌جا از هویّت اسلامی و از شخصیّت معظّم پیامبر مکرّم اسلام دفاع کردند و خشم و اعتراض خودشان را نشان دادند؛ این نشان‌دهنده‌ی زنده بودن ملّت‌ها است.

## عبرتی در این ماجرا

منتها یک عبرتی در این ماجرا وجود دارد که این قابل توجّه است؛ این هم از جمله‌ی چیزهایی است که بایستی مورد توجّه کسانی باشد که به مسائل سیاسی دنیا ارتباط دارند و کار می‌کنند. این‌جا دولت فرانسه می‌آید ربط می‌دهد این قضیّه را به حقوق بشر و آزادی و این حرفها؛ عبرت ماجرا این‌جا است.

### تناقض‌های حرف و عمل دولت فرانسه

حالا این دولت فرانسه چه‌ جور دولتی است؟ این سیاست چه سیاستی است؟ این سیاست همان سیاستی است که خشن‌ترین و وحشی‌ترین تروریست‌های دنیا را در خودش جا داده و پناهگاه آن‌ها شده؛ یعنی تروریست‌هایی که در کشور ما رئیس‌جمهور را به شهادت رساندند، نخست‌وزیر را به شهادت رساندند، رئیس قوّه‌ی قضائیّه را به شهادت رساندند، آحاد متعدّدی از نمایندگان و اجزای دولت و قوّه‌ی قضائیّه را به شهادت رساندند و طبق آماری که در اختیار است، هفده هزار [نفر] از مردم عادّی را، مردم کوچه و بازار را، به شهادت رساندند؛ این‌ها تروریست‌های معمولی‌ای نیستند؛ پناهگاه این‌ها فرانسه و پاریس است، آن وقت این‌ها ادّعای حقوق بشر می‌کنند، ادّعای آزادی می‌کنند.

همین دولت به گرگ خونخواری مثل صدّام در دوره‌ی جنگ تحمیلی بیشترین کمک را کرد -حالا نمی‌توانیم بگوییم از کمک‌های دولت‌های دیگر بیشتر بود، امّا یکی از بزرگ‌ترین کمک‌کاران صدّام در این جنگ او بود- هواپیماهای پیشرفته و ابزارهای پیشرفته‌ی جنگی را در اختیار آن گرگ خونخوار گذاشت و خجالت هم نکشیدند و دادند و گفتند و اعتراف هم کردند.

حالا این مال رفتار آن‌ها با تروریست‌ها و مانند این‌ها است؛ رفتارشان با ملّت خودشان را هم در این تظاهرات شنبه‌های این یک سال اخیر مشاهده کردید که چه کار کردند با مردم خودشان! آن وقت این‌ها ادّعا می‌کنند که اهل آزادی و حقوق بشر و مانند این‌ها هستند.

### دفاع از وحشی‌گریِ فرهنگی و حمایت از منافقین و صدّام؛ دو روی یک سکّه

بنده اعتقادم این است که این‌ها دو روی یک سکّه‌اند؛ یعنی دفاع از وحشیگریِ فرهنگی و از آن عملِ جنایت‌کارانه‌ی یک کاریکاتوریست، روی دیگر سکّه‌ی دفاع از منافقین و دفاع از صدّام و کمک به صدّام است؛ هر دوی این‌ها دو روی یک سکّه هستند.

## مشاهده‌ی نشانه‌های جاهلیّت مدرن و تمدّن وحشی غرب

خب این حادثه در کشورهای اروپا و آمریکا در این چند سال تکرار شده؛ این حادثه‌ی اهانت به قرآن، اهانت به پیامبر معظّم، در این چند سال چند بار در کشورهای غربی -هم در آمریکا، هم در کشورهای اروپایی- تکرار شده، لکن این‌ها نمی‌تواند به شرافت و جلالت و عظمت پیامبر مکرّم اسلام اندکی خدشه وارد کند؛ این خیلی روشن است که چهره‌ی نورانی پیامبر رحمت با این چیزها خدشه‌دار نمی‌شود، روز‌به‌روز این آفتاب ان‌شاءالله درخشان‌تر می‌شود و همچنان که رجّاله‌های مکّه و طائف در آن روز، با آن همه تلاشی که کردند، نتوانستند نام پیامبر مقدّس اسلام را پنهان کنند، امروز هم کار این حضرات شبیه همانها است؛ این‌ها هم نخواهند توانست و این‌ها به پیغمبر صدمه نمی‌زنند.

منتها یک نکته فهمیده می‌شود و آن، این است که این کارها نشانه‌ی ذات ظلمانی تمدّن غرب است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که این تمدّن و این فرهنگ در ذاتِ خود، این جاهلیّت مدرن در حقیقتِ خود، این قدر ظلمانی است و این قدر وحشی است. البتّه پنهان می‌کنند این وحشیگری را؛ چون از علم و دانش و فنّاوری برخوردار هستند، ظاهر علم و فنّاوری را [به آن] می‌پوشانند و آن وحشیگری را در ذیل آن پنهان می‌کنند؛ با تعبیرات آدم‌وار، با چهره‌ی به‌ظاهر انسان‌وار، با کراوات و ادکلن و مانند این‌ها ظاهر می‌شوند، آن وحشیگری حقیقی‌ای را که در این‌ها وجود دارد به این وسیله‌ها پنهان می‌کنند. بنابر‌این به اسلام و پیغمبر صدمه‌ای [وارد] نمی‌آید، امّا وسیله‌ای است برای این‌که من و شما بیشتر بشناسیم این تمدّن را. این تمدّن واقعاً تمدّن وحشی‌ای است. این تمدّن تمدّنی است که ملّت‌های خودش را هم بیچاره کرده. الان هم بعد از چند قرن که از شروع این تمدّن و از رنسانس می‌گذرد، وضع نابرابری را، وضع فقر را، وضع بی‌عدالتی را، وضع افسارگسیختگیِ خجلت‌آورِ اخلاقی را در کشورهای اروپایی و در آمریکا و کسانی که دنباله‌روِ این‌ها هستند، شما دارید مشاهده می‌کنید؛ طبیعت این تمدّن و این فرهنگ این است. این راجع به مسئله‌ی اوّل.

## ابتکار بزرگ امام راحل (ره) در تعیین هفته‌ی وحدت

و امّا راجع به هفته‌ی وحدت. بنده گمان می‌کنم امروز بیش از همیشه اهمّیّت این ابتکار بزرگ امام راحل آشکار شده است. آن روزی که امام بزرگوار هفته‌ی وحدت را اعلام کردند و وحدت مذاهب اسلامی و فِرَق اسلامی را در جهت‌گیری‌ها و در گرایشهای عمومی، سیاسی و اجتماعیِ خودشان اعلام کردند، آن روز خیلی از مخاطبین واقعی این پیام نتوانستند اهمّیّت این پیام را درک کنند؛ از جمله مسئولین خیلی از کشورهای اسلامی که اصلاً نفهمیدند چقدر این پیام حائز اهمّیّت است. خیلی‌ها هم نفهمیدند، خیلی‌ها هم لج کردند؛ یعنی به دنبال اغراض گوناگونی که داشتند، این پیام را ندیده گرفتند. امروز ما می‌فهمیم که این پیام چقدر مهم بوده. حوادثی که امروز اتّفاق افتاده، این اختلافات گوناگونی که میان کشورهای اسلامی اتّفاق افتاده، این حوادث هولناکی که در بعضی از کشورهای منطقه، در سوریه، در عراق، در یک برهه‌ای در لیبی، در یمن، و در افغانستان، از این اتّفاقاتی که در اینجاها افتاد انسان می‌فهمد که چقدر اتّحاد دنیای اسلام مهم بود و چقدر یکپارچگی امّت اسلامی عنصر ذی‌قیمتی بود که امام آن را اعلام کردند، آن را درخواست کردند، آن را مطرح کردند که اگر بود، بسیاری از این قضایا اتّفاق نمی‌افتاد.

## حرکت خائنانه‌ی عادّی‌سازی رابطه با صهیونیست‌ها، از نتایج تفرقه‌ی دنیای اسلام

واقعاً آنچه امروز در دنیای اسلام وجود دارد، به‌خصوص در بخشی از آن، [یعنی] در این منطقه، فاجعه‌بار است؛ مسئله‌ی فلسطین را کم‌رنگ کرده‌اند، حرکت خائنانه و ذلیلانه‌ی عادّی‌سازی [روابط] با صهیونیست‌ها را راه انداخته‌اند؛ این‌ها همه از معالیل[[169]](#footnote-169) و نتایج عدم اتّحاد دنیای اسلام است، که همین ‌طور روی چشم و همچشمی و روی انگیزه‌های فاسد و غلط، یک ‌چنین کار زشتی انجام گرفت و در واقع حقّ ملّت فلسطین به وسیله‌ی عدّه‌ای تاراج شد.

### رژیم صهیونیستی جعلی از بین خواهد رفت

البتّه مسئله‌ی فلسطین تمام‌شدنی نیست و این‌ها نمی‌توانند و کوچک‌تر از آن هستند که این مسئله را به پایان برسانند؛ نخیر، مسئله‌ی فلسطین ادامه پیدا خواهد کرد و فلسطین، فلسطین خواهد شد و رژیم صهیونیستی جعلی از بین خواهد رفت؛ در این تردید نیست، منتها این‌ها دارند در سر راه این کار به قدر توانایی‌های خودشان مانع ایجاد می‌کنند؛ [از جمله] ارتباط برقرار کردنِ با غاصبِ قاتل جنایت‌کار -رژیم صهیونیستی این است دیگر؛ هم غصب کرده زمین را، هم قاتل مردم است؛ این‌ها چقدر از آحاد فلسطینی را از بین برده‌اند و چه جنایتی مرتکب شده‌اند- و خوشحال بودن و به این افتخار کردن و برایش توجیه درست کردن؛ توجیه‌های یضحک به الثَّکلیٰ.[[170]](#footnote-170)

## فهم دشمن از اهمّیّت اتّحاد فرَق اسلامی و برنامه‌ریزی علیه آن

من می‌خواهم عرض بکنم که متأسّفانه خیلی از دولت‌های مسلمان و خیلی از مخاطبینِ واقعی، اهمّیّت این ابتکار را درک نکرده‌اند، لکن دشمن اهمّیّت این را درک کرد؛ دشمن فهمید که این توصیه‌ی امام راحل که اتّحاد فِرَق اسلامی است در جهت‌گیری‌های کلّی -عقایدشان برای خودشان باشد؛ هر کسی برای خودش عقاید و مناسک خودش را داشته باشد- چقدر برای امّت اسلامی اهمّیّت دارد و چقدر نفوذ دشمن را در آن‌ها کم می‌کند؛ چون دشمن این را فهمید، شروع کرد به برنامه‌ریزی بر ضدّ این حرکت.

### ایجاد مراکزی برای تولید اندیشه‌های ضدّتقریبی

دشمن برنامه‌های عملیّاتی‌ای را در مقابله‌ی با پیام وحدت امام بزرگوار انجام داد؛ از جمله ایجاد مراکزی برای تولید اندیشه‌های ضدّتقریبی؛ [در مقابل آنچه] ما می‌گوییم تقریب فِرَق اسلامی. نشستند مراکزی را درست کردند، به یک عدّه مزدور هم پول دادند، آن‌جا نشاندند که بنشینند فکر و مطلب تهیّه کنند برای اثبات ضدّتقریب؛ یعنی جوری عمل بکنند که این سیاست بزرگ امام، این تدبیر عظیم و الهی امام را خنثیٰ کنند. [ایجاد] مراکز تولید اندیشه.

### ایجاد گروه‌های تکفیری

و ایجاد گروه‌های تکفیری. این گروه جرّار[[171]](#footnote-171) داعش را خود دشمنان اسلام فراهم کرده‌اند؛ آمریکایی‌ها اعتراف کرده‌اند. البتّه ما خبرهایی داشتیم، اطّلاعاتی داشتیم لکن اگر ما می‌گفتیم، ممکن بود محلّ تردید قرار بگیرد، امّا خودشان اعتراف کردند؛ هم کسانی در آن دولتی که این داعش را به وجود آورده بود اعتراف کردند، هم در دولت بعدی، این شخصی که حالا سر کار است،[[172]](#footnote-172) صریحاً گفت که داعش را این‌ها به وجود آورده‌اند و از او حمایت کرده‌اند؛ به مزدورانشان در منطقه، دولت‌های پیرو و تابع خودشان دستور دادند، به این‌ها پول دادند، از این‌جا و آن‌جا برایشان سلاح خریدند، امکانات دادند، برایشان تجهیزات فراهم کردند. این هم یک کار.

### عصبانی کردن مردم و به جان هم انداختن

بنابراین، هم مرکز تولید فکر درست کردند، هم جریانهای تروریستی را به وجود آوردند، هم عناصری را که نمی‌دانستند و نمی‌خواستند وارد این بازی بشوند، به طور غافل و نادانسته وارد جریان کردند، عصبانی‌شان کردند، وادار کردند که این‌ها به همدیگر بدگویی کنند؛ شما ناگهان می‌بینید که مثلاً فرض کنید در فلان کشور همسایه‌ی ما یک [شخص] منبری، می‌رود روی منبر و به مقدّسات آن فرقه‌ی دیگر اهانت می‌کند، بعد پایین می‌آید، می‌رود در سفارت انگلیس پناهنده می‌شود؛ این چیزی است که اتّفاق افتاده، تازه هم اتّفاق افتاده و از این قبیل کارها زیاد است؛ یعنی کم نیست. افراد را وادار می‌کنند که مردم را عصبانی کنند، مخاطبین را عصبانی کنند، به جان هم بیندازند. خب این‌ها که صریحاً گفتند که آن‌ها این [کارها] را انجام داده‌اند

## گناه بیشتر پشتیبان‌های این‌ها

منتها من این را می‌خواهم بگویم که برخی از دولت‌های این منطقه که پشتیبانی‌های مالی را به عهده گرفته‌اند، گناهشان از آحادی که وابسته به این گروه‌ها شده‌اند، بیشتر است؛ یعنی آن کسی که از فلان گوشه‌ی دنیای اسلام از روی تعصّب دینی و همراه با جهالت می‌آید و جزو این گروه تروریستی می‌شود، گناهش کمتر از آن رئیس و آن مسئول و آن پادشاهی است که پول می‌دهد و این‌ها را راه می‌اندازد و تسلیحات برایشان فراهم می‌کند و مانند اینها. البتّه جرم اصلی مربوط به آمریکایی‌ها است؛ واقعاً این جور است.

### آمریکا و رژیم سعودی؛ مجرمان اصلی در قضیّه‌ی جریان‌های تکفیری

در قضیّه‌ی جریانهای تکفیری در این منطقه، جرم اصلی را آمریکایی‌ها کردند و سعودی‌ها که دنبالشان بودند؛ سعودی‌ها هم به این‌ها پول دادند، کمک کردند و پشتیبانی کردند؛ آمریکایی‌ها علاوه بر این جرم، یک جرم دیگری هم مرتکب شدند و آن، این است که به بهانه‌ی حضور اینها، به کشورهای مسلمان لشکرکشی کردند؛ به افغانستان لشکرکشی کردند، به سوریه لشکرکشی کردند، به جاهای مختلف و به بعضی از کشورهای دیگر مثل عراق هم در فکر لشکرکشی بوده‌اند و هستند که البتّه جوان‌های عراقی و مؤمنین عراقی نخواهند گذاشت و غیرت و تعصّبِ به‌حقّ آن‌ها مانع خواهد شد از این‌که ان‌شاءالله آمریکا بتواند نفوذ کند، ولی آن‌ها نقشه‌ی این کار را دارند و دنبال این هستند که در این کشورها نفوذ کنند. البتّه هر جا هم این‌ها وارد شدند ناامنی و تخریب به وجود آورده‌اند؛ واقعاً در این کشورها زیربناها را تخریب کردند، ناامنی ایجاد کردند، جنگ داخلی درست کردند؛ دولت‌ها را مشغول کردند که نتوانند کارهای اصلی و وظایف خودشان را انجام بدهند؛ واقعاً نابودی حرث و نسل [است] و «وَ یُهلِکَ الحَرثَ وَ النَّسل»[[173]](#footnote-173) ‌به معنای واقعی کلمه در مورد این‌ها است و این‌ها این کارها را کرده‌اند.

## علاج مسئله‌ی فلسطین و فاجعه‌ی جنگ یمن، با وحدت امّت اسلامی

به نظر ما هفته‌ی وحدت خیلی مهم است و اتّحاد مسلمانان درمان بسیاری از دردهای امّت اسلامی است. الان این جنگ فاجعه‌بار یمن که پنج سال است این ملّت مظلوم دارند در کوچه و بازار و خانه و بیمارستان و مدرسه و مجامع مردمی‌شان بمباران می‌شوند، حادثه‌ی کوچکی نیست، حادثه‌ی بسیار بزرگی است که واقعاً سعودی‌ها قساوت عجیبی را در این قضیّه دارند از خودشان نشان می‌دهند. یا در مسئله‌ی فلسطین؛ این دهن‌کجی چند دولت ضعیف ذلیل که به دنیای اسلام دهن‌کجی کردند، به امّت اسلامی دهن‌کجی کردند و مسئله‌ی فلسطین را به خیال خودشان نادیده گرفتند و با غاصب، با قاتل ارتباط برقرار کردند؛ بدون تردید همه‌ی این‌ها با وحدت امّت اسلامی علاج پیدا خواهد کرد و مشکلات دولت‌های اسلامی و ملّت‌های اسلامی -گرفتاری زیاد است دیگر، از کشمیر تا لیبی، همین طور که نگاه کنید، همه جا گرفتاری هست- این گرفتاری‌ها به برکت اتّحاد مسلمان‌ها برطرف خواهد شد. این هم درباره‌ی مسئله‌ی هفته‌ی وحدت.

## عقلانی و مدبّرانه بودن ستیزه‌گری با استکبار

و امّا مسئله‌ی سیزدهم آبان. جالب است که امسال سیزدهم آبان که روز مبارزه‌ی با استکبار است، مصادف شده است با ولادت پیامبر اعظم؛ این، آیه‌ی شریفه‌ی «مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ وَ الَّذینَ مَعَه، اَشِدّاٰءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماٰءُ بَینَهُم»[[174]](#footnote-174) را به یاد انسان می‌آورد؛ از آن طرف ولادت، از این طرف «اَشِدّاّْءُ عَلَی الکُفّار» که این حرکت عظیمی [بود] که جوان‌های ما انجام دادند. سیزدهم آبان مظهر استکبارستیزی ملّت ایران بود؛ این جور نبود که با چند نفر ساکن در یک سفارتخانه مشکلی داشته باشند؛ مسئله، مسئله‌ی یک کار مهم و یک کار نمادینی بود در مبارزه‌ی با استکبار که به‌جا هم واقع شد. خب رژیم آمریکا رژیم استکباری است و رژیم استکباری، جامع بسیاری از ضررها و شیطنت‌ها و بدی‌ها است. رژیم استکباری، هم جنگ‌افروز است، هم تروریست است، هم تروریست‌پرور است، هم مداخله‌گر است، هم فاسد است، هم انحصارطلب است؛ یعنی وقتی می‌گوییم «رژیم استکباری»، استکبار جامع همه‌ی این زشتی‌ها و بدی‌ها و شیطنت‌ها است. بنابر‌این، ستیزه‌گری با این استکبار، با این پدیده، عین عقلانیّت است. حالا بعضی‌ها می‌گویند «آقا! این خلاف عقلانیّت است، خلاف تدبیر است»؛ نه، خلاف تدبیر نبود؛ این درست عین عقلانیّت بود؛ تسلیم شدن و زیر بار رفتن، ضدّ عقلانیّت بود.

## آمریکا؛ شروع‌کننده‌ی ستیزه‌گری

شروع‌کننده هم ما نبودیم؛ یعنی این جور نبود که اوّل [ما] شروع [کنیم] -در قرآن کریم هم اتّفاقاً در یک موردی عین همین وجود دارد: «وَ هُم بَدَءوکُم اَوَّلَ مَرَّة»[[175]](#footnote-175)- آن‌ها شروع‌کننده بودند. بعد از انقلاب که ما به سفارت حمله نکردیم؛ سفارت آمریکا در اوّلِ انقلاب بود و مشغول کارشان هم بودند، امّا آن‌ها شروع کردند علیه انقلاب حرکت کردن: هم در خود آمریکا قطعنامه بگذرانند، سخنرانی کنند، در کنگره علیه جمهوری اسلامی که تازه متولّد شده تصمیم‌گیری کنند، گروه تروریستی راه بیندازند، گروه‌های کودتاگر به وجود بیاورند و تمهید کنند و برنامه‌ریزی کنند، هم در خود سفارت -که به‌حق گفته شد «لانه‌ی جاسوسی»- تمهیدات جاسوسی عظیمی را فراهم بکنند؛ [لذا] آن‌ها شروع کردند و شروع‌کننده آن‌ها بودند.

### حرکت کاملاً عقلانی حمله به سفارت

وقتی که شروع کردند، حرکت دانشجویان که به سفارت حمله کردند در حقیقت حرکت دفاعی بود، به‌جا بود، به‌موقع بود، کاملاً عقلانی بود.

## تصوّر غلط برخی از نتیجه‌ی تسلیم شدن مقابل آمریکا

و این را هم عرض بکنیم که تصوّر بعضی‌ها از دولت آمریکا و رژیم آمریکایی یک تصوّر غلطی است؛ خیال می‌کنند اگر چنانچه دولتی خودش را تسلیم کرد به آن رژیم، بهره خواهد برد از او؛ نخیر، همین‌هایی هم که در دنیا می‌بینید با آمریکا ارتباط دارند امّا یک مقداری وضعشان بهتر است، به خاطر این است که تسلیم نشده‌اند -البتّه به هر اندازه‌ای که با آمریکا ارتباط داشته باشند و او دخالت کند، ضربه می‌خورند- امّا آنهایی که خودشان را تسلیم آمریکا کردند و سیاست‌های آمریکایی را پذیرفتند و زیر بار زورگویی‌های آمریکا رفتند، ضربه خوردند؛ نمونه‌اش کمپ‌دیوید است که واقعاً سی چهل سال این‌ها عقب افتادند؛ نمونه‌اش رژیم پهلوی در کشور خودمان است که کشور را واقعاً عقب‌افتاده کردند با تسلیم در مقابل سیاست‌های آمریکا. و روز‌به‌روز هم هر چه بگذرد، این جور رژیم‌ها وابسته‌تر و گرفتارتر می‌شوند.

## سیاست حساب‌شده و ثابت ما در برابر آمریکا

در مورد آمریکا، سیاست ما یک سیاست حساب شده و مشخّصی است و این سیاست، با رفت و آمد اشخاص تغییر پیدا نمی‌کند. حالا امروز انتخابات آمریکا است، بعضی‌ها همین‌ طور [حرف می‌زنند] راجع به این‌که چه کسی بیاید، چه کسی نیاید، اگر این بیاید چه می‌شود، اگر آن بیاید چه می‌شود. خب بله، ممکن است حوادثی اتّفاق بیفتد، [امّا] به ما ارتباطی نخواهد داشت؛ یعنی در سیاست ما هیچ تأثیری نمی‌گذارد؛ سیاست ما حساب‌شده است، مشخّص است و رفت و آمد اشخاص در آن تأثیر ندارد.

## وضع تماشایی آمریکا!

منتها وضع خود آن‌ها را شما [اگر] ملاحظه کنید، وضع تماشایی‌ای است. رئیس‌جمهوری که الان سرِ کار است و انتخابات را برگزار کند، می‌گوید که این متقلّبانه‌ترین انتخابات تاریخ آمریکا است! این را چه کسی می‌گوید؟ این را آن رئیس‌جمهوری می‌گوید که خودش الان سرِ کار است و انتخابات را در واقع او دارد اجرا می‌کند. آن یکی رقیبش هم در مقابل می‌گوید که ترامپ قصد تخلّف وسیع دارد! دموکراسیِ آمریکایی این است؛ خودشان درباره‌ی انتخاباتشان این جور حرف می‌زنند؛ این نمونه‌ای از چهره‌ی کریهِ لیبرال‌دموکراسی در داخل خود آمریکا است.

## انحطاط سیاسی و مدنی و اخلاقی رژیم آمریکا

خب حالا قطع نظر از این‌که کدام انتخاب بشوند -ممکن است این یکی [انتخاب بشود]، ممکن است آن یکی انتخاب بشود، که حالا امروز معلوم خواهد شد- لکن یک مطلب کاملاً روشن است و آن انحطاطِ سیاسی و مدنی و اخلاقیِ رژیمِ آمریکا است؛ هر کدام انتخاب بشوند فرقی نمی‌کند.

انصافاً رژیم آمریکا به‌شدّت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این هم تحلیل نیست؛ این [مطلبی] که من می‌گویم، این جور نیست که حالا تحلیل باشد؛ این را خودشان می‌گویند؛ این حرف سخنگویان خودشان و نویسندگان خودشان و صاحبان فکر از داخل خود آمریکا است؛ آن‌ها این حرف را می‌زنند. در این چند سال چند کتاب نوشته‌اند، با تیراژهای بالا در داخل آمریکا منتشر شده که برخی پرده‌ها را این کتاب‌ها بالا می‌زند. یکی از این کتاب‌ها را که به فارسی ترجمه شده، بنده خواندم؛ پُر از شواهدِ همین انحطاط است؛ یعنی واقعاً [اگر] کسی آن کتاب را بخواند، [می‌بیند که] اوّل تا آخر کتاب نشان‌دهنده‌ی انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا است.

### منهدم شدن قطعی این امپراطوری

این امپراتوریِ این جوری دیری نخواهد پایید؛ معلوم است که وقتی کار یک سیاست، کار یک رژیم به این‌جا رسید، این دیگر خیلی عمر طولانی نخواهد کرد و منهدم خواهد شد. البتّه بعضی‌هایشان هستند که اگر سرِ کار بیایند زودتر منهدم می‌کنند، بعضی هستند که اگر سرِ کار بیایند ممکن است یک خرده دیرتر منهدم بشود؛ لکن به هر حال این حقیقت است.

## قوی شدن ما و مأیوس کردن دشمن، تنها راه برطرف کردن دشمنی‌ها

دشمنی‌شان با ما هم به خاطر این است که ما سلطه‌ی ظالمانه‌ی آن‌ها را به رسمیّت نشناخته‌ایم؛ یعنی چون زیر بار آن‌ها نرفته‌ایم، چون سیاست‌های آن‌ها را در منطقه قبول نکرده‌ایم، چون سیاستشان نسبت به فلسطین را رد کرده‌ایم، چون سیاست‌های ظالمانه‌ی آن‌ها را قبول نکرده‌ایم، این‌ها با ما دشمنی می‌کنند و این دشمنی ادامه هم دارد. تنها راه برطرف کردن این دشمنی این است که ما این‌ها را مأیوس کنیم؛ یعنی بایستی ملّت ایران و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی کار را به جایی برسانند که طرف مقابل مأیوس بشود از این‌که بتواند ضربه‌ی اساسی وارد بکند. باید قوی بشویم؛ این را من بارها عرض کرده‌ام به ملّت عزیزمان و به مسئولین هم در جلسات کاری، در جلسات خصوصی، در نگاه عمومی، مکرّر مطرح کرده‌ام. بایستی این ابزارهای قدرت را -قدرت واقعی، نه قدرت پوشالی- در خودمان تقویت کنیم، ملّت قوی بشود، کشور قوی بشود، [آنگاه] دشمن مأیوس این‌ها بوده، مردم واقعاً خوب ایستادند، انصافاً ایستادگی کردند و مشکلات را تحمّل کردند و از خودشان استقامت نشان دادند.

## نیاز به افزایش تلاش مسئولین در سه حوزه‌ی اقتصاد، امنیّت و فرهنگ

به نظر من در سه زمینه مسئولین بایستی یک مقداری تحرّک بهتری داشته باشند: یکی در زمینه‌ی اقتصاد است، یکی در زمینه‌ی امنیّت است، یکی در زمینه‌ی فرهنگ است؛ ما مسئولین در این سه زمینه باید تلاشهایمان را افزایش بدهیم.

## نگاه صحیح و اصولی در زمینه‌ی اقتصاد

در زمینه‌ی اقتصاد نگاه صحیح و اصولی این است که مطلقاً به بیرون کشور نگاه نکنیم؛ نه این‌که رابطه‌مان را قطع کنیم؛ بنده هر دفعه که می‌گویم علاج را در داخل بجوییم، یک عدّه‌ای برمی‌دارند این‌جا و آنجا، در فضای مجازی [می‌گویند:] «معتقدند که ما با خارج ارتباط را قطع کنیم»؛ نه، این نیست؛ ارتباطات باید برقرار باشد؛ مهم این است که ما علاج را از دیگران نخواهیم، علاج را از بیرون خودمان نخواهیم؛ علاج در درون خود ما است، در داخل کشور است که یک قلم عمده‌‌اش هم افزایش تولید است که بارها روی آن من تکیه کرده‌ام. باید یک تلاش برنامه‌ریزی‌شده و سازمان‌یافته در زمینه‌ی اقتصاد انجام بگیرد.

### ربط نداشتن خیلی از مشکلات کنونیِ ما به تحریم

خیلی از مشکلات کنونیِ ما ربطی هم به تحریم و مانند این چیزها ندارد؛ مربوط به خود ما است، مربوط به ناهماهنگی‌ها است. این گرانی‌های اخیر واقعاً توجیه ندارد؛ بسیاری از این گرانی‌های اخیر واقعاً توجیه ندارد؛ باید علاج بشود و قابل علاج است؛ بایستی مسئولین با هماهنگی علاج کنند.

### امکان حلّ این مشکلات با مدیریّت هماهنگ دستگاه‌ها

شما نگاه که می‌کنید، گرانی از گوشت قرمز و گوشت مرغ و گوجه فرنگی بگیرید تا پوشک بچّه [وجود دارد]؛ خب گرانی‌های اینها، گرانی‌های بی‌دلیلی است، هیچ استدلالی پشت این گرانی‌ها وجود ندارد؛ و جنس هم هست؛ مشکل هم وزارت صمت، هم مسئولین تعزیرات، هم بسیج، هم بعضی از دستگاه‌های دیگری که مرتبط با قضیّه هستند، [مثل] گمرک و دیگران، با همدیگر همکاری کنند و این مشکل را از جلوی پای مردم بردارند؛ همه‌ی این‌ها قابل کنترل است. بنابراین با مدیریّت هماهنگ دستگاه‌ها این مشکلات قابل برطرف شدن است.

## اهمّیّت تأمین امنیّت خارجی و امنیّت داخلی

در باب امنیّت [هم] که عرض می‌کنیم، عمده مراد امنیّت خارجی است که باید کشور به ابزارهای دفاعی مجهّز بشود؛ [مثل] همین موشک و پهپاد و هواپیما و امثال این‌ها که مشغول [ساختن هم] هستند؛ این‌ها امنیّت خارجی کشور را تأمین می‌کند؛ یعنی موجب می‌شود که کشور مطمع[[176]](#footnote-176) دشمن قرار نگیرد، دشمن به کشور طمع نکند. این جور نیست که ما خیال کنیم که همه‌ی مشکلات با ساختن موشک درست می‌شود؛ نه، نخیر؛ بعضی از مشکلات هست که هیچ ربطی هم به موشک ندارد؛ امّا بسیاری از مشکلات هم هست که به همین ابزارهای دفاعی ارتباط پیدا می‌کند.

در باب امنیّت داخلی هم دستگاه‌های امنیّتی ما باید مواظب نفوذ باشند؛ عمده نفوذ است؛ نفوذ دشمن در دستگاه‌های مختلف و اعمال وسوسه‌هایشان؛ مشکل عمده این است. باید مراقب باشند که این [مشکل] را درست کنند.

## نیاز به تلاش هوشمندانه در کار فرهنگی

در باب فرهنگ هم همین جور؛ مسئولین فرهنگی باید تلاش‌های هوشمندانه‌ای بکنند. گاهی حجم کار فرهنگی‌ ما زیاد است، لکن بایستی فعّالیّت هوشمند باشد؛ یعنی بدانیم کجا نیاز به چه چیزی است، به کدام کار فرهنگی [نیاز] است، برویم سراغ آن کار؛ که اگر این کار انجام بگیرد، به نظر من این سه مقوله، یعنی مقوله‌ی اقتصاد، امنیّت، فرهنگ، سه مقوله‌ی اساسی است که می‌توان این‌ها را با تدبیر، با هماهنگی، با پیگیری [پیش برد]؛ و خب بحمدالله مسئولین مشغول هستند، یک مقداری جدّیّت را باید بیشتر کنند و کار انجام بگیرد.

## لزوم آزاد‌سازی شهرهای اشغالی آذربایجان و تأمین امنیّت ارامنه

یک نکته‌ی آخری هم راجع به این جنگی است که متأسّفانه در همسایگی ما، بین دو همسایه‌ی ما [یعنی] آذربایجان و ارمنستان در جریان است. این جنگ حادثه‌ی تلخی است و امنیّت منطقه را تهدید می‌کند و برای کشور ما هم خوب نیست؛ بایستی هر چه زودتر تمام بشود و البتّه همه‌ی سرزمین‌های آذربایجان که به وسیله‌ی ارمنستان تصرّف شده، باید آزاد بشود؛ یعنی بایستی همه‌ی این سرزمین‌ها برگردد به خود آذربایجان -یکی از شرایطِ اصلیِ کار [این] است- [زیرا] که متعلّق به آذربایجان است و جمهوری آذربایجان برای آزادی این‌ها دارای حق است و بایستی آزاد بشود. البتّه بایستی امنیّت ارامنه‌ای که در این سرزمین‌ها هستند محفوظ باشد و مرزهای بین‌المللی هم باید رعایت بشود؛ یعنی دو طرف به مرزهای بین‌المللیِ کشورها تعدّی و تجاوز نکنند و مرزهای بین‌المللی بایستی محفوظ باشد و تروریست‌ها هم بایستی در نزدیکی مرزهای ما مستقر نشوند.آن طور که در گزارشها هست، اگر چه بعضی‌ها انکار می‌کنند، لکن در گزارشهای قابل اطمینان وجود دارد که یک تعدادی تروریست از این‌جا و آن‌جا وارد این ماجرا شده‌اند؛ اگر این‌ها نزدیک مرز باشند و احساس خطر بشود، قطعاً برخورد قاطع خواهد شد؛ این‌ها بایستی نیایند.

## دعا

امیدواریم که ان‌شاءالله همه‌ی ملّت‌های مسلمان و همه‌ی ملّت‌های منطقه و همه‌ی آحاد بشری از این مشکلات نجات پیدا کنند و ملّت عزیز ایران به برکت این ولادت معظّم و روح مطهّر نبیّ مکرّم اسلام و امام صادق (علیهما السّلام) و روح مطهّر امام بزرگوار، ان‌شاءالله روزهای خوبی را در آینده مشاهده کند و ما کاملاً امیدوار به این آینده‌ی نزدیک هستیم.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# \*\*\* آذر 1399

# خبر - دیدار اعضای شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی 4/9/1399

## چهار محور لازم برای اقتصاد کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای سه قوه و دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی با اشاره به چهار محور لازم برای اقتصاد کشور یعنی حل مشکل کسری بودجه، افزایش سرمایه‌گذاری، جهش تولید و حمایت از قشرهای ضعیف خاطرنشان کردند: باید با همت جدی و تلاش پیگیر مسئولان، تأثیر اجرای راهکارهای عملی در زندگی مردم مشخص شود.

## اقتصاد؛ موضوع اصلی کشور

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اقتصاد را موضوع اصلی کشور خواندند و افزودند: این‌که در سالهای اخیر شعار هر سال، موضوعی اقتصادی انتخاب شده، به همین دلیل است. ضمن آن‌که معیشت مردم حقاً دچار تنگی شده و در ماههای اخیر نیز کرونا، مشکلات را بیشتر کرده است.

## راهکارهای عملی کوتاه‌مدت؛ هدف از برگزاری این جلسه

ایشان افزودند: هدف از برگزاری این جلسه، بیان راهکارهای عملی است که در کوتاه‌مدت نتیجه دهد و تأثیر آن در زندگی مردم مشخص شود که البته لازمه اجرای این راهکارهای عملی و تأثیرگذاری آنها، همت جدی و تلاش پیگیر رؤسای قوا و مسئولان مرتبط با سه قوه در تشکیلات و سازمانهای آن‌ها است.

## مشکل، نداشتن یا ندانستن راهکار نیست

رهبر انقلاب اسلامی قبل از بیان راهکارها، دو نکته مهم را بیان کردند و افزودند:

«مشکل اقتصاد کشور نداشتن راه‌کار یا ندانستن راه‌کار نیست، راه‌کارها را کارشناسان می‌دانند. من می‌بینم از دولتی‌ها، از کسانی که در بخش‌های دولتی هیچ مسئولیتی ندارند اما اقتصاددانند، از دانشگاهی‌ها همه‌شان می‌بینیم چیزهای مشترکی را بیان می‌کنند... راهکارهای مشترکی را [بیان می‌کنند] بنابر این راهکارها معلوم است، ما چی کم داریم؟ آن چیزی که ما نیاز داریم یک همت و شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری است این را ما لازم داریم.»

## تحریم‌ها؛ یک واقعیت تلخ و جنایت امریکا و شرکای اروپایی

رهبر انقلاب اسلامی نکته دوم خود را به موضوع تحریم‌ها به عنوان یک واقعیت تلخ و جنایت امریکا و شرکای اروپایی بر ضد ملت ایران اختصاص دادند و افزودند: این جنایت سال‌ها است که بر ضد ملت ایران انجام می‌شود اما در سه سال اخیر شدت یافته است.

## علاج تحریم‌ها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این‌که برای علاج تحریم‌ها دو مسیر «خنثی‌سازی تحریم‌ها و غلبه بر آنها» و «رفع تحریم» وجود دارد، افزودند:

«مسئله‌ی رفع تحریم که مسیر اول است، این را ما رفتیم؛ ما چند سال مذاکره کردیم، اثر نکرد؛ راه دوم، غلبه‌ی بر تحریم است، غلبه‌ی بر تحریم؛ این راه دوم عملیاتی است؛ بله سختی‌هایی دارد، اما خوش عاقبت است.»

## شرط بی‌اثر کردن تحریم‌ها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: اگر با تلاش و ابتکار و با سینه سپر کردن در مقابل مشکلات بتوانیم بر تحریم‌ها غلبه کنیم و طرف مقابل بی‌اثر شدن تحریم‌ها را ببیند، به‌تدریج دست از تحریم برخواهد داشت.

ایشان دو نکته مقدماتی خود را این‌گونه جمع بندی کردند: ما ظرفیّت‌ها و توانایی‌های فراوانی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها داریم، به شرط آن‌که بخواهیم و همت کنیم و به دل مشکلات برویم.

## امید به ایجاد آثار مثبت اقتصادی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس با بیان بعضی از راه‌حل‌های پیشنهاد شده کارشناسان و متخصصان در چهار سرفصل «کسری بودجه»، «افزایش سرمایه گذاری دولتی و نهادهای عمومی»، «جهش تولید» و «حمایت از قشرهای ضعیف» ابراز امیدواری کردند که با اجرای این راهکارها، آثار مثبتی در اقتصاد کشور و زندگی مردم پدید آید.

## پیشنهادهایی برای جهش تولید

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این‌که با وجود برخی کارها، شعار سال در حد انتظار تحقق نیافته، افزودند: کارشناسانِ بخش‌های دولتی و غیردولتی برخی راهکارهای عملیاتی مشخص را برای جهش تولید پیشنهاد کرده‌اند از جمله: «افزایش تولید خودرو با اتکاء به ظرفیت قطعه‌سازان داخلی»، «افزایش تولیدات صنعت نفت با تکیه بر دانش‌بنیان کردن صنایع نفتی» و «افزایش تولید خوراک دام و دانه‌های روغنی».

## ضرورت حمایت از قشرهای ضعیف

رهبر انقلاب همچنین بر «ضرورت حمایت از قشرهای ضعیف» تأکید کردند و افزودند: اقتصاد خانواده‌ها به علت رکود تورمی در چند سال اخیر به شدت تحت فشار بوده و اکنون نیز کرونا بر مشکلات افزوده و دشواری‌های جدی معیشتی برای گروههای زیادی از مردم به‌وجود آورده است که باید در این زمینه اقدامی جدی انجام داد.

ایشان «ایجاد نظام متمرکز تأمین اجتماعی برای آحاد مردم» و «ایجاد پایگاه ملی ایرانیان با اتصالِ پایگاههای مختلف اطلاعاتی به یکدیگر» را از جمله پیشنهادهای کارشناسان برای کاهش مشکلات مردم برشمردند.

## امید نبستن به آمریکا و اروپا

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه افزودند:

«فرض کنیم گشایشی از بیرون بشود یا نشود، در هر صورت ما بنا را بر این بگذاریم که گشایش بنا نیست بشود، کارها را اینجوری برنامه‌ریزی کنیم. اون کسانی که چشم امید به این‌ها هست دارند دشمنی می‌کنند با ما. خب حالا وضع آمریکا که معلوم نیست! زمانه‌ای است که هرکس به خود گرفتار است؛ گرفتاری‌شان اجازه نمی‌دهد که حالا درباره‌ی مسائل بین‌المللی واقعاً یک حرفی بزنند، نظری ابراز کنند که آدم بتواند روی آن برنامه‌ریزی کند. اما اروپایی‌ها می‌بینید دارند حرف می‌زنند دیگر؛ مرتباً اظهار وجود می‌کنند علیه ما؛ اعلامیه می‌دهند که باید موشک چنین بشود، چنان بشود؛ خودشان بیشترین دخالت‌های نادرست را در مسائل گوناگونی که به آن‌ها هیچ ارتباط ندارد می‌کنند؛ از جمله مسائل منطقه‌ی ما. در مورد موشک؛ خودشان موشک‌های اتمی مخرب که عقل و نقل، دین و دنیا آن‌ها را رد می‌کند انبار می‌کنند و دارند؛ هم انگلیس دارد؛ هم فرانسه دارد؛ آلمان هم در صراط این چیزها هست، حالا دارد یا ندارد خیلی روشن نیست. به ما می‌گویند موشک عادی هم نداشته باشید! خب به شما چه ربطی دارد؟ شما اول خودتان را اصلاح کنید بعد در این زمینه‌ها اظهار نظر کنید. بنابراین می‌بینید این‌ها کسانی نیستند که بشود به این‌ها اطمینان کرد، بشود به امید گشایشی از ناحیه‌ی این‌ها نشست.»

## پایان خوب دولت دوازدهم با در دستور کار قرار دادن حرکت و عمل

رهبر انقلاب اسلامی در پایان خاطرنشان کردند: اگر حرکت و عمل در دستور کار قرار گیرد و کارهایی که می‌تواند به نفع مردم باشد، انجام شود، یقیناً دولت دوازدهم پایان خوبی خواهد داشت.

# پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان 5/9/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[177]](#footnote-177)

## ویژگی‌های بسیج

بسیج یادگار بزرگ و درخشان امام راحل، و مظهر اقتدار ملی، و نمایشگاه صفا و اخلاص و بصیرت و مجاهدت است.

در دفاع از کشور و استقلال و ثبات آن، در خدمات حیاتی با مقیاس گستره‌ی کشوری، در فعالیّت‌های پیشرو علمی و فناوری‌های نوین، در رویکردهای ارزشی و ایجاد فضای معنوی، همه جا نام بسیج برده می‌شود و حضور بسیج جلوه می‌کند.

## پایه‌های اصلی این توانایی‌ها و گره‌گشایی‌ها

ایمان، و عزم، و احساس مسئولیت، و اعتماد به نفس، پایه‌های اصلی این توانایی‌ها و گره‌گشایی‌ها است. و این‌ها خود نعمتها و موهبتهای خداوند است که باید با شکر الهی و مراقبت دائمی، آن‌ها را حفظ کرد و بر آن افزود.

## تلاش دشمنان برای نابودی یا بی‌اثر کردن بسیج

بسیج، ثروت بزرگ و ذخیره‌ی خداداد ملت ایران است. دشمنان این ملت، اکنون و همیشه در این اندیشه بوده‌اند و خواهند بود که آن را نابود یا بی‌اثر کنند. مسئولان سازمانی و یکایک بسیجیان عزیز خود را موظف به ابطال کید دشمن بدانند و با توکل و اخلاص و برنامه‌ریزی به پیش روند. موفق باشید ان‌شاءالله.

سیّد علی خامنه‌ای

۵ آذر ۱۳۹۹

# پیام رهبر انقلاب اسلامی به‌مناسبت شهادت دانشمند برجسته آقای محسن فخری‌زاده 8/9/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

## دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی

دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور جناب آقای محسن فخری‌زاده به دست مزدوران جنایتکار و شقاوت‌پیشه به شهادت رسید. این عنصر علمی کم‌نظیر جان عزیز و گران‌بها را به‌خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا مبذول داشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست.

## دو موضوع مهم

دو موضوع مهم را همه‌ی دست‌اندرکاران باید به جِدّ در دستور کار قرار دهند، نخست پیگیری این جنایت و مجازات قطعی عاملان و آمران آن، و دیگر پیگیری تلاش علمی و فنی شهید در همه‌ی بخش‌هایی که وی بدان‌ها اشتغال داشت.

## تبریک و تسلیت

اینجانب به خاندان مکرم او و به جامعه‌ی علمی کشور و به همکاران و شاگردان او در بخش‌های گوناگون، شهادت او را تبریک و فقدان او را تسلیت می‌گویم و علو درجات او را از خداوند مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۸ آذر ۱۳۹۹

# انتصاب نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان خراسان شمالی و امام‌جمعه‌ی بجنورد 18/9/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجةالاسلام آقای حاج شیخ رضا نوری دامت افاضاته

با توجه به پایان یافتن مسئولیت جناب حجةالاسلام آقای یعقوبی دام‌بقائه جنابعالی را که برخوردار از صلاحیت‌های علمی و عملی می‌باشید به نمایندگی خود در استان خراسان شمالی و امامت جمعه‌ی شهر بجنورد منصوب می‌کنم. حساسیت آن استان مرزی، و آزمون‌های موفق مردم عزیز آن در همه‌ی حوادث مهم دوران‌های انقلاب و دفاع مقدس و پس از آن تا امروز، و همگرایی آموزنده‌ی برادران شیعه و سنی و قومیت‌های متعدد، و دیگر افتخارات ایشان، وظائف سنگینی را بر عهده‌ی جنابعالی و دیگر مسئولان استان می‌گذارد. توصیه‌ی مؤکد اینجانب، ارتباط صمیمانه با همه‌ی قشرها و تکریم خانواده‌های معظم شهیدان و دیگر ایثارگران و غنی‌سازی خطبه‌های نمازجمعه است. از خداوند متعال توفیقات شما را مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۱۸ آذر ۱۳۹۹

# پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله یزدی 19/9/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم مجاهد و پارسا آیةالله آقای حاج شیخ محمد یزدی رضوان‌الله‌علیه را به حوزه‌ی علمیه‌ی معظم قم و مراجع عظام و علمای عالی‌مقام و جامعه‌ی محترم مدرسین و به شاگردان و دوستان و ارادتمندان آن مرحوم و به‌طور ویژه به خاندان گرامی و فرزندان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. سوابق انقلابی و مبارزات دوران طاغوت در کنار حضور پیوسته و همیشگی در همه‌ی دوران‌های انقلاب و اشتغال به مسئولیت‌های بزرگ در اداره‌ی کشور همچون ریاست قوه‌ی قضاییه و عضویت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، و در کنار فعالیت علمی و فقهی، شخصیتی جامع و اثرگذار از این عالم جلیل پدید آورده بود. ایمان راسخ به مبانی انقلاب و استقامت در این راه و غیرت دینی و انقلابی، نشانه‌های بارز دیگری از این شخصیت مکرم بود. امید است این وزن سنگین ذخیره‌ی معنوی مایه‌ی علو درجات ایشان باشد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و رضوان الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۹ آذر ۱۳۹۹

# دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده‌ی‌ شهید سلیمانی 26/9/1399

(در آستانه‌ی سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و شهدای مقاومت.)[[178]](#footnote-178)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

## لزوم مردمی بودنِ کارهای گوناگون در برنامه‌ی سالگرد شهید سلیمانی

اوّلاً خیلی تشکّر می‌کنم از برادران و خواهرانی که این ستاد بزرگداشت سالگرد شهید سلیمانی را ترتیب دادند، و همچنین تشکیلات تجلیل و تکریم شهدای حرم و شهدای بزرگ دنیای اسلام را تشکیل دادند؛ همچنین آن مجموعه‌ای که خانواده‌ی محترم شهید عزیزمان تشکیل دادند به عنوان «مکتب سلیمانی»؛ همه‌ی این‌ها کارهای بسیار لازم و خوب و مفیدی است و ان‌شاءالله بایستی با توانایی، با هوشیاری، با دقّت دنبال بشود؛ و همه‌ی سعی خودتان را بکنید. این را هم توجّه داشته باشید همین طور که سردار بیان کردند، قضایای مرحوم شهید سلیمانی عزیزمان، قضایای مردمی است؛ یعنی بایستی خود مردم -که واقعاً علاقه دارند؛ که خب نشان دادند در تشییع و مانند آن- در بخش‌های مختلف، کارهای گوناگون، تلاش‌های فرهنگی و غیره، مشارکت و ابتکار داشته باشند؛ [کارها را] منحصر نکنیم در یک مجاری خاصّی.

## شهید سلیمانی؛ هم قهرمان ملّت ایران و هم قهرمان امّت اسلامی

امّا آنچه من به این مناسبت راجع به شهید سلیمانی عزیزمان، که من یاد او را هرگز فراموش نمی‌کنم، و همچنین شهید ابومهدی مهندس (رضوان ‌الله‌ تعالی ‌علیهما) می‌خواهم عرض بکنم، این است که شهادت سلیمانی یک حادثه‌ی تاریخی است، یک حادثه‌ی معمولی نیست که از یاد تاریخ برود؛ این در تاریخ ثبت شد به عنوان یک نقطه‌ی روشن. و شهید [سلیمانی]، هم قهرمان ملّت ایران شد و هم قهرمان امّت اسلامی شد؛ این نکته‌ی اساسی است. ایرانی‌ها هم به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آن‌ها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش می‌کند، مجاهدت می‌کند، خودسازی می‌کند، تبدیل می‌شود به چهره‌ی درخشان و قهرمان امّت اسلامی؛ که حالا من دو سه جمله‌ی دیگر، بعد در این مورد عرض می‌کنم.

### شهید سلیمانی؛ تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران

امّا قهرمان ملّت ایران است، به خاطر این‌که ملّت ایران داشته‌های فرهنگی خودش و معنوی خودش و انقلابی خودش را و ارزشهای خودش را در او متبلور دید، در او مجسّم دید. ایشان هنوز زنده بود و رفت ‌و ‌آمد می‌کرد -خیلی هم معمولی؛ هیچ پیرایه‌ای هم برای خودش قائل نبود- که من می‌دیدم در این خیابان‌ها عکس‌های او را زده‌اند و به او افتخار می‌کنند. وقتی شهید شد، فقط انقلابی‌ها نبودند که او را تکریم کردند و بزرگداشت برای او در ذهن و عالم واقع و خارج ایجاد کردند [بلکه] همه‌ی اقشار نسبت به او -حتّی کسانی که انتظار نمی‌رفت نسبت به یک عنصر انقلابی، این جور ابراز احساسات بکنند- ابراز احساسات کردند؛ چرا؟ به خاطر همین: تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران بود؛ این خیلی باارزش است.

#### شجاعت و روحیه‌ی مقاومت

از طرفی دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت جزو خصلت‌های ایرانی است. زبونی و عقب‌نشینی و انفعال و مانند این‌ها ضدّ روحیه‌ی ملّی ما است. آن‌هایی که ادّعای ملّیّت می‌کنند و عملاً زبونی از خودشان نشان می‌دهند، دچار تناقضند. و او مظهر شجاعت بود، مظهر مقاومت بود؛ این را همه مشاهده می‌کردند و می‌دیدند.

#### درایت و تیزهوشی

از طرفی دارای درایت و تیزهوشی بود، خیلی تیزهوش بود؛ [در این مورد] خیلی نکات هست. این مسئله‌ی بروز یک جریانِ به‌ظاهر مذهبیِ متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه‌ مقاومت را ایشان مدّت‌ها قبل پیش‌بینی کرد؛ که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم می‌بینم در وضع دنیای اسلام -اسم آورد از بعضی از کشورها- یک جریانی دارد به وجود می‌آید؛ بعد از مدّتی داعش به وجود آمد. آدم بادرایتی بود، آدم باهوشی بود. در ادا‌ره‌ی اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در آن‌ها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد؛ این را بنده کاملاً حس می‌کردم. خب، ما دائماً در حال ارتباط بودیم در مسائل گوناگون؛ بادرایت بود. این هم یکی از خصوصیّات ایرانی است، یکی از خصوصیّات داشته‌های فرهنگیِ ما ملّت ایران است.

#### روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی

از طرفی روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملّت و آن ملّت و مانند این‌ها [مطرح] نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت.

#### اهل معنویّت و اخلاص و آخرت‌جویی

از طرفی اهل معنویّت و اخلاص و آخرت‌جویی بود؛ واقعاً معنوی بود، واقعاً اهل معنا و اهل اخلاص بود، و اهل تظاهر نبود.

خب این‌ها مجموعه‌ی مکارم اخلاق است، این‌ها مکارم باارزشی است. این را مردم دیدند؛ این تبلور پیدا کرد در این آدم؛ در بیابان‌های فلان کشور و فلان کشور و روی کوه‌ها و در مقابل دشمنان گوناگون رفت، و این ارزش‌های فرهنگی ایرانی را در واقع مجسّم کرد، متبلور کرد، نشان داد؛ پس قهرمان ملّت ایران شد.

### شهید سلیمانی؛ اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام

از طرفی، گفتیم قهرمان امّت اسلامی است؛ چرا؟ چون شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود -شهادتش هم مکمّل این معنا بود- اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الان در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان شهید سلیمانی است. در کشورهای مختلف او را احترام می‌کنند، تکریم می‌کنند، عکسش را می‌زنند، نامش را پخش می‌کنند، برایش مجلس درست می‌کنند. در واقع ایشان نرم‌افزارِ مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملّت‌ها تعلیم کرد، به ملّت‌ها سرایت داد، در ملّت‌ها رایج کرد؛ این‌ها خب نقش‌های خیلی مهم و بسیار حسّاسی است؛ لذاست که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیّت برجسته و یک چهره‌ی قهرمانیِ اسلامی است.

## شهید سلیمانی؛ قهرمانِ شکست استکبار

شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد؛ این‌ها ادّعا نیست، این‌ها چیزهایی است که اثبات‌شده است. در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش این‌که رئیس‌جمهور آمریکا[[179]](#footnote-179) آمد گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتّی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود.[[180]](#footnote-180) این را همه‌ی دنیا قبول کردند که آمریکا در عراق و سوریه -به‌خصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ چه کسی در این قضیه فعّال بود؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیاتِ خودش این‌ها را شکست داد.

پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعاً فراموش‌نشدنی‌ای [بود]؛ و همچنین تشییع میلیونی‌ای که در عراق شد؛ در نجف،‌ در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس با همدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیّر کرد. اینهایی که در جنگ نرمِ استکبار برجسته‌اند و در واقع آن‌ها هستند که دارند فعّالیّت می‌کنند و ژنرال‌های جنگ نرم آمریکا و استکبار هستند، اصلاً متحیّر ماندند که این چه وضعی است؛ این که بود، این چه بود؛ این چه حرکت عظیمی است که آن‌ها را شکست داد.

## سیلی‌های سخت به آمریکا

### حرکت مردمی عظیم و یک سیلی برادرها!

البتّه آنچه در شهادت او اتّفاق افتاد، اوّلین سیلی سختی بود که به آمریکا زده شد و تا آن زمان، مهم‌ترین سیلی به آمریکا همین حرکت مردمی عظیمی بود که انجام گرفت؛ بعد هم که خب برادرها یک سیلی‌ای زدند؛

### غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار

لکن سیلی سخت‌تر عبارت است از غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار؛ این سیلی سخت به آمریکا است که باید زده بشود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما [با] همّت، این هیمنه‌ی استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا بزنند، این یک؛

### اخراج آمریکا از منطقه

یکی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این همّت ملّت‌ها و سیاست‌های مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را انجام بدهند؛ این، سیلی سخت است.

### انتقام از قاتل

البتّه این‌ها غیر از انتقام از قاتل است؛ اینهایی که گفتیم، مربوط به مجموع استکبار و آمریکا است؛ قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند؛ آن به جای خودش محفوظ است. اگر چه به گفته‌ی یک عزیزی، کفش پای سلیمانی هم بر سرِ قاتل او شرف دارد و سرِ قاتل او هم برود، فدیه‌ی کفش سلیمانی هم نمی‌شود؛ این هست امّا بالاخره غلطی کردند، بایستی انتقام پس بدهند؛ هم آمر، هم قاتل بدانند که در هر زمان ممکن، هر وقت ممکن شد -ما دنبال وقت ممکن هستیم- باید انتقامشان را پس بدهند.

## چند توصیه به مسئولین و ملّت عزیز

خب حالا این جلسه، جلسه‌ی خوبی است و مزیّن است به نام شهید سلیمانی. من سه چهار توصیه می‌خواهم عرض بکنم در این جلسه که این توصیه‌ها خیلی مهم است:

### قوی شدن در حوزه‌های اقتصاد، علم، فنّاوری و دفاع نظامی

اوّلاً به مسئولین کشور و ملّت عزیزمان می‌خواهم توصیه بکنم سعی کنند قوی بشوند؛ به قول شاعر خراسانی ما: «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی».[[181]](#footnote-181) باید قوی بشوید؛ هم در اقتصاد قوی بشوید، هم در علم قوی بشوید، هم در فنّاوری باید قوی بشوید، هم در دفاع نظامی باید قوی بشوید؛ باید قوی بشوید. تا قوی نشوید، دشمن‌ها به شما طمع خواهند کرد، به شما تعرّض خواهند کرد، تجاوز خواهند کرد. این توصیه‌ی اوّل که توصیه‌ی همیشگی من است و من خودم تا توان دارم و تا توفیق از طرف پروردگار داشته باشم، این قضیّه را دنبال می‌کنم؛ مسئولین هم موظّفند دنبال کنند.

### عدم اعتماد به دشمن

ثانیاً به دشمن اعتماد نکنید؛ این توصیه‌ی قطعی من است. به دشمن اعتماد نکنید. برای مسیر رفع مشکلات مردم، برای درست شدن آینده‌ی کشور به وعده‌ی این و آن اعتماد نکنید؛ این توصیه‌ی به مسئولین است. این وعده‌ها وعده‌ی خوبان نیست؛ وعده‌ی بَدان و اشرار است امّا آن هم از هر صد تایش یکی وفا نکند! دشمنی‌ها را از یاد نبرید. دشمنی کردند. دیدید که آمریکای ترامپ و آمریکای اوباما با شما چه کرد. [البتّه] این فقط مال ترامپ نیست که حالا مثلاً فرض کنید چون ترامپ رفت، بگویند تمام شد؛ نه، آمریکای اوباما هم با شما بدی کرد، با ملّت ایران بدی کرد و سه کشور اروپایی هم همین جور. این سه کشور اروپایی نهایت بدعملی را انجام دادند و لئامت را و دورویی و نفاق را در مقابل ملّت ایران نشان دادند. این هم توصیه‌ی دوّم.

### حفظ اتّحاد ملّی

توصیه‌ی سوّم: اتّحاد ملّی را حفظ کنید. کشور ما احتیاج به اتّحاد دارد؛ اتّحاد ملّت ایران. ملّت ایران در خیلی از امور صدایشان صدای واحد است، خواستشان خواست واحد است، [امّا] مسئولان می‌توانند این را از بین ببرند. هنر مسئولان ما این است که این اتّحاد را، این همصدایی را تکّه‌تکّه کنند، ملّت را تکّه‌تکّه کنند، این‌ها را از بین ببرند! مسئولین کشور مراقب باشند که این اتّحاد را زیاد کنند. سه قوّه با همدیگر کار کنند و هم‌افزایی کنند؛ مخصوصاً رؤسای سه قوّه. اگر چنانچه این هم‌افزایی، این اتّحاد، این همکاری انجام بگیرد، مطمئنّاً این اتّحاد ملّی روز‌به‌روز قوی‌تر خواهد شد.

#### مذاکره با عنصر داخلی

خب، مذاکره؛ اختلافاتی وجود دارد، یا ممکن است وجود داشته باشد؛ با مذاکره این اختلافات را حل کنید. مگر شما نمی‌گویید با دنیا مذاکره کنیم؛ خیلی خب، چه‌طور با دنیا می‌شود مذاکره کرد، با عنصر داخلی نمی‌شود مذاکره کرد؟ خب بروید مذاکره کنید، حل کنید. بعضی از حرف‌هایی که آدم این روزها می‌شنود، حرف‌های اختلاف‌افکنی است، حرف‌های وحدت‌آفرین نیست.

### رفع تحریم دست دشمن، خنثیٰ ‌کردن تحریم دست ما

مطلب چهارم و آخر؛ من قبلاً هم گفته‌ام،[[182]](#footnote-182) حالا هم تکرار می‌کنم: رفع تحریم دست دشمن است، و خنثیٰ ‌کردن تحریم دست ما است؛ غیر از این است؟ ما که نمی‌توانیم خودمان رفع تحریم کنیم، دشمن باید رفع تحریم کند امّا خودمان می‌توانیم این تحریم دشمن را خنثیٰ کنیم. پس این مقدّم است، این درست است؛ بیشتر دنبال این باشیم.

البتّه نمی‌گویم دنبال رفع تحریم نباشیم؛ چرا، واقعاً اگر بتوانیم تحریم را رفع کنیم، یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم. البتّه چهار سال است تأخیر شده [یعنی] از سال ۹۵ بنا بوده همه‌ی تحریم‌ها یکباره برداشته بشود [امّا] تا الان نه فقط برداشته نشده، زیاد هم شده. تأخیر شده [امّا] اگر بتوانیم با روش درست، عاقلانه، با روش اسلامی و ایرانی، با روش عزّتمندانه تحریم را برطرف کنیم، باید برطرف کنیم. امّا به این نیندیشید؛ عمده به خنثیٰ کردن تحریم بیندیشید که دست شما است و شما می‌توانید این کار را بکنید. و دنبال کنید، با همدیگر کار کنید، تلاش کنید؛ این توصیه‌ی من است.

#### شرط حمایت از مسئولین کشور

من از مسئولین کشور حمایت می‌کنم [امّا] شرطش این است که به اهداف ملّت پایبند باشند.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به همه‌ی ملّت ایران، به همه‌ی مسئولین کشور توفیق بدهد تا بتوانند کارهای بزرگ را انجام بدهند.  
والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# بیانات در سخنرانی تلویزیونی به‌مناسبت ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار 30/9/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

والحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## تبریک و تسلیت

روز پرستار را که مزیّن و مشرّف به نام حضرت زینب کبریٰ (سلام الله علیها) است، به همه‌ی پرستاران عزیز و به گروه پرستاری تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم که خداوند متعال توفیقات خودش را شامل حال همه‌ی شماها بکند و نیک‌روزی و خوش‌عاقبتی و سعادت دنیا و آخرت را نصیب شما پرستاران عزیز و گروه‌های پرستاری بکند. لازم میدانم به خانواده‌های گرامی و عزیزی که در این حوادثِ کرونا عزیزان خودشان را که پرستار بودند از دست دادند تسلیت عرض بکنم و برای آن درگذشتگان فداکار و مجاهد، از خداوند متعال طلب علوّ درجات کنم.

## پرستار فرشته‌ی رحمت بیمار؛ هم مددکار پزشک و هم غمگسار مریض

امروز بحمدالله پرستاران در چشم مردم ما از همیشه عزیزتر و شرافتمند‌ترند؛ و این لطف خدا و نعمت خدا است. امیدواریم که همواره به همین شکل باشد و افزایش پیدا کند. پرستار فرشته‌ی رحمت بیمار است؛ این یک تعبیر واقعی است، به هیچ وجه مبالغه‌آمیز نیست؛ هم با جسم بیمار سر و کار دارد، هم با روح بیمار. در مورد جسم بیمار، پرستار در واقع شریک و همکار و مددکار پزشک است. بخش مهمّی از کار بهبودی جسمی بیمار را پرستار انجام می‌دهد؛ این در مورد جسم مریض. در مورد ارتباط با روح مریض، پرستار در واقع غمگسار و نوازشگر و آرامش‌بخش مریض است؛ این نقش بسیار مهمّی است. پرستاران، هم به جسم بیمار کمک می‌کنند و بهبودی او را سرعت می‌بخشند و در مواردی امکان‌پذیر می‌کنند، و هم این‌که جان او را، روح او را، اعصاب او را آرامش می‌بخشند؛ با یک لبخند، با یک حرف گرم، با یک حرکت مهربانانه، احساس خوبی را در بیمار به وجود می‌آورند و در روح او اثر می‌گذارند.

## نقش مهم و بزرگ پرستار در بهبودی بیمار

آن کمک جسمانی را که عرض کردیم این‌ها شریک و همکار پزشکند، باید خیلی مهم شمرد؛ چون واقعاً مهم است. حالا آن بیماری که احتیاج به پرستاری ندارد و سرِپا است یا بیماری سبکی دارد، بحثی در او نیست؛ لکن بیماری که نیاز به پرستار دارد، اگر بهترین پزشک [هم] در بالین او حاضر بشود و دستور بدهد و کمک کند امّا پرستاری نباشد که او را حمایت کند و در آغوش محبّت خودش بگیرد، بهبودی بسیار دشوار خواهد شد؛ یعنی نقش پرستاری در بهبودی بیمار نقش مهم و بزرگی است و اگر پرستار نباشد، ممکن است در مواردی معالجه به نتیجه نرسد.

## غمگساری و مهربانی؛ یکی از ارزش‌های والای اسلامی

امّا در باب کمک روحی که گفتیم غمگسار است، روحیه‌بخش است، مهربانی‌کن است، این یکی از ارزش‌های والای اسلامی است. در اسلام، شفقت و همدلی و مهربانی یکی از دستورهای عمده است. این‌که در قرآن کریم می‌فرماید «رُحَماءُ بَینَهُم‌»[[183]](#footnote-183) یعنی با یکدیگر مهربانند، رحیمند، این فقط مربوط به بیمارها نیست، مربوط به همه است. همه باید نسبت به همدیگر با شفقت باشند، با مهربانی باشند؛ این کاری است که پرستار انجام می‌دهد. پرستارها برای این کار، خودشان را، روحیه‌شان را آماده می‌کنند، خسته هم می‌شوند؛ این کار، خیلی خسته‌کننده هم هست امّا در عین حال تحمّل می‌کنند؛ آنجایی که باید لبخندی بزنند به بیمار، لبخند می‌زنند. این یکی از مهم‌ترین ارزشهای اسلامی و از توصیه‌های اسلامی است. واقعاً تلاش برای کاهش آلام یک انسان، جزو زیباترین مناظر زندگی انسان‌ها است.

## مناظر اعجاب‌انگیز از فعالیّت‌های پرستاران در ماه‌های اخیر

من می‌خواهم عرض بکنم این زیبایی در این سال کرونایی، در این ماه‌های کرونایی، بیشتر خودش را نشان داد. پرستارهای ما در بیمارستان‌ها، از خودشان حرکاتی را نشان دادند، مناظری را نشان دادند، فعالیّت‌هایی را نشان دادند که حقیقتاً این‌ها مایه‌ی اعجاب انسان می‌شود. خود پرستاری یک کار دشواری است، کار پُراضطرابی است؛ حالا اگر چنانچه بر این دشواری و بر این اضطراب، این هم اضافه شد که خطر واگیری وجود دارد، خطر ابتلا وجود دارد، این خیلی کار را دشوارتر می‌کند. پرستاران ما این کار دشوارتر را در این دوران کرونایی انجام دادند؛ با این‌که جان خودشان در خطر بود، با این‌که احتمال می‌دادند که خودشان مبتلا بشوند، در عین حال این کار را انجام دادند و مجموعه‌ی پرستاری ما، پرستاران عزیز ما، انصافاً کار بزرگی را در این مدّت به ثبت رساندند.

## دو تکلیف مسئولان

### اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری

خب، این مجاهدتی که در این مدّت انجام گرفت، پرستارها را در چشم مردم عزیز کرد. تا قبل از این قضایا، مردم خیلی توجّهی به اهمّیّت کار پرستاری نداشتند؛ در این قضیّه‌ی کرونا مردم فهمیدند که پرستاری چه کار بزرگی است، چه کار مهمّی است، چه ارزشهای والایی در درون آن وجود دارد؛ این را مردم فهمیدند. بنابر‌این، به چشم مردم -همان طور که قبلاً هم گفتم- این‌ها عزیز و شرافتمندتر از همیشه شدند، لکن این کافی نیست؛ من این را می‌خواهم عرض بکنم، این کافی نیست. بله، شما به چشم ما مردم خیلی عزیزید لکن مسئولان هم تکالیفی دارند، باید تکالیف خودشان را انجام بدهند، باید به فکر باشند. من البتّه در این زمینه نمی‌توانم بحث تخصّصی بکنم و این کار بایستی در مراکز تخصّصی انجام بگیرد. شاید یکی از کارهای لازم‌الاجرا که به بنده گزارش دادند عبارت باشد از اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری که این قانون مدّتها قبل تصویب شده و آن طور که برای من گفته می‌شود، این قانون به سود پرستارها است و برای آن‌ها مفید است لکن اجرا نشده؛ یک قانونی است بایستی اجرا بشود. البتّه کارهای دیگری هم وجود دارد.

### جدّیّت در استخدام پرستارها

از جمله کارهای خیلی خوب، استخدام پرستار است. من البتّه این را شاید در سه چهار سال پیش یک وقتی به مسئولین محترم گفتم که باید حدود سی هزار پرستار را استخدام کنید؛ مشکلاتی داشتند و مُتعذّر[[184]](#footnote-184) شدند به آن مشکلات و نشد؛ اخیراً خب یک اقداماتی انجام گرفته. این را باید به‌شدّت و با جدّیّت دنبال کنند؛ شوخی نیست. وضع پرستارهای ما بایستی آن‌چنان باشد که این‌ها بتوانند با خیال راحت به کارشان بپردازند؛ خانواده‌هایشان هم بایستی خاطرجمع باشند که این جوانشان، زنشان، مردشان که داخل بیمارستان مشغول به این خدمت بزرگ است، در این کار توفیقاتی خواهد داشت. امیدواریم ان‌شاء‌الله خدای متعال به همه این توفیق را بدهد.

## تبریک و دعا

خب، من مجدّداً روز پرستار را که روز ولادت حضرت زینب کبریٰ (سلام الله علیها) است به همه‌ی شما پرستاران عزیز و به گروه‌های پرستاری تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که ان‌شاءالله همه‌ی شما مشمول لطف و رحمت الهی باشید و ان‌شاءالله شما را دعا خواهم کرد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# \*\*\* دی 1399

# پیام تسلیت درپی درگذشت عالم ربانی، فقیه وحکیم مجاهد آیةالله مصباح یزدی 13/10/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[185]](#footnote-185)

با تأسف و تأثر فراوان خبر درگذشت عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، آیةالله آقای حاج شیخ محمدتقی مصباح یزدی را دریافت کردم. این، خسارتی برای حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی معارف اسلامی است. ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه‌ی دینی و نگارش کتب راه‌گشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه‌ی میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می‌شد، حقاً و انصافاً کم‌نظیر است. پارسائی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهدت بلندمدت است.

اینجانب که خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز می‌باشم، به خاندان گرامی و فرزندان عالم و صالح و دیگر بازماندگان ایشان و نیز به شاگردان و ارادتمندان این معلّم بزرگ و به حوزه‌ی علمیه تسلیت عرض می‌کنم و علوّ درجات ایشان و مغفرت و رحمت الهی را برای ایشان مسألت می‌نمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱۳ دی ۱۳۹۹

# بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی 19/10/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة ‌الله فی الارضین.

سلام عرض می‌کنم به مردم عزیز قم و به حوزه‌ی علمیّه‌ی عظیم‌الشّأن؛ وضع دیدار سالیانه‌ی امسالِ ما متأسّفانه به این شکل است و من از مشاهده‌ی چهره‌های منوّر برادران عزیز قمی محرومم، ولی خب این هم یکی از اَشکال زندگی است، از فراز و نشیب‌ها است؛ زندگی از این کوچه پس‌کوچه‌ها زیاد دارد، مسیر زندگی را باید طی کرد، ان‌شاءالله خواهد گذشت؛ این هم مثل همه‌ی حوادث تلخ و شیرین دیگر گذرا است و ان‌شاءالله به توفیق الهی مسیر زندگی در جادّه‌ی آسفالته قرار خواهد گرفت.

## حمد الهی و سپاسگزاری بابت حرکات خودجوش مردم در سالگرد شهید سلیمانی

بحث امروزِ من چند کلمه در باب‌ حادثه‌ی مهم و حماسه‌ی مهمّ نوزدهم دی است، و چند کلمه هم در باب برخی از مسائل روزی که در افکار عمومی مطرح است؛ ولی قبل از آن‌که موضوع اصلی را شروع کنم، لازم می‌دانم حمد الهی را به جا بیاورم و از مردم عزیز کشورمان سپاسگزاری کنم به خاطر حرکت عظیم حماسه‌گونه‌ای که در سالگرد شهید عزیزمان سلیمانی،[[186]](#footnote-186) در کشور به وجود آوردند. شهید سلیمانی و شهید ابومهدی در حرکات خودجوش مردم در سرتاسر کشور بحمدالله تجسّم عینی پیدا کردند و با این حرکت عظیم مردمی، روح تازه‌ای به کالبد کشور و ملّت دمیده شد که با هیچ بخشنامه‌ای، با هیچ دستوری امکان نداشت چنین حرکتی به وجود بیاید؛ این حرکت، ناشی از عواطف مردم، دل‌های مردم، بصیرت مردم و انگیزه‌های درست مردم بود؛ همچنین تجمّع بزرگ و شگفت‌انگیزی که در بغداد و در بعضی از شهرهای دیگر عراق برای تکریم و بزرگداشت شهید ابومهدی، فرمانده‌ی برجسته‌ی عراقی و شهید سلیمانی -مهمان عزیز مردم عراق- تشکیل شد. از همه‌ی براداران و خواهرانی که در این‌جا و در عراق در این مراسم شرکت کردند، صمیمانه تشکّر می‌کنم.

## گرامیداشت یاد شهدا

لازم می‌دانم نام شهدای همراه شهید سلیمانی را هم بیاورم؛ چون عظمت شهید سلیمانی موجب شد که نام این‌ها کمتر آورده بشود و کمتر مطرح بشود: شهید پورجعفری،[[187]](#footnote-187) شهید مظفّری‌نیا،[[188]](#footnote-188) شهید طارمی،[[189]](#footnote-189) شهید زمانی‌نیا[[190]](#footnote-190) که همه‌ی این‌ها جزو شهدای عالی‌قدر هستند؛ و همچنین همراهان شهید ابومهدی عراقی که نام آن‌ها را البتّه من در ذهن ندارم.

همچنین لازم می‌دانم گرامی بدارم یاد شهدای جان‌باخته‌ی در تشییع کرمان و همچنین در حادثه‌ی بسیار تلخ و ناگوار هواپیما در تهران[[191]](#footnote-191) که حقیقتاً حادثه‌ی تلخی بود، حادثه‌ی ناگواری بود، مسئولین کشور را هم داغدار کرد. و امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال آن شهدا را -چه شهدای کرمان را، چه شهدای تهران را- مشمول لطف و رحمت خودش قرار بدهد و به خانواده‌های آن‌ها صبر و تسلّا و آرامش دل عنایت کند، بفضله و منّه. البتّه مسئولین هم وظایفی دارند که به آن‌ها تذکّر داده شده.

### از دست دادن دو چهره‌ی بزرگ علمی

همچنین لازم می‌دانم به مناسبت چهلمین روز شهادت شهید فخری‌زاده[[192]](#footnote-192) (رضوان الله تعالی علیه) یاد ایشان را هم گرامی بدارم؛ شهید عالی‌قدری بود، شخصیّت بزرگی بود. ما دو چهره‌ی بزرگ علمی را در این اواخر از دست دادیم: یکی شهید فخری‌زاده بود، یکی جناب آقای آیت‌الله مصباح[[193]](#footnote-193) بود؛ هر دوی این‌ها چهره‌های علمی برجسته‌ای بودند، هر کدام در منطقه‌ی خودشان و کار خودشان، و از هر دو هم میراث‌های ارزشمندی در دستگاهی که تحت نظرشان بود باقی مانده که بایستی با قوّت ان‌شاءالله و به بهترین وجهی ادامه پیدا کند.

## دو مطلب درباره‌ی قیام نوزدهم دی

امّا درباره‌ی نوزدهم دی؛ دو مطلب را در باب نوزدهم دی عرض می‌کنم:

### لزوم حراست از یاد حادثه‌ی نوزدهم دی به عنوان یکی از نقاط اوج حیات ملّت ایران

یکی این‌که لازم است ما از یاد نوزدهم دی و حادثه‌ی نوزدهم دی حراست کنیم و نگهبانی کنیم، یکی هم این است که باید از محتوا و مضمون حماسه‌ی نوزدهم دی حراست و نگهبانی کنیم؛ یعنی هم حراست و نگهبانی از خود حادثه به معنای زنده نگه داشتن آن بر ما لازم و واجب است، هم حراست و نگهبانی از مضمون و محتوای این حماسه‌ی بزرگ؛ حالا علّت آن را عرض می‌کنم. امّا این‌که از خود آن حماسه بایستی حراست کنیم و نگهبانی کنیم، چون این یکی از نقطه‌های اوج حیات ملّت ایران بود. ملّت‌ها نقاط اوج و نقاط حضیض دارند؛ نقاط اوج را بایستی زنده نگه داشت. نقاط اوج، آنهایی هستند که زنده بودن و پای کار بودن و با اراده و عزم بودن یک ملّت را و بصیرت یک ملّت را در این مواقع حسّاس نشان می‌دهند؛ نوزدهم دی این جوری بود.

نقطه‌ی اوج را باید زنده نگه داشت، چون هم به آیندگان روحیه می‌دهد، هم مایه‌ی افتخار و عزّت ملّی است. این نقطه‌های اوج در تاریخ ثبت می‌شود و راه آینده را برای آیندگان روشن می‌کند. بنابر‌این، خود این حادثه را نباید گذاشت کهنه بشود و همین طور که تا امروز بحمدالله این حادثه زنده و پُرنشاط باقی مانده، همچنان باقی بماند.

### نگهبانی از محتوای حادثه‌ی نوزدهم دی و جلوگیری از تفسیر غلط

و امّا نگهبانی از محتوای این حادثه. خب هر حادثه‌ای یک مضمونی دارد، یک محتوایی دارد، یک معنایی دارد؛ مضمون این حادثه چه بود؟ ما بایستی این مضمون را درست بشناسیم و از آن حراست کنیم؛ چرا حراست کنیم؟ به خاطر این‌که راویان خائن و تحلیلگران مغرض سعی می‌کنند محتوای حوادث بزرگ را به سود خودشان و به سود قدرت‌های غاصب دنیا تغییر بدهند. این کار از قدیم هم وجود داشته که راوی مغرضِ یک حادثه‌ای که اتّفاق افتاده، آن را جوری تعریف می‌کند که عکس مقصودِ از آن حماسه به ذهن مخاطب تبادر کند.

امروز هم که با گسترش وسایل ارتباط‌جمعی و این امکانات فراوان و وسیعی که هست، این امکان در اختیار قدرت‌های مغرض و دست‌های خائن وجود دارد که حوادث را تغییر بدهند، محتوای حوادث را عوض کنند و غلط تفسیر کنند و افکار عمومی را منحرف کنند؛ به‌خصوص افکار نسل‌های بعدی و کسانی را که در آن حادثه حضور نداشتند و آن را از نزدیک ندیدند یا در زمان نزدیک نشنیدند و دورند از حادثه، عوض کنند. امروز یکی از کارهای مهمّ دستگاه‌های جاسوسی همین است که می‌نشینند حوادث دنیا را رصد می‌کنند و بعد نه خودشان مستقیم بلکه به زبان دیگران، از قلم دیگران، با مقاله و تحلیل اشخاص معتبر و معروف، با وسایلی که خودشان دارند -با پول، با تهدید، با تطمیع- آنچه را که در تفسیر یک حادثه مورد نظر خودشان است، منعکس می‌کنند.

#### کار سازمان سیا در انتقال تحلیل انحرافی خود

من اخیراً یک کتابی را مطالعه کردم که یک آمریکایی این کتاب را نوشته؛ در واقع جمع کرده این کتاب را، چون افراد گوناگونی در نگارش این کتاب دست دارند. این کتاب درباره‌ی تسلّط سازمان جاسوسی سیا[[194]](#footnote-194) بر مطبوعات و مجلّات عمده‌ی دنیا است؛ اصلاً این کتاب درباره‌ی این است. شرح می‌دهد که چگونه سازمان سیا در مقالات، در تحلیل‌ها، در نوشته‌ها و در گفته‌های نویسندگان معروف و بعضاً مجلّات معتبر دخالت کردند و تفسیر خودشان را به جای تفسیر واقعی به افکار عمومی القا کردند و آن‌ها را کنترل کردند؛ نه فقط در مطبوعات آمریکا بلکه در سایر کشورها، در اروپا؛ یک مجلّه‌ی معروف فرانسوی را اسم می‌آورد و می‌گوید در آن‌جا این کارها را کردند، این‌ جور گفتند، این‌ جور نوشتند؛ یعنی این کار الان در دنیا رایج است و وجود دارد. در واقع سازمان سیا با این کار تحلیل انحرافی خود و تفسیر غلط خود از مسائل و حوادث را به افکار عمومی منتقل می‌کند و افکار عمومی را گمراه می‌کند و این خطری است که همیشه وجود دارد.

## حادثه‌ی نوزدهم دی، مقدّمه‌ای برای قیام عمومی مردم کشور

خب در مورد نوزدهم دی ما [باید] مراقب باشیم که چنین اتّفاقی نیفتد؛ حالا البتّه به‌ اجمال من عرض می‌کنم که مضمون و محتوا و معنای حرکت نوزدهم دی در قم که مردم و حوزه‌ی علمیّه مشترکاً آن حرکت عظیم را انجام دادند چه بود. اگر قضیّه‌ی قم در همان شهر قم تمام می‌شد و به قم منحصر می‌ماند، ممکن بود آدم این را حمل کند بر یک حرکت عاطفی و ناشی از هیجانات مثلاً مذهبی و زودگذر که بگویند: «مردم نترسی بودند، در یک حادثه‌ای قیام کردند و بعد هم سرکوب شد و تمام شد»؛ ممکن است این جور بگویند لکن حادثه‌ی قم این جور نبود. حادثه‌ی قم در قم تمام نشد، به قم منحصر نماند؛ از قم سرایت کرد به تبریز، به یزد، به کرمان، به شیراز، به مشهد، به تهران و تدریجاً به یک قیام عمومی منتهی شد. شروع از قم بود، شروع‌کننده قمی‌ها بودند، امّا حادثه در قم خاتمه نیافت؛ این حادثه در ظرف تقریباً پنج شش ماه تبدیل شد به یک قیام عمومی سراسری در همه‌ی شهرها و تدریجاً در روستاها؛ همه قیام کردند؛ این چه حادثه‌ای است؟ بعد هم بر اساس این قیام، یک انقلاب عظیم مردمی و کم‌نظیر در تاریخ -شاید از جهاتی بی‌نظیر- به وقوع پیوست.

### معنای حادثه‌ی نوزدهم دی

خب با این نگاه دیگر نمی‌شود حادثه‌ی قم را آن طور ساده‌نگری کرد و تفسیر کرد به یک هیجان؛ نه، این حادثه یک معنای دیگری دارد، یک عمقی دارد، معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند. خب معنای حادثه‌ی نوزدهم دی چیست؟ عبارت است از خشم و شدّت اعتراض مردم به رژیم دیکتاتور، وابسته، فاسد، ضدّدین، اشرافی و طبقاتی. نارضایی‌های مردم و خشم‌های مردم در طول زمان متراکم شده بود و یک پشتوانه‌ی فکری هم از درس‌های امام، سخنرانی‌های امام، بیانیّه‌های امام که از قم و از نجف منتشرمی‌شد پیدا کرده بود؛ این حرکت عظیم، این خشم عمومی مردم، متّکی به آن پشتوانه‌ی فکری‌ای که امام دائماً و پی‌درپی القا می‌کرد و به وسیله‌ی جوان‌های مبارز و به‌خصوص به وسیله‌ی طلّاب در سراسر کشور منعکس می‌شد، توانست این قیام عظیم را به وجود بیاورد.

## لزوم توجّه به دو نکته‌ی مهم در حادثه‌ی نوزدهم دی

دو نکته‌ی مهم در این‌جا باید مورد توجّه قرار بگیرد و تعیین‌کننده است.

### یک حرکت دینی با رهبری یک مرجع تقلید

یک نکته این‌که رهبر این حرکت عمومی یک مرجع تقلید بود؛ یک روحانی بزرگ، یک شخصیّت برجسته‌ی مبلّغ و مروّج مبانی معرفتی دینی. این رهبر بزرگ از روز اوّلِ مبارزه هم مردم را به دین دعوت می‌کرد؛ از اوّل مبارزه، از سال ۴۱، دعوت امام متّکی به مبانی دینی بود و اگر اعتراض می‌کرد، اگر پیشنهاد می‌کرد، همه متّکی بود به مبانی دینی. پس حرکت مردم اساساً یک حرکت دینی بود، به خاطر این‌که با رهبری امام بود، با تعلیم و هدایت و راهنمایی امام بود و امام یک مرجع تقلید بود، یک روحانی برجسته بود و کار امام از اوّل متّکی به مبانی دینی بود؛ این یک نکته که نکته‌ی بسیار مهمّی است.

### یک حرکت ضدّ آمریکایی و ضدّ استکباری

نکته‌ی دوّم این است که تقریباً یک هفته قبل از قیام مردم قم، رئیس‌جمهور آمریکا -که آن وقت کارتر بود- در تهران، حمایت و پشتیبانی صد درصد خودش را از رژیم پهلوی و محمّدرضا ابراز کرد؛ یک نطقی برایش تنظیم کرده بودند که در مهمانی آن نطق را بخواند، آن نطق را گذاشت داخل جیبش و خودش شروع کرد حرف زدن -بعدها مفسّرینش و همراهانش این را افشا کردند- و تعریف و تمجید و حمایت صد درصد از محمّدرضا و از رژیم پهلوی. بنابراین این حرکت قم، یک حرکت ضدّ آمریکایی بود، یک حرکت ضدّ استکباری بود؛ حرکتی بود ضدّ آن قدرت‌های خبیثی که به خاطر منافع خودشان از رژیم دیکتاتور و ضدّدین و فاسدِ پهلوی حمایت می‌کردند. حالا در واقع این قیام، هم جنبه‌ی دینی داشت، هم جنبه‌ی ضدّ آمریکایی داشت.

## قیام نوزدهم دی، اوّلین ضربه‌ی تبر ابراهیمی بر پیکر بت بزرگ آمریکا

در واقع قیام نوزدهم دی را می‌توان اوّلین ضربه‌ی تبر ابراهیمی بر پیکر بت بزرگ به حساب آورد. این اوّلین [ضربه‌ی] تبری بود که به وسیله‌ی مردم قم به بت بزرگ آمریکا زده شد.

## وضع امروز آمریکا

بعد از آن هم ادامه پیدا کرد و شما امروز وضع آمریکا را مشاهده می‌کنید؛ وضع و حال بت بزرگ را امروز شما می‌بینید که این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است؛ این حقوق بشرشان است، حقوق بشری که هر چند ساعت یک بار، یا حدّاقل چند روز یک بار، یک سیاه پوست را بدون دلیل، بدون جرم در خیابان می‌کشند، و کشنده و قاتل هم تعقیب نمی‌شود؛ این ارزش‌هایشان است که همین طور می‌گویند ارزش‌های آمریکایی، ارزش‌های آمریکایی، و امروز این ارزش‌ها مایه‌ی مسخره‌ی همه‌ی دنیا شده، حتّی دوستانشان آن‌ها را مسخره می‌کنند؛ این هم اقتصاد فلجشان است؛ اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است، دَه‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]؛ این وضع امروزِ آمریکا است.

### عجیب‌تر از وضع آمریکا!

این البتّه چیز مهمّی است لکن عجیب‌تر از این، این است که یک عدّه‌ای هنوز قبله‌شان آمریکا است، هنوز امید و آرزویشان به آمریکا است؛ آمریکایی که در یک چنین وضعی است.

## علّت خشم ملّت از آمریکا

خب گفتیم قیام عمومی مردم ضدّ آمریکایی بود؛ علّت هم فقط این نبود که حالا رئیس‌جمهور آمریکا آمده و صد درصد [حمایت کرده]؛ این در واقع یک سر باز کردن آن ناراحتی‌ها و خشم‌های درونی ملّت بود، وَالّا ۲۵ سال بود که آمریکا در ایران انواع فشار را بر مردم وارد می‌کرد و به وسیله‌ی رژیم مستبد و فاسد پهلوی، در واقع ایران را پایگاه اصلی خودش قرار داده بود و نتیجه‌اش هم برای کشور ما پیشرفت نبود؛ بلکه به‌عکس، نتیجه‌ی حضور آمریکا در کشور ما فقر اقتصادی بود، فقر علمی بود، فساد و بی‌ بند و باری فرهنگی بود؛ یک چنین وضعی را این‌ها به وجود آوردند.

### خیال یک عدّه درمورد آشتی با آمریکا

حالا یک عدّه‌ای خیال می‌کنند که اگر با آمریکا تعامل کردیم و اگر آشتی کردیم و رفیق شدیم، اوضاع کشور بهشت برین خواهد شد؛ نه، به قبل از انقلاب نگاه کنید ببینید چه جوری است. به کشورهایی که الان با آمریکا قربان صدقه‌ی هم می‌روند نگاه کنید ببینید وضعشان چه جوری است؛ آن وضع اقتصادی‌شان، آن وضع علمی‌شان. در همین منطقه‌ی خودمان [هم هستند] که من دیگر اسم نمی‌آورم، خودتان می‌دانید.

### فرق آمریکا و اروپا

البتّه بعد از آن حادثه‌ی انقلاب بزرگ ما هم، آمریکا دست برنداشت. دنبال استمرار همان سلطه‌ی جهنّمی بر کشور ما است؛ نه فقط بر کشور ما، [بلکه] بر ایران و بر کلّ منطقه. این‌که بعضی می‌پرسند که خب، فرق آمریکا و فلان کشور اروپایی چیست؟ فرق در همین است. آمریکا چون سال‌ها این‌جا منتفع بوده و استفاده کرده و جا خوش کرده بود، خودش را هم یک قدرت برتر می‌داند، دائم در صدد بازگشت به همان وضعیّت گذشته است؛ این، آن چیزی است که ملّت ایران را هشیار می‌کند و مراقب می‌کند. البتّه برخی از دولت‌های خائن منطقه هم به او کمک می‌کنند.

## منافع آمریکا، در گرو بی‌ثباتی و آشوب در منطقه

این را هم عرض بکنم: آمریکا نفع خودش را، منافع خودش را، در شرایط کنونی در بی‌ثباتی این منطقه می‌بیند، مگر آن وقتی که به طور کامل خودش را مسلّط بر منطقه بکند؛ تا قبل از آن، نفع آمریکا در بی‌ثباتی منطقه است؛ این را خودشان می‌گویند، این را خودشان به‌صراحت ابراز می‌کنند. یک کارشناس معروف یک اندیشکده‌ی معروف آمریکایی -اندیشکده‌ی‌ اینترپرایز[[195]](#footnote-195)- که اگر اسم بیاورم، خیلی‌ها که دستشان در کار سیاست است او را می‌شناسند، صریحاً این حرف را زد؛ گفت ما خواهان ثبات در ایران و عراق و سوریه و لبنان نیستیم. فقط هم ایران نیست؛ [می‌گوید] در ایران و عراق و سوریه و لبنان، ما مایل به ثبات و خواهان ثبات نیستیم. مسئله‌ی ‌اصلی، لزوم یا عدم لزوم بی‌ثباتی در این کشورها نیست -یعنی مسلّم است که باید بی‌ثباتی در این کشورها به وجود بیاید- بلکه چگونگی ایجاد بی‌ثباتی مورد نظر است؛ بی‌ثباتی را چه جوری ایجاد کنند. حالا یک وقت در یک جا با داعش، یک وقت [هم] با فتنه‌ی ۸۸ و امثال این‌ها، و کارهایی که شما می‌بینید در منطقه دارند انجام می‌دهند. دنبال بی‌ثباتی منطقه‌اند، آن وقت یک یاوه‌گوی آمریکایی درمی‌آید می‌گوید ایران موجب بی‌ثباتی در منطقه است! نه، ما موجب ثباتیم، ما در مقابل بی‌ثبات‌سازی آمریکا ایستاده‌ایم.

### کاری که می خواستند در ایران بکنند، خدای متعال به سر خودشان آورد

در سال ۸۸ آمریکا می‌خواست ایران را بی‌ثبات بکند؛ همان بلائی که در سال ۹۹ سر خودشان آمد. همان کاری که در واشنگتن انجام گرفت در این چند وقت، به‌خصوص پریروز[[196]](#footnote-196) که آدم‌هایی رفتند در کنگره اعضای کنگره را از داخل دالان‌های مخفی فراری دادند و [بیرون] بردند، این کار را می‌خواستند در ایران بکنند؛ این‌جا می‌خواستند ایجاد آشوب بکنند، می‌خواستند جنگ داخلی راه بیندازند، خداوند متعال موفّقشان نکرد. آن‌ها سال ۸۸ در فکر [آشوب در] این‌جا بودند، حالا در سال ۹۹ خدای متعال به سر خودشان آورد.

## ده‌ها برابر مجهّزتر شدن کشور ما

ما البتّه وقتی مسیر حرکت کشور را و انقلاب را از نوزدهم دی تا امروز نگاه می‌کنیم، [می‌بینیم] حدّاقل ده‌ها برابر -شاید بشود گفت صدها برابر؛ حالا من نمی‌خواهم الفاظ خیلی بزرگ به کار ببرم- کشور ما قوام و استحکام و عمق و پختگی پیدا کرده، تجربه به دست آورده، مجهّز شده. ما آن روز مجهّز نبودیم، امروز خیلی مجهّزیم؛ هم مجهّز فکری، هم مجهّز عملی، هم مجهّز سیاسی، هم مجهّز نظامی بحمدالله؛ بر خیلی از موانع غلبه پیدا کرده‌ایم.

## ایجاد تمدّن نوین اسلامی؛ هدف نهایی ما

هدف هم ایجاد تمدّن نوین اسلامی است؛ این هدف نهایی ما است. ممکن است یک نسل به این هدف نرسد، امّا این راه ادامه خواهد داشت و ان‌شاء‌الله نسل‌های بعدی به این هدف خواهند رسید.

### مواضع ما در مقابل دولت آمریکا، ناشی از این تفکّر

و باید غلبه کنیم بر دست‌اندازی‌هایی که سلطه‌گران در راه ما ایجاد می‌کنند و سیاست‌های خباثت‌آلودی که علیه کشورمان به وجود می‌آورند. مواضع ما در مقابل دولت آمریکا ناشی از این تفکّر است، ناشی از این استدلال و این فلسفه است.

این راجع به نوزدهم دی.

## سخن قطعی و پایانی درمورد سه چالش مهم بین ایران و جبهه‌ی استکبار

و امّا راجع به چند مسئله از مسائل مطرح روز؛ از مسائل پُرتکرار در چالش بین جمهوری اسلامی و جبهه‌ی استکبار به سرکردگی آمریکا، یکی مسئله‌ی تحریم است، یکی مسئله‌ی حضور منطقه‌ای ایران است، یکی هم مسئله‌ی توان دفاعی ایران و قدرت موشکی ایران است که دائم آن‌ها یک چیزی می‌گویند، یک حرفی می‌زنند، یک نقّی می‌زنند و این طرف هم یک جوابی به آن‌ها می‌دهند. البتّه عناصر داخلی و مسئولین داخلی ما جواب جبهه‌ی استکبار را در هر سه مسئله داده‌اند؛ هم مسئولین نظامی ما، هم وزارت خارجه‌ی ما و هم شعارهای مردمی ما؛ جواب آن‌ها داده شده ولی حالا من سخن قطعی و پایانی را در این زمینه عرض می‌کنم.

### مسئله‌ی تحریم‌های خائنانه و خباثت‌آمیز

امّا در مورد تحریم‌ها؛ جبهه‌ی غرب و دشمنان ما موظّفند که این حرکت خباثت‌آمیز -یعنی تحریم ملّت ایران را- خاتمه بدهند و آن را فوراً متوقّف کنند؛ این وظیفه‌ی آن‌ها است که باید همه‌ی تحریم‌ها را بردارند؛ این یک حرکت خائنانه است، یک حرکت خباثت‌آمیز است، یک دشمنی بزرگ و بی‌جهت است با ملّت ایران؛ نه فقط با نظام جمهوری اسلامی یا با دولت، [بلکه] با ملّت ایران دارند دشمنی می‌کنند؛ وظیفه‌ی آن‌ها این است که سریعاً این تحریم‌ها را بردارند. البتّه بنده بارها گفته‌ام،[[197]](#footnote-197) باز هم تکرار می‌کنم که آن‌ها باید تحریم را بردارند، ما [هم] باید اقتصادمان را جوری تنظیم و برنامه‌ریزی کنیم که با وجود تحریم هم بتوانیم کشور را به‌خوبی اداره کنیم؛ این را من بارها تکرار کرده‌ام، الان هم باز می‌گویم. ما فرض کنیم تحریم برداشته نخواهد شد -البتّه تحریم به‌تدریج دارد بی‌اثر هم می‌شود؛ یعنی دارد به صورت یک چیز لغوی درمی‌آید امّا حالا گیرم که تحریم باقی بماند- ما باید اقتصاد کشور را جوری برنامه‌ریزی کنیم که با رفتن و آمدن تحریم و با بازیگری‌های دشمن، در امر اقتصاد کشور دچار مشکل نشویم. این هم ممکن است؛ این را من نمی‌گویم، صاحب‌نظران اقتصادی می‌گویند، دلسوزان می‌گویند؛ می‌گویند این کار ممکن است، ظرفیّت‌های داخلی خیلی فراوان است. و ما این را به صورت یک سیاست ابلاغ کردیم[[198]](#footnote-198) که همان سیاست «اقتصاد مقاومتی» است که این باید به‌شدّت و با جدّیّت دنبال بشود. بنابراین [پاسخ قطعی به] مسئله‌ی تحریم، این است؛ این‌که فلان کار را بکنید، فلان کار را نکنید، این‌ها حرف بی‌خودی است؛ تحریم یک خیانت است، یک جنایت در حقّ ملّت ایران است که باید برداشته بشود. این یک مسئله.

### مسئله‌ی حضور منطقه‌ای ایران

در مورد حضور منطقه‌ای ما که مدام می‌گویند چرا ایران در منطقه حضور پیدا می‌کند، نظام جمهوری اسلامی موظّف است طوری رفتار کند که دوستانش و هوادارانش در منطقه تقویت بشوند؛ این وظیفه‌ی ما است. حضور ما به معنای تقویت دوستانمان و تقویت هوادارانمان است. ما نباید کاری کنیم که دوستان و وفاداران به جمهوری اسلامی در منطقه تضعیف بشوند؛ این حضور ما یک چنین حضوری است.

و حضور ما ثبات‌آفرین است؛ ثابت شده که حضور جمهوری اسلامی موجب برداشته شدن موجبات بی‌ثباتی است؛ [مانند] مسئله‌ی داعش در عراق، مسائل گوناگون در سوریه و امثال این‌ها که حالا این جزئیّات را ما نمی‌خواهیم عرض کنیم؛ کسانی که دست‌اندر‌کارند این‌ها را می‌دانند؛ بنابراین این حضور منطقه‌ای قطعی است، بایستی وجود داشته باشد و وجود خواهد داشت.

### مسئله‌ی قدرت دفاعی و موشکی ایران

امّا در مورد قدرت دفاعی؛ نظام جمهوری اسلامی حق ندارد وضع دفاعی کشور را جوری قرار بدهد که یک آدم بی‌عُرضه‌ای مثل صدّام‌حسین بتواند بیاید شهر تهران را بمباران کند، موشک بزند و هواپیمای میگ ۲۵ او بیاید روی آسمان تهران حرکت کند و کاری از دست نظام برنیاید. این اتّفاق افتاد؛ در همین شهر تهران یا موشک عراقی می‌آمد -که همین آقایان اروپایی‌ها تقویت کرده بودند وضع موشکی او را که موشک‌های او می‌توانست از بغداد برسد به تهران؛ حالا شهرهای دیگر به جای خود- یا هواپیمای میگ ۲۵ می‌آمد از ارتفاع بالا بمباران می‌کرد، کاری هم نمی‌توانستیم بکنیم، امکاناتی نداشتیم. نظام اسلامی حق ندارد کشور را به این شکل نگه‌ دارد و ما به توفیق الهی [این جوری] نگه نداشته‌ایم. امروز قدرت دفاعی ما جوری است که دشمنان ما در محاسباتشان ناگزیرند توانایی‌های ایران را به حساب بیاورند. وقتی که موشک جمهوری اسلامی می‌تواند پرنده‌ی متجاوز آمریکایی را که آمده روی آسمان ایران ساقط کند، یا آن وقتی که موشک‌های ایرانی می‌توانند پایگاه عین‌الاسد[[199]](#footnote-199) را آن جور در هم بکوبند، آن وقت دشمن مجبور است در محاسبات خودش، در مورد تصمیم‌های نظامی خودش، روی این قدرت کشور و روی این توانایی کشور حساب کند. ما نباید کشور را بی‌دفاع بگذاریم؛ این وظیفه‌ی ما است. نبایستی کاری کنیم که دشمن جرئت کند و در مقابل دشمن از ما کاری برنیاید.

## چند نکته درباره‌ی برجام و کاهش تعهّدات جمهوری اسلامی ایران

یک مسئله‌ی دیگری که امروز زیاد تکرار می‌شود در زبان مسئولین و مردم و سیاسیّون و در فضای مجازی و غیر مجازی تکرار می‌شود، مسئله‌ی برجام و تعهّدات جمهوری اسلامی است که جمهوری اسلامی اعلام کرد و برخی از این تعهّدات را کنار گذاشت، اخیراً هم که [غنی‌سازی] بیست درصد را شروع کرد و مصوّبه‌ی مجلس را دولت به مرحله‌ی عمل درآورد؛ این یکی از بحث‌هایی است که امروز مطرح است. من در مورد این مسئله‌ی برجام، دو سه نکته‌ را عرض می‌کنم.

### برگشت آمریکا به برجام

نکته‌ی اوّل این است که بحث می‌کنند که آمریکا برگردد به برجام یا برنگردد. ما هیچ اصراری نداریم، هیچ عجله‌ای نداریم که آمریکا به برجام برگردد؛ اصلاً مسئله‌‌ی ما این نیست که آمریکا به برجام برگردد یا برنگردد. آنچه مطالبه‌ی منطقی ما و مطالبه‌ی عقلانی ما است، رفع تحریم‌ها است؛ تحریم‌ها باید برداشته بشود. این حقّ غصب‌شده‌ی ملّت ایران است؛ چه آمریکا، چه اروپا -که آویزان به آمریکا و دنباله‌روِ آمریکا است- وظیفه دارند این حقّ ملّت ایران را اداء کنند. اگر تحریم‌ها برداشته شد، خب آن برگشت آمریکا به برجام معنایی خواهد داشت -البتّه مسئله‌ی خسارت‌ها هست که جزو مطالبات ما است و در مراحل بعدی دنبال خواهد شد- امّا اگر چنانچه تحریم‌ها برداشته نشد، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتّی به ضرر ما تمام بشود؛ به نفع ما که نیست، [بلکه] به ضرر ما هم ممکن است باشد. البتّه بنده به مسئولین، هم در قوّه‌ی مجریّه و هم در قوّه‌ی مقنّنه، گفته‌ام که در این زمینه‌ها با دقّت و رعایت کامل ضوابط پیش بروند و عمل کنند.

### تصمیم درست لغو تعهّدات برجامی

مطلب دوّم این [است] که تصمیم مجلس و دولت در باب لغو تعهّدات برجامی، تصمیم درستی است؛ کاملاً تصمیم منطقی و عُقلایی و قابل قبولی است. وقتی طرفِ مقابل، تقریباً به هیچ کدام از تعهّدات خودش در برجام عمل نمی‌کند، معنی ندارد که جمهوری اسلامی به همه‌ی تعهّدات خودش در برجام عمل کند؛ لذا از مدّتی پیش تدریجاً بعضی از تعهّدات را لغو کردند، اخیراً هم تعهّدات دیگری را کنار گذاشتند. و البتّه اگر چنانچه آن‌ها به تعهّداتشان برگردند، ما هم به تعهّداتمان برمی‌گردیم؛ بنده از اوّل هم همین را گفتم. از اوّلی که برجام مطرح شد، بنده گفتم که تعهّد در مقابل تعهّد؛ متناظر، کار آن‌ها در مقابل کار ما؛ هر کاری که ما بنا است بکنیم، باید طرف مقابل هم متناظر با آن کار را بکند؛ خب این اوّل کار انجام نگرفت، حالا بایستی انجام بگیرد.

## توضیحی درمورد دولت جوان حزب‌اللهی و استفاده از مجرّبین

یک موضوع دیگری که بد نیست مطرح بکنم و این‌جا یادداشت کرده‌ام، این است که شنیدم سؤال می‌شود که بنده در یک برنامه‌ی تلویزیونی[[200]](#footnote-200) که ظاهراً اخیراً پخش شده، یک بار گفته‌ام که دولت جوان حزب‌اللهی باید سرِ کار بیاید، یک بار هم گفته‌ام که صلاح نیست از مجرّبین استفاده نشود. بعضی‌ها گفتند چطور؟ این‌ها با هم نمی‌سازد. من عرض می‌کنم نه، این‌ها با هم می‌سازد، این‌ها با همدیگر هیچ منافاتی ندارد. ببینید، من معتقد به تکیه‌ی به نیروهای جوانم [و به این] اعتقاد راسخ دارم؛ مال امروز هم نیست، از قدیم بنده چنین اعتقادی داشتم.

معنای اعتماد به نیروهای جوان این است که اوّلاً در برخی از مدیریّت‌های مهم کشور از جوان‌ها استفاده بشود و به جوان‌ها اعتماد بشود؛ ثانیاً از ابتکارهایی که انجام می‌دهند و حرکت این‌ها و حوصله و نشاط کار این‌ها استقبال بشود. گاهی اوقات جوانی به همه‌جا مراجعه کرده، یک کار مهمّی را پیشنهاد کرده که می‌تواند انجام بدهد، جواب نداده‌اند، مراجعه می‌کند به ما؛ بعد که می‌دهیم دست کارشناس، تصدیق می‌کند، می‌گوید درست است، این کار، کار مهمّی است و این شخص می‌تواند این کار را انجام بدهد. خب من معتقدم که کشور بایستی از ابتکارات جوان‌ها، از نشاط جوان‌ها، از روحیه‌ی کار و پُرانگیزه‌ی جوان‌ها حدّاکثر استفاده را بکند؛ این‌ها بچّه‌های ما هستند، بچّه‌های کشورند و کشور حق دارد که از این‌ها استفاده کند. بنابراین، هم مسئله‌ی مدیریّت‌ها است، هم این [نکته].

منتها این‌که ما می‌گوییم در مدیریّت‌ها از این‌ها استفاده بشود، معنایش این نیست که نسل قبلی را به‌کلّی بشوریم بگذاریم کنار! نه، بر حسب اقتضا، یک جا مدیریّت یک جوان، یک جا مدیریّت یک فرد مجرّب و کارکشته. از اوّل انقلاب هم همین جور بوده؛ حالا بعضی‌ها گفتند که امام در تهران یک امام جمعه‌ی چهل‌ساله را گذاشتند که این حقیر بودم؛ خب بله، همان وقت در کرمانشاه هم یک امام جمعه‌ی هشتادساله را گذاشتند؛[[201]](#footnote-201) در یزد و در شیراز و در مشهد و در تبریز و مانند اینها، علمای بزرگ، مردانی را که در حدود هفتاد سال سنّشان بود گذاشتند؛ اقتضائات مختلف است. در اوّل انقلاب امام بزرگوار در رأس سپاه یک جوانی را گذاشتند که کمتر از سی سال داشت،[[202]](#footnote-202) در رأس نیروی زمینی ارتش مردی را گذاشتند که حدود شصت سال داشت؛[[203]](#footnote-203) اقتضائات این جوری است. یک جا اقتضا دارد که یک مدیر جوان بر سر کار بیاید، یک جا اقتضا دارد که یک مدیر مجرّب [بر سر کار بیاید]. حالا در مورد دولت جوان حزب‌اللهی ان‌شاءالله بعدها، نزدیک انتخابات، بنده صحبت خواهم کرد؛ یعنی حرف‌هایی دارم که بعد عرض می‌کنم؛ امّا این‌که تصوّر بشود اگر ما گفتیم از مجرّبین استفاده بشود، با استفاده‌ی از جوان‌ها منافات دارد، نه، این هیچ منافاتی ندارد.

و البتّه این را هم باید توجّه داشت که بعضی از افراد میان‌سال مثل جوان‌هایند؛ سنّ شهید سلیمانی حدود شصت سال بود، [امّا] دیدید در کوه و دشت و بیابان و همه جا چه‌طور مثل جوان‌ها حرکت می‌کرد، از هیچ‌ چیز نمی‌ترسید. حالا البتّه از فعالیّت‌های کاری او اطّلاعات کمی دست مردم هست، همین‌هایی است که در تلویزیون مشاهده شده؛ آنچه بنده می‌دانم خیلی بیش از این‌ها است. گاهی اوقات در ۲۴ ساعت، در یک کشوری به قدری تلاش و فعّالیّت می‌کرد که آدم از خواندنش احساس خستگی می‌کرد که چقدر تلاش و تحرّک انجام گرفته در ظرف ۲۴ ساعت یا در ظرف ۳۶ ساعت؛ بعضی هم این جور هستند دیگر.

## چند نکته در مورد مسئله‌ی کرونا

موضوع آخر هم مسئله‌ی کرونا است، که این را هم مجدّداً عرض کنیم.

### انکار نکردن واکسن ایرانی

اوّلاً واکسنی که برای کرونا آماده شد مایه‌ی افتخار است؛ این را انکار نکنند؛ این مایه‌ی عزّت یک کشور است، مایه‌ی افتخار کشور است. البتّه از طرق مختلفی دارند دنبال واکسن حرکت می‌کنند که خب در یک موردی به آزمایش انسانی رسید و موفّق بود. سعی نکنند این را انکار کنند.

#### نمونه‌هایی از انکار پیشرفت‌های کشور

بعضی هستند هر کار بزرگی را که در کشور انجام می‌گیرد مستبعد می‌دانند. وقتی این سانتریفیوژهای هسته‌ای را جوان‌های ما درست کرده بودند و بنده چند بار در سخنرانی اسم آوردم و اشاره کردم، چند نفر از این بزرگان علمی به من نامه نوشتند که آقا! نبادا شما گول این‌ها را بخورید، این‌ها نمی‌توانند چنین کاری بکنند؛ انکار می‌کردند، می‌گفتند نمی‌شود، ولی خب دیدید چه شد و به کجا رسید. عین همین قضیّه در مورد سلّول‌های بنیادی بود؛ وقتی مرحوم کاظمی[[204]](#footnote-204) و این جوانان عزیزی که بحمدالله امروز هم هستند، توانستند سلّول‌های بنیادی را که یک کار بسیار بزرگ در مسائلِ زیستیِ انسانی است انجام بدهند، یک عدّه‌ای باز همان وقت به ما پیغام می‌دادند یا نامه می‌نوشتند -حالا نامه را یادم نیست- که خیلی باور نکنید. بعضی‌ها آمدند این‌جا به خود من گفتند؛ گفتند این‌ها را خیلی باور نکنید، این‌ها خیلی قابل قبول نیست. نه، قابل قبول بود و باور هم کردیم و آن وقت درست بود، بعد از آن هم ده برابر پیشرفت کرد.

الان هم همین جور است؛ این واکسن را درست کردند و تست انسانی شد، ان‌شاء‌الله بهترش را و کامل‌ترش را هم درست خواهند کرد -یعنی روز‌به‌روز کامل‌تر خواهد شد- تا الان موفّق بوده، بعد از این هم ان‌شاء‌الله موفّق خواهد بود. این نکته‌ی اوّل که این مایه‌ی افتخار است. من از همه‌ی دست‌اندرکاران، از وزارت بهداشت و دیگران که دست‌اندرکار تولید واکسن بودند، تشکّر می‌کنم.

### ممنوعیّت ورود واکسن آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی به کشور

نکته‌ی دوّم در مورد کرونا این است که ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است. این را من به مسئولین هم گفته‌ام، الان هم به طور عمومی می‌گویم. اگر آمریکایی‌ها توانسته بودند واکسن تولید کنند، این افتضاح کرونایی در کشور خودشان پیش نمی‌آمد. چند روز پیش در ظرف ۲۴ ساعت، این‌ها چهار هزار نفر تلفات داشتند. این‌ها اگر بلدند واکسن درست کنند، اگر کارخانه‌ی فایزرشان می‌تواند واکسن درست کند، چرا می‌خواهند به ما بدهند؟ خب خودشان مصرف کنند که این قدر مرده و کشته‌‌ی زیاد نداشته باشند. انگلیس هم همین جور. بنابر‌این، به این‌ها اعتماد نیست؛ من واقعاً اعتماد هم ندارم، نمی‌دانم، گاهی اوقات هست که این‌ها می‌خواهند واکسن را روی ملّت‌های دیگر امتحان کنند، ببینند اثر می‌کند یا نمی‌کند. بنابر‌این، از آمریکا و از انگلیس [واکسن تهیّه نشود]. البتّه به فرانسه هم من خوش‌بین نیستم، علّتش هم این است که سابقه‌ی آن خون‌های آلوده را این‌ها دارند.[[205]](#footnote-205) [البتّه] از جاهای دیگر اگر بخواهند واکسن تهیّه کنند -که جای مطمئنّی باشد- هیچ اشکالی ندارد.

### لزوم ادامه‌ی مراقبت‌های بهداشتی

نکته‌ی سوّم در باب کرونا این‌که مراقبت‌های مردمی باید ادامه پیدا کند. حالا یک خرده‌ای تلفات کم شد. البتّه [باز هم] زیاد است؛ صد نفر یا صد و چند نفر در شبانه روز، چیز کمی نیست، خیلی زیاد است؛ امّا حالا [چون] یک مقداری نسبت به قبل کمتر شده، مردم خیال نکنند که حالا دیگر مسئله حل شد و تمام شد؛ نخیر، مراقبت‌ها را ادامه بدهند؛ مسئولین کشور هم که در زمینه‌ی این کار مسئولیّت دارند، وظایفشان را دنبال کنند.

### ضرورت استفاده از تجربه‌های جدید در درمان کرونا

نکته‌ی چهارم در باب کرونا این است که بعضی از افراد، تجربه‌های خوبی در این زمینه انجام داده‌اند و دارویی درست کرده‌اند، این دارو را یک جایی زیر نظر مسئولینی امتحان کرده‌اند و تصدیق شده، تأیید شده که موثّر است؛ با این‌ها مخالفت نشود. اطراف و اکناف، کسان زیادی هستند که ممکن است یک کار جدیدی بکنند. نه این‌که حالا هر ادّعایی را قبول کنند؛ نه، امّا همان کارهایی را که ادّعا می‌شود، مورد مداقّه[[206]](#footnote-206) قرار بدهند.

## توانمندی این ملّت برای موفّقیّت در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی

حرف آخر به ملّت عزیزمان و مردم عزیز قم و حوزه‌ی علمیّه‌ی معظّم این است که دیروز، ملّت ایران در سایه‌ی اتّحاد‌، در سایه‌ی عزم راسخ، در سایه‌ی دین‌داری، در سایه‌ی‌ حضور به‌هنگام، در سایه‌ی مجاهدت توانست این انقلاب عظیم را انجام بدهد، توانست این کار بزرگ را که مسیر تاریخ دنیا و بشر را عوض کرد انجام بدهد؛ امروز همان ملّت، با همان توانایی‌ها و با تجربه‌های بیشتر، با امکانات فراهم‌شده‌ی چندین برابر حضور دارد و می‌تواند بر همه‌ی موانع فائق بیاید. این ملّت می‌تواند، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل تولید و مسائل ارزش پول، هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی، هم در زمینه‌ی مسائل نظامی و امثال این‌ها موفّق بشود.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند فضل و لطف خودش را بر این ملّت روزبه‌روز افزایش بدهد.

سلام خدا بر ولیّ اعظم خدا بقیّة‌الله ‌‌‌الاعظم حجّة‌بن‌الحسن (ارواحنا فداه) که یاری ایشان همیشه پشتیبان ما است؛ و رحمت و درود پروردگار بر روح مطهّر و مبارک امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما باز کردند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# \*\*\* بهمن 1399

# خبر - دیدار خانواده‌ی دانشمند شهید محسن فخری‌زاده 6/11/1399

## مزد زحمات و اخلاص کم‌نظیر او

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار با تجلیل از برجستگی‌های علمی و فنی شهید فخری‌زاده و حضور سخت‌کوشانه آن دانشمند عالی‌مقام در میدان علم و عمل، گفتند: علوّ مقامی که خداوند با شهادت به آن بزرگوار عطاء کرد، مزد زحمات و اخلاص کم‌نظیر او بود و این مقام با هیچ‌یک از مقام‌های دنیوی قابل مقایسه نیست.

رهبر انقلاب اسلامی، عظمت یافتن نام شهید فخری‌زاده در میان عموم مردم و ابراز تأسف بسیاری از جوانان از ناشناخته بودن او در زمان حیاتش را از دیگر آثار اخلاص شهید دانستند.

## شریک بودن همسران شهدا در اجر آن‌ها

ایشان همچنین گفتند: همسران شهدا در اجر آن‌ها شریک هستند و از خداوند می‌خواهیم که صبر و آرامش خود را بر دل‌های شما نازل فرماید و به توفیق الهی بتوانید حرکت خود را متناسب با شأن شهید ادامه دهید.

در این دیدار، همسر و فرزندان شهید فخری‌زاده با قدردانی از پیام محبت‌آمیز و روشنگر رهبر انقلاب اسلامی پس از ترور شهید فخری‌زاده، تبیین جریان فکریِ شهدای جهاد علمی و الگوسازی از آنان را مورد تأکید قرار دادند.

# بیانات در ارتباط تصویری با مداحان 15/11/1399

در خجسته سالروز میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین. اللهمّ صلّ علی فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها بعدد ما احاط به علمک.

## تبریک

تبریک عرض می‌کنم میلاد صدّیقه‌ی طاهره (سلام ‌الله ‌علیها) و ولادت امام بزرگوار و دهه‌ی فجر را به همه‌ی شما عزیزانی که در این جلسه حضور دارید، به‌خصوص برادران عزیزی که ما را به فیض رساندند که جدّاً استفاده کردیم؛ افسوس که کوتاه بود؛ کاش دو برابر این، سه برابر این، می‌توانستیم از شما استفاده کنیم.

## موضوعات این جلسه

چند موضوع را یادداشت کردم که البتّه قطعاً در این وقت کم نمی‌توان به همه‌ی آن‌ها رسید. چند کلمه درباره‌ی صدّیقه‌ی طاهره (سلام ‌الله ‌علیها) است، یکی درباره‌ی روز زن و روز مادر است که این مناسبت فرخنده را با خوش‌سلیقگی به این نام نامیده‌اند و یک نگاهی هم به پدیده‌ی خوشبختانه روبه‌رشد مدّاحی در کشور است.

## مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها)

درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) با همین چشم مادّی ظاهربین که نگاه کنیم -حالا آن چشم‌های حقیقت‌بین و واقع‌بین و عرشی جور دیگری ممکن است ببینند، چیزهای دیگری را ببینند- [می‌بینیم که] این بزرگوار از طرفی دختر عالی‌مقام پیغمبر است؛ دختری که پیغمبر دست او را می‌بوسد، جلوی پای او بلند می‌شود، در هر سفر آخرین دیدار او از خانه‌ی زهرا است و از آن‌جا به سفر می‌رود، از سفر که برمی‌گردد اوّلین جایی که سر می‌زند و سلام می‌کند خانه‌ی زهرا است؛ یک چنین دختری. از طرفی بانویی دارای عصمت است؛ مرتبه‌ی عصمت مرتبه‌ی عجیبی است، منزلت فوق‌العاده‌ای است. از طرفی هم‌تراز علیّ‌بن‌ابی‌طالب است؛ علیّ‌بن‌ابی‌طالبِ با آن عظمت، علیّ‌بن‌ابی‌طالبی که چشم عالَم وجود شبیه او را بعد از پیغمبر مشاهده نکرده؛ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) همسرِ هم‌تراز یک چنین شخصیّتی است. از طرفی مادر چهار خورشید درخشان است که دو نفرشان امام معصومند و از طرفی سرسلسله‌ی نسل مبارک پیغمبر اعظم است که امروز بحمدالله بعد از ۱۴۰۰ سال، میلیون‌ها انسان در سراسر جهان به این نسبت مفتخرند؛ سرسلسله‌ی این نسبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.

## تاریخ زندگی حضرت زهرا، منطبق با تاریخ رسالت پیامبر اکرم

تاریخ زندگی این بزرگوار عیناً منطبق با تاریخ رسالت است؛ یعنی اندکی بعد از رسالتِ پیامبر این بزرگوار طلوع می‌کند، اندکی بعد از رحلتِ رسالت و پیغمبر اکرم غروب می‌کند؛ یعنی کاملاً زندگی [او] منطبق است با دوران رسالت.

## ماجراهای زندگی حضرت زهرا

در دوران کودکی، محنت شعب ابی‌طالب را احساس می‌کند و درک می‌کند، از کودکی وارد میدان‌های دشوار زندگی می‌شود، مادر را از دست می‌دهد که برای دختری در این سن بسیار دشوار است، امّا او در کنار تحمّل این دشواری کار بزرگی را انجام می‌دهد و آن غمگساریِ پیغمبر است. پیغمبر که هم خدیجه را، هم جناب ابی‌طالب را از دست داده، نیاز به غمگسار دارد و این دختر است که غمگسار پدر می‌شود. این غمگساری همین طور ادامه پیدا کرد تا دوران مدینه و در اُحُد و در خندق و در بسیاری جاهای دیگر که آن وقت پیغمبر فرمود: فاطِمَةَ اُمُّ اَبیها؛[[207]](#footnote-207) مادری کرد برای پیغمبر. بعد، مسئله‌ی هجرت، آزمون‌های بی‌نظیر دوران مدینه، همسری با علیّ‌بن‌ابی‌طالب که یک پایش در خانه است، یک پایش در میدان جهاد -تحمّل این سختی‌ها- و بعد تربیت این چهار فرزند بی‌نظیر در دوران تاریخ، بعد هم دادن اوّلین قربانی بعد از رحلت پیغمبر، محسن، و در نهایت شهادت خود او چند ماه بعد از پیغمبر.

این زندگی کوتاه هیجده‌ساله یا اندکی بیشترِ این بزرگوار یک چنین ماجرایی دارد که ماجرای مهمّی است.

### تجسّم عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی در مورد زن

آن حضرت تجسّم عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی در مورد زن است، که به این‌ها باید توجّه کرد؛ درس فاطمه‌ی زهرا بیشتر این موارد است. برخی از مفاهیم اسلامی مفاهیم اختصاصی است، مثل مادری، همسری، کدبانویی، تربیت فرزند؛ در همه‌ی این‌ها اوج قلّه‌ی تصوّر، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. در عرصه‌ی تربیت فرزند، در عرصه‌ی همکاری با شوهر، در عرصه‌های مشترک و در آن چیزهایی که بین زن و مرد مشترک است، مثل بندگی خدا -وظایف بزرگ مثل بندگی خدا- وضعیّت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک وضعیّت فوق‌العاده اعجاب‌انگیز و مهم است. امام حسن مجتبیٰ (سلام الله علیه) می‌گوید شب جمعه تا صبح مادرم بیدار بود، عبادت می‌کرد، هر وقت صدای او را شنیدم، دیدم برای دیگران دارد دعا می‌کند؛ صبح گفتم مادر! برای دیگران دعا کردی، برای خودت دعا نکردی؛ فرمود پسرم! اَلجارَ ثُمَّ الدَّار؛[[208]](#footnote-208) این درس است. در قضیّه‌ی [نزول سوره‌ی] هل‌اَتیٰ [آمده است که] «اِنَّما نُطعِمُکُم لِوَجهِ الله»؛[[209]](#footnote-209) من این را به عنوان یک درس برای امّت اسلامی، برای جامعه‌ی اسلامی، برای جمهوری اسلامی تلّقی می‌کنم که کار با اخلاص انجام بگیرد. حسن بصری که از زهّاد ثمانیّه‌ی[[210]](#footnote-210) معروف است و زاویه هم دارد با اهل‌بیت، می‌گوید که «مَا كَانَ‏ فِي‏ هَذِهِ‏ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ‏ فَاطِمَةَ كَانَتْ‏ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا».[[211]](#footnote-211) معنای این تعبیر «ما کان اعبد من فاطمة» این نیست که شبیه او و به اندازه‌ی او تعدادی وجود داشتند؛ نه، در تعبیرات عربی معنایش این است که هیچ کس در امّت، مانند او نبود از لحاظ عبادت. این را حسن بصری می‌گوید؛ حسن بصری دوران فاطمه‌ی زهرا را درک نکرده، امّا این‌که این طور قاطع این حرف را می‌زند نشان می‌دهد این جزو مسلّمات و متواتراتی بوده است که در آن زمان وجود داشته. این‌که وظیفه‌ی عبادت، بعد وظیفه‌ی امر به معروف و مجاهدت، یعنی حضور در آن میدان عجیبی که بنا بود سرنوشت امّت اسلام در آن میدان تعیین بشود و آن حضور طوفانی عجیب فاطمه‌ی زهرا با آن خطبه‌های عجیب.

### نقشه‌ی جامع هویّت زن در منطق اسلام

نقشه‌ی جامع هویّت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی‌سبیل‌الله، در عین حال کدبانو، مدیر خانه، و در عین حال عابد و بنده‌ی خدای متعال. و در نهایت، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) نشان داد که زن می‌تواند به رتبه‌ی عالی عصمت برسد که این‌ها خصوصیّات این بزرگوار است.

## معنا و نتیجه‌ی مودّت با این خانواده

توجّه بشود که این خانواده‌ی نمونه و بی‌نظیر -مرد خانه علی، زن خانه فاطمه‌ی زهرا، فرزندان خانه امام حسن و امام حسین و زینب و امّ‌کلثوم، با آن خصوصیّاتی که از این‌ها می‌شناسیم- آن خانواده‌ای است که قرآن به پیغمبر می‌فرماید که «قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ اَلْمَوَدَّةَ فِي اَلْقُرْبىٰ»؛[[212]](#footnote-212)مودّت این خانواده. مودّت یعنی همبستگی، همدلی، همراهی و همکاری؛ این معنای مودّت است. همکاری و همراهی و همدلی با این خانواده، با این شعارها، با این حرکت‌ها، ببینید امّت اسلام را به چه اوجی می‌رساند. این خدمت مخلصانه‌ای که شعار آن‌ها است، همان چیزی است که ما باید دنبال آن باشیم.

### رشحات این مودّت و پیروی از نقشه‌ی این خانواده در نظام جمهوری اسلامی

من این را عرض بکنم، بعضی از دل‌ها که گاهی در بعضی از امور مضطرب می‌شوند، نگران می‌شوند، پریشان می‌شوند، من می‌گویم مضطرب نباشید؛ رشحات[[213]](#footnote-213) این مودّت خوشبختانه در جمهوری اسلامی و در نظام جمهوری اسلامی کاملاً مشهود است. حرکت بسیجی، روحیه‌ی بسیجی، خدمات بی‌ نام‌ و ‌نشان شهدای هسته‌ای، تلاش بی‌وقفه‌ی اردوهای جهادی، تلاش علمی و عملیِ بدون تظاهر هزاران گروه جوان در سراسر کشور در جبهه‌ی فرهنگی، در جبهه‌ی اجتماعی، در جبهه‌ی فنّی، این‌ها جلوه‌های زیبای همان پیروی از نقشه‌ی خانواده‌ی امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌ الله ‌علیها) است، که در این آخری هم در قضیّه‌ی کرونا یکی از زیباترین جلوه‌ها را در ماجرای گروه‌های پزشکی و پرستاری مشاهده کردیم.

## نگاه و موضع جمهوری اسلامی در باب زن، نقطه‌ی مقابل نگاه رایج غربی

خب در مورد مسئله‌ی زن و مادر؛ نگاه و موضع جمهوری اسلامی در باب زن، به‌کلّی با نگاه رایج غربی متفاوت است که با هزار زبان و با تریبون‌های فوق‌العاده فراگیر سعی می‌کنند آن را به همه‌ی دنیا گسترش بدهند؛ نه، نقطه‌ی مقابل آن، نگاه جمهوری اسلامی است. نگاه جمهوری اسلامی، نگاه تکریم و احترام زن است؛ نقطه‌ی مقابلِ نگاه رایج غرب به زن که نگاه کالایی و ابزاری است و حرمت زن در منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در هم شکسته. شما دیدید که یکی از عالی‌ترین مقامات دولتی و نظامی زن در همین چند ماه قبل از این اعلام کرد که مورد تعرّض و تجاوز قرار گرفته؛[[214]](#footnote-214) یعنی حتّی زنانی که به رتبه‌های بالای اداری و اجتماعی و سیاسی می‌رسند، از آسیب منطق غربی در مورد زن در امان نیستند و بر کنار نمی‌مانند. نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند: اِنَّ المُسلِمینَ وَالمُسلِماتِ وَالمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ وَالقانِتینَ وَالقانِتاتِ وَالصادِقینَ وَالصّادِقاتِ وَالصابِرینَ وَالصّابِرٰت،[[215]](#footnote-215) تا آخر؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش‌های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.

وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفه‌ی امر به ‌معروف مشترک است، وظیفه‌ی خدمت مشترک است، وظیفه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله [برای] هر کدام به نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند؛ زن وظایفی دارد، مرد وظایف ویژه‌ای دارد که خدای متعال به خاطر اداء همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آن‌ها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده.

بنابراین این نگاه اسلام و نگاه جمهوری اسلامی به زن است، و ما به این نگاه افتخار می‌کنیم؛ ما سر تا پا اعتراض به منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زنیم؛ معتقدیم آن‌ها به زن دارند ظلم می‌کنند.

## یک دروغ واضح و یک حرف کاملاً‌ مغرضانه

تبلیغات پُرحجم غربی وانمود می‌کنند که با نگاه اسلامی جلوی رشد و پیشرفت زن گرفته می‌شود؛ این یک دروغ واضح و یک حرف کاملاً‌ مغرضانه است.

## برخی از برکات نظام جمهوری اسلامی و نگاه اسلام به زن

در کشور ما در هیچ مقطعی از تاریخ، نه در گذشته، نه در دوران غربزدگی، این همه زن تحصیل‌کرده نداشتیم؛ این همه زن فعّال در فعالیّت‌های اجتماعی، در فعالیّت‌های فرهنگی، در فعالیّت‌های علمی نداشتیم؛ این همه بانوی مؤثّر در سرنوشت اجتماعی نداشتیم؛ این همه بانوان دارای فهم سیاسی و تحلیل سیاسی نداشتیم؛ این همه نویسنده‌ی زن، مترجم زن، هنرمند زن، به معنای واقعی کلمه نداشتیم؛ همه‌ی این‌ها از برکت جمهوری اسلامی و از برکت نگاه اسلام به زن است که نگاه تکریم است.

## لزوم کار هنری بیشتر درمورد مادران شهدا

من جا دارد در این‌جا حرف و سخن خودم را مزیّن کنم به تکریم از مادران و همسران شهدا در دو نسل: یکی در نوبت دفاع مقدّس، یکی در نوبت دفاع از حرم که همسران شهدا، مادران شهدا چه نقش ماندگار و بی‌نظیری را از خودشان به یادگار گذاشتند و حقّاً باید در برابر آن‌ها سر تعظیم فرود آورد. متأسّفانه نسبت به این عزیزان، این بزرگان، این بزرگواران، فعّالیّتِ تولید هنری خیلی کم شده؛ این ظرفیّت فوق‌العاده برجسته‌ای است و جا دارد که بیشتر از این، کار بشود.

## نقش حجاب در رشد و ترقّی زن

بعضی می‌گویند حجاب مانع از رشد زن و ترقّی زن است؛ نه به‌عکس؛ حجاب مانع از آن خودنمایی‌های بی‌موردی است که مانع حرکت زن می‌شود. ما امروز هزاران بانوی بزرگ و برجسته در صحنه‌های گوناگون علمی و عملی و اجتماعی و سیاسی و فنّی داریم که همه با حجاب کامل در حال زندگی هستند.

### نقش زن در خانواده و اهمّیّت آن

خب وقتی با این نگاه به زن نگاه کردیم، نقش [زن در] خانواده هم برجسته می‌شود؛ نقش مادری، نقش همسری، نقش کدبانویی و مانند این‌ها برجسته می‌شود؛ این چیزی است که در غرب روز‌به‌روز دارد کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ خانواده در غرب دارد رو به اضمحلال می‌رود.

خانواده یک کانون گرم و پُربرکتی است که قوی‌ترین پایه‌های تربیت انسان در این کانون گذاشته می‌شود. در کانون خانواده است که اوّلین و مهم‌ترین پایه‌های تربیت روحی و فکری بشر بنا نهاده می‌شود. خانه بهترین محیط آسایش جسم و جان است، بهترین کانون رفع خستگی تن و روح است، حقیقی‌ترین فضای صمیمیّت است؛ هیچ صمیمیّتی در هیچ محیطی به قدر خانواده و بین مادر، فرزند، پدر، همسران تصوّر نمی‌شود و وجود ندارد. در چنین کانون مبارکی محور کیست؟ مادر؛ اصل کیست؟ مادر؛ مرکز دایره کیست؟ مادر. مادر، محور خانواده است؛ این را دستگاه‌های تبلیغاتی غربی و متأسّفانه بعضی غربزده‌های خود ما سعی می‌کنند کم‌رنگ کنند، یا نفهمند، یا نشان ندهند. زنان خانه‌دار، حتّی کسانی که اشتغالات بیرونی ندارند، بزرگ‌ترین خدمات را انجام داده‌اند. لازم است ارزش و ارج خدمات زنانی که خانه‌داری و کدبانویی را ترجیح داده‌اند، فهمیده بشود؛ اگر چه خدمات خارج از خانه هم به عهده‌ی بانوان بوده و هست و خواهد بود و اشکالی هم ندارد، امّا این مهم‌ترین بخش خدمت زنانه است.

## لزوم ترویج ازدواج به‌هنگام و فرزندآوری توسط مدّاحان

خب، این‌جا در ذیل خانواده، یک جمله هم در مورد مسئله‌ی ازدواج به‌هنگام و بدون تأخیر عرض بکنم. این‌هایی را که عرض می‌کنم، شما مدّاحان عزیز که یکی از رسانه‌های بزرگ و ارزشمند کشور ما هستید -که حالا بعد عرض خواهم کرد- باید ترویج کنید؛ این مسائل بایستی ترویج بشود. ازدواج به‌هنگام و بدون تأخیر یکی از کارهای لازم و واجب است؛ فرزندآوری و تکثیر نسل یکی از آن وظایف مهم و اساسی است که بایستی انجام بگیرد که هر دو‌ی این‌ها -هم ازدواج زودهنگام و به‌هنگام، و هم تکثیر نسل- جزو نیازهای حیاتی امروز کشور و فردای کشور است. خب، این مفاهیم بایستی در مدّاحی شما عزیزانِ مدّاح جایگاه شایسته‌ای را داشته باشد.

البتّه خیلی مفصّل‌تر از این بحث‌هایی که کردم در ذهنم بود و یادداشت کردم، منتها چون وقت کم است و به ظهر نزدیک است، با عجله و سریع از این‌ها دارم عبور می‌کنم.

## جایگاه و اهمّیّت مدّاحی

### یک پدیده‌ی هنری ویژه و منحصر به فرد

بپردازیم به مسئله‌ی مدّاحی؛ مدّاحی یک پدیده‌ی هنری ویژه و منحصربه‌فرد است که ما هیچ جا شبیه این نداریم. البتّه در کشورهای غربی و غیرغربی، کنسرت و جلسات مانند آن دارند امّا با مدّاحی زمین تا آسمان فرق دارد. اداره کردن هیئت، اداره کردن مدّاحی، یک چیز فوق‌العاده‌ است؛ خوشبختانه بهترین و بیشترین نمونه‌اش هم در کشور ما است؛ البتّه در بعضی از جاهای دیگر هم اندکی کمتر از این‌جا وجود دارد لکن خوشبختانه نمونه‌ی عالی آن در کشور ما است. این جامعیّت، این نفوذ رسانه‌ای، این رواج اجتماعی و مردمی که این هنر ویژه دارد، در هیچ جای دیگر به این شکل وجود ندارد.

### ترکیبی از چند هنر

اوّلاً مدّاحی ترکیبی است از چند هنر: هنر شعر، هنر نغمه‌پردازی، هنر مدیریّت جلسه و جلسه را اداره کردن، سخن را به اعماق جان مستمع با سلیقه‌ها و ابتکارهای شخصی رساندن، صدای خوش؛ این یک بخش از کار است که جنبه‌ی هنری مدّاحی است.

### جنبه‌ی محتوایی گسترده

جنبه‌ی دیگر، جنبه‌ی محتوایی است؛ ترکیبی است از اندیشه، عاطفه و احساسات، اطّلاعات معارفی، اطّلاعات تاریخی، آگاهی‌های اجتماعی و آشنایی با نیاز مخاطبان. شما ملاحظه کردید در همین چند موردِ برجسته‌ی امروز که خوشبختانه مدّاحی‌های بسیار خوبی بود، نگاه به مسائل جهان، نگاه به مسائل کشور، آمیخته‌ی با مفاهیم دینی و اسلامی، برای مدّاح مثل آب روان، آن چنان آسان و در اختیار است که این، برجستگی این کار را در این زمینه هم نشان می‌دهد.

### یکی از عالی‌ترین موضوعات

موضوع کار مدّاح، عالی‌ترین موضوعات یا یکی از عالی‌ترینِ موضوعات است؛ چون موضوع کار مدّاح، ستایشگری نمونه‌های برجسته‌ی عالَم وجود است، یعنی محمّد و آل محمّد (صلوات‌ الله ‌علیهم)، و تکرار درس آن‌ها، تکرار یاد آن‌ها؛ یعنی شما در کاری که انجام می‌دهید یاد این بزرگواران را مرتّباً تکرار می‌کنید، نمی‌گذارید از یادها برود؛ احساسات را به درس آن‌ها، سخن آن‌ها، شیوه‌ی زندگی آن‌ها متوجّه می‌کنید؛ چه در مورد ولادتشان، چه در مورد شهادتشان؛ بنابراین موضوع کار مدّاح یکی از برجسته‌ترین موضوعات است.

### فرهنگ‌سازی و گسترش الگوی زیست نبوی و علوی و فاطمی

یک کار مهمّ دیگر، فرهنگ‌سازی‌ای است که شما انجام می‌دهید؛ یعنی همین زنده کردن یاد و نام ائمّه (علیهم‌ السّلام) و پیامبر اعظم (صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم)؛ خود این، یک فرهنگ‌سازی در جامعه و ترویج اندیشه‌های بلند این بزرگواران است که این بسیار خوب است؛ این یعنی گسترش دادن الگوی زیست نبوی و علوی و فاطمی؛ این الگوی زیست آن‌ها را شما با کار خودتان [گسترش می‌دهید].

بنابراین مسئله‌ی مدّاحی مسئله‌ی بسیار مهمّی است و پدیده‌ی برجسته و باارزشی است و خوشبختانه رو به رشد هم هست؛ یعنی همین طور روزبه‌روز این پدیده در کشور ما رو به گسترش است.

## چند توصیه به مدّاحان عزیز

من چند توصیه به شما مدّاحان عزیز دارم که این آخرین عرایض من است.

### جدّی گرفتن وظیفه‌ی فرهنگ‌سازی، ترویج، گستردن مبانی فکری و فرهنگی اسلام

توصیه‌ی اوّل این است که این وظیفه‌ی بزرگ و سنگینی را که عرض کردیم، جدّی بگیرید؛ وظیفه‌ی فرهنگ‌سازی، وظیفه‌ی ترویج، وظیفه‌ی گستردن مبانی فکری و فرهنگی اسلام را جدّی بگیرید؛ این بسیار مهم است؛ اساس کار شما این است؛ محور کار را این قرار بدهید. این توصیه‌ی اوّل که فکر و پند و معرفت و بصیرت را با همین ابزارِ هنریِ برجسته منتشر کنید، با مهارت‌هایی که هر کسی بالاخره ابتکاراتی دارد و مهارت‌هایی دارد که به کار می‌زند.

### حفظِ قالب مدّاحی و هیئت

توصیه‌ی دوّم این است که قالب مدّاحی و آن شکل مدّاحی حفظ بشود. مدّاحی و مدیریّت هیئت را با بعضی از کارهای مشابهی که این‌جا و آن‌جا انجام می‌گیرد اشتباه نباید گرفت. قالب مدّاحی باید حفظ بشود؛ از همه‌ی ابزارهای هنری مذکور که عرض کردیم -صدای خوش، نغمه‌سازی خوش، نغمه‌پردازی خوب- باید در این‌ها استفاده بشود، لکن از چیزهایی که بیرون از این قالب مدّاحی است مطلقاً نخواهید استفاده کنید و اجتناب بشود. نگذارید هیئت تبدیل بشود به محیط‌های دیگر؛ هیئت، باید هیئت بماند. این هم نکته‌ی دوّم که ان‌شاءالله عمق این مطلب را مورد توجّه قرار خواهید داد.

### اتقان در سخن و گسترش مطالعات معارفی و تاریخی

توصیه‌ی بعدی اتقان است؛ سعی کنید سخنِ متقن گفته بشود. آنچه باید گفته بشود، چه سیره، چه تاریخ، چه مطالعات معارفی و توحید و امثال اینها، چه ذکر مصیبت، با اتقان گفته بشود؛ یعنی سخن متقن و محکم و متین گفته بشود. این البتّه در مورد شعرایی که برای مجالس مدّاحی شعر می‌سرایند بیشتر صدق می‌کند؛ آن‌ها هم بایستی مطالعات معارفی‌شان و تاریخی‌شان بسیار گسترده باشد و سیره و تاریخ و معارف را درست بشناسند.

### گستردن ادب اسلامی در جامعه

توصیه‌ی آخر این است که ادب اسلامی را در جامعه بگسترانید. عزیزان من! یکی از چیزهای بسیار مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که متأسّفانه امروز با گسترش فضای مجازی به‌تدریج این ادب اسلامی دارد کم‌رنگ می‌شود. بدزبانی، بد‌گویی و مانند این‌ها بایستی در جامعه جمع بشود. امروز بعضی سعی می‌کنند یا بی‌توجّهی می‌کنند و این در جامعه، به‌خصوص در بعضی از رسانه‌ها -چه رسانه‌های صوتی، چه رسانه‌های تصویری- و به‌خصوص در فضای مجازی رو به گسترش است. شما بایستی در بیان خودتان، در شیوه‌ی کار خودتان، به نحوی عمل بکنید که گسترش این [بدزبانی و بدگویی] وجود نداشته باشد.

#### مثال خطبه‌های طوفانی فاطمه‌ی زهرا (سلام ‌الله ‌علیها)

مکتب ائمّه‌ (علیهم السّلام) و مکتب علوی و فاطمی از این چیزها مبرّا است. شما نگاه کنید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) دو خطبه‌ی طوفانی ایراد کرده؛ دو خطبه‌ی به معنای واقعی کلمه طوفانی: یکی در مسجد در میان انبوه متراکم مردان، یکی هم خطاب به زنان مدینه که پُر [است] از مطالب بسیار مهم و اعتراضی -اعتراض- و تنبیه نسبت به مفاهیم برجسته‌ی اسلامی که فاطمه‌ی زهرا (سلام ‌الله ‌علیها) در مورد آن‌ها خطر را احساس می‌کرد، لکن در این دو خطبه‌ی مهم و بزرگ و پُرشور، یک کلمه‌ی هتک و زشت و توهین‌آمیز وجود ندارد؛ [و همه‌ی کلمات،] کلماتِ محکم و مستحکم،‌ بیاناتِ متین و متقن. باید این ‌جوری عمل کنید؛

#### آنچه نباید در اظهارات و صحبت‌ها باشد

در اظهارات، در صحبت‌ها، قول به غیر علم نباید باشد، غیبت نباید باشد، تهمت نباید باشد و بدگویی و بدزبانی نباید باشد. این‌ها را به مردم یاد بدهید، تعلیم بدهید؛ هم در زبان تعلیم بدهید، هم در عمل تعلیم بدهید و ببینید که چقدر این‌ها مهم است.

#### اخلاقِ فاطمی و علوی

امیرالمؤمنین فرمود «اِنّی اَکرَهُ لَکُم اَن تَکونوا سَبّابین‌»؛[[216]](#footnote-216) وقتی که در لشکر امیرالمؤمنین خطاب به لشکریان معاویه بعضی‌ها یک مقداری بدزبانی کردند، حضرت فرمود نه، بدزبانی نکنید، بدگویی نکنید، «اِنّی اَکرَهُ لَکُم»، من دوست ندارم شما این جوری باشید. این اخلاقِ فاطمی و علوی است.

## به سمت تکامل و تعالی بودنِ حرکت دستگاه‌های تبلیغی کشور

خوشبختانه امروز دستگاه‌های تبلیغی کشور به سمت تکامل و تعالی دارند حرکت می‌کنند؛ این را من به شما عرض بکنم. هم در حوزه‌های عمیق و فکری و علمی در حوزه‌های علمیّه، هم در میدان‌های دیگر، کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد در این زمینه و خوشبختانه ما انعکاس این را در بخش‌های مدّاحی هم مشاهده کردیم و می‌بینیم؛ در محرّم گذشته که محرّم کرونایی بود و در ماه رمضان که ماه رمضان کرونایی بود، دیدیم که چه جور شما خوب حرکت کردید، با ابتکار حرکت کردید و کارهای زیبایی از شماها سر زد.

## دعا برای توسعه‌ی معارف

امیدواریم که ان‌شاءالله همین‌ جور پیش بروید و کار کنید و معارف را توسعه بدهید و روزبه‌روز ان‌شاءالله موفّق‌تر و مؤیّدتر باشید.

## قوّت و اقتدار روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی

بدانید دشمنان در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند؛ همین ‌طور که بعضی از برادرانمان در این صحبت‌هایشان اشاره کردند، روزبه‌روز بحمدالله اسلام و جمهوری اسلامی رو به قوّت و اقتدارِ بیشتر است و خواهد بود، هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ مادّی.

### رو به جلو بودن حرکت

البتّه مشکلاتی وجود دارد؛ این مشکلات فرازونشیب‌هایی است که در زندگی اجتماعی همواره وجود خواهد داشت. افرادی خدمت می‌کنند، افرادی هم ظرفیّت‌ها را از دست می‌دهند؛ این‌ها هستند، لکن جمع‌بندی و سرجمع همه‌ی این‌ها ان‌شاءالله حرکت به جلو است.

توفیقات شما را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم، شما را دعا می‌کنم و دعای حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) را که دعای مستجاب قطعی است، درباره‌ی شما از آن بزرگوار مسئلت می‌کنم و امیدوارم که شما هم ما را دعا کنید و خدای متعال روح مطهّر امام بزرگوار و شهدای بزرگوار را از ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

# دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش 19/11/1399

در سالروز بیعت تاریخی همافران با امام خمینی(ره) در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷[[217]](#footnote-217)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## نوزدهم بهمن؛ از ایّام الله

خیلی خوش آمدید؛ خرسندم و خدا را شاکرم که یک بار دیگر توفیق پیدا شد که در یک چنین روز مهمّی که تحقیقاً از ایّام‌الله است، شما برادران عزیز و زحمت‌کش و پیشرو را در این‌جا زیارت کنم.

### یک کار معجزه آسا

حادثه‌ی نوزدهم بهمن ۵۷، یکی از شگفتی‌سازی‌های انقلاب اسلامی است که این شگفتی‌سازی‌ها، یکی دو مورد و صد مورد نیست؛ هزاران شگفتی‌سازی در طول این سال‌ها دیده شده؛ [لکن] جزو اوّلین و مهم‌ترین‌هایش، یکی روز نوزدهم بهمن است. این‌که یک بخش مهمّی از ارتش طاغوت، خودش را از بدنه‌ی ارتش جدا کند و بیاید اظهار تبعیّت از امام و پیوستن به مردم بکند، حادثه‌ی خیلی مهمّی بود؛ این [حادثه] موجب شد که کلّ بدنه‌ی ارتش به پیوستن به جمهوری اسلامی تشویق بشوند. و سرانِ آن روزِ ارتش هم، وقتی واقعیّت را مشاهده کردند، ناچار در قبال انقلاب اظهار بی‌طرفی کردند؛ در حالی که بی‌طرفی آن‌ها معنی نداشت؛ ارتشِ نظام طاغوت چه‌طور می‌تواند در دفاع از نظام طاغوت بی‌طرف باشد؟ امّا اظهار بی‌طرفی کردند؛ چاره‌ای نداشتند [چون] دیدند بدنه‌ی ارتش تقریباً به ‌طور مجموع به مردم پیوسته است؛ این شبیه معجزه بود، واقعاً یک کار معجزه‌آسا بود.

### تبدیل تکیه‌گاه اصلی رژیم طاغوت به یک عامل زمین زدن آن

تکیه‌ی اصلی رژیم طاغوت به ارتش و ساواک بود؛ آن‌ها با مردم که ارتباطی نداشتند، به مردم که متکّی نبودند؛ تکیه‌ی اصلی [آنها] در خارج به آمریکا و در داخل به ارتش و ساواک [بود]؛ و همین تکیه‌گاه و همین نقطه‌ی امیدِ شیاطین به یک عامل مهمّی در زمین ‌زدن شیاطین تبدیل شد؛ این معجزه است دیگر. واقعاً یکی از عوامل قدرتمند پیروزی انقلاب، همین پیوستن ارتش به مردم بود؛ اگر این [طور] نمی‌شد و میان مردم و ارتش درگیری به وجود می‌آمد، فجایعی رخ می‌داد. خود این پیوستن ارتش که با پیش‌قراولی نیروی هوایی اتّفاق افتاد، موجب این شد که انقلاب بدون آن مشکلات عجیب و سنگین و غیر قابل محاسبه، بتواند پیروز بشود.

## طرح آمریکایی‌ها برای کودتا در بهمن 57

البتّه آمریکایی‌ها تا لحظه‌ی آخر به ارتش امیدوار بودند؛ تصوّر آن‌ها این بود که ارتش می‌تواند بِایستد و یک کودتایی را طرّاحی کرده بودند -که شاید این‌ها را در بعضی از منابع دیده باشید، ولی این حرف، حرف قطعی و دقیقی است- که در ماه بهمن باید اتّفاق می‌افتاد؛ این کودتا بایستی سران و پیشروان انقلاب را دستگیر می‌کرد و با مردم با خشونتی ده‌ها برابرِ [کودتای] بیست‌وهشتم مرداد برخورد می‌کرد و همه‌ی موانع انسانی‌ای را که در مقابلش بود از سر راه برمی‌داشت؛ این طرح آمریکا بود.

ژنرال هایزر معروف که آن روز جزو برجستگان آمریکاییِ مأمور در ناتو بود و مکرّر به ایران می‌آمد و می‌رفت، در خاطراتش این‌ جور می‌گوید که ژنرال بِراون که وزیر دفاع آمریکا در دولت دموکراتِ آن روز بود -آن روز هم اتّفاقاً دولت حاکم بر آمریکا مال حزب دموکرات بود- به این آقای هایزر مجوّز داده بود که حتّی به قیمت کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم، مانع سقوط رژیم شاه بشود؛ یک چنین کودتایی بنا بود آن‌جا انجام بگیرد.

خب یکی از چیزهایی که این نقشه‌ی شیطانی را باطل کرد، همین‌ حرکت نیروی هوایی بود؛ یعنی این آمدن. شاید خود آن جوان‌هایی که آمدند و با امام بیعت کردند -که بنده آن‌جا شاهد بودم و از نزدیک آن‌ها را دیدم- هیچ تصوّر هم نمی‌کردند که کار این‌ها این‌ قدر حائز اهمّیّت است.

## خطای محاسباتی آمریکا در ارزیابی وضع کشور، ارتش و مردم

خب یک نکته‌ی قابل توجّهی در این قضیّه وجود دارد که برای امروز ما و برای فردای ما درس‌آموز است؛ و آن این است که آمریکایی‌ها در قضیّه‌ی ارزیابی وضع کشور ما و مسئله‌ی ارتش و مسئله‌ی مردم، دچار خطای محاسباتی بزرگی شدند؛ این نکته‌ی مهمّی است؛ خطای محاسباتی داشتند. امیدی که آن‌ها به ارتش بسته بودند، ناشی از همین خطای محاسباتی بود که غافلگیر شدند؛ به خاطر همین اشتباهِ محاسبات، غافلگیر شدند. در همین اسنادی که بعد از سال‌ها منتشر شده، اعتراف کردند که تا اندکی قبل از ماه بهمن ۵۷ هیچ برآوردی از سقوط شاه و سلسله‌ی پهلوی نداشتند؛ هیچ! بالاتر از این، پنتاگون تا چند روز قبل از بیست‌و‌دوّم بهمن اعلام می‌کرد که امکان ندارد رژیم پهلوی سقوط کند؛ یعنی این‌ها این ‌قدر در اشتباه بودند، در خطای عجیب محاسباتی بودند؛ می‌گفتند ارتش تسلّط کامل دارد و امکان ندارد. البتّه ارتش ایران، برای آمریکایی‌ها از شخص شاه هم مهم‌تر بود؛ می‌گفتند شاه یک نفر است، حالا بمیرد، برود، بیاید، یک نفر دیگر را جایش می‌گذاریم لکن سازمان ارتش برایشان خیلی مهم بود و روی آن خیلی حساب کرده بودند؛ و همین ارتشی که برای آمریکایی‌ها این ‌قدر مهم بود و روی آن کار کرده بودند و چهل هزار مستشار آمریکایی در همان روزها در ایران، در ارتش حضور داشتند، شد عامل شکست رژیم طاغوت و موجب نابودی امیدهای آمریکا در ایران که خدا در قرآن می‌فرماید: فَاَتاهُمُ اللهُ مِن حَیثُ لَم یَحتَسِبوا؛[[218]](#footnote-218) از آنجایی که خیال نمی‌کردند ضربه خوردند و سیلی خوردند.

### ادامه‌ی خطای محاسباتی آمریکا در فتنه‌ی سال ۸۸ و قضیّه‌ی تحریم

البتّه این خطای محاسباتی هنوز ادامه دارد، یعنی تا امروز هم آمریکایی‌ها در زمینه‌ی مسائل ایران دچار خطای محاسباتی‌اند و واقعاً دستگاه محاسباتیِ سیاسی‌شان کار نمی‌کند؛‌ نمی‌فهمند، مسائل ما را درک نمی‌کنند و ملّت ما را نمی‌شناسند؛ ملّت ایران را هنوز نمی‌شناسند و لذا پی‌درپی خطا می‌کنند. آمریکایی‌ها در قضیّه‌ی فتنه‌ی ۸۸ خطا کردند، رئیس‌جمهور دموکراتِ آن روز آمریکا[[219]](#footnote-219) رسماً پشت سر فتنه‌ی ۸۸ ایستاد و از آن دفاع کرد، به خیال این‌که همه چیز را تمام خواهد کرد که خب خطای محاسباتی بود.

در قضیّه‌ی تحریم هم همین ‌جور است؛ با این تحریم‌های شدید و به‌ اصطلاح بی‌سابقه و همه‌جانبه که خودشان می‌گفتند در تاریخ چنین تحریمی وجود ندارد و راست هم می‌گفتند، خیال می‌کردند ایران را از پا درمی‌آورند؛ خب محاسبات غلط بود دیگر؛ خطای محاسباتی بود و امید بیهوده‌ای داشتند. یکی از همان احمق‌های درجه‌ی اوّلی که یک وقتی در این‌جا به آن‌ها اشاره کردم،[[220]](#footnote-220) دو سه سال پیش گفته بود[[221]](#footnote-221) که «ما عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت»؛ امیدشان این بود که در عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ بساط [جمهوری اسلامی] جمع شده و آن‌ها می‌آیند این‌جا جشن می‌گیرند. حالا خود آن شخص که به زباله‌دان تاریخ رفت، رئیسش[[222]](#footnote-222) هم با لگد و با افتضاح از کاخ سفید اخراج شد و هر دو به زباله‌دان تاریخ رفتند [امّا] جمهوری اسلامی بحمدالله سربلند ایستاده است.

## عوامل موفّقیّت ما در مواجهه با دشمنان

خب، ساده‌انگاری نباید کرد. بله، دشمن در محاسبات خودش خطا می‌کند لکن ما باید مراقب باشیم که صرفاً معیوب بودن دستگاه محاسباتی دشمن نیست که ما را موفّق می‌کند؛ باید کار کرد، باید تلاش کرد. حضور مردم در صحنه، ایمان مردم به لزوم حضورشان در صحنه، اعتماد به وعده‌ی الهی از سوی مردم و مسئولین، طرّاحی‌های متقابل، همه مؤثّر است و مؤثّر بوده. اگر امام بزرگوار هم در همان روزهای بیست‌ویکم بهمن و بیست‌ودوّم بهمن، فرمان شکستن حکومت نظامی را نمی‌دادند، وضع جور دیگری می‌شد. با نشستن و تماشا کردن و به امید خطای دشمن ماندن کار پیش نمی‌رود؛ بایستی تلاش کرد، باید در میدان عمل حضور داشت، باید کار کرد، باید به خدا اعتماد کرد، باید مجاهدت کرد، باید به طور دائم طرّاحیِ متقابل کرد؛ این وظیفه‌ی مسئولین است. مؤلّفه‌های قدرت ملّی را باید افزایش داد که یکی‌ از آن‌ها همین نیروهای مسلّح است و باید تولید قدرت کرد و این قدرت را در عمل هم بایستی نشان داد. لذاست بنده همواره تأکید کرده‌ام که باید نیروهای مسلّح مؤمن و مردمی‌مان را -که بحمدالله نیروهای مسلّح ما، [اعمّ از] ارتش، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، هم مؤمنند، هم مردمی‌اند- تقویت کرد؛ این یکی از وظایف مسئولین کشور است که البتّه این تقویت بایستی با نگاه به اقتضائات منطقه و بین‌الملل و پیدا کردن اولویّت‌ها و تمرکز بر روی اولویّت‌ها باشد که این حرفِ همیشه‌ی من با مسئولین نیروهای نظامی و مسئولین کشور بوده و هست.

## لزوم تقویت نیروهای مسلّح که مایه‌ی امنیّت ملّی کشورند

خب خوشبختانه در این یکی دو ماه اخیر، هم ارتش، هم سپاه، هم وزارت دفاع توانایی‌های برجسته‌ای را در برابر چشم همه قرار دادند: هم مردم خودمان این رزمایش‌هایی را که انجام گرفت دیدند -شاید حدود ده رزمایش انجام گرفت- هم دنیا دید؛ چشم‌های نگران ماهواره‌ها دیدند و تحسین کردند و بعضی‌ها اظهار تعجّب کردند که واقعاً تحسین‌برانگیز هم بود؛ به‌خصوص در شرایط تحریم. دسترسی‌ ما به اطّلاعات، دسترسی‌ ما به مواد، دسترسی‌ ما به امکانات و تجهیزات خارج از کشور، کاملاً محدود است دیگر؛ در یک چنین محدودیّتی نیروهای مسلّح ما -چه وزارت دفاعمان، چه ارتشمان، چه سپاهمان- توانستند یک چنین کارهای بزرگی را انجام بدهند و به ظهور برسانند. و این در واقع، عمل به دستور امیرالمؤمنین (علیه السّلام) است که ایشان در فرمان معروف به مالک اشتر فرمود: فَالجُنودُ بِاِذنِ اللهِ حُصونُ الرَّعِیَّة؛ بعد، در چند جمله‌ی دیگر: وَ سُبُل الاَمن؛[[223]](#footnote-223) نیروهای مسلّح مایه‌ی امنیّت ملّی کشور هستند و چقدر افتخارآمیز است که یک کشوری بتواند امنیّت ملّی خودش را به وسیله‌ی عناصر خودش‌، فرزندان خودش، نیروهای مسلّح خودش تأ‌مین کند و منتظر دیگران نباشد.

### ابعاد این تقویت

البتّه توجّه داشته باشید که تقویت نیروهای مسلّح صرفاً‌ با تجهیزات هم نیست؛ تجهیزات بخشی از کار است، سازمان‌دهی بخشی از کار است؛ بخش مهمّی از کار، روحیه و ایمان و قدرت معنوی در دل‌ها است؛ تقویت نیروهای مسلّح یعنی همه‌ی اینها؛ [حتّی] جنبه‌های معنوی.

## تحقیر شدن کشورهایی که امنیّت ملّی خودشان را از آمریکا می‌خواهند

خطای بزرگ بعضی از کشورها این است که امنیّت ملّی خودشان را از آمریکا می‌خواهند؛ خودشان چنین توانایی‌ای ندارند، چنین همّتی هم ندارند،‌ چنین درک درستی هم از مسائل جهانی ندارند؛ هم خرج می‌کنند -هزینه می‌کنند، میلیاردها هزینه می‌کنند- هم تحقیر می‌شوند، هم [به آنها] توهین می‌شود

### تأمین نشدن امنیّت این کشورها در بزنگاه‌ها

و هم در عین حال در بزنگاه‌ها امنیّتشان تأمین نمی‌شود؛ در آن بزنگاه‌ها، همان کسی که به او امید بسته بودند، دستش را از پشت این‌ها برمی‌دارد. شما دیدید در قضایای چند سال قبل مصر و تونس و مانند این‌ها، با این‌که آن کسانی که آن‌جاها در رأس کار بودند، جزو وفاداران به آمریکا بودند، آمریکا دستش را از پشت این‌ها برداشت. در مقابل مردم، در مقابل حرکت مردم چه کار می‌توانستند بکنند؟ محمّدرضای پهلوی هم به یک معنا همین جور [شد]؛ وقتی که فرار کرد و از ایران بیرون رفت، مدّتی در آمریکا خواست بماند، آمریکایی‌ها بیرونش کردند؛ مجبور شد برود پاناما و این‌جا و آنجا؛ آمریکایی‌ها او را نگه‌ نداشتند؛ این همه برای آن‌ها کار کرده بود و به آن‌ها خدمت کرده بود و به آن‌ها امید بسته بود! وقتی به دیگران امید ببندیم، این است؛

### عزّتی که جمهوری اسلامی از آن برخوردار است

وقتی که به خودمان بیاییم و به خودمان تکیه کنیم و از خدا کمک بخواهیم، امنیّت ملّی را خودمان بخواهیم تأمین بکنیم، [نتیجه‌] این عزّتی است که بحمدالله جمهوری اسلامی از آن برخوردار است.

## استفاده از خطای محاسباتی دشمن

خب بنابراین این خطای محاسباتی دشمن را که اشاره کردم، نکته‌ی مهمّی است. این خطای محاسباتی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و در زمینه‌ی سایر امور هم وجود دارد؛ به این باید توجّه داشته باشیم و از آن استفاده کنیم.

## مرعوبِ قدرت دشمن شدن یا امید به او بستن، جزو خطاهای بزرگ ما

ما باید مراقب خطای خودمان هم باشیم، خودمان هم بایستی مواظب اشتباهاتمان باشیم. من به یکی از اشتباهاتی که ممکن است کسانی در بین ماها بکنند، اشاره می‌کنم و آن، این است که ما مرعوب قدرت دشمن بشویم؛ این خطای بزرگی است، این جزو خطاهای ما است؛ یا امید به او ببندیم؛ با همین وضعی که داریم، در یک بخشی از کارهایمان -چه ‌مسائل اقتصادی، چه مسائل سیاسی و بین‌المللی- چشم امید به بیگانه داشته باشیم؛ آن بیگانه‌ای که بنایش بر تجاوز است، بنایش بر غارتگری است، بنایش بر دخالت کردن است؛ این خطای بزرگی خواهد بود.

البتّه من به‌ هیچ ‌وجه نمی‌خواهم توصیه کنم که به نیروی درونی خودمان با چشم مبالغه نگاه کنیم؛ نه، واقعیّت را ببینیم، سعی کنیم آن را ارتقاء بدهیم؛ امّا به‌شدّت توصیه می‌کنم که با هر توانی که داریم، نباید مرعوب دشمن بشویم. اگر مرعوب شدیم، از کار می‌افتیم.

## توجه به واقعیّات درمورد آمریکا

و این کسانی که تصوّر غیر واقعی از توانایی‌های آمریکا و بعضی از قدرت‌های دیگر دارند، بایستی به واقعیّات درست توجّه کنند. هیاهوی قدرت‌های جهانی زیاد است و با همین هیاهو بزرگ‌نمایی می‌کنند [امّا] واقع قضیّه این نیست.

### افول آمریکا از لحاظ آبرو، قدرت و انتظام اجتماعی

حالا در همین قضایای اخیری که در آمریکا اتّفاق افتاد، [یعنی] این مسئله‌ی سقوط ترامپ با این وضع مفتضح و حوادثی که حول ‌و حوش این قضیّه اتّفاق افتاد[[224]](#footnote-224) -که چیزهای کوچکی نیست- این افول یک رئیس‌جمهور ناباب نبود؛ افول آبروی آمریکا بود، افول قدرت آمریکا بود، افول انتظام اجتماعی آمریکا بود؛ این را من نمی‌گویم، این را خودهایشان گفتند؛ صاحب‌نظران برجسته‌ی سیاسی‌شان اعلام کردند که نظام آمریکا از درون پوسیده است؛ این را خود آمریکایی‌ها در این قضایای اخیر گفتند؛ گفتند نظام اجتماعی آمریکا از درون پوسیده است؛ خیلی حرف بزرگی است؛ بعضی‌های دیگر گفتند که دوران پساآمریکا آغاز شده است؛ این‌ها حرف‌های آن‌ها است. خب، واقعیّت قضیّه این است. البتّه از لحاظ اقتصادی هم مشکل دارند امّا مشکل عمده‌ی آن‌ها از لحاظ انتظام نظام اجتماعی و نظام سیاسی آن‌ها است که نشان‌دهنده‌ی این است که به‌کلّی متزلزلند.

### سعی در مستور نگه داشتن قضیه با امپراتوری خبری

اگر این حادثه‌ای که در آمریکا اتّفاق افتاد، در هر نقطه‌ی دیگر دنیا، به‌خصوص در کشورهایی که با آمریکا خیلی میانه‌ای ندارند اتّفاق می‌افتاد، مگر به این زودی رها می‌کردند؟ لکن حالا امپراتوری خبری دنیا بیشتر در اختیار خود آن‌ها است، سعی می‌کنند قضیّه را مستور نگه دارند و تمام کنند و سر و تهش را به هم بیاورند؛ امّا قضیّه تمام‌شده نیست؛ قضیّه، خیلی قضیّه‌ی مهم و دنباله‌داری است. آمریکا واقعاً افول کرد و برای همین است که دولت‌های وابسته‌ی به آمریکا در منطقه دستپاچه‌اند، سراسیمه‌اند؛ به‌خصوص رژیم صهیونیستی. این یاوه‌گویی‌هایی که اخیراً می‌شنوید سران رژیم صهیونیستی می‌گویند، بیشتر ناشی از ترسشان است، ناشی از سراسیمگی و اضطرابشان است به خاطر آنچه در آمریکا اتّفاق افتاده. البتّه آن‌ها درست هم فهمیدند؛ دنیا در این زمینه شاهد و ناظر است که آمریکا، هم در محیط داخلی خود و هم در محیط بین‌المللی افول کرده.

## حرف‌های مهمل آمریکا و سه کشور اروپایی در قضیّه‌ی تحریم‌ها

و امّا در قضیّه‌ی تحریم‌ها؛ خب، امروز در دنیا حرف و حدیث‌هایی هست؛ هم اروپایی‌ها یک چیزهایی می‌گویند، [هم] آمریکایی‌ها یک چیزی می‌گویند. اوّلاً در جمهوری اسلامی هیچ کس گوشش بدهکار مُهمل‌گویی‌های مدّعیان بدون استحقاق -حالا چه در اروپا، چه در آمریکا- نیست؛ حرف‌های مُهملی می‌زنند؛ کسی گوشش بدهکار حرف‌های آن‌ها نیست.

### آن‌ها حق ندارند برای برجام شرط و شروط تعیین کنند

ثانیاً اگر بخواهیم منطقی و مستدل صحبت بکنیم، آمریکا و سه کشور اروپایی که همه‌ی تعهّدات برجامی را زیر پا گذاشتند، دیگر حق ندارند برای برجام شرط و شروط تعیین کنند. آن‌ها به تعهّدات برجامی‌شان هیچ عمل نکردند؛ یک برهه‌ی بسیار کوتاهی در اوّل کار بعضی از تحریم‌ها را -نه همه‌ی تحریم‌ها را- موقّتاً تعطیل کردند، دوباره برگشتند و بعد تحریم‌ها را افزایش هم دادند؛ شاید دو برابر، سه برابر تحریم‌ها را زیاد هم کردند. بنابراین آن‌ها حق ندارند در این زمینه شرط و شروط معیّن کنند.

## حق ایران در تعیین شرط برای ادامه‌ی کار برجام

آن طرفی که حق دارد برای ادامه‌ی کار برجام شرط معیّن کند ایران است. علّت هم این است که ایران از اوّل به تمام تعهّدات برجامی خودش عمل کرد، جمهوری اسلامی به تمامی تعهّدات برجامی عمل کرد؛ آن‌ها نقض کردند.

### سیاست قطعی جمهوری اسلامی در مورد برجام

ما حق داریم برای ادامه‌ی برجام شرط بگذاریم و این شرط را هم گذاشتیم و گفتیم و هیچ ‌کس هم از آن عدول نخواهد کرد؛ و آن این است که اگر می‌خواهند ایران به تعهّدات برجامی -که چند تعهّد آن را لغو کرده- برگردد، باید آمریکا تحریم‌ها را کلّاً لغو بکند؛ آن هم نه به زبان و روی کاغذ که بگوید لغو کردیم؛ نه، بایستی در عمل تحریم‌ها را لغو کنند و ما راستی‌آزمایی کنیم و احساس کنیم که درست تحریم‌ها لغو شده، آن وقت ما هم به این تعهّدات برجامی برمی‌گردیم؛ این سیاست قطعی جمهوری اسلامی است و مورد اتّفاق مسئولان کشور هم هست و از این سیاست بر نخواهیم گشت.

## اتّحاد کلمه، برای از پیش پا برداشتن مشکلات

توصیه‌ی مؤکّد اینجانب اتّحاد کلمه است؛ مسئولین کشور و دست‌اندرکاران مسائل عمده‌ی کشور اتّحاد کلمه داشته باشند؛ ملّت عزیزمان، اتحاد کلمه‌شان را حفظ کنند. بحمدالله همین اتّحاد کلمه‌ی ملّت ایران توانسته‌ است بسیاری از مشکلات را از پیش پا بردارد؛ بعد از این هم بایستی این اتّحاد کلمه وجود داشته باشد، مسئولین هم هماهنگ و هم‌صدا با هم حرکت بکنند، نیروهای مسلّح هم به وظایف مهمّی که دارند و می‌دانند [عمل کنند] و به معنای واقعی کلمه ان‌شاءالله به تولید قدرت ادامه بدهند.

## فردای به‌مراتب بهتر

مطمئنّاً به لطف پروردگار و به دعای ولیّ ‌عصر (ارواحنا فداه)، فردای ملّت ایران و کشور ایران از امروز به‌مراتب بهتر و بالاتر است. امیدواریم خداوند برکات خون شهدا را همواره شامل حال این ملّت بدارد و روح مطهّر امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی 29/11/1399

در سالروز قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز در سال۱۳۵۶[[225]](#footnote-225)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

والحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

به مردم عزیز تبریز و آذربایجان سلام و تحیّت عرض می‌کنم و روز تاریخی و فراموش‌نشدنی بیست‌ونهم بهمن را که امسال متأسّفانه به خاطر ضرورت به این صورت برگزار می‌شود گرامی می‌دارم. ما هر سال در این حسینیّه با حضور شما مردم عزیز و فضای پُرشوری که احساسات آذربایجانی و تبریزی شما ایجاد می‌کرد دلخوش بودیم و شما را از نزدیک زیارت می‌کردیم؛ امسال متأسّفانه این [امکان] فراهم نیست؛ و این هم جزو حوادث گوناگون زندگی است؛ هر روزی به یک نحوی است. ان‌شاء‌الله امیدواریم که به‌زودی این موانع هم برطرف بشود.

## ضرورت بهره‌گیری از برکات ماه رجب

حلول ماه رجب را به همه‌ی شما عزیزان، به اهالی تبریز و آذربایجان، و به عموم مردم ایران تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که همه از برکات معنوی این ماه بهره‌ ببرند. خب بله در این ماه، اجتماعات وجود ندارد و آنچه هر سال برای مردم در اجتماعاتِ عبادی و حال و ذکر و توجّه میسّر بود، امسال نیست لکن در خانه‌ها از دعاهای رجب غفلت نشود؛ دعاهای بسیار خوبی است، و این تعطیلی موقّتِ اجتماعات نبایستی موجب بشود که ما از برکات این ماه و از عبادت و دعا و توسّل به درگاه الهی غافل بشویم.

## محتوای سخنرانی امروز

آنچه امروز عرض خواهم کرد، چند کلمه در آغاز در مناقب تبریز و آذربایجان است. با این‌که در این زمینه زیاد صحبت کرده‌ایم امّا تصوّر بنده این است که این حرف‌ها باید تکرار بشود تا ذهن جوان‌های عزیزِ ما به‌خصوص جوان‌های عزیزِ آن خطّه با این حقایق بیشتر آشنا بشود؛ چند کلمه در باب یادمان بیست‌ونهم بهمن ۵۶ -این حادثه‌ی تاریخی بسیار مهم- و چند جمله درباره‌ی درسی که امروز باید از این حادثه بگیریم و استفاده کنیم و با بهره‌برداری از این درس بزرگ، ضعف‌هایی را که امروز داریم باید برطرف کنیم. یک کلمه‌ی کوتاه هم درباره‌ی انتخابات عرض خواهم کرد.

## افتخارات آذربایجان و تبریز

امّا در باب تبریز، خب حادثه‌ی بیست‌ونهم بهمن ۵۶ یک حادثه‌ی پُرافتخارِ جهادی و عملیّاتی بود؛ کار مهمّی بود و واقعاً مایه‌ی افتخار مردم تبریز است، لکن افتخارات آذربایجان و افتخارات تبریز به این کار جهادی و امثال این کار جهادی محدود نمی‌شود؛ دامنه‌ی افتخارات این شهر و این منطقه بسیار گسترده‌تر است؛ من چند نمونه را عرض می‌کنم:

### نخبه‌پروری

یکی مسئله‌ی نخبه‌پروری است. منطقه‌ی آذربایجان، به‌خصوص تبریز هم در علم، هم در هنر، هم در سیاست، یک منطقه‌ی نخبه‌پرور است. در علم، هم علوم دینی و هم علوم طبیعی و مادّی، در این ۱۵۰ سال اخیر -حالا قبل از آن را من خیلی تتبّع نکرده‌ام- این منطقه از لحاظ [پرورش] فقهای بزرگ، از لحاظ حکمای بزرگ، از لحاظ متکلّمین، از لحاظ دانشمندان علوم طبیعی، یک منطقه‌ی ممتاز و حقیقتاً نخبه‌پرور است؛ پس نخبه‌پروری در علم، نخبه‌پروری در هنر [که به عنوان] یک نمونه از شعرای تبریز، هنرمندان تبریز، هنرمندان اقسام هنرها، مرحوم شهریار (رحمة الله علیه) را اسم می‌آ‌ورند و اسم می‌آوریم که بنده هم معتقدم، منتها فقط ایشان نبودند؛ شعرای زیادی در تبریز [بودند] که به فارسی یا ترکی شعر می‌گفتند. همچنین در سیاست هم آذربایجان شخصیّت‌های برجسته‌ای را در گذشته و امروز تقدیم کرده؛ بنابراین یکی از خصوصیّات این منطقه نخبه‌پروری است که این را باید نگه داشت، باید حفظ کرد.

### جریان‌سازی در تحوّلات تاریخی دوقرن اخیر

نکته‌ی دیگر، جریان‌سازی در تحوّلات تاریخی و سیاسی کشور است. باز در همین ۲۰۰ سال اخیر، ۱۵۰ سال اخیر وقتی که نگاه می‌کنیم، [آذربایجان] یک منطقه‌ی جریان‌ساز بوده است. یک وقت [هست که] کسی به یک ماجرایی ملحق می‌شود، یک وقت کسی در یک ماجرا، جریان ایجاد می‌کند، تحوّل ایجاد می‌کند، در ایجاد آن جریان و تداوم آن جریان تأثیرگذاری می‌کند؛ تبریز و آذربایجان از این قبیل بوده است. از دوره‌ی فتوای تحریم تنباکوی مرحوم میرزای شیرازی که مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد که یکی از برجستگان علمای تبریز و خانواده‌ی معروف مجتهد و مجتهدی هستند در این منطقه اثرگذار بودند؛ خب، میرزای شیرازی در سامرّا بودند؛ اگر علمای بلاد ایران مثل میرزای آشتیانی[[226]](#footnote-226) در تهران و ایشان در این‌جا و بعضی از علمای دیگر در مناطق دیگر نبودند، این فتوا همه‌گیر نمی‌شد و آن اثر مطلوب را نمی‌گذاشت. این‌جا مرحوم حاج میرزا جواد در این زمینه فعّال وارد میدان شدند. در مشروطه همین‌طور -که حالا بعد عرض خواهم کرد، اشاره خواهم کرد- پس بنابراین در تحوّلات تاریخی و سیاسی کشور، این منطقه و بالخصوص شهر تبریز و به طور کلّی منطقه‌ی آذربایجان دارای این روحیه‌ی جریان‌سازی بودند.

### دژ استوار در مقابل حملات خارجی

نکته‌ی بعدی [این است که] آذربایجان دژ استوار ایران در مقابل حملات خارجی بوده؛ یعنی ما با همسایه‌های متعرّض و متجاوز -چه روسیه‌ی تزاری، چه عثمانی سابق، چه شوروی- همواره با حملاتی مواجه بوده‌ایم؛ اگر چنانچه آذربایجان نبود و تبریز نبود و مقاومت‌ها نبود و ایستادگی‌ها نبود و جان‌فشانی‌ها نبود، ممکن بود این تعرّض به مناطق مرکزی کشور هم کشیده بشود. آذربایجان، سد و دژ مستحکمی بوده است که همواره این حملات را پس زده و جلوی آن‌ها را گرفته.

### دلبستگی به اسلام و غیرت شدید به ایران

یک نکته‌ی بسیار مهم این است که منطقه‌ی تبریز و آذربایجان دو ویژگی هویّتی ثابت و همیشگی داشته‌اند: یکی عبارت است از دلبستگی عمیق به اسلام و به دیانت اسلامی؛ و دوّمی غیرت و حمیّت شدید نسبت به ایران؛ این همیشه در دوران‌های مختلف در آذربایجان وجود داشته که به اسلام و ایران آن‌چنان اهمّیّت داده‌اند و درباره‌ی آن آن‌چنان حمیّت نشان داده‌اند که واقعاً یک برجستگی مهمّی است؛ آذربایجانی‌ها مکرّر در برابر توطئه‌های بیگانگان که می‌خواستند تجزیه کنند مناطق مختلف ایران را، در این منطقه در مقابل این تجزیه‌طلبی‌ها ایستاده‌اند و یکپارچگی کشور را حفظ کرده‌اند.

### داشتن چهره‌های نقش‌آفرین در مسائل کشور

یک نکته، نقش‌آفرینی چهره‌ها است. چهره‌های نقش‌آفرین در کلّ مسائل کشور در این منطقه زیادند؛ همین طور که عرض کردم، در ماجرای تنباکو مرحوم حاج میرزا جواد، در اوایل قضایای مشروطه ستّارخان و باقرخان -که باقرخان با پدر ما هم‌محلّه بودند، ایشان دیده بود باقرخان را در محلّه‌ی خیابان- و بعد در یک برهه‌ی دیگر، وقتی که روس‌ها وارد تبریز شده بودند و آن‌جا بودند، مرحوم ثقةالاسلام[[227]](#footnote-227) و علمای بزرگ دیگری مجاهدت کردند، مبارزه کردند و به شهادت رسیدند. بعد در یک برهه‌ی دیگر، حرکت شیخ محمّد خیابانی و میرزا اسماعیل نوبری که این‌ها وارد میدان شدند و کارها کردند که به شهادت خیابانی منتهی شد. در بحث انقلاب، در مسائل مقدّماتی انقلاب، از روز اوّل، یعنی از سال ۴۲ که نهضت شروع شد، جزو علمای دستگیر‌شده‌ی از سراسر کشور سه نفر از علمای معروف تبریز بودند. بعد هم در حوادث گوناگون در روزها و اوقات مُشرف به انقلاب هم حرکت مرحوم قاضی[[228]](#footnote-228) و دیگران؛ بعد در مسائل خود انقلاب، شهید مدنی و شهید قاضی؛ در دفاع مقدّس، شهید باکری و امثال اینها؛ ده‌ها نفر از این قبیل شخصیّت‌های برجسته هستند که این‌ها چهره‌های نقش‌آفرینند، این‌ها چهره‌های فراموش‌نشدنی‌اند.

## لزوم حفظ این تاریخ

من عرض می‌کنم نباید گذاشت این تاریخ پُرافتخار به دست فراموشی سپرده بشود؛ این تاریخ را باید حفظ کرد. یقیناً بدون یک روایت درست از تاریخ آذربایجان، هر روایتی از تاریخ ایران ناتمام و ناقص است. در روایت درست مسائل آذربایجان، افرادی که اهل این کار هستند، کسانی که علاقه‌مند هستند، بایستی وارد بشوند. این، چند جمله‌ی کوتاه درباره‌ی آذربایجان و تبریز.

## سه خصوصیّت مردم عزیز آذربایجان در پیام امام

و امّا بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶. امام بعد از حادثه‌ی بیست‌ونهم بهمن تبریز پیامی دادند؛[[229]](#footnote-229) در آن پیام، امام سه خصوصیّت را درباره‌ی مردم عزیز آذربایجان ذکر کردند؛ این کلمه‌ی «عزیز» هم در بیان خود امام هست که می‌گویند «مردم عزیز آذربایجان». سه خصوصیّت را ذکر کردند: شجاعت، غیرت، تدیّن؛ این سه خصوصیّت را امام بزرگوار در پیامشان برای آذربایجان بیان کردند.

### سه شاخص مهم برای ارزیابی یک مجموعه‌ی انسانی و برای ارزش‌گذاری به فعالیّت‌ها

حقّاً هر سه خصوصیّت شاخص‌های مهمّی هستند برای ارزیابی یک مجموعه‌ی انسانی و برای ارزش‌گذاری به فعالیّت‌ها و تلاش‌هایی که این مجموعه انجام می‌دهد؛ یعنی شجاعت در جای خود، غیرت در مورد خود و تدیّن به همچنین.

### ابتکار چهلم گرفتن

وقتی که در بیست‌ونهم بهمن مردم تبریز قیام کردند -این به نظر من نکته‌ی مهمّی است که باید به آن توجّه کرد- [حوادث] نوزدهم دی قم را دیده بودند؛ این را که رژیم با چه سبعیّتی وارد میدان خواهد شد و مردم را کشتار خواهد کرد، دیده بودند. و رژیم هم خیال می‌کرد که بعد از حادثه‌ی قم، برق چشم را از مردم ایران گرفته است و دیگر کسی جرئت ندارد وارد میدان بشود. در چنین شرایطی، مردم تبریز با حجمی چند برابرِ آنچه در قم اتّفاق افتاده بود وارد میدان شدند و ابتکار چهلم گرفتن را ایجاد کردند. این‌که سلسله‌ی چهلم‌ها بعد راه افتاد و منتهی شد به آن حرکات عظیم مردمی، ابتکارش در تبریز اتّفاق افتاد؛ یعنی تبریزی‌ها مبتکر چهلم گرفتن بودند برای شهدای قبل از خودشان. خب این شجاعت آن‌ها بود، ایمان آن‌ها بود، غیرت آن‌ها بود که آن‌ها را به صحنه آورد و این حوادث بزرگ را رقم زد.

### اگر حرکت حماسی تبریزی‌ها نبود...

اعتقاد من این است که اگر حرکت حماسی تبریزی‌ها در بیست‌و‌نهم بهمن نبود، ممکن بود حرکت خونین مردم قم در نوزدهم دی تک بماند و به‌تدریج به دست فراموشی سپرده بشود؛ مثل حرکت پانزدهم خرداد سال ۴۲ در آن دوران که به‌تدریج داشت به دست فراموشی سپرده می‌شد؛ البتّه بعد از انقلاب زنده شد امّا قبل از انقلاب آرام آرام داشت از یاد مردم می‌رفت که در پانزدهم خرداد ۴۲ چه اتّفاقی در تهران و قم و ورامین و مانند این‌ها افتاده است. نوزدهم دیِ مردم قم هم ممکن بود در صورتی که تبریزی‌ها به میدان نمی‌آمدند، به همین سرنوشت دچار بشود. مردم آمدند حماسه‌ی بیست‌و‌نهم بهمن را ایجاد کردند و حماسه‌ی قم را زنده نگه داشتند و خونی در رگ‌های نهضت جاری کردند.

### ثمرات این سه خصوصیّت در حوادث انقلاب و بعد از انقلاب

خب، همین سه خصوصیّت، یعنی شجاعت و غیرت و تدیّن، در حوادث انقلاب و بعد از انقلاب هم خودش را نشان داد؛ هم در قضایای اوایل انقلاب که دست‌های بیگانه دنبال تجزیه‌طلبی بودند، مردم تبریز وارد میدان شدند، هم در دفاع مقدّس؛ که لشکر عاشورا در آن روز یکی از لشکرهای خط‌شکن و شجاع بود و شهید باکری یک چهره‌ی فراموش‌نشدنی است که هرگز یاد او از ذهن‌ها نمی‌رود و دوستان نزدیک او که با او همراه بودند -البتّه بنده هم ایشان را مکرّر دیده بودم- و آن‌هایی که با او معاشر و همراه بودند، چیزهایی از نورانیّت او، از معنویّت او، از صفای او نقل می‌کنند که انسان را واقعاً دچار غبطه می‌کند.

و بعد در فتنه‌ی خلق مسلمان، خود تبریزی‌ها [در صحنه] بودند؛ یعنی کسانی که آن فتنه‌ی خلق مسلمان را راه انداختند، تصوّر می‌کردند که می‌خواهند برای تبریز و آذربایجان کاری بکنند [امّا] آن که در مقابل فتنه ایستاد، خود مردم تبریز بودند و آن‌ها بودند که نگذاشتند و امام این را همان وقت گفتند؛ گفتند کسی نمی‌خواهد دخالت بکند، خود مردم تبریز جواب آن‌ها را خواهند داد.

بعد همچنین در سال‌های بعد، در فتنه‌ی سال ۸۸، تبریزی‌ها یک روز زودتر از تهران و یک روز زودتر از همه‌ی کشور وارد میدان شدند و آن فتنه را خنثیٰ کردند.

## درس امروز ما از حادثه‌ی 29 بهمن 56

خب، حالا این هم درباره‌ی بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶ و اهمّیّت حادثه و عظمت حادثه که هیچ نباید این را فراموش کرد. خب حالا ما چه درسی از این می‌گیریم؟ بحث عمده‌ی من این‌جا است. درس امروز ما از این حادثه چیست؟

## به‌وجود آمدن جبهه‌ای علیه انقلاب اسلامی از آغاز

خب، انقلاب اسلامی از آغاز با دشمنی ابرقدرت‌ها مواجه شد؛ یک جبهه به وجود آمد. ابرقدرت‌ها که می‌گوییم، یعنی شوروی آن روز در کنار آمریکا؛ که در صد مسئله با هم این‌ها اختلاف داشتند امّا در این مسئله‌ی مقابله‌ی با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام برآمده‌ی از امام، این دو ابرقدرت با هم همراه بودند؛ اروپایی‌ها و قدرت‌های اروپایی هم همین جور، دنباله‌روانشان -مرتجعین منطقه و دیگران- هم که همین جور؛ یک جبهه‌ای علیه انقلاب اسلامی تشکیل شد.

### رد کردن هنجارهای نظام سلطه؛ علّت این دشمنی

خب، علّت این دشمنی چه بود؟ این یک نکته‌ای است که ما هرگز نباید فراموش کنیم. علّت این دشمنی صرفاً این بود که نظام اسلامی هنجارهای نظام سلطه را رد کرده بود. آنچه بر دنیا حاکم بود، نظام سلطه بود.

#### معنای نظام سلطه

نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی دنیا تقسیم می‌شود به دو بخش: بخش سلطه‌گر و بخش سلطه‌پذیر؛ سلطه‌گر بایستی مسلّط باشد: هم سیاستش، هم فرهنگش، هم اقتصادش؛ و سلطه‌پذیر باید در مقابل سلطه‌گر تسلیم باشد. کشورهای دنیا تقسیم می‌شدند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ این یک هنجار جاافتاده‌ی جهانی بود. تقسیم کرده بودند دنیا را؛ یک بخشی از دنیا دست آمریکا، یک بخشی دست شورویِ آن روز، بخشی هم دست قدرت‌های درجه‌ی دوّمی که دنباله‌روِ این‌ها بودند؛ این وضع دنیا بود.

### بهانه جور کردن برای این دشمنی!

جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی، این نظام را رد کرد؛ خب این، رگ حیات استکبار بود؛ هنجارهای نظام سلطه، رگ حیات استکبار بود؛ قوام استکبار به این بود؛ جمهوری اسلامی این را رد کرد، نظام اسلامی این را رد کرد، این‌ها هم در مقابلش ایستادند. البتّه برای این‌که دستاویزی داشته باشند، همیشه یک بهانه‌هایی جور می‌کردند: یک روز مسئله‌ی حقوق بشر، یک روز تسلط بی محابای دین را به شکل‌های گوناگونی زشت جلوه دادن، یک روز مسئله‌ی هسته‌ای، یک روز مسئله‌ی موشکی، یک روز مسئله‌ی حضور منطقه‌ای؛ این‌ها بهانه است، اصل قضیّه این است که این نظام اسلامی حاضر نیست شریک نظام سلطه‌ی جهانی بشود و در سلطه‌گری و سلطه‌پذیری با آن‌ها همراهی کند. نظام اسلامی ایستاده است؛ با ظلم مخالف است، با سلطه مخالف است.

## نیازهای ملّت ایران در برابر این جبهه

### مستحکم کردن هویّت خود

خب در برابر این دشمنی و این جبهه، این ملّت عزیز و پایدارِ ما نیاز دارند به این‌که هویّت خود را مستحکم کنند؛ شخصیّت و هویّت و عناصر هویّتیِ خودشان را مستحکم کنند و قدرت درونی خودشان را ازدیاد ببخشند؛ این نیاز قطعی است.

#### زیربنای فکری مستحکم؛ عامل هویّت و قدرت یک ملّت و نهضت

آنچه به یک ملّت و یک نهضت هویّت می‌دهد و قدرت می‌دهد چیست؟ اوّلاً دارا بودن یک زیربنای فکری مستحکم است.

##### علّتِ از راه برگشتن خیلی از انقلاب‌ها

علّت این‌که خیلی از کشورهایی که انقلاب کردند و حرکاتی را ضدّ سلطه و ضدّ استکبار و ضدّ ظلم و استبداد به وجود آوردند، بعد از مدّت کوتاهی -بعضی‌ها بعد از پنج سال، بعضی‌ها بعد از ده سال- به‌کلّی از آن راه برگشتند و رفتند در همان راه اَسلاف[[230]](#footnote-230) خودشان و مثل آن‌ها شدند، این بود که یک زیربنای فکری محکمی در اختیارشان نبود.

#### این زیربنای فکری؛ دشمن اصلی برای سلطه‌گران

این‌که می‌بینید گاهی در بعضی از کلمات بیگانه‌ها -که بعضی داخلی‌ها هم متأسّفانه از آن‌ها تقلید می‌کنند- ایدئولوژی‌زدایی مطرح می‌شود معنایش این است. دشمن اصلی برای سلطه‌گران، همین زیربنای فکریِ اصلی است که زیربنای اسلامی است؛

#### راه به دست آوردن این زیربنای فکری

این زیربنا از اسلام گرفته شده؛ در بیانات امام به طور مبسوط این زیربنا توضیح داده شده. اگرمجلّدات متعدّد فرمایشات امام را ملاحظه کنید، این زیربنای فکری اسلامی و زیربنای عقیدتی کاملاً در آنجاها متجلّی است و بیانات گسترده‌ی امام راحل، یک ذخیره‌ی غنی در این زمینه است؛ بعد هم درس‌های ارزشمندی از متفکّران انقلابی ما در اختیار ما است، از شهید مطهّری و شهید بهشتی و دیگران تا زمان حاضر که این‌ها از قرآن و متون اسلامی این زیربنا را گرفته‌اند و تأمین می‌کنند.

#### لزوم ادامه‌ی این راه توسط نیروهای فکریِ نظام اسلامی

البتّه بنده اعتقاد راسخ دارم که نیروهای فکریِ نظام اسلامی بایستی این راه را طی کنند و باز هم ادامه بدهند؛ روزبه‌روز و نوبه‌نو بایستی این فکر را جلوه ببخشند و رونق بدهند؛ مسائل جدیدی که پیش می‌آید، پاسخ‌های جدیدی لازم دارد، این پاسخ‌ها را در اختیار جویندگان و پویندگان و جوانان بگذارند.

### آنچه در مقام عمل لازم است

خب این مربوط به زیربنای فکری [بود] که این لازم است، امّا در مقام عمل هم یک چیزهایی لازم است، یعنی صِرف وجود این زیربنا کافی نیست. در مقام عمل چه لازم است؟ نترسیدن، خسته نشدن، ناامید نشدن، تنبلی نکردن، ندانسته در نقشه‌ی دشمن وارد نشدن و به او کمک نکردن؛ این‌ها در عمل لازم است. در جای خود هم آماده‌ی فداکاری بودن؛ این‌که می‌گوییم در جای خود، یعنی یک مواردی پیش می‌آید که باید فداکاری کرد، باید جان را به کف دست گرفت:

نهد جان بر کف دست و رهاند

ز ننگ تیره‌روزی کشوری را[[231]](#footnote-231)

#### مثال‌هایی از کسانی که جانشان را کف دست گرفته بودند

مثل شهید سلیمانی که جانش را کف دستش گرفته بود و وارد میدان‌های گوناگون [می‌شد] و دیگر شهدای عزیز، مثل همین شهید باکری خودتان که ایشان در آن عملیّات بسیار مهم و پیچیده و دشوار که آن طرف رودخانه‌ی دجله رفته بود و دوستان خودش را در آن لحظات قبل از شهادت صدا می‌کرد، می‌گفت بیایید ببینید این‌جا چه خبر است. من نمی‌دانم او چه می‌دیده؛ از عالم غیب، از عالم معنوی، از ملکوت عالَم وجود چه چیزهایی در مقابل او ظاهر شده بود که دعوت می‌کرد از شهید کاظمی و دیگران -که خود این‌ها می‌گفتند- که بیایید این طرف ببینید این‌جا چه خبر است. خب این‌ها کسانی هستند که جانشان را کف دست گرفتند و فداکاری کردند. فداکاری در مواقعی لازم است لکن آنچه همیشه لازم است، همان‌هایی است که عرض کردم: خسته نشویم، ناامید نشویم، به دشمن کمک نکنیم، تنبلی نکنیم و بیکاری و عدم عمل را در زندگی خودمان نفی کنیم.

#### نمونه‌هایی از اینکه ملّت ایران خسته نشده‌اند

البتّه ملّت ایران خوشبختانه از این خصوصیّات برخوردارند؛ انصافاً ملّت ایران خسته نشدند، که خب شما نمونه‌هایش را در این تشییع جنازه‌ی عجیب شهید سلیمانی، بعد هم در این بیست‌ودوّم بهمن امسال با این شرایط کرونایی، با ابتکار جدید که چه‌طور وارد میدان شدند و با شور و شوق نگذاشتند بیست‌ودوّم بهمن تعطیل بشود و در قضایای گوناگون دیگر دیده‌اید. در قیام بهمن تبریز هم همین خصوصیّات دیده شد؛ یعنی همین نترسیدن، خسته نشدن، ناامید نشدن، وارد میدان شدن و فداکاری کردن.

#### شجاعت و امید امام و مردم در روزهای منتهی به بیست‌ودوّم بهمن

در روزهای منتهی به بیست‌ودوّم بهمن در تهران و در بسیاری از شهرستان‌ها همین جور [بود]؛ آن‌جا هم اوّلاً امام (رضوان الله علیه) بود که در جلوی جمعیّت در واقع حرکت کرد. اگر امامْ شجاع نبود، اگر امام می‌ترسید، اگر امام ناامید می‌شد، اگر امام خسته می‌شد، اگر امام تنبلی می‌کرد، این حادثه‌ی به این عظمت اتّفاق نمی‌افتاد. امام در قضایای روزهای آخر نهضت که منتهی به پیروزی انقلاب شد، لحظه به لحظه مراقب حوادث بود و داخل در جریانات بود تا رسید به آنجایی که حکومت نظامی را نفی کرد، مردم را به خیابان‌ها کشاند و قضیّه تمام شد. [ثانیاً] مردم هم شجاعت به خرج دادند و نترسیدند و وارد میدان شدند و به معنای واقعی کلمه حضور پیدا کردند.

## وجود هدایت الهی؛ با وجود مجاهدت

هرگاه این مجاهدت باشد، هدایت الهی هم هست؛ یعنی وقتی این مجاهدت شد، این از خودگذشتگی به وجود آمد، خدای متعال وانمی‌گذارد؛ وَالَّذینَ جاهَدوا فینا لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنا؛[[232]](#footnote-232) وقتی مجاهدت بندگانش ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آن‌ها خواهد داد؛

### حل شدن همه‌ی مشکلات؛ در صورت استقامت

علاوه‌ی بر هدایت الهی، موفّقیّت و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: وَاَن لَوِ استَقاموا عَلَی الطَّریقَةِ لَاَسقَیناهُم ماءً غَدَقًا.[[233]](#footnote-233) «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال که مفسّرین می‌گویند کنایه از حلّ همه‌ی مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید -استقامت یعنی منحرف نشدن- درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلّماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعف‌ها برطرف خواهد شد؛ ما باید به این نکته همیشه توجّه داشته باشیم. اهمّیّت راهی که ملّت ایران تا امروز طی کرده بسیار بالا است؛ ما بایستی به این اهمّیّت واقف باشیم.

## کم‌کاری ما در تبیین دستاوردهای انقلاب

دستاوردهای انقلاب حقیقتاً دستاوردهای عظیم و شگفت‌آوری است. البتّه متأسّفانه ما کم کار کرده‌ایم در تبیین این دستاوردها؛ گاهی در سخنرانی، گاهی در یک بیان تلویزیونی یک چیزهایی گفته شده منتها خیلی بیش از این، میدان وجود دارد برای این‌که دستاوردهای انقلاب را بگوییم.

## برخی دستاوردهای عظیم انقلاب

حقّاً در مهم‌ترین بخش‌های حیات اجتماعی، انقلاب دستاوردهای فوق‌العاده و عظیمی دارد که حالا من دو سه موردش را عرض می‌کنم.

### پیشرفت علمی کشور

یکی این است که انقلاب چهره‌ی کشور را، چهره‌ی ایران را از یک کشور عقب‌مانده‌ی علمی که به‌کلّی از لحاظ علمی در آخرین صف‌های کشورهای دنیا قرار داشت -کشور عقب‌مانده‌ی علمی، از لحاظ سیاسی طفیلیِ سیاست قدرت‌های بزرگ، از لحاظ اقتصاد وابسته‌ی به قدرت‌های بزرگ و در اختیار قدرت‌های بزرگ؛ یعنی اقتصاد کشور ما در اختیار کشورهای بزرگ مثل آمریکا در یک برهه و انگلیس در یک برهه بود- تبدیل کرد به یک کشور آزاد، کشور مستقل، کشور عزیز، برخوردار از موفّقیّت‌های بزرگ علمی در رشته‌های مهمّ حیاتیِ امروز. امروز ایران در رشته‌های مهمّی در بین پنج کشور دنیا، شش کشور دنیا یا حدّاکثر ده کشور دنیا حضور دارد؛ این رشته‌ها، رشته‌های بسیار بااهمّیّتی است. کشور در این قسمت‌ها پیشرفت کرده و کشور مستقل، کشور آزاد، کشور آبرومندی است؛ این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انقلاب انجام داده.

### تبدیل ملّت ایران به ملّتی پُرنشاط و سربلند

نقطه‌ی دوّم [اینکه] ملّت ایران را از حال خمودگی و بی‌هدفی و دنباله‌رَوی بیرون آورده، به ملّتی پُرتحرّک، پُرنشاط، هدف‌دار، سربلند، آبرومند در دنیا تبدیل کرده. قبل از انقلاب این جوری نبود؛ مردم سرشان پایین بود، مشغول زندگی‌های خودشان [بودند]؛ یک هدف والایی، یک کار بزرگی، یک نگاه گسترده‌ای به مسائل جهان ابداً وجود نداشت؛ یک عدّه‌ی مخصوصی، عدّه‌ی کمی در مجموعه‌ی کشور چنین حالتی ممکن بود داشته باشند، امّا مجموعه‌ی کشور این جور نبود. امروز ملّت یک ملّت شادابی است، ملّت سربلندی است؛ با این همه جوان پُرتحرّک. من در یک صحبتی[[234]](#footnote-234) عرض کردم که هزاران هسته‌ی جوان علمی امروز در کشور وجود دارد؛ مجموعه‌های گوناگون فراوان که مشغول کارهای علمی‌اند، مشغول کارهای فنّی‌اند، مشغول کارهای اجتماعی‌اند که حالا یک نمونه‌اش مثلاً فرض کنید همین حضور جوانان -که آقای امام‌جمعه‌ی محترم بیان کردند- در قضیّه‌ی کرونا، مثلاً در قضیّه‌ی کمک‌های مؤمنانه و مواسات با نیازمندان. جوان‌ها وارد میدان می‌شوند، کار می‌کنند؛ این چیزها اصلاً در گذشته وجود نداشت؛ ملّت تغییر کرد، ملّت از یک حالت خمودگی به یک حالت نشاط وارد شد. این هم یک بخش.

### تبدیل مدیریّت کشور از حکومت استبدادی به حکومت مردمی

نکته‌ی سوّم که بسیار مهم است، [اینکه] مدیریّت کشور را از یک حکومت استبدادی پادشاهی و فردی تبدیل کرد به یک حکومت مردمی و جمهوریّت و مردم‌سالاری. امروز حاکم بر سرنوشت ملّت ایران خود مردمند؛ مردمند که انتخاب می‌کنند؛ ممکن است خوب انتخاب کنند، ممکن است بد انتخاب کنند، امّا مردم انتخاب می‌کنند؛ این خیلی چیز مهمّی است. آن روز این حرف‌ها وجود نداشت و کشور یک کشور استبدادی بود، همه چیز دست خودشان بود. یکی از این شخصیّت‌های معروف آمریکایی که با محمّدرضا رفیق بود، می‌گوید که رفتم ایران به محمّدرضا گفتم فلان نخست‌وزیر آدم بی عرضه‌ای است، گفت شما کارَت نباشد، من خودم همه‌ی کارها را دارم انجام می‌دهم! واقعش هم این جوری بود؛ سررشته‌ی همه‌ی کارها دست یک نفر بود و او تصمیم می‌گرفت و او [اقدام می‌کرد]؛ مردم اصلاً هیچ‌کاره‌ی محض بودند. حالا مردم که هیچ، دولتی‌ها هم هیچ‌کاره‌ی محض بودند؛ این هم یک بخش.

### خدمات انقلاب در سازندگی

بعد، خدمات انقلاب در سازندگی کشور. اصلاً من تعجّب می‌کنم! بعضی‌ها که حالا یک حرف‌های دیگری می‌زنند، چه‌طور این‌ها را نمی‌بینند؟ این حادثه‌ی مهمّ خدمت‌رسانی به مردم را در پدید آوردن زیرساخت‌های اساسی. این همه زیرساخت اساسی در کشور به وجود آمده؛ راه، سد، آب‌رسانی، برق‌رسانی، گازرسانی، توسعه‌ی صنعت، نوسازی کشاورزی، گسترش اعجاب‌آور دانشگاه‌ها. در هر شهر کوچکی یک دانشگاه وجود دارد؛ این همه دانشگاه، این همه دانشجو! مثلاً فرض کنید که از ۱۵۰ هزار دانشجو در آن روز، ناگهان برسیم به مثلاً ۱۰ میلیون، ۱۵ میلیون دانشجو؛ که امروز سی برابر، چهل برابر آن روز دانشجو و فارغ‌التّحصیل داریم در دانشگاه‌های گوناگون؛ این‌ها کارهای زیرساختی است و بسیار مهم است. و این کاری است کارستان که واقعاً این‌ها را انقلاب انجام داد و یک دولت معمولی، یک حکومت معمولی که انقلابی نبود، نمیتوانست این همه کار را انجام بدهد.

### تقویت نیروی دفاعی و نظامی کشور

علاوه‌ی بر این‌ها، تقویت نیروی نظامی و دفاعی کشور است. این کشوری است که در برابر حمله‌ی نیروهای معدود انگلیسی و غیر انگلیسی در جنگ [جهانی] دوّم، چند ساعت بیشتر نتوانست ایستادگی کند [امّا] هشت سال همه‌ی نیروهای قدرت‌های جهانی، یعنی آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگران و پول‌های دولت‌های مرتجع، زیر اسم صدّام با ایران جنگیدند -یعنی یک جنگ بین‌المللی به معنای واقعی کلمه- و بعد از هشت سال هیچ غلطی نتوانستند بکنند و به وسیله‌ی نیروهای نظامی و دفاعی و مردمی ما، از مرزها اخراج شدند؛ این چیز کمی نیست. این مال سال‌های اوّل انقلاب است، مال دهه‌ی اوّل انقلاب است که یک چنین حرکت عظیمی انجام گرفت. امروز که خب بحمدالله وضع نیروهای نظامی ما به‌مراتب [بهتر است]؛ یعنی نمی‌شود گفت ده برابر؛ ده‌ها برابر از آن روز جلوتر هستند. امروز بحمدالله کشور ما یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است از لحاظ دفاعی و یک نیروی پُرتوان از لحاظ دفاعی در نگاه بین‌المللی است.

## توطئه‌های گوناگون علیه کشور، به‌خاطر عدم توقّف انقلاب

خب، این‌که روزبه‌‌روز توطئه‌های گوناگونی از طرف رژیم آمریکا و رژیم صهیونیست و بعضی از کشورهای اروپایی علیه کشور انجام می‌گیرد، به خاطر همین است که می‌بینند کشور توقّف ندارد، انقلاب توقّف ندارد، مدام انقلاب دارد جلو می‌رود و پیش می‌رود؛ این موجب می‌شود که آن‌ها هم هر روز یک توطئه‌ی جدیدی را ساز کنند؛[[235]](#footnote-235) و البتّه ان‌شاءالله قدرت ملّت ایران و قدرت مسئولین و مأمورین کشور، این توطئه‌ها را خنثیٰ خواهد کرد.

## وجود عقب ماندگی در برخی بخش‌ها

خب، این‌ها دستاوردهای انقلاب است، چیز کمی نیست؛ ما این دستاوردها را باید بشناسیم و بدانیم. البتّه ما هرگز پنهان نکردیم، باز هم پنهان نمی‌کنیم که در بخش‌هایی هم عقب‌ماندگی داریم؛ عقب‌ماندگی‌هایی که به هیچ وجه قابل قبول نیست.

### انقلابی عمل نکردن؛ علّت این عقب‌ماندگی‌ها

در این عقب‌ماندگی‌ها مقصّر خود ما هستیم، خود ما مسئولین مقصّریم؛ مردم هم در یک بخش‌هایی ممکن است دخالت داشته باشند. این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود؛ این به خاطر انقلابی عمل نکردن ما است. ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیر انقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجّهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد؛

### معیشت طبقات فقیر؛ در درجه‌ی اوّل این عقب‌ماندگی

که در درجه‌ی اوّل، مسئله‌ی معیشت طبقات فقیر است، ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم و اختلاف و شکاف طبقاتی هست.

#### مقایسه با قبل از انقلاب

البتّه این را هم بگویم، در همین زمینه‌ای که ما عقب‌ماندگی داریم، در مقایسه‌ی با قبل انقلاب به‌مراتب جلو هستیم. این‌که کسی خیال کند که وضع قبل از انقلاب مثل وضع امروز بود، اصلاً این جور نیست. آن روزها خب بنده در میدان کار بودم و با طبقات مختلف، طبقات فقیر، در مشهد و در آن‌جایی که بودیم [ارتباط داشتیم]؛ و از جاهای دیگر هم ما بی‌اطّلاع نبودیم؛ وضع، بسیار با امروز متفاوت بود و بسیار بد بود؛ امروز از آن جهت هم ما پیشرفت کرده‌ایم منتها این [جایی] که ما امروز هستیم باب شأن انقلاب نیست؛ ما بایستی خیلی بیش از این حرکت می‌کردیم. شکاف طبقاتی بایستی از بین برود و عدالت اقتصادی به معنای واقعی کلمه بایستی مستقر بشود در کشور؛ این وظیفه‌ی ما است، این کار ما است، بایستی انجامش بدهیم.

قبل از انقلاب، جمعیّت کشور ۳۵ میلیون بود، امروز ۸۵ میلیون است؛ آن روز چند برابرِ امروز از درآمد نفت استفاده می‌کردیم -نفت می‌فروختیم و استفاده می‌کردیم -امروز علاوه‌ی بر تحریم که اضافه شده، این مقدار فروش نفت هم هرگز نداشته‌ایم- مثل قبل از انقلاب که آن روز شش میلیون بشکه نفت میفروختند؛ آن طور که معروف بود- و در عین حال خب بحمدالله کارهایی انجام گرفته ولی آن کارها خیلی کم است.

## کارهای دشمن برای ناامید کردن جوانان و بدبین کردن مردم به آینده

به این توجّه کنید: دشمن روی ناکامی‌های ما تبلیغات می‌کند، جنگ روانی می‌کند، روی آن‌ها تکیه می‌کند؛ ناکامی‌ها را چند برابر بزرگ‌تر از آن مقداری که هست نشان می‌دهد. البتّه پیشرفت‌ها و بسامانی‌ها را مطلقا نشان نمی‌دهد و به آن‌ها اشاره‌ای نمی‌کند و عمداً پیشرفت‌ها را کتمان می‌کند؛ این برای آن است که جوان‌های ما را ناامید کنند، این برای آن است که مردم ما را نسبت به آینده بدبین کنند؛ باید به این توجّه داشت؛ ولی خب از دروغ هم باکی ندارند. البتّه چیزهایی را مبالغه می‌کنند [ولی] در مواردی هم دروغ می‌گویند؛ و بعضی از عناصر داخلی خودمان هم از روی غفلت -حالا ممکن است بعضی‌ها هم مغرض باشند امّا غالباً از روی غفلت- همان حرف‌های آن‌ها را تکرار می‌کنند و بازتاب می‌دهند. ما این نابسامانی‌ها را داریم؛ ناکامی‌هایی وجود دارد که باید برطرف بشود.

## بسیار خوب بودنِ حسّاسیّت مردم نسبت به فساد و فاصله‌ی طبقاتی

مردم ما هم امروز از اوایل انقلاب نسبت به این نابسامانی‌ها حسّاس‌ترند. امروز مردم نسبت به فساد حسّاسند، نسبت به فاصله‌ی طبقاتی حسّاس‌تر از اوّل انقلابند؛ این چیز بدی نیست، این چیز بسیار خوبی است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که مردم با آرمان‌های انقلاب آشنایند و دنبال آن آرمان‌هایند، لذا اعتراض می‌کنند؛ به فساد اعتراض می‌کنند و هر جایی که مبارزه‌ی با فساد باشد، مردم در آنجاها علاقه نشان می‌دهند و طرف‌داری نشان می‌دهند و دلگرمی نشان می‌دهند؛ آنجایی که حرکت به سمت کمک به مردم ضعیف باشد، ایجاد عدالت و استقرار عدالت باشد، مردم طرف‌داری و حمایت نشان می‌دهند؛ این خیلی مهم است و نشان‌دهنده‌ی گرایش مردم است؛ همین را باید تقویت کرد.

## لزوم جبران ناکامی‌ها و ضعف‌ها با دستاوردها

ما وظیفه داریم با دستاوردها، ناکامی‌ها و ضعف‌ها را جبران کنیم. ببینید، این یک نکته‌ی مهمّی است. دستاوردهایی داریم که از جمله‌ی این دستاوردها خودِ همین جوان‌های علاقه‌مند و مبتکر و نیروهای انسانی آماده‌‌به‌کارند؛ این‌ها جزو دستاوردهای ما است.

### حرف دشمن و حرف ما

ما با کمک دستاوردها بایستی ناکامی‌ها را جبران کنیم؛ دشمن عکس این را می‌گوید؛ دشمن ناکامی‌ها را جلو می‌آورد، می‌گوید نگاهتان به ناکامی‌ها باشد، دستاوردها را فراموش کنید، مسیر انقلاب را رها کنید؛ این حرف دشمن است. ما به‌عکس، می‌گوییم که به کمک دستاوردهایمان بایستی ناکامی‌ها و ضعف‌ها را برطرف کنیم و انبوه دستاوردها را ببینیم و از آن‌ها برای کمک به برداشتن ضعف‌ها ان‌شاء‌الله استفاده و بهره‌برداری کنیم.

خوشبختانه شور انقلابی در مردم زنده است؛ همان طوری که عرض کردم، آن تشییع جنازه‌ی عجیب و واقعاً بی‌نظیر [را داشتیم]. ما در تاریخ کشورها این جور تشییع جنازه‌ای را که میلیون‌ها نفر در سراسر کشور تشییع کنند ندیده‌ بودیم و بی‌نظیر بود؛ بعد هم قضایای بعدی، و بیست‌ودوّمِ بهمنِ امسال هم که بحمدالله نشان‌دهنده‌ی شور انقلابی مردم بود. بنابر‌این، از گذشته بهره بگیریم برای درست کردن آینده و هموار کردن راه به سوی سرنوشت.

## فرصت بسیار بزرگ انتخابات

یک جمله [هم] درباره‌ی انتخابات عرض بکنم. انتخابات در کشور ما یک فرصت بسیار بزرگ است؛ این فرصت را نباید از دست داد. البتّه مخالفین جمهوری اسلامی نمی‌خواهند جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده کند.

### خصوصیّات انتخابات

انتخابات این خصوصیّات را دارد: این یک امکان برای ملّت است، یک ظرفیّت بزرگ برای پیشرفت کشور است؛ شور انقلابی مردم را نشان می‌دهد. وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و شور انقلابی خودشان را نشان بدهند، این موجب امنیّت کشور می‌شود، این موجب پس زدنِ دشمنان می‌شود، طمع دشمن را در کشور کم می‌کند.

### اهمّیّت شرکت پرشور مردم و کارهای دشمن در مقابل آن

انتخابات هر چه پُرشورتر، هر چه با اقبال عمومی مردم بیشتر همراه باشد، اثرات و منافعش برای کشور و برای خود مردم بیشتر خواهد بود. و البتّه عرض کردیم دشمنان این را نمی‌خواهند؛ لذا هر وقت نزدیک انتخابات می‌شود -در همه‌ی دوره‌ها؛ ما نزدیک چهل انتخابات داشتیم در این سال‌ها- این‌ها شروع می‌کنند، گاهی می‌گویند آزادی نیست، گاهی می‌گویند دخالتِ فلان است، گاهی می‌گویند مهندسی است، گاهی می‌گویند چنین است، برای این‌که مردم را دلسرد کنند از حضور در انتخابات؛ این، کار دشمن است. لکن حقیقت قضیّه این است که انتخابات برای کشور یک افتخار است، یک فرصت است، یک امکان است، یک ذخیره است که اگر شرکت پُرشور مردم باشد، این یقیناً به آینده‌ی کشور کمک خواهد کرد.

### انتخاب درست

البتّه اگر این شرکت پُرشور مردم همراه بشود با یک انتخاب درست که حقیقتاً یک نیروی کارآمد و باایمان و پُر‌انگیزه و علاقه‌مند به کار انتخاب بشود به وسیله‌ی مردم، خب این نورٌعلیٰ‌نور است و آینده‌ی کشور را تضمین خواهد کرد.

### علاج دردهای مزمن کشور

حالا من در باب انتخابات، در ماه‌های آینده که فرصت هست، اگر زنده بودم، حرف‌های زیاد دیگری دارم که عرض خواهم کرد؛ امروز همین یک جمله را خواستم عرض بکنم. می‌خواهم بگویم علاج دردهای مزمن کشور در پُرشور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم و بعد، انتخاب اصلح، انتخاب شخصیّت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.

## سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی در باب برجام

آخرین مطلب در باب برجام است. خب من درباره‌ی برجام صحبت کرده‌ام، تازه هم صحبت کرده‌ام، زیاد هم صحبت کرده‌ام، سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی در باب برجام را مطلقاً گفته‌ایم. حرف‌هایی زده می‌شود، وعده‌هایی داده می‌شود. من می‌خواهم امروز فقط همین یک کلمه را بگویم؛ بگویم ما حرف و وعده‌ی خوب خیلی شنیده‌ایم که در عمل، آن حرف‌ها و وعده‌ها نقض شده و ضدّش عمل شده. حرف فایده ندارد، وعده فایده ندارد؛ این دفعه فقط عمل، عمل؛ عمل از طرف مقابل را ببینیم، ما هم عمل خواهیم کرد. با حرف و وعده و این‌که «ما این کار را خواهیم کرد، آن کار را خواهیم کرد» جمهوری اسلامی این دفعه قانع نخواهد بود، مثل گذشته نخواهد بود.

## دعا

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، برکات خودت را و لطف و فضل خودت را بر مردم تبریز، بر مردم آذربایجان -آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل- به عموم ملّت ایران نازل بفرما. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، روح مطهّر امام بزرگوار را که این راه را به روی ما باز کرد، با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! ارواح طیّبه‌ی شهدای عزیز را از ما راضی کن. پروردگارا! وجود مقدّس ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی کن و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# \*\*\* اسفند 1399

# پیام رهبر انقلاب به پنجاه‌وپنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا 2/12/1399

بسم الله الرحمن الرحیم

دانشجویان عزیز

هر روز که می‌گذرد اهمیت نقش جوانان در پیشرفت کشور و تضمین آینده‌ی آن بیشتر آشکار می‌شود. بلیّه‌ی عمومی کرونا هم این را یک‌بار دیگر به اثبات رسانید. همت و انگیزه و امید شورانگیز جوانان در این ماجرا نیز مانند بسیاری از مسائل کشور، پیشران گشایش‌های علمی و عملی شد. این یکی از برترین افتخارات انقلاب اسلامی است که توانسته است نشان «نقش‌آفرینی در مسائل اساسی» را بر سینه جوانان برومند کشور بنشاند.

از شما دانشجویان عزیز انتظار می‌رود که در این فرصت مغتنمی که در اختیار شما است، خود را هر چه بیشتر به صلاحیت‌های علمی و دینی و اخلاقی آراسته کنید و آماده‌ی نقش‌آفرینی شوید، و اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی در این‌باره دارای وظیفه‌ای سنگین‌تر و البته افتخارآمیزتر است.

والسلام علیکم و رحمةالله

سیّدعلی خامنه‌ای

یک اسفند ۱۳۹۹

# دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 4/12/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[236]](#footnote-236)

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## تبریک و خوشامدگویی

خیلی خوش‌آمدید آقایان محترم. تقریباً بعد از یک سال تجدید عهد شد و آقایان را زیارت کردیم؛ منتها دوست می‌داشتیم که در یک شرایط بهتری دوستان را می‌دیدیم، از نزدیک با آن‌ها صحبت می‌کردیم که متأسّفانه شرایط کنونی آن را ایجاب نمی‌کند. ولادت مولای متّقیان امیرمؤمنان (سلام ‌الله ‌و ‌صلوات ‌الله‌ علیه) را تبریک عرض می‌کنیم -که یکی دو روز دیگر است- و همچنین ولادت مبارک و ذی‌جود حضرت جوادالائمّه (علیه ‌آلاف‌ الصّلاة‌ و السّلام) را هم تبریک عرض می‌کنیم.

## دعا برای درگذشتگان از این مجلس

در این فاصله برادران خوبی، دوستان عزیزی، شخصیّت‌های برجسته‌ای از این مجلس از دنیا رفتند، برایشان طلب آمرزش می‌کنیم. البتّه یک فهرستی به من دادند از همه‌ی درگذشتگان دوره‌ی پنجم که من دیگر وقت را نمی‌گذرانم، آقای رئیسی هم آن را فرمودند. خداوند ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند و جزای خیر به آن‌ها بدهد و ما را موفّق بدارد که قدر این چهره‌های برجسته‌ی علمی و عملی خودمان را بیشتر بدانیم.

## مطالب این جلسه

بنده دو مطلب را آماده کرده‌ام که عرض بکنم: یک مطلب در مورد یک نیاز فکری جامعه است که حالا شرح خواهم داد، متناسب با این جلسه -به‌مناسبت حضور علما و فضلا و [مانند] این‌ها و مخاطب آن هم در واقع حوزه‌های علمیّه و فضلای حوزه و دانشگاه و مانند این‌ها هستند- یک مطلب هم یک مطلب سیاسی بین‌المللی است که آن را هم عرض می‌کنم.

## لزوم کشاندن مفاهیم اسلامی به عرصه‌ی عمل

در مطلب اوّل، یکی از نیازهایی که مورد ابتلاء همه‌ی جوامع اسلامی و همه‌ی کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و به‌خصوص کشور عزیز ما که بحمدالله با نظام اسلامی اداره می‌شود به آن نیاز دارد، عبارت است از این‌که ما مفاهیم اسلامی را به مرحله‌ی عمل و به عرصه‌ی عمل بکشانیم.

منظومه‌ی معرفتی و ارزشی اسلام یک مجموعه‌ی مفاهیمی است که آوردن این مفاهیم به میان مردم و آن‌ها را به مرحله و منصّه‌ی عمل درآوردن، یک کار بسیار بزرگ و مهمّی است که ما هر جا این کار را نسبت به هر یک از این مفاهیمی که حالا بعد اجمالاً عرض خواهم کرد انجام دادیم، برای ملّت و کشور و برای آبروی اسلام و جمهوری اسلامی ارزشمند بود؛ و هر جا غفلت کردیم، محروم ماندیم.

در واقع عرض بنده این است که عناوین و مفاهیم معرفتی اسلام جنبه‌ی عملیّاتی و ترجمه‌ی عملیّاتی پیدا کند و عمل به آن‌ها ممکن و رایج بشود که این به خودیِ خود نمی‌شود و احتیاج به تلاش دارد. حالا من دو سه مثال در این زمینه عرض می‌کنم.

### مواسات؛ یک مثال

مثلاً فرض بفرمایید در همین قضیّه‌ی اخیر کرونا؛ مفهوم «مواسات» یک مفهوم کلیدی است در مجموعه و منظومه‌ی ارزشی و معرفتی اسلام، که این مفهوم با یک قدری تبیین در جامعه، یک نهضت در همین ایّام به وجود آورد: نهضت کمک مؤمنانه؛ و یک کار بزرگ انجام گرفت؛ یعنی مردم مواسات را از جایگاه یک مفهوم معتبر و مثلاً ارزشمند شرعی که همه قبول داشتند، آوردند به مرحله‌ی عمل، و شما دیدید در سرتاسر کشور چقدر کار انجام گرفت، چقدر ارزش خلق شد با کارهایی که جوان‌ها کردند، مردم کردند، گروه‌ها کردند، دستگاه‌های دولتی کردند، دستگاه‌های نهادیِ انقلابی انجام دادند؛ یک حرکتی راه افتاد، یک نهضتی انجام گرفت، گره‌هایی را باز کرد، کارهایی را راه انداخت. یعنی مفهوم مواسات این کشش را داشت، این ظرفیّت را داشت که این ‌جور تأثیر بگذارد و جامعه را تحت تأثیر قرار بدهد.

### مفاهیم مهمّی که امام به عرصه‌ی عمل آوردند

یا برویم جلوتر؛ این مفاهیم مهمّی که امام (رضوان ‌الله‌ علیه) از آن‌ها استفاده کردند مثل مفهوم توکّل، مفهوم تکلیف، مفهوم ایثار -اینها همه مفاهیم شرعی است دیگر- تا مفهوم شهادت، مفهوم جهاد؛ این‌ها مطرح شدند و با حضور امام و با تحرّک امام و با تبیین امام و با خواست امام که مؤیَّد به اراده‌ی الهی بود، وارد عمل زندگی مردم شد؛ نتیجه این شد که ما مثلاً‌ در هشت سال، یک جنگ در واقع بین‌المللی را توانستیم بر مخالفینمان پیروز بشویم؛ که این حرکت عظیم مردم در میدان جنگ ناشی از این مفاهیم بود؛ این مفاهیم را امام در بین مردم رایج کرد و این‌ها را از جایگاه مفهومی که همین‌ طور در قرآن و در حدیث و مانند این‌ها می‌خواندیم و می‌گفتیم امّا در عمل حضور نداشت، آورد در [عرصه‌ی] عمل؛ یکی این.

#### راه انداختن یک نهضت؛ مثال مهم‌تر از همه

##### آیاتی که ضرورت ایجاد نظام اسلامی را نشان می‌دهند

یک مثال دیگری که از این‌ها به نظر من مهم‌تر است، این آیه‌ی شریفه‌ی «ماٰ اَرسَلنا مِن رَسولٍ اِلّا لِیُطاعَ بِاِذنِ الله»[[237]](#footnote-237)‌ است؛ اصلاً ارسال رسل برای این است که مورد اطاعت قرار بگیرند؛ این اطاعت، مطلق است یعنی در همه‌ی امور زندگی؛ که معنای مستفاد از آیه این است که زندگی مردم -چه زندگی شخصی خصوصی، چه زندگی عمومی- باید به وسیله‌ی دین اداره بشود. حالا البتّه بعضی این را ممکن است فقط منحصر کنند به مسائل شخصی، [مثل] نماز و روزه و مانند اینها؛ این‌ جور نیست؛ اوّلاً به دلیل خود اطلاق این آیه، ثانیاً‌ به دلیل آیات دیگر، [مثل] این‌که می‌فرماید: وَ کَاَیِّن مِن نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَه رِبِّیّونَ کَثیر؛[[238]](#footnote-238) خب این قتال با ربّیون کثیر که کار شخصی نیست؛ کار اجتماعی است، کار عمومی است، کار حکومتی است. پس این آیه یک مستفاد این ‌جوری دارد؛ امام این معنا را آوردند به میدان عمل؛

از آیه‌ی شریفه‌ی: «اِنَّماٰ اَعِظُکُم بِواحِدَةٍ اَن تَقوموا لِله مَثنیٰ وَ فُرادیٰ»[[239]](#footnote-239) استفاده کردند برای این معنا، نه این‌که «اَن تَقوموا لِله مَثنیٰ وَ فُرادیٰ» تا بروید نماز بخوانید؛ نه، تا حکومت درست کنید، تا نظام اسلامی درست کنید. امام از این استفاده کرد، یک نهضت راه انداخت در سال ۴۱، بعد در طول زمان، متفکّرین، علاقه‌مندان، ارادتمندان،‌ شاگردان امام و در رأس همه خود امام، این فکر را تغذیه کردند تا منتهی شد به وجود انقلاب، پدید آمدن انقلاب و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام برآمده‌ از انقلاب.

##### تأثیر مفاهیم قرآنی و اسلامی، وقتی که وارد میدان عمل شد

یعنی ببینید، مفاهیم قرآنی و اسلامی، مفاهیم معرفتی اسلام، این‌ جور می‌تواند در زندگی تأثیر ببخشد وقتی که وارد میدان عمل شد. خب، این یک نمونه‌ای است از تأثیر معجزه‌آسای این ساز‌و‌کار و این حرکت، که حالا این حرکت چگونه انجام بگیرد، خودش یک بحث دیگری است.

## طرح آرمان‌هایی توسط نظام اسلامی که زمانی فقط آرزو بود

خب حالا نظام اسلامی تشکیل شد. آنچه ما می‌خواهیم عرض بکنیم این است: نظام اسلامی که تشکیل شد، آرمان‌هایی را مطرح کرد که خود این آرمان‌ها هم مربوط به اسلام بود و از قرآن گرفته شده بود. این‌ها قبل از تشکیل نظام اسلامی به صورت یک آرزو گفته می‌شد، یا ممکن بود به صورت آرزوی دست‌‌نیافتنی در ذهن کسی بیاید، مثل قیام به قسط مثلاً، مثل عدم تحمّل ظلم -انظلام-[[240]](#footnote-240) مثل عدم استکبار، عدم ظلم، نبود ظلم، یا حیات طیّبه، تعالیِ اخلاقی انسان، رواج فضایل و از این قبیل آرمان‌ها -این‌ها آرمان‌های اسلامی است؛ این‌ها آرمان‌هایی است که جمهوری اسلامی مطرح کرده- [امّا] چیزهایی نبود که در مرحله‌ی عمل بتواند مورد توجّه قرار بگیرد.

## نرم‌افزار مناسب این حکومت اسلامی

### پیدا کردن راه رسیدن به این آرمان‌ها در کتاب و سنت

خب برای رسیدن به این آرمان‌ها ابزارهایی لازم است. آن ابزارها هم که ما را به آن آرمان‌ها برساند، باز در خود منظومه‌ی معرفتیِ اسلام بلاشک وجود دارد؛ چون امکان ندارد که مقصد را به ما بگویند و ما را تحریض[[241]](#footnote-241) کنند به رسیدن به آن مقصد امّا راه را جلوی پای ما نگذارند؛ چنین چیزی امکان ندارد. بنابراین راهش هم در کتاب و سنّت هست. حالا نظام اسلامی می‌خواهد به این آرمان‌ها برسد، [لذا] بایستی این وسایل و ابزارهای رسیدن را که جزو مفاهیم معنوی و منظومه‌ی معرفتیِ اسلام است، جستجو کند، پیدا کند، این‌ها را عملیّاتی کند و راه بیفتد؛ یعنی در واقع این یک نرم‌افزار است برای سخت‌افزار حکومت اسلامی. حکومت اسلامی را به عنوان سخت‌افزار در نظر بگیرید، اگر نرم‌افزار مناسب خودش را نداشته باشد، به هیچ کار نمی‌خورد. نرم‌افزارش همین است که راه‌های رسیدن به آن آرمان‌ها مشخّص بشود و حرکت در این جهت ادامه پیدا کند.

### لزوم به‌روز کردنِ نرم‌افزار حکومت اسلامی متناسب با چالش‌های جدید

خب حالا من امروز این را می‌خواهم عرض بکنم که نظام اسلامی به یک چنین نرم‌افزاری بنابراین احتیاج دارد. هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا می‌کند و دامنه‌ی فعّالیّت نظام اسلامی گسترده‌تر می‌شود و افزایش پیدا می‌کند و میدان‌های تازه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی باز می‌شود و با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود -چالش‌هایی که قبلاً وجود نداشته؛ چون هر چه می‌گذرد، چالش‌های جدید، میدان‌های جدید، کارهای جدید مطرح می‌شود برای نظام اسلامی- به همین تناسب احتیاج دارد که آن نرم‌افزار را، آن مجموعه‌ی معنوی را نو‌به‌نو تجدید حیات کند و به‌روز کند. عرض من این است. این، آن چیزی است که از فضلای صاحب‌نظر و متفکّر به‌جِد باید مطالبه بشود و این کار باید انجام بگیرد.

#### معنای به‌روز کردنِ تفکّر اسلامی

این‌که می‌گوییم به‌روز کردنِ تفکّر اسلامی و آن را -یعنی منظومه‌ی معرفتی اسلام را- نو کردن و به‌روز کردن، معنایش به هیچ وجه دست‌کاری در آن منظومه‌ی معنوی نیست؛ نه، معنایش این است که یک حقایقی در کتاب و سنّت هست که ما تا وقتی احتیاج به آن‌ها پیدا نکنیم، متوجّه به آن‌ها نیستیم، متنبّه نیستیم؛ وقتی احتیاج پیدا کردیم، تنبّه پیدا می‌کنیم. مثال‌های زیادی هست که من حالا این‌جا چند مثال را [عرض می‌کنم].

## چند مثال

### دستور استقامت در مقابل فشارهای شرطی دشمن

مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط این‌که فلان کار انجام بگیرد -این ‌جور نیست که آدم را به‌کلّی مأیوس کنند؛ می‌گویند برمی‌داریم امّا شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمّی است؛ این شرط‌ها ممکن است که شرط‌های به‌شدّت گمراه‌کننده و هلاک‌کننده‌ای باشد- در یک چنین وضعی انسان چه ‌کار باید بکنند؟ این‌جا انسان متوجّه می‌شود که علاج این، «فَاستَقِم کَماٰ اُمِرتَ وَ مَن تابَ مَعَک»[[242]](#footnote-242) است؛ چون این مسئله، مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطبِ «وَ لِرَبِّکَ فَاصبِر»[[243]](#footnote-243) پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد امّا این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: فَاستَقِم کَماٰ اُمِرتَ وَ مَن تابَ مَعَک؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بِایستید؛ یعنی یک حرکت جمعیِ صبر و استقامت را از ما می‌خواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاستَقِم کَماٰ اُمِرت‌» باید عمل کرد؛ یا «وَتَواصَوا بِالصَّبر»؛[[244]](#footnote-244) تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمّل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می‌آید، برای ما آن مفهوم «فَاستَقِم کَماٰ اُمِرتَ وَ مَن تابَ مَعَک» کاملاً روشن می‌شود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد -که خب «وَ مَن تابَ مَعَک» یعنی مردم موظّفند که استقامت کنند- یک امر کلّی است، امّا وقتی یک چنین وضعی پیش می‌آید، انسان می‌فهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آن‌ها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بِایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمّی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد.

### انتظارِ قرار گرفتنِ جبهه‌ی مرکّب دشمن در مقابل انسان

یا فرض بفرمایید تا مادامی که جبهه‌ی مرکّب دشمن -جبهه‌ی شیطان که مرکّب از شیاطین مختلف است- در مقابل انسان قرار نگرفته و انسان از همه‌طرف محاصره نشده، معنای این آیه را درست نمی‌فهمد که «وَلمّا رَءَا المُؤمِنونَ الاَحزابَ قالوا هٰذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسولُه، وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسولُه وَ ما زادَهُم ‌اِلّا ایمانًا وَ تَسلیمًا»؛[[245]](#footnote-245) یعنی وقتی که مواجه شدیم با یک چنین پدیده‌ای که پدیده‌ی سختی است، دستپاچه نشویم؛ یعنی نه خودت دستپاچه بشو، نه مردم دستپاچه بشوند؛ دستپاچه نشوید؛ هٰذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسولُه؛ این چیزی است که قبلاً گفته بودند که اگر شما در راه حق حرکت کنید، منتظر باید باشید که «وَکَذٰلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیَاطِینَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَیٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛[[246]](#footnote-246) [این چیزها] خلاف انتظارتان نباید باشد؛ این گفته شده بود، می‌دانستیم. یعنی آن وقت و در آن شرایط این آیه درست خودش را مجسّم می‌کند، زنده می‌کند، در واقع راه زندگی را به ما نشان می‌دهد؛ و همین ‌طور موارد دیگری.

### انتظارِ واکنشِ تند از طرف خداوند درصورت بی‌توجّهی، بی‌اهتمامی و بی‌عملی ما

مثلاً از جمله‌ی چیزهایی که خیلی ذهن بنده را مشغول می‌کند به عنوان یک مسئول، خطاب به حضرت یونس (سلام ‌الله ‌علیه‌) است که ایشان یک حرکتی انجام دادند که ناشی از یأس و خستگی بود یعنی قومشان به ایشان جواب ندادند؛ آن وقت خدای متعال به این پیغمبر که یک عمر هم در [بین] این جمعیّت زحمت کشیده بود و خستگی برای او معنا نداشت می‌فرماید: وَذَا النّونِ اِذ ذَهَبَ مُغاضِبًا فَظَنَّ اَن لَن نَقدِرَ عَلَیه؛[[247]](#footnote-247) خیال کرد ما به او سخت نخواهیم گرفت؛ نخیر، بر او سخت می‌گیریم؛ و سخت هم گرفت و آن مجازات کذائی برای جناب یونس به وجود آمد. بنده غالباً وقتی که احساس بی‌عملی می‌کنم -چه در خودم، چه در دیگران، چه در مسئولین- به یاد این [آیه] می‌افتم که «فَظَنَّ اَن لَن نَقدِرَ عَلَیه»؛ خیال می‌کنیم که این بی‌توجّهی، بی‌اهتمامی، بی‌عملی موجب واکنش تند از طرف حضرت باری‌تعالی (جلّ جلاله) نخواهد شد؛ چرا، خواهد شد؛ یعنی این معنا عملیّاتی می‌شود برای ما، عینی می‌شود و خودش را نشان می‌دهد.

## لزوم گسترش عقبه‌ی فکری تغذیه‌کننده‌ی نظام

خلاصه هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا کند و جلو برود، با مسائل جدید داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد، با چالش‌های جدید مواجه خواهد شد، با وضعیّت‌های جدید مواجه خواهد شد و این او را نیازمند می‌کند به این‌که عقبه‌ی فکریِ تغذیه‌کننده‌ی نظام هم گسترش پیدا کند. آن عقبه‌ی فکری‌ای که نظام را دارد جلو می‌برد و تغذیه می‌کند و از انحرافش جلوگیری می‌کند، باید تقویت بشود، باید مفاهیم جدید مطرح بشود. عرض کردم این مفاهیم جدید از بیرون نمی‌آید، از داخل خود مفاهیم اسلامی است، از متن قرآن و سنّت است که مطرح می‌شود.

### ویژگی کسانی که می‌توانند این کار را انجام دهند

البتّه این کار -پیدا کردن مفاهیم جدید و بحث‌ کردن درباره‌ی این‌ها- کار همه کس نیست؛ فضلا و متفکّرینی بایستی دنبال این کار بروند که با مبانی اسلامی کاملاً آشنا باشند، قرآن را با دقّت مطالعه کرده باشند و تلاوت کرده باشند، تدبّر کرده باشند و از جمود و تحجّر فکری دور باشند؛ چون از این طرف یک خطر این است که یک آدم بی‌صلاحیّت و نیمه‌سواد و التقاطی وارد استنباط‌های جدید از آیات الهی بشود، از‌ آن طرف هم این خطر وجود دارد که یک آدم متحجّر که هنوز مسئله‌ی دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاست و حکومت برای او حل نشده بخواهد وارد بشود؛ نه، باید انسان‌های متفکّر، شخصیّت‌های برجسته [وارد کار بشوند].

این مسئله، مسئله‌ی اوّلی بود که خواستم عرض بکنم. این بحث ظرفیّت زیادی دارد برای بررسی ‌کردن، مطالعه ‌کردن و در پیرامون آن حرف ‌زدن و به نتایجی رسیدن.

## لزوم حلّ اختلافات دولت و مجلس در مسئله‌ی هسته‌ای

مسئله‌ی دوّم که بحث سیاسی است و مختصراً عرض می‌کنم، مربوط به این مسئله‌ی هسته‌ای است. خب در مجلس قانونی را تصویب کردند، دولت هم استقبال کرد و تا دیروز هم آن کارهایی که باید انجام بگیرند انجام دادند. یک موعد هم فردا است که این را هم ان‌شاءالله انجام می‌دهند. البتّه شنیدم امروز بین دولت و مجلس یعنی بین آن کاری که دولت کرده و آن برداشتی که مجلس دارد، یک اختلاف نظری وجود دارد؛ این اختلاف نظر را باید حل کنند و نبایستی این اختلافاتِ این جوری را به حال خود رها کنند یا تشدید کنند و نشان‌دهنده‌ی دوصدایی باشد؛ نه، این‌ها قابل حل است و باید حل بکنند. بالاخره دولت خودش را موظّف می‌داند به این‌که قانون را عمل کند، قانون هم قانون خوبی است. باید هم به‌دقّت عمل بشود. و دو طرف در این زمینه با هم همکاری کنند که این عمل بشود. این حالا اصل مسئله‌ی قانون.

## ادبیّات مستکبرانه‌ی سه کشور اروپایی و آمریکا

امّا طرف‌های مقابل، این چهار کشور -یعنی سه کشور اروپایی و آمریکا- در این حرف‌هایی که این روزها می‌زنند و در بیانیّه‌ای که صادر کرده‌اند، ادبیّاتی که به کار برده‌اند ادبیّات مستکبرانه، از موضع بالا حرف زدن و طلبکارانه و غیر منصفانه است. ادبیّات غلط و خطائی است که این‌ها دارند به کار می‌برند. مرتّب در مورد تعهّدات برجامیِ ایران بحث می‌کنند که چرا بعضی‌ از این تعهّدات را لغو کردید و به رو نمی‌آورند که خود آن‌ها از روز اوّل به این تعهّدات اصلاً عمل نکردند؛ یعنی آن کسی که باید مورد عتاب و خطاب قرار بگیرد آن‌ها هستند.

### دستور قرآن در عمل به تعهّد و رها کردن آن

جمهوری اسلامی تا مدّت طولانی‌ای به همه‌ی آنچه تعهّد کرده بود، بر اساس تعلیم اسلام که باید به تعهّدات عمل کرد، عمل کرد؛ بعد وقتی دید که آن‌ها این جوری عمل می‌کنند، آن یکی که خارج شد، دیگران هم با او همراهی کردند، «فَانبِذ اِلَیهم عَلیٰ سَواٰء»؛[[248]](#footnote-248) این هم قرآن است، [می‌گوید] خب تو هم رها کن. حالا در عین حال دولت محترم ما رها نکردند، [بلکه] به‌تدریج یک مقداری از تعهّدات را عمل نکردند که این‌ها قابل برگشت است؛ اگر آن‌ها به وظایفشان عمل بکنند، این‌ها هم قابل برگشت است.

### این‌جور مستکبرانه و متکبّرانه حرف زدن؛ به‌شدّت مورد نفرت ملّت ایران

آن وقت این‌ها هیچ این را مطرح نمی‌کنند، به رو نمی‌آورند، مرتّب همین‌ طور راجع به مسائل ایران حرف می‌زنند، آن هم با ادبیّاتی از موضع استکبار؛ و بدانند -حالا بحث ما با آمریکا که بحث دیگری است- این سه کشور اروپایی هم بدانند که این‌جور مستکبرانه و متکبّرانه حرف زدن، به‌شدّت مورد نفرت ملّت ایران و مورد نفرت انقلاب است و این‌ها را از آنچه هستند، در افکار عمومی ما منفورتر می‌کند.

## اگر تصمیم داشتیم به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم، نمی‌توانستید مانع بشوید

خب بعضی [یعنی] آن دلقک صهیونیست بین‌المللی هم که مرتّب حرف می‌زند که ما نمی‌گذاریم؛ شما چه کاره‌اید که نگذارید که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند! ما اگر تصمیم داشتیم به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم، شما و بزرگ‌تر از شما هم نمی‌توانستید مانع بشوید. ما تصمیم نداریم؛ این فکر اسلامی ما است؛ فکر اسلامی ما می‌گوید سلاحی که در [کاربرد] آن، غیر مسلّحین، غیر نظامی‌ها، و مردم عادّی تلف می‌شوند، این سلاح ممنوع است. این سلاح ممنوع است؛ حالا هسته‌ای باشد یا شیمیایی باشد یا غیر این‌ها؛ این سلاح ممنوع است. ما به خاطر نظر اسلام است که نخواستیم دنبال این سلاح برویم وَالّا اگر می‌خواستیم برویم شماها کی هستید، چه‌ کاره هستید که بتوانید جلوگیری کنید.

## این جنایت‌ها کار آن‌ها است

شما خودتان مراعات نمی‌کنید این‌ها را؛ آمریکا در یک روز ۲۲۰ هزار نفر مردم عادّی را قتل‌عام کرد. الان پنج سال است که در یمن مرتّباً هواپیماهای تجهیزشده‌ی از طرف غربی‌ها می‌آیند مردم را، کوچه را، بازار را، مسجد را، بیمارستان را، مدرسه را بمباران می‌کنند، مردم عادّی را می‌کشند، مردم را محاصره‌ی آن‌چنانی می‌کنند؛ این کار آن‌ها است.

## غنی سازی شصت درصد

جمهوری اسلامی این ممشیٰ[[249]](#footnote-249) و این روش را قبول ندارد لذا ما به سلاح هسته‌ای اصلاً‌ فکر نمی‌کنیم؛ امّا کارهای دیگر چرا. حدّ غنی‌سازی ما هم بیست‌ درصد نیست؛ ما اگر لازم باشد، برای مثلاً پیشران هسته‌ای یا مسائل دیگر، ممکن است که غنی‌سازی را به شصت ‌درصد هم برسانیم؛ این کارها چیزهایی است که هر چه احتیاج باشد آن را انجام می‌دهیم. حالا یک قرارداد چندساله‌ای گذاشته شده است، آن قرارداد را اگر آن‌ها عمل کنند ما هم تا همان چند سال عمل خواهیم کرد امّا به‌ طور کلّی نخیر.

## خواست دشمن برای گرفتن مؤلّفه‌های قدرت ایران

آن‌ها می‌گویند ما با سلاح هسته‌ای مخالفیم؛ دروغ می‌گویند؛ این هم مسئله‌شان نیست؛ شاید بسیاری از آن‌ها یا همه‌‌ی آن‌ها می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ [آنها] حتّی با سلاح متعارف ما مخالفند، با امکانات دفاعی ما مخالفند؛ می‌خواهند مؤلّفه‌های قدرت را از ایران بگیرند؛

### نیاز کشور به غنی سازی

وَالّا اصل نیاز کشور به غنی‌سازی یک امر مسلّمی است. تا چند سال دیگر بلاشک نیروگاه‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در کشورها خواهند بود. روزی که نفت تمام بشود یا روزی که [برای] نفت جهات دیگری به وجود بیاید، نیروگاه‌های هسته‌ای که سالم‌تر، تمیزتر، ارزان‌تر انرژی را تولید می‌کنند، در کشورها رایج خواهند شد. ما آن روز احتیاج داریم [امّا] غنی‌سازی را آن روز نمی‌شود شروع کرد؛ باید از امروز شروع کنیم که آمادگی داشته باشیم، امکان داشته باشیم و آن‌ها این را نمی‌خواهند؛ غربی‌های مستکبر این را نمی‌خواهند.

### خواست این‌ها برای زورگویی و باج‌گیری

این‌ها می‌خواهند که ایران در آن روزی که به انرژی هسته‌ای نیاز پیدا می‌کند، نیازمند آن‌ها باشد، به آن‌ها احتیاج داشته باشد تا بتوانند شرایط خودشان را تحمیل کنند، تا بتوانند زورگویی کنند و باج‌گیری کنند؛ دنبال این هستند.

این‌ها الان نفت را بشکه‌بشکه می‌برند با قیمت نازل -یعنی واقعاً پولی که برای نفت داده می‌شود، حقیقتاً قیمت بسیار نازلی است- طلب‌کار هم هستند. اگر بنا بود که نفت دست آن‌ها بود، فرض کنید که انگلیس و فرانسه و آلمان تولید نفت می‌کردند و ما به عنوان ایران می‌خواستیم نفت بخریم، بطری بطری هم به این آسانی به ما نمی‌دادند و به قول معروف قیمت [خون] پدر و مادرشان را روی آن می‌گذاشتند تا به ما مثلاً یک مقداری نفت بدهند! این‌ها می‌خواهند انرژی هسته‌ای را به این شکل دربیاورند؛

### عقب‌نشینی نکردن جمهوری اسلامی

نه، غنی‌سازی نیاز ما است، آن را خواهیم داشت و چیزی نیست که بشود آن را وسیله‌ای قرار داد برای زورگویی و مانند این‌ها. و آنچه برای ما مسلّم و مشخّص است، این است که در قبال این قضیّه مثل قضایای دیگر جمهوری اسلامی، یک عدّه‌ای که خودشان را قدرتمند می‌بینند و قدرتمند می‌دانند، می‌خواهند زورگویی کنند، باج‌گیری کنند، جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند؛ و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد. ما به توفیق الهی و به کمک الهی آنچه را مصلحت کشور است، آنچه را نیاز کشور است، چه نیاز امروز کشور، چه نیاز آینده‌ی کشور، تا آن قدری که توان ما اجازه می‌دهد -که الحمدلله توانمان کم هم نیست؛ توان ملّت ایران، ظرفیّت ملّت ایران زیاد است- تا آن‌جایی که می‌توانیم، ان‌شاء‌الله پیش خواهیم برد.

## دعا

امیدوارم خداوند متعال نیّت‌های ما را خالص کند برای خودش، و مسئولین ما را موفّق بدارد تا بتوانند وظایفی را که بر عهده‌شان است انجام بدهند و از کار و تلاش خسته نشوند، از پا ننشینند و دنبال کنند، رضای الهی را درخواست کنند و ان‌شاء‌الله دعای حضرت ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) شامل حال ملّت ما و مسئولین ما باشد و روح مطهّر امام بزرگوار و شهدای عزیزمان هم از همه‌ی ما راضی باشد. امیدواریم ان‌شاء‌الله این اجلاس شما هم اجلاس موفّقی باشد، و بتواند به پیشرفت کار مجلس خبرگان کمک کند.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی بزرگداشت سیّدمرتضی 6/12/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[250]](#footnote-250)

خیلی ممنون از بیانات آقایان، جناب آقای استادی، جناب آقای مهریزی، جناب آقای محقّق.

## این کار در واقع توصیف تربیت اسلامی است

نفْس این کار از این‌ جهت اهمّیّت دارد که سیّد مرتضی (رضوان الله تعالی علیه) یکی از برجستگان تاریخ اسلام است، نه فقط تاریخ شیعه. وقتی ما درباره‌‌ی مفاخر اسلامی بحث می‌کنیم، در واقع تربیت اسلامی را توصیف می‌کنیم؛ و هرچه از فضایل و مناقب و برجستگی‌های امثال سیّد مرتضی گفته بشود و تدوین بشود و کار بشود، در واقع برگشت این به حُسن تربیت اسلام و معارف اسلامی و حوزه‌‌های اسلامی است؛ این خیلی اهمّیّت دارد.

## آنچه درمورد شخصیّت‌های بزرگ علمی خودمان می‌خواهیم

[درباره‌‌ی] خود سیّد مرتضی -خب، آقایان که کار کرده‌‌اید، به جزئیّات زندگینامه‌‌ی ایشان آشنا هستید- آن بخش مهم، همان چیزی است که در بیانات آقایان هم خوشبختانه آمد؛ ما صِرفاً تاریخ تولّد و وفات و تعداد فرزندان و ابوالثّمانین و مانند این‌ها را نمی‌خواهیم، دنبال این چیزها نیستیم برای شناخت شخصیّت‌های بزرگ علمی خودمان، بلکه می‌خواهیم معارف این‌ها را و معلومات این‌ها را تحلیل کنیم؛ هم از لحاظ تاریخی، هم از لحاظ ریشه‌‌شناسی علوم.

همین‌طور که فرمودند، [ ایشان‌] در فقه، در کلام، در ادب و در تفسیر [ متبحّر بوده‌‌اند]. حدیث هم همین‌جور؛ خب در حدیث هم ایشان شاگرد حسین‌‌بن‌‌بابویه -برادر شیخ صدوق- بوده است؛ حالا چه مدّتی بوده و چقدر بوده، این‌ها را هم درست نمی‌دانیم؛ این‌ها بایست تحقیق بشود، روشن بشود، معلوم بشود. بالاخره یک مردی با این خصوصیّات، با این جامعیّت، در تاریخ ما وجود دارد؛ این را باید ما تحلیل کنیم، شخصیّت ایشان را تحلیل کنیم.

حالا مثلاً فرض بفرمایید استاد ایشان، شیخ مفید هم عمده‌‌ی تبرّزش[[251]](#footnote-251) در کلام است -شیخ مفید متکلّم بزرگی است- ما ببینیم آراء کلامیِ سیّد مرتضی در شافی و بقیّه‌‌ی کتاب‌هایی که ایشان دارند، مثلاً چقدر متأثّر از آراء شیخ مفید است، چقدر مخالف با نظرات شیخ مفید است؛ مهم است که این‌ها را آدم بفهمد؛ یا در فقه مثلاً که خب ایشان در فقه [هم‌] شاگرد شیخ مفید است، ببینیم آثار فقهی ایشان و نظرات فقهی ایشان که به قول آقای استادی، در آن‌ها بعضی از شَواذ[[252]](#footnote-252) هم هست -آراء شاذّه هم در فرمایشات ایشان هست- چقدر متأثّر از آراء شیخ مفید است؛ [یعنی] تحلیل شخصیّت سیّد مرتضی؛ این مهم است.

البتّه تنقیح آثار ایشان و چاپ آثار ایشان هم در جای خود حائز اهمّیّت است. ما واقعاً تشکّر می‌کنیم از جناب آقای ری شهری و بقّیه‌‌ی آقایانی که با ایشان همکاری می‌کنند برای احیاء آثار مفاخر.

## شناسایی و معلوم کردن قدر و وزن این افراد

من البتّه با جناب آقای ری شهری، چند سال پیش که صحبت بزرگداشت بزرگان علمیِ تاریخی بود، اسم مرحوم سیّد مرتضی رازی را هم آوردم؛ بالاخره مناسب با ری، سیّد مرتضی رازی است؛ ایشان متکلّم بسیار بزرگی بوده و شخصیّت برجسته‌‌ای است. یا مثلاً فرض بفرمایید در بین همین بزرگان این منطقه، شما کلینی را اسم آوردید؛ لکن علّان کلینی[[253]](#footnote-253) هم جزو بزرگ‌ترین علمای محدّث ما است -حالا [اینکه] ساکن کُلین بوده یا ساکن ری بوده، این‌ها را بنده الان درست مستحضر نیستم- روی این‌ها کار بشود؛ یعنی این‌ها شناسایی بشوند و قدر این‌ها و وزن این‌ها معلوم بشود.

### شخصیّتی ذوابعاد و ذوجهات و به یک معنا بین‌‌المللیِ اسلامی

به نظر من کار بسیار خوبی است، بسیار کار شایسته‌‌ای است؛ به‌خصوص که شخصیّت سیّد مرتضی، هم ذوابعاد و ذوجهات است، هم به یک معنا بین‌‌المللیِ اسلامی است. در همین بحث ادبیّات و ادب، در بعضی از حالات ایشان یعنی شرح‌ حال‌هایی که برای ایشان نوشته‌‌اند، من حالا یادم نیست چه کسی تعبیر می‌کند، [می‌گویند] که ایشان از بزرگان ادبِ معروفِ عالَم ادبیّات -عرب و غیر عرب، مثل سیبویه، مثل ابن‌‌جنّی- بالاتر است؛ یعنی این‌جور تعبیر کرده‌‌اند که رتبه‌‌ی ادبی ایشان بالاتر از این افراد است. این خیلی چیز مهمّی است؛ این‌ها را بایستی در کتاب‌های ایشان جستجو کرد و آثارش و نشانه‌‌هایش را پیدا کرد و تحقیق کرد.

### ادامه دادن این کار بسیار شایسته‌

به‌‌هرحال به نظر می‌رسد که کار بسیار شایسته‌‌ای را آقایان شروع کرده‌‌اید؛ ان‌‌شاءالله که موفّق باشید. و این جمعی هم که جناب آقای ری شهری معیّن کردند و آن‌ها زحمت را قبول کردند، حقّاً و انصافاً -تا آنجایی که من می‌شناسم و می‌بینم- جمع شایسته‌‌ای هستند و می‌توانند ان‌‌شاءالله این کار را انجام بدهند. و [کار] به این‌جا هم متوقّف نشود؛ بعد از سیّد مرتضی، علی‌القاعده نوبت سیّد رضی است که شخصیّت ایشان و برجستگی ایشان هم معلوم بشود و ان‌شاء‌الله کارهای خوبی در این زمینه انجام بگیرد.

# بیانات پس از کاشت نهال در روز درختکاری 15/12/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

به همه‌ی ملّت عزیز ایران و شنوندگان و بینندگان این برنامه سلام عرض می‌کنم.

## گیاه و درخت و سبزه و آنچه از آن‌ها ناشی می‌شود؛ یک پایه‌ی مهم و اساسی در ساخت تمدّن بشری

بحمدالله مجدّداً فرصتی پیش آمد برای سخن گفتن از درخت و گیاه، و از فضای سبز و محیط‌ زیست؛ خداوند متعال گیاه را و درخت را یک عامل مهمّی در جریان زندگی بشر قرار داده است. گیاه و درخت و سبزه و آنچه از آن‌ها ناشی می‌شود، در ساخت تمدّن بشری یک پایه‌ی مهم و اساسی است؛ گیاهان و درختان، هم هوا را تصفیه می‌کنند، هم برای بشر غذا تولید می‌کنند، هم مایه‌ی تلطیف روح و روان بشری هستند، هم نماد آبادانی و خرّمی محیط زندگی بشر محسوب می‌شوند، هم بسیاری از داروهای مورد نیاز انسان از گیاهان به دست می‌آید، بعلاوه‌ی منافعی که در چوب و برگ و ریشه و مانند این‌ها وجود دارد؛ بنابراین می‌بینید که گیاه و درخت و سبزه یک عامل اساسی و مهمّی در زندگی بشر است.

## نگاه معرفتی و معنوی ما به درخت و گیاه و سبزه و محیط ‌زیست

علاوه‌ی بر آنچه گفته شد، نگاه ما به درخت و گیاه و سبزه و محیط ‌زیست، یک نگاه معرفتی و معنوی است، نگاه معرفت دینی است؛ این در ادبیّات ما هم کاملاً رواج دارد و آحاد مردم و متفکّرین و همه‌ی کسانی که در زمینه‌ی مسائل بشری حرف می‌زنند، در این زمینه‌ها نظر داده‌اند و حرف زده‌اند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقی دفتری است معرفت کردگار[[254]](#footnote-254)

### فعالیّت‌های دینی و انقلابی بودن این‌ها

یعنی نگاه، نگاه معرفتی است. برای همین هم هست که در شرع مقدّس اسلام غرس[[255]](#footnote-255) کردن درخت و نشاندن نهال یکی از حسنات محسوب شده؛ روایات متعدّدی داریم که ما را تحریص می‌کنند و ترغیب می‌کنند به این‌که درخت بنشانید، نهال بنشانید که این‌ها حسنه است. در قانون اساسی ما هم که برای محیط‌ زیست یک اصل وجود دارد[[256]](#footnote-256) که اهمّیّت آن را و ضرورت پرداختن به آن را به بهترین بیانی در آن‌جا بیان کرده. بنابراین، فعالیّت‌هایی که در مورد فضای سبز و درخت و گیاه و محیط ‌زیست و جنگل و بقیّه‌ی[این امور] انجام می‌گیرد، فعالیّت‌های دینی است، فعالیّت‌های انقلابی است؛ و جوان‌های عزیز ما نباید گمان کنند که مسئله‌ی محیط‌ زیست یک مسئله‌ی تزئینی و تجمّلاتی و زیادی است؛ نه، یک مسئله‌ی اساسی و مهمّی است که در شرع و قانون آمده.

## وجود عرصه‌ی وسیعی برای فعالیّت‌های محیط‌زیست در کشور ما

خوشبختانه کشور ما به خاطر تنوّع آب و هوایی‌، تنوّع محیط ‌زیست و تنوّع اقلیمی‌ای که دارد، عرصه‌ی وسیعی برای فعالیّت‌های محیط‌زیست است و می‌توان کارهای بزرگی انجام داد؛ و آحاد مردم و جوان‌هایی که در خدمات گوناگون کشوری بحمدالله حضور دارند -از علمی تا اجرایی تا سیاسی تا اجتماعی- در زمینه‌ی محیط‌ زیست هم می‌توانند فعّال بشوند و کار کنند و تلاش کنند.

## لزوم ایستادن همه در مقابل این تخریب‌های محیط زیست

متأسّفانه در جامعه هستند کسانی که محیط ‌زیست را قربانی منافع شخصی خودشان می‌کنند؛ فدای سودطلبی و منفعت‌طلبی خودشان می‌کنند. هستند از این کسانی که این‌جوری‌اند، طبیعت را تخریب می‌کنند، جنگل و کوه را نابود می‌کنند، مراتع را پایمال می‌کند، سفره‌های زیرزمینی و آب را به یغما می‌برند؛ این‌ها همه واقعاً بلای بزرگی است که تخریب محیط‌ زیست است و همه باید مقابل آن بِایستند؛ چه مسئولین و چه آحاد مردم.

### به خطر انداخته شدن زندگی آینده‌ی بشر

خب این‌ها در واقع زندگی آینده‌ی بشر را به خطر می‌اندازد؛ آن که کوه‌ها را در واقع وسیله‌ای قرار می‌دهد برای بالا بردن آهن و فولاد و ساختمان‌سازی و آپارتمان‌سازی و مانند این‌ها یا مراتع را نابود می‌کند یا [درختان] جنگل‌ها را می‌برد و تبدیل به یک کاربری‌های مضر می‌کند، در واقع نسل‌های آینده‌ی بشری را دارد از این نعمت‌ها محروم می‌کند و به خطر می‌اندازد.

## لزوم پیشگیری از خطرات و بلایای طبیعی

البتّه یک خطرات طبیعی و بلاهای طبیعی هم هست؛ جنگل‌ها گاهی به خاطر حوادث طبیعی مثلاً آتش می‌گیرند که این‌ها قابل پیشگیری است؛ هم [برای] جنگل‌ها، هم تالاب‌ها، هم دریاچه‌ها این بلاهای طبیعی وجود دارد، امّا قابل پیشگیری است؛ از این‌ها بایستی پیشگیری بشود که این به عهده‌ی مسئولین است و اگر نکنند، واقعاً در این مسئله تقصیر[[257]](#footnote-257) کرده‌اند.

بنابراین امروز که روز درختکاری در نظر گرفته شده، روز مهمّی است؛ خوب است که همه در کشور، امروز و همیشه به مسئله‌ی محیط‌ زیست و فضای سبز اهمّیّت بدهند.

## لزوم رعایت دستورات ستاد ملّی کرونا درمورد سفر در ایام عید

یک جمله هم درباره‌ی مسئله‌ی کرونا عرض بکنیم. سال گذشته مسئولین راجع به کرونا -که مثل امروزی در اوایل کرونا بود- هشدار دادند و گفتند، بنده هم یک کلمه‌ای در همین روز محیط ‌زیست خطاب به مردم عزیزمان عرض کردم[[258]](#footnote-258) که خوشبختانه حرف دلسوزان اثر کرد و مردم در ایّام عید کاملاً ملاحظه کردند و بلای بزرگی را که در آن ایّام می‌توانست متوجّه کشور بشود از سر دور کردند. امسال من احساس می‌کنم که خطر از سال گذشته بیشتر است؛ امسال خطر را بهتر می‌شناسیم، بیشتر می‌شناسیم و می‌دانیم که متأسفانه خطر در کشور فراگیر شده؛ سال گذشته به این اندازه نبود؛ بنابراین امسال هم بایستی همه رعایت کنند. هر چه ستاد ملّی کرونا گفت [باید رعایت شود]؛ اگر سفر را ممنوع کردند، [مردم] سفر نروند؛ هر چه را لازم دانستند انجام بدهند. بنده که مثل سال گذشته قطعاً سفر نخواهم رفت؛ و هر چه ستاد ملّی در این زمینه بگوید [رعایت می‌کنم].

## تأثیر مسئله‌ی کرونا در وضع معیشت مردم

و مسئله‌ی کرونا در وضع معیشت مردم هم مؤثّر است؛ یعنی این را باید بدانیم. می‌بینید که کرونا چه مشکلاتی را برای معیشت مردم فراهم کرده؛ اگر چنانچه این ادامه پیدا کند، همین طور بدتر خواهد شد و ادامه پیدا خواهد کرد و مشکلات بیشتر خواهد شد؛ باید هر چه زودتر بتوان کلک این بلای طبیعی بزرگ را کَند.

## قیمت‌های بسیار بالا با وجود فراوانی

متأسّفانه امروز وضع معیشت مردم خوب نیست؛ این غصّه‌ی بزرگی است برای ما. گرانی‌ها زیاد است؛ شما ملاحظه کنید شب عید، قیمت میوه و مانند این‌ها خیلی گران است؛ میوه فراوان امّا قیمت‌ها بسیار بالا.

### سود بردن دلال‌ها و واسطه‌ها

متأسّفانه [سود حاصل از] این قیمت‌ها به جیب باغدار هم نمی‌رود که ما مثلاً بگوییم یک قشر زحمت‌کشی یک سودی می‌برند؛ نه، متأسّفانه این سود را دلال‌ها و واسطه‌ها و این دست‌های وسط و سودجو می‌برند و به باغدار چیزی نمی‌رسد، به مردم هم که ضرر می‌رسد؛

## راه‌حل داشتن مشکل معیشتی مردم و مشکل گرانی

بنابراین بایستی مسئولین محترم این مشکل معیشتی مردم و مشکل گرانی را هم حل کنند. و این ممکن است، راه‌حل دارد؛ بنده در جلسات متعدّد این را تذکّر داده‌ام و نظرات و راه‌حل‌هایی که کارشناسان در این زمینه گفته‌اند، مطرح کرده‌ایم و بیان کرده‌ایم؛ راه‌حل دارد؛ ان‌شاءالله که بتوانند این‌ها را انجام بدهند.

## دعا

امیدواریم که خداوند متعال برای کشور و برای مردم، آینده‌ی نیکی را مقدّر فرموده باشد و قلب مقدّس ولیّ‌عصر از ما راضی باشد، و دعای آن بزرگوار شامل حال ملّت ما و کشور ما باشد.

والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

# پیام رهبر انقلاب به کنگره‌ی ملی هفده هزار زن شهید، آزاده و جانباز 19/12/1399

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به کنگره ملی «لشکر فرشتگان تاریخ‌ساز» ویژه تجلیل از زنان شهید، که صبح امروز حجت‌الاسلام والمسلمین شکری نماینده ولی‌فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران آن را در محل همایش قرائت کرد، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

## نمایشگرانِ یکی از برترین قلّه‌های افتخارات انقلاب و جمهوری اسلامی

شهیدان و جانبازان و آزادگان زن، نمایشگرانِ یکی از برترین قلّه‌های افتخارات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی‌اند.

## گشوده شدن راه مجاهدت‌های بزرگ به روی زنان ایرانی

قدرت ایمان، راه مجاهدت‌های بزرگ را به روی زنان ایرانی گشود و صحنه‌های شگفت‌انگیز و کم‌نظیری از حضور شجاعانه و فداکارانه و مبتکرانه‌ی آنان در میدان‌های دشوار پدید آورد.

## نشانه‌های اعتلای معنوی زنِ ایرانی

از تظاهرات شورانگیز روزهای انقلاب تا دوران فراموش‌نشدنی دفاع مقدّس، و از قهرمانی در صفوف نبرد تا دل بریدن از فرزند و همسر و فرستادن آنان به پیشباز خطر و تا خدمات پشت جبهه، و از حضور در جبهه‌ی علم و تحقیق و فنّاوری و درخشندگی در وادی ادبیّات و هنر، تا هنرنمایی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و مدیریّت‌ها، و سرانجام فداکاری در میدان سلامت و خدمت به بیماران در آزمون پُرخطر اخیر، همه و همه نشانه‌های اعتلای معنوی زنِ ایرانی است که به برکت نظام اسلامی و درس‌ها و ارزش‌گذاری‌های اسلام پدید آمده است.

بی‌شک زنان شهید و جانباز و آزاده -که تعداد آنان را هفده هزار دانسته‌اند- در قلّه‌ی این افتخاراتند.

## افتخار زن ایرانی در نزدیک کردن خود به شرافت و طهارت مطلوب اسلام

زن ایرانی توانست به‌رغم فرهنگ فساد و انحطاط غربیِ تحمیل‌شده بر بسیاری از زنان در دوران نحس پهلوی، خود را به شرافت و طهارت مطلوب اسلام نزدیک کند و این افتخاری بزرگ است؛ و الحمد لله ربّ العالمین.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱۸ اسفند ۱۳۹۹

# بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث 21/12/1399

بسم الله الرّحمن الرّحیم[[259]](#footnote-259)

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

## عید همه‌ی عدالت‌خواهان جهان و عید هشدار به امّت اسلامی

تبریک عرض می‌کنم عید سعید و بزرگ مبعث را به همه‌ی ملّت ایران، به همه‌ی‌ امّت اسلامی و به همه‌ی آزادگان عالم. عید مبعث، عید همه‌ی عدالت‌خواهان جهان است و عید هشدار به امّت اسلامی است. امروز یک مطلبی راجع به بعثت عرض می‌کنم، یک جمله‌ی کوتاهی هم راجع به مسائل انقلاب عرض خواهم کرد.

## سنگین‌ترین مسئولیّت عالمِ وجود

در مبعث، در یک چنین روزی، قلب مقدّس پیامبر اعظم (صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) مخزن گران‌بهاترین امانت الهی شد یعنی وحی الهی، و سنگین‌ترین مسئولیّت عالمِ وجود بر دوش‌های پُرتوان آن بزرگوار نهاده شد که مسئولیّت هدایت بشر تا آخر عالم است. البتّه این بعثت، هدیه‌ی بزرگی هم بود به همه‌ی بشریّت.

## معنای بعثت

### برانگیختگیِ انسان برگزیده‌ی پروردگار

بعثت به معنای برانگیختگی است؛ یعنی برانگیختگیِ انسان برگزیده‌ی پروردگار -که رسول الهی است- و این برانگیختگی همراه می‌شود با اتّصال او به منبع لایزال علم و قدرت الهی؛ که این، حادث شدنِ پدیده‌ی عظیم رسالت و پیامبری است؛

### برانگیخته کردن و حرکت دادن مجموعه‌های انسانی

در مرحله‌ی بعد، این برانگیختگیِ شخص پیغمبر به برانگیختگی مجموعه‌های بشری منتهی خواهد شد؛ یعنی پیغمبر اکرم و رسول الهی در هر دوره‌ای -هر یک از پیامبران بزرگ الهی- بعد [از این] که مبعوث می‌شود و برانگیخته می‌شود، مجموعه‌های انسانی را او برانگیخته می‌کند و به راه می‌اندازد و حرکت می‌دهد به سمت راهی نو، به نیک‌بختی بشر و راهی را در مقابل پای انسان قرار می‌دهد؛ معنای بعثت این است.

## اهداف بعثتِ پیامبران

### توحید؛ هدف بزرگ بعثت

در بعثتِ همه‌ی پیامبران اهدافی وجود داشته است -اهداف الهی- که طبعاً هدف خود پیغمبر هم، به تبع تبعیّت از پروردگار، همان هدف خواهد بود. پس بعثت‌ها هدف‌های بزرگی دارند که رأس همه‌ی این هدف‌ها عبارت است از توحید؛ توحید، هدف بزرگ بعثت است: وَ لَقَد بَعَثنا فی کُلِّ اُمَّةٍ رَسولًا اَنِ اعبُدُوا اللهَ وَ اجتَنِبُوا الطّاغوت؛[[260]](#footnote-260) توحید خالص، توحید محض؛ که این آیه‌ی شریفه در سوره‌ی نحل است. در سوره‌ی اعراف و همچنین در سوره‌ی هود [هم] از زبان چندین پیغمبر بزرگ مثل نوح، مثل هود، مثل صالح و دیگران این جور گفته می‌شود که «یاقَومِ ‌اعبُدُوا اللهَ ‌ما لَکُم ‌مِن ‌اِلٰه غَیرُه».[[261]](#footnote-261) این توحید، اوّلین هدف بعثت پیامبران است.

#### حاکمیّت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین؛ معنای این توحید

البتّه می‌دانید که توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمّی است که به معنای حاکمیّت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیّت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین -هر دو- است که بایستی امر الهی نافذ دانسته بشود؛ هم در عالم تکوین -در همه‌ی حوادث وجود، «لا حول و لا قوّة الّا بالله»- و هم در عالم تشریع، همه‌ی این حوادث و همه‌ی حالات ناشی از قدرت واحد پروردگار است. خب این، هدف اصلی است.

### هدف‌های دیگر بعثت

هدف‌های دیگری هم وجود دارد: تزکیه‌ی بشر، یعنی پالایش روحی انسان‌ها از آلودگی‌ها و از پیرایه‌های پست‌کننده و انحطاط‌آور؛ تعلیم انسان‌ها و مقام علمی انسان‌ها را بالا بردن. استقرار عدالت، که جامعه‌‌ی بشری با عدالت اداره بشود: لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط؛[[262]](#footnote-262) ایجاد حیات طیّبه: فَلَنُحیِیَنَّه حَیٰوةً طَیِّبَةً؛[[263]](#footnote-263)

#### معنای حیات طیبه

این حیات طیّبه یعنی چه؟ حیات طیّبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادّی بشر، امنیّت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی این‌ها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیّبه یعنی این‌ها. این‌ها اهداف بعثت پیامبران است. البتّه در این‌جا مورد بحث غالباً پیامبران بزرگ الهی هستند، [لکن] پیامبران دیگری هم بودند که به معنای مبلّغِ این حقایق به نقاط مختلف عالم گسیل می‌شدند.

## لوازم به‌دست‌آوردن این هدف‌های بسیار بزرگ

خب ملاحظه می‌کنید که این هدف‌ها، هدف‌های بسیار بزرگی است، هدف‌های دشواری است؛ این هدف‌ها چه جوری به‌دست می‌آید؟

### برنامه‌ریزی گسترده برای مناسبات اجتماعی

این طبعاً اوّلاً احتیاج دارد به یک برنامه‌ریزی گسترده برای مناسبات اجتماعی؛ یعنی اگر چنانچه نبیّ اسلام، نبیّ حق، فرستاده‌ی الهی در هر دوره‌ای بخواهد این اهداف را تحقّق ببخشد، ناچار بایستی به تناسبِ این اهداف، مناسبات اجتماعی ایجاد بکند.

### قدرت سیاسی بزرگ

مطلب دوّم هم قدرت سیاسی است؛ یعنی این مناسبات اجتماعی را یک انسان منزوی یا یک نصیحت‌کننده که فقط مردم را نصیحت می‌کند نمی‌تواند به وجود بیاورد؛ قدرت لازم است، قدرت سیاسی لازم است.

بنابراین بعثت‌ها، همراه هستند هم با یک قدرت سیاسی بزرگ و هم با یک برنامه‌ریزی وسیع برای تحقّق این اهداف.

## ایجاد یک نظام سیاسی؛ هدف پیامبر

پس با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید -حالا این‌که کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید- که بتواند این اهداف را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقّق ببخشد.

### آئین حکمرانی در این نظام سیاسی

در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می‌کند، که می‌فرماید: فَبَعَثَ اللهُ النَّبِیّینَ مُبَشِّرینَ وَمُنذِرینَ وَ اَنزَلَ مَعَهُمُ الکتابَ بِالحَقِّ لِیَحکُمَ بَینَ النّاسِ فیمَا اختَلَفوا فیه؛[[264]](#footnote-264) «لِیَحکُمَ» یعنی «لِیَحکُمَ کتاب»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه‌ی تنظیم‌های اجتماعی. این در سوره‌ی بقره است، در سوره‌ی مائده [می‌فرماید]: وَلیَحکُم اَهلُ الاِنجیلِ بِما اَنزَلَ اللهُ فیهِ؛[[265]](#footnote-265) انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته می‌شود برای اهل انجیل؛ و همچنین در [مورد] پیغمبران دیگر که در آیات «وَ مَن لَم یَحکُم بِما اَنزَلَ اللهُ فَاُولئکَ هُمُ الکافرون»[[266]](#footnote-266) و «اُولئکَ هُمُ الظالِمونَ»[[267]](#footnote-267) و «اُولئکَ هُمُ الفاسِقونَ»[[268]](#footnote-268) هست، در همه‌ی این‌ها آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته می‌شود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه‌ی برنامه‌های بشری در چهارچوبِ این اصول بایستی گذاشته بشود.

## مدیر و فرماندهِ این حکمرانی

خب این، دستور حکمرانی است لکن این دستور حکمرانی را چه کسی عمل بکند؟ بدون وجود یک مدیریّت و یک فرماندهی که این دستور عملیّاتی نخواهد شد؛ پس یک مدیریّتی لازم است و این مدیریّت و این راهبریِ اساسی مربوط به خود شخص پیغمبر است؛ یعنی پیغمبر اکرم و همه‌ی پیغمبران -نبیّ مکرّم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر- مدیران و فرماندهانی هستند که موظّفند حکمرانیِ دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و این را تحقّق ببخشند.

### انواع روش‌های راهبری و فرماندهی پیغمبر

البتّه این راهبری و فرماندهی یک جور نیست؛ در بعضی از موارد خود پیغمبر، شخص شخیص پیغمبر، متکفّل و متعهّدِ این فرماندهی است؛ مثل حضرت داوود، حضرت سلیمان، پیغمبر معظّم اسلام -که خود این‌ها در رأس حکومت قرار گرفتند و اجرای امور را خودشان متکفّل شدند- گاهی هم در مواردی پیغمبر حاکمی را معیّن می‌کند به امر الهی؛ مثل آن پیغمبری که این هم در قرآن در سوره‌ی بقره است که «اِذ قالوا لِنَبِیٍّ لَهُمُ ابعَث لَنا مَلِکًا نُقاتِل فی سَبیلِ الله»؛[[269]](#footnote-269) مردم که زیر فشار بودند و مشکلات داشتند، به پیغمبر مراجعه کردند که او برایشان یک حکمرانی را انتخاب کند و او هم حکمران را انتخاب کرد؛ قالَ لَهُم نَبِیُّهُـم اِنَّ اللهَ قَد بَعَثَ لَکُم طالوتَ مَلِکاً؛[[270]](#footnote-270) طالوت شد فرمانده. بنابراین پیغمبر راهبر است و فرمانده اصلی و گرداننده‌ی اصلی است لکن اجرای کار به دست یک کس دیگری است غیر از آن پیغمبر، که در این مثال طالوت است و امثال آن هم قطعاً در تاریخ نبوّت‌ها کم نیست و زیاد هست. یک وقت دیگر هم این جور است که پیغمبر کسی را معیّن نمی‌کند لکن خود او دارای موقعیّتی است در دستگاه حکومت که امر او نافذ است؛ مثل حضرت یوسف که امر او هم در دستگاه آن حکومت -که آن حکومت هم به‌تدریج گرایش به دین حضرت یوسف پیدا کرد- نافذ بود و کارها را انجام می‌داد، در حالی که حاکم مطلق هم نبود.

## وضع بعثت به طور خلاصه

بنابراین وضع بعثت به طور خلاصه این جوری است. پس بعثت به معنای برانگیختگی پیغمبر است، این برانگیختگی با ارسال کتاب الهی و دستور حکمرانی الهی که به پیغمبر نازل می‌شود همراه است و مفاد این حکمرانی را پیغمبر خدا، رسول الهی اِعمال می‌کند و اجرا می‌کند و راهبری می‌کند به شکل‌های مختلفی که عرض کردیم. شاید شکل‌های دیگری هم وجود داشته باشد که البتّه ما در قرآن از آن اثری ندیدیم؛ امّا ممکن است وجود داشته باشد؛ ما که از همه‌ی حوادث تاریخ مطّلع نیستیم.

## دین چیست؟

خب بنابراین دین با این نگاه گسترده چیست؟ دین با این نگاه وقتی که نگاه می‌کنیم عبارت است از مدیر مجموعه‌ی زندگی انسان؛ یعنی برنامه‌ی جامع؛ نه برنامه‌ی شخصی و برنامه‌های صرفاً عبادی و فردی انسان، که بعضی خیال می‌کنند دین متکفّل برنامه‌های فردی است و مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیره، از حوزه‌ی دین خارج است؛ نه، این نگاه نشان می‌دهد که دین، جامع است، جامعیّت دارد.

## دشمنیِ طبیعیِ اشرار عالم با چنین دینی

و طبعاً این دین با این نگاه، مورد دشمنی هم قرار می‌گیرد؛ در همه‌ی زمان‌ها اشرار عالم با یک چنین دینی مخالفت کرده‌اند؛ حالا یا به این صورت که سعی کنند فرو بکاهند این منطقه‌ی عظیم و قلمرو عظیم را به مسائل شخصی یا این‌که علناً در مقابل دین بِایستند؛ که فرمود: وَکَذٰلِکَ جَعَلنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا مِنَ المُجرِمین؛[[271]](#footnote-271) که این در سوره‌ی فرقان است؛ هر پیغمبری دشمنانی از مجرمین، گنهکاران، اشرار عالم داشته. در سوره‌ی انعام هم [فرمود]: وَ کَذٰلِکَ جَعَلنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیاطینَ الاِنسِ وَ الجِنِّ یوحی بَعضُهُم اِلیٰ بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُرورًا؛[[272]](#footnote-272) بنابراین وقتی که بعثت نبی اتّفاق می‌افتد و نبی مبعوث می‌شود و این ساز و کار اجرای حکم الهی مطرح می‌شود، مفسدان و مستکبران و استعمارگران و اخلالگرانِ زندگی بشر، طبعاً با او مخالفت می‌کنند، غارتگرها با او مخالفت می‌کنند، ظَلَمه با او مخالفت می‌کنند.

چون ضدّ ظلم است، ضدّ غارت ثروت‌های بشری است، ضدّ تسلّط ناحقّ بر آحاد بشر است، این‌هایی که اشرار عالم محسوب می‌شوند، طبعاً در مقابل پیغمبر می‌ایستند.

### دشمنی با «اسلام سیاسی»

شما امروز هم مشاهده می‌کنید که در تبلیغات دشمنان، از چیزی به نام «اسلام سیاسی» نام آورده می‌شود؛ اسلام سیاسی همین است که در نظام اسلامی ایران تحقّق پیدا کرده -که حالا بعد اشاره خواهم کرد به حرکت عظیمی که امام بزرگوار ما انجام دادند- و آماج حملات آن‌ها، اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی یعنی همین اسلامی که توانسته با تشکیل حکومت، دستگاه‌های گوناگون، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و غیره به وجود بیاورد و یک هویّت دینی و اسلامی را برای یک ملّت ایجاد بکند؛

### تعریف قرآن از دین

این، آن چیزی است که در مورد دین [می‌شود گفت]. بنابراین تعریف قرآن از دین یک چنین چیزی است؛ این را نمی‌شود فرو کاست به کارهای کوچک، به یک اعمال عبادی صِرف و محض.

## حرکت عظیم بعثت

بنابراین بعثت یک حرکت عظیمی است که برنامه‌ی جامع و نجات‌بخش بشر را در اختیار انسان‌ها می‌گذارد و آن‌ها را آماده می‌کند برای یک حرکت بزرگ.

### برکنار نشدن مردم در بعثت

البتّه این جور نیست که برانگیختگی پیغمبر و راهبری او، مردم را از تحرّک در این میدان برکنار کند؛ این جور نیست.

#### بیدار کردن فطرت‌ها و به حرکت درآوردن انسان‌ها

همان طور که عرض کردیم، برانگیختگی پیامبر به برانگیختگی انسان‌ها منتهی می‌شود و جامعه را برانگیخته می‌کند؛ انسان‌ها حرکت می‌کنند. لذاست که امیرالمؤمنین (علیه السّلام) در آن خطبه‌ی معروف [می‌فرماید]: وَ واتَرَ فیهِم رُسُلَهُ لِیَستَأدوهُم میثاقَ فِطرَتِهِ وَ یُذَکِّروهُم مَنسِیَّ نِعمَتِهِ وَ یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول؛[[273]](#footnote-273) دفینه‌های دانش و خِرد را در وجود انسان زنده می‌کنند، به حرکت درمی‌آوردند؛ فطرت خفته‌ی آن‌ها را بیدار می‌کنند و آن‌ها را به حرکت درمی‌آورند.

### فلسفه‌ی حدود و مجازات‌ها

و باز در یک خطبه‌ی دیگر نهج‌البلاغه درباره‌ی پیغمبر می‌فرماید که «طَبیبٌ دَوّارٌ بِطِبِّه قَد اَحکَمَ مَرَاهِمَهُ وَ اَحمیٰ مَواسِمَه»؛ هم مرهم دارد، هم [مَوْسِم] -سابق، روی محلّ زخم‌ها را وقتی که با مرهم خوب نمی‌شد، یک میله‌ی داغی می‌گذاشتند و زخم به این وسیله خوب می‌شد؛ در لغت عرب به این میله‌‌ای که طبیب داغ می‌کرد و می‌گذاشت روی زخم، می‌گویند «مَوْسِم» یا «مِیْسَم»- می‌فرماید که «قَد اَحکَمَ مَراهِمَه»؛ پیغمبر اسلام، هم مرهم‌ها را آماده کرد، فراهم کرد، «وَ اَحمَیٰ مَواسِمَه»؛ هم آن میله‌های لازم را فراهم کرد که «یَضَعُ حَیثُ یَحتاج»[[274]](#footnote-274) یا «حَیثُ شاء»؛ هرجا لازم است و هر جا مفید است، مرهم، و هر جا لازم است، آن [موسم]. این حدودی که می‌بینید در اسلام هست -حدود و مجازات‌ها و مانند این‌ها- همان میله‌های گداخته است که روی زخم می‌گذارند که زخم را خوب کند؛ این در مورد مسائل مربوط به بعثت.

## تجدید مضمون بعثت با انقلاب اسلامی در ایران

و امّا راجع به مسائل انقلاب. انقلاب عظیم اسلامی در ایران مضمون بعثت را در دوره‌ی معاصر تجدید کرد؛ یعنی خداوند متعال به امام بزرگوار ما این توفیق را داد که خطّ مستمرّ بعثت نبوی را در این دوران، با ابتکار خود، با شجاعت خود، با اندیشه‌ی بلند خود، با فداکاری خود پُررنگ کند و نمایان کند؛

### نشان دادن جامعیّت اسلام

[این] همان خطّ بعثت است که خب در طول زمان کم‌رنگ بود، امام بزرگوار توانست آن را پُررنگ کند و جامعیّت اسلام را در عمل نشان بدهد، و نشان بدهد که اسلام یک دین جامع است و شامل همه‌ی زندگی انسان است؛ امام بزرگوار این را برجسته کرد؛ ابعاد اجتماعی و سیاسی دین را که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد و به یاد آورد: وَ یُذَکِّرُوهُم مَنسیَّ نِعمَتِه؛ و مصداق این جمله قرار داد.

### حرکت اساسی انقلاب (به پیروی از بعثت نبوی)

خب این انقلاب به پیروی از بعثت نبوی بر ضدّ ظلم بود، بر ضدّ استبداد بود و بر ضدّ استکبار بود، طرف‌دار مظلومان بود از هر آئینی، از هر دینی -مظلومان به معنای حقیقی کلمه- طرف‌دار محرومان بود، طرف‌دار مستضعفان بود از هر ملّتی و با هر دین و مسلکی، و در همه حال هم این انقلاب، عموم بشریّت را به صراط مستقیم اسلام دعوت کرد، و حرکت اساسی انقلاب این است.

## تکرار صف‌آرایی اشرار عالم

خب وقتی که این انقلاب تشکیل شد و نظامی را بر این اساس به وجود آورد که نظام جمهوری اسلامی است، همان حادثه‌ای که برای پیغمبران پیش می‌آمد تکرار شد؛ یعنی اشرار عالم در مقابل این انقلاب صف کشیدند همچنان که در مقابل پیغمبران صف می‌کشیدند؛ وَکَذٰلِکَ جَعَلنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا مِنَ المُجرِمینَ؛[[275]](#footnote-275) مجرمین عالم و اشرار عالم، مستکبرین عالم در مقابل انقلاب صف کشیدند و مشغول مقابله شدند.

این البتّه خلاف انتظار ما هم نبود، ما از اوّل هم توقّع نداشتیم که این‌ها با انقلاب سازگاری نشان بدهند؛ از اوّل معلوم بود که چنین اتّفاقی می‌افتد: هذا ما وَ عَدَنَا اللهُ وَ رَسولُه وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسولُه؛[[276]](#footnote-276) معلوم بود که با انقلابی با این خصوصیّات، امثال آمریکا و قدرت‌های استکباری و شورویِ آن روز مقابله می‌کنند و می‌ایستند، و همین جور هم شد.

## دروغِ ستیزه‌گری جمهوری اسلامی با همه‌ی دنیا

خب، این مقابله قطعاً وجود دارد منتها آن‌ها در این قضیّه‌ی مقابله و معارضه‌ی با جمهوری اسلامی هم مثل همه‌جا تحریف و دروغ‌گویی را رایج کردند؛ گفتند جمهوری اسلامی با همه‌ی دنیا سر ناسازگاری و سر ستیزه‌گری دارد؛ این درست نیست، این خلاف است.

### دستور قرآن به نیکی با کفّاری که سر جنگ ندارند

ما از قرآن یاد گرفته‌ایم که با کسانی که با نظام اسلامی دشمنی نمی‌کنند خوش‌رفتاری کنیم. در سوره‌ی ممتحنه است که «لا یَنهاکُمُ اللهُ عَنِ الَّذینَ لَم یُقاتِلوکُم فِی الدّینِ وَلَم یُخرِجوکُم مِن دِیارِکُم اَن تَبَرّوهُم وَ تُقسِطوا اِلَیهِم»؛ این کفّاری که با شما سر ستیزه ندارند، سر جنگ ندارند، عملاً با شما دشمنی نمی‌کنند، شما به این‌ها نیکی کنید، با این‌ها هم به قسط و عدل عمل کنید؛ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ المُقسِطین.[[277]](#footnote-277) اِنَّما یَنهاکُمُ اللهُ عَنِ الَّذینَ قاتَلوکُم فِی الدّینِ وَاَخرَجوکُم مِن دِیـارِکُم وَ ظاهَروا عَلی اِخراجِکُم اَن تَوَلَّوهُم.[[278]](#footnote-278) بنابراین آیه‌ی قرآن این را می‌گوید. این جور نیست که می‌گویند جمهوری اسلامی با همه سر ستیزه دارد؛ نخیر، ما با کسانی که با ما دشمنی نمی‌کنند -از هر دینی، از هر مذهبی- مشکلی نداریم، به این‌ها نیکوکاری هم می‌کنیم. تأکید اسلام مقابله‌ی با دشمنان است، کسانی که دشمنی می‌کنند، نه کسانی که دینشان با شما یکی نیست.

### اشکال داشتنِ دشمنی، نه دگراندیشی

در داخل کشور، یک گروهی از این روشنفکرنماها -البتّه سال‌ها پیش؛ که اخیراً هم گاهی تکرار می‌شود- عنوان دگراندیش را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دادند. من در یک سخنرانی گفتم که برای ما دگراندیش مسئله‌ای نیست؛[[279]](#footnote-279) اندیشه‌ی شما دیگر است، خب دیگر باشد، چه اشکال دارد؟ ما با اندیشه‌ی شما کاری نداریم [لکن] دشمنی نباید بکنید.

## تکیه‌ی قرآن روی دشمن و دشمنی کردن

قرآن روی دشمن و دشمنی کردن تکیه می‌کند.

### دوستی نکردن با این‌ها

در سوره‌ی ممتحنه می‌فرماید: یااَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا لا تَتَّخِذوا عَدُوّی وَ عَدُوَّکُم اَولِیٰاءَ تُلقونَ اِلَیهِم بِالمَوَدَّة؛[[280]](#footnote-280) با کسانی که دشمن من و دشمن شما هستند -هم دشمن خدایند، هم دشمن جامعه‌ی اسلامی‌اند- دوستی نکنید، آن‌ها را همراه خودتان و هم‌پیمان خودتان نگیرید.

### ایجاد اقتدار برای ترساندنِ دشمن

یا آن آیه‌ی معروف «وَ اَعِدّوا لَهُم مَااستَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَ مِن رِباطِ الخَیل» که در سوره‌ی انفال است، بعد دارد که «تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّکُم»؛[[281]](#footnote-281) این قوّت ایجاد کردن، اقتدار ایجاد کردن، سلاح تولید کردن و خود را قدرتمند کردن، برای این است که «تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ الله»، دشمن را بترسانید؛ بحث غیر دشمن نیست.

## تکیه‌ی اسلام بر مواجهه‌ی با دشمنِ فعّال

بنابراین تکیه‌ی اسلام بر مواجهه‌ی با دشمنِ فعّال است. خب این دشمنان را ما از اوّل انقلاب آزموده‌ایم و تجربه‌ کرده‌ایم. از روز اوّل انقلاب، با این‌که جمهوری اسلامی نسبت به بیگانگان و دیگران خیلی گذشت‌ها کرد، از همان اوایل توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شروع شد؛ بیش از همه آمریکا، بعد هم دیگران؛ و تا الان هم ادامه دارد.

## بصیرت و صبر و استقامت؛ دو عنصر لازم برای مواجهه با این دشمنی‌ها

دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است -که بنده همیشه توصیه‌ کرده‌ام، باز هم توصیه می‌کنم- دو خصوصیّت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دوّمی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمی‌تواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه‌ و مقابله‌ی با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد؛ بصیرت و صبر. این همان است که امیرالمؤمنین فرمود: «وَ لا یَحمِلُ هذَا العَلَمَ اِلّا اَهلُ البَصَرِ وَ الصَّبرِ وَ العِلمِ بِمَواضِعِ الحَقّ» که این در خطبه‌ی ۱۷۳ نهج‌البلاغه است.

### معنای بصیرت

بصیرت یعنی چه؟ بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن. انسان گاهی اشتباه می‌کند؛ حالا احتمال اشتباهِ انسان‌های ابتدایی و تازه‌کار که بیشتر است، آدم‌های قدیمی و مجرّب هم مواردی اشتباه می‌کنند راه درست را؛ بایستی مراقبت کرد که انسان در شناخت راهِ درست اشتباه نکند؛ در غبارآلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست؛ بصیرت به این معنا است.

### معنای صبر

صبر یعنی چه؟ صبر یعنی استقامت در این راه، زاویه پیدا نکردن با این صراط مستقیم و پای فشردن بر حرکت در این صراط مستقیم؛ این به معنای صبر است. صبر را بد معنا نکنند، صبر را جور دیگری [معنا نکنند]. البتّه غالباً دشمنان یا کسانی که آگاهی درستی ندارند صبر را بد معنا می‌کنند؛ صبر یعنی این‌که انسان استقامت بِوَرزد، پافشاری کند، ایستادگی کند، راه را ادامه بدهد، متوقّف نشود؛ این معنای صبری است که در مقابله‌ی با دشمنان به کار می‌رود.

## تواصی؛ یکی از راه‌های حفظ این دو خصوصیّت در جامعه

خب اگر این دو خصوصیّت وجود داشته باشد، دشمن غالب نمی‌شود. یکی از راه‌هایی که این دو خصوصیّت را بتوان در جامعه حفظ کرد، عبارت است از «تواصی»، همان که در سوره‌ی والعصر هست: وَ تَواصَوا بِالحَقِّ ‌وَ تَواصَوا بِالصَّبر؛ مردم یکدیگر را تواصی کنند؛ این زنجیره‌ی تواصی و توصیه کردن به یکدیگر [برقرار باشد]؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه‌ی به صبر بکنند؛ این، همه را نگه می‌دارد. اگر چنانچه تواصی به صبر و تواصی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته باشد، این جامعه به‌آسانی دستخوش تحرّکات دشمن نخواهد شد؛ امّا اگر چنانچه این جریان تواصی که زنجیره‌ی محافظت مؤمنان است، ‌قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید: اِنَّ ‌الاِنسانَ‌ لَفی‌ خُسر، اِلَّا الَّذینَ ءامَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحٰتِ‌‌ وَ تَواصَوا بِالحَقِّ ‌وَ تَواصَوا بِالصَّبر؛[[282]](#footnote-282) اگر این تواصی نباشد، خسارت تحقّق پیدا خواهد کرد. خب، دشمن همین عامل مهم را هدف قرار می‌دهد.

## دو حرکت و هدف دشمن در جنگ نرم

دشمن دو هدف را به نظر ما در جنگ نرم دنبال می‌کند -حالا یک جنگ‌های آشکار نظامی و سخت و خشن هست که آن‌ها حکم خودش را دارد، امّا جنگ نرم مشکل‌تر علاج می‌شود و به یک معنا از جنگ سخت خطرناک‌تر هم هست- دشمن در این جنگ نرم دو حرکت را انجام می‌دهد:

### قطع جریان تواصی در کشور

یکی این است که این زنجیره‌ی تواصی به حق و به صبر را قطع کند؛

### وارونه نشان دادن حقایق

دوّم این‌که حقایق را وارونه نشان بدهد که تبلیغات فراوانی هم دارند که حقایق عالم را راحت به‌عکس و به‌دروغ وارونه نشان بدهند.

## خطر بزرگ قطع رشته‌ی تواصی به حق و صبر در بین مؤمنان

امّا این‌که رشته‌ی تواصی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند، جریان تواصی را قطع کنند، چیز خطرناکی است؛ [اینکه] کاری کنند که مؤمنین به یکدیگر توصیه نکنند، همدیگر را حفظ نکنند، به یکدیگر امید ندهند؛ اگر قطع این جریان، بریده شدن جریان تواصی در جامعه اتّفاق بیفتد، خیلی خطرناک است. این موجب می‌شود که انسان‌ها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کمرنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی تواصی نبود، این اتّفاقات می‌افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئت‌ها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهراً هدف‌های عالی و متعالی به‌تدریج از دسترس دور می‌شود و کمرنگ می‌شود و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و به دست فراموشی سپرده می‌شود؛

### وظایف جوان‌های ما (افسران جنگ نرم)

که این افسران جنگ نرم ما نباید اجازه بدهند این اتّفاق بیفتد. من یک وقتی[[283]](#footnote-283) گفتم جوان‌های ما افسران جنگ نرم ما هستند. جوان‌ها نباید اجازه بدهند یک چنین اتّفاقی بیفتد و باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه‌ی به ایستادگی، توصیه‌ی به تنبلی نکردن، توصیه‌ی به خسته نشدن کنند؛ این‌ها کارهایی است که جوان‌های ما که گفتیم افسران جنگ نرم هستند بر عهده دارند.

### لزوم استفاده از فرصت فضای مجازی برای این کارها

البتّه امروز فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند امّا شما جوان‌های عزیز این جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه‌ی به صبر، برای توصیه‌ی به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصیه‌ی به خسته نشدن، تنبلی نکردن، بیکاره نماندن و مانند این‌ها. خب این در مورد این کارِ اوّل دشمن که قطع زنجیره‌ی تواصی و حفاظت از یکدیگر است.

## مثال‌هایی از ۱۸۰ درجه وارونه نشان دادن حقایق توسط دشمنان

کار دوّمشان را هم که گفتیم وارونه‌نمایی حقیقت است، دروغگویی در باب حقیقت. این ‌قدر هم با جرئت و قاطعیّت این دروغ را می‌گویند که هر کسی گوش کند، خیال می‌کند که این راست می‌گوید. خیلی خونسرد و محکم و قاطع حقیقت را ۱۸۰ درجه وارونه نشان می‌دهند.

### یمن

حالا مثلاً فرض بفرمایید که الان شش سال است که همدست عربِ آمریکا دارد مردم مظلوم یمن را در خانه‌شان، در خیابانشان، در بیمارستان‌شان، در مدرسه‌شان بمباران می‌کند، آن‌ها را محاصره اقتصادی کرده، از رسیدن غذا مانع می‌شود، از رسیدن دارو مانع می‌شود، از رسیدن نفت به آن‌ها مانع می‌شود؛ شش سال است که این اتّفاق افتاده و این البتّه با چراغ سبز خود دولت آمریکا اتّفاق افتاد، آن وقت هم دولت دموکرات بر سر کار بود؛ چراغ سبز [نشان] دادند و این دولت قسیّ‌القلب و سنگدل و ظالم عرب متأسّفانه با مردم یمن دارد این جور رفتار می‌کند. خب این واقعیّت قضیّه است. حالا یمنی‌ها که البتّه مردم خیلی بااستعدادی‌اند -مردم یمن بسیار بااستعدادند- توانسته‌اند با استفاده از برخی از پدیده‌ها برای خودشان وسایل دفاعی به وجود بیاورند -یا تهیّه کنند، یا خودشان بسازند- و به این بمباران‌های شش‌ساله جواب بدهند، به مجرّد این‌که از طرف یمنی‌ها یک کاری انجام می‌گیرد، فریاد تبلیغات این‌ها بلند می‌شود که «آقا حمله شد، آقا ترور شد»! همه‌ی آن‌ها می‌گویند، سازمان ملل هم می‌گوید، که واقعاً زشتیِ کار سازمان ملل در این زمینه از کار آمریکا بدتر است. خب آمریکا یک دولت مستکبر ظالم است، سازمان ملل چرا؟ آن [دولت] را به خاطر شش سال بمباران محکوم نمی‌کنند [امّا] این را برای خاطر این‌که در مواقعی از خودش دفاع کرده و این دفاع کارگر شده، ملامت می‌کنند و همه روی او می‌ریزند و حمله می‌کنند. این یک نمونه از دروغ‌گویی.

### مخالفت با سلاح‌های کشتار جمعی

یا بزرگ‌ترین زرّادخانه‌ی اتمی دنیا در آمریکا است؛ بزرگ‌ترین زرّادخانه‌ی اتمی! حالا شاید هزارها -من نمی‌دانم- بمب اتم این‌ها در انبارهایشان دارند و این را به کار هم بردند، یعنی تنها دولتی که بمب اتم را تا حالا به کار برده، دولت آمریکا است. آمریکا ۲۲۰ هزار نفر را در یک ساعت، در یک روز قتل‌عام کرده؛[[284]](#footnote-284) این [کار] را این جوری کردند، آن وقت فریاد می‌زنند که ما ضدّ توسعه‌ی سلاح‌های اتمی هستیم! یعنی این جوری است دیگر؛ مدّعی‌اند که ما مخالف سلاح کشتار جمعی هستیم! دروغ می‌گویند؛ بدترین و خطرناک‌ترین سلاح کشتار جمعی دست آن‌ها است؛ آن را به کار هم برده‌اند، استفاده هم کرده‌اند، در عین حال می‌گویند ما مخالف سلاح‌های کشتار جمعی هستیم.

### طرف‌داری از حقوق بشر

آمریکا از مجرمی که مخالف خودش را با ارّه تکّه‌تکّه می‌کند -دیگر همه‌ی دنیا فهمیدند؛ سعودی‌ها یک مخالف را با یک شکلی گیر انداختند و با ارّه تکّه‌تکّه‌اش کردند[[285]](#footnote-285)- حمایت می‌کند و بعد می‌گوید که من طرف‌دار حقوق بشرم؛ یعنی وارونه‌نماییِ حقیقت تا این حد، با این شکل!

### مبارزه با داعش

داعش را خود آمریکا ایجاد کرد -این را دیگر خود آمریکایی‌ها اعتراف کردند، ما نمی‌گوییم؛ هم آن که ایجاد کرده بود گفت، هم آن که رقیب او بود، در مقام حمله‌ی به او گفت؛ همه‌ی آن‌ها گفتند و اعتراف کردند که داعش را آمریکا ایجاد کرده- آن وقت به بهانه‌ی وجود داعش، در عراق، در سوریه پایگاه نظامی درست می‌کنند که ما می‌خواهیم با داعش مخالفت کنیم! و امکانات رسانه‌ای مدرن در اختیار داعش می‌گذارند، پول در اختیارش می‌گذارند، اجازه می‌دهند که نفت سوریه را از بین ببرند و ببرند و بفروشند و سودش را استفاده کنند، در عین حال هم می‌گویند ما داریم با داعش مبارزه می‌کنیم؛ این کارهایی است که این‌ها می‌کنند؛ خلاف واقع ‌نمایی.

### حضور ایران در منطقه

از حضور ایران در منطقه با بغض و کینه یاد می‌کنند که چرا ایران در منطقه حضور دارد؛ یعنی چرا ایران در سوریه، در عراق، در بعضی جاها حضور دارد؛ در حالی که حضور ما حضور نظامی نیست؛ و آنجایی که نظامی‌های ما هم بودند، حضور مستشاری بوده؛ یک جاهایی هم که اصلاً نظامی‌ها حضور ندارند، صرفاً حضور سیاسی است، این را با کینه و به عنوان یک مشکل بزرگ که موجب بی‌ثباتی و مانند این‌ها است می‌گویند، در حالی که منطقه، منطقه‌ی ما است و هر جا هم ما وارد شدیم، برای دفاع از دولت قانونی آن‌جا وارد شدیم؛ چه در عراق، چه در سوریه، هدف ما دفاع از دولت قانونی بوده و با رضایت و خواست خود آن دولت‌ها وارد شدیم؛ این را این جوری بزرگ می‌کنند، در حالی که خودشان ظالمانه، بدون اجازه وارد سوریه می‌شوند، یک منطقه‌ای را اشغال می‌کنند، پایگاه نظامی درست می‌کنند یا در عراق چندین پایگاه نظامی درست می‌کنند. وارونه‌نمایی حقیقت جزو کارهای این‌ها است؛ و در همه‌ی زمینه‌ها این جوری است.

و البتّه حتماً بایستی آمریکایی‌ها عراق را تخلیه کنند که خواست خود عراقی‌ها و قانون آن‌ها است؛ سوریه را حتماً بایستی زودتر تخلیه کنند؛ هر چه زودتر. بنابراین این کار آن‌ها است.

## وظایف ما در قبال انقلاب اسلامی

ما باید بدانیم با این بار سنگین امانتی که انقلاب اسلامی بر دوش ما، بر دوش ملّت ایران گذاشته و راه سعادتی که جلوی آن‌ها باز کرده، ما وظایفی داریم؛ از جمله‌ی این وظایف، همین تواصی به حق و به صبر، و شناخت دشمن و ایستادگی در مقابل دشمن، و تسلیم نشدن در مقابل دشمن و اعتماد نکردن به این دشمن غدّار است. این عرض امروز ما.

## لزوم ابراز سپاس قلبی خودمان به مجموعه‌ی درمانی کشور

در آخر فقط یک جمله مجدّداً درباره‌ی مسائل این همه‌گیری بیماری عرض بکنم. سال به پایان رسید و تلاش و مجاهدت مجموعه‌ی درمانی کشور در مقابل بلای کرونا یک سال و بیشتر از یک سال شد، و لازم است هم بنده و هم آحاد مردم، سپاس قلبی خودمان را به این مجموعه ابراز کنیم؛ آن‌ها را دعا می‌کنیم و از آن‌ها متشکّریم و سفارش می‌کنم که همه دفاع کنند.

## دعا

امیدواریم که ان‌شاءالله خدای متعال توجّهاتش را و رحمتش را و فضلش را شامل حال ملّت کند، برای عید مبعث خدای متعال عیدی مبارکی را ان‌شاءالله به ملّت ایران و به همه‌ی مؤمنین عالم و به امّت اسلامی عطا کند و همه‌ی ما را توفیق بدهد که بتوانیم به وظایفمان عمل کنیم و رضای حضرت ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند و روح مطهّر امام بزرگوار و ارواح مطهّره‌ی شهدای بزرگوار را ان‌شاء‌الله از ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

[eitaa.com/mosabereh](file:///C:\Users\tahma\Desktop\eitaa.com\mosabereh%20-)

[t.me/mosabereh](file:///C:\t.me\mosabereh-)

[Instagram.com/tahmasebi\_ir](https://Instagram.com/tahmasebi_ir)

1. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۷ [↑](#footnote-ref-1)
2. اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۴۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره‌ی شرح، آیه‌ی ۶؛ «آری؛ با دشواری، آسانی است.» [↑](#footnote-ref-3)
4. حافظ. غزلیّات [↑](#footnote-ref-4)
5. کامل‌الزّیارات، ص ۳۰۹ [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۸۱؛ «و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شما است تصدیق کرد، البتّه به او ایمان بیاورید و حتماً یاری‌اش کنید. ...» [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷؛ «... که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل، نوشته می‌یابند. ...» [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۶؛ «و هنگامی را که عیسیٰ پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل! من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؛ تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او "احمد" است بشارتگرم. ...» [↑](#footnote-ref-8)
9. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱ [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره‌ی شوریٰ، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «... مأمور شدم که میان شما عدالت کنم...» [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره‌ی حدید، بخشی از آِیه‌ی ۲۵؛ «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...» [↑](#footnote-ref-11)
12. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱ [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۶۴؛ «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن‌که به توفیق الهی از او اطاعت کنند...» [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای اِنس و جن برگماشتیم‌...» [↑](#footnote-ref-14)
15. رسوخ و ثبوت مفهومی در انسان [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آن‌ها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می‌کنند...» [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۲؛ « و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود» [↑](#footnote-ref-17)
18. سوره‌ی مدّثّر، آیه‌ی ۷ [↑](#footnote-ref-18)
19. سوره‌ی مزّمّل، بخشی از آیه‌ی ۱۰؛ «و بر آنچه می‌گویند شکیبا باش. ...» [↑](#footnote-ref-19)
20. سوره‌ی شوریٰ، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «... و همان گونه که مأموری ایستادگی کن. ...» [↑](#footnote-ref-20)
21. همان، بخشی از آیه‌ی ۳۸؛ «... کارشان در میانشان مشورت است. ...» [↑](#footnote-ref-21)
22. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۵؛ «... اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن چیره می‌شوند. ...» [↑](#footnote-ref-22)
23. از جمله، بیانات در دیدار مردم استان آذربایجان شرقی 29/11/1398 [↑](#footnote-ref-23)
24. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰ [↑](#footnote-ref-24)
25. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۵ [↑](#footnote-ref-25)
26. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶ [↑](#footnote-ref-26)
27. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ [↑](#footnote-ref-27)
28. مذاهب، فرقه‌ها [↑](#footnote-ref-28)
29. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶ [↑](#footnote-ref-29)
30. بحارالانوار، ج۵۰، ص ۳۱۸ [↑](#footnote-ref-30)
31. تحف‌العقول، ص ۴۰۳ [↑](#footnote-ref-31)
32. تحف‌العقول، ص ۱۰۶ [↑](#footnote-ref-32)
33. غیبة طوسی، ص ۴۵۹ [↑](#footnote-ref-33)
34. کافی، ج ۲، ص ۲۴۵ [↑](#footnote-ref-34)
35. سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۲۸ [↑](#footnote-ref-35)
36. اشاره‌ی معظّمٌ‌له به اعلام عمومی جهت دعای دسته‌جمعی در ساعت مقرّر در شب نیمه‌ی شعبان [↑](#footnote-ref-36)
37. بیانات در سالروز مبعث پیامبر اکرم (3/1/1399) [↑](#footnote-ref-37)
38. در سخنرانی تعبیر «کشته» به کار رفته بود که پس از اتمام پخش زنده‌ی بیانات، معظّمٌ‌له این مطلب را این گونه اصلاح فرمودند: «این مطلب که من گفتم یک میلیون نفر کشته شده‌اند، اشتباه بود. یک میلیون و خرده‌ای مبتلا شده‌اند؛ تعداد کسانی که از دنیا رفته‌اند در سطح دنیا خیلی کمتر از این است. یک میلیون [نفر] مبتلا شده‌اند تا حالا و تعدادی هم البتّه از دنیا رفته‌اند که از این مقدار کمتر است. من اشتباهاً گفتم یک میلیون [نفر] از دنیا رفته‌اند و یا مثلاً کشته شده‌اند.» لذا در متن بیانات تعبیر اصلاح شده جایگزین شد. [↑](#footnote-ref-38)
39. مصباح المتهجّد، ج ۲، ص ۸۲۹ [↑](#footnote-ref-39)
40. در ابتدای این مراسم ــ که به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد ــ تعدادی از قرّاء قرآن، آیاتی از قرآن کریم را تلاوت کردند. [↑](#footnote-ref-40)
41. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۸۵؛ «... که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است...» [↑](#footnote-ref-41)
42. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۱۶؛ «خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله‌ی آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود...» [↑](#footnote-ref-42)
43. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۸ [↑](#footnote-ref-43)
44. کاملان، به‌ویژه انسان‌های وارسته [↑](#footnote-ref-44)
45. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۰؛ «... و از مردم کسی است که می‌گوید: «پروردگارا! به ما، در همین دنیا عطا کن» و حال آن‌که برای او در آخرت نصیبی نیست.» [↑](#footnote-ref-45)
46. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۱؛ «و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار». [↑](#footnote-ref-46)
47. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۱؛ «... در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.» [↑](#footnote-ref-47)
48. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷۷؛ «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن...» [↑](#footnote-ref-48)
49. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷۸ [↑](#footnote-ref-49)
50. سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۲ [↑](#footnote-ref-50)
51. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸ [↑](#footnote-ref-51)
52. سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۶ [↑](#footnote-ref-52)
53. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۳ [↑](#footnote-ref-53)
54. سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۹ [↑](#footnote-ref-54)
55. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۷؛ «... به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید...» [↑](#footnote-ref-55)
56. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ «... پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید.» [↑](#footnote-ref-56)
57. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ « در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند...» [↑](#footnote-ref-57)
58. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ «... پس از آنان مترسید و از من بترسید...» [↑](#footnote-ref-58)
59. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۴؛ «... و به یاد من نماز برپا دار.» [↑](#footnote-ref-59)
60. سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌‌اید، به درگاه خدا توبه‌‌ا‌ی راستین کنید...» [↑](#footnote-ref-60)
61. موافقت با درخواست رییس‌جمهور برای آزادسازی سهام عدالت [↑](#footnote-ref-61)
62. در ابتدای این برنامه، ارتباط تصویری با هفت مجموعه‌ی تولیدی فعّال برقرار شد که مدیران و کارگران مربوطه، مطالبی را بیان کردند. [↑](#footnote-ref-62)
63. سوره‌ی نجم، بخشی از آیه‌ی۳۹؛ « ... برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.» [↑](#footnote-ref-63)
64. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶ [↑](#footnote-ref-64)
65. از جمله سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹ [↑](#footnote-ref-65)
66. از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۶۲ [↑](#footnote-ref-66)
67. از جمله، بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان کشور (16/6/1389) [↑](#footnote-ref-67)
68. در ابتدای این ارتباط تصویری، حجّت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس جمهور)، سرلشکر محمّد باقری (رئیس ستاد کلّ نیروهای مسلّح)، دکتر سعید نمکی (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) و آقای عبدالرّضا رحمانی‌فضلی (وزیر کشور) گزارشهایی ارائه کردند. [↑](#footnote-ref-68)
69. به موجب این قرارداد، تشکیلات نظامی و مالی ایران تحت نظارت انگلیس‌ها قرار میگرفت و امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسّه‌ی ایران نیز به آن‌ها واگذار گردید. [↑](#footnote-ref-69)
70. شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج۲۰، ص ۳۱۹ [↑](#footnote-ref-70)
71. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰ [↑](#footnote-ref-71)
72. سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۴۶؛ «بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو به دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید...» [↑](#footnote-ref-72)
73. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی 1 [↑](#footnote-ref-73)
74. مرحوم شهید سرتیپ ولی‌اللّه فلّاحی، بعد از بنی‌صدر به فرماندهی کلّ قوا منصوب شد. [↑](#footnote-ref-74)
75. مرحوم سرلشکر قاسمعلی ظهیرنژاد، از سال ۱۳۵۸ مسئولیّت فرماندهی در ارتش را به عهده داشت. [↑](#footnote-ref-75)
76. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۱۷؛ «... و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی...» [↑](#footnote-ref-76)
77. آنچه موجب شگفتی شود. [↑](#footnote-ref-77)
78. سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «... در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...» [↑](#footnote-ref-78)
79. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۵۳، «این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند...» [↑](#footnote-ref-79)
80. مصباح‌المتهجّد، ج۲، ص ۸۴۴ [↑](#footnote-ref-80)
81. امیری فیروزکوهی. غزلیّات، غزل شماره‌ی ۹۱ [↑](#footnote-ref-81)
82. سخن نهایی صحیح و متقن [↑](#footnote-ref-82)
83. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱ [↑](#footnote-ref-83)
84. سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش [↑](#footnote-ref-84)
85. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۷؛ «... و از مردم می‌ترسیدی، با آن‌که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی‌...» [↑](#footnote-ref-85)
86. در ابتدای این دیدار -که به مناسبت هفته‌ی قوّه‌ی قضائیّه برگزار شد- حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدابراهیم رئیسی (رئیس قوّه‌ی قضائیّه) مطالبی بیان کرد. [↑](#footnote-ref-86)
87. تردید، شک و دودلی [↑](#footnote-ref-87)
88. سوره‌ی ناس، آیه‌ی ۴؛ «از شرّ وسوسه‌گر نهانی». [↑](#footnote-ref-88)
89. سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۳؛ «... و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است...». [↑](#footnote-ref-89)
90. سوره‌ی شوریٰ، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «بنابر‌این، به دعوت پرداز و همان‌گونه که مأموری ایستادگی کن...». [↑](#footnote-ref-90)
91. کامل [↑](#footnote-ref-91)
92. حجّت‌الاسلام والمسلمین محمّدجعفر منتظری (دادستان کلّ کشور) [↑](#footnote-ref-92)
93. دونالد ترامپ [↑](#footnote-ref-93)
94. «هرچه بگندد نمکش می‌زنند / وای به روزی که بگندد نمک» [↑](#footnote-ref-94)
95. خنده‌ی معظّم‌له [↑](#footnote-ref-95)
96. آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی (رئیس قوّه‌ی قضائیّه‌ی سابق) [↑](#footnote-ref-96)
97. بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی به مناسبت هفته‌ی کارگر (17/2/1399) [↑](#footnote-ref-97)
98. بیانات در سالروز میلاد حضرت ولیّ‌عصر(عج) (21/1/1399) [↑](#footnote-ref-98)
99. حجّت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی [↑](#footnote-ref-99)
100. در ابتدای این دیدار، آقای دکتر محمّدباقر قالیباف (رئیس مجلس شورای اسلامی) گزارشی ارائه کرد. [↑](#footnote-ref-100)
101. سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۴۱؛ «به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است...». [↑](#footnote-ref-101)
102. از جمله بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان 13/5/1398 [↑](#footnote-ref-102)
103. حیله‌گر [↑](#footnote-ref-103)
104. لشکر [↑](#footnote-ref-104)
105. سوره‌ی عصر، بخشی از آیه‌ی ۳؛ «... و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌‌اند.» [↑](#footnote-ref-105)
106. ضمانت و تعهّد نسبت به یکدیگر [↑](#footnote-ref-106)
107. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۴۲؛ «و با موسیٰ، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با دَه شب دیگر تمام کردیم. تا آن‌که وقت معیّنِ پروردگارش در چهل شب به سر آمد. ...» [↑](#footnote-ref-107)
108. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۳۸؛ «... همان گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده. ...» [↑](#footnote-ref-108)
109. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۰؛ «... و الواح را افکند و [موی‌] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. ...» [↑](#footnote-ref-109)
110. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۶۹؛ «... مانند کسانی مباشید که موسیٰ را [با اتّهام خود] آزار دادند. ...» [↑](#footnote-ref-110)
111. سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «... «ای قوم من! چرا آزارم می‌دهید، با این‌که میدانید من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؟ ...» [↑](#footnote-ref-111)
112. وقایع [↑](#footnote-ref-112)
113. سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۳۹؛ «سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. ...» [↑](#footnote-ref-113)
114. سوره‌ی صافات، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲؛ « وقتی با او به جایگاه «سَعْی» رسید. ...» [↑](#footnote-ref-114)
115. سوره‌ی صافات، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲؛ «... ای پدر من! آنچه را مأموری بکن؛ ان‌شاء‌اللّه مرا از شکیبایان خواهی یافت.» [↑](#footnote-ref-115)
116. پیشی گرفتن به خیرات [↑](#footnote-ref-116)
117. از جمله سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۱۴ [↑](#footnote-ref-117)
118. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴؛ «... و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند.» [↑](#footnote-ref-118)
119. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۶۱؛ «آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آن‌ها سبقت میجویند.» [↑](#footnote-ref-119)
120. از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸؛ «... پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. ...» [↑](#footnote-ref-120)
121. بیانات در مراسم بیست‌ونهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) (14/3/1397) [↑](#footnote-ref-121)
122. INSTEX یا سامانه‌ی حمایت از مبادلات تجاری [↑](#footnote-ref-122)
123. خطبه‌های نماز عید فطر (25/3/1397) [↑](#footnote-ref-123)
124. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۷؛ «... پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گامهای ما را استوار دار...» [↑](#footnote-ref-124)
125. در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) و آقایان بیژن زنگنه (وزیر نفت)، رضا اردکانیان (وزیر نیرو)، سعید نمکی (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) و محمّدباقر نوبخت (رئیس سازمان برنامه و بودجه) گزارش‌هایی ارائه کردند. [↑](#footnote-ref-125)
126. آقای محمّد اسلامی [↑](#footnote-ref-126)
127. بیانات در روز عید سعید قربان (10/5/1399) [↑](#footnote-ref-127)
128. بیانات در دیدار هیئت دولت (27/4/1397) [↑](#footnote-ref-128)
129. خیمه‌ی بزرگ [↑](#footnote-ref-129)
130. در ابتدای این دیدار -که در روز نخست سی‌ و چهارمین اجلاس رؤسا و مدیران آموزش ‌و پرورش سراسر کشور برگزار شد- آقای محسن حاجی‌میرزایی (وزیر آموزش ‌و پرورش) گزارشی ارائه کرد. [↑](#footnote-ref-130)
131. از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۷۳ [↑](#footnote-ref-131)
132. از جمله بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور (3/5/1386) [↑](#footnote-ref-132)
133. نتیجه [↑](#footnote-ref-133)
134. بیانات در دیدار وزیر آموزش و پرورش و جمعی از معلّمین سراسر کشور (19/2/1397) [↑](#footnote-ref-134)
135. سازمان ملّی پرورش استعدادهای درخشان [↑](#footnote-ref-135)
136. مهرداد اوستا. منظومه‌ی آرش (با اندکی تفاوت) [↑](#footnote-ref-136)
137. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت (2/6/1399) [↑](#footnote-ref-137)
138. عادّی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس [↑](#footnote-ref-138)
139. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۳؛ «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین‌] انتظارند...» [↑](#footnote-ref-139)
140. شهید سرتیپ ولی‌الله فلّاحی (رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدّس) [↑](#footnote-ref-140)
141. سرلشکر قاسمعلی ظهیرنژاد (فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدّس) [↑](#footnote-ref-141)
142. صحیفه ی امام، ج ۱۳، ص ۲۲۱؛ پیام رادیو تلویزیونی در آغاز سال تحصیلی 31/6/1359 [↑](#footnote-ref-142)
143. صحیفه‌ی امام، ج ۱۶، ص ۱۴۳؛ پیام به ملت ایران و رزمندگان (2/1/1361) [↑](#footnote-ref-143)
144. سران سه کشور آمریکا و انگلیس و شوروی، در تاریخ ششم تا نهم آذرماه ۱۳۲۲ در کنفرانسی موسوم به کنفرانس تهران، در سفارت شوروی در تهران گرد هم آمدند. [↑](#footnote-ref-144)
145. وینستون چرچیل (نخست وزیر انگلیس) [↑](#footnote-ref-145)
146. فرانکلین روزولت (رئیس جمهور آمریکا) [↑](#footnote-ref-146)
147. ژوزف استالین (دبیرکلّ شوروی) [↑](#footnote-ref-147)
148. عهدنامه‌ی گلستان [↑](#footnote-ref-148)
149. خارج از شمارش و حساب [↑](#footnote-ref-149)
150. شرح دادن؛ بیان کردن [↑](#footnote-ref-150)
151. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۰؛ «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند». [↑](#footnote-ref-151)
152. سوره‌ی فصّلت، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند: "پروردگار ما خدا است" سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و میگویند:] هان، بیم مدارید و غمین مباشید. ...» [↑](#footnote-ref-152)
153. وقتی مهتاب گم شد [↑](#footnote-ref-153)
154. برآورد، ارزیابی [↑](#footnote-ref-154)
155. برگرفته از بیتی از حافظ [↑](#footnote-ref-155)
156. این پیام توسط آقای اوحدی رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران درگلزار شهدای بهشت زهرای تهران قرائت شد. [↑](#footnote-ref-156)
157. در ابتدای این مراسم، سرلشکر محمّد باقری (رئیس ستاد کلّ نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی)، سرتیپ نعمان غلامی (فرمانده دانشگاه امام حسین)، سرتیپ‌دوّم علی اوجاقی (فرمانده دانشگاه امام علی) و سرتیپ‌دوّم لطفعلی بختیاری (فرمانده دانشگاه علوم انتظامی امین) گزارشهایی ارائه کردند. [↑](#footnote-ref-157)
158. آماده‌سازی، تجهیز [↑](#footnote-ref-158)
159. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰ [↑](#footnote-ref-159)
160. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۸؛ «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت‌] شما حریص، و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.» [↑](#footnote-ref-160)
161. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۸؛ «... ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه‌ی شما هستم ...» [↑](#footnote-ref-161)
162. سوره‌ی زخرف، بخشی از آیه‌ی ۵۱ [↑](#footnote-ref-162)
163. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸ [↑](#footnote-ref-163)
164. همان [↑](#footnote-ref-164)
165. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲ [↑](#footnote-ref-165)
166. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۴۱ [↑](#footnote-ref-166)
167. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸ [↑](#footnote-ref-167)
168. کاریکاتور توهین‌آمیز مجلّه‌ی فرانسوی شارلی ابدو در مورد پیامبر اعظم (ص) و صحّه گذاشتن امانوئل مکرون (رئیس‌جمهور فرانسه) به بهانه‌ی آزادی بیان. [↑](#footnote-ref-168)
169. معلول‌ها [↑](#footnote-ref-169)
170. ضرب‌المثلی در زبان عربی که کنایه از خنده‌دار بودن و سخیف بودن مطلبی است. [↑](#footnote-ref-170)
171. کشنده یا بسیار کشنده [↑](#footnote-ref-171)
172. دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) [↑](#footnote-ref-172)
173. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۵؛ «... و کشت و نسل را نابود سازد ...» [↑](#footnote-ref-173)
174. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «محمّد پیامبر خدا است و کسانی که با او هستند، بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربانند. ...» [↑](#footnote-ref-174)
175. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۳؛ «... و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند. ...» [↑](#footnote-ref-175)
176. مورد طمع [↑](#footnote-ref-176)
177. متن این پیام را سردار سرتیپ بسیجی محمد شیرازی رئیس دفتر فرماندهی معظم کل قوا آن را در ارتباط ویدئوکنفرانس با بسیج مراکز استانها و اقشار بسیج قرائت کرد. [↑](#footnote-ref-177)
178. در ابتدای این دیدار سردار حسین سلامی -فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- گزارشی از برنامه‌ها و فعالیّت‌های ستاد بزرگداشت سردار شهید سلیمانی و شهدای مقاومت بیان کرد. [↑](#footnote-ref-178)
179. دونالد ترامپ [↑](#footnote-ref-179)
180. سفر شبانه‌ و از پیش اعلام نشده‌ی رئیس جمهور آمریکا در دیماه ۱۳۹۷ به پایگاه عین‌الاسد در عراق [↑](#footnote-ref-180)
181. علی‌اکبر آزادی تربتی (گلشن)؛ «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی / که در نظام طبیعت ضعیف پامال است» [↑](#footnote-ref-181)
182. از جمله، بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلّح (21/7/1399) [↑](#footnote-ref-182)
183. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹ [↑](#footnote-ref-183)
184. عذرآورنده [↑](#footnote-ref-184)
185. رهبر انقلاب اسلامی همچنین سحرگاه امروز (شنبه) با حضور در کنار پیکر مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی، با ایشان وداع کردند و بر پیکر آن فقیه و حکیم مجاهد نماز خواندند. [↑](#footnote-ref-185)
186. سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی (فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در حمله‌ی پهپاد آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه‌ی (۱۳۹۸/۱۰/۱۳) به همراه شهید ابومهدی المهندس (از فرماندهان حشدالشّعبی عراق) و ده نفر دیگر از همراهان به شهادت رسید. [↑](#footnote-ref-186)
187. شهید حسین پورجعفری (دستیار ویژه‌ی شهید سلیمانی) [↑](#footnote-ref-187)
188. شهید شهرود مظفّری‌نیا (محافظ شهید سلیمانی) [↑](#footnote-ref-188)
189. شهید هادی طارمی (محافظ شهید سلیمانی) [↑](#footnote-ref-189)
190. شهید وحید زمانی‌نیا (محافظ شهید سلیمانی) [↑](#footnote-ref-190)
191. در پی مراسم تشییع و تدفین پیکر شهید سردار حاج قاسم سلیمانی در گلزار شهدای کرمان، تعدادی از هم‌وطنان در ازدحام جمعیّت به شهادت رسیدند. همچنین در هجدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۸، یک هواپیمای مسافربری اوکراینی که از تهران به مقصد کی‌یف در حال پرواز بود، به‌اشتباه مورد اصابت پدافند داخلی قرار گرفت که در پی این اتّفاق تمامی سرنشینان هواپیما به شهادت رسیدند. [↑](#footnote-ref-191)
192. شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشور، که در هفتم آذر سال ۱۳۹۹ در منطقه‌ی آبسرد دماوند توسّط عناصر مسلّح به شهادت رسید. [↑](#footnote-ref-192)
193. آیت‌الله محمّدتقی مصباح‌یزدی (عضو مجلس خبرگان رهبری و رئیس مؤسّسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی) [↑](#footnote-ref-193)
194. سازمان اطّلاعات مرکزی آمریکا (CIA) [↑](#footnote-ref-194)
195. امریکن اینترپرایز [↑](#footnote-ref-195)
196. یورش صدها نفر از هواداران دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا) به ساختمان کنگره‌ی آمریکا و تصرّف چند ساعته‌ی آن که به درگیری شدید آن‌ها با نیروهای نظامی و امنیّتی انجامید و منجر به کشته شدن حدّاقل چهار نفر شد. [↑](#footnote-ref-196)
197. از جمله، بیانات در جمع اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی (4/9/1399) [↑](#footnote-ref-197)
198. ابلاغ سیاست‌های کلّی «اقتصاد مقاومتی» (29/11/1392) [↑](#footnote-ref-198)
199. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ در عملیّات موسوم به شهید سلیمانی، پایگاه آمریکایی عین‌الاسد را با استفاده از موشک‌های بالستیک هدف قرار داد. این عملیات در پاسخ به اقدام تروریستی آمریکا در ترور شهید سلیمانی صورت پذیرفت. [↑](#footnote-ref-199)
200. مستند غیررسمی [↑](#footnote-ref-200)
201. آیت‌الله عطاءالله اشرفی‌اصفهانی [↑](#footnote-ref-201)
202. سردار محسن رضایی [↑](#footnote-ref-202)
203. امیر قاسمعلی ظهیرنژاد [↑](#footnote-ref-203)
204. آقای سعید کاظمی‌آشتیانی (رئیس سابق پژوهشکده‌ی رویان) [↑](#footnote-ref-204)
205. در دهه‌ی شصت، انستیتو «مریو» متعلّق به فرانسه، فاکتورهای انعقادی خون را که آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی بودند، به ایران صادر نمود. در اثر استفاده از این خون‌ها تعداد قابل توجهی از بیماران هموفیلی به این ویروس مبتلا شده و جان خود را از دست دادند. [↑](#footnote-ref-205)
206. دقّت نظر [↑](#footnote-ref-206)
207. کشف‌الغمّه، ج ۱، ص ۴۶۲ (با اندکی تفاوت) [↑](#footnote-ref-207)
208. علل‌الشّرایع، ج ۱، ص ۱۸۲ [↑](#footnote-ref-208)
209. سوره‌ی انسان، بخشی از آیه‌ی ۹؛ «ما برای خشنودی خدا است که به شما می‌خورانیم. ...» [↑](#footnote-ref-209)
210. عنوانی رجالی برای هشت تن از پارسایان قرن اوّل هجری [↑](#footnote-ref-210)
211. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ۳۴۱ [↑](#footnote-ref-211)
212. سوره‌ی شورا، بخشی از آیه‌ی ۲۳؛ «... بگو: "به ازای آن [رسالت‌] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره‌ی خویشاوندان...» [↑](#footnote-ref-212)
213. تراوشات [↑](#footnote-ref-213)
214. یک سناتور به نام مارتا مک‌سلی چندی پیش اعلام کرد زمانی که در نیروی هوایی آمریکا خدمت می‌کرده، مورد تعرّض جنسی قرار گرفته است. [↑](#footnote-ref-214)
215. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۵؛ «مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راست‌گو، و مردان و زنان شکیبا ...» [↑](#footnote-ref-215)
216. نهج‌‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۶ [↑](#footnote-ref-216)
217. در ابتدای این دیدار -که در سالروز بیعت تاریخی همافران نیروی هوایی ارتش با حضرت امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) برگزار شد- سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد. [↑](#footnote-ref-217)
218. سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲ [↑](#footnote-ref-218)
219. باراک اوباما [↑](#footnote-ref-219)
220. بیانات در دیدار مردم قم، در سالروز قیام نوزدهم دی (19/10/1397) [↑](#footnote-ref-220)
221. جان بولتون (مشاور امنیّت ملّی رئیس‌‌‌‌‌‌‌‌‌جمهور آمریکا) [↑](#footnote-ref-221)
222. دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور سابق آمریکا) [↑](#footnote-ref-222)
223. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳ [↑](#footnote-ref-223)
224. اشاره به حمله‌ی هواداران ترامپ به ساختمان کنگره‌ی آمریکا در پی نتیجه‌‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا [↑](#footnote-ref-224)
225. در ابتدای این دیدار -که به صورت ارتباط تصویری برگزار شد- حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدمحمّدعلی آل‌هاشم (نماینده‌ی ولیّ‌فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام‌جمعه‌‌ی تبریز) مطالبی بیان کرد. [↑](#footnote-ref-225)
226. میرزا حسن آشتیانی [↑](#footnote-ref-226)
227. میرزا علی ثقةالاسلام تبریزی [↑](#footnote-ref-227)
228. شهید آیت‌الله سیّدمحمدعلی قاضی‌طباطبائی [↑](#footnote-ref-228)
229. صحیفه‌ی امام، ج ۳، ص ۳۵۳؛ پیام به اهالی آذربایجان (8/12/1356) [↑](#footnote-ref-229)
230. پیشینیان، گذشتگان [↑](#footnote-ref-230)
231. مهرداد اوستا (با کمی تفاوت) [↑](#footnote-ref-231)
232. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۶۹؛ «و کسانی که در راه ما کوشیده‌‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم...» [↑](#footnote-ref-232)
233. سوره‌‌ی جن، آیه‌ی ۱۶؛ « و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.» [↑](#footnote-ref-233)
234. بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی (26/7/1396) [↑](#footnote-ref-234)
235. فراهم کردن [↑](#footnote-ref-235)
236. در ابتدای این دیدار -که در پایان هشتمین اجلاسیه‌ی دوره‌ی پنجم مجلس خبرگان تشکیل شد- آیت‌الله احمد جنّتی (رئیس مجلس خبرگان) و حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدابراهیم رئیسی (نایب رئیس مجلس خبرگان) گزارشاتی ارائه کردند. [↑](#footnote-ref-236)
237. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۶۴؛ «... ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن‌که به توفیق الهی از او اطاعت کنند...» [↑](#footnote-ref-237)
238. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۶؛ «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند...» [↑](#footnote-ref-238)
239. سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۴۶؛ «... من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید...» [↑](#footnote-ref-239)
240. ستم‌پذیری [↑](#footnote-ref-240)
241. برانگیختن تمایل یا انگیزه [↑](#footnote-ref-241)
242. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] ...» [↑](#footnote-ref-242)
243. سوره‌ی مدّثّر، آیه‌ی ۷؛ «و برای پروردگارت شکیبایی کن» [↑](#footnote-ref-243)
244. سوره‌ی عصر، بخشی از آیه‌ی ۳ [↑](#footnote-ref-244)
245. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲؛ «و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند...». [↑](#footnote-ref-245)
246. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آن‌ها به بعضی، برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار. [↑](#footnote-ref-246)
247. سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷ [↑](#footnote-ref-247)
248. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۵۸؛ «... [پیمانشان را] به سویشان بینداز...» [↑](#footnote-ref-248)
249. رفتار، مشی [↑](#footnote-ref-249)
250. این کنگره، ششمین کنگره از کنگره‌‌های مؤسّسه‌‌ی علمی-فرهنگی دارالحدیث در بزرگداشت عالمان ری است. در ابتدای این دیدار، آیت‌‌الله محمّد محمّدی ری‌شهری (رئیس مؤسّسه‌‌ی علمی-فرهنگی دارالحدیث)، رضا استادی (رئیس کنگره)، حجّت‌‌الاسلام مهدی مهریزی (دبیر علمی کنگره) و دکتر مهدی محقّق (عضو شورای عالی کنگره و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور) گزارشی ارائه کردند. [↑](#footnote-ref-250)
251. بارز شدن، آشکار شدن‌ [↑](#footnote-ref-251)
252. چیزهای نادر و کمیاب‌ [↑](#footnote-ref-252)
253. علی بن محمّد بن ابراهیم بن علّان؛ از محدّثین امامیّه در زمان غیبت صغرا [↑](#footnote-ref-253)
254. سعدی. دیوان اشعار، غزلیّات (با کمی تفاوت) [↑](#footnote-ref-254)
255. کاشتن [↑](#footnote-ref-255)
256. اصل پنجاهم قانون اساسی [↑](#footnote-ref-256)
257. کوتاهی کردن [↑](#footnote-ref-257)
258. بیانات در مراسم روز درختکاری (13/12/1398) [↑](#footnote-ref-258)
259. این دیدار به صورت گفتگوی زنده‌ی تلویزیونی برگزار شد. [↑](#footnote-ref-259)
260. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «و در حقیقت، در میان هر امّتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] "خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید"...» [↑](#footnote-ref-260)
261. از جمله سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۶۵؛ «... ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست...» [↑](#footnote-ref-261)
262. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی۲۵؛ «... تا مردم به انصاف برخیزند...» [↑](#footnote-ref-262)
263. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۷؛ «... قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم...» [↑](#footnote-ref-263)
264. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۱۳؛ «... پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [ خود ] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند...» [↑](#footnote-ref-264)
265. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۴۷؛ «و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند...» [↑](#footnote-ref-265)
266. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۴۴؛ «... آنان خود کافرانند» [↑](#footnote-ref-266)
267. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «... آنان خود ستمگرانند» [↑](#footnote-ref-267)
268. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۴۷؛ «... آنان خود نافرمانند» [↑](#footnote-ref-268)
269. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۴۶؛ «پیامبرشان به آنان گفت: "در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است."» [↑](#footnote-ref-269)
270. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۴۷؛ «آنگاه که به پیامبری از خود گفتند: "پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم"» [↑](#footnote-ref-270)
271. سوره‌ی فرقان، بخشی از آیه‌ی ۳۱ [↑](#footnote-ref-271)
272. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آن‌ها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می‌کنند...» [↑](#footnote-ref-272)
273. نهج‌البلاغه، خطبه‌‌‌‌ی ۱ (با اندکی تفاوت) [↑](#footnote-ref-273)
274. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸ (با اندکی تفاوت) [↑](#footnote-ref-274)
275. سوره‌ی فرقان، بخشی از آیه‌ی ۳۱؛ «... برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم...» [↑](#footnote-ref-275)
276. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۲؛ «... این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند...» [↑](#footnote-ref-276)
277. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۸ [↑](#footnote-ref-277)
278. سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۹؛ «فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز میدارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند...» [↑](#footnote-ref-278)
279. از جمله، بیانات در دیدار کارگزاران نظام (11/8/1382) [↑](#footnote-ref-279)
280. سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۱ [↑](#footnote-ref-280)
281. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...» [↑](#footnote-ref-281)
282. سوره‌ی عصر، آیات ۲و۳؛ «واقعا انسان دستخوشِ زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حقّ سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.» [↑](#footnote-ref-282)
283. از جمله، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان علمی کشور (4/6/1388) [↑](#footnote-ref-283)
284. اشاره به بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسّط آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی [↑](#footnote-ref-284)
285. اشاره به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در سفارت عربستان در ترکیه [↑](#footnote-ref-285)